



هویت معارف جنگ
شهید سید علی حسینی

گفتمان ارتشی دفاع مقدس

مجموعه مقالات علمی ترویجی (۱)

چگونه ارتش عراق پشت رودخانه‌های کرخه و کارون متوقف شد؟

سر تیپ ستاد سید ناصر حسینی

شاپک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۲۹-۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۹۶۰۳۵
عنوان و نام پدیدآور	: گفتمان ارتشی دفاع مقدس : مجموعه مقالات علمی ترویجی / سید ناصر حسینی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: چهارده، ۳۴۰ ص.: مصور، جدول.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- ارتش -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	: Iran-Iraq war, 1980-1988 -- Army -- Addresses, essays, lectures
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳
رده بندی کنگره	: DSR۱۵۹۴/ح۵گ۷ ۱۳۹۵
سرشناسه	: حسینی، سیدناصر، ۱۳۳۸ -، گردآورنده
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا

گفتمان ارتشی دفاع مقدس

گردآورنده: سرتیپ ستاد سید ناصر حسینی

نوبت و سال چاپ: اول/۱۳۹۶

شاپک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۲۹-۷

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: انتشارات ایران سبز

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پستی: ۵۵۴ - ۱۹۵۷۵

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» محفوظ است.

" از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند. "

" جنگ تحمیلی شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهنای جهان منتشر نمود. "

امام خمینی(ره)

" می‌خواهم بگویم که این جنگ یک گنج است. آیا ما خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال جنگ، بایستی تاریخ ما را تغذیه کند. "

" دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی، پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است، روایت آن جهاد نیز مقدس و جهاد است. "

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

تقدیم به:

**رزمندگان دوران دفاع مقدس، به ویژه شهیدان سرافراز و جانبازان
مقاوم و اسرای رنج‌دیده و همه مدافعان میهن اسلامی که در راه دفاع از
آرمان‌های انقلاب اسلامی و سربلندی ایران عزیز از جان خود گذشتند و
مجاهدت و شهادت در راه خدا را برگزیدند.**

و تقدیم به:

**تمامی آنانی که تاریخ را برای پندآموزی و به‌کارگیری تجارب آن
می‌خوانند تا در گذشته نمانند و در آینده از پندهای آن استفاده نمایند.**

برای مقابله با دشمنان بلاستی ما چه ارتشی، چه سپاهی و چه بسیجی یه واحد و قدرت واحد باشیم.

«شهید سپید علی صیاد شیرازی - ۱۳۶۴/۱۱/۲۶»

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا)

رضا جهان‌فر

حمید حسن‌پور

سید ناصر حسینی

آرش سرابی تبریزی

شاهرخ سلیمانی سوادکوهی

محسن شجاعی

محمد رضا شیخ

سورنا کیانی

همکاران

رئیس هیئت تحریریه

بررسی و آماده‌سازی تا مرحله نشر

سردبیر

سرטיפ ستاد سید ناصر حسینی

سرטיפ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

سرهنگ علی سجادی انصاری

تهیه‌کننده و ویراستار

حروف‌نگاری

ویرایش ادبی

صفحه‌آرایی

ستوان دوم وظیفه آرش سرابی تبریزی

بنیامین عباسی

الهه آموزگار

حامد خدمتی

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آن‌ها به سینه‌های پاك و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

«هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳ با همت والای امیر سرافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیادشیرازی» شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ با تصویب کربمانه و حمایت‌های مادی و معنوی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله)، مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، به صورت رسمی این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است که با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»، با صداقت و تلاش دسته‌جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخارآمیز را که با گرایش «پژوهشی - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

➤ شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد از سال ۷۳ تا سال ۷۸ بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیزت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشت‌های تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیت‌های تلخ و شیرین را گردآوری نموده است. هیئت معارف جنگ از سال ۷۸ تا پایان شهریورماه ۹۶ بیش از ۱۴۰ عنوان کتاب مستند درباره وقایع هشت سال دفاع مقدس منتشر نموده است.

➤ آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و میدانی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۲ برای کلیه دانشگاه‌های افسری زمینی، هوایی، دریایی و فارتیج.ا.ا. به اجرا در آمده و تا پایان شهریورماه ۱۳۹۶ بیش از ۲۷ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش داده است. از سال ۱۳۹۴، آموزش معارف جنگ برای دانشجویان سال ۳ دانشگاه قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء (ص) نیز به اجرا درآمد.

➤ هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۷ آموزش کارکنان وظیفه در مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود و این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیزت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ ساعت آموزش معارف جنگ را برابر برنامه آموزشی طی نموده که تا پایان شهریورماه ۱۳۹۶، بیش از ۳۵۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

➤ از سال ۱۳۹۰ افسران دوره عالی رسته‌ای، در هر دوره به مدت ۸ ساعت و تا پایان شهریورماه ۹۶ تعداد ۵۶۳۴ نفر آموزش معارف جنگ را طی نموده‌اند.

➤ از بهمن سال ۱۳۹۳ تا پایان شهریورماه ۱۳۹۶، بیش از ۳۰۰ هزار نفر سربازان دیپلم و زیر دیپلم نیز در هر دوره به مدت ۸ ساعت تحت آموزش معارف جنگ قرار گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیادشیرازی»

فهرست

۱	پیشگفتار
۳	گفتمان ارتشی دفاع مقدس
۳	چکیده
۴	۱. مقدمه
۵	۲. طرح‌های قبل از انقلاب ارتش در مقابل عراق
۶	۳. شرایط سیاسی - نظامی کشور قبل از آغاز جنگ ایران و عراق
۹	۴. طرح‌های دفاعی ارتش قبل از آغاز جنگ ایران و عراق
۱۰	۵. طرح نبرد البرز در آبان ۱۳۵۸ (نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران)
۱۲	۶. طرح ذوالفقار در شهریور ۱۳۵۹ (نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران)
۱۳	۷. کودتای نافرجام نقاب
۱۴	۸. علل تضعیف قدرت دفاعی و شکست قدرت بازدارندگی قبل از جنگ تحمیلی
۱۶	۹. اقدامات ارتش پس از حمله ارتش عراق در جهت تثبیت دشمن
۱۷	۱۰. تاریخ ورود یگان‌های نیروی زمینی به منطقه جنوب
۱۹	۱۱. اقدامات مهم ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ
۲۱	۱۲. دستور امام خمینی(ره) به جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش
۲۲	۱۳. اقدامات ارتش در سال دوم جنگ
۲۴	۱۴. سال سوم تا پایان جنگ (تنبیه متجاوز)
۲۷	۱۵. روند تضعیف ارتش ایران و تقویت ارتش عراق در شش سال پایانی جنگ
۳۰	۱۶. مرحله پایان جنگ سال ۱۳۶۷
۳۱	۱۷. عملیات مرصاد در پاسخ به فروغ جاویدان (منافقین)
۳۳	۱۸. نتیجه‌گیری
۳۴	۱۹. منابع
	عملیات پدافندی نزا جا در مورخه ۵۹/۷/۱ در آغاز جنگ تحمیلی در مقابل ارتش عراق
۳۷	در محور شمال خوزستان یک عملیات برای سد پیشروی و تثبیت دشمن بود.
۳۷	چکیده
۳۸	۱. مقدمه
۳۹	۲. جغرافیای عمومی استان خوزستان

۴۰. ۳. نقاط قوت و قابلیت‌های استان
۴۲. ۴. توپوگرافی
۴۳. رودخانه‌ها و منبع آب‌های مهم سطحی استان
۴۴. ۵. جغرافیای نظامی استان خوزستان
۴۴. محورهای تهدید استان خوزستان
۴۵. ۶. آغاز تهاجم نیروهای مسلح عراق به کشور جمهوری اسلامی ایران
۴۸. ۷. معابر تهاجم عراق به استان خوزستان
۴۸. الف) معبر جنوبی
۴۹. ب) معبر میانی
۵۲. ج) منطقه شمالی (غرب دزفول)
۵۳. ۸. نحوه پیشروی ارتش عراق از محور فکه و عین‌خوش تا رودخانه کرخه
۵۵. ۹. عملیات تأخیری
۵۵. ۱۰. کرخه نقطه عطف پیروزی
۵۷. ۱۱. طرح عملیاتی دفاعی ابوذر
۵۹. ۱۲. چگونگی تثبیت دشمن در هفته اول جنگ در کرخه
۱۳. نقش نیروی هوایی، هوانیروز و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی در دفاع از محور شمالی خوزستان (پای پل کرخه)
۶۸. ۱۴. نتیجه‌گیری
۷۱. ۱۵. منابع
۷۳. هدف عراق از تهاجم به غرب کشور در ۳۱ شهریور ۵۹ دفاع از بغداد بود
۷۳. چکیده
۷۴. مقدمه
۷۵. ۲. جغرافیای نظامی استان کرمانشاه
۷۷. ۳. جغرافیای راهبردی استان کرمانشاه
۷۷. ۴. نقش ارتفاعات مرزی استان کرمانشاه در اهداف سیاسی و امنیتی
۷۸. ۵. نقش معابر ارتباطی و ارتفاعات مناطق مرزی استان ایلام در تأمین اهداف سیاسی و امنیتی
۷۹. ۶. تجاوزات مرزی عراق در استان کرمانشاه قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی
۸۰. ۷. هجوم گسترده عراق به مرزهای استان کرمانشاه
۸۸. ۸. عقب‌نشینی عراق از مواضع غرب کشور در سال ۱۳۶۱

۹۲	۹. نتیجه‌گیری
۹۵	۱۰. منابع
	بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ تحمیلی با
۹۷	تأکید بر منطقه عملیاتی جنوب کشور
۹۸	۱. مقدمه
۹۹	۲. بیان مسئله
۱۰۰	۳. اهمیت و ضرورت طرح مسئله و نگارش مقاله
۱۰۱	۴. هدف تحقیق
۱۰۱	۵. نوع و روش تحقیق
۱۰۲	۶. جامعه آماری و جامعه نمونه
۱۰۲	۷. روش و ابزار گردآوری داده‌ها
۱۰۲	۸. مبانی نظری تحقیق
	۹. آشنایی با برخی از سامانه‌ها و تجهیزات دفاع هوایی جمهوری اسلامی ایران در ابتدای جنگ
۱۰۴	تحمیلی
۱۰۵	سامانه پدافند هوایی هوپا پاه
۱۰۶	معرفی یکی از سامانه‌های پدافند هوایی دریا پابه
۱۱۱	روزشمار هفته اول دفاع مقدس از منظر پدافند هوایی در منطقه عملیاتی جنوب کشور
	۱۰. جلوه دیگری از عملکرد پدافند هوایی در منطقه عملیاتی جنوب؛ حمایت از گردان ۲۸۳ در
۱۱۶	هفته اول جنگ تحمیلی
	۱۱. بعد دیگری از ابعاد وظایف هدایت هواپیماهای طرح پدافندی علیه هواگردهای متجاوز توسط
۱۱۷	افسران کنترل شکاری
۱۱۷	۱۲. یاران پدافندی مقام معظم رهبری در سوسنگرد
	۱۳. بازخوانی استقامت و ایستادگی پدافند هوایی زمین به هوا در عملیات‌های سال اول در
۱۱۸	منطقه جنوب و غرب
	۱۴. نقش پدافند هوایی در عملیات‌های تثبیت متجاوز در منطقه عملیاتی جنوب و غرب (سال
۱۱۸	اول جنگ تحمیلی)
۱۲۰	۱۵. نتیجه‌گیری
۱۲۱	۱۶. منابع

نقش هوانیروز در سال اول جنگ تحمیلی با تأکید بر کمک به تثبیت متجاوز از طریق

- ۱۲۳ انهدام نیروی دشمن
- ۱۲۴ ۱. مقدمه
- ۱۲۷ ۲. آغاز فعالیت
- ۱۳۰ ۳. ورود هوانیروز به مناطق عملیاتی جنوب (خوزستان)
- ۱۳۰ ۴. فعالیت‌های هوانیروز در روزهای اول جنگ
- ۱۳۲ ۵. خدمات هوانیروز در دفاع مقدس از منظر سرتیپ کیومرث احدی، فرمانده اسبق هوانیروز
- ۱۳۳ ۶. شرح بخشی از فعالیت‌های هوانیروز به روایت خلبانان و فرماندهان
- ۱۳۳ ۷. حضور سرلشکر شهید خلبان منصور وطن‌پور و فعالیت‌های وی در اهواز
- ۱۳۴ ۸. نقش هوانیروز در عملیات پدافندی سوسنگرد (۱۳۵۹/۶/۳۱ الی ۱۳۵۹/۷/۷)
- ۱۳۶ ۹. نقش هوانیروز در عملیات پدافندی کرخه - شوش (۱۳۵۹/۶/۳۱)
- ۱۳۸ ۱۰. هوانیروز در عملیات پدافندی شمال آبادان (ایستگاه حسینیه)
- ۱۳۹ ۱۱. نقش هوانیروز در عملیات پدافندی پای پل کرخه (۵۹/۸/۹)
- ۱۴۰ ۱۲. نقش هوانیروز در عملیات آفندی نصر (۵۹/۱۰/۱۵)، منطقه جنوب غربی اهواز - دب حردان
- ۱۴۱ ۱۳. عملیات آفندی توکل در منطقه عملیات جاده آبادان - ماهشهر (۵۹/۱۰/۲۰)
- ۱۴۳ ۱۴. حضور هوانیروز در منطقه عمومی میشداغ
- ۱۴۴ ۱۵. عملیات آفندی تپه‌های الله اکبر در شمال غرب سوسنگرد (۱۳۶۰/۱/۳۱)
- ۱۴۴ ۱۶. حضور هوانیروز در عملیات آفندی تپه‌های انگوش، زعن در غرب شوش
- ۱۴۵ ۱۷. عملیات آفندی زعن در منطقه عملیاتی غرب شوش (۱۳۶۰/۲/۳۱)
- ۱۴۶ ۱۸. عملیات آفندی فرمانده کل قوا خمینی روح خدا در منطقه شرق کارون، منطقه بین دارخوین و سلیمانیه (۶۰/۳/۲۱)
- ۱۴۶ ۱۹. عملیات آفندی جاده ماهشهر - آبادان
- ۱۴۶ ۲۰. عملیات آفندی طراح در منطقه عمومی کرخه کور (۶۰/۵/۵)
- ۱۴۸ ۲۱. یافته‌های تحقیق
- ۱۴۹ ۲۲. نتیجه‌گیری
- ۱۵۱ ۲۳. منابع

بررسی آثار و پیامدهای شکست حصر سوسنگرد در زمینه دور کردن تهدیدات دشمن از اهواز در نتیجه حفظ سرزمین خوزستان و نقش نماینده حضرت امام(ره) در سال اول

- ۱۵۳ جنگ تحمیلی
- ۱۵۵ مقدمه
- ۱۵۷ انگیزه‌های ژئوپلتیک عراق برای جنگ
- ۱۵۷ دلایل نظامی عراق در تحمیل جنگ
- ۱۵۷ ۲. ادبیات نظری
- ۱۶۳ ۳. هجوم عراق به خوزستان
- ۱۷۹ ۴. عملیات آزادسازی سوسنگرد به نقل از مقام معظم رهبری (مدظله)
- ۱۸۰ ۵. ماجرای نامه رهبر معظم انقلاب به فرماندهان ارتش
- ۱۸۵ ۶. برکات عملیات سوسنگرد در چند محور خلاصه شده است
- ۱۸۶ ۷. نیروی هوایی در عملیات آزادسازی سوسنگرد
- ۱۸۶ ۸. تجزیه و تحلیل
- ۱۸۸ ۹. نتیجه‌گیری
- ۱۸۹ ۱۰. منابع
- ۱۹۳ تحلیل اثربخشی مأموریت‌های نیروی هوایی ارتش ج.ا.ا در شکست حصر سوسنگرد
- ۱۹۴ ۱. مقدمه
- ۱۹۶ ۲. وضعیت نیروهای سطحی در منطقه عملیاتی سوسنگرد
- ۱۹۸ ۳. عملیات شناسایی رزمی و پشتیبانی هوایی
- ۲۰۰ ۶. عملیات‌های نهاجا در راستای شکست حصر سوسنگرد در تاریخ ۲۲ و ۲۳ آبان ۵۹
- ۲۰۵ ۷. صدور دستور ایجاد دسک هوایی در سطح لشکرها و قرارگاه‌های نیروی زمینی (در ۵۹/۸/۲۳)
- ۲۰۶ ۸. عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن در تاریخ ۵۹/۸/۲۴
- ۲۰۷ ۹. عملیات شناسایی هوایی در تاریخ ۵۹/۸/۲۵
- ۲۰۹ ۱۰. عملیات شناسایی هوایی در تاریخ ۵۹/۸/۲۶
- ۲۱۱ ۱۱. عملیات شناسایی هوایی در تاریخ ۵۹/۸/۲۷
- ۲۱۳ ۱۲. تحلیل عملیات‌های هوایی انجام‌شده نهاجا از ۲۲ تا ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۵۷
- ۲۱۴ ۱۳. یافته‌های تحقیق
- ۲۱۵ ۱۴. تحلیل مهمات مصرفی نهاجا از ۲۲ تا ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۷

۲۱۷. یافته‌های مهمات مصرف‌شده در منطقه عملیاتی سوسنگرد
۲۱۸. یافته‌های سقوط هواپیماها در عملیات آزادسازی سوسنگرد
۲۱۹. بحث و نتیجه‌گیری
۲۲۲. منابع

مطالعه تطبیقی نقش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات آزادسازی

۲۲۵. سوسنگرد با عناصر قدرت هوایی
۲۲۵. چکیده
۲۲۷. ۱. مقدمه
۲۲۸. ۲. بیان مسئله
۲۲۸. ۳. اهمیت و ضرورت تحقیق
۲۲۹. ۴. اهداف تحقیق
۲۳۴. ۵. عملیات آزادسازی سوسنگرد
۲۳۶. ۶. مهمات هوایی استفاده‌شده در عملیات آزادسازی سوسنگرد
۲۳۷. ۷. تجزیه و تحلیل محیط تحقیق
۲۳۹. ۸. نتیجه‌گیری
۲۴۲. ۹. منابع

تحلیل مرحله یکم عملیات بازی دراز از دیدگاه اصول جنگ و عملیات آفندی

۲۴۴. ۱. مقدمه
۲۴۴. ۲. اهداف تحقیق
۲۴۵. ۳. اهداف اجرای عملیات بازی دراز
۲۴۵. ۴. گسترش یگان‌های دشمن در منطقه عملیاتی سرپل ذهاب، قصر شیرین و گیلانغرب
۲۴۶. ۵. گسترش یگان‌های خودی در منطقه عملیاتی سرپل ذهاب، قصر شیرین و گیلانغرب
۲۴۶. ۶. نقش پایگاه هوانیروز کرمانشاه در عملیات بازی دراز
۲۴۷. ۷. شرح اجمالی طرح عملیاتی محسن

آنچه در اولین مرحله عملیات بازی دراز گذشت

۲۴۸. اهم رویدادهای نخستین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۲)
۲۴۹. اهم رویدادهای دومین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۳)
۲۵۰. اهم رویدادهای سومین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۴)

۲۵۱	اهم رویدادهای چهارمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۵)
۲۵۳	اهم رویدادهای پنجمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۶)
۲۵۴	اهم رویدادهای ششمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۷)
۲۵۵	اهم رویدادهای هفتمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۸)
۲۵۷	اهم رویدادهای هشتمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۹)
۲۵۹	۸. درک صحیح مأموریت و نیت رده بالاتر از اجرای عملیات
۲۶۱	۹. حفظ دور تک، در دست داشتن ابتکار عملیات و هدایت تک به عمق منطقه دشمن
۲۶۲	۱۰. انعطاف‌پذیری و حفظ آمادگی لازم جهت واکنش بموقع و مناسب در برابر وضعیت‌های غیرمترقبه
۲۶۲	۱۱. پیش‌بینی پشتیبانی متحرک و مداوم
۲۶۲	۱۲. نحوه به‌کارگیری اصول نه‌گانه جنگ در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز چگونه است؟
۲۶۶	۱۳. نتیجه‌گیری
۲۶۷	۱۴. منابع

نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت ملی و ثبات داخلی، به ویژه در

۲۶۹	کردستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران
۲۶۹	چکیده
۲۷۰	۱. مقدمه
۲۷۲	۲. تعاریف
۲۷۴	۳. تحولات ارتش در بدو پیروزی انقلاب اسلامی و مأموریت‌های آن در کردستان
۲۷۶	۴. بحران در سنندج
۲۷۹	۵. ورود نیروهای کمکی به پادگان سنندج
۲۸۰	۶. ورود هیئت مذاکره‌کننده دولتی به شهر سنندج
۲۸۳	۷. وضعیت شهر سنندج و نیروی نظامی در آن ایام
۲۸۴	۸. تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه به فرماندهی سرهنگ علی صیادشیرازی
۲۸۶	۹. عملیات عمده انجام‌شده در مرحله دوم
۲۸۶	۱۰. بحران در پاوه
۲۸۶	چگونگی آغاز غائله پاوه
۲۸۷	اهمیت شهر پاوه از دیدگاه شهید بزرگوار فلاحی
۲۸۸	ورود شهید فلاحی به صحنه درگیری

۲۹۲	۱۱. نتایج و یافته‌ها
۲۹۴	۱۲. منابع
۲۹۵	راهبردها و محورهای عملیات روانی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس
۲۹۵	چکیده
۲۹۶	۱. مقدمه
۲۹۷	۲. تعاریف
۲۹۸	۳. اهداف عملیات روانی در دفاع مقدس
۲۹۹	۴. سطوح عملیات روانی در دفاع مقدس
۳۰۰	۵. ابزارهای عملیات روانی در دفاع مقدس
۳۰۱	۶. محورهای عملیات روانی جمهوری اسلامی در دفاع مقدس
۳۰۳	۷. محورهای عملیات روانی عراق علیه ایران
۳۰۵	۸. راه کارهای ایران به منظور رویارویی با عملیات رسانه‌ای غرب
۳۰۶	۹. نتیجه‌گیری
۳۰۶	۱۰. منابع
۳۰۸	پیوست ۱: نمونه اعلامیه‌های استفاده شده ایران علیه عراق
۳۱۱	پیوست ۲: نمونه اعلامیه‌های استفاده شده عراق علیه ایران
۳۱۳	الگوی فرماندهی شهید سپهبد علی صیادشیرازی در دفاع مقدس
۳۱۳	چکیده
۳۱۴	۱. مقدمه
۳۱۴	۲. منش فرماندهی
۳۱۷	۳. تصمیم‌گیری
۳۱۹	۴. طراحی و برنامه‌ریزی
۳۲۰	۵. سازماندهی
۳۲۱	۶. هماهنگی و وحدت
۳۲۳	۷. کنترل و نظارت
۳۲۳	۸. نتیجه‌گیری
۳۲۵	۹. منابع

پیشگفتار

هشت سال دفاع مقدس دوره‌ای پرمحنت، ولی افتخارآمیز برای ملت ایران بود.^۱ امروز تاریخ‌نگاری جنگ و ثبت تجارب و دستاوردهای دفاع مقدس و انتقال آن به نسل‌های آینده بر اقتدار نظامی و توان دفاعی کشور خواهد افزود. ارتش و نیروی مسلح کشورهایی که جنگی را تجربه کرده‌اند، در نگاه جهانیان ارزش ویژه‌ای دارند. اکنون که بیش از ربع قرن از پایان جنگ ایران و عراق می‌گذرد، سوابق آن همچنان برای ملت ایران هویت‌ساز و افتخار آفرین است و به واسطه این دفاع ارزشمند نگاه جهانیان نیز به ملت ایران همراه با بزرگی و احترام می‌باشد.

گفتمان ارتشی دفاع مقدس چهارچوبی است برای توصیف، تجزیه و تحلیل، نقد، بحث و بررسی پیرامون عملیات‌های انجام شده در دوران دفاع مقدس، مبتنی بر اسناد موجود، روایت فرماندهان ارتش و رویکردهای حرفه‌ای (علمی - نظامی) به مقوله جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران. دلیل اصلی چنین رویکردی این است که در ادبیات دفاع مقدس، تاریخ‌نگاری و وقایع‌نگاری جنگ با روش‌ها، سلايق، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی انجام شده است. برخی نویسندگان صرفاً با رویکرد حماسی به حوادث جنگ ایران و عراق پرداخته و خاطرات رزمندگان را بسیار جذاب منتشر نموده‌اند. برخی دیگر با نگاه محدود صنفی، عملیات‌ها و وقایع را تحلیل نموده‌اند. متأسفانه گاهی این رویکردها عاملی برای اختلاف و تکدر خاطر برخی دیگر از رزمندگان گردیده و باعث کم‌رنگ جلوه دادن فعالیت گروه و یا ارگانی از نیروهای مسلح و رزمندگان شده و در برخی موارد نیز قوانین و آئین‌نامه‌های علمی و نظامی زیر سؤال رفته است. شاید علت اصلی و اساسی چنین نقیصه‌ای کم‌تجربگی یا کمبود اطلاعات از طرح‌ها، آئین‌نامه‌ها و قوانین علمی - نظامی و عدم اشراف نسبت به موضوعات کلان و امور دفاعی کشور بوده است. در عین حال، از آنجا که امروزه اسناد مربوط به دفاع مقدس فاقد هرگونه طبقه‌بندی اعلام شده، وقت آن است که با دیدگاهی علمی و آکادمیک و به طور واقع‌گرایانه به جزئیات عملیات‌های جنگ ایران و عراق، به عنوان افتخارآمیزترین پدیده تاریخ معاصر ملت ایران پرداخته شود.

۱. مقام معظم رهبری.

در این کتاب، برای بحث و بررسی علمی و مستند عملیات‌ها و تحقیق و پژوهش پیرامون حوادث و وقایع جنگ تحمیلی از فرمت مقالات علمی - ترویجی استفاده شده و سعی بر این است که از تمامی اسناد منتشر شده و موجود دفاع مقدس بهره‌برداری شود. در این مقالات، تحلیل‌ها نیز مبتنی بر اسناد و روایات مستدل و مستند خواهد بود. در واقع، در این گونه مقالات، محققین و نویسندگان ضمن مرور اطلاعات منتشرشده و بررسی اسناد و آمار و با کنار هم چیدن آنها مفاهیم علمی و نظامی را استنتاج و استنباط نموده و به نتایج درخور توجهی می‌رسند و بعضاً آموزه‌های جدیدی را تجربه می‌نمایند. طبیعی است سطح یک مقاله علمی - ترویجی یک مرتبه نسبت به مقالات علمی - پژوهشی پایین‌تر است. لیکن مطابق تعریف، اینگونه مقالات معمولاً به دنبال کشف حقایق و بخشی از معارف است. نویسنده با یک تلاش نظام‌مند علمی، به روش کتابخانه‌ای و میدانی به منظور روشن شدن حقایق اقدام می‌نماید. شایان ذکر است که اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخش یک مقاله همانا انتخاب موضوع است که در حقیقت، موضوع مقاله سؤال اصلی پژوهشگر و دغدغه ذهنی او می‌باشد و محقق درصدد نظریه‌پردازی و نوآوری است که در قالب یک مقاله علمی - ترویجی بایستی به صورتی کاملاً مستند، جذاب و با قابلیت اثبات، همراه با تجزیه و تحلیل و ارزیابی تهیه شود. درعین حال، هیئت تحریریه امیدوار است مقالات ارائه شده از چنین خصوصیتی برخوردار باشد و در آینده نیز مجلدات دیگری به این مجموعه افزوده گردد. در پایان، از کلیه نویسندگان و محققانی که مقالات خود را جهت انتشار در اختیار قرار دادند و همچنین از کلیه همکاران در هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی، به ویژه جناب ستوان دوم وظیفه آرش سرابی، که مساعدت کردند تا این مجموعه جمع‌آوری و منتشر گردد، تشکر و قدردانی می‌نمایم. همین‌طور تشکر ویژه خود را از امیر سرتیپ آراسته، ریاست محترم هیئت معارف جنگ، که کلیه سطور این مجموعه را با دقت بازخوانی کرده و نظریات اصلاحی خود را مرقوم فرمودند اعلام نمایم. از خوانندگان محترم نیز تقاضا می‌کنم که برای پربارتر شدن این مجلد و مجلدات آتی نظرات و پیشنهادات ارزشمند خود را با ما در میان بگذارند.

سید ناصر حسینی

اسفند ۱۳۹۴

گفتمان ارتشی دفاع مقدس

سید ناصر حسینی^۱ - آرش سرابی تبریزی^۲

چکیده

«جنگ عراق علیه ایران»، «جنگ تحمیلی» و «دفاع مقدس» هر سه اصطلاحی است که برای جنگ هشت ساله ایران و عراق به کار می‌رود. این جنگ در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز گردید و در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ با پذیرش و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل پایان گرفت. در حین و پس از جنگ ایران و عراق، نویسندگان، تحلیل‌گران و محققان داخلی و خارجی، مطالب فراوانی به رشته تحریر درآوردند که در رسانه‌های مختلف منتشر گردیده است. یک آمار حاکی از این است که بیش از ده هزار عنوان کتاب و هزاران مقاله و سخنرانی در داخل ایران درباره این موضوع بسیار مهم ملی، منطقه‌ای و جهانی به زیور طبع آراسته شده و منتشر گردیده است. بیش از این آمار نیز کتاب و مقاله و سخنرانی در رسانه‌های جهانی و منطقه‌ای منتشر شده است. با نگاهی به مطالب منتشر شده در داخل کشور، به این نتیجه می‌رسیم که تاریخ‌نگاری و وقایع‌نگاری جنگ ایران و عراق با نگاه‌ها و منظوره‌های متفاوتی انجام شده و در یک کلام، در بسیاری از موارد، تاریخ‌نگاری و وقایع‌نگاری جنگ با اتفاقات و وقایع رخ داده جنگ مطابقت ندارد و اگر نگوئیم این وقایع‌نگاری دچار غرض‌ورزی و تحریف گشته، حداقل می‌توان گفت که بسیاری از این اتفاقات نظامی با دید کارشناسانه مکتوب و منتشر نشده است. شاید بتوان به این گمانه نیز پناه برد که محققین و نویسندگان مزبور به اسناد رسمی و دقیق‌تر دسترسی نداشته و صرفاً با اطلاعات و دیدگاه‌های خود به وقایع جنگ تحمیلی نگاه کرده‌اند. در هر صورت، این مقاله درصدد است تا مبتنی بر راهبردها، اسناد رسمی و نظامی کشور و با دیدگاه فرماندهان و کارشناسان ارتشی، گفتمانی را معرفی نماید که توصیف‌ها و تحلیل‌ها، مستند و مستدل به این اسناد و روایت‌های کارشناسانه و معتبر باشد.

واژگان کلیدی: گفتمان ارتشی، طرح ابوذری، طرح حر، جنگ ایران و عراق، تاریخ‌نگاری

۱. سرتیپ ستاد سید ناصر حسینی، دانش‌آموخته دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیئت علمی دافوس آجا.

۲. ستوان آرش سرابی تبریزی، کارشناس ارشد دانشگاه امام حسین(ع).

۱. مقدمه

ایران کشوری است با تاریخ چند هزار ساله که حداقل ۳۰۰۰ سال بر پهنه جغرافیای جهان تاریخ مدون دارد. تاریخ نظامی ایران نیز در دوره‌های مختلف، جنگ‌های فراوانی را روایت می‌کند که سرشار از پیروزی‌ها و شکست‌هاست؛ اما همین که بعد از ۳۰۰۰ سال، ایران به عنوان یک واحد سیاسی هنوز بر پهنه جغرافیای جهان حضور دارد، نشان از برآیند مثبت عملکرد مدافعان و فرزندان رزمنده ایرانی دارد که در طی این دوره طولانی از کشور خود به خوبی دفاع کرده‌اند. اگرچه داشتن ارتشی مجهز، سازمانی و ساختاربندی شده، فقط در دوره‌های قبل از اسلام (ساسانیان و قبل از آن)، بعد در دوران صفویان و پهلوی دارای سابقه می‌باشد، ولی علوم و تجارب نظامی در کشور طبیعتاً سینه به سینه و صورت به صورت از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. البته در حال حاضر، سوابقی از دوره قاجار وجود دارد که فرماندهان و مدیران راهبردی کشور تلاش کرده‌اند تا ارتشی مدرن، ضابطه‌مند و مبتنی بر قاعده و قانون و دارای آئین‌نامه در کشور ایجاد نمایند که عمده این تلاش‌ها مرهون اندیشه و اقدام امیرکبیر می‌باشد. بنابراین، طبیعی است که تجربیات و علوم نظامی را در سازمانی با همین عنوان جمع‌آوری کرده و متمرکز نمایند. این سوابق باقی‌مانده از دو قرن پیش، مشخص می‌نماید که برای رسیدن به این منظور و تحصیل علوم نظامی و تقویت قوای دفاعی، مسئولین کشور برخی دانشجویان و صاحب منصبان را به سایر کشورها اعزام نموده و یا از استادان و کارشناسان بیگانه برای فراگیری و آموزش دانش نظامی دعوت به عمل آورده‌اند. بنابراین، نظامی‌گری، علوم و دانش نظامی جدید در داخل کشور حداقل دارای پیشینه دویست ساله است. دقیقاً از زمانی که نیروهای مسلح ایرانی به دلیل نداشتن یک ارتش منسجم، مجهز و پیشرفته، در مقابل تزارهای روس شکست را پذیرا شدند و به همان دلیل سلطه بیگانگان بر کشور فزونی گرفت، این دغدغه ذهنی برای مدیران و فرماندهان عالی کشور همواره وجود داشته است که چگونه می‌توانند در امور نظامی تخصص و مهارت پیدا کنند و ارتشی مدرن داشته باشند؟ لذا برای این منظور، مسئولین کشور بیشتر به سمت کارشناسان، مشاوران و متخصصین کشورهای بیگانه متمایل بوده‌اند. این سوابق از ورود ژنرال گاردان فرانسوی به ایران در زمان عباس میرزا تا استخدام مشاوران اروپایی، تأسیس دارالفنون، مدرسه نظام، تشکیل نیروی قزاق به وسیله قزاق‌های روس، آموزش و تشکیل ژاندارمری توسط افسران سوئدی تا تأسیس دانشگاه جنگ و دانشکده افسری برای تربیت افسران و فرماندهان به طور مفصل در اسناد نظامی موجود در کشور وجود دارد.

۲. طرح‌های قبل از انقلاب ارتش در مقابل عراق

تاریخ نظامی معاصر ایران نشان می‌دهد که از زمان به قدرت رسیدن امپراطوری عثمانی در غرب ایران، همواره سلسله‌های مختلف پادشاهی و سیستم حکومتی در ایران با همسایه غربی خود در حال کشمکش و اختلاف بوده و تا به امروز ۲۵ جنگ را روایت می‌کند، که هفت جنگ در قرن شانزدهم میلادی (یازدهم قمری)، نه جنگ در قرن هفدهم میلادی (دوازدهم قمری)، هفت جنگ در قرن هجدهم میلادی (سیزدهم قمری) و یک جنگ در قرن نوزدهم میلادی (چهاردهم قمری) و آخرین آن جنگ عراق علیه ایران در اواخر قرن بیستم (اوایل قرن پانزدهم قمری) اتفاق افتاده است. آنچه که در تاریخ به عنوان علت‌های اصلی برای بروز این جنگ‌ها گزارش شده، عمدتاً اختلافات ارضی و مرزی و قراردادهای کنسولی، فی ما بین ایران و همسایه غربی بوده است. دو کشور سال‌ها قبل از انقلاب اسلامی نیز روابط پرتنشی داشته‌اند. به همین دلیل، ارتش ایران در دهه‌های چهل و پنجاه هجری شمسی، تهدید اول خود را رژیم بعثی عراق می‌دانست و همواره رفتار ارتش این کشور را رصد می‌کرد و به دفعات برخوردهای مرزی با ارتش عراق را تجربه کرده بود و برای تقابل احتمالی طرح‌هایی را نیز در دست داشت که به نمونه‌هایی از آن و زمان تهیه آنها به شرح جدول شماره ۱ اشاره می‌شود:

ردیف	نام طرح	تهیه‌کننده	سال تهیه	ملاحظات
۱	پیکار شماره ۲	ستاد کل ارتش	۱۳۴۶	مصوب ۱۳۴۷
۲	ابومسلم خراسانی ۱ و ۲ و ۳	قرارگاه نیروی زمینی	۱۳۵۲	مصوب ۱۳۵۲ - ۱۳۵۶
۳	شاهین	قرارگاه نیروی دریایی	۱۳۴۸	به منظور کنترل اروند
۴	سبلان	قرارگاه نیروی هوایی	۱۳۵۲	به منظور پشتیبانی از طرح ابومسلم
۵	زاگرس	قرارگاه نیروی هوایی	۱۳۵۶	به منظور زمین‌گیر کردن ارتش عراق در خاک عراق
۶	عملیات روانی	ستاد کل ارتش	۱۳۵۵	علیه کشور عراق

جدول شماره ۱: طرح‌های راهبردی ارتش در مقابل عراق قبل از انقلاب

همچنین ارتش ایران قبل از انقلاب به دلیل موقعیت منطقه‌ای کشور، در عملیات‌های جنگی متعددی مانند جنگ‌های ظفار در کشور عمان، کمک نظامی به نخست وزیر پاکستان در جهت سرکوبی جدایی‌طلبان بلوچستان پاکستان، به عنوان نیروی حافظ صلح و ناظر بر آتش‌بس سازمان ملل در ویتنام، لبنان و سوریه (بعد از جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی) شرکت کرده و تجاری اندوخته بود. از طرفی، با توجه به عضویت ایران در پیمان‌هایی مانند سنتو و سیتو، کارکنان ارتش در تعدادی از رزمایش‌های منطقه‌ای و حتی رزمایش‌های برگزار شده توسط ناتو نیز شرکت می‌کردند.

۳. شرایط سیاسی - نظامی کشور قبل از آغاز جنگ ایران و عراق

با وجود عدم ثبات سیاسی و نظامی در ماه‌های اولیه بعد از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران در هنگام ورود به جنگ، برتری‌هایی داشت که کمتر مورد توجه سازمان‌های اطلاعاتی عراق قرار گرفت. این برتری‌ها عبارت بودند از:

(۱) عمق راهبردی ایران: به این مفهوم که شهرهای اصلی ایران و بیشتر تأسیسات مهم نفتی و حیاتی کشور در مناطقی دور از مرز با عراق قرار داشتند که دور از دسترس ارتش عراق بود.

(۲) وجود ارتش بزرگی که رژیم سابق ایران پیش از انقلاب آن را تشکیل داده بود. این ارتش برخی تسلیحات پیشرفته آمریکایی و غربی را به همراه انبوهی از تدارکات نظامی در اختیار داشت. در حالی که قابلیت و توانایی رزمی نیروهای نظامی به دلیل وقوع انقلاب لطمه خورده بود، ولی وجود سلاح‌ها و تجهیزات بی‌شمار در انبارها و نیز کادر آموزش دیده، توان نظامی و دفاعی بالقوه‌ای را برای کشور به وجود آورده بود که در دوره زمانی بسیار کوتاهی قابلیت بالفعل شدن را دارا بود.

(۳) تشکیل سپاه پاسداران در اردیبهشت ۱۳۵۸، نیروی بسیج و ارتش ۲۰ میلیونی که حضرت امام خمینی(ره) در ۵ آذر ۱۳۵۸ طی پیامی به تشکیل آن فرمان داد.

گفتمان ارتشی دفاع مقدس / ۷

۴) شور انقلابی مردم ایران بعد از پیروزی بر رژیم شاه موجب افزایش روحیه مردم و نیروهای مسلح گردیده بود. اگرچه در همین حال، نیروهای سه‌گانه ارتش با موانع متعددی جهت افزایش و حفظ آمادگی رزمی به شرح زیر روبه‌رو بودند:

۱.۴) توقف واردات هرگونه سلاح، مهمات یا قطعات یدکی از اصلی‌ترین منبع خرید سلاح ایران، یعنی امریکا، بعد از انقلاب، به ویژه بعد از تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران.

۲.۴) علیرغم عنایت و اعتماد امام(ره)، بی‌اعتمادی برخی از مسئولین انقلاب و مردم انقلابی به ارتش زمینه‌ای بود برای دخالت‌های افراد و سازمان‌های مختلف در تصمیمات فرماندهان ارتش و به دنبال آن عدم اعتماد به فرماندهان ارتش بعد از انقلاب، که همین وضعیت به نوعی بی‌ثباتی را در ارتش حاکم کرده بود. قابل ذکر است که از اول انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی پنج بار در سطح فرماندهی عالی ارتش تغییرات ایجاد شد و پنج رئیس ستاد مشترک ارتش به شرح جدول شماره ۲ در یک مدت کوتاه جابجا شدند.

ردیف	مشخصات	تاریخ انتصاب	مدت مسئولیت	حکم انتصاب	شغل پیشین
۱	سرلشکر محمودولی قرنی	۵۷/۱۱/۲۳	یک ماه و نیم	نخست وزیر وقت (بازرگان)	بازنشسته
۲	سرلشکر ناصر فرید	۵۸/۱/۸	کمتر از چهار ماه	نخست وزیر وقت (بازرگان)	فرماندهی دانشگاه پدافند ملی
۳	سرلشکر حسن شاکر	۵۸/۴/۳۰	پنج ماه	نخست وزیر وقت (بازرگان)	رئیس هیئت علمی دانشکده افسری
۴	سرلشکر محمدهادی شادمهر	۵۸/۱۰/۱	شش ماه	امام خمینی(ره)	معاون رئیس ستاد مشترک
۵	سرتیپ ولی‌الله فلاحی	۵۹/۴/۱	۱۴ ماه به عنوان جانشین و سرپرست سماجا	امام خمینی(ره)	فرمانده نزاجا

جدول شماره ۲: لیست رؤسای ستاد مشترک ارتش بعد از انقلاب تا قبل از جنگ ایران و عراق

۳.۴) کمبود شدید کادر افسران صف و ستاد که پس از سقوط شاه حدود ۱۲ هزار تن از آنان در رده‌های بالا به هر دلیل از خدمت رها گردیدند. (بدیهی است این امر به ضعف در سلسله مراتب فرماندهی و کنترل ارتش انجامید).

۴.۴) ضعف سامانه اداری و پشتیبانی، به ویژه در نیروی زمینی، سبب شد تا ارتش نتواند به سرعت از همان میزان تجهیزات و سلاح و قطعات یدکی که در اختیار داشت بهره‌برداری نماید و با توجه به اینکه سامانه انبارداری مکانیزه در نزاجا هنوز راه‌اندازی نشده بود، لذا پشتوانه نیروهای ارتش در این زمینه به گروه‌هایی بود که مأمور جستجو و ردیابی انبارها و زاغه‌های مهمات، سلاح و تجهیزات و قطعات یدکی داخل آنها بودند و به دلیل نبودن شناسنامه‌های لازم برای این انبارها و زاغه‌ها، جستجوها با دشواری‌های بسیاری همراه بود. (۵) خروج مستشاران نظامی از کشور می‌توانست محدودیت‌هایی را برای برخی یگان‌ها، به ویژه قسمت‌های فنی و عملیاتی در نیروی هوایی ایجاد نماید، اگرچه، فرصت بسیار ارزشمندی هم برای خوداتکایی و جهاد قطعه‌سازی و سازندگی ایجاد کرد که البته تا شروع جنگ تحمیلی زمان کمی برای انجام این امر بود.

شرایط سیاسی کشور قبل از آغاز جنگ تحمیلی بسیار بی‌ثبات و بحرانی بود و به دلیل بروز اختلاف بین جریان‌های فکری و ایدئولوژیکی، وحدت و انسجام ملی در بعد سیاسی - اجتماعی کم‌رنگ می‌نمود و هر گروه که در مناصبی قرار گرفته بودند، سعی می‌کردند تا اندیشه و تفکر خود را در صحنه سیاسی کشور حاکم نمایند. لیبرال‌ها و ملی‌گراها از یک سو، گروه‌های چپ و منافقین از سوی دیگر و نیروهای انقلابی و خط امامی در عرصه‌های مختلف در حال کشمکش بودند. در هر صورت، اختلاف بین مسئولین و رهبران سیاسی کشور شرایط عدم ثبات را حاکم کرده بود. اما با وجود بی‌ثباتی و تفرقه در سطح مسئولین کشور، ستاد مشترک ارتش تحت فرماندهی حضرت امام (ره) دستورالعمل خود را برای آمادگی نیروها در مقابل تهدیدات احتمالی در زمان سرلشکر شاکر، به شرح زیر صادر نمود:

دستورالعمل شماره ۹ - ۰۶ - ۰۱ - ۲۰۱ - ۱۵ مورخه ۸/۲۷ / ۱۳۵۸ اداره سوم (عملیات) ستاد مشترک
ارتش جمهوری اسلامی ایران
ارتش جمهوری اسلامی ایران با اعمال حاکمیت ملی در نقاط مختلف کشور در برابر تجاوزات احتمالی
دشمن از تمامیت ارضی ایران در منطقه غرب کشور دفاع می‌نماید.

دقیقاً بعد از صدور این دستورالعمل است که نیروهای سه‌گانه ارتش طرح‌های خود را برای دفاع از تمامیت ارضی کشور تهیه و به ستاد مشترک ارتش ارسال می‌نمایند.

۴. طرح‌های دفاعی ارتش قبل از آغاز جنگ ایران و عراق

طرح ابودر مربوط به نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در خرداد ۱۳۵۹ تهیه و به ستاد مشترک ارتش ارسال گردید. در این طرح، مأموریت دفاع اولیه نیروی زمینی در مقابل ارتش عراق به ترتیب از جنوب به لشکرهای سرزمینی ۹۲ زرهی اهواز، تیپ ۸۴ خرم‌آباد، لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه، لشکر ۲۸ پیاده کردستان و لشکر ۶۴ پیاده ارومیه واگذار شد.

«طرح ابودر» از سوی ارتش در ۷۶ صفحه در حالی به بنی صدر، رئیس‌جمهور (وقت)، ارائه شد که در آن، گزارش احتمالی حمله ارتش عراق بیان شده بود و ارتش مطابق آن، طرح‌هایی برای انجام مأموریت به شرح زیر برای مقابله با تهدیدات احتمالی داشت: «نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران از دالامیرداغ (مرز مشترک ایران و عراق و ترکیه) تا فاو (دهانه شط‌العرب در خلیج فارس) از مرز باختری ایران و عراق دفاع نموده و با استفاده از عناصری از لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد از رودخانه اروندرود دفاع می‌نماید. تیپ ۵۵ آماده می‌شود پس از ورود یگان‌های تقویتی به منطقه غرب بنا به دستور در سایر مناطق مورد تهدید، اعم از درون‌مرزی یا برون‌مرزی به کار رود، هم‌زمان با اجرای عملیات دفاعی در غرب با امکانات موجود در منطقه، مرز خاوری را از دهانه ذوالفقار تا گواتر پوشش می‌نماید.»

طرح ابودر برابر اصول جنگی، برای دفاع از مرزهای غربی کشور چهار مرحله پیش‌بینی کرده بود. نخست: با کشاندن دشمن به مواضع قابل دفاع، حرکت ارتش عراق را در رسیدن به اهدافش کند کرده و در مسیر او تأخیر ایجاد نماید تا ایستادگی بر این مواضع کمبود نیروی انسانی ما را جبران کند و در مراحل بعدی، با تثبیت دشمن (از حالت آفندی به حالت پدافندی در آوردن دشمن) او را فرسوده نموده و پس از شناسایی منطقه و استعداد دشمن نسبت به دفع متجاوز و انهدام او اقدام نماید. به همین منظور، عملیات و تک‌های محدودی طرح‌ریزی و اجرا شد. اما متأسفانه برخی، از این تک‌های محدود به عنوان عملیات‌های شکست‌خورده ارتش یاد می‌کنند. در واقع، افرادی که می‌گویند این عملیات‌ها شکست‌خورده هستند، یا از طرح‌های

ارتش بی‌خبرند و یا از مطالعات دفاعی و نظامی و اصول جنگ اطلاع کافی ندارند. در هر صورت، برابر طرح ابودر، مأموریت لشکر ۸۱ زرهی ابلاغ شد و لشکر ۹۲ زرهی نیز طرح حر را براساس طرح مزبور تهیه کرده و مأموریت‌ها را به یگان‌های خود ابلاغ کرده بود. روز ۲۶ شهریورماه نیز با توجه به قرائن و شواهد حمله عراق، نیروهای این دو لشکر به حرکت درآمدند و در منطقه دفاعی سرزمینی مستقر شدند. لشکر ۸۱ باید حدود ۳۵۰ کیلومتر را پوشش می‌داد و لشکر ۹۲ نیز مسئولیت پوشش منطقه‌ای به عرض حدود ۶۰۰ کیلومتر را بر عهده داشت. این در حالی است که در حالت استاندارد هر لشکر می‌تواند حداکثر در عرض ۳۰ کیلومتر پدافند نماید. جنگ زمینی از طرف عراق به صورت رسمی با پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام در ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شد. قابل ذکر اینکه طرح ابودر در اجراء، عملیات دفاع از مرزهای غربی ایران را در چهار مرحله (تأخیر، تثبیت، دفع، تعقیب و انهدام متجاوز) تعریف نموده بود که گزاره بند مأموریت در مرحله اول آن به شرح زیر می‌باشد:

نیروی زمینی دفاع را در منطقه با ۴ لشکر و یک تیپ پیاده در منطقه دفاعی مقدم از شمال باختری تا جنوب اجرا می‌نماید. لشکر ۶۴ پیاده و لشکر ۲۸ پیاده به ترتیب در شمال، لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده در مرکز و لشکر ۹۲ زرهی در جنوب، لشکرهای در خط با اعزام عناصر تأمین، حرکت متجاوز را در زمین‌های بلافصل مرز به تأخیر می‌اندازند.

۵. طرح نبرد البرز در آبان ۱۳۵۸ (نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران)

طرح «نبرد البرز» به جلسه هماهنگی ۱۳۵۸/۸/۱۸ در ستاد مشترک ارتش و راهنمای طرح‌ریزی ستاد ارتش برمی‌گردد، که رژیم بعث صدام دست به تحرکات و اقدامات مشکوک و خصمانه علیه جمهوری اسلامی زده بود و ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با متجاوز اقدام به صدور راهنمای طرح‌ریزی طرح البرز و ابلاغ آن به نیروی هوایی کرد. بند مأموریت نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در طرح البرز به شرح زیر بیان می‌شود:

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ضمن دفاع از آسمان ایران، حملات انتقامی خود را به منظور انهدام نقاط حیاتی کشور هدف، آغاز و پس از کسب برتری هوایی از عملیات سطحی نیروهای خودی پشتیبانی نزدیک به عمل می‌آورد.

شایان ذکر است طرح فوق کمتر از سه ساعت پس از تجاوز دشمن بعثی، به دستور تبدیل و به شرح نامه زیر جهت اجرا به نهاجا ابلاغ شد.

از: سماجا

به: نهاجا

موضوع: نامه شماره ۳۶ / ۰۳ / ۲۹ / ۱۷۰۱ / ۲۶ - ۱۳۵۹ / ۰۶ / ۳۱

دستور فرمایید با توجه به طرح البرز حمله «انتقامی» را آغاز و کلیه هدف‌های پیش‌بینی شده را برابر طرح مورد حمله قرار دهید.
این پیام توسط سرهنگ قیدیان، معاونت عملیاتی نیروی هوایی با نامه شماره ۳۷۳۵ - بلافاصله به کلیه پایگاه‌های هوایی ابلاغ شد.

در واقع، نیروی هوایی در ساعت ۱۶ روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ در کمتر از سه ساعت پس از حمله ۱۹۲ فروندی رژیم بعثی عراق، اولین اقتدار و قدرت هوایی خود را به نمایش گذاشت و با جنگنده بمب‌افکن‌های خود به پایگاه‌های شعیبیه، کوت در استان‌های کوت و العماره عراق حمله کردند (قدیمی، ۱۳۸۹: ۶۵). نظر فرماندهان نیروی هوایی از اجرای سریع اولین عملیات در اولین ساعات پس از هجوم متجاوز، در حقیقت آغاز جنگی روانی علیه استراتژیست‌های ارتش عراق بود، چرا که آنها حملات هوایی خود علیه نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران را با اتکاء بر این باور طراحی کرده بودند که نیروی هوایی توان پاسخگویی به تهاجم را نخواهد داشت و بی‌درنگ پس از حملات، شیرازه این نیرو از هم گسیخته شده و ارکان نظام فرو خواهد ریخت. از سوی دیگر، نظر فرماندهان اعلام توان مقاومت مقابله به مثل، سرعت، قدرت کوبندگی و قابلیت انعطاف نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به زمامداران عراق بود تا شاید آنان را از ادامه خشونت و دشمنی آشکار بازدارد. اما اصرار نیروی هوایی عراق بر ادامه حملات باعث شد تا صبح روز یکم مهر ۱۳۵۹ با یکی از بزرگ‌ترین و کوبنده‌ترین پاسخ‌های

جنگ‌های هوایی جهان مواجه شوند. به این ترتیب، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اجرای بزرگ‌ترین عملیات هوایی خود به نام کمان ۹۹، که بر پایه طرح نبرد البرز پیاده‌سازی گردیده بود، بار دیگر ضربه بسیار سهمگین و غافلگیرکننده‌ای را به دشمن بعثی وارد ساخت و رژیم بعثی صدام را، که یکی از آماده‌ترین ارتش‌های آن روز جهان را در اختیار داشت، در بهت و حیرت فرو برد. اهداف این عملیات پایگاه‌های هوایی، مخازن سوخت و مهمات، پالایشگاه‌ها، آشیانه هواپیماها، پناهگاه‌های تعمیرات و نگهداری هواپیما، باندهای پروازی، رادارهای هدایت‌کننده هواپیماهای جنگی، برج‌های مراقبت و مراکز مخابراتی عراق در پایگاه‌های هوایی کرکوک، موصل، رشید، حبانیه، ناصریه، شعیبیه، کوت و المثنی بود. انتخاب این اهداف از بُعد تاکتیکی، دشمن را در ابعاد خدمات پشتیبانی رزمی و آتش پشتیبانی هوایی، دفاع هوایی و اطلاعات و هشدار اولیه در میدان جنگ با موانع زیادی روبرو می‌ساخت و در نهایت، می‌توانست به تهاجم عراق در خوزستان پایان داده و حرکت دشمن را متوقف سازد (نورانی، ۱۳۸۴: ۳۶).

۶. طرح ذوالفقار در شهریور ۱۳۵۹ (نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران)

از ابتدای خرداد ۱۳۵۹، چندین بار نیروی دریایی ارتش به حالت آماده‌باش درآمد، زیرا از بندرعباس که ناوگان یکم نیروی ارتش در آنجا مستقر بود، تا خرمشهر و بوشهر یگان‌ها آماده‌باش‌های مختلفی را تا شروع جنگ تحمیلی تجربه کردند. طرح ذوالفقار به عنوان یک طرح جامع که در آن توضیح داده شده بود اگر جنگی شروع شود نیروی دریایی چه واکنشی داشته باشد و چگونه بتواند انسجام خود را حفظ کند، در اختیار نیروی دریایی ارتش قرار گرفت. (شایان ذکر است که نیروی دریایی به دلیل موقعیت خود در منطقه جنوب در جریان انقلاب کمترین خسارت و فرسایش را متحمل شد و از نظر آمادگی نسبت به سایر نیروها در وضعیت بهتری قرار داشت).

طرح ذوالفقار یک طرح جامع بود که در آن، همه جزئیات مشخص شده بود. از جمله اینکه در صورت شروع جنگ احتمالی، چگونه مقابله کنیم و چگونه گسترش یابیم. حتی مسئولیت و آرایش تک‌تک افراد از سرباز تا فرمانده نیرو در آن شرایط شرح داده شده بود و انواع پیوست‌های لجستیکی، مخابراتی، عملیاتی و اطلاعاتی را دربرداشت.

دریادار محمدحسین ملک‌زادگان، فرمانده اسبق نداجا در مورد نحوه اجرای طرح ذوالفقار می‌گوید: «نیروی دریای ارتش با شروع جنگ از شب اول هجوم عراق و با توجه به این طرح، در پست فرماندهی تشکیل جلسه داد. در این جلسه که فرمانده وقت نیرو، جانشین و معاون عملیات نیز حضور داشتند، شبانه به قرارگاه تعیین‌شده در طرح به عنوان نیروی رزمی ۴۲۱ که در پایگاه بوشهر مستقر بود، رفتیم و ستاد فرماندهی نیروی دریایی را تشکیل دادیم. از فردای همان روز برنامه‌های شناسایی را مطابق برنامه‌های از پیش طراحی‌شده شروع کردیم. از این طرح کلی، ۴۸ طرح و عملیات بیرون آمد که به صورت جزئی به آنها پرداخته بود، که معروف‌ترین آنها عملیات مروارید است. نیروی دریایی با طرح و برنامه منظم خود توانست واکنش بسیار دقیق و منظمی در برابر حمله دشمن داشته باشد. با توجه به این موضوعات، نیروی دریایی در راستای طرح عملیاتی خود، در اولین گام سکوهای البکر و الامیه و در گام‌های بعدی شنواری‌های دشمن را با برنامه‌ریزی در یک فرصت کوتاه از بین برد که این حرکات به قطع صدور نفت از این سکوها و انهدام کامل نیروی دریایی عراق انجامید و خلیج فارس عرصه سیادت دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران شد.» (خاطرات شفاهی دریادار محمدحسین ملک‌زادگان)

بند مأموریت نیروی دریایی در طرح ذوالفقار به این شرح بود:

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن دفاع از تأسیسات حیاتی کشور در خلیج فارس، راه‌های مواصلاتی دریایی را تأمین و از حرکت کشتی‌های تجاری به سوی بنادر کشور هدف ممانعت به عمل می‌آورد.

۷. کودتای نافرجام نقاب

کلمه نقاب نام کودتایی است که به غلط «کودتای نوژه» نامیده می‌شود. واژه نقاب از حروف اول عبارت «نجات قیام/ ایران بزرگ» تشکیل شده است. این کودتا که توسط تعدادی از عناصر سیاسی ضدانقلاب و تعدادی از کارکنان ارتش شاهنشاهی و با هدایت سرویس‌های جاسوسی بیگانه طراحی شده بود، در نهایت توسط کارکنان ارتش شناسایی و خنثی گردید. اگرچه رهبران کودتا در اعترافات خود هدف آن را براندازی نظام جمهوری اسلامی بیان کردند،

ولی با توجه به قابلیت‌های مردمی انقلاب و استعداد و امکانات کودتاگران و حضور کارکنان مؤمن در ارتش، از ابتدا احتمال موفقیت آن بسیار ضعیف بود. با این حال، در هدف حداقلی، می‌توانست اعتماد مردم و مسئولین کشور را نسبت به ارتش خدشه‌دار نماید که در واقع، به این هدف حداقلی خود رسید. لذا پس از شکست طرح کودتا و در آستانه جنگ عراق علیه ایران، تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبه و کارکنان ارتش به اتهام شرکت در کودتا دستگیر و بسیاری دیگر از فرماندهان یگان‌های عمده ارتش، دستخوش دگرگونی و جابجایی شدند. در حالی که این جابجایی در زمانی که تهدید حمله عراق در حال عملی شدن بود، آسیب بزرگی به پیکره ارتش وارد کرد و به آمادگی رزمی یگان‌های ارتش، به ویژه نیروی زمینی و نیروی هوایی، آسیب قابل توجهی وارد کرد. بنابراین، با اجرای طرح کودتای نافرجام نقاب از سوی دشمن و اقداماتی که در جهت مقابله با آن از سوی نیروهای خودی انجام شد، تغییراتی به شرح زیر در سازمان ارتش به وجود آمد:

الف) تعداد قابل توجهی از فرماندهان یگان‌های حساس اجا دستگیر و یا برکنار شدند.

ب) تعدادی از یگان‌های ارتش، به ویژه در خوزستان، (اگرچه به طور موقت) در پادگان‌ها محصور شدند و از ادامه عملیات آنها ممانعت به عمل آمد.

ج) برای پروازهای عملیاتی و آموزشی نیروی هوایی محدودیت ایجاد گردید.

بنابراین، عوامل فوق در نهایت به ضعف قوای ارتش در دو ماه قبل از شروع جنگ منجر شد، اما با وجود این، ارتش با تمام قوا و کاملاً هوشمندانه پس از آغاز جنگ از کشور اسلامی دفاع کرد.

۸. علل تضعیف قدرت دفاعی و شکست قدرت بازدارندگی قبل از جنگ تحمیلی

بازدارندگی مقوله‌ای کشوری و در سطح ملی است و مفهوم آن این است: «بازدارندگی حالتی است که یک واحد سیاسی با به‌کارگیری مؤلفه‌های شش‌گانه قدرت (وضعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و نظامی) از خود به نمایش می‌گذارد تا دشمن را از به‌کارگیری قدرت نظامی (زور) منصرف گرداند.» بنابراین، تنها ارتش نمی‌تواند متولی بازدارندگی باشد. اگرچه بازدارندگی در رفتار نظامی ارتش و نیروهای مسلح تجلی پیدا می‌کند، اما پرواضح است که ارتش به دلیل شرایط پس از وقوع انقلاب اسلامی از حالت بازدارندگی در

برابر عراق خارج شده بود؛ یعنی پس از اینکه ارتش در مقابل انقلاب اسلامی منفعل شد و ضمن عدم حمایت از رژیم گذشته، حالت بی‌طرفی اتخاذ کرد و همراهی بسیاری از ارتشیان با مردم در انقلاب، باعث شد انقلاب پیروز شود؛ به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی و انقلابیون ارتش، ابتدا ارتش، را بی‌خاصیت کردند و سپس انقلاب را به پیروزی رساندند که چاره‌ای هم غیر از این نبود. اما پس از اینکه امام راحل عظیم‌الشأن (ره) تصمیم به استفاده و به‌کارگیری ارتش برای مقابله با ضدانقلاب و دشمن متجاوز گرفت، بازسازی ارتش شروع شد. بازسازی یعنی بازگرداندن انضباط، شخصیت و پرستیژی که با وقوع انقلاب ازدست رفته بود تا بتواند به پیروزی برسد. بنابراین، طبیعتاً زمانی برای این کار لازم بود. از طرف دیگر، آیا سایر مبانی قدرت در بازدارندگی، مثل انسجام سیاسی و اجتماعی ملت، توان اقتصادی و... همه پای کار آمده بودند؟ چنانچه به دقت به حوادث بیست ماه اول انقلاب نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که نه فقط ارتش، که سایر مؤلفه‌های ضامن بازدارندگی نیز از انجام وظیفه بازدارندگی ناتوان بوده‌اند. همچنین در این زمان، هیچ دستور و یا فرمانی از مقامات مافوق نظام ج.ا.ا برای حضور در صحنه دفاع و مقابله با تهدیدات عراق و یا حداقل انجام یک رزمایش و ابراز وجود در مقابل تهدیدات فوق دیده نمی‌شود. بنابراین، با مطالعه شرایط سیاسی پس از انقلاب و بررسی رفتار مسئولین و احزاب و گروه‌های سیاسی فعال کشور در ماه‌های اولیه پس از انقلاب به گزاره‌های زیر می‌رسیم:

- ۱) عدم باور ملی، به ویژه در سطح مسئولان به تهدید نظامی عراق.
- ۲) عدم انسجام در سطح مدیریت کلان و تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر کشور.
- ۳) وجود اختلافات سیاسی و عدم انسجام در نیروهای دفاعی.
- ۴) تضعیف ارتش به دلیل حضور در حکومت نظامی در قیل از انقلاب و بر اثر نابسامانی‌های پس از انقلاب.
- ۵) حضور ارتش در آرام‌سازی مناطق آشوب‌زده و مبارزه با ضدانقلاب.
- ۶) شکست جمهوری اسلامی ایران در مرحله بازدارندگی و آغاز تجاوز دشمن.

۹. اقدامات ارتش پس از حمله ارتش عراق در جهت تثبیت دشمن

با عنایت به اینکه نیروی زمینی، ماه‌ها قبل از جنگ در منطقه غرب و شمال‌غرب با ضدانقلاب جدایی‌طلب در کردستان و آذربایجان غربی درگیر بود و بخشی از نیروهایش به شرح جدول زیر در آن مناطق مشغول نبرد بودند، لیکن از زمانی که اولین بمباران‌های دشمن و حرکات یگان‌های زمینی او در خاک ایران آغاز شد، دیگر تردیدی باقی نماند که جنگ تمام عیاری علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز گردیده و از آن ساعت موانع برای هرگونه دفاع ارتش برداشته شد.

ردیف	یگان عمده	یگان	ملاحظات
۱	لشکر ۲۸ سنندج	به طور کامل	درگیر با ضدانقلاب در منطقه شمال‌غرب
۲	لشکر ۶۴ ارومیه	به طور کامل	درگیر با ضدانقلاب در منطقه شمال‌غرب
۳	لشکر ۸۱ زرهی	تیپ ۲ بیستون	یک تیپ به طور کامل زیر امر قرارگاه غرب و شمال‌غرب
۴	لشکر ۱۶ قزوین	تیپ ۳ زرهی همدان	یک تیپ به طور کامل زیر امر قرارگاه غرب و شمال‌غرب
۵	لشکر ۲۱ حمزه	۳ گردان	تحت کنترل قرارگاه غرب و شمال‌غرب
۶	لشکر ۷۷ خراسان	۴ گردان	تحت کنترل قرارگاه غرب و شمال‌غرب
۷	تیپ ۲۳ نوه	به طور کامل ۵ گردان	بعد از کودتای نقاب به ۳ گردان کاهش یافت
۸	تیپ ۸۴ خرم‌آباد	۳ گردان ۱۱۱، ۱۳۹، ۱۸۲	زیر امر قرارگاه غرب و شمال‌غرب
۹	تیپ ۵۵ هواپرد	۲ گردان ۱۳۵ و ۱۲۶	زیر امر قرارگاه غرب و شمال‌غرب
۱۰	هوانیروز	پایگاه هوانیروز کرمانشاه	به علاوه تعدادی بالگرد شنوک از اصفهان (تحت کنترل عملیاتی قرارگاه غرب و شمال‌غرب)

جدول شماره ۳: یگان‌های عمده نیروی زمینی درگیر در کردستان و آذربایجان غربی و بخشی از استان کرمانشاه در

مقابله با گروهک‌های مسلح ضدانقلاب و حفظ امنیت منطقه هم‌زمان با آغاز جنگ ایران و عراق

در هر صورت، نیروهای ارتش برای کند کردن حرکات دشمن، سپس متوقف کردن و تثبیت دشمن، یعنی از حالت آفندی به حالت پدافندی در آوردن نیروهای عراقی، تلاش خود را آغاز کردند. در این مرحله از دفاع مقدس، یعنی در ماه‌های اول و دوم شروع جنگ تحمیلی، نیروی زمینی با احضار و آموزش کوتاه‌مدت (۱۵ روزه) بیش از ۸۵۰۰۰ نفر از سربازان منقضی خدمت ۱۳۵۶، که به عنوان نیروی احتیاط به خدمت فراخوانده شده بودند، یگان‌های خود در مناطق عملیاتی را تقویت کرد و برای اولین بار در مقابل یگان‌های متجاوز ارتش عراق خط پدافندی تشکیل داد و بدین‌وسیله مأموریت تثبیت دشمن را به انجام رسانید. این اقدام در دستورالعمل شماره ۸ (طرح دفاعی کلی خوزستان)، که در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۵۹ از سوی قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی ارتش ج.ا.ا در دزفول به امضای مرحوم سرلشکر ظهیرنژاد صادر شده، مستند می‌باشد. (اصل سند در هیئت معارف جنگ موجود است).

۱۰. تاریخ ورود یگان‌های نیروی زمینی به منطقه جنوب

پس از جدی شدن تهدیدات عراق، یگان‌های نیروی زمینی به مرور آماده شده و برای حضور در مناطق عملیاتی حرکات خود را آغاز کردند. جدول زیر که بر اساس گزارش یگان‌ها پس از استقرار در منطقه مأموریت آنها تهیه شده، حاکی از زمان ورود آنها به منطقه جنوب است.

ردیف	یگان	تاریخ ورود	محل استقرار	فرمانده یگان	ملاحظات
۱	ل ۹۲ زرهی	۵۹/۶/۲۶	چنگوله تا دهانه فاو	سرهنگ زرهی عباس ملک‌نژاد سرهنگ زرهی غلامرضا قاسمی	
۲	تی ۳ ل ۹۲ زرهی دشت آزادگان	۵۹/۶/۲۶	از پاسگاه صفریه تا پاسگاه سوبله	سرهنگ صفوی	گد ۲۹۳ تانک سرهنگ صفوی سهی گد ۲۶۱ تانک سرگرد علی عطارزاده گد ۱۴۵ مکانیزه سرگرد مدارائی گد ۱۰۰ مکانیزه سرگرد سبزلون گد ۳۱۸ توپخانه سرگرد نبی‌الله ابراهیمی
۳	ل ۱۶ زرهی	۵۹/۷/۱۵	منطقه غرب دزفول (سبزآب)	سرهنگ سیروس لطفی	

۴	تی ۱ قزوین	۵۹/۷/۱۵	منطقه هویزه	سرهنک ایرج جمشیدی
۵	تی ۳ همدان	۵۹/۷/۱۵	منطقه هویزه	سرهنک محمد جوادی
۶	تی ۱ ل ۹۲	۵۹/۶/۲۶	از طلائییه تا خسروآباد آبادان	سرهنک اسماعیل بدرخواهان

جدول شماره ۴: مشخصات یگان های وارد شده به منطقه جنوب

با توجه به طرح ابودر، نیروی زمینی مأموریت داشت با لشکرهای سرزمینی در مناطق غرب و جنوب، ضمن ایجاد پرده پوشش در مقابل تهاجم عراق، با ایجاد تأخیر، مانع دستیابی سریع ارتش متجاوز به اهداف از پیش تعیین شده شود؛ به این معنی که با استفاده از عوارض زمین، دشمن را به مواضع قابل دفاع کشانده و آماده شوند تا رسیدن عمده قوا او را دچار فرسایش نموده و برای دفع تجاوز اقدام نمایند. اساساً تا زمانی که تجاوز دشمن سد و متوقف نگردیده باشد، اجرای پاتک یا آفند متقابل مقدور نیست. بنابراین، بحث تثبیت و متوقف نمودن ارتش متجاوز عراق، از اساسی‌ترین مباحث جنگ عراق علیه ایران است که ارتش و سایر مدافعین در روزهای آغازین جنگ موفق شدند که ماشین جنگی عراق را از حرکت بازدارند و ارتش متجاوز را پشت رودخانه‌های کرخه و کارون در منطقه جنوب و روی ارتفاعات بازی‌دراز و سایر ارتفاعات مرزی در غرب کشور متوقف نمایند. در عین حال، به نظر می‌رسد آن طور که باید و شاید در ادبیات دفاع مقدس به آن پرداخته نشده و به اهمیت و حساسیت آن توجه نشده است. در حالی که، سایر عملیات آفندی، به خصوص در سال دوم جنگ، تحت تأثیر اقدامات و عملیات‌های سال اول جنگ بود که ضمن متوقف نمودن دشمن با انجام عملیات‌های محدود، فرسایش لازم را در او ایجاد کرده و برای عملیات‌های بزرگ سال دوم آماده نمود. بنابراین، توجه به چهار نکته اساسی در متوقف کردن و سد کردن راه پیشروی دشمن و ممانعت از دستیابی به اهداف اولیه دشمن ضروری می‌باشد:

- ۱) اهمیت اقدام سرنوشت‌ساز و حیاتی متوقف کردن و تثبیت دشمن.
- ۲) نقش ارتش با همه محدودیت‌های خود در زمین، هوا و دریا در متوقف نمودن

- ۳) متوقف سازی متجاوز، سرآغاز و زمینه‌ساز حرکت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در اقدامات آفندی بعدی بوده است.
- ۴) به منظور تثبیت، فرسایش و شکست راهبرد جنگ برق‌آسای دشمن در سال اول جنگ حدود یکصد عملیات انجام شد که مهم‌ترین آنها عبارتست از عملیات کمان ۹۹ در روز اول مهرماه ۵۹، عملیات مروارید هفتم آذر ۵۹ و عملیات ثامن‌الائمه در پنجم مهرماه ۱۳۶۰.

۱۱. اقدامات مهم ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ

در این قسمت ضروری به نظر می‌رسد تا فهرست بخشی از اقدامات نیروهای سه‌گانه ارتش در سال اول جنگ را به طور مختصر برشماریم:

الف) نزاجا

- ۱) مقاومت در مقابل هجوم ارتش عراق و انجام عملیات تأخیری به منظور جلوگیری از دستیابی سریع به اهداف خود.
- ۲) انجام شناسایی‌های لازم و استقرار مناسب نیروهای خودی جهت جلوگیری از پیشروی دشمن.
- ۳) احضار، آموزش و به‌کارگیری بیش از ۸۵۰۰۰ نفر از سربازان منقضی خدمت ۵۶ به عنوان نیروی احتیاط.
- ۴) متوقف نمودن و تثبیت دشمن در مواضع نامناسب.
- ۵) آغاز حملات محدود نیروهای خودی جهت حفظ روحیه خودی و شناسایی با رزم.
- ۶) سازماندهی و تکمیل یگان‌های ارتش هم‌زمان با تجاوز عراق به دلیل آسیب‌های پس از کودتای نقاب.
- ۷) آموزش نیروهای مردمی و سپاه.
- ۸) اعزام و گسترش لشکرهای ۸۱ و ۹۲ زرهی و گروه رزمی ۳۷ زرهی از نیروی زمینی ارتش در نیمه اول سال ۱۳۵۹ به مناطق مرزی.

۹) ممانعت از تداوم عملیات آفندی دشمن در سه ماهه اول تجاوز، به ویژه در منطقه سوسنگرد و رودخانه‌های کرخه و بهمنشیر.

۱۰) ایجاد زمینه برای حضور سپاه در جنگ و تسلیح نیروهای بسیج و سپاه، با وجود همه مخالفت‌ها و موانع.

۱۱) تلاش‌های فوق‌العاده هوانیروز در نبردهای تخصصی و شجاعانه با تانک‌های دشمن و ایفای نقش تاریخی در تثبیت دشمن.

۱۲) انجام بیش از یکصد عملیات آفندی و پدافندی به صورت مستقل یا با همکاری نیروهای سپاه و نیروهای مردمی در سال اول جنگ.

۱۳) شکست راهبرد دشمن در جنگ به اصطلاح برق آسا و ممانعت از رسیدن او به اهداف اولیه.

لازم به ذکر است برای تبیین بیشتر موضوع تثبیت دشمن در منطقه جنوب و تشکیل خط پدافندی در مقابل ارتش عراق، سندی با عنوان «دستورالعمل شماره ۸ (طرح دفاعی خوزستان)» موجود است که در ۲۱ آبان ۱۳۵۹ در «قرارگاه تاکتیکی نزاجا در جنوب (دزفول)» صادر شده و مرحوم سرلشکر ظهیرنژاد به عنوان فرمانده وقت نزاجا آن را امضاء نموده است. (تصویر اصل سند در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ شهید صیادشیرازی موجود است.)

(ب) نهاجا

۱) دفع و کم‌اثر نمودن عملیات هوایی دشمن با اجرای پدافند عامل و غیرعامل در ۵۹/۶/۳۱.

۲) انجام عملیات انتقامی در روز اول مهرماه با حداقل ۱۴۰ فروند جنگنده درون خاک عراق.

۳) کسب برتری هوایی نسبی در سال اول جنگ.

۴) پشتیبانی هوایی نزدیک مؤثر از عملیات یگان‌های زمینی و مشارکت در متوقف نمودن دشمن.

۵) کسب اطلاعات راهبردی و تاکتیکی.

۶) انهدام زیرساخت‌های اقتصادی و تأمین انرژی عراق.

۷) رهگیری هواپیماهای عراقی و ناامن نمودن آسمان ایران برای جنگنده‌های ارتش متجاوز.

پ) نداجا

- ۱) تشکیل گروه رزمی ۴۲۱ به منظور فرماندهی منطقه عملیات دریایی در جنوب غرب.
- ۲) خارج کردن شناورهای نداجا از اروندرود به منظور جلوگیری از غافلگیری و انهدام آنها در حمله اولیه عراق.
- ۳) ممانعت از گسترش نبرد به خلیج فارس با انجام گشت‌های دریایی.
- ۴) درگیری مؤثر و موفق با یگان‌های شناور عراقی در عملیات مروارید و شهید صفری و انهدام نزدیک به دوسوم نیروی دریایی عراق در روز شصت و هفتم جنگ، که موجب شد باقیمانده نیروی دریایی عراق تا پایان جنگ در اسکله‌های خود در محاصره قرار گرفته و از صحنه نبرد به طور کامل خارج باشند.
- ۵) کسب سیادت دریایی و حاکمیت مطلق بر آب‌های خلیج فارس و دریای عمان.
- ۶) انهدام سکوهای البکر و الامیه.
- ۷) شرکت مؤثر در عملیات دفاع از خرمشهر به وسیله تکاوران دریایی.
- ۸) ایجاد فضای امن در آبراه‌ها به منظور تدارکات و پشتیبانی از نیروهای خودی، به ویژه در حفظ آبادان تقریباً محاصره شده.
- ۹) حفاظت از منابع نفتی در جزایر سرزمینی خلیج فارس.

۱۲. دستور امام خمینی(ره) به جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش

هم‌زمان با اتفاقات صحنه جنگ، صحنه سیاسی کشور نیز شاهد رقابت تنگاتنگ رقبای سیاسی و درگیری مردم در جنگ داخلی با منافقین و ائتلاف منافقین با بنی صدر، رئیس جمهور (وقت)، و فرمانده کل قوا بود که نهایتاً به عزل رئیس جمهور از فرماندهی کل قوا انجامید. امام خمینی(ره) پس از عزل بنی صدر طی حکمی به شرح زیر، موقتاً اختیارات فرماندهی کل قوا را برای اداره صحنه جنگ به شهید سرلشکر ولی‌الله فلاحی تفویض فرمودند:

(نرم افزار صحیفه امام (ره) خرداد ۱۳۶۰)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تیمسار ولی‌الله فلاحتی، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران. تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، ستاد مشترک مجاز است با استفاده از اختیارات مقام رهبری مأموریت‌ها و وظایف محوله را انجام دهد.

- ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ - روح‌الله الموسوی‌الخمینی

بنابراین، با حکم فوق، فرماندهی جنگ در مناطق غرب و جنوب در اختیار ستاد ارتش و جانشین رئیس و سرپرست ستاد ارتش قرار می‌گیرد و اقداماتی برای شکستن حصر آبادان و اجرای عملیات ثامن‌الائمه نیز صورت می‌گیرد. اما پس از عملیات موفقیت‌آمیز ثامن‌الائمه و شکستن حصر آبادان و شهادت فرماندهان عالی جنگ در سانحه سقوط هواپیمای سی ۱۳۰، تغییرات و دگرگونی‌های دیگری در سطح فرماندهی عالی جنگ و صحنه‌های نبرد با دشمن صورت می‌گیرد که به طور مختصر به اقدامات ارتش در آن مقطع نیز اشاره خواهد شد.

۱۳. اقدامات ارتش در سال دوم جنگ

با اتفاقات اخیر و شهادت جانشین رئیس ستاد مشترک، که وظیفه فرماندهی و اداره جنگ را نیز به عهده داشت، شورای عالی دفاع، سرهنگ صیادشیرازی را که در آن زمان فرمانده منطقه شمال‌غرب کشور و مشغول پاک‌سازی شهرهای کردستان از لوث وجود ضدانقلاب بود، برای فرماندهی نیروی زمینی پیشنهاد کرد و سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی را به ریاست ستاد ارتش برگزید که هر دو تصمیم مورد تصویب حضرت امام خمینی(ره)، فرمانده کل قوا، قرار گرفت. شایان ذکر است که با این انتصابات، دو اتفاق مهم در نیروی مسلح درگیر با ارتش عراق افتاد. اول اینکه یک بار دیگر نیروی زمینی با جابجایی فرماندهان یگان‌های عمده و سازماندهی مجدد مواجه شد و غالب فرماندهان جابجا شدند و عموماً فرماندهان هم‌فکر، جوان، هم‌رأی و هم‌نظر با فرمانده جدید نزاها به مشاغل عمده نیرو منصوب گردیدند و دوم اینکه بر اساس ابتکار عمل شهید صیاد، روابط جدیدی بین ارتش و سپاه مبتنی بر همکاری و نوعی فرماندهی مشترک بر عملیات‌ها و میدان‌های نبرد با استفاده از تجارب پُرارزش سال اول جنگ

حاکم شد. این همکاری مشترک طبیعتاً تحرک فوق‌العاده‌ای را در جبهه‌ها ایجاد کرد. به تعبیر دشمن در یکی از اسناد به دست آمده از پرونده شهید صیاد در استخبارات عراق، ماشین جنگی ایران به حرکت درآمد و باعث شد ظرف هشت ماه، یعنی از دهم مهر ۱۳۶۰ (تاریخ انتصاب فرمانده جدید نزاجا) تا سوم خرداد ۱۳۶۱، با انجام عملیات‌های مشترک طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، مرحله دفع تجاوز دشمن آغاز شده و قریب به ۱۲۵۰۰ کیلومترمربع از ۱۵ هزار کیلومترمربع سرزمین‌های اشغالی آزاد گردد.^۱ بنابراین، اقدامات ارتش در سال دوم جنگ که منجر به تحرک وسیع نیروهای ارتش و سپاه در جبهه‌ها گردید به شرح زیر خلاصه می‌شود:

- ۱) انتصاب سرهنگ علی صیادشیرازی به فرماندهی نزاجا.
- ۲) آموزش و تجهیز سپاه برای ورود به جنگ.
- ۳) تشکیل قرارگاه مشترک ارتش و سپاه به منظور طراحی و فرماندهی عملیات‌های کربلا.
- ۴) دفع تجاوز دشمن در هشت ماه با عملیات‌های مشترک (طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس).

رزم‌آوران پرتوان ایران اسلامی اعم از ارتشی، سپاهی، بسیجی و جهاد سازندگی، در واپسین ماه‌های سال دوم جنگ، در پناه عزم ملی با وحدت و انسجام کامل که به «ترکیب مقدس»^۲ معروف شده بود، توانستند بخش عمده‌ای از سرزمین اشغال‌شده خود را از وجود دشمن متجاوز پاک نمایند. اوج این رشد و بالندگی و حماسه‌آفرینی در عملیات بیت‌المقدس و بازستانی خرمشهر نمایان گردید، تا آنجا که امروزه در روایت تاریخ جنگ، خرمشهر نماد مقاومت بی‌مانند و نمونه اراده ملت سرفراز ایران برای کسب پیروزی به شمار می‌آید.

۱. در عملیات‌های ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس مجموعاً ده هزار کیلومترمربع از سرزمین‌های اشغالی توسط رزمندگان اسلام آزاد شد. دشمن چون در منطقه و مواضع نامناسبی قرار گرفته بود، از ۲۵۰۰ کیلومترمربع نیز داوطلبانه عقب‌نشینی کرد.

۲. ترکیب مقدس واژه‌اشناپی است که فرماندهی وقت نزاجا - شهید سپهبد صیادشیرازی - در گفته‌های خود برای فراهم نمودن وحدت و همدلی بین نیروهای ارتش و سپاه از آن بهره می‌برد و البته بسیار کارساز افتاد، تا جایی که توانست در دورانی از جنگ این وحدت را از قوه به فعل درآورد و عملیات‌های موفق‌تری را با ترکیب نیروهای مردمی و سپاه و ارتش به سرانجام رساند.

۱۴. سال سوم تا پایان جنگ (تنبیه متجاوز)

تدبیر شهید بزرگوار سپهبد صیادشیرازی برای انجام عملیات‌های مشترک با ترکیب مقدس و ادغام نیروهای سربازمحور و بسیجی‌محور به عنوان یک ابتکار در مرحله دفع تجاوز بسیار کارساز بود و نتایج چشمگیری پدید آورد، اما برای مرحله بعدی جنگ تحمیلی که تعقیب و تنبیه متجاوز بود، مشکلاتی ایجاد شد. برای توضیح این مشکل به وجود آمده می‌توان گفت فرماندهی مشترک - با این تعبیر که در یک عملیات، نام دو فرمانده باشد - از نظر اصولی کاری غیرعلمی بود که در هیچ مدرک معتبر علمی و نظامی، مشابهی برای آن وجود ندارد. به عبارت دیگر، در این اقدام، اصل وحدت فرماندهی که یکی از اصول جنگ است نادیده یا کمرنگ فرض شده است. لیکن در شرایط سال دوم جنگ که کشور در اشغال دشمن بود، برای رسیدن به هدف دفع تجاوز، این گزینه (دو فرمانده برای عملیات) اجتناب‌ناپذیر بود و با رهنمودهای حضرت امام(ره) و فرمانده نزاجا، فرمانده سپاه و اطاعت رده‌های فرماندهی از آن و شرایط استثنایی سال دوم جنگ و درک مسئله حضور دشمن و اشغال سرزمین، نیروها و فرماندهان ارتشی و سپاهی را به درجه‌ای از اخلاص و ایثار و گذشت رسانده بود که به راحتی یکدیگر را تحمل می‌کردند و همین عامل پیروزی‌های شگفت‌انگیز در سال دوم شد؛ یعنی اینکه انگیزه بیرون راندن دشمن، توصیه حضرت امام(ره) به وحدت و عشق رزمندگان به اجرای فرامین حضرت امام(ره)، اخلاص و گذشت فرماندهان و رزمندگان، نقیصه غیرعلمی بودن فرماندهی مشترک و نقصان وحدت فرماندهی را رفع نمود. اما از سال سوم و پس از پیروزی‌های سال دوم، که احتمالاً باعث ایجاد نوعی غرور کاذب بین فرماندهان و رزمندگان نیز شده بود و در شرایطی که جنگ در خاک دشمن ادامه داشت و دشمن سرسختانه از سرزمین خود دفاع می‌کرد، بین فرماندهان ارتشی و سپاهی اختلافاتی ایجاد شد، البته شهید صیادشیرازی به عنوان فرمانده ارتشی حاضر در صحنه نبرد، تلاش‌های زیادی برای ایجاد وحدت فرماندهی در جبهه‌های جنگ انجام دادند، لیکن به هر دلیل، این تلاش‌ها موفق نبود (شهیدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی). این اختلافات تا پایان عملیات بدر تشدید شد و نهایتاً پس از ملاحظات فراوان و اقدامات مختلف در رده عالی جنگ، ناچار در سال ۶۴ تصمیم به جداسازی عملیات‌های ارتش و سپاه و انجام عملیات‌های مستقل اتخاذ گردید. بنابراین، خلاصه اقدامات و

تغییرات بعد از فتح خرمشهر در سال دوم جنگ تا اواخر سال هفتم به شرح زیر خلاصه می‌شود:

- ۱) اختلاف در فرماندهی بین ارتش و سپاه.
 - ۲) تلاش ناموفق ارتش (شهید صیادشیرازی) برای ایجاد وحدت فرماندهی در جنگ.
 - ۳) انجام عملیات‌های ناموفق رمضان، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، خیبر و بدر.
 - ۴) جداسازی عملیات‌های ارتش و سپاه از سال ۶۴.
 - ۵) پشتیبانی یگان‌های ارتش از کلیه عملیات‌های سپاه در هوا و زمین.
 - ۶) انجام عملیات‌های قادر، کربلا ۶ و ۷ توسط نزاجا.
 - ۷) پدافند ارتش در بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر از مرز ایران و عراق تا پایان جنگ.
- توضیحات بیشتری پیرامون اتفاقات فوق از زبان و قلم سایر کارشناسان و فرماندهان دفاع مقدس به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف) ادغام نیروها

با وجود اینکه تجربه ادغام، ترکیب و هماهنگی نیروهای سپاه پاسداران و نیروی زمینی ارتش در مقاطعی از جنگ اعجاز‌آفرین و کارساز بوده و نتیجه انکارناپذیری داشته است، اما رویدادهای بعدی به روشنی نشان می‌دهد که این اقدام به صورت موردی و تحت شرایط ویژه انجام گرفته و به صورت مستمر می‌توانست شکننده باشد و چون هیچ‌گونه ارتباط تدوین شده‌ای بین دو نیرو وجود نداشت و نیروهای ادغامی در سلسله مراتب فرماندهی همدیگر قرار نداشتند، در مواقع ضرورت، مسائل، مشکلات و تصمیم‌گیری‌های نهایی با دخالت افراد ذی‌نفوذ و در پاره‌ای اوقات با وساطت کسانی خارج از سلسله مراتب و به صورت کدخدامنشی حل و فصل می‌گردید، که البته چنین روش‌هایی در نظام مدیریتی پیچیده دنیای امروز، آن هم در رأس هرم و در شرایط بحرانی که دقایق و ثانیه‌ها در تصمیم‌گیری سرنوشت‌ساز است، نه تنها جایگاه مطلوبی ندارد، بلکه باعث تردید و عدم قاطعیت در نظام تصمیم‌گیری و طولانی شدن خط تصمیم‌گیری شده و می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد. بنابراین، بسط و توسعه روش هدایت نیروهای رزمی با دو فرماندهی مستقل و در سازمان‌های دولتی با دو مدیریت به عنوان یک الگو و روش امکان‌پذیر نیست و در میدان عمل فقط در شرایط بسیار نادر

می‌تواند مؤثر باشد و تشکیل ستاد کل و تفکیک مأموریت نیروهای ارتش و سپاه در حال حاضر گواه این مدعاست و در عمل ثابت شده است که اداره یک سازمان با دو مدیر ممکن نیست.

ب) جدایی نیروها

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود می‌نویسد: در این عملیات (عملیات رمضان) پیشروی محدود داشتیم، خیلی کمتر از اهداف تعیین‌شده، و اولین ضربه به روحیه رزمندگان که فکر می‌کردند چیزی نمی‌تواند مانع پیشروی‌شان شود، وارد شد. همین تجربه در عملیات والفجر مقدماتی هم تکرار شد، با موانعی از نوع دیگر. البته نباید نقش اختلاف نظر فرماندهان ارتش و سپاه را در نحوه انجام عملیات نادیده بگیریم که یکی بیشتر به شیوه‌های کلاسیک جنگ می‌اندیشد و دیگری به شیوه‌های ابتکاری و انقلابی و شهادت‌طلبانه پای می‌فشرد. مفهوم گفتار آقای هاشمی را به نوعی می‌توان از بیانات سردار محسن رضایی استنباط کرد. (محمد درودیان، ۱۳۸۰: ۷۸)

ج) وضعیت ارتش

بررسی پیشینه جنگ‌های قرن اخیر نشان می‌دهد هیچ ارتشی در ایام جنگ، نه تنها بی‌نیاز از حمایت‌های ویژه دولت‌ها و کمک‌های داوطلبانه مردم نبوده، بلکه پیروزی و یا شکست همیشه به توانایی استفاده از امکانات نهفته در جامعه و همبستگی و همدلی نیروهای مسلح و ملت بستگی مستقیم داشته است. در این راستا، ارتش جمهوری اسلامی ایران افزون بر اینکه از این قاعده نمی‌تواند مستثنی باشد، بلکه از آن جایی که وقوع انقلاب تمام زیرساخت‌های آن را دگرگون کرده بود، به عنوان یک نیاز مضاعف می‌بایستی مورد حمایت افزون‌تری قرار می‌گرفت؛ در صورتی که، پشتیبانی از ارتش در زمان جنگ مشکلات عدیده داشت. (ارتش در هشت سال دفاع مقدس، ۱۳۸۱: ۱۳)

به عنوان یک نمونه روشن، می‌توان به افزایش ساختار سازمانی نیروها اشاره کرد که به طور معمول، در جنگ با احضار نیروهای ذخیره و احتیاط عملی می‌شود، اما این اقدام به دلیل گسستگی نظام ارتش ناشی از التهاب اولیه انقلاب نه تنها عملی نگردید، بلکه در روند سربازگیری به طور سنتی هم خلل ایجاد گردید و تمام سربازان در اختیار ارتش قرار داده نمی‌شدند. در ایام جنگ، همواره یکی از مشکلات نیروی زمینی کمبود نیروی انسانی و به

تبع آن یگان مانوری بود. در همین زمینه، در کتاب دفاع مقدس آمده است: «عمده‌ترین مشکلات نیروی زمینی برای اجرای عملیات آفندی گسترده و سرنوشت‌ساز، کمبود یگان مانوری با توجه به عرض جبهه و گسترش یگان‌ها در مواضع پدافندی بود.» (جعفری، ۱۳۸۷: ۵۰) به همین دلیل بود که نذاجا در مقاطعی از جنگ، برای تحرک در جنگ و انجام عملیات آفندی درخواست واگذاری تعدادی از نیروهای بسیج به این نیرو را داشت که هیچگاه عملی نگردید. سردار محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، می‌گوید: «عملیات رمضان را که انجام دادیم و عدم‌الفتح حاصل شد، دیگر همه برادران ارتش آمدند و گفتند که بایستی از اصول جنگ ارتش و جداول کلاسیک استفاده شود و نباید همه نیروهای بسیج را به سپاه بدهند، بلکه از نیروهای بسیج به ارتش هم باید بدهند. قبل از عملیات والفجر مقدماتی همین بحث‌ها منجر به تعویق زمان عملیات به مدت یک ماه شد.»

۱۵. روند تضعیف ارتش ایران و تقویت ارتش عراق در شش سال پایانی جنگ

نگاه کارشناسانه از منابع مختلف به پاره‌ای آمار و ارقام و... و مقایسه گسترش سازمان خودی و دشمن در سال‌های جنگ، روشنگر محدودیت‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در انجام عملیات‌های مستقل و مداوم می‌باشد.

سال	کل نیروهای نظامی	نیروی زمینی	نیروی هوایی	نیروی دریایی
۱۳۵۹	۲۴۰ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۷۰ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۰	۱۹۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۰ هزار نفر
۱۳۶۱	۱۹۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۰ هزار نفر
۱۳۶۲	۲۰۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۳	۳۰۵ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۴	۳۰۵ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۵	۳۵۴/۵ هزار نفر	۳۰۵ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۴/۵ هزار نفر
۱۳۶۶	۳۵۴/۵ هزار نفر	۳۰۵ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۴/۵ هزار نفر

جدول شماره ۵: آمار نیروی انسانی نیروهای سه‌گانه ارتش در هشت سال دفاع مقدس

در رابطه با جدول ارائه‌شده، محدودیت‌هایی که در افزایش یگان‌های رزمی وجود داشت، موارد زیر قابل ذکر هستند:

الف) برابر جدول ارائه‌شده، آمار پرسنلی نیروی هوایی به نصف و نیروی دریایی به دوسوم تقلیل پیدا کرده است. استفاده فراوان از هواپیماهای شکاری بمبافکن نیروی هوایی در دو الی سه ماه اول جنگ (شاید هم استفاده بیش از حد برای متوقف کردن هجوم اولیه متجاوز لازم بوده باشد)، عدم امکان پشتیبانی آمادی مؤثر از این نیرو به علت تحریم‌های اعمال‌شده، کاهش توان رزمی و زمین‌گیر شدن (ground) هواپیماها و بالطبع کاهش نیروی انسانی تا حد نصف و همین استدلال در مورد نیروی دریایی وضعیت این دو نیرو را در از دست دادن درصدی از توان رزمی خود توجیه می‌کند.

ب) نیروی زمینی که بیشترین بار جنگ را به دوش داشت، تعداد نیروهایش در چهار سال اول جنگ در حد ۱۵۰ هزار ثابت ماند و تنها در دو سال آخر، ۱۵۰ هزار نفر نیروی وظیفه به آن اضافه گردید.

ج) نیروی زمینی از همان روزهای آغاز جنگ دست به گسترش سازمان خود زد و چون منابع لازم را در اختیار نداشت با استفاده از نیروی انسانی پشت جبهه (عموماً مراکز آموزشی) و کم و زیاد کردن یگان‌های رزمی اقدام به تشکیل چند یگان نمود (ایجاد تیپ چهارم در چند لشکر). بنابراین، همیشه با کمبود نیروی سازمانی مواجه بود که با واگذاری تعداد بیشتری افراد وظیفه در دو سال آخر جنگ، ضمن اینکه کمبود سازمانی یگان‌های رزمی را برطرف نمود (البته در حد جایگزین تلفات رزمی)، اقدام به تشکیل چند تیپ مستقل و تعدادی گردان قدس کرد.

د) درباره اقلام و تجهیزات عمده برای یگان‌های جدیدالتأسیس و جایگزینی اقلام عمده انهدامی و تعمیری، آن‌قدر شرایط نامطلوب بود که جای هیچ‌گونه تحلیل و تفسیری نمی‌ماند. با توجه به اینکه تهیه بیشتر تجهیزات و سلاح‌های سنگین از منابع داخلی امکان‌پذیر نبود و خرید از منابع خارجی با محدودیت شدید همراه بود، لذا نیروی زمینی مجبور گردید یگان‌های خود را با بهره‌برداری از اقلام آمادی موجود در آمادگاه‌ها تجهیز نماید، که این خود نقض غرض است؛ زیرا این اقلام محدود به طور معمول برای جایگزین کردن اقلام

انهدامی، پیش‌بینی شده بود. لازم به ذکر است در مواردی با برداشت از اقلام بعضی از یگان‌های رزمی، سایر یگان‌ها تجهیز و یا گاهی یگان‌های جدیدی تشکیل می‌شدند.

ه) به علت پایبندی جمهوری اسلامی ایران به ارزش‌های انقلاب اسلامی و ایستادگی بر اصول ثابت اخلاقی - اسلامی سیاست خارجی خود و غیرقابل انعطاف بودن سیاست خارجی طبق عرف جاری سیاسی، اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان از فروش تجهیزات مناسب مورد نیاز که به طور اجبار در زمان جنگ افزایش یافته بود، خودداری می‌کردند. به طوری که، هیچ‌گاه نتوانستیم سلاح‌های مورد نیاز خود را به میل و اراده خود انتخاب کنیم، چون خریدهای محدود انجام‌شده که از مجاری مختلف و از روی اجبار و با واسطه انجام می‌گرفت، در مجموع از کیفیت مطلوب برخوردار نبودند و بهره‌وری چندانی نداشتند. آماده نگهداشتن این تجهیزات برای نیروها با مشکلات زیادی همراه بود. در تحلیلی در این باره، از کتاب "ارتش و انقلاب اسلامی" می‌خوانیم: «ایران با توجه به تحریم تسلیحاتی، از منابع متعددی تسلیحات لازم ارتش را با دشواری به دست می‌آورد. در بین فراهم‌آوردندگان جدید جنگ‌افزار برای ایران، می‌توان به کشورهای کره شمالی، چین و برزیل اشاره کرد. گوناگونی تسلیحات خریداری‌شده از کشورهای مختلف، مسأله آموزش نیروها و تهیه قطعات یدکی را بسیار دشوار ساخته بود. اما ایران درگیر جنگ تحمیلی فرسایشی دچار کمبودهای دائمی تسلیحات لازم برای نیروهایش، مجبور به خرید اسلحه از تمام منابع موجود بود.» (لطفیان: ۱۳۸۰، ۴۲۵) در حالی که شرایط دشمن به طور کامل با ما متفاوت بود، افزایش سازمانی او بسیار گسترده و به سرعت انجام می‌گرفت. سرلشکر و فیک السامرائی (مدیر اطلاعات ارتش عراق) که پس از اشغال عراق توسط آمریکا به لندن پناهنده شد، در کتاب ویرانی دروازه شرقی می‌گوید: «نیروهای مسلح عراق در سال ۱۹۸۷ به بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر رسیدند، زیرا نیاز دفاع (ساکن) گسترش یکصد و سی تیپ منظم در طول جبهه برای چند سال متمدای بود.» (السامرائی، ۱۳۸۹: ۱۴۰) در مقام مقایسه، توان جایگزینی نیروهای مسلح ایران در مقایسه با ارتش عراق، با نگرش به حمایت بی قید و شرط کشورهای کوچک و بزرگ جهانی از آن کشور بسیار ناچیز بود. سرهنگ سید یعقوب حسینی که با نگارش شش جلد کتاب، خدمت بزرگی به بازگویی جنگ کرده است، می‌نویسد: «اگر ایران چیزی از دست می‌داد، دیگر

جایگزین نمی‌شد. در حالی که، ارتش عراق هر مقدار وسایل و تجهیزات از دست می‌داد، احتمالاً بیش از دو برابر آن، با کمک پشتیبانان همه‌جانبه بین‌المللی وی تأمین می‌گردید و هر قدر فشار نظامی ایران بر نیروهای عراق در میدان‌های جنگ شدیدتر می‌شد به نسبت مضاعف، پشتیبانی از حکومت و ارتش عراق توسط تقریباً اغلب کشورهای جهان - هر کدام در حد توانایی سیاسی و اقتصادی و نظامی خود - افزایش می‌یافت.»

۱۶. مرحله پایان جنگ سال ۱۳۶۷

پس از عملیات‌های کربلا ۵ و کربلا ۸، منطقه جنوب (معبّر شلمچه) به شدت از سوی ارتش عراق دفاع می‌شد و امکان هیچ عملیاتی وجود نداشت. سپاه پاسداران برای ادامه عملیات‌های تهاجمی و به دنبال گرفتن زمین یک منطقه حساس از عراق که امتیازی باشد برای پایان جنگ، به منطقه شمال‌غرب گرایش پیدا کرد و راه کار را در این دید که رفتن به منطقه کردستان عراق، ارتش این کشور را به آن منطقه خواهد کشید، سپس می‌توان از منطقه جنوب به سمت بصره رفت. سپاه برای عملی کردن این تدبیر نیروها را به سمت شمال گسیل داشت. از طرفی، پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ که ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد و با اجماع پنج کشور عضو اصلی شورای امنیت تصویب شده بود، شرایط برای ادامه عملیات ایران سخت‌تر شده بود. چون محاصره اقتصادی شدیدتر شده و جنگ شهرها و جنگ نفت‌کش‌ها ادامه داشت، قیمت نفت به پنج دلار رسیده بود. جنگ روانی علیه ایران شدیدتر شده بود. جنگ شیمیایی عراق علیه ایران با اغماض غرب و رسانه‌ها انجام می‌گرفت. همه اینها شرایط را برای ادامه جنگ سخت‌تر کرده بود. از سوی دیگر، امریکا نیز در خلیج فارس با نیروهای ایرانی درگیر شده بود و عراق نیز راهبرد جنگ تدافعی خود را از فروردین ۱۳۶۷، به تهاجمی تبدیل کرد. لذا تغییر راهبرد جواب منفی داد و زمانی که سپاه نیروها را به شمال برده بود، ارتش عراق حمله خود را از فاو شروع کرد. فاو پس از ۲۴ ساعت سقوط کرد و عملیات‌های موفق عراق به مانند دومینو به سایر جبهه‌ها سرایت کرد و تا ۶۷/۴/۳۱ کلیه جبهه‌های ارتش و سپاه تقریباً فروپاشید. بنابراین، کلیه اتفاقات سال پایانی جنگ مختصراً به شرح زیر رقم خورد:

- ۱) اتخاذ راهبرد عملیات آفندی در شمال غرب توسط سپاه.
- ۲) آغاز عملیات‌های عراق از جنوب به منظور بازپس‌گیری (فאו، شلمچه، مجنون و...).
- ۳) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران و عدم پذیرش آن توسط عراق.
- ۴) ادامه حملات ارتش عراق در ۴/۲۱ و ۶۷/۴/۳۱ و فروپاشی جبهه‌های ارتش و سپاه.
- ۵) عملیات فروغ جاویدان منافقین با پشتیبانی ارتش عراق در ۶۷/۵/۳.
- ۶) عملیات مرصاد در ۶۷/۵/۴ توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (آزادبخت، ۱۳۸۲: ۹۲).
- ۷) حمله عراق بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸.

۱۷. عملیات مرصاد در پاسخ به فروغ جاویدان (منافقین)

مرداد ماه سال ۱۳۶۷ و در پی دستور مسعود رجوی، سرکرده گروهک مزدور منافقین، نیروهای منافقین از محور سرپل ذهاب وارد ایران شدند و به سرعت تا نزدیکی شهر «کزند» پیش رفتند. علت عدم درگیری تا این محل با نیروهای ایران عبارت بودند از ایرانی بودن، صحبت کردن منافقین به زبان فارسی و لذا سردرگمی مردم در تشخیص خودی از دشمن، تصور پایان جنگ توسط نیروهای رزمنده به دلیل پذیرش قطعنامه، فروپاشی جبهه‌ها و سازمان رزم نیروهای در خط مقدم، عدم تصور منافقین از هرگونه مقاومت نیروهای خودی باعث شد تا حمله منافقین به صورت عبور ستونی از روی جاده انجام شود. البته توپخانه ارتش عراق تا بعد از سرپل ذهاب از پیشروی منافقین در داخل خاک ایران به شدت پشتیبانی می‌کرد. منافقین بدون هرگونه مقاومت محلی پس از عبور از کرد، اسلام‌آباد غرب را اشغال کرده و آماده شدند تا به سمت کرمانشاه حرکت کنند. از طرفی، جاده اسلام‌آباد به سمت کرمانشاه از سوی مردمی که از اسلام‌آباد و روستاهای اطراف به سمت کرمانشاه می‌گریختند اشغال و مسدود گردیده و طبیعتاً ترافیک ایجاد شده عبور نیروهای منافقین را در گردنه حسن‌آباد در ۴۰ کیلومتری کرمانشاه متوقف کرد. لذا فرصتی ایجاد شد تا شبانگاه نیروهای مدافع ارتشی و سپاهی و بسیجی و نیروهای مردمی در گردنه چهارزبر مقابل منافقین جبهه‌ای را تشکیل دهند.

مسئول عملیات ستاد کل نیروهای مسلح که در کرمانشاه حضور داشت، از سرتیپ صیادشیرازی که در تهران بود، درخواست کرد به منطقه بیاید. این در حالی بود که نیروهای ارتش و سپاه در منطقه غرب و جنوب وضعیت مناسبی نداشتند، لذا صحنه نبرد عملیات مرصاد به او سپرده شد (مؤمنی، ۱۳۷۸: ۳۵۸). شهید سپهبد علی صیادشیرازی که در سال‌های پایانی جنگ به دلیل تغییر مسئولیت، از خط مقدم دور بود، به واسطه لطف خداوند متعال با عنوان نماینده امام(ره) در شورای عالی دفاع، از نزدیک فرماندهی یگان‌های هوانیروز و نیروی هوایی و رزمندگان حاضر در منطقه را به عهده گرفت و به همراه خلبانان شجاع هوانیروز و نیروی هوایی، لشکر منافقین و مزدوران صدام را در تنگه «مرصاد» منهدم و تار و مار کرد و تا انهدام کامل به تعقیب آنها پرداخت.

لذا مهم‌ترین اقدامات عملیات مرصاد به شرح زیر است:

- ۱) متوقف شدن دشمن در تنگه مرصاد با حضور یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه عملیاتی با توجه به اینکه منافقین به صورت ستون و متکی بر جاده در حال حرکت بودند، ایجاد جبهه زمینی را از روبرو بسیار مشکل می‌کرد، لذا بعد از توقف منافقین، طراحی عملیات به طرف استفاده از برتری هوایی جهت پیدا کرد.
- ۲) هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) با اجرای نقش اصلی خود در این عملیات، صحنه‌هایی از حماسه و ایثار آفرید که بارها در طول جنگ تکرار شده بود. بالگردهای ارتش با استفاده از جناحین و در طول جاده و ارتفاعات مناسب اطراف جاده، موضع گرفته و به طرف ستون بهم‌ریخته منافقین آتش گشودند و نفرات پیاده را که در کوه‌ها متواری شده بودند تعقیب کرده و به هلاکت رسانده و یا به تسلیم واداشتند.
- ۳) یورش بی‌امان، دلاورانه و پرتوان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با جنگنده‌های تیزپرواز به طرف ستون نظامی منافقین آغاز شد. سازمان رزم دشمن در همان حملات اولیه متلاشی گردید و نفرات پیاده سراسیمه به طرف جاده و کوه‌های اطراف پناه بردند.

(۴) یگان‌های ارتش و سپاه مستقر در منطقه عملیات (مرصاد) با تعقیب منافقین به دستگیری نفرات متواری منافق اقدام کردند.

(۵) انجام عملیات هلی‌برن به منظور بستن عقبه دشمن و جلوگیری از فرار به طرف عراق توسط نیروهای ارتش و سپاه.

اراده خداوند متعال بر این بود که نقش "شهید صیادشیرازی" در کنترل غائله کردستان در سال اول انقلاب و بعد در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور و همچنین در عملیات مرصاد علیه منافقین، یگانه و منحصر به فرد شده و یاد و خاطره آن شهید عزیز و والامقام در تاریخ و اذهان ملت بزرگ ایران جاودانه شود (توحیدیان، ۱۳۹۲: ۲۴).

۱۸. نتیجه‌گیری

(۱) سد پیشروی و تثبیت نیروهای ارتش عراق در ایران با انجام عملیات تأخیری توسط نیروی زمینی، نیروی هوایی و عملیات نیروی دریایی در خلیج فارس، سرآغاز و زمینه‌ساز و مبدأ کلیه عملیات‌های بعدی بود. اگر پیشروی عراق سد نمی‌شد و راه‌های مواصلاتی دشمن به شهرهای حیاتی در استان خوزستان و... مسدود نمی‌شد و آبراه خلیج فارس، این گلوگاه حیاتی، برای نیروهای خودی باز نمی‌ماند، بعید بود که بعداً عملیات‌های مهم و سرنوشت‌ساز ثامن‌الائمه(ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس را برای دفع تجاوز دشمن با موفقیت انجام دهیم. به بیان دیگر، سد پیشروی عراق به عنوان یک اقدام تاکتیکی و با عملیات تأخیری دارای نتایج راهبردی به شمار می‌رود.

(۲) تجربه به‌کارگیری دو نیرو به طور مشترک با فرماندهی مستقل و با نادیده گرفتن اصل وحدت فرماندهی، گرچه در مقاطعی جواب مثبت داده است، ولی تجربه نشان داد که این شیوه در دراز مدت، شکننده، غیرقابل اعتماد و اختلاف برانگیز است و نیازمند یک هیئت حل اختلاف در شرایط ویژه و در هر رده فرماندهی می‌باشد.

۳) مراحل چهارگانه تأخیر، تثبیت، دفع تجاوز و انهدام دشمن که در طرح ابوذر پیش‌بینی شده بود، تا پایان هشت سال جنگ پیگیری شد. اگرچه در سه مرحله اول تا پایان سال دوم جنگ توفیقات نسبتاً کاملی به دست آمد، ولی در مرحله انهدام دشمن (تعقیب و تنبیه متجاوز) موفقیت‌ها کامل نبود.

۴) تغییر استراتژی (عملیات‌های آفندی) از جنوب به منطقه شمال غرب به منظور انجام عملیات‌های والفجر ۱۰ و... در حالی که برآورد دقیقی از توانمندی‌های خودی و دشمن ارائه نگردیده و صرفاً با تصور کشیدن نیروهای عراقی به شمال عراق و سپس حمله از جنوب، باعث شد که عراق از لاک دفاعی خارج شده و عملیات‌های آفندی خود را از فاو شروع کرده و پس از موفقیت زودهنگام به مثابه یک دومینو سایر جبهه‌ها را درنوردد و شکست بی‌سابقه‌ای را به جبهه‌های خودی تحمیل کرد و در نهایت، باعث تضعیف روحیه رزمندگان و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی فرمانده کل قوا، حضرت امام خمینی (ره)، گردید؛ ولی پس از پیروزی‌های رزمندگان اسلام در عملیات موفقیت‌آمیز مرصاد که با لطف و عنایت الهی صورت گرفت، وحدت و انسجام مجدداً به نیروهای خودی برگشت و ستادکل نیروهای مسلح با توان بیشتر و روحیه مضاعف به مأموریت‌های خود ادامه داد.

۱۹. منابع

- ۱- آزادبخت، مروت (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی جنگ*، تهران، انتشارات چاپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- توحیدیان، محمد کاظم (۱۳۹۲)؛ *مجله پژوهش جنگ*، انتشارات مرکز آینده.
- ۳- مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نزا (۱۳۸۴)، *تقویم تاریخ دفاع مقدس، ج ۱ و ۲* (حوادث شهریور و مهر ۵۹)، تهران.
- ۴- جعفری، محمد؛ *تحلیل رفتارشناسی ارتش*، انتشارات آجا، ۱۳۸۷.
- ۵- حسینی، سید یعقوب؛ *ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس*، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جلد اول، ۱۳۸۴.
- ۶- حسینی، سید یعقوب (۱۳۹۲)؛ *تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی در آغاز جنگ تحمیلی*، انتشارات ایران سبز.

- ۷- خاطرات شفاهی امیر سرتیپ دوم مروت آزادبخت، سایت رسمی آجا.
- ۸- خاطرات شفاهی دریادار محمد حسین ملک‌زادگان.
- ۹- درودیان، محمد (۱۳۸۰)؛ *آغاز تا پایان*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۰- قدیمی، فرشید؛ *اولین پاسخ*، مکهب، تهران، ۱۳۸۹.
- ۱۱- لطفیان، سعیده، *ارتش و انقلاب اسلامی*، ۱۳۸۰.
- ۱۲- مؤمنی، محسن؛ *درکمین گل سرخ*، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۳- نورانی، محمد؛ *دلاوران نیروی هوایی*، تهران، سما، ۱۳۸۴.
- ۱۴- نرم افزار صحیفه امام (ره)، *بیانیه های مربوط به خرداد ۱۳۶۰*
- ۱۵- وفیق السامرایی، م، *عدنان قارونی؛ ویرانی دروازه شرقی*، مرکز فرهنگی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۰.

عملیات پدافندی نزااجا در مورخه ۵۹/۷/۱ در آغاز جنگ تحمیلی در مقابل ارتش عراق در محور شمال خوزستان یک عملیات برای سد پیشروی و تثبیت دشمن بود.

سید ناصر حسینی^۱، آرش سرابی تبریزی^۲

چکیده

پس از وقوع انقلاب اسلامی و ناآرامی‌هایی که در منطقه جنوب و غرب ایران با تحرکات عراق آغاز شده بود، نیروهای سه‌گانه ارتش جمهوری اسلامی طرح‌های عملیاتی را برای مقابله با تهدیدات احتمالی دشمن در مناطق مختلف تدارک دیده بودند. طولی نکشید ناآرامی‌ها در پنج استان کردستان، آذربایجان غربی، خوزستان، گلستان (گنبد) و سیستان و بلوچستان آغاز شد. حضرت امام خمینی(ره) با صدور اعلامیه‌های متعدد، از ارتش پشتیبانی و مأموریت برقراری آرامش در مناطق موصوف را به آن واگذار نمودند. ارتش جمهوری اسلامی ایران با وجود حملات ناجوانمردانه از سوی دشمنان و ضدانقلاب که خواهان انحلال آن بودند و نیز نامهربانی‌های ناآگاهان، در اجرای فرامین فرماندهی کل قوا با تمام قوا و امکانات خود و با جدیت تمام، برای اجرای مأموریت در مناطق مذکور حضور یافت. در هر صورت، امنیت نسبی در مناطق ناآرام، مانند سیستان و بلوچستان و گنبد برقرار شد، اما ناامنی هنوز در استان‌های خوزستان، کردستان و آذربایجان غربی وجود داشت که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ جنگ ایران و عراق شروع شد. در شروع جنگ، شرایط بسیار پیچیده و مشکل بود. در ابتدای امر، در مرزهای مورد تجاوز دشمن، بجز یگان‌های سرزمینی، نیروی قابل قیاس در مقابل ارتش عراق نبود. ارتش تا دندان مسلح عراق با روحیه تجاوزگری، با هجوم هوایی و زمینی از مرزهای کشور عبور و نیروهای مستقر در مرز را با وارد کردن تلفات و ضایعات زیاد وادار به عقب نشینی کردند. نیروهای باایمان و وظیفه‌شناس ارتش با دادن صدها شهید و مجروح و استفاده از تاکتیک عملیات تأخیری و جنگ و گریز در

۱. سرتیپ ستاد سید ناصر حسینی، دانش‌آموخته دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیئت علمی دافوس آجا.

۲. ستواندوم آرش سرابی تبریزی، کارشناس ارشد.

مواضع مناسبی توانستند دشمن را متوقف نمایند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران پس از سد پیشروی دشمن در استان خوزستان، با اجرای تک‌های محدود، دشمن را وادار به استقرار در خط پدافندی نمودند. برای ایجاد زمینه در جهت بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های اشغالی در سال اول جنگ، تک‌های محدودی توسط نیروهای حاضر در استان خوزستان صورت گرفت که نتیجه آن آزادسازی سوسنگرد، گرفتن سرپل‌ها در غرب رودخانه کرخه و قرار گرفتن نیروهای خط پدافندی در موقعیت بهتر و سرکوب دشمن بود. نتایج حاصله نشان می‌دهد که کارکرد ارتش جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط و وضعیت موجود، در سال اول جنگ، علمی، تخصصی و فداکارانه بوده و تاکتیک‌های مورد استفاده با استانداردهای بین‌المللی و شناخته‌شده علمی مطابقت دارد.

واژگان کلیدی: کرخه، عملیات تأخیری، جنگ، ارتش جمهوری اسلامی ایران، استان

خوزستان

۱. مقدمه

ارتش بعث عراق تجاوز نظامی خود را در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در سه منطقه اصلی جنوب، غرب و شمال‌غرب کشور به ایران اسلامی آغاز کرد و در هریک از این مناطق، با به‌کارگیری چند لشکر و تیپ مستقل در قالب یک سپاه، هدف خاصی را دنبال نمود. هدف اصلی عراق از تجاوز، آن‌گونه که سران رژیم بعث اعلام کردند، اشغال و جداسازی خوزستان از ایران بود و بر اساس این هدف، سه محور اصلی را در حمله به خوزستان در نظر گرفتند.

در محور جنوبی، هدف اشغال خرمشهر و آبادان بود. در محور مرکزی، نیروهای متجاوز تصرف اهواز، مرکز خوزستان، را در سر داشتند و در محور شمالی، ارتش بعث قصد داشت ابتدا با تصرف مناطق واقع در غرب رودخانه کرخه، از این رودخانه عبور کرده و شهرهای دزفول و اندیمشک و نیز پایگاه چهارم هوایی دزفول را به تصرف خود درآورد. بدیهی است چنانچه این اهداف محقق می‌شد، استان خوزستان به طور کامل سقوط می‌کرد و با توجه به شرایط جغرافیایی این استان و بسته شدن معابر و گلوگاه‌های آن توسط ارتش متجاوز، بازپس‌گیری آن تقریباً غیرممکن می‌گردید.

یکی از پرسش‌های اساسی در بررسی تاریخ جنگ ایران و عراق همیشه این بوده است که به رغم مشخص بودن اهداف عراق از حمله به ایران و نیز ضرورت تاکتیکی عبور نیروهای عراقی از کرخه، مانع اصلی از عدم دستیابی ارتش عراق به این هدف اصلی و اساسی چه بوده است؟ در این مورد، کارشناسان نظامی داخلی و حتی خارجی تاکنون نظرات متعدد و متفاوتی را ارائه نموده‌اند.

مقاله حاضر تلاش دارد با ارائه مستندات متقن، ثابت نماید که مانع و دلیل اصلی عدم موفقیت عبور نیروهای عراقی از رودخانه کرخه و تصرف شهرهای دزفول و اندیمشک و پایگاه چهارم هوایی، همانا مقاومت دلیرانه یگان‌هایی از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با پشتیبانی نیروی هوایی، هوانیروز و نیز آتش‌های انبوه و دقیق یگان‌های توپخانه در قالب عملیات تأخیری بوده است.

۲. جغرافیای عمومی استان خوزستان

استان خوزستان با مساحتی معادل $۶۳۶۳۳/۶$ کیلومترمربع از نظر جغرافیایی بین ۴۷ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۲۹ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۴ دقیقه عرض شمالی از خط استوا در جنوب‌غربی ایران واقع شده است. این استان از شمال‌غربی با استان ایلام، از شمال با استان لرستان، از شمال‌شرقی و شرق با استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب‌شرقی با استان بوشهر، از جنوب با خلیج فارس و از مغرب با کشور عراق هم‌مرز است. خوزستان در تقسیم‌بندی کلی اقلیمی کشور در بخش صحرایی گرم و خشک طبقه‌بندی گردیده است. به طور کلی، هوای خوزستان در جلگه و سواحل خلیج فارس گرم و در نواحی کم‌ارتفاع صحرایی گرم و خشک و در قسمت‌های کوهستانی با ارتفاع زیاد دارای آب و هوای مرطوب و سرد است. نام خوزستان احتمالاً از کلمه خوز یا خوج، که عیلامی شده اوژ است، گرفته شده و اوژ نام ناحیه‌ای از قلمرو عیلامیان بوده است. تحقیقات نشان داده که از حدود هشت هزار سال قبل از میلاد مسیح (ع) عیلامیان در این ناحیه سکونت داشته‌اند و احتمالاً اولین اقوامی بوده‌اند که در این ناحیه سکنی

گزیده‌اند و نیز احتمالاً اولین اقوامی بوده‌اند که در این منطقه دولت مستقل تشکیل داده‌اند. (علی رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۸)

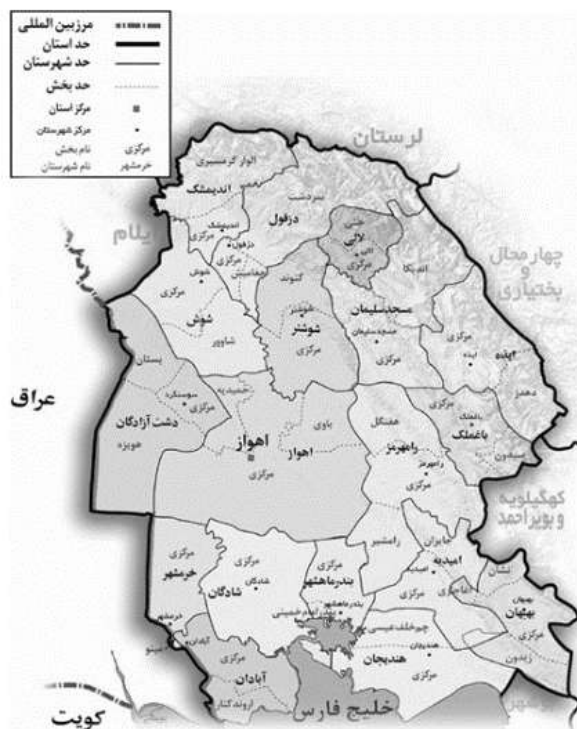
از نظر آب و هوایی، جز در برخی مناطق کوهستانی شمالی و شرقی، این استان دارای اقلیم خشک و نیمه‌خشک است که متوسط بارندگی سالانه آن حدود ۲۲۶ میلی‌متر بوده و دوره بارندگی معمولاً بین مهرماه تا اردیبهشت است. وجود سلسله جبال زاگرس در شمال و شرق دشت خوزستان در جنوب و غرب سبب تقسیم استان به دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی شده است که منطقه کوهستانی حدود دویستم مساحت استان را شامل می‌شود. در این استان، رودخانه‌های مهمی همچون کارون، کرخه، دز، مارون و خیرآباد جاری است که در این میان، رودخانه کارون پرآب‌ترین رودخانه کشور و سایر رودخانه‌ها نیز جزء رودخانه‌های بزرگ و پرآب کشور محسوب می‌شوند. وجود این موهبت طبیعی منجر به احداث سدهای متعدد در این استان شده است. این استان دارای جمعیتی معادل ۴۱۵۳۷۱۳ نفر است که ۶۲/۵ درصد از جمعیت استان شهرنشین می‌باشند. استان خوزستان دارای ویژگی‌های خاصی است که در کمتر استانی از کشور چنین ویژگی‌هایی موجود می‌باشد و همین ویژگی‌ها عاملی گردیده تا استان خوزستان متمایز از سایر استان‌ها دیده شود (سید یحیی صفوی، ۱۳۸۴: ۴۶).

۳. نقاط قوت و قابلیت‌های استان

- ۱) مرزهای طولانی آبی در جنوب و امکان ایجاد و توسعه مناطق ویژه صنعتی - بازرگانی و مناطق پردازش صادرات.
- ۲) نزدیک‌تر بودن فاصله بنادر استان با مراکز عمده جمعیتی، صنعتی، کشاورزی و معادن کشور در مقایسه با سایر بنادر در استان‌های ساحلی جنوب.
- ۳) نزدیکی استان به کشورهای کویت، عراق و عربستان سعودی.
- ۴) وفور ذخایر نفت و گاز و امکان توسعه فعالیت‌های صنایع پالایش و پتروشیمی.
- ۵) وجود معادن مصالح مورد نیاز فعالیت‌های ساختمانی و صنایع تولید سیمان.
- ۶) وجود قطب‌ها و مراکز اصلی صنایع نفت، فلزات اساسی، شیمیایی در استان و امکان ایجاد و توسعه صنایع پایین دستی.
- ۷) جریان رودخانه‌های بزرگ کشور با قابلیت تولید انرژی برقی و تأمین آب مورد نیاز شرب و فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی (زراعت، باغداری و آبی‌پروری).

عملیات پدافندی نذاجا در آغاز جنگ تحمیلی... ۴۱/

- ۸) وجود تمرکزهای قوی زیربنایی (نیروگاه‌ها، فرودگاه‌ها، شبکه راه‌آهن، اسکله‌ها).
- ۹) وجود امکانات توسعه فعالیت‌های کشاورزی (زراعت، باغداری، شیلات و دامپروری).
- ۱۰) وجود تالاب‌های بزرگ و متعدد و نقش مثبت آنها در کنترل سیلاب‌ها، تغذیه سفره آب زیرزمینی.
- ۱۱) وجود شبکه شهری توانمند از شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک (شامل: شهر اهواز در مرکز استان، مجموعه شهرهای متوسط دزفول و اندیمشک در شمال استان، آبادان و خرمشهر و ماهشهر و سربندر در جنوب استان و شهرهای مسجدسلیمان، بهبهان، شوش و شوشتر و تعداد زیادی شهرهای کوچک) (حسین اردستانی، ۱۳۸۷: ۷۸).



نقشه شماره ۱: مرزهای سیاسی و شکل هندسی مرکز استان (فرهنگ جغرافیایی ایران، ۱۳۳۱)

۴. توپوگرافی

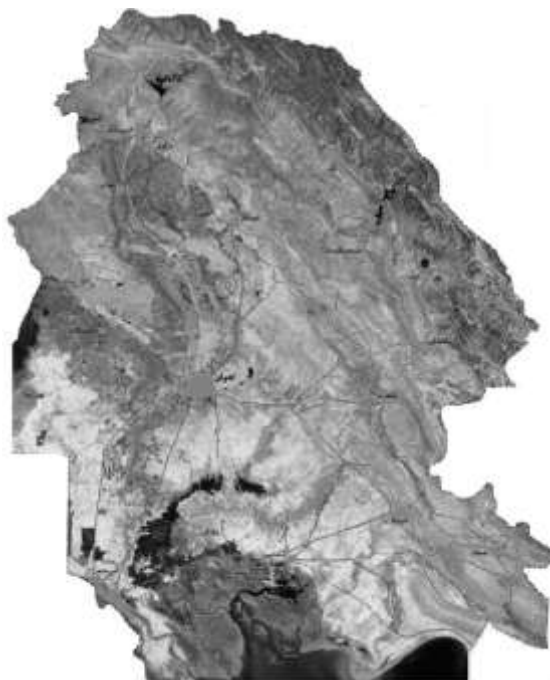
استان خوزستان از لحاظ شکل ناهمواری به دو منطقه متمایز کوهستانی و منطقه جلگه‌ای تقسیم می‌شود:

الف) منطقه کوهستانی در شمال و مشرق خوزستان

از جمله کوه‌های مهم این منطقه می‌توان کوه چو، جبال زردکوه، آب‌بندان، مامزادکوه سیاه و کوه چال را نام برد. در این منطقه، شهرهای ایذه، مسجدسلیمان، لالی و باغملک قرار دارند. ارتفاع شمال و شمال‌شرقی استان تا ۲۵۰۰ متر از سطح دریا می‌رسد.

ب) منطقه جلگه‌ای

منطقه جلگه‌ای قسمت‌های غرب، جنوب و مرکز بخش جلگه‌ای را تشکیل می‌دهند که شامل شهرهای آبادان، اهواز، خرمشهر، شوش و شادگان و سوسنگرد است. حد فاصل دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی استان بخش میان‌بند است که شامل شهرهای بهبهان، رامهرمز، دزفول و شوشتر می‌باشد. منطقه جلگه‌ای در خوزستان از جنوب دزفول آغاز گردیده و تا کرانه‌های خلیج فارس امتداد دارد. جلگه خوزستان بر اثر فرسایش رسوبات، تقریباً صاف و دارای شیب کم است.



نقشه شماره ۲: ارتفاعات استان خوزستان توسط تصویر ماهواره‌ای، سازمان جغرافیای جمهوری اسلامی

رودخانه‌ها و منبع آب‌های مهم سطحی استان

یک‌سوم آب‌های سطحی ایران در خوزستان جریان دارد و از این نظر، یکی از غنی‌ترین مناطق کشور می‌باشد. مهم‌ترین رودهای استان عبارتند از: کارون، کرخه، مارون (جراحی) و دز.

الف) رود کرخه

رود کرخه از کوه الوند در ۱۴ کیلومتری جنوب شهر همدان سرچشمه می‌گیرد و پس از دریافت شعباتی از ملایر، تویسرکان و نهاوند، از یک بستر باریک کوهستانی می‌گذرد. این رود در ادامه جریان خود و عبور از استان ایلام، ضمن دریافت شعباتی به سوی جلگه خوزستان پیش می‌رود و در مقابل قلعه قاسم وارد این استان می‌شود. در قسمت غربی خوزستان، قسمتی از آب آن به مصرف آبیاری می‌رسد و قسمتی دیگر به سوی هورالهویزه و هورالعظیم جریان می‌یابد.

ب) رود کارون

کارون به طول ۹۵۰ کیلومتر و عرض متفاوت، از دره‌های تنگ و عمیق در سرچشمه آن در زردکوه بختیاری تا بستر پهن و گسترده در مصب از بزرگ‌ترین و طولی‌ترین رودهای ایران است.

ج) رودخانه دز

دز رودخانه‌ای است که از کوه‌های لرستان سرچشمه می‌گیرد. پس از مشروب ساختن دزفول به شاخه شطیط وارد شده و از طریق شاخه شطیط به کارون ملحق می‌گردد. روی این رودخانه در شمال شهر دزفول سد مخزنی به نام سد دزفول و سد مخزنی به نام سد دز به ارتفاع ۲۰۳ متر برای آبیاری جلگه خوزستان بسته شده که می‌تواند معادل ۳/۳ میلیارد مترمکعب آب را در پشت خود مهار نماید.

د) رودخانه مارون (جراحی)

این رودخانه از کوه‌های نسبتاً مرتفع در استان کهگیلویه سرچشمه می‌گیرد و از جهت جنوب‌غربی وارد دشت بهبهان می‌شود. پس از عبور از دشت رامهرمز و دریافت رودخانه اعلا، به سمت شمال منحرف می‌شود و به نام رودخانه جراحی نامگذاری می‌شود. از جهت جنوب‌غربی نیز به دشت‌های وسیع خلف‌آباد و شادگان می‌رسد.

۵. جغرافیای نظامی استان خوزستان

جلگه حاصل‌خیز، منابع عظیم نفت، رودهای پر آب و نیز تسلط بر شمال خلیج فارس موجب شده تا استان خوزستان از اهمیت راهبردی بسیار زیادی برخوردار باشد، که در این میان، ارتباط دریایی با آن و نیز مرز مشترک کم‌عارضه با کشور عراق این استان را به یکی از محورهای تهدید علیه ایران تبدیل نموده است.

محورهای تهدید استان خوزستان

۱) تهدید از طریق دریا: محور دریا محوری است که کشتی‌های جنگی با تناژ بالا قادر به تهدید این استان می‌باشند. این تهدیدها می‌توانند از دو طریق خور موسی و دهانه اروندرود انجام پذیرد.

۲) تهدید از طریق عبور از رودخانه: این تهدید می‌تواند از طریق اروندرود یا هورالعظیم صورت پذیرد، گرچه هم ایران، هم عراق تغییرات زیادی در هورالعظیم ایجاد کردند و قسمت‌هایی از آن را خشک کرده و قسمت‌هایی از خشکی‌ها را به زیر آب بردند.

۳) تهدید از طریق عبور از خشکی: این تهدید از دو محور میسر خواهد بود:

الف) محور شلمچه تا طلائیه؛

ب) چزابه تا موسیان.

در مقابل این محورهای تهدید، دو رودخانه بزرگ کرخه و کارون به همراه بریدگی‌ها و شیارهای زیادی که ایجاد کرده‌اند و از نظر نظامی مانع دفاعی قابل توجه محسوب می‌شوند، ارتفاعات شمال بستان همچون میشداغ، برقازه، تینه و عین‌خوش نیز نقش عمده‌ای در مسائل دفاعی این منطقه دارند. وجود سدهای بزرگ نیز در این استان نقش مهمی در بحث نظامی دارد، به طوری که، اگر تمام دریاچه‌های این سدها باز شوند، بخش‌های زیادی از هورالعظیم به زیر آب می‌رود و عراق نیز تهدید می‌شود.

۶. آغاز تهاجم نیروهای مسلح عراق به کشور جمهوری اسلامی ایران

مواردی که مشوق دشمن برای هجوم به کشور ایران بود عبارتند از:

- ۱) اوضاع نابسامان سیاسی کشور، به ویژه سیاست خارجی.
- ۲) درگیری مسئولین رده بالای کشور با مشکلات داخلی.
- ۳) تحلیل توان رزمی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ۴) حضور نیروهای ارتش و سپاه تازه تأسیس در مقابله با ضدانقلاب داخلی در شمال غرب و سایر نقاط ناآرام کشور.
- ۵) پشتیبانی تعدادی از کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای از حاکمین عراق برای جنگ.
- ۶) احتمال پشتیبانی اعراب منطقه از هجوم ارتش عراق به کشور ایران.

با توجه به موارد فوق، احتمال موفقیت برای نیروهای مسلح عراق در جنگ تا حدودی قطعی بود. بر اساس همین محاسبات، ارتش عراق در روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ توسط نیروی هوایی با گذر از مرزهای هوایی کشور ایران، تعدادی از فرودگاه‌ها و شهرهای جمهوری اسلامی ایران را بمباران نمود و چند ساعت بعد نیروی زمینی آن کشور با استعداد بالا و آمادگی رزمی مناسب از سه محور به استان خوزستان هجوم آوردند و به این ترتیب، جنگ هشت ساله بین ایران و عراق شروع شد (حسین علایی، ۱۳۹۱: ۱۱۶). در این قسمت، توان رزمی ارتش عراق با نیروهای دفاعی ارتش جمهوری اسلامی ایران مقایسه شده است.

عراق	ایران	نوع یگان
۱۴۷	۷۰	گردان پیاده و مکانیزه
۳۴	—	گردان پیاده کوهستانی
۶۳	۳۱	گردان زرهی
—	۱۰	گردان سوار زرهی
۱۰	۳	گردان نیروی مخصوص
۱۳	—	گردان شناسایی
۱۳۰ گروهان معادل ۴۰ گردان	—	گروهان کماندو
۳۰۷	۱۱۱	جمع

جدول شماره ۱: مقایسه گردان‌های رزمی ایران و عراق در آغاز جنگ تحمیلی (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۳۰۴ الی ۳۱۴)

با توجه به اینکه یگان‌های رزمی ارتش عراق از نظر استعداد و آمادگی رزمی تقریباً ۱۰۰٪ بوده و یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط حاصل از انقلاب از نظر آمادگی رزمی ۶۰٪ بوده‌اند، لذا نسبت نیروهای ارتش ایران به ارتش عراق یک به چهار محاسبه می‌شود (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۳۲). در همین رابطه، مقایسه استعداد و توان رزمی گردان‌های پشتیبانی رزمی ارتش ایران و عراق نیز به شرح جدول زیر یک به چهار می‌باشد:

نوع یگان	ارتش ج.ا.ا	ارتش عراق
گردان توپخانه صحرائی	۵۲	۷۶
گردان پدافند هوایی	۱۸	۳۸
گردان مهندسی و پل	۱۰	۱۶
گردان مخابرات	۱۰	۱۶
گردان ضدتانک	—	۱۳
گردان موشکی	—	۱۵
آتشبار سبک ۱۲۰م	—	۲۳
جمع کل	۸۱	۱۹۷

جدول شماره ۲: مقایسه گردان‌های پشتیبانی رزمی نیروی زمینی ایران و عراق در آغاز جنگ تحمیلی

(حسینی، ۱۳۸۷، ۳۳۲)

بررسی پیشینه جنگ‌های قرن اخیر نشان می‌دهد، هیچ ارتشی در ایام جنگ نه تنها بی‌نیاز از حمایت‌های ویژه دولت و کمک‌های داوطلبانه مردم نبوده، بلکه پیروزی و یا شکست همیشه به توانایی استفاده از امکانات نهفته در جامعه و همبستگی و همدلی نیروهای مسلح و ملت بستگی مستقیم داشته است. در این راستا، ارتش جمهوری اسلامی ایران افزون بر اینکه از این قاعده نمی‌تواند مستثنی باشد، بلکه از آن جایی که وقوع انقلاب تمام زیرساخت‌های آن را دگرگون کرده بود، به عنوان یک نیاز مضاعف می‌بایستی مورد حمایت افزون‌تری قرار می‌گرفت، در صورتی که پشتیبانی از ارتش در زمان جنگ مشکلات عدیده داشت. به عنوان نمونه‌ای روشن، می‌توان به افزایش ساختار سازمانی نیروها اشاره کرد که به طور معمول، در جنگ، با احضار نیروهای ذخیره و احتیاط عملی می‌شود. اما این اقدام به دلیل گسستگی نظام ارتش ناشی از التهاب اولیه انقلاب نه تنها عملی

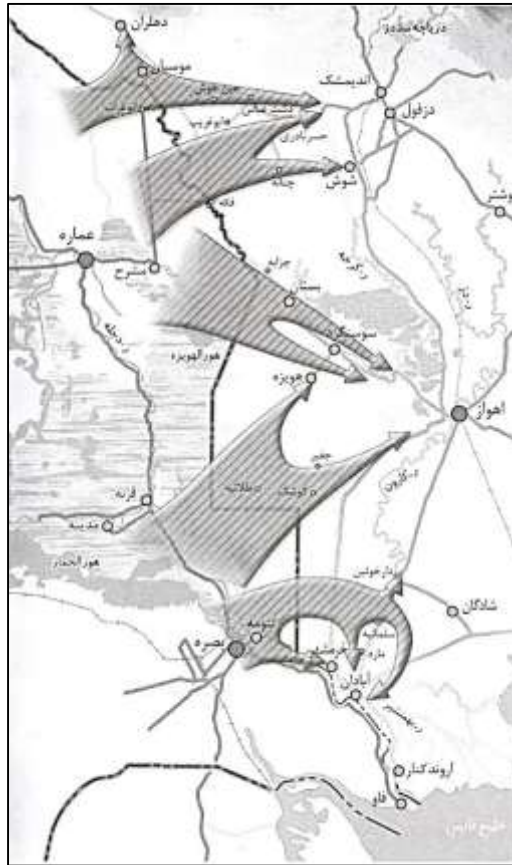
عملیات پدافندی نزاجا در آغاز جنگ تحمیلی... / ۴۷

نگردید، بلکه در روند سربازگیری به طور سنتی هم خلل ایجاد گردید و تمام سربازان در اختیار ارتش قرار داده نمی‌شدند و در ایام جنگ، همواره یکی از مشکلات نیروی زمینی کمبود نیروی انسانی و به تبع آن یگان مانوری بود. در همین زمینه، در کتاب دفاع مقدس آمده است: عمده‌ترین مشکلات نیروی زمینی برای اجرای عملیات آفندی گسترده و سرنوشت‌ساز کمبود یگان مانوری با توجه به عرض جبهه و گسترش یگان‌ها در مواضع پدافندی بود (روحیه جنگی، ص ۵۰). به همین دلیل بود که نزاجا در مقاطعی از جنگ، برای تحرک در جنگ و انجام عملیات آفندی درخواست واگذاری تعدادی از نیروهای بسیج به این نیرو را داشت که هیچگاه عملی نگردید. (درودیان، ۱۳۸۰: ۷)

عراق	ایران	تجهیزات عمده
۲۵۰۰	۲۰۰۴	تانک
۲۹۵۰	۲۷۴۹	نفربر زرهی
۱۵۰۰	۱۴۶۸	توپ صحرائی
۲۰۲۰	۱۹۹۳	توپ پدافند هوایی در نیروی زمینی و هوایی
۱۹۷	۹۳۸	تعداد بالگرد در ۳ نیرو
۴۶۵	۴۵۸	جمع هواپیماهای جنگنده و شناسایی
—	۷	ناو سنگین و سبک
۲۶	۱۶	ناوچه گشتی و موشک‌انداز
۵	۱۲	ناو لجستیکی و نیروبر
۵	۴	مین جمع‌کن
وضعیت نیروی دریایی ایران در مقایسه با عراق نسبتاً خوب بود.		

جدول شماره ۳: مقایسه نسبی تجهیزات عمده ارتش‌های ایران و عراق در آغاز جنگ (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۳۴)

۷. معابر تهاجم عراق به استان خوزستان



نقشه شماره ۳: معابر تهاجم عراق به استان خوزستان

الف) معبر جنوبی

اشغال استان خوزستان هدف اصلی و تصرف شهرهای خرمشهر و آبادان اولین هدف از اهداف پیش‌بینی شده دشمن در جنوب بود. برای همین منظور، نیروهای عراقی در محور شلمچه - خرمشهر با لشکر ۵ مکانیزه، لشکر ۳ زرهی، تیپ ۲۶ زرهی و ۱۵ مکانیزه در روز ۳۱ شهریورماه هجوم گسترده‌ای را به طرف خرمشهر آغاز کردند. این هجوم همراه با حمایت هوایی و آتش توپخانه بود که تمام مناطق خرمشهر را مورد حمله قرار داد (جعفری، ۱۳۹۱: ۱۹). مدافعان خرمشهر متشکل از ژاندارمری، گردان ۱۵۱ دژ، لشکر ۹۲ زرهی، تکاوران دریایی،

عملیات پدافندی نزاجا در آغاز جنگ تحمیلی... ۴۹/

دانشجویان دانشکده افسری ارتش و... بودند. مدافعان ۱۱ روز در مقابل دشمن ایستادگی کردند و دشمن تا روز یازدهم قادر نشد وارد شهر شود. در تاریخ ۵۹/۷/۱۹، دشمن با برقراری پل در منطقه مارد از رودخانه کارون عبور کرد. تک‌های محدود و مختل‌کننده از طرف محور ماهشهر - آبادان توسط گردان‌های ۱۴۴ پیاده لشکر ۲۱ ارتش و ۲۰۱ ژاندارمری از یک‌سو و نیروهای ارتش، ژاندارمری، شهربانی، مردمی حاضر در آبادان از طریق محور آبادان - ماهشهر از سوی دیگر، دشمن را وادار به توقف نمودند. در این مدت، گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ خراسان برای تقویت نیروها در شهر آبادان وارد شهر و در مقابل دشمن مستقر شد و همین امر سبب گردید در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۹، زمانی که دشمن از طریق رودخانه بهمنشیر و کوی ذوالفقاری وارد آبادان شد، نیروهای دشمن را منهدم و وادار به عقب‌نشینی نمایند. بعد از آن، دشمن در موقعیت میدان تیر آبادان تثبیت شد (معین‌وزیری، ۱۳۸۵: ۳۹).

ب) معبر میانی

گزارش‌های موجود حاکی است که از روز ۲۶ شهریورماه ۱۳۵۹ که عناصر تیپ ۳ زرهی در خط مرز و بین پاسگاه‌های سوبله و صفریه گسترش یافته بودند، با دشمن درگیر شدند. عصر روز ۳۱ شهریورماه فشار دشمن شدیدتر شد و عناصر تیپ ۳ در پاسگاه‌های صفریه و سوبله که یک منطقه کاملاً مسطح و باز است، علیرغم تلاش برای پایداری سرسختانه نتوانستند حملات دشمن را دفع نمایند و در اثر فشار، لشکر ۹ زرهی (-) دشمن، حرکات به عقب انجام دادند و متجاوز پس از به تصرف درآوردن مناطق پاسگاه‌های مرزی، به سوی تنگ چزآبه و ارتفاعات الله اکبر پیشروی نمود.

تیپ ۳ زرهی در اثر فشار دشمن علیرغم ابراز رشادت به علت دارا نبودن نیروی لازم و گسترش اولیه در زمین نامناسب پدافندی، نتوانست از تنگ چزآبه برای متوقف کردن دشمن (تیپ ۳۵ لشکر ۹ زرهی) به‌نحو مؤثری استفاده نماید و با تحمل تلفات تا ارتفاعات الله اکبر

عقب زده شد. دشمن پس از عبور از تنگ چزابه و پیشروی در محور شمالی کرخه، بر فشار خود برای دستیابی به ارتفاعات الله اکبر افزود (بختیاری، ۱۳۸۷: ۲۴).

فعالیت چشمگیر و مؤثر یگان‌های توپخانه و هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پشتیبانی از عناصر تیپ ۳ زرهی مانع از دستیابی سریع و راحت دشمن به ارتفاعات الله اکبر شده و تلاش‌های او را خنثی می‌نمود. روشن بود که تیپ ۳ زرهی با توان رزمی موجود خود قادر به نگهداری قطعی این ارتفاعات نیست، ولی به هر حال، آنچه در توان داشت مقاومت می‌نمود.

تلاش و فعالیت دشمن در محور شمالی کرخه برای تصرف ارتفاعات الله اکبر روزها و بدون نتیجه به درازا کشید و رزمندگان میهن اسلامی با پشتیبانی شدید توپخانه و هوانیروز و نیروی هوایی در مقابل دشمن مقاومت کردند. در روز ۱۸ مهرماه، دشمن تلاش نمود وارد بستان شود و در واقع، از محور جنوب کرخه هم استفاده نماید. اما پل فلزی بستان روی رودخانه کرخه توسط عناصر تخریب گروهان سوم مهندسی زرهی گردان ۴۲۹ مهندسی لشکر ۹۲ که برای جلوگیری از ورود دشمن به شهر در همان روزهای اولیه حمله عراق خرج‌گذاری و سپس تخریب شده بود،^۱ ولی متجاوز با نصب پل‌های شناور روی رودخانه‌های کرخه و رمیم از شمال و غرب وارد شهر گردید و روز ۱۹ مهرماه بستان به‌طور کامل سقوط کرد و به اشغال دشمن درآمد. با پیشروی متجاوز در محور بستان - سوسنگرد، این شهر از غرب مورد تهدید قرار گرفت. (همان: ۲۵).

از سویی نیروهای دیگری از دشمن که از محورهای کوشک و طلائییه وارد ایران شده بودند و رو به جفیر و اهواز به سمت شمال پیشروی می‌نمودند، به رودخانه کرخه کور رسیدند و با عبور از آن، به قصد تصرف حمیدیه و سوسنگرد در دو سمت، یکی به سمت حمیدیه و دیگری به سمت سوسنگرد پیشروی نمودند که روز هشتم مهرماه به حاشیه جنوبی شهرهای حمیدیه و سوسنگرد رسیدند و ضمن قطع جاده حمیدیه - سوسنگرد، حتی عناصری از نیروهای دشمن وارد این شهر شدند، ولی نیروهای مردمی و نیروهای نامنظم شهید دکتر چمران و عناصر ژاندارمری با رشادت و بی‌باکی غیر قابل تصویری با سلاح‌های سبک به دشمن حمله‌ور شده و

۱. خاطرات امیر سرتیپ ستاد طیب شعبانی.

عملیات پدافندی نزاچا در آغاز جنگ تحمیلی... ۵۱/

ضمن وارد آوردن تلفات و خساراتی به دشمن، عناصر متجاوز را چند کیلومتری ناگزیر به عقب‌نشینی کردند.

با ورود نیروهای تازه نفس و تقویت لشکر ۹ زرهی عراق، بر فشار دشمن برای تصرف ارتفاعات الله اکبر افزوده شد و بالأخره روز ۲۷ مهرماه دشمن ارتفاعات الله اکبر و شحیطیه را به‌طور کامل تصرف نموده و عناصر تیپ ۳ زرهی تا ۸-۹ کیلومتری شرق الله اکبر عقب رانده شدند و پادگان دشت آزادگان در خطر سقوط قرار گرفت، ولی تیپ ۳ زرهی علی‌رغم استعداد رزمی قلیل و فرسودگی بیش از حد، با عناصر باقیمانده و پشتیبانی شدید توپخانه، هوانپروز و نیروی هوایی توانست پیشروی دشمن را در این قسمت از دشت آزادگان سد و مانع از سقوط پادگان و دستیابی دشمن به حمیدیه گردد و متجاوز هم دیگر نتوانست بیش از این پیشروی نماید. (همان: ۲۵)

در جنوب کرخه، دشمن تلاش مجددی را برای تصرف سوسنگرد آغاز کرد و موفق گردید تا ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۵۹، سوسنگرد را از چهار سمت به‌طور کامل محاصره نماید، بدین نحو که نیرویی از تپه‌های الله اکبر به دهکده سبحانی وارد شده و از شمال، سوسنگرد را تهدید نمود. ستون دیگری که از بستان تا دهلاویه پیشروی کرده بود، خود را به غرب این شهر نزدیک کرد. نیرویی از متجاوز که از سمت کرخه کور رو به شمال حرکت کرده بود، به حاشیه جنوبی شهر رسید و بالأخره ستون دیگری هم از همین سمت کرخه کور به روستای ابوحمیظه در شرق سوسنگرد رسید و ضمن تکمیل محاصره شهر از سمت شرق، جاده حمیدیه - سوسنگرد را هم قطع کرد. مدافعین شهر اعم از عناصر ژاندارمری سوسنگرد و نیروهای نامنظم شهید دکتر چمران، دلاورانه در شهر پایداری نمودند.

روز ۲۵ آبان‌ماه عناصری از دشمن با تانک از سمت شرق و جنوب وارد شهر شده و جنگ خیابانی شدیدی بین مدافعین و متجاوز آغاز شد که در نتیجه، دشمن موفق به اشغال کامل شهر نگردید و در کنار شهر متوقف گردید تا حمله مجددی را سازمان دهد.

روز ۲۶ آبان‌ماه نیروهای ایران متشکل از تیپ ۲ زرهی دزفول، گردان ۱۴۸ پیاده لشکر ۷۷ خراسان با همکاری مؤثر نیروهای نامنظم شهید دکتر چمران، با تهیه سریع یک طرح آفندی از شرق به سوی سوسنگرد حمله‌ور شده و با وارد آوردن تلفات و خسارات به دشمن، حلقه محاصره

متجاوز را از سمت شرق گشوده و با نیروهای رزمنده محاصره شده در شهر الحاق حاصل نمودند و رویای متجاوز برای تصرف سوسنگرد، برای همیشه ناکام گردید. با شکستن حلقه محاصره سوسنگرد، نیروهای متجاوز از شرق و جنوب این شهر عقب نشستند، ولی در غرب سوسنگرد کماکان در حوالی کرانه غربی نهر مالکیه باقی ماندند (همان: ۲۶).

ج) منطقه شمالی (غرب دزفول)

لشکرهای ۱۰ زرهی و ۱ مکانیزه در جبهه شمالی، از دو محور عین‌خوش و فکه برای تصرف شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش و هفت‌تپه از مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی عبور کرده و پس از شش روز به غرب رودخانه کرخه رسیدند. انجام عملیات تأخیری توسط تیپ ۲ زرهی و گردان ۲۸۳ سوارزرهی لشکر ۹۲ از محور عین‌خوش و گروه‌های رزمی ۳۷ و ۱۳۸ از محور فکه، پیشروی دشمن را تا شرق رودخانه کرخه شش روز به تأخیر انداخت. در تاریخ ۵۹/۷/۷، دشمن تلاش کرد در دو نقطه از رودخانه کرخه عبور کند. موقعیت اول در شمال شهرستان شوش با به‌کارگیری یگانی از لشکر ۱ مکانیزه که توسط گردان ۱۴۱ پیاده از لشکر ۲۱ به فرماندهی سروان رهبر سرکوب شد و با دادن تلفات و ضایعات مجبور به عقب‌نشینی شد. موقعیت دوم برای عبور از پل نادری با استفاده یگانی از لشکر ۱۰ زرهی که توسط تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ و گردان ۲۸۳ سوارزرهی سرکوب و مجبور به عقب‌نشینی گردید. در تاریخ ۵۹/۷/۲۲، مجدداً لشکر ۱۰ زرهی دشمن پیشروی خود را برای عبور از رودخانه از طریق پل نادری شروع کرد. علاوه بر تیپ ۲ زرهی، گردان‌های پیاده از لشکر ۲۱ حمزه نیز در سرپل حضور داشتند و لشکر برای انجام تک مورخه ۵۹/۷/۲۳ خود را آماده می‌کرد. این بار نیز نیروهای دشمن با دادن تلفات و ضایعات زیاد مجبور به عقب‌نشینی شدند. بدین ترتیب، در این جبهه نیز دشمن تثبیت شد و بعد از آن هیچ‌گونه پیشروی به سمت جلو نداشت (معین وزیری، ۱۳۹۲: ۱۲ و ۳۷).



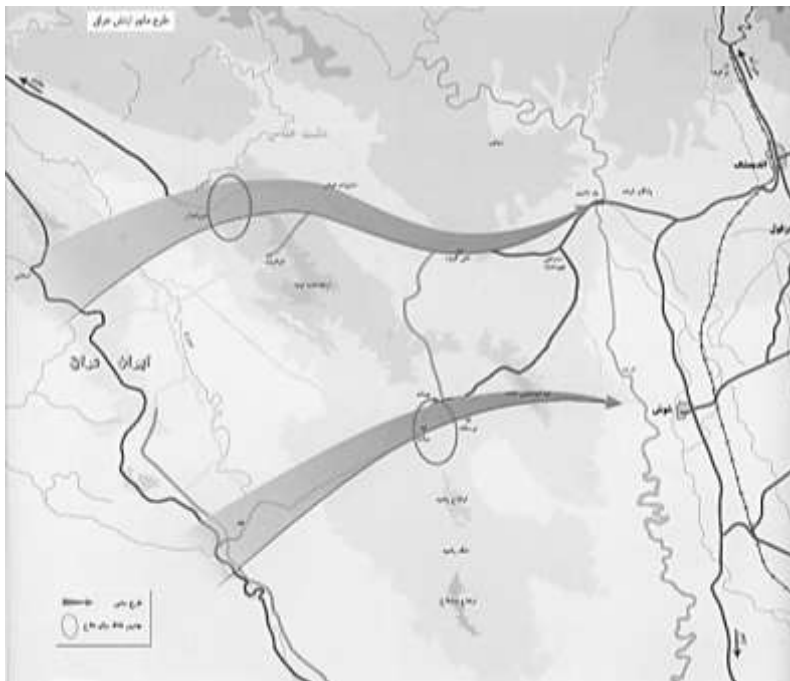
نقشه شماره ۴: معبرهای هجوم عراق از غرب کرخه

۸. نحوه پیشروی ارتش عراق از محور فکه و عین خوش تا رودخانه کرخه

گزارش فرمانده لشکر ۱۰ زرهی ارتش عراق، سرتیپ حشام فخری، که به هنگام تجاوز و شرکت در عملیات آفندی تهیه شده بود، در بازگشت به امریه به کلی سری سپاه سوم نشان می‌دهد که چگونه ارتش عراق با آمادگی کامل و با طرح اشغال ایران (مرحله یکم خوزستان) عملیات تعرضی خود را در منطقه عمومی دزفول و شوش با قصد اشغال مناطق فوق و بستن گلوگاه استان خوزستان در منطقه دوکوهه و تنگ فنی آغاز نمود و فرمانده لشکر ۱۰ زرهی به شرح زیر برای تهاجم آماده گردید (سالارکیا، ۱۳۸۰: ۲۷). اطلاعات کلی نشان می‌داد که لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق به ترتیب در محور فکه، دوسلک،

ایستگاه رادار، رودخانه کرخه و محور ربوط، عین خوش، علی گره زد، رودخانه کرخه در خاک ایران پیشروی کرده اند. بر اساس اطلاعات کلی بدست آمده از مدارک موجود، استعداد تقریبی یگانهای دشمن که پس از پیشروی در غرب رودخانه کرخه در جبهه دزفول و شوش مستقر شده بودند، به شرح زیر بود:

لشکر ۱ مکانیزه شامل دو تیپ مکانیزه و یک تیپ زرهی بود که در مجموع هشت گردان مکانیزه، هفت گردان تانک، یک گردان شناسایی، پنج یگان کماندو، سه گردان توپخانه صحرایی، دو گردان پدافند هوایی، یک گردان ضدتانک و عناصر دیگر پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی در اختیار داشت. لشکر ۱۰ زرهی شامل دو تیپ زرهی و یک تیپ مکانیزه و در مجموع دارای هفت گردان تانک، پنج گردان مکانیزه، یک گردان شناسایی، چهار گردان توپخانه صحرایی، یک گردان دفاع الواجات، یک گردان پدافند هوایی، یک گردان ضدتانک، یک گردان موشکی، یک تیپ پیاده (با سه گردان پیاده) و عناصر دیگر پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی بود.



نقشه شماره ۵: مسیر عبوری و طرح مانور عبور از پل کرخه

با توجه به سازمان دو لشکر یادشده، جمع گردانهای عمل کننده دشمن در منطقه عملیاتی غرب کرخه (جبهه دزفول و شوش) ۳۶ گردان مانوری، هفت گردان توپخانه و چهار گردان ضدهوایی بود. با وجود توان بالای قوای مهاجم، دشمن از ادامه حمله به سمت شرقی رودخانه کرخه خودداری کرد و حتی در مقابل حمله تیپ ۲ زرهی که از توان ناچیزی برخوردار بود، حدود سه کیلومتر عقب‌نشینی کرد که در برآورد وضعیت دشمن، همین نکته به عنوان دلیلی بر ضعف روحیه نیروهای آن تلقی شد و مبنای تصمیم‌گیری برای این عملیات گردید (محمد جوادی‌پور، نیکفرد، حسینی ۱۳۷۳: ۱۳۳).

۹. عملیات تأخیری

در این قسمت، شایسته است که تعاریف دقیقی از عملیات تأخیری و منظورهای آن داشته باشیم، تا در زمان خود نسبت به تطبیق عملیات نیروهای آن سوی کرخه در مقابل ارتش عراق اقدام نمائیم. در واقع، عملیات تأخیری اصطلاحی است که در ادبیات نظامی به کار می‌رود و عبارت است از نوعی حرکات به عقب که در آن نیروی عمل کننده، بدون درگیری قطعی، بیشترین تأخیر و تلفات را به دشمنی که در حال پیشروی است، وارد می‌آورد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۸). البته در جایی که فاقد نیروی بازدارنده باشیم و نیروی دفاعی مکفی برای درهم شکستن دشمن در زمین خودش و یا عملیات تأخیری در سرزمین دشمن میسر نباشد، عملیات تأخیری در سرزمین خودی گریزناپذیر است.

۱۰. کرخه نقطه عطف پیروزی

به منظور پدافند از مناطق غرب پل کرخه، موضعی از قبل از انقلاب در عین خوش تهیه و عناصری از تیپ در این منطقه مستقر شده بودند. قبل از آغاز حمله سراسری ارتش عراق تعدادی از پرسنل تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی به پاسگاه چیلات اعزام و در تاریخ ۵۹/۶/۱۷، یگان‌های مستقر در منطقه فوق اعلام نمودند که با دشمن درگیر شده و درخواست یک قبضه خمپاره‌انداز ۱۲۰م و مهمات مربوطه را داشتند که دو دستگاه کامیون حامل مهمات با

یک دستگاه نفربر حامل خمپاره‌انداز از عین‌خوش به چیلات اعزام می‌شود. با توجه به اینکه پاسگاه چیلات در مسیر معبر وصولی مهمی نبوده و فقط یک راه کوهستانی ارتباط آن را با شهر دهلران برقرار می‌سازد و این معبر نیز با برخورد به کوهستان‌های لرستان بن‌بست می‌شود به نظر می‌رسد، ارتش عراق در نظر داشت با حمله به پاسگاه چیلات یگان‌های ایران را تجزیه نموده و به نقاط غیرحساس بکشاند. با توجه به حوادث مرزی و احتمال خطر در این منطقه، نیروی زمینی به لشکر ۹۲ ابلاغ نمود باقی‌مانده تیپ را به عین‌خوش اعزام و نسبت به تقویت مواضع فوق اقدام نماید. برابر دستور، حرکت تیپ به منطقه عین‌خوش آغاز گردید و کلیه خودروهای چرخدار تیپ در ساعت ۱۲:۰۰ روز ۵۹/۶/۲۳، در حوالی عین‌خوش مستقر گشته و خودروهای شنی‌دار تیپ نیز توسط سه دستگاه تانک بر ماز و سه دستگاه بنز کمرشکن به تناوب به منطقه حمل می‌گردند (تقویم تاریخ دفاع مقدس، ج ۱، ۱۳۸۴: ۷۶). پیش‌بینی می‌شد که هدف اصلی دشمن عبور از رودخانه کرخه، رسیدن به شهرهای دزفول و اندیمشک و بستن جاده دزفول - اهواز و در نتیجه قطع ارتباط تهران - خوزستان و اشغال کامل خوزستان باشد. بنابراین، مبنای تصمیم‌گیری برای اجرای عملیات در این محور، بر این اصل استوار شد که قبل از اینکه دشمن موفق به تحکیم مواضع اشغالی در غرب رودخانه کرخه شود و بتواند مرحله بعدی هجوم را شروع کند، باید هرچه سریع‌تر قوای دشمن را از سرزمین‌های اشغالی بیرون راند، تا ضمن از بین رفتن امکان عبور دشمن از رودخانه کرخه و احتمال اشغال دزفول و اندیمشک و قطع جاده ارتباطی خوزستان، شهر دزفول نیز از برد توپخانه سنگین دشمن خارج شود. در دستور جزء به جزء شماره ۱ قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی ارتش (دزفول) در این زمینه چنین آمده است: «منظور اصلی از این عملیات، انهدام نیروهای موجود دشمن در منطقه است و کلیه پرسنل و یگان‌ها باید از هر گلوله خود برای از بین بردن دشمن حداکثر استفاده را به عمل آورند و از فرار دشمن جلوگیری نمایند.» (دستور جزء به جزء شماره ۱ قرارگاه تاکتیکی نزاجا در خوزستان، ۵۹/۷/۲۰).

۱۱. طرح عملیاتی دفاعی ابوذر

آنچه مسلم است ارتش ماه‌ها قبل از تهاجم عراق و آغاز جنگ ایران و عراق، شرایط متشنج بین دو کشور را رصد کرده و تدابیری برای مقابله با هجوم ارتش عراق اندیشیده و طرحی را با عنوان طرح ابوذر تهیه کرده بود که ضمن ملاحظه درگیری‌ها و ناآرامی‌های غرب و شمال غرب کشور، مطابق شرایط انجام اقداماتی را پیش‌بینی کرده بود که به طور مختصر به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود.

نیروی زمینی عطف به دستورالعمل شماره ۹-۰۶-۰۱-۰۱-۲۰۱-۱۵ مورخه ۱۳۵۸/۸/۲۷ اداره سوم - (عملیات) ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در بند وضعیت، شرایط را به شرح زیر تبیین می‌نماید (حسینی، ۱۳۹۴: ۴۲):

۱- وضعیت:

الف- نیروهای خودی

۱) ارتش جمهوری اسلامی ایران با اعمال حاکمیت ملی در نقاط مختلف کشور در برابر تجاوز احتمالی دشمن از تمامیت ارضی ایران در منطقه غرب کشور دفاع می‌نماید.

۲) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن دفاع از آسمان ایران، حملات انتقامی خود را به منظور انهدام نقاط حیاتی کشور هدف آغاز می‌نماید و پس از کسب برتری هوایی از عملیات سطحی نیروهای خودی و پشتیبانی نزدیک به عمل می‌آورد.

۳) نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن دفاع از تأسیسات حیاتی کشور در خلیج فارس، راه‌های مواصلاتی دریایی را تأمین می‌نماید و از حرکت کشتی‌های تجاری به سوی بنادر در کشور هدف ممانعت به عمل می‌آورد.

۴) ژاندارمری و شهربانی جمهوری اسلامی ایران به محض آغاز عملیات، تحت کنترل عملیاتی نیروی زمینی و دریایی قرار می‌گیرند.

۵) ژاندارمری کشور جمهوری اسلامی ایران در صورت ضرورت، بنا به درخواست با دریافت لنج‌ها و قایق‌های غیرنظامیان، عملیات عبور از رودخانه یگان‌های نیروی زمینی را در منطقه لشکر ۹۲ پشتیبانی می‌نماید.

۲- مأموریت

الف- نیروی زمینی مأموریت دفاع از تمامیت ارضی کشور را به شرح زیر بین یگان‌های خود توزیع می‌نماید: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران از دالامپر داغ تا فاو از مرز باختری ایران و عراق دفاع نموده و با استفاده از عناصر لشکر ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هواپرد از رودخانه اروندرود دفاع می‌کند.

ب- مأموریت پدافندی لشکر ۹۲ زرهی چنین تعیین شده بود: در منطقه مربوطه دفاع کنید، پیشروی دشمن را در جنوب اهواز در مناسب‌ترین مواضع پدافندی سد نمایید. آماده باشید پس از ورود لشکر ۱۶ زرهی به منطقه آن لشکر، بنا به دستور هماهنگی‌های لازم را برای عملیات آفندی لشکر ۱۶ زرهی در محور عین‌خوش به علی‌غریبی معمول دارید.

۳- اجرا

الف- تدبیر عملیات

۱) مانور: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به منظور دفاع از مرز باختری ایران، عملیات دفاع را در چهار مرحله به شرح زیر هدایت می‌نماید.

الف) مرحله ۱

نیروی زمینی دفاع را با ۴ لشکر و یک تیپ پیاده در منطقه دفاعی مقدم از شمال باختری تا جنوب اجرا می‌نماید. لشکر ۶۴ پیاده و لشکر ۲۸ پیاده به ترتیب در شمال، لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده در مرکز و لشکر ۹۲ زرهی در جنوب، لشکرهای در خط با اعزام عناصر تأمین حرکت متجاوز را در زمین‌های بلافصل مرز به تأخیر می‌اندازد.

ب) مرحله ۲

پس از عقب‌نشینی عناصر تأمینی، یگان‌های در خط نیروی زمینی به ترتیب زیر در منطقه دفاع می‌نمایند. لشکر ۶۴ و ۲۸ پیاده در شمال، لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۸۴

پیاده در مرکز و لشکر ۹۲ زرهی در جنوب دفاع می‌کنند و پیشروی دشمن را در مواضع سدکننده پیش‌بینی شده متوقف یا کند می‌نماید و در مراحل بعدی، با برداشت نیرو از سایر مناطق، پاتک نموده و مرز قراردادی را ترمیم می‌نماید. ضمناً لشکر ۹۲ زرهی برای اجرای مأموریت خود و دفاع از منطقه جنوب طرح حر را براساس طرح ابوذر تهیه کرده و دستوراتی را به یگان‌های زیر امر ابلاغ نموده است. (رونوشت از اصل طرح ابوذر و طرح حر در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ شهید سپهبد صیاد شیرازی موجود است.)

۱۲. چگونگی تثبیت دشمن در هفته اول جنگ در کرخه

گزارشات موجود حاکی است که درگیری‌های مرزی با یگان‌های عراقی در روزهای قبل از آغاز رسمی جنگ و تجاوز دشمن بین نیروهای ایرانی و عراقی وجود داشته است. لذا با توجه به پیام‌های پیوست و بر مبنای گزارش یگان‌های مستقر در منطقه، نیروهای عراقی در روزهای ۱۸ و ۱۹ شهریور، قصد تصرف پاسگاه سمیده را داشتند که با مقاومت یگان‌های خودی، متجاوز سرکوب و حمله دشمن دفع گردید. در روز ۲۳ شهریور، به منظور تقویت منطقه دزفول تعداد ۶۵۰ نفر از نیروهای گروه رزمی ۱۳۸ لشکر ۲۱ به عنوان احتیاط وارد منطقه گردیده و در کنترل عملیاتی تیپ ۲ لشکر ۹۲ قرار گرفتند. حوادث مختلف در پاسگاه‌های مرزی سبب شد که لشکر در تاریخ‌های ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ شهریور، هشدار لازم را به منظور آمادگی کامل در مورد احتمال حمله گسترده دشمن به منطقه خوزستان اعلام نماید و با توجه به تهدید دشمن در منطقه فکه، روز ۲۶ شهریور، یک دسته تانک از گروه رزمی ۱۳۸ به فکه اعزام گردید و در اختیار گروه رزمی ۳۷ قرار گرفت (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). در روز ۲۵ شهریور، در پاسگاه سوبله و رشیده درگیری بین نیروهای خودی و دشمن به وقوع می‌پیوندد و چاه‌های نفت شماره ۵۷ و ۵۸ و ریگ ۲ کار را تعطیل و تقاضای کمک می‌نمایند و در درگیری روز ۲۶ شهریور در پاسگاه بیات یگان‌های خودی با اجرای آتش خمپاره‌انداز و تفنگ ۱۰۶م یگان مکانیزه دشمن مستقر در چلب سیاه را متلاشی و باقیمانده یگان متجاوز به صورت فرار منطقه را ترک می‌نمایند و یک برج دیده‌بانی دشمن در سمیده نیز منهدم می‌گردد.

روز ۲۷ شهریور، با دشمن درگیری به وجود می‌آید و از ساعت ۰۵:۰۰ همین روز تا ساعت ۱۷:۳۰ که خاتمه درگیری اعلام می‌شود، دشمن پاسگاه سمیده را زیر آتش سنگین قرار می‌دهد و به یونیت بهره‌برداری شرکت نفت دهلران حمله می‌کند که در این درگیری دو نفر درجه‌دار در پاسگاه سمیده زخمی شده و جراحات سطحی برمی‌دارند (حبیبی، ۱۳۸۸: ۲۰۳). با توجه به حمله دشمن به پاسگاه‌های مرزی در روز ۲۸ شهریور، سرپرست تیپ ۲ اعلام می‌نماید چون این تیپ یگان زرهی است، لازم است یک افسر زرهی ستاد دیده در رأس تیپ باشد تا هماهنگی‌های لازم را در مورد به کار بردن تیپ در عملیات جنگی به عمل آورد. مقرر فرمایید قبل از اینکه اتفاقی رخ دهد، در مورد اعزام افسر مذکور اقدام نمایند. برابر گزارش روز ۵۹/۶/۲۹ در منطقه سمیده درگیری بین یگان‌های خودی و دشمن آغاز و در ساعت ۱۸:۳۰ خاتمه می‌یابد و نیروهای دشمن تا رودخانه دوبرج پیشروی می‌کنند و حدود ۲۰۰ دستگاه تانک دشمن در عرض ۲۰ کیلومتر از پاسگاه نهر عنبر تا پاسگاه ربوط مستقر می‌گردد و یگان‌های خودی در منطقه اعلام می‌نمایند در صورتی که از آنها پشتیبانی هوایی به عمل نیاید تا غروب عین‌خوش سقوط خواهد کرد (حبیبی، ۱۳۸۸: ۲۵۱).

اول مهر ۱۳۵۹ پاسگاه ربوط سقوط می‌کند و دشمن در جاده مرزی به سمت عین‌خوش پیشروی می‌نماید. روز دوم مهر یگان‌های تیپ در درگیری شدید موفق می‌شوند تعداد ۱۲ دستگاه تانک دشمن را منهدم کرده و یک دستگاه تانک سالم را به غنیمت بگیرند و با فشار دشمن به یگان‌های خودی، فرمانده تیپ تقاضای پشتیبانی هوایی نموده و در گزارش خود اعلام می‌کند در صورت عدم پشتیبانی هوایی کلیه یگان‌های تیپ از بین خواهند رفت. روز سوم مهر دشمن با اجرای آتش سنگین، یگان‌های تیپ را وادار به عقب‌نشینی اجباری نموده و تا حدود چهار کیلومتری یگان‌ها پیشروی می‌نمایند.

در روز چهارم مهر، با اشغال مواضع عین‌خوش توسط نیروهای دشمن، تیپ به مواضع علی‌گره‌زد عقب‌نشینی نموده و در تپه‌های علی‌گره‌زد آماده پدافند می‌گردد. در درگیری بین نیروهای تیپ و یگان‌های زرهی دشمن در تپه‌های علی‌گره‌زد، که در ساعت ۱۴:۳۰ به وقوع می‌پیوندد، دو تانک ارتش عراق توسط یگان‌های تیپ منهدم می‌گردد.

عملیات پدافندی نزاچا در آغاز جنگ تحمیلی... ۶۱/

پنجم مهر تیپ اعلام نمود حدود ۲۰۰ دستگاه تانک دشمن در منطقه مستقر شده و ۵۰ الی ۶۰ دستگاه تانک به سمت مواضع علی‌گه‌زد در حرکت هستند. یگان سمت راست ما در حال محاصره شدن است و به علت آتش سنگین دشمن، یگان‌های تیپ در حال عقب‌نشینی به سمت رودخانه کرخه هستند. برابر پیام شماره ۳۴۸ در ساعت ۱۳۵۵ روز پنجم مهر، با فشار دشمن، تیپ به شرق کرخه عقب‌نشینی می‌نماید و بنه‌های تیپ که در این نقطه مستقر بودند، در ساعت ۱۴۲۵ شرق رودخانه را ترک کرده و به عقب می‌روند (حبیبی، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

در روز پنجم مهر، وضعیت نیروهای خودی در غرب کرخه بسیار وخیم بود و تلفات زیادی از شروع نبرد تا آن تاریخ در محور عین‌خوش به پای پل کرخه و محور فکه شوش به نیروهای مدافع وارد شده بود. در محور عین‌خوش، نیروهای باقیمانده تیپ ۲ زرهی در ارتفاعات علی‌گه‌زد و شاوریه مستقر بودند و لشکر ۱۰ زرهی برای تصرف این ارتفاعات اقدام به اجرای یک مانور احاطه دو طرفه نمود. ارتش عراق، تیپ ۱۷ زرهی از جناح راست (جنوب) و تیپ ۴۲ زرهی از جناح چپ (شمال) و تیپ ۲۴ مکانیزه را برای پاکسازی منطقه و استفاده از موفقیت در نظر گرفت. در آغاز روشنایی روز پنجم مهر، نبردی سنگین در ارتفاعات علی‌گه‌زد شروع و ادامه می‌یابد و رزم نزدیک بین مهاجمان که استعدادشان بسیار زیاد بود، با مدافعان به وجود آمد و آتش سنگین توپخانه لشکر ۱۰ زرهی عرصه را بر نیروهای خودی تنگ کرد و تلفات و ضایعات شدیدی به باقیمانده تیپ دزفول وارد آورد. تا ساعت ۱۲۰۰، مقاومت نیروهای خودی باعث وارد شدن تلفات و ضایعات سنگین به دشمن می‌شود؛ اما سرانجام، این مقاومت در ساعت ۱۶۳۰ شکسته می‌شود و نیروهای مهاجم عراقی ارتفاعات علی‌گه‌زد و شاوریه را تصرف کرده و باقیمانده تیپ ۲ دزفول مجبور به عقب‌نشینی اجباری به حوالی پل نادری و عبور از رودخانه کرخه به طرف دزفول می‌شوند. در پی درخواست نیروها و فرماندهان مبنی بر انتصاب یک افسر زرهی به فرماندهی تیپ ۲ دزفول، در تاریخ ۵/۷/۵۹، سرهنگ زرهی امرالله شهبازی به فرماندهی تیپ ۲ دزفول منصوب گردید. وی در مصاحبه خود در آن تاریخ می‌گوید: استعداد تیپ ۲ شامل ۱۵ تانک چیفتن و سه دستگاه موشک تاو، سه قبضه تفنگ ۱۰۶، سه دستگاه تانک سبک

اسکورپیون و پنج عراده توپ ۱۵۵م خودکشی است و در مقابل ما لشکر ۱۰ زرهی عراقی قرار دارد که دارای دو تیپ زرهی و یک تیپ مکانیزه و حداقل ۲۰۰ دستگاه تانک می‌باشد.

در محور فکه - چنامه، نیروهای موجود شامل گروه رزمی ۱۳۸ پیاده از لشکر ۲۱ و باقیمانده گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز و یک تیم گروهانی (شامل یک گروهان پیاده و یک دسته تانک از گروه رزمی ۱۴۱) با مقاومت شدید خود نبردی سنگین را به دشمن تحمیل کردند و با استفاده صحیح از زمین و استفاده دقیق از سلاح‌های ضدتانک تاو، دراگون و آتش تانک‌های موجود توانستند تعدادی از تانک‌های دشمن را منهدم و پیشروی لشکر ۱ مکانیزه را متوقف کنند، اما دشمن دست‌بردار نبود و عملیات تهاجمی سنگین خود را با اجرای تک شبانه در شب ۵۹/۷/۶ برای محاصره مدافعین در چنامه و دوسلک از دو جناح و همچنین بستن راه عقب‌نشینی آنها در مسیر پای پل کرخه اجرا کرد و موقعیت بسیار وخیمی را برای مدافعان چنامه دو سلک به وجود آورد.

در روز پنجم مهر، تعدادی نیروی تازه‌نفس از شیراز اعزام می‌گردند و با تعویض عناصری از گروه رزمی ۳۷، وضعیت آن یگان کیفیت بهتری می‌یابد و همراه گروه رزمی ۱۳۸ پیاده و قسمتی از گروه رزمی ۱۴۱ پیاده از لشکر ۲۱ حمزه با استفاده صحیح از زمین و به‌کارگیری صحیح جنگ‌افزارهای ضدتانک و آتش توپخانه و خمپاره‌اندازهای موجود و ایجاد یک سامانه فرماندهی نسبتاً مناسب‌تر از روزهای قبل، به مقاومت و پدافند خود ادامه دادند. یک آتشبار توپخانه ۱۳۰م از اصفهان نیز به منطقه وارد گردید و در حوالی تپه ابوصلیبی خات اشغال موضع نموده و با افزایش آتش خود پشتیبانی نسبتاً مناسبی را برای یگان‌های مستقر در مواضع فراهم نمود. در اواخر روز، خبر تصرف تپه‌های علی‌گره‌زد توسط دشمن و عقب‌نشینی نیروهای مدافع محور شماره یک به فرماندهان مدافعین دوسلک رسید و موجب نگرانی شدید آنها گردید. بدیهی است که با تصرف پل‌ها توسط دشمن، علاوه بر بسته شدن راه عقب‌نشینی آنها به شرق کرخه، امکان محاصره و نابودی آنها هم قطعی بود، لذا فرمانده این محور این خطر را به فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اعلام و تقاضا نمود تکلیف آنها را مشخص کند و پل‌های موجود در سرخه نادری را تا خاتمه عقب‌نشینی نیروهای محور شماره ۲ تخریب نمایند. به همین دلیل و تأکید، لشکر از تخریب این پل‌ها خودداری کرد. در ساعت ۲۲۰۰، در نشست مشترک فرماندهان گروه‌های رزمی ۳۷، ۱۳۸ و ۱۴۱ در مورد ارزیابی وضعیت موجود و عقب‌نشینی به تپه‌های

ابوصلیبی خات به منظور حفظ موجودیت یگان‌ها و جلوگیری از محاصره شدن، نظرخواهی و مشورت می‌شود، که متفقاً به ادامه نبرد در همین مواضع دوسلک نظر می‌دهند. این در حالی بود که قطع تدارکات یگان‌ها و ترس از محاصره شدن و نابودی، آنان را نگران نموده بود. به علاوه، مورد اصابت قرار گرفتن دو دستگاه تانک و سه دستگاه خودرو و چندین کوپه مهمات موشک تاو توسط آتش توپخانه دشمن که همراه با تلفات زیادی بود، در روحیه فرماندهان و مدافعینی که متوجه از بین رفتن مهمات ضدتانک خود شده بودند، اثر منفی بر جای گذاشته بود، چرا که جایگزینی مهمات به سبب قطع خطوط مواصلاتی امکان نداشت. خبر انهدام آمبولانس و اسارت سرنشین‌های آن در سه‌راهی قهوه‌خانه که از منطقه دوسلک و چنانه به عقب آمده بود، در بعدازظهر همین روز که مؤید ناامن بودن عقبه و قطع خطوط مواصلاتی این یگان بود، بیش از پیش موجبات نگرانی فرماندهان را فراهم کرد (مرکز اسناد پژوهش‌های دفاع مقدس نیروی زمینی ارتش ج.ا.، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

در مقایسه توان رزمی نیروهای خودی در محور چنانه - دوسلک با نیروهای عراقی به کار رفته در این محور، همین قدر کافی است که بگوییم توان رزمی نیروهای عراقی ۱۵ برابر نیروهای خودی بوده است. با این وضع و نبود امکانات توپخانه‌ای مناسب در منطقه، نیروهای خودی شامل گروه رزمی ۳۷ زرهی و گروه رزمی ۱۳۸ پیاده و قسمتی از گروه رزمی ۱۴۱ از لشکر ۲۱ پیاده توانستند در مقابل نیرویی با استعداد ۱۵ برابر توان رزمی خود مقابله و مقاومت نمایند. در صورتی که، معمولاً توان رزمی نیروی حمله‌ور حداکثر سه برابر نیروهای مدافع در نظر گرفته می‌شود. این نیروها زمانی به عقب‌نشینی تن دردادند که راهی جز آن برایشان نمانده بود. آنها در روز ششم مهر، قهرمانانه با دشمن جنگیدند و بسیاری از آنان به شهادت رسیدند و باز هم همین یگان‌ها بودند که سریعاً سازماندهی شدند و به نبرد خود با دشمن ادامه دادند (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۰۳ و ۱۰۴).

در روز ششم مهر، لشکر ۹۲ به تیپ ۲ دزفول اعلام می‌نماید که پشتیبانی هوایی انجام خواهد شد، عقب‌نشینی نکنید، زیرا تیپ ۳۷ منهدم خواهد شد. بر این اساس به تیپ ۲ دزفول مأموریت داده می‌شود با یک گروه رزمی در روز ششم، تک نموده و ارتفاعات علی‌گه‌زد را از سمت دوسلک اشغال نماید، سپس تیپ ۲ در صورت موفقیت تیپ ۳۷، با استفاده از کلیه امکانات و پشتیبانی به سمت ارتفاعات شاوریه حرکت نموده و ارتفاعات شاوریه را اشغال نماید. دستور چنین تکی با

توجه به نبود توان لازم برای بازپس‌گیری ارتفاعات از دست رفته، از نظر توانایی‌های نظامی صحیح نبود، ولی از نظر روانی ضروری و به موقع بود و انجام تک هرچند که منجر به بازپس‌گیری تپه‌های علی‌گره زد نگردید، ولی از عواملی بود که باعث شد دشمن در دامنه‌های ارتفاعات غربی پل کرخه مواضع پدافندی اتخاذ نماید (مرکز اسناد پژوهش‌های دفاع مقدس نیروی زمینی ارتش ج.ا.ا.، ۱۳۸۴: ۱۸۱). با توجه به بحران منطقه و گزارشات یگان‌ها، لشکر ۹۲ به کلیه فرماندهان ابلاغ می‌نماید به هیچ وجه، حق عقب‌نشینی از مواضع تعیین‌شده را ندارند و باید تا آخرین نفس منطقه را حفظ نمایند. نهایتاً با تهاجم گسترده و آتش سنگین دشمن، تیپ اطلاع می‌دهد دشمن از پل کرخه عبور کرده و هیچ‌گونه مقاومتی مقدور نیست. تیپ در روز ششم مهر، سعی می‌کند مواضع غرب کرخه را اشغال نماید، در صورتی که فقط پنج دستگاه تانک در اختیار دارد و دشمن در سراسر غرب رودخانه مستقر شده و با توپخانه، نیروهای مستقر در شرق کرخه را زیر آتش دارد. بدین ترتیب، دشمن که انتظار عبور بلامانع از پل کرخه را داشت، تا ششم مهر پشت پل کرخه متوقف گردید. همچنین در ادامه شش روز نبرد مداوم و بسیار سخت و وارد شدن تلفات و ضایعات سنگین به نیروهای خودی در محور موسیان، عین خوش، پای پل کرخه تیپ ۲ زرهی دزفول طی پیام رمز شده به شماره ۶۷۲۸ به لشکر ۹۲ اعلام می‌دارد از دو گردان تانک تیپ، تنها ۱۵ دستگاه حاضر به کار و در موضع می‌باشند و از دو گردان پیاده تیپ فقط می‌توان یک گروهان ناقص سازماندهی کرد. به علاوه، گردان ۲۸۳ سوارزرهی هم دو قبضه موشک‌انداز تاو و دو قبضه خمپاره‌انداز در مواضع دارد و با این وضعیت، استعداد تیپ در حدود یک گروه رزمی می‌باشد (کارنامه عملیاتی لشکر ۹۲ زرهی صفحه ۷۲ سال ۱۳۵۹ موجود در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی).

لشکر ۹۲ زرهی نیز در تاریخ ۵/۷/۵۹ طی گزارشی اعلام می‌دارد:

(الف) تیپ ۱ لشکر مستقر در منطقه عمومی کوشک، طلائییه تا شلمچه کاملاً منهدم شده است.

(ب) تیپ ۲ لشکر دارای تلفات سنگین بوده و تا پل نادری کرخه عقب‌نشینی نموده است.

(ج) تیپ ۳ لشکر تا تپه‌های الله‌اکبر عقب‌نشینی کرده و تلفات سنگینی داشته است.

(د) شهر اهواز از سه محور جنوب‌شرقی، جنوب‌غربی و جنوب زیر آتش توپخانه دشمن

قرار گرفته است.

(ه) نیروهای عراقی پل خرمشهر را تخریب نموده و تماس تلفنی با خرمشهر قطع شده است.

(و) در اثر حمله و بمباران شهر آبادان توسط نیروهای عراقی ۳۱ نفر شهید و ۹۳ نفر مجروح گردیدند.

در ساعت ۲۴۰۰، در بازجویی از اسرای دشمن، مشخص گردید دو تیپ زرهی و یک تیپ مکانیزه با پشتیبانی پنج گردان توپخانه و یک گردان ضدهوایی شلیکا در پشت کارخانه نورد اهواز مستقر شده‌اند.

شهید سپهبد علی صیادشیرازی در گفتار پانزدهم خود در کتاب ناگفته‌های جنگ در مورد عملیات غرب دزفول می‌گوید: «ارتش مهم‌ترین قدرتی بود که وارد صحنه شد و توانسته بود خاکریز سراسری بزند. از جبهه آبادان تا دارخوین و بعد هم دب حردان و غرب اهواز و سوسنگرد و هویزه و دهلاویه، دشمن تا پشت رودخانه کرخه پیشروی کرده بود و چند بار هم سعی کرده بود از رودخانه کرخه بگذرد و به شوش و پل نادری دزفول بیاید و تنها جاده ارتباطی خوزستان را که جاده اندیمشک - اهواز است قطع کند. اگر این کار را کرده بود، سقوط خوزستان حتمی بود، ولی خداوند کمک کرد و نیروی هوایی ارتش در پل نادری دزفول، با هواپیما به جنگ تانک رفت و چه بسا بعضی از هواپیماها نیز سقوط کردند و از بین رفتند، به خاطر اینکه دشمن نتواند از پل بگذرد. اگر گذاشته بودند، جاده اندیمشک - اهواز قطع می‌شد؛ حتی یک بار مجبور شدند پایگاه هوایی دزفول را تخلیه کنند، یعنی هواپیماها را حرکت دادند و رفتند جای دیگر. خیلی زنده بود اگر پایگاه را می‌گرفتند و هواپیماها دست نخورده باقی می‌ماند و به دست آنها می‌افتاد، این خطر بزرگی بود، دشمن چنین برنامه‌ای داشت ولی تلفات داد؛ الحق نیروی زمینی خوب جنگید. به قول معروف کارد به استخوانشان رسیده بود. جلوی دشمن را گرفتند و کلی تلفات به آنها وارد کردند، نیروی زمینی موفق شد آن طرف پل نادری دزفول و شمال جاده دهلران، که ارتفاعات سپتون در آنجا است، را هم نگه دارد، از آن طرف هم دشمن می‌خواست به شوش حمله کند، جلو آنها را گرفتند و نگذاشتند. نیروی زمینی در غرب رودخانه کرخه در صالح مشطط جای پای هم گرفت، یک جای پا هم طرف‌های ارتفاعات تپه ۱۲۰ و خضریه به طرف رقابیه در غرب شوش گرفت و این خطی بود که نیروی زمینی تشکیل داد و دشمن را متوقف کرد.» (احمد دهقان، ۱۳۷۸: ۱۹۷).

در محور شمالی غرب کرخه، سرهنگ امرالله شهبازی فرمانده جدید تیپ ۲ زرهی دزفول، سریعاً نیروهای موجود تیپ ۲ زرهی را جمع‌آوری نمود و با کمک فرماندهان باقیمانده تیپ، شبانه با انجام اقدامی بسیار شجاعانه و سودمند سرپلی را در غرب کرخه، در کنار پاسگاه ژاندارمری و تپه‌های خرولی و اسکندر خندان اشغال نموده و یگان‌ها در نقاط سرکوب این ارتفاعات ایجاد موضع کردند و کنترل نزدیک پل کرخه و پل پی ام پی موجود را در دست گرفتند تا نیروهای دشمن نتوانند از پل عبور نمایند.

از بررسی مدارک بدست آمده از دشمن و گزارشات موجود، چنین استنباط می‌شود که امروز لشکر ۱۰ زرهی عراق به تیپ ۴۲ زرهی (منهای گردان تانک البعث که روز قبل در احتیاط لشکر بوده است) جهت تصرف پل و مواضع مدافعین دستور حرکت به جلو می‌دهد. لشکر برای تکمیل استعداد تیپ ۴۲، گردان تانک حماد شهاب (منهای یک گروهان) سازمانی تیپ ۱۷ زرهی را زیر امر تیپ ۴۲ زرهی قرار می‌دهد. گردان ۱۰ مهندسی عراق برای روانه کردن یک پل شناور (پی ام پی) بر روی رودخانه کرخه به منظور عبور نیروهای خود آماده شود. لشکر ۱۰ زرهی که از طرف جناح شمالی خود نیز از طرف ارتفاعات خرولی، تپه چشمه و اسکندر خندان زیر دیده‌بانی و آتش پراکنده و دقیق نیروهای تیپ ۲ زرهی دزفول بود، به تیپ‌های ۱۷ زرهی و ۲۴ مکانیزه دستور دفع این نیروها را، که همواره تهدیدی برای او از پهلو بودند، می‌دهد. در حالی که، تیپ ۴۲ زرهی لشکر ۱۰ در حوالی سهراهی قهوه‌خانه آماده تهاجم می‌گردد، در ساعت ۰۵۰۰ بامداد روز هفتم مهر، یگان‌های تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد، که در دشت دهلران به علت تصرف مهران توسط دشمن نتوانسته بودند خود را به مهران رسانیده و به سایر یگان‌های تیپ ملحق شوند و بلا تکلیف مانده بودند، در اجرای دستور نیروی زمینی به عقبه لشکر ۱۰ زرهی عراق واقع در غرب رودخانه دویرج تک محدودی اجرا و پاسگاه ربوط را تصرف می‌نمایند. لشکر ۱۰ زرهی که با تهدید جدیدی از پهلو و عقبه روبرو می‌شود، در طرح خود که ادامه تک به سمت کرخه و عبور از آن است، فعلاً تجدیدنظر نموده و از ادامه تک منصرف می‌گردد و مواضعی را در پنج کیلومتری غرب کرخه و نیز حدود سهراهی قهوه‌خانه اشغال می‌نماید. باید توجه کنیم که در این موقعیت، حساس‌ترین منطقه برای دشمن همان پل‌های منطقه سرخه نادری و گذار جنوبی رودخانه برای احداث پل نظامی بوده است و به همین دلیل هم یک تیپ

عملیات پدافندی نزاچا در آغاز جنگ تحمیلی... ۶۷/

زرهی را (تیپ ۴۲) به دنبال تک شبانه، روز قبل مأمور تصرف پل‌ها می‌نماید. حال چگونه می‌شود که نمی‌تواند به جلو حرکت کند و مجبور به توقف می‌گردد، علت را می‌توان به شرح زیر ارزیابی کرد:

الف) مقاومت هر چند ناچیز تیپ ۲ زرهی در تپه‌های شمالی و تپه‌های مجاور سرخه نادری به علت دارا بودن شرایط برتر زمین، یعنی وجود تهدید در جناح شمالی.

ب) عدم موفقیت لشکر ۱ مکانیزه در محور جنوبی در غرب تپه‌های برقازه و دوسلک و در نتیجه، باز بودن جناح جنوبی لشکر ۱۰ و احتمالاً صدور دستور فرمانده سپاه ۳ به لشکر ۱۰ به منظور هماهنگ نمودن پیشروی لشکر ۱ و لشکر ۱۰.

ج) حمله عناصر تیپ ۸۴ پیاده از طریق دشت دهلران به پاسگاه‌های مرزی نهر عنبر و ربوط که تهدیدی برای عقبه لشکر ۱۰ زرهی عراق بود.

توقف لشکر ۱۰ زرهی در این منطقه و تلاش‌های بعدی این لشکر برای تصرف ساحل غربی کرخه و عبور از آن، مؤید آن است که فعالیت‌های یگان‌های نیروی زمینی در روزهای بعد از جمله روز ۵۹/۷/۱۳ و ۵۹/۷/۲۳ و سپس دفاع شکل گرفته لشکر ۲۱ پیاده موجب گردید که دشمن به صورت دائمی تا عملیات فتح‌المبین (۶۱/۱/۲) در همین زمین و همین منطقه زمین‌گیر شود. فرمانده سپاه ۳ که لشکر ۱ مکانیزه را در جلو مواضع دوسلک ناکام و ناتوان می‌بیند، ضمن اینکه به فکر به‌کارگیری احتیاط خود (تیپ ۱۲ زرهی معروف به ابن ولید) در محور جنوبی می‌افتد، به لشکر ۱۰ زرهی دستور می‌دهد که با یگان مناسبی از شمال به جنوب بر روی تپه ابوصلیبی خات (معروف به تپه رادار) حمله و آن را تصرف نماید، تا بدین‌وسیله با بستن پشت یگان‌های مدافع در دوسلک، پدافند آنها را در هم شکسته و لشکر ۱ مکانیزه هرچه سریع‌تر خود را به رودخانه کرخه برساند.

به هر حال، لشکر ۱۰ زرهی در اجرای این دستور به تیپ ۲۴ مکانیزه دستور حمله را در ساعت ۱۶۰۰ با استعداد یک گردان صادر می‌نماید، ولی برابر گزارشات موجود، تیپ ۲۴ مکانیزه بعد از ساعتی اعلام می‌نماید که به علت نداشتن نیروی احتیاط، قادر به تصرف ارتفاع ابوصلیبی خات نمی‌باشد (در حالی که در این ارتفاع نیروی مدافعی وجود نداشت) و بدین‌وسیله

فرمانده تیپ ۲۴ از اجرای عملیات خودداری می‌نماید. با زمین‌گیر شدن لشکر ۱۰ از رهی در غرب پل نادری، نیروهای ایرانی که حالا تپه‌های شمالی منطقه را در دست داشتند، توانستند سرپلی نسبتاً مناسب به عمق ۳۰۰ تا ۳۰۰۰ متر در طول پنج کیلومتر را در غرب کرخه در تصرف داشته باشند.

۱۳. نقش نیروی هوایی، هوانیروز و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی در دفاع از محور شمالی خوزستان (پای پل کرخه)

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اینکه محدودیت‌هایی در اجرای مأموریت در منطقه داشت، ولی با تقاضای لشکر و قرارگاه جنوب، به نیروی هوایی دستور داده شد تمامی اقدامات به منطقه غرب دزفول داده شود. از این لحظه، کارکنان مؤمن و فداکار پایگاه دزفول با همکاری دیگر پایگاه‌ها، با تمامی توان به پشتیبانی از لشکر ۲۱ در غرب رودخانه کرخه پرداختند. شدت پشتیبانی نیروی هوایی به حدی بود که دشمن را از پشتیبانی هوایی خود محروم کرد، زیرا با کسب برتری هوایی توسط خلبانان تیز پرواز ایرانی، نیروی هوایی دشمن از فعالیت چشمگیر بازماند. خلبانان شجاع نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران که خطر را جدی تشخیص داده بودند، با عشق به شهادت و با نیروی ایمان و توکل به خدا با جسارتی بی‌مانند به داخل فضای مملو از آتش نیروهای عراقی پرواز می‌کردند (دری، ۱۳۸۱: ۵۶).

حماسه ایثارگرانه و تلاش‌های مستمر کارکنان نیروی هوایی در منطقه غرب کرخه در آن روز، واقعاً کم‌نظیر بود. کارکنان هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) نیز هرچه در توان داشتند در پیشگاه خداوند بزرگ به معرض نمایش گذاشتند و با پروازهای سینه‌مال و در سطح پایین از چپ و راست، متجاوزان عراقی را وادار به قبول تلفات سنگین کردند. توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران شگفتی‌ها آفرید و بر اساس طرح تنظیمی و با ارتباطی صحیح و سریع به درخواست‌ها پاسخ داده می‌شد. تمام منطقه جلو خط سرپل با آتش توپخانه پوشیده شده و روز روشن را برای نیروهای متجاوز سیاه کرده بود. تلاش‌های دسته‌جمعی نیروها که از ایمان به خدا و حقانیت خویش سرچشمه می‌گرفت، ثمرات خود را نشان داد و از ساعت ۹ صبح به بعد آرایش هجومی دشمن درهم شکسته شد و آثار درهم‌ریختگی در یگان‌های مهاجم مشاهده

گردید. آهنگ پیشروی متجاوزان به سستی گرایید و از نظر تاکتیکی تک دشمن از دور افتاد. با توجه به این امر، یگان‌های لشکر ۲۱ پیاده حمزه، با اعتماد به نفس بیشتر و روحیه‌ای بالا به نبرد ادامه دادند. بقیه کارکنان لشکر نیز تا آخرین لحظه‌ای که شکست دشمن قطعی شد، هیچ‌کدام از سنگرهای خود خارج نشده و از منطقه مسئولیت که نه، بلکه از سنگر شرف و حیثیت خود دفاع کردند. دشمن بار دیگر از ساعت ۱۱ با واردکردن نیروهای جدید، پیشروی را آغاز کرد و گویا تصمیم گرفته بود به هر نحوی که شده تا پایان روز، منطقه سرپل را از دست نیروهای خودی خارج سازد؛ لذا برای تقویت تک اصلی خود در جبهه شوش نیز به طور هم‌زمان به سمت رودخانه، نیروی زیادی را به حرکت درآورد و با این عمل می‌خواست تهدید قوی خود را برای عبور از رودخانه - از دو محور شوش و پل نادری - نشان دهد تا ضمن تجزیه نیروهای ایران توجه آنها را از تمرکز بر روی پل نادری کم نماید. فرماندهی عملیات نیروهای جمهوری اسلامی در منطقه، که می‌دانست دشمن توان عبور از رودخانه را حداقل در شرایط موجود ندارد، با درک حیاتی بودن منطقه سرپل که سپاه ۳ عراق برای تصرف آن یک لشکر را به کار گرفته بود و با وارد کردن نیروهای تقویتی سعی داشت تک خود را استمرار بخشد، ولی نیروهای عراقی به محض حرکت و قرار گرفتن در تیررس نیروهای لشکر ۲۱ با آتش انبوهی که به خوبی تقسیم‌بندی شده بود، روبرو گشته و نابود می‌شدند.

بدین ترتیب، با الطاف پروردگار و هدایت صحیح عملیات و دلاوری‌های کارکنان نیروی هوایی و هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) و همچنین رشادتهای جان بر کفان نیروی زمینی، تک دشمن پس از دادن تلفات سنگین از دور افتاد، تا جایی که تمام حرکتهای دشمن متوقف شد. تنها صدای شلیک گلوله‌های توپخانه‌های طرفین در منطقه شنیده می‌شد. به این ترتیب، شدیدترین تک دشمن که با شناسایی دقیق از وضعیت نیروهای جمهوری اسلامی ایران طراحی شده و به طور دقیق به مورد اجرا گذاشته شده بود، توسط لشکر ۲۱ پیاده حمزه درهم شکسته شد و رویای تجزیه خوزستان و عبور ارتش عراق به شرق کرخه را نابود کردند و آرزوی دست‌یابی دشمن به شهرهای اندیمشک، شوش و دزفول و پیش‌بینی خونین شهرهای دیگر را برای همیشه به گور سپردند. شجاعت، شهامت و ایثار همه نیروهای شرکت‌کننده و شهیدان

گمنامی که در شروع جنگ تحمیلی مانع تجزیه خوزستان شدند، سرآغازی بر تثبیت ارتش عراق در غرب کرخه بود (محمد جوادی پور، نیکفرد، حسینی، ۱۳۷۳: ۱۴۱ الی ۱۴۸).

۱۴. نتیجه‌گیری

طبق طرح ابودر، یگان‌های تیپ ۲ لشکر ۹۲ و سایر یگان‌هایی که تحت کنترل فرماندهی این منطقه قرار داشتند، مأموریت داشتند تا مانع دستیابی دشمن به اهداف خود شوند. با عنایت به گزارشات فوق و اسنادی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، مشخص می‌شود که این مأموریت طی حداقل شش روز انجام شد و دشمن پس از یک نبرد سخت با نیروهای مدافع، سرانجام در گلوگاه پل کرخه متوقف گردید و نیروهای خودی موفق شدند ضمن متوقف کردن دشمن، سرپلی را نیز آن سوی رودخانه برای عملیات‌های بعدی حفظ نمایند. این نکته قابل توجه است که پیشروی لشکر ۱۰ زرهی عراق از پاسگاه شرفانی تا پل کرخه راه، که مسافت آن حدوداً ۸۰ کیلومتر است، چنانچه با مقاومتی روبرو نبود و با فرض اینکه سرعت متوسط تانک‌های دشمن ۲۰ کیلومتر در ساعت باشد، می‌بایست ظرف حداکثر چهار ساعت انجام می‌شد، اما مقاومت و جنگ و گریز نیروهای خودی باعث شد دشمن این مسیر را در مدت ۱۲۰ ساعت طی کند. در نهایت، لشکر ۹۲ موفق شد سرپل کرخه به عرض شش کیلومتر، از ارتفاعات «خرولی» تا رودخانه کرخه که روی هم رفته زمینی به مساحت حدود ۲۰ کیلومترمربع می‌شود را حفظ کند و همین سرپل بود که در پیروزی عملیات سترگ فتح‌المبین نقشی بسیار اساسی و تعیین‌کننده ایفا نمود.

رودخانه کرخه به عنوان یک مانع در جریان هجوم سراسری عراق، عامل بازدارنده مهمی برای لشکر ۱ مکانیزه و لشکرهای ۹ و ۱۰ زرهی دشمن در تصرف شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش بود. لشکر ۹ ارتش عراق برای گسترش تجاوز خود کوشید از دو نقطه در کرخه عبور کند، اما با دلاوری یگان‌های حاضر در منطقه از این مقصود بازماند. برابر اسناد موجود تیپ ۲ زرهی و گردان ۲۸۳ سوارزرهی لشکر ۹۲ از محور عین‌خوش و گروه‌های رزمی ۳۷ و ۱۳۸ از محور فکه، با انجام عملیات تأخیری، پیشروی دشمن را تا شرق رودخانه کرخه، به مدت شش روز به تأخیر انداختند. در تاریخ ۵۹/۷/۷، مجدداً دشمن تلاش کرد در دو نقطه از

عملیات پدافندی نزاجا در آغاز جنگ تحمیلی... ۷۱/

رودخانه کرخه عبور کند. این اقدام در موقعیت اول و در شمال شهرستان شوش با به کارگیری یگانی از لشکر ۱ مکانیزه صورت گرفت، که توسط گردان ۱۴۱ پیاده از لشکر ۲۱ به فرماندهی سروان رهبر سرکوب گردید و دشمن با دادن تلفات و ضایعات مجبور به عقب‌نشینی شد. در موقعیت دوم، دشمن با به کارگیری یگانی از لشکر ۱۰ زرهی برای عبور از پل نادری اقدام نمود، که توسط تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ و گردان ۲۸۳ سوار زرهی سرکوب و مجبور به عقب‌نشینی گردید. در تاریخ ۵۹/۷/۲۲، برای بار سوم لشکر ۱۰ زرهی دشمن پیشروی خود را برای عبور از رودخانه از طریق پل نادری شروع کرد. لیکن در این زمان، علاوه بر تیپ ۲ زرهی، گردان‌های پیاده از لشکر ۲۱ حمزه نیز در سرپل حضور داشتند و لشکر برای انجام تک مورخه ۵۹/۷/۲۳ خود را آماده می‌کرد. لذا عملیات ۵۹/۷/۲۳ توسط لشکر ۲۱ انجام شد (بابایی، ۱۳۸۶: ۴۵).

۱۵. منابع

- ۱) اردستانی، حسین (۱۳۸۷)؛ *تنبیه متجاوز*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲) بابایی، گلعلی (۱۳۸۶)؛ *نبردهای جنوب اهواز*، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر دفاع مقدس.
- ۳) بختیاری، مسعود (۱۳۸۷)؛ *عملیات طریق القدس*، تهران، انتشارات ایران سبز.
- ۴) مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نزاجا (۱۳۸۴)؛ *تقویم تاریخ دفاع مقدس، جلد ۱*.
- ۵) مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نزاجا (۱۳۸۴)؛ *تقویم تاریخ دفاع مقدس (غرش توپ‌ها)*، جلد دوم، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۶) جوادپور، محمد؛ نیکفرد، علی؛ حسینی، سید یعقوب (۱۳۷۳)؛ *ارتش ج.ا. در هشت سال دفاع مقدس*، نبردهای غرب دزفول، جلد اول، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- ۷) حبیبی، نیک‌بخش، (۱۳۸۸)؛ *بررسی میزان تأثیرپذیری شیوه‌های نبرد نامتقارن در*

مقابله

- ۸) حسینی، سید یعقوب (۱۳۹۴)؛ *طرح عملیاتی دفاعی ابوفر*، ایران سبز، تهران.
- ۹) جعفری، مجتبی (۱۳۹۱)؛ *اطلس نبردهای ماندگار*، چاپ بیست و نهم، انتشارات مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس.
- ۱۰) درّی، حسن (۱۳۸۱)؛ *هجوم سراسری- جبهه جنوبی در کارنامه نبردهای زمینی*، مهدی انصاری. چاپ اول. تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

- ۱۱) درودیان، محمد (۱۳۸۰)؛ *آغاز تا پایان*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۲) دهقان، احمد (۱۳۸۷)؛ *دلاوران*، سوره مهر.
- ۱۳) رزم آرا، علی (۱۳۲۲)؛ *جغرافیای نظامی ایران*، خوزستان، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۴) سالارکیا، محمد (۱۳۸۰)؛ *بیشنازان غرب کرخه*، ایران سبز.
- ۱۵) علایی، حسین (۱۳۹۱)؛ *روند جنگ ایران و عراق*، تهران، انتشارات مرز و بوم.
- ۱۶) فرهنگ جغرافیایی ایران، ۱۳۳۱، ج ۵، بی جا، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش
- ۱۷) صفوی، سید یحیی (۱۳۸۴)؛ *مقدمه ای بر جغرافیای نظامی ایران*، انتشارات دانشگاه امام حسین، چاپ سوم.
- ۱۸) معین وزیری، نصرت‌الله (۱۳۸۲)؛ *تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ*، تهران، سازمان آثار دفاع مقدس آجا.
- ۱۹) نوروزی، محمد تقی (۱۳۸۵)؛ *فرهنگ دفاعی امنیتی*، تهران، انتشارات سنا.
- ۲۰) شاهان، محسن (۱۳۸۷)؛ *عملیات فتح‌المبین*، ایران سبز.

هدف عراق از تهاجم به غرب کشور در ۳۱ شهریور ۵۹ دفاع از بغداد بود

سید ناصر حسینی^۱ - آرش سرابی تبریزی^۲

چکیده

کشور ایران با همسایه غربی خود، عراق، از دالامپرداغ تا بندر فاو به طول ۱۶۰۹ کیلومتر، دارای مرز مشترک است. مرزهای ایران چه در آب و چه در خشکی عمدتاً به شکلی است که از نظر نظامی به نفع ایران و به ضرر عراق است. استان کرمانشاه ناحیه‌ای کوهستانی است که بین فلات ایران و جلگه بین‌النهرین واقع شده است و سراسر آن را قله‌ها و ارتفاعات زاگرس پوشانده است. ارتفاعات مناطق مرزی استان کرمانشاه، مسلط بر جلگه بین‌النهرین می‌باشد و شرایط بسیار مطلوبی جهت عملیات نفوذی و آفندی علیه شهرهای مهم عراق، به خصوص بغداد، فراهم می‌کند. با مشاهده نقشه سیاسی ایران در استان کرمانشاه، مشخص می‌شود که مرزهای قصرشیرین و نفت‌شهر، جزء مرزهای محذب ایران بوده و از نظر نظامی و سیاسی برای ایران می‌تواند وسوسه‌انگیز باشد. به همین دلیل، عراق جهت شروع جنگ با ایران در تاریخ ۳۱ شهریور، به شهرهای مرزی قصرشیرین و نفت‌شهر حمله نظامی نموده است، تا از این طریق بتواند برای بغداد سپری حفاظتی بسازد. در این مقاله، ضمن بررسی جغرافیای نظامی استان‌های کرمانشاه و ایلام، تجاوز ارتش عراق و مواضع او در سال‌های دفاع مقدس در غرب کشور و عملیات‌های انجام‌شده ج.ا.ا، میزان تحقق اهداف نظامی و سیاسی ایران و عراق و همچنین علل اهمیت مناطق غربی جمهوری اسلامی ایران برای عراق را نیز بررسی می‌نماییم.

واژگان کلیدی: استان کرمانشاه، استان ایلام، مرزهای غربی، بغداد

۱. سرتیپ سید ناصر حسینی، دانش‌آموخته دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیئت علمی دافوس آجا.

۲. ستوان دوم آرش سرابی تبریزی، کارشناس ارشد.

مقدمه

حمد بی‌کران و سپاس بی‌پایان به درگاه کبریایی پروردگار عالمیان، که توفیقی حاصل گردید تا در این پژوهش بکوشیم تهاجم عراق به جمهوری اسلامی ایران از مناطق غربی کشور، که شامل استان کرمانشاه و بخشی از استان ایلام بود، را بررسی نماییم. کشور ایران با وسعتی در حدود ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومترمربع، از گسترش چشمگیری برخوردار است (عزتی، ۱۳۶۷: ۱۶).

ایران کشور پهناوری است که از نظر گستردگی جغرافیایی و وزن جمعیتی در جنوب غربی آسیا شرایط ویژه‌ای دارد. تغییرات سرحدات ایران در طول تاریخ، مرزهای سیاسی ایران را دچار تحول و تغییر اساسی کرده است. این تغییرات موجب تنوع بسیار زیادی در تعداد همسایگان ایران شده و در نتیجه مسائل و مشکلات زیادی را سبب شده است. مناطق مرزی ایران به دلیل دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی، همیشه دارای مسائل خاص خود از نظر نظامی و سیاسی بوده است. مجموعه طول خطوط مرزی کشور ایران ۸۸۶۵ کیلومتر است، که ۲۸۱۰ کیلومتر آن را مرز آبی و ۶۰۵۵ کیلومتر آن را مرز زمینی تشکیل می‌دهد. کشور ایران از غرب به عراق و ترکیه محدود است. بیشترین مرز ایران با کشور عراق به طول ۱۶۰۹ کیلومتر و کمترین مرز با کشور ارمنستان به طول ۴۸ کیلومتر می‌باشد. از نظر ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیک، مناطق مرزی غرب کشور به دلیل حساسیت بالا، حمایت‌های خارجی و تراکم تهدیدات و اختلافات، بیشترین تأثیرگذاری را بر امنیت ملی کشور دارند (پورپویان، ۱۳۸۶: صص ۱۰۶ و ۱۰۷).

استان کرمانشاه در غرب ایران قرار دارد. این استان از شمال به استان کردستان و از جنوب به استان‌های لرستان و ایلام و از غرب به عراق و از شرق به استان همدان محدود است. استان کرمانشاه منطقه‌ای کوهستانی است که مرتفع‌ترین رشته‌های آن پاتاق می‌باشد. از لحاظ موقعیت مرزی، استان کرمانشاه با برخورداری از حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق، دارای ارزش نظامی در این منطقه است و از سوی دیگر به دلیل نوع قرارگیری ارتفاعات این استان (به طور پله‌ای و موازی با مرز) و محدب بودن شکل هندسی مرز، موقعیت خوب آفندی را برای کشورمان ایجاد نموده و از نظر راهبردی، دارای اهمیت می‌باشد (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۲۱ و ۱۳۰). در بخش نخست، جغرافیای نظامی منطقه با معابر و گردنه‌های اصلی، تحلیل می‌گردد. برخی از آن معابر عبارتند از: تنگه پاتاق در غرب الوند و در استان کرمانشاه، ارتفاعات قلاویزان در غرب استان

کرمانشاه، گردنه قلاجه در جنوب استان کرمانشاه و گردنه سگان در جنوب غربی استان کرمانشاه. سپس به بررسی بخشی از عملیات‌های انجام‌شده در آن مناطق می‌پردازیم. از آنجا که مطالعه تاریخ می‌تواند هدایت‌گر آیندگان باشد، لذا به تحقیق در خصوص علل اهمیت راهبردی غرب کشور، چه برای جمهوری اسلامی ایران و چه برای حکومت بعثی عراق به بررسی علت‌ها و دلایل بارز تهاجم عراق به غرب کشور و دفاع بی‌دریغ سربازان جان بر کف جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۲. جغرافیای نظامی استان کرمانشاه

کرمانشاه منطقه نیمه کوهستانی است که بین فلات ایران و جلگه بین‌النهرین قرار گرفته است که کوه الوند مرتفع‌ترین نقطه آن است. این کوه‌ها پوشیده از جنگل و دارای معادن غنی هستند. این استان دارای جنگل‌های انبوه و مراتع سرسبز است و یکی از مراکز دامداری ایران می‌باشد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۶: ۶). استان کرمانشاه با ارتفاع متوسط ۱۲۰۰ متر از سطح دریا بخشی از رشته‌کوه زاگرس است که در دوره‌های مختلف زمین‌شناسی بر اثر حرکت صفحه افریقا - عربستان به سوی صفحه ایران و در نتیجه، پیدایش چین‌خوردگی رسوبات دوران دوم و اوایل دوران سوم تشکیل شده است. پس از تشکیل ارتفاعات و چاله‌ها، عوامل فرسایشی آنها را تحت تأثیر خود قرار داده است، چاله‌ها یا ناودیس‌ها از مواد آبرفتی ناشی از عمل فرسایش انباشته شده و دشت‌های امروز استان را به وجود آورده است (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۳). منطقه کرمانشاه منطقه‌ای نیمه‌کوهستانی بین فلات ایران و جلگه بین‌النهرین محسوب می‌شود، که مرتفع‌ترین نقاط آن ارتفاعات الوند است، که پس از گردنه اسدآباد با شیب ملایمی به طرف جلگه بین‌النهرین سرازیر می‌شود و به طور کلی، این منطقه نسبت به فلات مرکزی در یک پشته و شیبی واقع شده که قله آن در الوند و رشته آن تا چهل چشمه می‌باشد. در منطقه کرمانشاه، کلیه رشته ارتفاعات موازی با یکدیگر و تقریباً دارای یک جهت شمال‌غربی به جنوب‌شرقی می‌باشد. در مرزهای استان کرمانشاه، ارتفاع آنها کمتر می‌شود و چون امتدادشان شمال‌غربی - جنوب‌شرقی است، دره‌های بین آنها تا خاک عراق پیش می‌رود. بنابراین، راه‌های

ورودی بیشماری را تهیه می‌نماید (رزم آرا، ۱۳۲۲: ۱۳). در بین ارتفاعات کرمانشاه، رشته‌های مهم و ارتفاعات قابل توجه به شرح زیر می‌باشند:

- ۱) **ارتفاعات دالاهو:** این رشته ارتفاعات در غرب استان کرمانشاه قرار گرفته و ارتفاعاتی مشجر است که دارای قله‌های پربرفی است. طرز قرارگیری این ارتفاعات به نحوی است که از یک طرف جلگه بین‌النهرین را تحت حاکمیت دارند و از سوی دیگر به جلگه‌های کرد غرب و اسلام‌آباد غرب دارای دید ممتد است (عزتی، ۱۳۶۸: ۶۲).
- ۲) **ارتفاعات نوح:** این رشته ارتفاعات در جنوب ارتفاعات دالاهو قرار گرفته و جنس آن از سنگ است. تنگه پطاق نیز بین این دو رشته کوه واقع شده است و منطبق با یکی از مواضع پدافندی کرمانشاه می‌باشد و به طرف جلگه بین‌النهرین، دارای دید بسیار ممتدی است (صفوی، ۱۳۸۴: ۶۲).
- ۳) **ارتفاعات الوند:** کوهستانی مرتفع و ممتد بوده که از یک طرف تا ارتفاعات چهل چشمه کردستان ادامه داشته و از طرف دیگر زاگرس را به طرف نهاوند، بروجرد و بختیاری ادامه می‌دهد (عزتی، ۱۳۶۸: ۶۲). هر قدر از غرب به شرق می‌رویم منظم‌تر می‌گردد. این رشته کوهستانی در منطقه سنقر کلیایی توده بسیار عظیمی را به وجود می‌آورد که از لحاظ ارتفاع، سدهای غیرقابل نفوذ را تشکیل می‌دهد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۶۸: ۱۳۵).
- ۴) **ارتفاعات بیستون و پرآو:** این ارتفاعات در شمال شهر کرمانشاه قرار گرفته است و در حقیقت امتداد الوند و شعب این کوهستان محسوب می‌شود. این ارتفاعات سنگی و غیرمشجر بوده و دارای معابر محدودی است که امتداد آنها تا سیمره ادامه دارد (عزتی، ۱۳۶۸: ۶۲).
- ۵) با توجه به آمارهای ثبت‌شده و تجربیات محلی، آب و هوای استان کرمانشاه معتدل و کوهستانی است. البته به غیر از حاشیه غرب نوار مرزی که در مجاورت کشور عراق قرار گرفته است، بقیه مناطق استان از نظر آب و هوا، تحت تأثیر دو عامل مهم جغرافیایی می‌باشد (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). از طرفی، به علت وجود ارتفاعات و پوشش گیاهی و جنگلی، دارای آب و هوای معتدل است و از طرف دیگر، به دلیل نزدیک بودن به جلگه بین‌النهرین، تحت تأثیر بادهای گرم قرار گرفته است. استان کرمانشاه، تابستان‌های گرم و خشکی دارد،

هدف عراق از تهاجم به غرب کشور... ۷۷/

ولی روی هم رفته، هر اندازه از غرب به سمت شرق می‌رویم، آب و هوا مساعدتر خواهد بود و به همین دلیل اختلاف درجه حرارت سالانه این منطقه نزدیک به ۶۰ درجه سانتیگراد (۴۰ + و ۲۰-) می‌باشد (عزتی، ۱۳۶۸: ۶۲).

۳. جغرافیای راهبردی استان کرمانشاه

منطقه کرمانشاه در غرب ایران واقع شده و بخش مهمی از مرز غربی ایران با عراق را دربر گرفته است. حدود نظامی این منطقه شامل ارتفاعات بین گاورد است که به دره دیاله ختم می‌شوند. قسمت شرقی را ارتفاعات کنگاور، بخش جنوب را ارتفاعات کلهر و لرستان و منطقه غرب را مرز عراق مشخص می‌کند. طول منطقه در حدود ۱۵۰ و عرض آن ۱۰۰ کیلومتر است (همان، ۶۱). منطقه کرمانشاه منطقه‌ای است نیمه‌کوهستانی و وضعیت زمین از لحاظ عملیاتی به نحوی است که هر اندازه از شرق به غرب برویم، زمین ارتفاعات کمتری پیدا می‌کند. بلندترین نقطه را الوند در مواضع پدافندی اسدآباد دربردارد و پست‌ترین نقطه در غرب، مواضع پاتاق است (همان، ۶۲).

۴. نقش ارتفاعات مرزی استان کرمانشاه در اهداف سیاسی و امنیتی

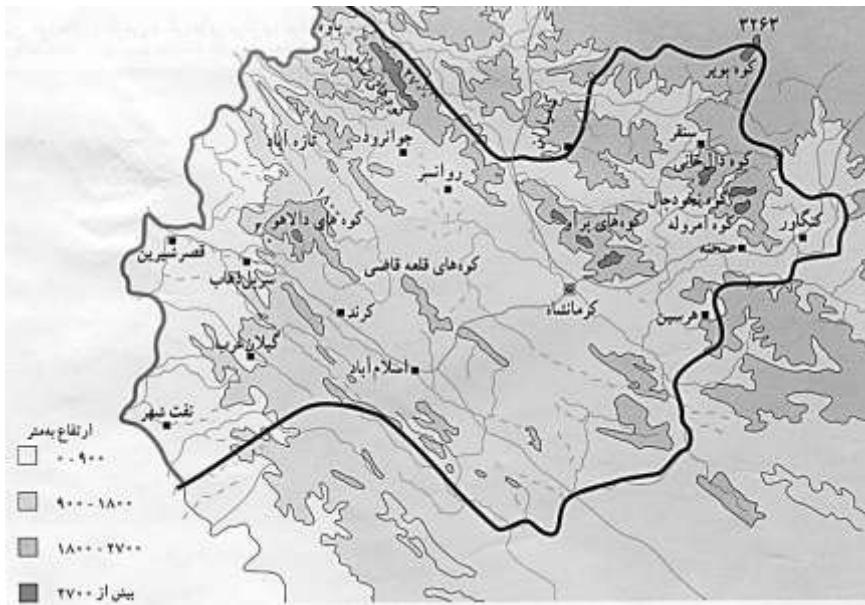
موقعیت کرمانشاه از لحاظ طرز قرارگیری ارتفاعات موجب گردیده تا این منطقه امکانات لازم را برای آفند و پدافند دارا باشد. نگاهی به شکل هندسی مرز در این منطقه نشان می‌دهد که در سرتاسر مرز ایران با دیگر کشورهای همسایه هیچ منطقه‌ای چنین امکاناتی را برای یک واحد عملیاتی فراهم نساخته، زیرا شیب زمین از شرق به غرب به تدریج کم شده، دره‌ها و ارتفاعات تا جلگه بین‌النهرین در عراق ادامه یافته و در نتیجه، از مرز به داخل ایران مواضع پدافندی مطلوبی را تدارک نموده است. از طرق دیگر، وجود عوامل مختلف جغرافیایی موجب گردیده که امکان انجام انواع عملیات نفوذی و آفندی فراهم باشد. مواضع پدافندی در عمق ۳۰۰ کیلومتری به طور متوالی قرار گرفته و مشخصاتی به شرح زیر دارند:

۱) اولین مواضع دفاعی (پاتاق) را ارتفاعات بمو، تيله‌کوه، آهنگران، آق‌داغ و باغچه تشکیل می‌دهد. نیروهایی که بر روی مواضع دفاعی مستقر باشند، در جهت باختر

بر روی جلگه بین‌النهرین حاکمیت دارند و تا مسیر رودخانه دیاله و دجله هیچ نوع عارضه مهم جغرافیایی به چشم نمی‌خورد.

۲) مواضع پدافندی متوالی به نحوی قرار گرفته‌اند که بهترین شرایط را برای رعایت اصل صرفه‌جوئی در قوا فراهم ساخته و با نیروهای کم به خوبی می‌توان از آن دفاع کرد.

۳) مهم‌ترین گره موصلاتی که در حقیقت مهم‌ترین مراکز تجمع آن نیز می‌باشد، شهرهای کرمانشاه و اسلام‌آباد غرب می‌باشد (همان، ۷۳).



نقشه شماره ۱: ناهمواری‌های استان کرمانشاه (جغرافیای استان کرمانشاه، چاپ چهارم، ۱۳۸۹)

۵. نقش معابر ارتباطی و ارتفاعات مناطق مرزی استان ایلام در تأمین اهداف سیاسی

و امنیتی

ایلام دارای کوه‌های قلاویزان، سیاه‌کوه و کوه‌های بولی است. این بخش نیز دارای رودخانه‌های کانی‌شیخ، گدارخوش و تلخابولی است. شهرستان ایلام دارای سه بخش مرکزی، چوار و سیوان است. استان ایلام اکنون از طرف جنوب با استان خوزستان، از مشرق نیز با

هدف عراق از تهاجم به غرب کشور... / ۷۹

لرستان و قسمتی از خوزستان، از شمال با کرمانشاه و از مغرب با کشور عراق به طول ۴۲۵ کیلومتر هم‌مرز می‌باشد، که در بین ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا واقع شده است. مساحت کل استان حدود ۱۹۰۴۴ کیلومتر می‌باشد. رزم‌آرا در کتاب جغرافیای نظامی ایران، در مورد تقسیمات اداری منطقه پشت کوه (استان ایلام کنونی) به طول ۲۲۰ کیلومتر چنین می‌نویسد: پشتکوه از دو بخش اصلی تشکیل شده است: (۱) بخش ارکوازی (۲) بخش چوارا (رزم‌آرا، ۱۳۲۰: ۶۸).



نقشه شماره ۲: مرزهای سیاسی و شکل هندسی مرز

(فرهنگ جغرافیائی ایران، ۱۳۳۱، ج ۵، بی جا، انتشارات دایره جغرافیائی ستاد ارتش)

۶. تجاوزات مرزی عراق در استان کرمانشاه قبل از شروع رسمی جنگ تحمیلی

رژیم عراق در تیرماه ۱۳۵۹ و هم‌زمان با کودتای نقاب (نوزدهم)، بر خلاف موازین بین‌المللی، تجاوزات آشکاری علیه مرزهای زمینی و هوایی جمهوری اسلامی ایران انجام داد. به نظر می‌رسد منظور از این اقدامات، کسب آمادگی لازم و کسب اطلاعات از وضعیت جغرافیایی

منطقه کرمانشاه و ارزیابی آمادگی نیروهای مقابل بود. این اقدامات همراه با گلوله‌باران و بمباران این مناطق بود که روز به روز بر شدت آن افزوده می‌شد، به طوری که با شروع جنگ تحمیلی علیه ایران، کمتر روزی بود که این مناطق گلوله باران نشوند. هدف عراق از این‌گونه اقدامات خصمانه، انهدام و تخریب پاسگاه‌های مرزی، ایجاد رعب و وحشت در مردم مرزنشین کرمانشاه بود تا مردم محل سکونت خود را ترک کنند و ارتش عراق آسوده‌تر به هدف‌های خود برسد. از سوی دیگر، عراق معتقد بود قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به طور کامل اجرا نشده و بر اساس آن قرارداد، منطقه خان لیلی و ارتفاعات میمک مربوط به عراق می‌باشد؛ لذا با این پیش‌زمینه، عراق در روز ۱۵ شهریور ۱۳۵۹ به منطقه خان لیلی حمله و منطقه‌ای به وسعت ۱۰۰ کیلومترمربع از خاک کشورمان را اشغال کرد و در ارتفاعات آن منطقه، پایگاه‌های نظامی ایجاد نمود. به همین جهت بود که وزیر دفاع عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۹ به طور رسمی اعلام کرد: «نیروهای مسلح عراق به مرزهای بین‌المللی رسیده‌اند و اختلافات خود را با ایران عملاً حل خواهند کرد.» (ابوغزاله، ۱۳۸۰: ۴۸).

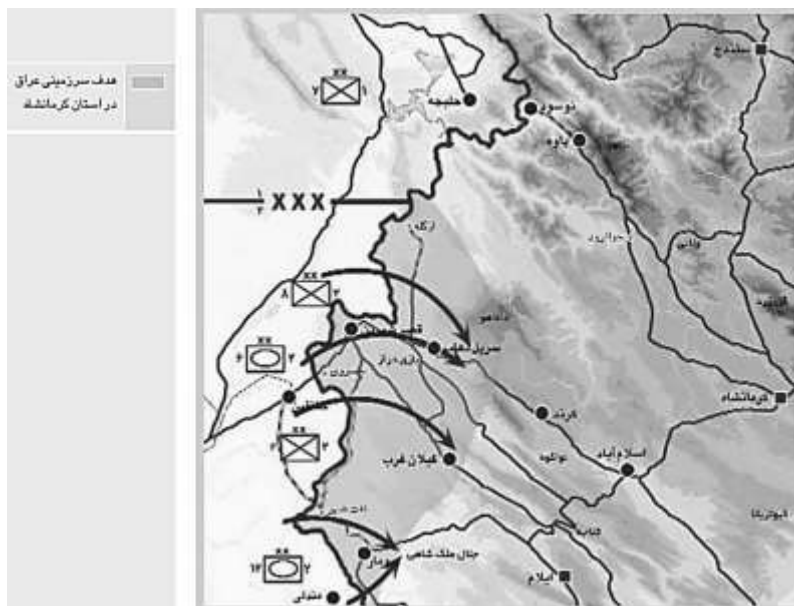
۷. هجوم گسترده عراق به مرزهای استان کرمانشاه

حمله عراق در این مناطق (کرمانشاه) در ابتدای جنگ، بیشتر تدافعی به نظر می‌آمد که برای جلوگیری از هرگونه ضدحمله لشکر زرهی ایران مستقر در کرمانشاه طرح‌ریزی و هدایت شده بود (کردزمن، واگنر، ۱۳۸۹: ۱۸۶). کرمانشاه در مجاورت استان دیاله عراق قرار دارد و به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، در طرح‌ریزی مانور عراق اهمیت نظامی خاصی داشت. در محور میانی، هدف نهایی اشغال تعدادی از شهرهای غیرمهم و کنترل تنگه‌ها و درهم‌کوبیدن نیروهای ایرانی برای جلوگیری از هرگونه پیشروی به سمت بغداد، دیالی و یا کوت بود (السامرای، ۱۳۸۰: ۶۳). معابر این استان به‌گونه‌ای است که پس از گذشتن از منطقه کوهستانی کرمانشاه، به منطقه جلگه‌ای و هموار دیاله می‌رسیم که همسایه پایتخت عراق، یعنی بغداد است. سپاه دوم عراق مأموریت مانور در این منطقه را داشت که مأموریت آن عبارت بود از پیشروی در ارتفاعات استان کرمانشاه تا عمق ۵۰ کیلومتر و تصرف تنگه راهبردی پاتاق. این سپاه مانور خود را بر چهار محور زیر استوار کرد:

هدف عراق از تهاجم به غرب کشور... ۸۱/

(۱) محور خانقین - قصرشیرین - سرپل ذهاب - پاتاق: سه لشکر عراقی مأموریت داشتند از این محور پیش بروند. لشکر ۶ زرهی از محور قصرشیرین، که با تصرف این منطقه به سمت تنگه پاتاق پیشروی کند، به طوری که دو لشکر ۴ و ۸ پیاده این لشکر را حمایت می‌کردند. در جناح چپ، لشکر ۸ پیاده در شمال قصرشیرین با هدف اشغال دشت ذهاب و سرپل ذهاب و در جناح راست، لشکر ۴ پیاده در جنوب قصرشیرین به سمت گیلانغرب.

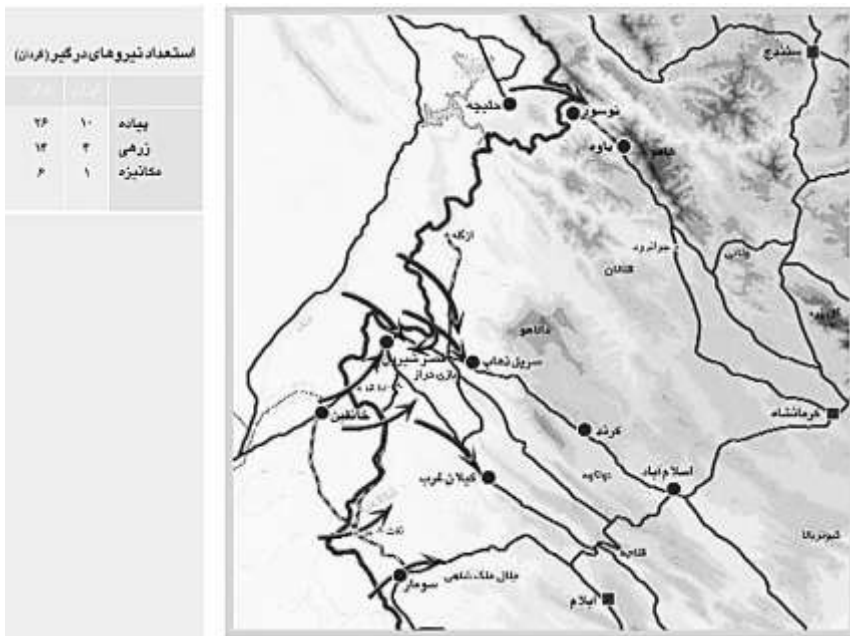
(۲) محور مندلی - سومار - نفت شهر: در این محور، لشکر ۱۲ زرهی مأموریت داشت که منطقه را تصرف کند و با مسدود کردن معابر، از عبور احتمالی نیروهای ج.ا.ا به سمت بغداد جلوگیری نماید. بنابراین، مشخصاً مسدود کردن معابر تأییدکننده این ادعا است که هدف عراق از تصرف ارتفاعات غربی ایران حفاظت از بغداد و جلوگیری از استفاده ایران از این معابر بوده است. سپاه یکم نیز در ارتفاعات شمال غربی استان کرمانشاه مأموریت داشت تا ضمن حمایت از فعالیت‌های ضدانقلاب در منطقه پاوه، نوسود سپاه دوم را نیز حمایت کند (دری، ۱۳۸۴: ۶۸).



نقشه شماره ۳: نحوه ورود دو لشکر زرهی و دو لشکر پیاده و اهداف سرزمینی عراق در استان کرمانشاه در پی تجاوزات پراکنده به مناطق مرزی در استان کرمانشاه، ارتش عراق در ۱۳۵۹/۶/۳۱ با پشتیبانی هوایی و آتش سنگین توپخانه، هجوم سراسری خود را به استان کرمانشاه آغاز نمود.

در این هجوم، سپاه دوم عراق با بهره‌گیری از ۸۰ درصد توان خود و با استفاده از لشکرهای ۸ و ۴ پیاده و ۶ و ۱۲ زرهی حمله را در چهار محور از داخل خاک عراق آغاز کرد و در بدو ورود به خاک ایران، از هشت محور زیر تجاوزات را ادامه داد:

- ۱) باویسی - تيله‌کوه - سرپل ذهاب
- ۲) بابا هادی - قصرشیرین - سرپل ذهاب
- ۳) پاسگاه هدایت - قصرشیرین
- ۴) پاسگاه پرویزخان - قصرشیرین
- ۵) خانقین - خسروی - قصرشیرین
- ۶) خان لیلی - چم امام حسن - گیلانغرب
- ۷) نفت‌خانه - نفت‌شهر - گیلانغرب
- ۸) مندلی - سومار - گیلانغرب



نقشه ۴: ظرفیت و استعداد نیروهای درگیر در استان کرمانشاه

لشکر ۶ زرهی تحت فرمان سپاه دوم ارتش، مأموریت تصرف قصرشیرین را به عهده داشت.

این لشکر با حمایت دو لشکر ۸ و ۴ پیاده در محورهای جنوب و شمال وارد عمل گردید.

ارتش عراق به دلیل حضور افراد گروه‌های ضدانقلاب و اجرای عملیات نامنظم در شهرهای مرزی پاوه از هجوم به منطقه نوسود و پاوه پرهیز کرد و تنها با اشغال ارتفاعات آن منطقه و استقرار یک تیپ در آن بسنده کرد. لشکر ۶ زرهی از دو محور اصلی شمالی و جنوبی به قصرشیرین تک کرد. دشمن با وجود حمله گسترده طی ۴۸ ساعت نتوانست وارد شهر شود. در منطقه خسروی نیز، دشمن همانند منطقه شمالی نتوانست در روزهای اول کار چندانی بکند. با ورود لشکر ۴ پیاده از خان‌لیلی به چم امام حسن، جاده گیلانغرب - قصرشیرین مسدود شد. سرانجام، دشمن در روز سوم مهر نتوانست وارد قصرشیرین شده و آن را اشغال نماید. این لشکر تحت فرمان سپاه دوم ارتش عراق مأموریت تصرف قصرشیرین را به عهده داشت و با حمایت دو لشکر ۸ و ۴ پیاده در محورهای جنوب و شمال وارد عمل گردید.

(۳) محور باباهادی - سرپل ذهاب: لشکر ۸ پیاده ارتش عراق، از دو محور شمالی و شمال‌غربی به سرپل ذهاب تک کرد. در محور شمالی، عرض جبهه از ارتفاعات باویسی تا ارتفاعات آهنگران بود. یگان‌های لشکر ۸ با تصرف پاسگاه‌های مرزی باویسی تا تپه‌کوه وارد ارتفاعات دشت ذهاب شدند و با پیشروی به سمت جنوب در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲، به شهر سرپل ذهاب رسیدند. اما پس از یک درگیری سنگین عقب‌نشینی کرده و در ارتفاعات قلاویزان مستقر گردیدند. در محور شمال‌غرب، دشمن نیروهای خود را برای تصرف پاسگاه‌های باباهادی و مسدود کردن جاده سرپل ذهاب - قصرشیرین به کار گرفت و بخش دیگر نیروهایش را به سمت سرپل ذهاب فرستاد که تنها تا شهرک المهدی پیشروی کردند، ولی نتوانستند سرپل ذهاب را تصرف کنند.

(۴) محور گیلانغرب: لشکر ۴ ارتش عراق در نخستین روزهای هجوم، به دلیل عدم پیشروی لشکر ۶ زرهی در محور خانقین - قصر شیرین - سرپل ذهاب با حفظ جناح جنوبی لشکر ۴ پیاده، در صبح ۱۳۵۹/۷/۵ به همراه تیپ ۹۴ پیاده با عبور از سهراهی سرپل ذهاب - گیلانغرب - قصرشیرین و حرکت در جاده قصرشیرین - گیلانغرب خود را به شهر گیلانغرب رساند. این قوای دشمن به دلیل مقاومت دلاورانه مردم غیور و شجاع گیلانغرب، خسارت زیادی دیدند و در ادامه حرکت مردم، عملیات بالگردهای هجومی هوانیروز هم آسیب فراوانی به انتهای ستون

قوای دشمن وارد آوردند، به طوری که، آنان مجبور به عقب‌نشینی از شهر و استقرار در چند کیلومتری غرب آن شدند.

(۵) محور سومار و نفت‌شهر: ارتش عراق که از آغاز سال ۱۳۵۹، شهرهای مرزی را زیر آتش پراکنده خود گرفته بود، از نیمه دوم شهریور همین سال، اجرای آتش توپخانه روی نفت‌شهر، سومار و پاسگاه‌های مرزی را تشدید کرد و با تصرف منطقه خان‌لیلی، جاده قصرشیرین - نفت‌شهر را قطع کرد و امکانات پشتیبانی و تردد نیروهای خودی را کاهش داد. ارتش عراق در روز ۱۳۵۹/۶/۳۰، با اشغال ارتفاعات گیسکه، به دره میان‌تنگ و دشت سومار تسلط کامل یافت. عراق با به‌کارگیری لشکر ۱۲ زرهی در محور مندلی - سومار در همین روز، سومار را اشغال کرد و در محور نفت‌خانه به نفت‌شهر نیز پس از ۴۸ ساعت نفت‌شهر را تصرف کرد. دشمن در این منطقه به دلیل وضعیت زمین، لشکرهای ۴ و ۶ و ۸ را متوقف و به اشغال دو شهر سومار و نفت‌شهر بسنده کرد.

با توجه به شرح عملیات، ارتش عراق بعد از تثبیت وضعیت نبرد در منطقه عملیاتی غرب، به طور متوسط نتوانست بیش از ۲۰ کیلومتر در عمق جبهه کرمانشاه و ایلام (از مهران تا باویسی) پیشروی کند و مناطقی که در این منطقه عملیات به اشغال نیروهای عراقی درآمد، عبارت بودند از:

در غرب خط عمومی از ازگله - گرده نو - جیگران - کوه گاومیشان - دامنه غربی کوه شاه‌نشین - ارتفاعات دستک و کوره‌موش - ارتفاعات قراویز دامنه شمال‌غربی و جنوب ارتفاعات دانه خشک - تنگ حاجیان - ارتفاع چغالوند - تنگ داربلوط از پاسگاه انجیره تا کانی‌سخت و سرانجام در دشت مهران تا حدود ۱۵ کیلومتری شرق خط مرز پیشروی کردند. در شمال تا سد کنجان‌چم به اشغال نیروهای متجاوز درآمد. در نتیجه، خط تماس بین نیروهای مدافع و نیروهای متجاوز در حوالی همان خطی بود که در بالا مسیر عمومی آن بیان گردید و این خط تماس به مدت قریب دو سال، بدون تغییرات چشمگیری به همین صورت باقی ماند و مهم‌ترین تغییری که ظرف این دو سال در آن ایجاد شد، عقب‌راندن نیروهای متجاوز عراقی از ارتفاعات میمک بود. به علت رکود فوق‌العاده در جبهه‌های نبرد غرب، وضعیت کاملاً تدافعی بین نیروهای خودی و دشمن ادامه یافت و نیروهای هر دو طرف تلاش نمودند مواضع پدافندی خود را مستحکم‌تر و در مقابل حملات احتمالی طرف مقابل آسیب‌ناپذیر سازند.

در جبهه کرمانشاه، با توجه به مرتفع بودن منطقه، نیروهای پدافندکننده خودی با بهره‌گیری از این ارتفاعات و با حداقل امکانات مواضع خود را احداث نمودند؛ در حالی که، ارتش عراق که در لاک پدافندی قرار گرفته بود، برای پدافند از منطقه حداکثر استفاده را از امکانات مهندسی خود به عمل آورد.

در محور گیلانغرب، واحد هوانیروز با تلاش فراوان وارد عمل شد و با توجه به اینکه به علت کوهستانی بودن منطقه، بالگردها می‌توانستند در پناه تپه‌ماهورها مواضع امنی انتخاب کنند و تانک‌ها و نفربرهای زرهی دشمن را مورد هدف قرار دهند، بالگردهای هجومی هوانیروز توانستند خسارات چشمگیری به دشمن وارد کنند و چون به علت باریک بودن عرض منطقه عملیات، دشمن امکان گسترش و مانور نداشت، لذا مجبور گردید به سمت غرب برگردد تا مواضع مناسب‌تری اشغال نماید.

در جدول زیر، کلیه عملیات‌های نیروهای خودی علیه دشمن را تا پایان سال دوم جنگ در

یک نگاه ملاحظه خواهید کرد.

#	تاریخ	منطقه عملیات	نام عملیات	استعداد یگان‌های ایران	استعداد یگان‌های عراق	نتیجه عملیات
۱	۵۹/۶/۲۸	میمک	میمک	ارتش شامل گروه رزمی ۲۱۷ و ۲۵ نفر از عشایر و یک گردان سپاه	۹ گردان پیاده، اسیر ۲۵ نفر، غنائم ۴ دستگاه خودرو چرخدار و تعدادی جنگ افزار (این عملیات در پاسخ به حملات پراکنده عراق انجام گردید).	انهدام عناصر مقدم دشمن،
۲	۵۹/۸/۲۸	سومار	عاشورا	ارتش شامل تیپ ۲ لشکر ۸۱ و هوانیروز و دو گردان از سپاه	۳۱ گردان پیاده، زرهی، مکانیزه و یک کماندویی، یک گردان جیش‌الشعبی	ضایعات و تلفات دشمن، ۲ گردان به میزان ۶۰ تا ۷۰ در صد و انهدام ۱۰ دستگاه تانک دشمن
۳	۵۹/۹/۲۸	سرپل ذهاب	کلیه و سید صادق ۱	ارتش شامل تیپ ۳ لشکر ۸۱ و هوانیروز	۹ گردان پیاده و کماندویی	۲۱ اسیر، و وارد آودن تلفات سنگین به دشمن
۴	۵۹/۱۰/۱۴	گیلانغرب	تنگ حاجیان	گردان ۱۱۰ ل ۷۷، هوانیروز و دو گردان از سپاه	۸ گردان پیاده	تصرف ارتفاعات بر آفتاب و آذین تعدادی کشته و ۵۳ اسیر و انهدام ۲۶ دستگاه

تانک و ۲ فروند هلی کوپتر و ۱۵ دستگاه خودرو						
تصرف ارتفاعات میمک، ۱۶۴ اسیر، انهدام ۶۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰ دستگاه خودرو، ۲ فروند هواپیما، ۳ فروند بالگرد	۱۹ گردان پیاده، زرهی و مکانیزه	تی ۱ ل ۸۱، هوانیروز، گردان ۷ سماجا و بسیج عشایری ایل خزعل	خوارزم (ضربت ذوالفقار)	میمک	۵۹/۱۰/۱۹	۵
تصرف آبادی کلینه، ۸۰ کشته، ۱۵۰ زخمی و ۵۸ اسیر، انهدام ۷ دستگاه تانک و نفربر و ۲ دستگاه کامیون مهمات	۹ گردان پیاده، زرهی و مکانیزه	تیپ ۳ لشکر ۸۱ و یک تیپ از سپاه	کلینه و سید صادق ۲	سرپل ذهاب	۵۹/۱۲/۱۵	۶
۱۵۰۰ تصرف مجدد قتل ۱۱۵۰ و ۱۰۵۰ زخمی، ۴۵۸ اسیر، انهدام تیپ ۳ پیاده، ۶۰٪ خسارت به تیپ ۲۲ دشمن، انهدام ۷ فروند هواپیما و ۵ فروند بالگرد، ۵۴ دستگاه تانک و نفربر و غنیمت ۱۲ دستگاه تانک و نفربر	۶ گردان پیاده و مکانیزه	گردان‌های ۱۸۴ و ۱۴۳ و ۲۱۱ ل ۸۱، گردان ۸۱۱ ل ۳۰، گردان ۲۱۵، تیپ ۵۵ و گردان مالک اشتر ۶ گردان سپاه	بازی دراز ۱	سرپل ذهاب	۶۰/۲/۱	۷
تلفات به دشمن	۶ گردان پیاده، زرهی و مکانیزه	مشترک لشکر ۸۱ زرهی و دو گردان سپاه	بازی دراز ۲	ارتفاعات بازی دراز	۶۰/۶/۱۱	۸
تلفات به دشمن	۱۲ گردان پیاده، زرهی و مکانیزه	یک تیپ از سپاه	امیرالمومنین (ع)	ارتفاعات گاو میشان	۶۰/۶/۲۲	۹
۱۷۰۰ نفر کشته و ۲۰۰ نفر اسیر ضایعات سنگین به دشمن	۲۷ گردان پیاده، زرهی و کماندویی	تی ۲ و ۳ ل ۸۱، تی ۵۸، گردان ۱۹۱ مرکز پیاده ۳ گردان سپاه	مطلع الفجر	شیاکوه	۶۰/۹/۲۰	۱۰

جدول شماره ۱: برخی عملیات‌های انجام‌شده قبل از آزادسازی خرمشهر در منطقه

(با استنباط از تقویم تاریخ دفاع مقدس نزاچا)

با توجه به جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت:

(۱) لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه که منطقه سرزمینی او بوده و همواره مأموریت پدافند از حدود ۳۰۰ کیلومتر خط مرز را داشته، با تمام توان و به کارگیری کلیه گردان‌ها و یگان‌های مانوری خود در خط پدافندی مستقر بوده است، بنابراین، وقتی در ترتیب نیروهای عمل‌کننده ذکری از لشکر ۸۱ یا تیپ‌های ۱ و ۲ و ۳ این لشکر می‌شود، به این مفهوم است که نیروهای درخط و پدافندکننده را نیز محاسبه کرده‌اند، در صورتی که این مطلب کاملاً واضح است که یگان پدافندکننده توانی برای اجرای آفندی مؤثر را ندارد و تنها یگان‌هایی که از سایر یگان‌ها و سپاه در منطقه حاضر بوده و در ترتیب نیرو قرار گرفتند را می‌توان به عنوان نیروی تک‌ور محاسبه نمود که مشاهده می‌شود این قبیل گردان‌ها در مقایسه با نیروهای دشمن بسیار اندک هستند.

(۲) عمده عملیات‌های انجام‌شده در منطقه غرب و در استان کرمانشاه با هدف انهدام نیرو و درگیر کردن ارتش عراق صورت گرفته است و هیچ‌گونه آزادسازی مناطق اشغالی نتیجه عملیات‌های انجام‌شده نبوده است.

(۳) چنانچه زمان عملیات‌های جنوب را با عملیات‌های غرب مقایسه نمائیم، به این نتیجه خواهیم رسید که غالب این عملیات‌ها با عملیات‌های جنوب هم‌زمان بوده است و این نتیجه مستفاد می‌گردد که عملیات‌های غرب صرفاً به منظور درگیر نگه‌داشتن سپاه دوم عراق بوده تا نتواند به سپاه سوم در جنوب کمک‌رسانی نماید، یا به عبارتی این عملیات‌ها مأموریت پشتیبانی از عملیات‌های جنوب را داشته است.

با وجود موارد فوق، مشاهده می‌کنیم که ارتش عراق پس از شکست در عملیات بیت‌المقدس در منطقه جنوب و انهدام نیروهای خود از مناطق غربی ایران به منظور صرفه‌جوئی در قوا و به کارگیری آنها در سایر مناطق، از منطقه غرب عقب‌نشینی اختیاری می‌نماید.

۸. عقب‌نشینی عراق از مواضع غرب کشور در سال ۱۳۶۱

ارتش عراق که در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس در فروردین تا خرداد ۱۳۶۱ و پس از فتح خرمشهر توسط ایران، آسیب‌های فراوانی دیده بود، با اعلام عقب‌نشینی تاکتیکی و به منظور صرفه‌جوئی در قوا، از ارتفاعات مرکزی استان کرمانشاه، مانند بازی‌دراز، عقب‌نشینی کرد و مواضع جدید خود را روی ارتفاعات آغ‌داق و آهنگران، مشرف بر قصرشیرین قرار داد (تقویم تاریخ دفاع مقدس ج ۱۴، ۱۲۵:۱۳۸۳). صدام حسین در توجیه این عمل برای فرماندهان خود به طور مفصل دلایل این عقب‌نشینی را توضیح داده است.

این مطالب در کتاب خاطرات صدام نوشته خلیل الدلیمی آمده است. صدام در سخنرانی خود در تیر ۱۳۶۱، که در جلسه‌ای با فرماندهان ارتش عراق داشته، دلایل عقب‌نشینی و بازگشت به مرزهای بین‌المللی را طولانی بودن راه‌های مواصلاتی اعلام کرد و گفت: جبهه‌های ما در خاک ایران مشکلاتی را به شرح زیر برای عراق به وجود آورده بود که با عقب‌نشینی ما این مشکلات رفع خواهد شد.

الف) محدودیت در مانور و حرکات.

ب) نیروهای خودی (عراقی) در خاک ایران انگیزه دفاعی کمتری داشتند.

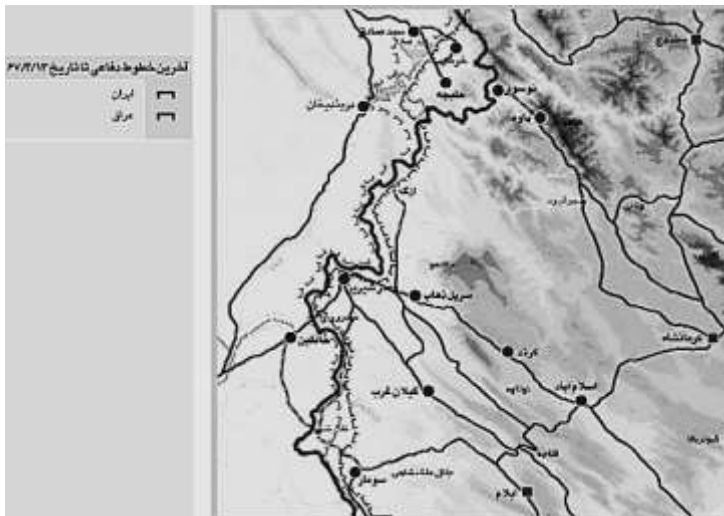
ج) راه‌های مواصلاتی و تدارکاتی ما در خاک دشمن (ایران) طولانی‌تر بود.

د) از سوی دیگر، ارتباط مرکز فرماندهی با قرارگاه‌های میدان جنگ به علت طولانی بودن، مورد تهدید قرار می‌گرفت. در این حالت، نیروهای جلو در معرض انزوا قرار می‌گیرند، به خصوص وقتی دشمن به طور مستقیم وارد محل شود (دور می‌زند). دشمن روی این تاکتیک (جناح گرفتن و دورزدن) خیلی تکیه می‌کند.

ه) ما (ارتش عراق) مجبور بودیم برای حفظ آن جاده (عقبه‌ها)، نیروهای پشتیبانی بیشتری گسیل داریم؛ این وضع برای مسدود کردن معابر نفوذی بسیار سخت و ناممکن است. نیروهای موظف به این امر چون اکثراً از نیروهای ذخیره هستند و آمادگی ندارند قادر به مسدود کردن همه معابر نفوذی نیستند، ولیکن الآن کلیه امکانات دفاعی برای حفظ خط مقدم فراهم شده و بخش‌های ذخیره تجربه کافی کسب کرده‌اند.

و) احساس سربازان و ارتشیان ما (عراق) در هنگامی که از اراضی و حقوق خود دفاع می‌کنند، با حالتی که در عمق مثلاً ۸۰ کیلومتری سرزمین دشمن قرار دارند، متفاوت است. (ز) یکی از عوامل مهم دیگر این بود که دشمن (ایران) در سرزمین خود می‌جنگید و بالطبع آشنایی کامل با محیط داشت؛ مثلاً دشمن از رود کرخه و انشعابات آن و یا رود کارون استفاده می‌کرد و مسائل غیرمترقبه‌ای را برای ما ایجاد می‌کرد (اصل غافل‌گیری) و نیروهای خط مقدم را در احاطه داشت (الدیمی، ۱۳۹۱: ۸۹).

آنچه مسلم است، ناتوانی ارتش عراق در رویارویی با تهاجمات گسترده و محدود رزمندگان ایران در جبهه‌های جنگ، فرو رفتن در لاک دفاعی را به ارتش این کشور تحمیل کرد. عراق با این اقدام، در واقع به پوشاندن نقاط ضعف خود مبادرت ورزید. لذا، بر اساس این سخنان، دشمن با عقب‌نشینی به مرزها در واقع به خطوط پدافندی خود عمق داد و آن را از آرایش و استحکامات مناسب دفاعی برخوردار ساخت. گذشته از این، عراق خود را آماده جنگ با تهاجم نیروهای پیاده ایران و مهار موج‌های تعرضی آنها کرد. همچنین نیروهای اصلی و هجومی خود را که در خط پدافندی قرار داده بود، آزاد کرد و آنها را به عنوان نیروی احتیاط دور از خط مقدم مستقر کرد تا از آسیب دیدن در امان باشند. در نتیجه، دشمن با این فرض که جنگ ادامه خواهد داشت و در این روند از تهاجمات پی‌درپی جمهوری اسلامی ایران در امان نخواهد بود، با عقب‌نشینی از برخی نقاط، به حفظ ماشین جنگی خود و کسب آمادگی لازم برای ادامه جنگ پرداخت.



نقشه شماره ۵: آخرین خطوط دفاعی ایران و عراق بعد از عقب‌نشینی گسترده عراق در سال ۶۱

نتیجه عملیات	استعداد یگان‌های عراق	استعداد یگان‌های ایران	نام عملیات	منطقه عملیات	تاریخ	دیف
تلفات به دشمن	۱۸ گردان پیاده	تیپ ۴ لشکر ۸۱ و یک گردان سپاه	نارالله	پیروزخان و قلعه سفید	۶۱/۵/۱۵	۱
تصرف ارتفاعات حمربین	۴۹۳ گردان پیاده، زرهی، مکانیزه، کماندویی و گارد و ۴۶ گردان توپخانه	ارتش شامل تیپ ۱ لشکر ۲۱، دو تیپ از سپاه پاسداران	کربلا ۵	ارتفاعات حمربین - شرفانی	۶۱/۸/۱۰	۲
انهدام دو پل و دو انبار مهمات	۴۸ گردان پیاده و زرهی و توپخانه	تیپ ۴ لشکر ۸۱ ارتش	ظفر ۳	باباهادی	۶۴/۳/۲۹	۳
تلفات به دشمن	۲۷ گردان پیاده، زرهی، مکانیزه و کماندویی	تیپ ۴ لشکر ۸۱ و دو گردان سپاه	ارتفاع ۶۲۵	ارتفاع ۶۲۵	۶۴/۶/۳۰	۴
آزاد سازی ارتفاعات ۵۴۶ و ۵۴۲	۶۴ گردان پیاده، زرهی، مکانیزه، کماندویی و گارد و ۴۵ گردان توپخانه	تیپ ۳ لشکر ۸۱	کربلا ۹	باباهادی و قراویز	۶۶/۱/۲۰	۵
تحمیل تلفات به دشمن	۲۶ گردان پیاده و کماندویی	لشکر ۸۱ زرهی و تیپ‌های تکاوری ۳۵ و ۴۵ ارتش	امام مهدی (عج)	ارتفاعات آهنگران	۶۶/۱۲/۳۰	۶

جدول شماره ۲: عملیات‌های انجام‌شده پس از آزادسازی خرمشهر در منطقه

(با استنباط از جعفری، ۱۳۸۵)

به طور مثال، با توجه به این نکته که پس از پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات طریق‌القدس و آزادسازی شهر راهبردی بستان، عراق تلاش مضاعفی را به منظور اشغال دوباره شهر بستان شروع کرد و فشار زیادی را بر نیروهای مدافع این شهر وارد آورد. به این منظور، عملیات مطلع‌الفجر در جهت مشغول کردن نیروهای عراقی در غرب طرح‌ریزی و اجرا شد، تا ضمن تضعیف قوای دشمن، از پیوستن نیروهای عراقی در غرب به نیروهای عراقی در جنوب جلوگیری نماید. ایران در عملیات شیاکوه با تغییر خط پدافندی و در دست گرفتن مواضع و ارتفاعات حساسی در غرب شیاکوه که شرایط دید و تیر مناسبی داشتند، موجبات تضعیف روحیه دشمن و ضربه‌پذیری آن در مقابل عملیات آتی رزمندگان اسلام را فراهم نمود، به

هدف عراق از تهاجم به غرب کشور... ۹۱/

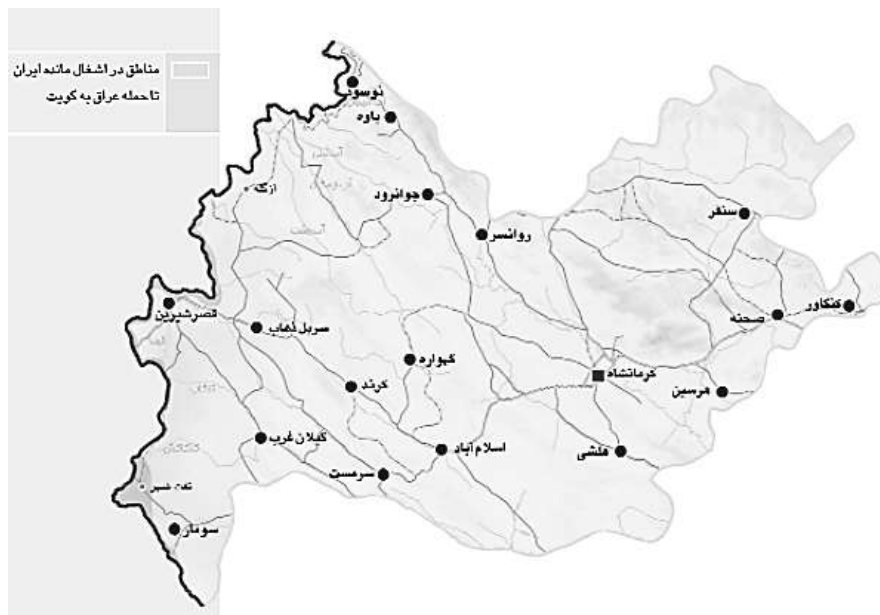
طوری که، از آن به بعد دشمن در لاک پدافندی فرو رفت و با اختصاص توان رزمی بیشتری از نیروهای عراقی در غرب، زمینه کسب پیروزی‌های بزرگ و پی در پی رزمندگان اسلام در جنوب کشور حاصل شد (حسینی، ۱۳۹۳: ۳۹).

جنوب			غرب و شمال غرب			
نوع عملیات	نام و منطقه عملیات	تاریخ	نام و منطقه عملیات	منطقه عملیات	تاریخ	ردیف
تک	شوش	۵۹/۸/۲۸	عاشورا	سومار	۵۹/۸/۲۸	۱
گسترده	هویزه (نصر)	۵۹/۱۰/۱۵	تنگ حاجیان	گیلانغرب	۵۹/۱۰/۱۴	۲
گسترده	ماهشهر (توکل)	۵۹/۱۰/۲۰	خوارزم (ضربت ذوالفقار) یا الله	میمک	۵۹/۱۰/۱۹	۳
محدود	سوسنگرد	۶۰/۲/۷	بازی دراز ۱	سرپل ذهاب	۶۰/۲/۲	۴
گسترده آفندی	طریق القدس	۱۳۶۰/۹/۹	مطلع الفجر	شیاکوه	۶۰/۹/۲۰	۵
گسترده آفندی	کربلا ۵	۶۵/۱۰/۱۹	کربلا ۶	نفت شهر	۶۵/۱۰/۲۳	۶
گسترده آفندی	کربلا ۸	۶۶/۱/۱۸	کربلا ۷	حاج عمران	۶۵/۱۲/۱۳	۷

جدول شماره ۳: مقایسه زمانی برخی از عملیات‌های غرب کشور با عملیات‌های جنوب کشور

(با استنباط از تقویم تاریخ دفاع مقدس نزاچا)

پس از پایان جنگ و برقراری آتش‌بس بین ایران و عراق، به رغم اینکه یکی از شرایط آتش‌بس بازگشت نیروهای دو کشور به مرزهای بین‌المللی بود، لیکن عراق همچنان ارتفاعات مشرف بر قصرشیرین، ارتفاعات میمک و نفت‌شهر را تا دو سال پس از پایان جنگ در اشغال داشت و مرحله دوم عقب‌نشینی عراق دقیقاً زمانی بود که این کشور قصد داشت کویت را اشغال نماید (نقشه شماره ۶).



نقشه شماره ۶: مناطق در اشغال مانده تا قبل از حمله عراق به کویت و حدود کلی پیشروی ارتش عراق در استان کرمانشاه

۹. نتیجه‌گیری

استان کرمانشاه دارای موقعیت جغرافیایی منحصر بفردی است. معابر این استان به دلیل قرار گرفتن در محور تهران - بغداد، کوتاه‌ترین مسافت بین دو پایتخت مهم در خاورمیانه است. همچنین، دارا بودن حدود ۲۶۳ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق باعث شده بود این استان در جنگ بین ایران و عراق از اهمیت نظامی ویژه‌ای برخوردار باشد. فاصله مرزهای استان کرمانشاه از شهر خسروی تا بغداد حدود ۱۸۰ کیلومتر و کوتاه‌ترین فاصله است. اما کوتاه‌ترین فاصله مرزهای شرقی عراق از شهر منظریه تا تهران بیش از ۷۰۰ کیلومتر است. آغاز تجاوز نیروهای بعثی عراقی علیه جمهوری اسلامی ایران قبل از ۳۱ شهریور ماه و پایان رویدادهای جنگ تحمیلی بین دو کشور و تخلیه نفت‌شهر دو سال بعد از جنگ توسط عراقی‌ها، بیانگر اهمیت فوق‌العاده استان کرمانشاه از نظر موقعیت نظامی بین دو کشور می‌باشد. در مناطق غربی ایران، هرچه از سمت شرق به سوی غرب پیش می‌رویم، شیب زمین کمتر می‌شود. بنابراین، در نوار مرزی مشترک، ارتفاعات بلندتر متعلق به ایران است که باعث می‌شود برتری

دید و مشرف بودن کامل به میدان تیر به سود نیروهای ایرانی باشد و از سوی دیگر، با گذشتن از این ارتفاعات، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بدون هیچ مانع طبیعی و با کمترین فاصله می‌توانستند به بغداد برسند. شرایط نفوذ و اجرای عملیات آفندی برای ایران بسیار سهل‌الوصول می‌باشد و همین مزیت جغرافیایی بزرگ‌ترین تهدید برای ارتش عراق بود. شدت نگرانی ارتش عراق از آسیب‌پذیری در این مناطق و احتمال حمله نظامی ایران از مرزهای این استان برای فتح قلب عراق، عامل اصلی حرکات نظامی این کشور برای اشغال این مناطق بود. ارتش عراق برای آغاز تهاجم به جمهوری اسلامی ایران، مجبور بود ابتدا برای این تهدید بزرگ علیه خود فکری کرده و این نقیصه و نقطه ضعف بزرگ در راه‌کارهای نظامی خود را پوشش دهد. طریقه قرار گرفتن ارتفاعات در استان کرمانشاه تقریباً به حالت چندلایه موازی با نوار مرزی عراق می‌باشد. این ارتفاعات مشکلات فراوانی را بر سر راه نیروهای عراقی و نفوذ به این کشور ایجاد می‌کند. بنابراین، نیروهای عراقی مجبور شدند با استفاده از دو لشکر زرهی (که معمولاً کارایی کمتری در مناطق کوهستانی دارند)، در ارتفاعات غرب کشور، پایگاه‌هایی برای کنترل محورهای ورودی سهل‌الوصول به سمت بغداد ایجاد نمایند. همان‌طور که بیان شد، لشکرهای عراقی در ابتدای اشغال یک منطقه، مسیرهای دسترسی به آن قسمت را کاملاً مسدود می‌نمودند و این تاکتیک نیز می‌تواند یکی از توجیه‌های حمله عراق به استان کرمانشاه باشد، که به منظور دفاع از بغداد در مقابل عملیات‌های احتمالی آفندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. با این توصیف، نمی‌توانیم برای نیروهای محدود عراقی متشکل از چهار لشکر چنین هدفی را تصور کنیم که آنها قصد رسیدن به مرکز استان یا سایر شهرهای مهم در این معبر مهم را داشته‌اند. همچنین، استان کرمانشاه از لحاظ منابع به هیچ وجه در حدی نبوده که ارتش عراق بخواهد با تسلط بر آن منابع یا انهدام آنها کسب منفعت نموده یا خسارت اساسی به جمهوری اسلامی ایران وارد نماید.

مطلب دیگری که بایستی در این بخش مورد بررسی قرار گیرد، این است که آیا ارتش عراق در هدفی که از قبل از تجاوز رسمی به جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده بود، یعنی دفاع از معابر منتهی به مرکز عراق از سمت مرزهای استان‌های کرمانشاه و ایلام، توفیقی داشته

است یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال، بایستی روند موضع‌گیری ارتش عراق در ارتفاعات غرب کشور ایران و دفاع نیروهای مسلح و انجام عملیات‌های متعدد با نتایج آنها و نهایتاً عقب‌نشینی‌های ارتش عراق در مراحل مختلف بررسی شود.

با توجه به مقایسه استعداد نیروهای درگیر ایرانی و عراقی در منطقه غرب و غالب بودن استعداد نیروهای دفاعی عراق در عملیات‌های جمهوری اسلامی ایران، قبل از خرداد ۱۳۶۱ (جدول شماره ۱) می‌توان استدلال نمود که هدف عراق از استقرار نیروهای خود با آن حجم بالای نیروی انسانی و جنگ‌افزار و برتری نظامی بر ایران، حفظ ارتفاعات و معابر راهبردی و ممانعت از استفاده نیروی نظامی جمهوری اسلامی ایران از آن معابر علیه قلب عراق یعنی بغداد بوده است و پس از استقرار اولیه همواره از خود و مواضع خود دفاع کرده و هیچ‌وقت تصمیم به پیشروی و یا قصد نفوذ بیشتر از آن ناحیه نداشته است، چرا که استمرار عملیات و اعزام نیرو برای عراق از آن قسمت از خاک ایران برای نفوذ بیشتر بسیار دشوار و غیر قابل دستیابی بوده است. همین دشواری باعث شد عراقی‌ها پس از عملیات‌های بزرگ فتح‌المبین و بیت‌المقدس که در منطقه جنوب توسط رزمندگان اسلام منهدم شده و به مرزهای بین‌المللی رانده شدند، به صورت اختیاری از منطقه غرب عقب‌نشینی کنند. اما در این مرحله نیز، دفاع از بغداد را فراموش نکردند. آنها در این مرحله، روی مواضع برتر مرزی مستقر شدند و همواره بر روی معابر نفوذی مهم به سمت عراق اشراف داشتند. اگرچه در شش سال پایانی جنگ که از سوی ایران به عنوان تعقیب و تنبیه متجاوز نام گرفته، عملیات‌های دیگری در این منطقه انجام شده، لیکن به دلیل دفاع بسیار محکم و سرسختانه ارتش عراق در منطقه غرب، هیچ‌کدام با توفیق همراه نبودند (جدول شماره ۲). در نتیجه، می‌توانیم بگوییم عراقی‌ها در این مرحله نیز در هدف خود که همانا دفاع از بغداد و معابر نفوذی به سمت آن بود، موفق بودند.

در مرداد ۱۳۶۷، که با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آتش‌بس بین ایران و عراق برقرار شد و هیئت‌های مذاکره‌کننده برای اجرای بندهای قطعنامه در سازمان ملل مقابل دبیرکل سازمان ملل نشستند، عراق حاضر نشد بخشی از سرزمین‌های اشغالی ایران را تخلیه نماید. این سرزمین‌ها در واقع نقاط راهبردی بود که به زعم صدام حسین و سران حزب بعث امنیت بغداد را تأمین می‌کرد. از این رو، دو سال بعد، زمانی که صدام حسین، رئیس جمهوری عراق، تصمیم

گرفت برای اشغال کویت اقدام کند، صرفاً برای جلب اعتماد جمهوری اسلامی ایران، که برای آزادسازی سرزمین‌هایش به عراق حمله نمی‌کند و یا با امید به اینکه ایران احتمالاً از تصمیم جدید در مورد اشغال کویت حمایت خواهد کرد، این مناطق را از نیروهای نظامی خود تخلیه کرد. بنابراین، این مناطق تا شهریور ۱۳۶۹، یعنی زمان حمله عراق به کویت در کنترل و اشغال عراق باقی ماند و عراق همچنان از بغداد دفاع می‌کرد.

البته شایان ذکر است که در منطقه غرب، سه نقطه بسیار مهم و راهبردی شهر مهران، ارتفاعات میمک و سومار (۴۰۲) وجود داشت که در طول هشت سال دفاع مقدس نبردهای سخت و سنگینی روی این نقاط انجام شده و نیروهای دو کشور به طور برابر، روی این نقاط قدرت‌نمایی کردند که این نبردها خود می‌تواند به صورت مستقل موضوع مقاله یا مقالاتی باشد.

۱۰. منابع

- ۱) اسماعیلی، ۱۳۸۸، *نقش ارتفاعات بر راهسازی*، مرکز پژوهش‌های راهبردی
- ۲) کردزمن، آنتونی، واگنر، آبراهام، م. حسین یکتا (۱۳۸۹)؛ *درس‌های جنگ مدرن*، جلد ۱، انتشارات مرز و بوم.
- ۳) پورپوریان، رضا حسین (۱۳۸۶)؛ *بررسی و تحلیل ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیک مناطق استراتژیک ایران* (مطالعه موردی منطقه‌ای شمالغرب، فصلنامه علمی کاربردی آفاق امنیت، موسسه مطالعات کاربردی، پیش شماره اول.
- ۴) مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نازجا، *تقویم تاریخ دفاع مقدس*، ج ۱۴.
- ۵) *سالنامه آماری استان کرمانشاه* (۱۳۸۶)، حوزه معاونت و برنامه‌ریزی استانداری کرمانشاه.
- ۶) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶)؛ *فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور*، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۷) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶)؛ *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان کرمانشاه*، شهرستان‌های پاپه و ثلاث و باباجانی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- ۸) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۶)؛ *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان کرمانشاه*، شهرستان‌های سرپل ذهاب و قصرشیرین، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۹) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۴)؛ *فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور*، جلد چهارم، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۰) السامرایی، وفیق، ۱۳۸۰ عدنان قارونی، *ویرانی دروازه شرقی*، مرکز فرهنگی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
- ۱۱) رزم آرا، علی (۱۳۲۰)؛ *جغرافیای نظامی ایران، پشت کوه*، تهران، بی تا.
- ۱۲) رزم آرا، علی (۱۳۲۲)؛ *جغرافیای نظامی ایران، کرمانشاهان*، انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۳) دری، حسن (۱۳۸۴)؛ *جنگ در کرمانشاه*، اطلس راهنما ۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۴) حسینی، سید یعقوب، ۱۳۹۳، عملیات شیاکوه، هیئت معارف جنگ، ایران سبز
- ۱۵) صفوی، سید یحیی (۱۳۸۴)؛ *مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران*، انتشارات دانشگاه امام حسین، چاپ سوم.
- ۱۶) عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۴)؛ *تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۷) عزتی، عزت‌الله (۱۳۶۶)؛ *جغرافیای نظامی ایران*، دانشکده علوم نظامی، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۸) فرماندهی مرزبانی استان کرمانشاه، ۱۳۸۵، ۳۴۷ / مطالعه پرونده‌های شماره ۲۴۱
- ۱۹) جعفری، مجتبی (۱۳۸۵)؛ *اطلس نبردهای ماندگار*؛ مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ تهران؛ چاپ سوم.
- ۲۰) ابوغزاله، عبدالحلیم، نادر نوروز شاد (۱۳۸۰)؛ *جنگ عراق و ایران*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۱) الدلیمی، خلیل (۱۳۹۱)؛ *خاطرات صدام*، دارالمنبر

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ تحمیلی با تأکید بر منطقه عملیاتی جنوب کشور

رضا جهان فر^۱

چکیده

این مقاله به بررسی عملکرد پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ تحمیلی، به ویژه در منطقه عملیاتی جنوب کشور می‌پردازد. پدافند هوایی از جمله سازمان‌های نظامی است که از ابتدای جنگ در فرآیند دفاع از کشور حضور فعال داشته و این حضور در تاریخ ثبت شده است. برابر اسناد و مدارک موجود، پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تمامی عملیات‌های انجام‌شده آفندی و پدافندی در سال‌های دفاع مقدس حضور تأثیرگذاری داشته است. با توجه به اینکه برد رادارهای پیش‌اطار پدافند هوایی فراتر از مرزهای کشور است، لذا تمام عملیات‌های انجام‌شده، تحت پوشش رادارهای پدافند هوایی به اجرا درآمد. افسران کنترل شکاری پدافند هوایی علاوه بر کنترل فضای نبرد منطقه عملیاتی جنوب و هدایت هواپیماهای شکاری خودی، حضور هواپیماهای شکاری عراقی را رصد کرده و با اعلام پرواز اسکرامل و هدایت جنگنده‌های خودی و سپس تقسیم آتش برای سایت‌های موشکی زمین به هوا و سامانه‌های توپخانه‌ای، امنیت را برای نیروهای سطحی به ارمغان آوردند. سامانه‌های زمین به هوای پدافند هوایی از همان لحظات اول حمله هوایی عراق و شروع جنگ به وظایف خود به خوبی عمل کردند، تا آنجا که در گزارش مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مجلس شورای اسلامی از این عملکرد و ساقط شدن هواپیماهای عراقی یاد شده است.

فراخوان کارکنان پدافند هوایی از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) جهت حضور در مناطق عملیاتی جنوب (از جمله سوسنگرد)، طی تلفنگرام به فرمانده وقت نهاجا (شهید فکوری) با ذکر اسامی مشخص، نشان‌دهنده میزان تأثیرگذاری پدافند هوایی در منطقه عملیاتی

۱. سرگرد کنترل رضا جهان فر.

جنوب است. از میان نفرات فراخوان شده توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، شهید عبدالله عیسی پور در سوسنگرد به شهادت رسید و ایشان طی مصاحبه‌ای به شهادت وی اشاره فرمودند.

از آنجا که زیرساخت حفظ ارزش‌های دفاع مقدس نشر و بیان و بازگویی آن ارزش‌ها و عملکردها می‌باشد، لذا این مقاله سعی در گام برداشتن در مسیر حفظ ارزش‌های دفاع مقدس از طریق بررسی نقش پدافند هوایی ارتش در سال اول جنگ تحمیلی (با تأکید بر منطقه عملیاتی جنوب کشور) را دارد. روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از روش‌های اسنادی و روش‌های میدانی است؛ زیرا در گردآوری اطلاعات، علاوه بر بهره‌گیری از مصاحبه، روش صوتی و تصویری و همچنین فوکوس گروپ، بازخوانی اسناد و مدارک بجامانده از سال‌های دفاع مقدس، کتب مربوط به عملیات‌های سال اول جنگ، مقالات منتشره در خصوص عملیات‌های یاد شده و... مورد استفاده محقق قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: پدافند هوایی، ارتش جمهوری اسلامی ایران، دفاع مقدس، سال اول

جنگ، منطقه عملیاتی جنوب

۱. مقدمه

در سال‌های پس از جنگ تحمیلی، کمتر فرصتی برای بازگویی و نشر اقدامات ارزشمند پدافند هوایی پیش آمده است. اگرچه شاید بازگو نکردن آن ناشی از ضرورت‌های امنیتی و حفاظتی بود، اما اینک به دلیل اهمیت نشر حوادث و رویدادهای دفاع مقدس، همچنین خارج شدن بسیاری از اسناد جنگ از طبقه‌بندی حفاظتی، فرصتی فراهم شد تا عملکرد پدافند هوایی نیز مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت نشر حوادث و رویدادهای دفاع مقدس نیز از آنجا ناشی می‌شود که ثبت و ضبط رویدادهای سال‌های دفاع مقدس و نشر آنها می‌تواند منجر به حفظ و بازیابی ارزش‌ها و استفاده از تجربیات گرانبهای آن دوران پرافتخار شود.

ارزش‌های دفاع مقدس نیاز همیشگی جامعه ایرانی و اسلامی است. بر اثر آن ارزش‌ها، سرمایه اجتماعی و اجزای آن نظیر اعتماد، همبستگی، مشارکت و... و ابعاد مختلف آنها در جامعه ما حفظ و بازیابی می‌شود. آن ارزش‌ها منجر به این شده بود که جوانان اقصی نقاط

میهن اسلامی برای دفاع از خوزستان و کردستان و ایلام و... ترک دیار کنند و در برابر دشمن رشادت‌ها نشان دهند.

اقدامات پدافند هوایی بر اساس شرح وظایف و مأموریت در نظر گرفته شده به گونه‌ای بوده است که می‌توان گفت هیچ عملیاتی در سال‌های دفاع مقدس بدون حضور مستقیم یا غیرمستقیم واحدهای پدافند هوایی برگزار نشد. در سال اول جنگ، این واحدها در زیرمجموعه نیروهای سه‌گانه ارتش ج.ا.ا و حتی ژاندارمری سازماندهی شده بودند. تمام مناطق برپایی عملیات‌های دفاع مقدس تحت پوشش پدافند هوایی بود و پدافند هوایی در منطقه عملیاتی جنوب، بخش تفکیک‌ناپذیر از شبکه فرماندهی و کنترل این نیرو به شمار رفته و می‌رود. شبکه فرماندهی و کنترل پدافند هوایی متکی بر کارکنان این نیرو، موفقیت کم‌نظیری را در سال‌های دفاع مقدس رقم زد. با رصد دائمی آسمان و انجام کشف، شناسایی، رهگیری، درگیری و انهدام، آسمانی امن برای پیشروی نیروهای سطحی خودی توسط کارکنان پدافند هوایی فراهم شد. در این مقاله عملکرد پدافند هوایی ارتش در سال اول جنگ در منطقه عملیاتی جنوب بررسی خواهد شد.

۲. بیان مسئله

در سال‌های دفاع مقدس، پدافند هوایی نقش انکارناپذیری در تأمین امنیت شهرهای مختلف ایران اسلامی در برابر تجاوزهای هواگردهای عراقی بر عهده داشت. در عملیات‌های مختلف نیز، پدافند هوایی به چتری قابل اطمینان برای نیروهای سطحی در برابر حملات هوایی مبدل شد تا پیشروی نیروهای سطحی خودی امکان‌پذیر باشد. بازگویی عملکرد و نقش کارکنان پدافند هوایی در آن سال‌ها، علاوه بر مستندسازی تجربیات، گامی ارزشمند در مسیر تبلیغات دفاعی، ارتقای منزلت اجتماعی کارکنان پدافند هوایی و تحکیم هویت سازمانی به شمار می‌رود.

محقق با پژوهش و تحقیق در این حوزه و بررسی عملکرد پدافند هوایی در سال اول جنگ به ویژه در منطقه عملیاتی جنوب، به دنبال ثبت اقدامات ارزشمند کارکنان پدافند هوایی

و مستندسازی عملکرد پدافند هوایی در زمان و مکان یاد شده است که این خود گامی ارزشمند در راستای موارد بالا به شمار می‌رود.

۳. اهمیت و ضرورت طرح مسئله و نگارش مقاله

الف) اهمیت:

ثبت و ضبط عملکرد پدافند هوایی بخش مهمی از مجموعه عملکرد نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال‌های دفاع مقدس به شمار می‌رود. از این رو، برای معرفی نقش و عملکرد تعیین‌کننده ارتش در دفاع مقدس، بیان دلاوری‌ها و رشادت‌های این نیرو گامی باارزش به حساب می‌آید. کما اینکه پس از خاتمه جنگ، سایر نیروهای مسلح شرکت‌کننده در جنگ نیز در این مورد اقدامات ارزشمندی به عمل آورده‌اند.

نگارش این مقاله پاسخگوی نیاز دائمی ارتش برای ثبت و بهره‌گیری از درس‌های دفاع مقدس برای نسل‌های آینده است و می‌تواند در راستای انتقال دانش پیشکسوتان به نسل جوان و اعمال مدیریت دانش تلقی شود.

ب) ضرورت

در شرایط کنونی که کوتاهی و یا هر علت دیگر در نپرداختن به این موضوع باعث از بین رفتن یک تاریخ و عملکرد چندین ساله (ابتکارات، رشادت‌ها، ایثارها و...) می‌شود، ضرورت این قضیه احساس می‌گردد. در حالی که همه سازمان‌های نظامی با بیان عملکرد خود در سال‌های دفاع مقدس اقدام به تبلیغ و نشر فعالیت‌های خود می‌کنند و این مسئله ضمن اینکه منجر به تحت تأثیر قرار دادن مخاطبین و افکار عمومی می‌شود، بر سازمان‌های نظامی هم‌راستا و موازی نیز تأثیرگذار است. در حال حاضر، بسیاری از ابتکارات، رشادت‌ها و جانفشانی‌های انجام‌شده توسط کارکنان پدافند هوایی ارتش نه تنها برای مردم جامعه که حتی برای بسیاری از نظامیان هم ناشناخته است و این مسئله به دلیل عدم ثبت و ضبط دقیق فعالیت‌های پدافند هوایی ارتش در سال‌های دفاع مقدس می‌باشد.

از سوی دیگر، نادیده گرفتن تجربیات کسب شده در آن سال‌ها، منجر به تکرار مشکلات خواهد شد، که این تکرار به قیمت از دست دادن سرمایه انسانی و مادی رقم خواهد خورد؛ لذا

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ... / ۱۰۱

ضرورت تداوم حفظ تجربیات بدست آمده از عملکرد پدافند هوایی در جنگ تحمیلی و افزایش بهره‌وری سازمانی محسوس است.

۴. هدف تحقیق

تبیین نقش پدافند هوایی ارتش در سال اول جنگ تحمیلی، به ویژه بر منطقه عملیاتی جنوب کشور، هدف تحقیق در این مقاله است.

۵. نوع و روش تحقیق

در این مقاله، محقق به دنبال بررسی عملکرد پدافند هوایی ارتش در سال اول دفاع مقدس و درس‌های گرفته شده از آن، جهت ارتقاء توان رزمی پدافند هوایی است. بنابراین، نوع تحقیق کاربردی توسعه‌ای است.

با توجه به اینکه عملکرد پدافند هوایی در دفاع مقدس در سال‌ها پیش انجام شد و رویدادی تاریخی محسوب می‌شود، لذا روش‌های اسنادی و مراجعه به اسناد و مدارک در این خصوص راه‌گشا خواهد بود.

اگرچه این تحقیق در شمار تحقیقات کیفی محسوب می‌شود، اما به دلیل تلاش محقق جهت افزایش دقت و صحت، علاوه بر بهره‌گیری از روش‌های کیفی ذکر شده، از برخی روش‌های مکمل نیز بهره گرفته خواهد شد. از جمله روش‌های بکارگرفته شده در انجام طرح تحقیقی، روش‌های میدانی است. روش‌های میدانی مشتمل بر انجام مصاحبه، روش‌های صوتی و تصویری و... است (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

در این میان، توجه به تاریخ شفاهی به عنوان مکمل اسناد مکتوب، میزان دقت و صحت مطالعه را به صورت ویژه‌ای بالا خواهد برد. جنگ‌ها و انقلاب‌ها معمولاً مجرای ظهور تاریخ شفاهی هستند (کمری، ۱۳۸۹: ۳۰).

۶. جامعه آماری و جامعه نمونه

الف) جامعه آماری

جامعه آماری کلیه اسناد و مدارک مرتبط با عملکرد پدافند هوایی ارتش در طول هشت سال دفاع مقدس و نیز نظریات کارکنان پایور رده‌های ستادی و عملیاتی در زمان دفاع مقدس است.

ب) نمونه آماری

نمونه منطبق بر جامعه مورد مطالعه است.

۷. روش و ابزار گردآوری داده‌ها

در استفاده از روش‌های اسنادی، مأخذیابی گام نخست محسوب می‌شود. پس از آن، فیش‌برداری و مأخذگذاری است (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۲۶۹).

استفاده از فرم‌های استاندارد فیش‌برداری که شامل عنوان منبع (یا سند)، موضوع منبع، صفحه منبع، نام نویسنده (یا صادرکننده سند)، تاریخ انتشار (یا تاریخ صدور سند) و... یا اطلاعاتی از این دست است، می‌تواند در رعایت انضباط نگارشی و تحقیق علمی و صحیح، کمک حال محقق باشد. یکی از مناسب‌ترین راه‌ها، بهره‌گیری از فیش و فیش‌برداری در تبدیل اسناد به متن است.

۸. مبانی نظری تحقیق

وضعیت پدافند هوایی در ابتدای جنگ

در سال اول جنگ، به‌رغم تمام مشکلات و موانع در آمادگی‌های نیروهای مسلح که اجزای آن تا پائین‌ترین رده با آن درگیر بودند، نیروی هوایی و پدافند هوایی در شرایط مطلوب‌تری نسبت به سایر نیروها قرار داشتند. به طوری‌که، نیروی هوایی اولین نیرویی بود که پاسخی دندان‌شکن به تجاوز ارتش عراق داد و عملیات کمان ۹۹ را اجرا کرد. پدافند هوایی نیروی هوایی نیز از این قاعده مستثنی نبود (جهانفر، ۱۳۹۱: صص ۹۰ و ۹۱).

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ... ۱۰۳/

هوایماهای نیروی هوایی با حمایت و پشتیبانی ایستگاه‌های راداری پدافند هوایی به پرواز درآمدند و افسران کنترل شکاری مستقر در ایستگاه‌های رادار کرج، تبریز، شیراز، دزفول، سوباشی و... با شرح وظایف مشخص^۱ اقدام به انجام وظیفه در خصوص عملیات کمان ۹۹ کردند. این نکته گفتنی است که در ساعت ۱۴۰۵ مورخه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، تمامی جنگ افزارهای پدافند هوایی در حالت آتش به اختیار قرار می‌گیرند (حجایی، جهان فر، ۱۳۹۱: ۱۸).

مقام معظم رهبری که در آن زمان نماینده حضرت امام(ره) در شورای عالی دفاع بودند، در ارائه گزارش خود به مجلس در اول مهر ۱۳۵۹، به توان بالای پدافند هوایی در جنگ، ساقط نمودن هوایمای میگ عراقی توسط پدافند هوایی و اسارت خلبان آن اشاره می‌کنند. سرلشکر عراقی (وفیق السامرای) از مسئولان استخبارات عراق در مورد حمله هوایی این کشور در ۵۹/۶/۳۱ می‌گوید: «با فرارسیدن شب، معلوم شد که نتیجه حمله هوایی ما کاملاً ناامیدکننده است. همه زیانی که به ایران وارد شده بود، انهدام یک هوایمای جنگنده و یک هوایمای مسافربری بود. درحالی که، ما یک فروند هوایمای بمبافکن سنگین ساخت شوروی (سابق) از نوع توپولوف ۱۶ را از دست دادیم. این هوایما با آتش موشک زمین به هوای راپیر در حوالی استان ایلام و در راه عزیمتش برای بمباران پایگاه هوایی اصفهان سرنگون شد و کلیه خدمه آن به هلاکت رسیدند. یک فروند دیگر از این نوع هوایما را در شمال عراق، به وسیله موشک راپیر ایرانی در سال ۱۹۷۴ از دست داده بودیم.» (السامرای، ۱۳۷۴: ۵۷).

در واکنش به این حرکت گستاخانه، در اول مهر ۱۳۵۹، نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران با به پرواز درآوردن ۲۰۰ فروند هوایمای جنگی و عبور دادن ۱۴۰ فروند از آنها برفراز عراق و حمله به همه پایگاه‌ها، فرودگاه‌ها و مراکز مهم چنان ضربه‌ای به نیروی هوایی این کشور وارد کرد که عراقی‌ها بعدها مجبور به تقویت نیروی هوایی خود با هوایماهای شرقی و غربی شدند. از سویی دیگر، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با استفاده از فانتوم‌ها (اف۴) و تایگرها (اف-۵)، در کنار هوانیروز، با حمله به تانک‌ها و یگان‌های زرهی عراقی تأثیر عمده‌ای

۱. وظایفی همچون هدایت هوایماهای تانکر سوخت‌رسان و...

در کند کردن سرعت پیشروی عراقی‌ها داشتند. برخی منابع از شکار صدها تانک و نفربر عراقی و کشته شدن هزاران سرباز دشمن در همان ۱۵ روز اول جنگ، بر اثر هزاران سورتی پرواز خلبانان ایرانی خبر می‌دهند. در کنار عملکرد مناسب نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران، پدافند هوایی نیز با خروج از شرایط اضطراری حاکم بر نیروهای نظامی در دو سال اول انقلاب، رفته رفته اقتدار خود را بازیافت. رادارهای مستقر در منطقه، اقدام به ثبت و رهگیری پروازهای عراقی در آن سوی مرزها کردند و به محض تغییر مسیر هواپیماهای فوق به سمت ایران، به آنها اخطار داده و هنگام وارد شدن به آسمان کشور، پدافند هوایی زمین‌پایه، به ویژه توپ‌های ضدهوایی به سمتشان تیراندازی کردند. به عنوان مثال، در ۲۵ خرداد ۱۳۵۹، یک فروند هواپیمای عراقی را بر فراز سایت نخجیر ایلام مورد هدف قرار داده و به سمت آن تیراندازی کردند (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

در هشتم شهریور ۱۳۵۹، ستاد مشترک ارتش طی دستوری به نیروی هوایی تذکر داد که در برابر پرواز هواپیماهای عراقی واکنش مناسب نشان دهد. ضمن اینکه در همان دستور به نیروی زمینی و همه عناصر رزمنده ابلاغ کرد در صورت تجاوز هواپیماهای عراقی به آسمان ایران، با هر جنگ‌افزاری که در اختیار دارند، هواپیماهای دشمن را مورد اصابت قرار دهند (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

این دستور را می‌توان گام نخست در ایجاد وحدت فرماندهی و مدیریت یکپارچه سامانه‌های پدافند هوایی نیروهای مختلف به حساب آورد، هرچند یکپارچگی دستورات صادره و هماهنگی اقدامات انجام‌شده در برابر هواگردهای دشمن توسط پدافند هوایی نیروهای مختلف نظامی تا سال‌ها دغدغه فرماندهان عالی رتبه جنگ بود.

۹. آشنایی با برخی از سامانه‌ها و تجهیزات دفاع هوایی جمهوری اسلامی ایران در

ابتدای جنگ تحمیلی

آشنایی با انواع سامانه‌های دفاع هوایی ایران در سال اول جنگ تحمیلی، به درک بهتر عملکرد این سازمان نظامی کمک خواهد کرد. لذا این بخش از مقاله به معرفی مختصر برخی از سامانه‌های پدافند هوایی جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است.

سامانه‌های رادارهای ایران در سال اول جنگ تحمیلی

برخی از سامانه‌های راداری ایران در سال اول جنگ با ذکر سال استقرار به شرح ذیل عبارتند از:

- الف) رادارهای تونیک (انگلیسی) مستقر در دوشان تپه و قلعه مرغی از سال ۱۳۳۷.
- ب) رادارهای هایدرا (انگلیسی) مستقر در تبریز، بابلسر، مشهد و شهرآباد از سال ۱۳۳۹.
- پ) رادارهای *FPS-100* (امریکایی) مستقر در همدان و دزفول از سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۶.
- ت) رادارهای *FPS-100* (امریکایی) مستقر در بندرعباس، بوشهر، جاسک و کیش از سال ۱۳۵۰.
- ث) رادار *AR-5* (انگلیسی) مستقر در تبریز از سال ۱۳۴۸.
- ج) هفت دستگاه *GPS-11* به صورت تاکتیکی.
- چ) رادارهای *GPS-11* (امریکایی) مستقر در آبدانان و بندر طاهری از سال ۱۳۵۳.
- ح) رادارهای *ADS-4* (امریکایی) مستقر در کرج و بندرعباس (گنو) از سال ۱۳۵۵.
- خ) رادارهای *GPS-11* (امریکایی) مستقر در جاسک و قلعه مرغی از سال ۱۳۵۰ (بعداً جمع‌آوری شد).

سامانه پدافند هوایی هواپایه

هواپیمای شکاری رهگیر اف-۱۴ (Tomcat)

اگرچه در کشور ما، هواپیمای اف-۱۴ در اختیار نیروی هوایی است، ولی اصلی‌ترین وظیفه این هواپیما انجام مأموریت‌های رهگیری می‌باشد. در واقع، اف-۱۴ هواپیمای جنگنده شکاری رهگیر و دارای خصوصیات منحصر بفرد جهت اعمال پدافند هواپایه در برابر نیروی هوایی دشمن است. عملکرد منحصر بفرد خلبانان تیزپرواز اف-۱۴ در جنگ تحمیلی و ساقط کردن ده‌ها فروند انواع هواپیمای دشمن شاهدهی بر این ادعا می‌باشد (جهانفر، کرمی، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

هواپیمای اف-۱۴ که از سال ۱۳۵۴ در نیروی هوایی ارتش به کار گرفته شد، دارای بال‌های متغیر^۱ می‌باشد و توانایی پرواز در شرایط مختلف جوّی و انجام سوخت‌گیری هوایی را دارد. از جمله خصوصیات جالب این هواپیما توانایی برخاستن و فرود روی عرشه ناوهای هواپیمابر می‌باشد. اف-۱۴ می‌تواند مأموریت‌های گشت هوایی، اسکورت^۲، شناسایی، کشف، رهگیری و انهدام را انجام دهد. این هواپیما دارای طول ۱۹/۱۰ متر، عرض ۱۹/۵۴ (در حالت بال باز)، ارتفاع ۴/۸۸ متر، حداکثر سرعت ۲/۳۴ ماخ، سقف پرواز ۵۰۰۰۰ پا و برد پروازی ۳۲۰۰ کیلومتر است. رادار کنترل آتش این هواپیما توانایی کشف ۲۴ هدف و هدفگیری حداکثر ۶ هدف را دارد.

تسلیحات مورد استفاده در اف-۱۴ عبارتند از:

- ۱- یک قبضه توپ ۲۰ میلی‌متری.
- ۲- موشک‌های هوا به هوا فونیکس (AIM-54A)، اسپارو (AIM-7)، سایدوایندر (AIM-9J&L)، امرام (AIM-120).

تجهیزات الکترونیکی بکاررفته در هواپیمای اف-۱۴ به شرح زیر عبارتند از:

- ۱- سامانه‌های راداری ناوبری، کنترل آتش و اعلام خطر.
- ۲- سامانه شناسایی دوست از دشمن.
- ۳- سامانه جنگ الکترونیک ECM & ECCM.
- ۴- سامانه شناسایی اهداف با استفاده از اشعه مادون قرمز.

معرفی یکی از سامانه‌های پدافند هوایی دریایا پابه

سامانه موشکی استاندارد Standard (برد متوسط)

سامانه پدافند هوایی موشکی استاندارد، که نوع دریایا پابه آن معمولاً در فریگیت‌ها و ناوها از آن استفاده می‌شود، دارای دو نوع برد متوسط و برد افزایش‌یافته می‌باشد. در نوع برد متوسط،

۱. این بال‌ها در سرعت زیاد به حالت جمع و در سرعت کم به حالت باز درمی‌آید.

۲. اسکورت (escort): هواپیمایی که مأموریت حفاظت از هواپیمای دیگر را بر عهده می‌گیرد.

۳. برد (range): فاصله افقی بین هر نقطه و یک هدف.

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ... /۱۰۷

از موتور دو تراستی سوخت جامد و در نوع برد افزایش یافته، از موتور دو تراستی سوخت جامد همراه با بوستر سوخت جامد استفاده می‌گردد. موشک فوق از هدایت آشیانه‌یاب نیمه‌فعال راداری استفاده می‌کند. سرچنگی موشک استاندارد متعارف و حاوی مواد منفجره شدید همراه با فیوز ضربتی یا مجاورتی می‌باشد.

انواع موشک‌های استاندارد و کدهای متفاوت آن عبارتند از:

✓ RIM- 66A- SM1: زمین به هوا، برد متوسط.

✓ RIM- 66B- SM1: مشابه "RIM- 66A" بوده و با موتور جدید، ساخت شرکت «هرکولس» (مدل MK-56,MODEO) جهت افزایش راندمان این مدل نیز برد متوسط می‌باشد.

✓ RIM- 66C-SM2: مشابه "RIM- 66B" بوده با سیستم آداب‌تور برای به‌کارگیری سیستم علیه موشک‌های کروز ضد کشتی.

✓ RGM-66 مشابه "RIM- 66B" می‌باشد. به صورت سطح به سطح و رادارزن و ضد تشعشعات راداری.

✓ RIM- 67B: مشابه "RIM- 67A" می‌باشد و از هدایت کامل راداری استفاده می‌کند.

در مدل‌های RIM-66B از رادار تعقیب SPG-55C باند H , G برای کنترل و ردیابی هدف، جهت درگیری در تمام مسیر و مدل RIM- 67B همین نیاز را در بخش نهایی مسیر دارد. مدل‌های مخصوص موشک‌های کروز ضد کشتی " AEGIS " دارای چهار وضعیت عملیاتی می‌باشند که مهم‌ترین آن کشف، ردیابی و درگیری با هدف به صورت خودکار بوده که از رادار "PHASE ARRAY" برای این کار استفاده می‌شود.

در مدل‌های غیر از مدل موشک‌های کروز ضدکشتی از رادار "SPS- 48S" که در باند F , کار می‌کند، استفاده می‌شود.

مقایسه دو موشک RIM-66B-SM1 و RIM-67B

RIM- 66B- SM1	RIM- 67B	مدل مشخصات
۴۴۷ سانتی متر	۷۹۸ سانتی متر	طول
۳۴/۴۳ سانتی متر	۳۴/۴۳ سانتی متر	قطر
-	۴۶ سانتی متر	قطر بوستر
۱۰۹/۷۳ سانتی متر	۱۵۸/۵ سانتی متر	پهنای بالک
۶۲۵ کیلوگرم	۱۴۴۲ کیلوگرم	جرم
۲ ماخ	۲/۵ ماخ	سرعت
۲۰۰۰۰ متر	۲۰۰۰۰ متر	ارتفاع
۳۴ کیلومتر	۱۲۵ کیلومتر	برد

برخی از سامانه‌های پدافند هوایی زمین پایه

هاوک Hawk (ارتفاع متوسط)

موشک مافوق صوت هاوک با وزن ۶۳۸/۷ کیلوگرم و سرعت ۲/۵ ماخ که تا برد ۴۰ کیلومتر از سایت قابل اصابت به هدف است، موشکی ضد موشک‌های بالستیک و هواپیما و... در ارتفاع متوسط و پست می‌باشد.

حداکثر ارتفاع اصابت برای موشک هاوک، ۴۸۰۰۰ پا (۱۶۰۰۰ متر) از سطح زمین و حداقل ۳۰ متر می‌باشد. پیشران موشک، سوخت جامد و سرچنگی آن به وزن ۳۰ کیلوگرم شامل مواد منفجره متلاشی شونده و فیوز مجاورتی یا ضربتی می‌باشد. موشک پس از انفجار به ۱۶۷۰۰ تکه تقسیم می‌شود. هدایت موشک به سمت هدف از نوع آشیانه‌یاب نیمه‌فعال بوده و از ناوبری تناسبی استفاده می‌کند. هر لانچر هاوک که خودکشی می‌باشد، سه فروند موشک را با خود حمل می‌کند.

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ... / ۱۰۹

آتشبار^۱ هاوک شامل ۶ الی ۹ لانچر^۲، رادار تجسسی^۳ ارتفاع متوسط IPAR، رادار تجسسی ارتفاع پست ICWAR، رادار تعقیب هدف IHIPR، رادار مسافت یاب و ضد پارازیت IROR، مرکز کنترل آتش IBCC، مرکز هماهنگی اطلاعات ICC، مرکز هماهنگی شناسایی IFF، مولدهای برق (حدود ۸ ژنراتور)، خودرو حمل و نقل موشک و موشک‌های اضافه است. رادار Icwarr رادار تجسسی ارتفاع پست است که بر اساس موج دائم و با تکنیک داپلر و در باند G قادر به تشخیص اجسام متحرک می‌باشد. برد مؤثر Icwarr ۵۵ کیلومتر و برد نهایی آن ۶۵ کیلومتر است.

رادار تجسسی ارتفاع متوسط IPAR جهت کشف هدف در هاوک به کار می‌رود و نقش رادار اصلی را در سامانه هاوک ایفا می‌کند. این رادار با تکنیک پالس و در باند D کاوش می‌کند. برد نهایی این رادار ۱۱۰ کیلومتر و دارای توانایی مقابله با ECM می‌باشد. رادار تعقیب هدف Hipower، که در موج مداوم و در باند G عمل می‌کند، به منظور تعقیب هدف و هدایت موشک و انهدام اهداف کشف شده توسط رادارهای IPAR و Icwarr می‌باشد. در سازمان هر آتشبار دو دستگاه Hipower پیش‌بینی شده است.

رادار مسافت‌یاب و ضد پارازیت IROR به منظور کمک به رفع پارازیت و محاسبه فاصله دقیق هدف برای رادار Hipower از رادار تکنیک پالس IROR، که در باند G عمل می‌کند، استفاده می‌شود. این رادار دارای برد ۸۰ کیلومتری می‌باشد. مرکز کنترل آتش BCC یا مرکز آتشبار شامل کنسول‌های مختلف جهت کنترل و صدور فرامین ناظر به قسمت‌های آتش است. موشک هاوک دارای طول ۵۰۳ سانتی‌متر، قطر ۳۶ سانتی‌متر، پهنای بال ۱۲۱ سانتی‌متر، وزن ۶۳۸/۷ کیلوگرم، سرعت ۲/۵ ماخ، ارتفاع ۳۰ تا ۱۶۰۰۰ متر و برد ۴۰ کیلومتر می‌باشد.

۱. آتشبار battery: کوچک‌ترین یگان تاکتیکی در رسته‌های زمین به هوا که دارای نفرات و تجهیزات برای هدایت آتش و برقراری مخابرات و اجرای حرکات می‌باشد و هم‌تراز آن در رسته‌های پیاده و زرهی، گروهان است.

۲. لانچر Launcher: سکوی پرتاب موشک

۳. تجسسی (detection): از مأموریت‌های اصلی پدافند هوایی است. این مأموریت توسط رادار و با پرواز هواپیماها انجام می‌شود.

سام ۷ (استرلا) - (گریل) SAM7-(GRAIL)

موشک‌های سام ۷، که در روسیه با نام (استرلا) شناخته شده و ناتو آن را گریل (GRAIL) می‌نامد، دارای طول ۱/۲۵ متر، قطر ۷ سانتی‌متر و برد ۳۵۰۰ متر می‌باشد و قابلیت عملیات در ارتفاع ۶۰ الی ۱۵۰۰ متر را دارد.

هدایت سام ۷ از نوع آشیانه‌یابی نیمه‌فعال بوده و مستقیماً به دنبال دود حاصله از آگزوز هواپیما رفته تا به هدف اصابت کند. سرجنگی سام ۷ حاوی مواد منفجره شدید (H.E) است.

راپیر (Rapier)

راپیر جهت مقابله با هواپیما و یا اهداف هوایی مافوق صوت، در ارتفاع کمتر از ۱۰ هزار متر طراحی و ساخته شده است. پیشران راپیر از دو موتور سوخت جامد بوده و سرجنگی آن نفوذی و دارای فیوز نفوذی crush و مواد انفجاری آن از نوع منفجره شدید است. تمام موشک‌های راپیر (اعم از راپیر ۲۰۰۰ و...) از هدایت نیمه خودکار دید مستقیم SAC-LOS^۱ استفاده می‌کنند.

طول این موشک ۲۲۴ سانتی‌متر، قطر ۱۳/۳ سانتی‌متر، وزن ۴۲/۶ کیلوگرم، سرعت ۲ ماخ^۲، ارتفاع مؤثر صفر تا ۳۰۴۸ متر و برد ۶ الی ۸ کیلومتر (در راپیر ۲۰۰۰ برد ۸ KM) است. یک سامانه عملیاتی راپیر می‌تواند شامل لانچر یا سکوی پرتاب، نشانه‌رو (تعقیب‌کننده)، سامانه انتخاب درگیری، سامانه مولد برق، تریلر حمل موشک و... باشد.

در رادار موشک راپیر، کشف هدف، شناسایی دوست از دشمن (IFF)، اعلان خطر به خلاصه قرار دادن سر تعقیب‌کننده در سمت هدف جلوگیری از پرتاب موشک در منطقه ممنوعه توسط دستگاه پرتاب‌کننده انجام می‌شود.

از سوی دیگر، محاسبات مربوط به درگیری کنترل و هدایت موشک تعیین اطلاعات مربوط به ارتفاع، تعقیب، تعیین موقعیت موشک نسبت به هدف، پایان دادن به درگیری و... توسط دستگاه تعقیب (TRACKER) انجام می‌شود. راپیر از سامانه کاوشی و ردیابی مادون

۱. SEMI AUTOMATIC COMMAND TOWING OF SITE

۲. ماخ (mach) واحدی معادل سرعت صوت یا ۴۳۳ متر در ثانیه. حرکت هواپیماها و یا راکت‌هایی که بیش از ۸۰۰ کیلومتر حرکت می‌کنند با ماخ سنجیده می‌شود (سرعت صوت بر حسب ارتفاع و درجه حرارت متفاوت است).

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ... / ۱۱۱

قرمز (IR) نیز استفاده می‌کند. رادار پرتاب کور (BLIND FIRE) که توسط شرکت هوافضای مارکونی طراحی و ابداع شده است، به این سامانه توانایی به‌کارگیری موشک در شب و بدون محدودیت جوی را می‌دهد.

روزشمار هفته اول دفاع مقدس از منظر پدافند هوایی در منطقه عملیاتی جنوب کشور

بررسی روزشمار عملکرد پدافند هوایی در هفته اول دفاع مقدس، به ویژه در منطقه عملیاتی جنوب، بیان‌کننده بخشی از تلاش‌های پدافند هوایی در تأمین امنیت ایران اسلامی در سال‌های دفاع مقدس است.

۵۹/۶/۳۱

۱- در ساعت ۱۴۰۵، تمامی جنگ‌افزارهای پدافند هوایی جنوب کشور، همچون سایر مناطق کشور، در حالت آتش به اختیار قرار می‌گیرند.

۲- هواپیماهای گشت نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نهایجا) در شهرهای جنوب کشور نظیر دزفول، بوشهر و... توسط سایت‌های راداری شهرهای پیش‌گفته و بهبهان، به صورت مداوم به سمت پروازهای کشف شده دشمن هدایت گردیده و جنگ و گریز آغاز می‌شود (جهانفر، کرمی، ۱۳۹۱: ۱۱۵ الی ۲۴).

۵۹/۷/۱

۱- به درخواست نهایجا و توسط گروه پدافند هوایی دزفول، تعداد چهار قبضه توپ ۲۳م در اطراف باند اضطراری پایگاه وحدتی دزفول گسترش داده می‌شود.

۲- هواپیماهای جنگنده پایگاه ششم شکاری نهایجا با هدایت ایستگاه‌های رادارهای زمینی پدافند به سمت عراق هدایت گردیده و موفق به انهدام تأسیسات پتروشیمی عراق در شهر فاو می‌گردند.

۵۹/۷/۲

۱- در ساعت ۰۶۲۰، دشمن اقدام به ایجاد پارازیت و اختلال الکترونیکی علیه ایستگاه رادار بوشهر می‌نماید.

- ۲- ایستگاه راداری دزفول احتمال قریب به یقین استراق سمع در سطح استان‌های مربوطه توسط نیروهای عراقی را به رده بالاتر خود گزارش می‌نماید.
- ۳- در ساعت تقریبی ۱۱۱۵، باند فرودگاه دزفول بمباران می‌شود و پرواز هواپیماها از این پایگاه متوقف می‌گردد.
- ۴- خارک توسط هواپیماهای رژیم بعث عراق بمباران می‌شود.
- ۵- فکه به دست نیروهای عراقی سقوط می‌کند و سایت رادار دزفول (سایت سوم تاکتیکی) در معرض سقوط قرار می‌گیرد. با توجه به تأیید لشکر ۹۲ زرهی، خوزستان در خصوص عقب‌نشینی نیروهای خودی از فکه و حضور دشمن در نزدیکی دهلران، در ساعت ۱۹۵۷، به سایت رادار دزفول دستور داده می‌شود که اسناد طبقه‌بندی شده را از سایت تخلیه نمایند.
- ۶- در همین زمان، سایت رادار دهلران پرواز نه فروند هواپیمای عراقی را بر فراز آبادان تأیید می‌نماید.
- ۷- در ساعت ۱۸۲۰، اولین هواپیمای گشت شکاری اف ۱۴ از طریق شکاری‌های عراقی مورد تهدید قرار می‌گیرد. با توجه به همکاری خوب رادار سایت دهلران با جنگنده خودی، یک فروند از هواپیماهای دشمن بر فراز اهواز مورد اصابت موشک هواپیمای ایرانی واقع می‌شود.
- ۸- در ساعت ۲۱۰۰، سایت پنجم هاوک دهلران به محاصره نیروهای عراق در می‌آید. در ساعت ۲۱۲۲، ستاد نهاجا دستور مقاومت تا آخرین قطره خون و حفاظت از دهلران (با لحاظ کردن این موضوع که ستاد پدافند هوایی و نیروهای تحت امر آن بخشی از نهاجا بوده است) را صادر می‌کند. مطابق ارزیابی‌ها، کارکنان پدافند هوایی ارتش با روحیه بالا و شهادت‌طلبانه آماده دفاع از ارزش‌ها هستند.
- ۹- در طول شب، فعالیت‌های مشکوک در خلیج فارس از طریق شبکه‌های راداری کشور کشف می‌گردد و به نظر می‌رسد که عراقی‌ها در حال شناسایی جزیره سیری و بررسی امکانات پدافند هوایی این جزیره برآمده‌اند. انجام اختلال

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ... /۱۱۳

الکترونیکی (جمر) توسط هواپیمای اف-۱۱ آمریکایی علیه ایستگاه‌های رادارهای پدافند هوایی بر این احتمال دامن می‌زند.

۵۹/۷/۳

۱- نبرد هوایی همچنان ادامه دارد و سامانه‌های پدافند هوایی و هواپیماهای شکاری نه‌اجا بی‌وقفه در حال نبرد با تهاجمات گسترده هواپیماهای دشمن هستند. با توجه به مأموریت‌های برون‌مرزی و پشتیبانی مرزی جنگنده‌های نه‌اجا، کویت اعلام می‌کند که هواپیماهای ایرانی در صورت تجاوز به کویت با پدافند زمین به هوای این کشور روبرو خواهند شد (این در حالیست که مطابق اسناد معتبر موجود، هواپیماهای عراقی از آسمان کشورهای عربی منطقه، از جمله کویت، جهت حمله به ایران استفاده می‌کنند).

۲- سایت رادار دهلران با وجود واکنش بموقع جنگ‌افزارهای پدافند هوایی توسط سه فروند جنگنده عراق بمباران می‌شود، که تعدادی از کارکنان پدافند با ریزش سقف، در داخل اتاق عملیات محبوس می‌شوند. در این بمباران، سایت غیرعملیاتی می‌شود. در ساعت ۱۶۳۵، کارکنان توسط بقیه کارکنان سایت نجات داده می‌شوند و با تلاش کارکنان نگهداری سامانه، بخش اعظمی از سایت مجدداً عملیاتی می‌گردد.

۳- طی این روز، سایت راداری بوشهر مورد حمله قرار می‌گیرد، ولی دو فروند هواپیمای عراق نیز مورد اصابت قرار گرفته و منهدم می‌شوند.

۴- ساعت ۱۹۵۵ در فرودگاه مهرآباد وضعیت قرمز اعلام می‌شود و جزیره خارک بلافاصله مورد حمله مجدد قرار می‌گیرد.

۵۹/۷/۴

۱- بر اساس ابلاغیه ستاد پدافند هوایی، تعداد هشت قبضه توپ ۲۳م در اطراف سایت رادار دزفول گسترش داده می‌شود و ستاد (پدافند هوایی) نه‌اجا مجدداً دستور ایستادگی و مقاومت تا آخرین لحظه و آخرین قطره خون را به تمامی نیروهای تحت امر خود ابلاغ می‌کند (کارکنان پدافند هوایی هوشیارانه

پروازهای انجام شده در منطقه را رصد کرده و با جان فشانی و ایثارگری انجام وظیفه می کنند).

۲- در صبح همین روز، حلقه محاصره بر سایت های رادار دزفول و آبادان تنگ تر می شود و حمله به آبادان شدت بیشتری می گیرد.

۳- بر اساس گزارش های ارسالی از مبادی پدافندی به ستادهای بالاتر، تعدادی از کارکنان پدافند بر اثر بمباران دشمن مجروح و به مراکز درمانی منتقل شده اند.

۴- فرمان کنترل آتش تمامی یگان های پدافندی به استثنای سایت های هاوک تهران و دزفول آتش به اختیار اعلام می گردد و بر آمادگی بیشتر جهت مقابله با تهاجمات هوایی دشمن مجدداً تأکید می شود. در ساعت ۱۹۳۰، چهار فروند هواپیمای عراقی به باند آبادان حمله می کنند و علاوه بر جنگ افزارهای پدافند هوایی ارتفاع کم، ناوهای نداجا (نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) نیز به پدافند هوایی علیه تجاوزات اقدام می نمایند. در این روز، یک فروند هواپیمای عراق در شمال اصفهان مورد اصابت قرار گرفته و ساقط می شود.

۵۹/۷/۵

۱- اطلاعات واصله حاکی از آن است که ۱۲ فروند از جنگنده های میگ عراق به فرودگاه ابوظبی منتقل گردیده اند و احتمال حمله به پایگاه ها و تأسیسات کشور واقع در جنوب قوت بیشتری می گیرد.

۲- تعداد دو رسد کامل سامانه پدافند هوایی اورلیکن (مشمول بر رادار و توپ های ۳۵ م) جهت مقابله مؤثرتر با تهاجمات هوایی دشمن در سایت رادار دزفول گسترش داده شده و عملیاتی می شود.

۳- هواپیماهای دشمن در منطقه اهواز روز فعال و شلوغی را شروع نموده و به صورت گسترده ای در حال پرواز هستند. پایگاه چنگوله به شدت تحت فشار قرار گرفته است و به نظر می رسد دشمن درصدد اشغال چاه نفت چنگوله است.

- ۱- تعداد چهار فروند هواپیمای عراقی اقدام به بمباران سایت رادار دزفول می‌نمایند که بر اثر تیراندازی جنگ‌افزارهای زمین به هوای مستقر در سایت، آسیب جدی به آن وارد نمی‌شود.
- ۲- در همین روز، یکی از دو اتوبوس حامل کارکنان پدافندی به سایت رادار دزفول در حین عبور از سهراهی دهلران، با نیروهای عراقی مواجه شده و به پایگاه چهارم مراجعه می‌نماید و اتوبوس دیگر (اتوبوس اول) به سایت می‌رسد. با اعلام خبر قطع جاده مواصلاتی دهلران، کارکنان سایت رادار را تخلیه کرده و با شنا از رودخانه کرخه عبور می‌نمایند و سپس توسط بالگردهای پایگاه چهارم هوایی و سایر وسایل نقلیه از منطقه نجات داده می‌شوند.
- ۳- در این روز، تعداد ۱۰ الی ۱۲ فروند از هواپیماهای عراقی در کانالی بین گچساران و پازنان به دو دسته پنج الی شش تایی تقسیم گردیده و به خارک و بوشهر حمله می‌نمایند. بر اثر پدافند هوایی مؤثر سامانه‌های پدافندی و پوشش هوایی مطلوب شکاری‌های نهجا، خسارت عمده‌ای به تأسیسات وارد نشده و یک فروند از هواپیماهای عراقی با شلیک موشک شکاری جنگنده اف ۱۴ نهجا منهدم می‌گردد.
- ۴- در حمله دیگری به تهران، سایت‌های هاوک اقدام به شلیک موشک علیه هواپیماهای عراقی می‌نمایند و در نتیجه، هواپیماهای دشمن متواری می‌شوند.
- ۵- اطلاعات واصله حاکی است که عراقی‌ها اقدام به ایجاد جمینگ بر روی شبکه راداری پدافند هوایی و رادارهای اف - ۱۴ نهجا کرده‌اند و در نقاط متعددی از کشور، عوامل نفوذی دشمن و ضدانقلاب به منظور هدایت هواپیماهای دشمن، اقدام به سوزاندن اشیاء و یا نصب چراغ‌های چشمک‌زن کرده‌اند. متعاقب دریافت این خبر، اقدامات ویژه‌ای از سوی نهجا و ستاد پدافند هوایی جهت شناسایی هواپیماهای خودی و کشف پرنده‌های مهاجم دشمن به اجرا گذاشته می‌شود.

۱۰. جلوه دیگری از عملکرد پدافند هوایی در منطقه عملیاتی جنوب؛ حمایت از گردان ۲۸۳ در هفته اول جنگ تحمیلی

یکی دیگر از موارد عملکردی پدافند هوایی در منطقه عملیاتی جنوب و در سال اول جنگ ایجاد چتر حمایتی و پوشش پدافندی برای گردان ۲۸۳ سوارزره‌ی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز می‌باشد. عملکردی که نقش بسزایی در کسب موفقیت گردان ۲۸۳ و همچنین خلبانان ایرانی در حال پرواز بر فراز منطقه درگیری داشت. گردان ۲۸۳ در آغاز تجاوز عراق، مأموریت اجرای عملیات تأخیری را در برابر نیروهای مهاجم و متجاوز عراقی بر عهده داشت و انصافاً برابر اسناد و شواهد موجود، این وظیفه را به نحو احسن به انجام رساند. بازگویی این عملکرد نمونه کوچکی از اهمیت نقش پدافند هوایی در ممانعت از پیشروی نیروهای عراقی در ماه‌های اول جنگ تحمیلی است.

با در نظر گرفتن محدوده جغرافیایی درگیری گردان ۲۸۳ (محدوده جسر نادری)، در هفته اول جنگ تحمیلی، سایت‌های راداری آبدانان، بهبهان و دهلران در حال انجام مأموریت تجسس، کشف و شناسایی انواع هواگرد پروازی بر فراز آسمان منطقه درگیری گردان ۲۸۳ بودند. برد راداری این سایت‌ها تا کیلومترها داخل خاک عراق بود، لذا به راحتی پرواز هر نوع هواپیما و یا بالگرد عراقی به سمت منطقه درگیری گردان ۲۸۳ را مشاهده کرده و با توجه به وجود سایت‌های هاوک شماره ۲ (مستقر در جاده بن جعفر در جنوب دزفول) و شماره ۳ (مستقر در نزدیکی سد علی‌کله در شمال دزفول)، پدافند هوایی ارتفاع متوسط در برابر هواپیماهای عراق آنچنان به خوبی اعمال شد که رزمندگان گردان ۲۸۳ با حداقل آسیب در برابر هواپیماهای عراقی روبرو شدند. از سوی دیگر، همان‌گونه که ذکر شد، یکی از مأموریت‌های در نظر گرفته شده برای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در روزهای اول جنگ، مقابله با پیشروی تانک‌ها و تجهیزات زرهی ارتش عراق بود. هواپیماهای نیروی هوایی تحت کنترل رادارهای آبدانان، بهبهان و دزفول و هدایت افسران کنترل شکاری مستقر در سایت‌های فوق با حداقل مخاطره اقدام به پرواز بر فراز آسمان منطقه درگیری کرده و موفق به بمباران مواضع نیروهای عراقی شدند. این مسئله منجر به بروز ضعف مفرط در نیروهای عراقی و افزایش توان روحی رزمندگان گردان ۲۸۳ شد. ضمن اینکه

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ... / ۱۱۷

حضور افسر رابط هوایی در کنار رزمندگان گردان ۲۸۳ خود شاهدهی بر این مدعاست که پدافند هوایی و نیروی هوایی حتی در درگیری‌های مستقیم نیز همراه گردان ۲۸۳ و در منطقه عملیاتی جنوب بودند. چینش سامانه‌های ضد هوایی ۲۳ میلی‌متری و همچنین اورلیکن نیز سبب شد که هواپیماهای عراقی نتوانند به راحتی از ارتفاع پست پرواز کرده و مزاحمتی برای نیروهای سطحی ایرانی به وجود آورند.

۱۱. بعد دیگری از ابعاد وظایف هدایت هواپیماهای طرح پدافندی علیه هواگردهای متجاوز توسط افسران کنترل شکاری

بر اساس شرح وظایف پدافند هوایی، هدایت هواپیماهای طرح پدافندی نیروی هوایی (نظیر اف ۱۴ و...) از لحظه برخاستن از روی باند تا رؤیت هدف توسط خلبان بر عهده افسر کنترل شکاری مستقر در ایستگاه راداری پدافند هوایی است. در ماه‌های اول جنگ که هجوم بی‌امان هواگردهای عراقی به اقصی نقاط میهن اسلامی، منجر به افزایش به پرواز درآوردن هواپیماهای طرح پدافندی در غالب اسکرامبل و گشت مسلح هوایی (CAP) شده بود، فشار مضاعفی بر پدافند هوایی وارد شد. هماهنگی بین خلبانان نیروی هوایی و افسران کنترل شکاری پدافند هوایی همواره ضامن کسب موفقیت در مأموریت‌ها بود.

۱۲. یاران پدافندی مقام معظم رهبری در سوسنگرد

مقام معظم رهبری در اولین ماه‌های شروع جنگ، طی تماس تلفنی با شهید سرلشکر فکوری (فرمانده وقت نیروی هوایی ارتش) نفرات مشروحه ذیل را به صورت مشخص و به نام فراخوان می‌کنند (خبیر، ۱۳۹۳: ۲۵، ۳۹):

- ۱- ستوان یکم حجت‌الله هاشمی
- ۲- ستوان یکم عبدالله عیسی‌پور
- ۳- ستوان یکم فرهنگ معمار نهبانندی
- ۴- ستوان دوم حسن اخوان
- ۵- ستوان دوم احمد فرخزاد

- ۶- ستوان دوم غلامعلی فرجی
- ۷- همافر دوم خلیل صراف
- ۸- استوار دوم نعمت‌الله محمدآبادی
- ۹- گروه‌بان یکم صفر ترکمن
- ۱۰- گروه‌بان یکم محمدرضا کول‌زاده

بیشتر این نفرات دارای تخصص پدافندی (نظیر ستوان فرهنگ نهاوندی و ستوان عبدالله عیسی‌پور و...) و یا جمعی گروه‌های پدافندی (نظیر گروه پدافند هوایی مشهد) بودند. برخی از این نفرات در سوسنگرد حضور یافته و در تماس مستقیم با مقام معظم رهبری بودند. شهید عبدالله عیسی‌پور که افسر کنترل شکاری بود، در سوسنگرد به شهادت رسید و مقام معظم رهبری در مصاحبه خود به شهادت وی اشاره فرمودند (یالثارات، ۱۳۸۷، ۱۱).

۱۳. بازخوانی استقامت و ایستادگی پدافند هوایی زمین به هوا در عملیات‌های سال

اول در منطقه جنوب و غرب

پدافند هوایی در سال اول جنگ تحمیلی، علاوه بر دفاع از فضای کل کشور و نقاط حساس و حیاتی در عملیات‌های آفندی آزادسازی سوسنگرد (۲۶ آبان ۱۳۵۹)، عملیات آفندی تنگه حاجیان (۱۴ دی ۱۳۵۹)، عملیات آفندی نصر (۱۵ دی ۱۳۵۹)، عملیات آفندی خوارزم (ضربت ذوالفقار) (۱۹ دی ۱۳۵۹) و... حضور فعال داشته و ده‌ها فروند هواگرد دشمن (اعم از هواپیما و بالگرد) را مورد اصابت قرار داده و منهدم ساخت. عملکرد کارکنان پدافند هوایی زمین به هوا در کسب چنین نتایجی انکارناپذیر است.

۱۴. نقش پدافند هوایی در عملیات‌های تثبیت متجاوز در منطقه عملیاتی جنوب و

غرب (سال اول جنگ تحمیلی)

آزادسازی سوسنگرد

در روزهای منتهی به عملیات آزادسازی سوسنگرد، هم‌زمان با برپایی عملیات و پس از آزادسازی این شهر، تعداد زیادی پرواز هواپیماهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

در منطقه درگیری و مناطق نزدیک به آن به ثبت رسیده است. هدایت کلیه پروازهای طرح پدافندی انجام شده توسط هواپیماهای جنگنده از لحظه برخاستن از روی باند پرواز تا لحظه مشاهده هواگرد دشمن توسط خلبان خودی، هدایت هواپیماهای سوخت‌رسان جهت سوخت‌گیری هوایی و... توسط افسر کنترل شکاری مستقر در ایستگاه رادار انجام می‌شود. در همین روزها، دسک‌های تاکتیکی هوایی در مناطق مختلف کشور نظیر کرخه، اهواز، ماهشهر، کرمانشاه، ارومیه و... تشکیل شد. مقرر شد که دسک ارومیه با رادار گروه پدافند هوایی تبریز، دسک باختران با رادار گروه پدافند هوایی همدان، دسک لشکر ۱۶ زرهی قزوین با رادار گروه پدافند هوایی دزفول، دسک ماهشهر با رادار بهبهان و... هماهنگ باشند.

ایستگاه‌های راداری دزفول و بهبهان با ارائه اطلاعات صحیح (نظیر سمت، برد، ارتفاع و سرعت هواگرد متجاوز عراقی) و کنترل فضای نبرد، به عنوان بخشی از شبکه فرماندهی و کنترل به انجام وظیفه مشغول بودند. گروه پدافند هوایی دزفول نیز به خوبی از عهده وظایف محوله برآمد. این گروه پدافندی به سایت‌های هاوک ۱ (مستقر در سه‌راهی دهلران) و هاوک ۲ (مستقر در جاده بن‌جعفر)، مأموریت آمادگی کامل و مراقبت از فضای نبرد را ابلاغ کرد تا مانع از حملات احتمالی نیروی هوایی عراق از مسیرهای فرعی و غافلگیری احتمالی نیروهای سطحی خودی شود. ضمن اینکه سایت هاوک ۳ (سد علی‌کله) نیز مأموریت پشتیبانی از دو سایت هاوک فوق را بر عهده داشت.

البته پیش از این و در روزهای اول جنگ نیز تعدادی از هواپیماهای متجاوز عراقی توسط پدافند هوایی در اطراف سوسنگرد ساقط شدند. برابر اسناد موجود: «مورخه ۲۱ مهر ۱۳۵۹، محورهای بستان و سوسنگرد و شلمچه زیر قدم‌های متجاوزین بعثی قرار دارد، تعداد دو فروند از هواپیماهای دشمن مورد هدف LLAD [پدافند هوایی زمین به هوا ارتفاع پست] و شکاری‌های خودی قرار گرفته است...».

اگرچه آمارها از هدف قرار دادن یک فروند هواپیما و یک فروند بالگرد عراقی در جریان آزادسازی سوسنگرد خبر می‌دهند، اما سایر اجزای وظیفه‌ای پدافند هوایی منجر به تحت

اختیار گرفتن آسمان سوسنگرد و مناطق اطراف برای انجام امن تر عملیات نیروهای سطحی ایرانی حکایت دارد. آسمان امن سوسنگرد زمینه ساز موفقیت نیروهای سطحی شد.

عملیات آفندی تنگ حاجیان

این عملیات در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۵۹ آغاز شد و تا ۲۵ دی، به مدت ۱۱ روز توسط تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی، یک گردان از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و با هدایت قرارگاه مقدم نزاجا و پشتیبانی پدافند هوایی، نیروی هوایی و هوانیروز ادامه یافت. در این عملیات، یک فروند بالگرد عراقی ساقط شد.

عملیات آفندی خوارزم (آزادسازی میمک)

این عملیات، که ضربت ذوالفقار نیز نامیده شد، در ۱۹ دی ۱۳۵۹ و با رمز یاالله انجام شد و دو فروند هواپیما و سه فروند بالگرد ارتش عراق بر اثر آتش پدافند هوایی ارتش سرنگون شدند.

عملیات بازی دراز

در این عملیات، هفت فروند هواپیما و پنج فروند بالگرد دشمن توسط آتش ضدهوایی نیروهای پدافند هوایی ارتش ایران سرنگون شد (گروه مؤلفین دافوس، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

۱۵. نتیجه گیری

سامانه های پدافند هوایی در سال اول دفاع مقدس با کارایی بالای خود، نقش مهمی در کسب پیروزی نیروهای سطحی و عملیات های سطحی داشتند. این سامانه ها نه تنها در پشتیبانی نیروهای سطحی، بلکه دفاع از شهرها و در مقابله با جنگ شهرها عملکرد مناسبی داشتند. سامانه های پدافند هوایی راداری، توپخانه ای و موشکی به وظایف خود در سال اول جنگ به خوبی عمل کردند و به یکی از عوامل اصلی موفقیت سایر نیروهای نظامی (اعم از نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و...) تبدیل شدند. در واقع، حضور پدافند هوایی ارتش در عملیات های مختلف سال اول جنگ تحمیلی و ایجاد پوشش امن در آسمان منطقه نبرد، منجر به ارتقای توان عملیاتی نیروهای مختلف نظامی (زمینی، هوایی و دریایی) و حتی نیروهای داوطلب مردمی شد.

بررسی نقش پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ... ۱۳۱/

از سویی دیگر، پراکندگی و گستردگی یگان‌های پدافند هوایی ارتش و حجم مأموریت‌های انجام‌شده توسط این سازمان نظامی در منطقه عملیاتی جنوب، نشان‌دهنده اهمیت منطقه عملیاتی جنوب برای ارتش است. موفقیت‌های پدافند هوایی ارتش در منطقه عملیاتی جنوب نشان‌دهنده هوشیاری و اقدام بموقع پدافند هوایی در سال اول جنگ، به ویژه در این منطقه است. از همراهی با مقام معظم رهبری در سوسنگرد تا ساقط کردن ده‌ها هواگرد دشمن در عملیات‌های سطحی و یا دفاع در برابر حملات هوایی دشمن به شهرها و... حوزه وسیع عملکرد پدافند هوایی در سال اول جنگ را مشخص می‌کند. موفقیت در همه جنبه‌های این حوزه وسیع، نیازمند مدیریتی منسجم و دارای وحدت فرماندهی بر شبکه فرماندهی و کنترل پدافند هوایی ارتش است. البته باید در نظر داشت که در سال اول جنگ، به رغم تمام مشکلات مبتلا به نیروهای نظامی ایران، نیروی هوایی و پدافند هوایی با سرعت بیشتری به بازیابی خود پرداختند و همین مسئله تأثیرگذار در ناکامی نیروی هوایی و حتی نیروهای سطحی عراق در دستیابی به برنامه‌های از پیش تعیین شده بود.

۱۶. منابع

۱. السامرای، و فقیق (۱۳۷۴)؛ *ویرانه دروازه شرقی*، تهران، مرکز فرهنگی سپاه، چاپ اول.
۲. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۸)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، (جلد اول)، تهران، نشر سمت، چاپ پانزدهم.
۳. جهانفر، رضا، کرمی، ف (۱۳۹۱)؛ *اولویت اول*، تهران، نشر آجا، چاپ اول.
۴. جهانفر، رضا (۱۳۹۳)؛ *مقاله « بررسی عملکرد پدافند هوایی در عملیات آزاد سازی سوسنگرد»*، ارائه شده به دومین همایش علمی پژوهشی سوسنگرد، دافوس آجا.
۵. حجامی، محمود، جهانفر، رضا (۱۳۹۱)؛ *قدر تشنگی* (بررسی موردی عملکرد پدافند هوایی در سال‌های دفاع مقدس)، تهران، نشر روناس، چاپ اول.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۸)؛ *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران، نشر سمت، چاپ شانزدهم.
۷. حسینی، یعقوب (۱۳۸۷)؛ *تاریخ نظامی جنگ تحمیلی*، تهران، جلد دوم، نشر آجا، چاپ اول.
۸. *فصلنامه حفاظتی خبیر* (۱۳۹۳)، سال یازدهم، شماره ۳۹.

۹. کمری، علیرضا (۱۳۸۹)؛ سخنرانی با عنوان «نکاتی چند درباره تاریخ شفاهی دفاع مقدس» منتشر شده در کتاب پژوهش دفاع مقدس (مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات اول تا پنجم پژوهش و دفاع مقدس)، ص ۳۰
۱۰. گروه مولفین دافوس (۱۳۹۱)؛ *ارتش در گذر تاریخ*، تهران، نشر دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، چاپ اول.
۱۱. *حماسه سوسنگرد* (بیانات مقام معظم رهبری از آزادسازی سوسنگرد در برنامه تلویزیونی خاطرات جبهه در سوم مهرماه ۶۳)، منتشر شده در یالثارات، چهارشنبه اول آبان ۱۳۸۷، شماره ۴۹۶.

نقش هوانیروز در سال اول جنگ تحمیلی با تأکید بر کمک به تثبیت متجاوز از طریق انهدام نیروی دشمن

حمید حسن پور^۱، محمدرضا شیخ^۲

چکیده

هوانیروز اصطلاحی است که در ارتش به «هواپیمایی نیروی زمینی» گفته می‌شود. هواگردهای این سازمان عمدتاً بالگرد و تعداد محدودی هواپیمای بال ثابت هستند. یگان‌های تک‌ور هوانیروز که مجهز به بالگردهای کبرا می‌باشند، بخشی از آتش پشتیبانی یگان‌های زمینی را در عملیات‌های مختلف، اعم از آفندی و پدافندی، فراهم می‌نمایند. پس از اینکه صدام حسین در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱، جنگ تجاوزکارانه و تمام‌عیار خود را در مرزهای ایران آغاز نمود، هوانیروز یکی از کارآمدترین و مؤثرترین یگان‌های تخصصی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که با تحرک و واکنش سریع، بلادرنگ بالگردهای خود را در انواع مختلف کبرا، شنوک، جت رنجر و... به مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور اعزام نمود و از مورخه ۱۳۵۹/۶/۳۱، با دشمن بعثی وارد نبرد گردید و به عنوان یکی از عناصر رزمی بسیار تأثیرگذار در مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور ایفای نقش نمود و کارنامه درخشانی از خود به یادگار گذاشت.

موضوع تحقیق حاضر به نقش هوانیروز در سال اول جنگ تحمیلی در منطقه عملیاتی جنوب کشور تأکید می‌کند. این یگان تیزپرواز از همان ابتدای جنگ به صورت گسترده در پشتیبانی از یگان‌های زمینی، وارد عمل شد و با داشتن تحرک صددرد، توانست علاوه بر کند کردن پیشروی دشمن و تثبیت آنها در مواضع دفاعی نامناسب، نقش انکارناپذیری در انهدام نیروهای دشمن ایفا نماید. بر این اساس، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که نقش هوانیروز در سال اول جنگ تحمیلی منطقه عملیاتی جنوب کشور چگونه بوده است؟ هدف از این تحقیق تبیین نقش هوانیروز در سال اول جنگ تحمیلی در منطقه جنوب کشور می‌باشد.

۱. سرهنگ حمید حسن پور، کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی دافوس آجا.

۲. سرهنگ محمدرضا شیخ، استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا.

روش تحقیق توصیفی (موردی) بوده و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک، خاطرات رزمندگان و کتابخانه تخصصی اطلاعات لازم جمع‌آوری شده است.

واژگان کلیدی: جنگ تحمیلی، نیروی زمینی، هوانیروز، منطقه جنوب

۱. مقدمه

بالگرد، این پرنده آهنین همه فن حریف، به دنبال طرح لئوناردو داوینچی اختراع گردید. در دوره پس از جنگ جهانی دوم، نیروهای مسلح چندین کشور شروع به استفاده از بالگرد کردند. به رغم عملکرد محدود، به زودی آشکار شد که بالگردها وسیله خوبی برای پشتیبانی از ارتش‌ها هستند. این امر باعث شکل‌گیری واحدهای هوانیروز در بسیاری از کشورها شد. فرانسه به وسیله بالگرد، از نیروهای زمینی خود در جنگ‌های هندوچین و الجزایر پشتیبانی کرد. ایالات متحده برای نخستین بار از بالگردها در جنگ کره استفاده کرد. کاربرد گسترده واحدهای هوانیروز در جنگ ویتنام در دستور کار قرار گرفت. با استقرار لشکر اول سواره نظام، برای نخستین بار یک واحد متحرک هوایی عمده در جنگ به کار گرفته شد. استفاده وسیع از بالگردها برای حمل و نقل، لجستیک، شناسایی، کنترل آتش، فرماندهی، نجات، ایستگاه‌های تجدیدکننده و خدمات پیام‌رسانی آسیب‌پذیری آنها را در برابر دفاع ضدهوایی مستقر در روی زمین و آتش پیاده نظام بیشتر ساخت (ایزدی، ۱۳۸۰: ۲۵). در تمامی طول جنگ‌های امریکا، بالگردها دوی درد سربازان و دست دراز فرماندهان در میادین رزم بوده‌اند، این سنجاقک فلزی نفرات را با سلاح‌های آنها و آذوقه و مهمات مورد نیاز به راحتی در دورترین نقاط صعب‌العبور و دور از چشم طرف مقابل و با سرعت وصف‌ناپذیر حمل می‌نماید و حتی گاهی در نبود جت‌های جنگی کار آنها را هم انجام می‌دهد و همانند فرشته رحمت با حمل پزشک و دارو و حمل مجروح، به کمک مجروحان جنگ می‌پردازند (عرفانی موحدی، ۱۳۹۰: ۲). هوانیروز یکی از یگان‌های نیروی زمینی ارتش است که به دلیل در اختیار داشتن بالگردهای متنوع از ساختار ویژه‌ای برخوردار است. این ویژگی‌ها قابلیت‌های مهمی را از نظر توانمندی در تحرک سریع، سرعت عمل در جابجایی نیروها، حمل مهمات، تدارکات و قدرت آتش در جنگ تحمیلی و... به منصفه ظهور رسانیده و سبب شده است تا فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران از این نیروی جوان

به عنوان یکی از یگان‌های مؤثر پشتیبانی‌کننده در همه عملیات‌ها به طور گسترده استفاده کردند. حضور پرفروغ هوانیروز در وقایع پاره و کردستان، نقش بی‌بدیلش در مقابله با تجاوز ارتش بعث به خوزستان و حماسه آفرینیش در فتوحات دفاع مقدس همواره مورد تحسین و تمجید قرار گرفته است (باباجانی، ۱۳۹۳: ۴۴).

با آغاز تهاجم سراسری نیروهای مسلح عراق، هوانیروز یکی از کارآمدترین یگان‌های نزاچا بود که بالگردهای خود را در انواع مختلف کبرا، شنوک و... به مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور اعزام کرد و از روز ۱۳۵۹/۶/۳۱، با توجه به شرایط نیروهای خودی و پیشروی ارتش بعثی عراق، از همان ابتدا به صورت گسترده در پشتیبانی از یگان‌های زمینی وارد عمل شد. این نیرو با توجه به تحرک بالا و صددرصدی و نیز با رشادت و دلاوری خلبانان و کارکنان فنی خود، ضمن کمک به کند کردن پیشروی دشمن و تثبیت آنها در مواضع دفاعی نامناسب، نقش انکارناپذیری در انهدام نیروهای دشمن ایفا نموده و کارشناسان غرب و شرق را در بهت و حیرت فرو برد. این یگان تیزپرواز در طی هشت سال دفاع مقدس در ۱۶۰ عملیات بزرگ و کوچک و عملیات اسکورت کاروان کشتی‌های تجاری، حضوری فعال و پررنگ داشت و صدها تک مستقیم علیه دشمن به انجام رسانید و کمتر عملیاتی بود که بدون حضور بالگردهای هوانیروز انجام شود، زیرا ابزاری کارا و مطمئن در دست فرماندهی عملیات بود. بالگردهای ترابری این یگان در تمامی شرایط آفندی و پدافندی در جابجایی فرماندهان، حمل تدارکات و نیرو در دشت‌های وسیع خوزستان نقشی ماندگار ایفا نمودند. بالگردهای کبرای هوانیروز با موشک‌های ضدتانک تاو و راکت‌های ۷۰ میلی‌متری خود، جهنمی از آتش را برای واحدهای زرهی عراق ایجاد کردند. در روزهای اول جنگ، هوانیروز توانست با حضور به‌موقع و سریع در مناطق جنگی و تمام محورهای جنوب و غرب، پروازهای عملیاتی را شروع نماید و سد مستحکمی در مقابل نیروهای عراقی به وجود آورد و خلبانان بالگردهای کبرا به عنوان یک نیروی خط مقدم همراه با یگان‌هایی از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در متوقف نمودن دشمن و وادار کردن آنها به ایجاد خاکریز و فرورفتن در زمین نقش بسزائی را ایفا نمایند، که در این راه تعداد زیادی از خلبانان هم در همان اوایل جنگ به شهادت رسیدند.

هوانیروز در هفته اول جنگ، ۶۰ فروند بالگرد «کبرا»، شش فروند بالگرد «شنوک» و تعدادی بالگرد «۲۱۴» و «۲۰۵» در منطقه جنوب مستقر کرد. لذا جهت متوقف کردن و جلوگیری از پیشروی یگان‌های دشمن تلاش مجددانه‌ای با مشارکت نیروی زمینی ارتش، ژاندارمری، شهربانی، سپاه پاسداران و با حضور مؤثر و کارساز بالگردهای هوانیروز و نیروی هوایی شکل گرفت. در شکل‌گیری این مرحله از نبرد، یکی از نیروهای کارآمد که با وسایل و تجهیزات مناسب و با بهره‌گیری از زبده‌ترین و شجاع‌ترین خلبانان نقش تعیین‌کننده و مؤثر ایفا نمود، هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. بالگردهای ترابری این یگان در تمامی شرایط آفندی و پدافندی در جابجایی فرماندهان، حمل تدارکات و نیرو در دشت‌های وسیع خوزستان تا مناطق صعب‌العبور غرب و شمال‌غرب نقشی ماندگار ایفا نمودند (جعفری، ۱۳۹۳: ۸).

ورود هوانیروز به صحنه جنگ در مناطق جنوب و غرب و انهدام تعداد زیادی از نیروها و ادوات زرهی و مکانیزه دشمن سبب تحول خوبی در جبهه‌ها شد. بالگردهای مستقر در اهواز در محورهای «حمیدیه، سوسنگرد، دب حردان» و همچنین محور «خرمشهر، اهواز» با عملیات تک به ادوات زرهی و پشتیبانی از یگان‌های زمینی خودی، حرکات دشمن را متوقف و یا کند کردند. تعدادی از بالگردها نیز در نخلستان‌های کوی ذوالفقاریه آبادان مستقر شدند و در پشتیبانی از خرمشهر و آبادان عمل کردند. این گروه علاوه بر آمادگانی، در تخلیه مجروح و حمله به ادوات زرهی و تجمعات دشمن و همچنین در جابجایی مردم عادی به عقب نیز ایفای نقش کردند. بالگردهای هوانیروز مستقر در «پایگاه وحدتی» دزفول توانستند در هفته اول جنگ در محورهای کرخه - عین خوش و شوش - فکه تلفات و ضایعات سنگینی به نیروهای عراقی وارد آورند. نیروهای عراقی در این منطقه قصد داشتند با عبور از رودخانه کرخه، شهرهای دزفول و اندیمشک را تصرف کنند که با اقدام هوانیروز و حضور واحدهایی از «لشکر ۲۱ حمزه»، عراق توانایی عبور از کرخه را پیدا نکرد. بر خلاف یک یگان زمینی که جهت جابجایی ممکن است به روزها وقت نیازمند و به احتمال قوی به امکانات سایر ارگان‌ها هم در این رابطه متکی باشد، هوانیروز توانست با استفاده از بالگردهای ترابری سنگین شنوک و نیمه‌سنگین ۲۱۴، کلیه نیازمندی‌های خود را جهت زیست اولیه و همچنین مهمات مصرفی بالگردهای کبرا را در مدت چند ساعت و در مناطق عملیاتی به پای کار بیاورد، به طوری که نام

هوانیروز با اکثر عملیات‌های ارتش و سپاه پاسداران عجین گشته و در عمده صحنه جنگ افتخارآفرین بوده است (کریم زاده، ۱۳۸۸: ۷).

۲. آغاز فعالیت

هوانیروز یکی از مهم‌ترین یگان‌های نزاجا در پشتیبانی یگان‌های زمینی در هنگام اجرای عملیات‌های رزمی پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی بوده و تحرک و عکس‌العمل سریع یکی از خصوصیات ذاتی و بارز هوانیروز می‌باشد؛ لذا این یگان ارزشمند توانست با استفاده از امکانات موجود خود و در اسرع وقت، از پایگاه‌های مربوطه پرواز و در مناطق جنگی حضور پیدا نماید. هوانیروز با جابجایی سریع توانست پس از بمباران فرودگاه‌های کشور در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ توسط هواپیماهای عراقی و شروع جنگ تحمیلی، تقریباً اولین یگان منظم عمل‌کننده باشد که در مناطق غرب و جنوب مستقر گردید و از روز دوم جنگ پروازهای عملیاتی خود را شروع نماید و در عملیات‌های مختلف جنوب کشور در سال اول جنگ تحمیلی شرکت نماید و بی‌تردید یکی از عناصر تعیین‌کننده و تأثیرگذار در سرنوشت جنگ و نجات سوسنگرد و آبادان می‌باشد، زیرا با نبود آن یا به موقع عمل نکردن این یگان توانمند، احتمالاً در قسمت‌های زیادی از منطقه خوزستان دچار مشکل یا ضعف می‌شدیم. با عنایت به موارد پیش‌گفته، درمی‌یابیم هوانیروز در اکثر عملیات‌های دفاع مقدس، به‌ویژه در منطقه جنوب کشور (خوزستان) تأثیرگذار بوده و نقش سازنده‌ای را ایفا نموده است. تغییر مکان گردان ۱۵۳ پیاده توسط بالگردها و هواناوها از ماهشهر به آبادان موجب گردید که جبهه آبادان تقویت گردد و از تصرف آن توسط عراقی‌ها جلوگیری به عمل آید. نقش سازنده و بی‌نظیر این یگان نام هوانیروز را با اکثر عملیات‌های ارتش و سپاه پاسداران پیوند زده و در عمده صحنه جنگ، افتخارآفرین بوده است. بنابراین، لازم است به نقش آن در جنگ تحمیلی در سال اول جنگ در منطقه جنوب پرداخته شود.

اهمیت این تحقیق را می‌توان از کلام گهربار امام خمینی (ره) دریافت که فرمود: «شجاعت و رشادت‌های بی‌نظیر نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان دلاور در نفوذ به اعماق خاک دشمن و رویارویی با مدرن‌ترین امکانات اهدایی استکبار به صدامیان و دفاع از حریم

هوایی کشور نشانه تعهد، عشق و ایمان آنان به خدا و اسلام و میهن اسلامی است.» (آراسته، ۱۳۸۸: ۸۵) این یگان به عنوان بازویی مستحکم، با انواع بالگردهای خود، برای فرماندهان در صحنه‌های پیچیده و پرخطر جنگ به خوبی درخشید و در مأموریت‌های محوله که پشتیبانی از نیروهای خودی، شکار تانک‌ها و ادوات زرهی دشمن، جابجایی نیرو، تخلیه مجروحین و شهدا، امدادسانی و غیره بود موفق عمل نمود (کیانی، ۱۳۸۳: ۳۲۸). زمانی که ماشین جنگی متجاوز به طرف اهواز، سوسنگرد و شمال آبادان با سرعت تمام به پیشروی خود ادامه می‌داد، بالگردهای کبرا با فداکاری خلبانان، به ویژه منصور وطن‌پور، همانند عقاب بر سر نیروهای دشمن فرود آمده و ضربات شدیدی را به آنان وارد نمودند که یکی از عوامل تثبیت متجاوز در منطقه جنوب غرب محسوب می‌شود، به گونه‌ای که سال اول جنگ سال میدان‌داری هوانیروز در سقف پروازی کوتاه و حاکمیت نیروی زمینی ارتش بر میدان جنگ بوده است (حسینیا، ۱۳۹۱: ۱۴۷). نظر به اینکه چهره‌های متعهد، کارآمد و خلاق و خوش فکر در هوانیروز وجود داشته و دارد و نقش برجسته و کارنامه قابل قبولی در طول دفاع مقدس داشتند و توانمندی و قابلیت‌هایی که این یگان واکنش سریع دارد، لذا جایگاه این نیرو بایستی به درستی تبیین شود و به رشادت‌ها و فداکاری‌های خلبانان هوانیروز و نقش برجسته، حساس و تأثیرگذار یگان هوانیروز در سال اول جنگ پرداخته شود تا شناخت خوبی از این یگان در کاربرد تاکتیکی، عملیاتی و لجستیکی آن حاصل گردد. این امر موجب می‌گردد فرماندهان، توانمندی و قابلیت‌های هوانیروز را خوب بشناسند و در جنگ‌های نوظهور و آینده، بهره‌برداری خوب و سازنده‌ای از آن به عمل آورند و از سویی نقش مثبت و مؤثر آن در سال اول جنگ از منظر آینده پژوهی برای نسل آینده و افسران جوان و خلبانان این مرز و بوم الهی به خوبی تبیین و آموزه‌ها و تجارب حاصله به نسل کنونی و آیندگان منتقل شود. با این توصیف، به فعالیت‌های هوانیروز در جنگ تحمیلی کمتر پرداخته شده و لذا این تحقیق به دنبال احساس نیازی است که نسبت به تبیین نقش هوانیروز و کاربرد آن در طول دفاع مقدس، مخصوصاً در سال اول جنگ می‌باشد.

از آنجایی که هوانیروز بالگردهای متنوع، تحرک و عکس‌العمل سریع داشته و کاربرد زیادی در پشتیبانی از نیروهای زمینی، دیده‌بانی، جابجایی یگان‌ها و تدارکات دارد و می‌تواند در

محاسبه توان رزمی تأثیرگذار باشد، بنابراین می‌بایست نقش برجسته و مهم آن در جنگ تحمیلی، به ویژه در سال اول، در منطقه جنوب به خوبی واکاوی و تبیین شود. در صورتی که این تحقیق مغفول بماند، مقدمات و قابلیت‌های این یگان توانمند و ناجی در لحظات خطر و حساس برای فرماندهان شناخته نخواهد شد. علاوه بر این، تجارب حاصله از جنگ را نمی‌توان به خلبانان جوان و نسل کنونی و آیندگان به خوبی انتقال داد و از سویی رشادت‌ها و شجاعت‌های تیزپروازان به فراموشی سپرده خواهد شد؛ بنابراین، در جنگ‌های آینده نیز با پیچیده بودن صحنه عملیات از وجود ارزشمند و پشتیبانی آتش هوایی این یگان پرتحرک نمی‌توان بهره لازم و کافی را برد. در نتیجه، تلفات و ضایعات زیادی به نیروهای زمینی و تجهیزات آن وارد خواهد آمد که احتمالاً موجب تضعیف روحیه نیروهای خودی در میدان نبرد خواهد شد و نیروهای مسلح و کشور عزیزمان متحمل خسارات جبران‌ناپذیری می‌شوند.

این تحقیق از نوع کاربردی می‌باشد و از آنجایی که محقق سعی دارد تا آنچه هست را بدون هیچ‌گونه دخالت و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک، خاطرات رزمندگان و کتب مرتبط گزارش دهد، بنابراین روش تحقیق توصیفی می‌باشد.

امیر سرتیپ ناصر آراسته، رئیس هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی، در اهمیت و کاربردی دانستن هوانیروز و نقش تعیین‌کننده آن به شناخت شهید صیاد از هوانیروز اشاره کرد و گفت: «این شناخت تمامی زمینه‌های مقدمات، محدودیت‌ها، توانمندی‌ها، مشخصات، مختصات پرنده‌های هوانیروز و روحیه هوانیروزی‌ها در رسته‌های مختلف را شامل می‌شد. صیاد شیرازی از هوانیروز در وزن زمینی بهره گرفت. وی از ظرفیت‌های هوانیروز مانند شناسایی با رزم، حرکت برای اخذ تماس، انهدام نیروی دشمن، استفاده از موفقیت، تعاقب، تسخیر هدف، پاسخ به پاتک‌های دشمن و پیشگیری از هجوم مجدد دشمن بهره گرفت تا این نیرو را همچون لشکر بزرگ زمینی در آسمان به کار گیرد.» امیر آراسته با بیان اینکه شهید صیاد در هوانیروز تنها به دانش اسمی و علمی هوانیروز بسنده نمی‌کرد، گفت: «این فرمانده شهید، توان خارج از آئین‌نامه و استاندارد هوانیروز را به‌خوبی می‌شناخت و همین شناخت وسیع و گسترده و تجارب حاصله این شهید بزرگوار در نحوه استفاده بالگرد در عملیات‌های

کوهستانی و منافقین در منطقه غرب موجب موفقیت و استفاده کارساز و تأثیرگذار در جنگ در زمان فرماندهی نیروی زمینی ایشان گردید. لذا باید آموخت که از تمامی این دانایی‌ها و ظرفیت‌ها بهره گرفت. هوانیروز از آن یگان‌هایی است که در طول دفاع مقدس همه مأموریت‌های خود را با موفقیت انجام داده، که این نتایج خوبی برای ما به همراه داشت و تجربه خوبی برای ما بود که بتوانیم از آنها برای آموزش‌ها و عملیات‌های بعدی خود استفاده کنیم.» (آراسته، ۱۳۹۱: ۱۷)

۳. ورود هوانیروز به مناطق عملیاتی جنوب (خوزستان)

برابر صدور دستور از ستاد فرماندهی هوانیروز، مبنی بر آمادگی پایگاه‌ها و حرکت بر فراز مناطق عملیاتی، در اولین دقایق طلوع خورشید دوم مهرماه، انواع بالگرد هوانیروز از پایگاه‌های پشتیبانی عمومی اصفهان و پایگاه رزمی کرمان و پایگاه رزمی مسجدسلیمان مستقر در اصفهان، در دسته‌های پروازی به سوی شمال خوزستان به پرواز درآمدند. به منظور بهره‌برداری بهینه از بالگردها، مسئولیت پشتیبانی از جبهه‌های غرب دزفول و شوش از حد فاصل رودخانه کرخه تا عین‌خوش و فکه تا رودخانه دوبرج به بالگردهای مستقر در پایگاه وحدتی دزفول واگذار گردید و مسئولیت جبهه میانی از اهواز تا سوسنگرد و بستان و جنوب‌غربی اهواز به بالگردهای مستقر در لشکر ۹۲ زرهی سپرده شد و جبهه خرمشهر و آبادان نیز به بالگردهای مستقر در آبادان واگذار گردید.

۴. فعالیت‌های هوانیروز در روزهای اول جنگ

ورود هوانیروز به صحنه جنگ در مناطق غرب و جنوب کشور، با پرواز بالگردهای شکاری کبرا و انهدام تعداد زیادی از نیروها و ادوات زرهی و مکانیزه دشمن، سبب تحولی بزرگ در صحنه نبرد گردید. بالگردهای مستقر در اهواز، در محورهای حمیدیه - سوسنگرد، دب حردان و همچنین محور خرمشهر - اهواز با عملیات تک بر ادوات زرهی و واحدهای مکانیزه عراقی که از مرز گذشته و در حال پیشروی به سوی اهواز و فتح آن بودند، توانستند با پشتیبانی از یگان‌های نیروی زمینی ارتش و نیروهای مردمی در کند کردن حرکت دشمن و تثبیت آن در مواضع

اجباری نقش مؤثری ایفا نمایند. تعدادی بالگرد شکاری کبرا و ترابری ۲۱۴، که در نخلستان‌های کوی ذوالفقاریه آبادان مستقر شده بودند، در پشتیبانی از مدافعان خرمشهر و آبادان وارد عمل گردیدند. این گروه بالگرد علاوه بر نجات مردم آواره خرمشهر و آبادان، در انتقال آنان به شهرهای ماهشهر و شادگان تلاش نموده، مجروحین نظامی و مردم عادی را نیز از منطقه خارج و به بیمارستان‌های شهرهای اطراف و فرودگاه‌های منطقه تخلیه می‌کردند. بالگردهای شکاری کبرا نیز از طلوع تا غروب آفتاب با تانک‌ها و نیروهای دشمن درگیر می‌شدند و توانستند تعداد زیادی از آنها را منهدم کنند. در نتیجه، این فداکاری‌ها و ایثارگری‌های هوانیروز و نیروهای ارتش، سپاه پاسداران و نیروهای مردمی سبب گردید تا ارتش عراق که قصد فتح سه روزه خوزستان را داشت، با دادن تلفات سنگین، آن هم پس از ۳۴ روز، وارد خرمشهر گردید. با محاصره کامل خرمشهر و پیشروی نیروهای دشمن به سوی شرق کارون، جاده‌های اهواز - آبادان و آبادان - ماهشهر ناامن گردید و در دسترس نیروهای عراقی قرار گرفت. به منظور سد پیشروی آنها به طرف آبادان، لازم بود که رزمندگان ایرانی با تمام امکانات و تجهیزات خود وارد عمل شوند. استفاده از جاده‌ها غیرممکن بود و آوردن نیرو از طریق دریا و رودخانه بهمنشیر با لنج و قایق نیز با صرف زمان زیادی انجام می‌شد. در اینجا بود که بالگردهای سنگین ترابری شنوک و ترابری ۲۱۴ و ۲۰۵، که به همین منظور در فرودگاه‌های اهواز و ماهشهر مستقر شده بودند، رزمندگان ارتش و سپاه و نیروهای مردمی را به جزیره آبادان ترابری می‌کردند و در برگشت، مجروحین و مردم جنگزده آبادان و خرمشهر را که زیر گلوله‌باران نیروهای عراقی قرار گرفته بودند، با خود می‌آوردند. سرانجام با ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام، دشمن نتوانست به آبادان دسترسی پیدا کند و محاصره آن به صورت ناقص انجام شد (حسینی، بختیاری، لطفی، ۱۳۷۳: صص ۸۱ الی ۸۴).

نیروهای عراقی با نزدیک شدن به غرب رودخانه کرخه در ناحیه شهرستان شوش دانیال، قصد عبور از رودخانه و تصرف شهر و جاده اندیمشک اهواز را داشتند. نفربرهای آب خاکی عراقی‌ها وارد رودخانه شدند و می‌خواستند پس از عبور از آن، سر پلی برای احداث پل شناور تصرف کنند که مورد حمله ناگهانی دو فروند بالگرد شکاری کبرا قرار گرفتند. با انهدام و غرق

سه دستگاه نفربر دشمن و ایجاد ترس و وحشت در بین نیروهایشان، دیگر توانایی عبور از رودخانه را پیدا نکردند و ترجیح دادند در دامنه‌های ارتفاعات غرب رودخانه کرخه در موضع پدافندی اجباری قرار گیرند. در این موقعیت، واحدهایی از لشکر ۲۱ حمزه که در منطقه حضور داشتند، سریعاً به محل سر پلی که دشمن قصد تصرف آن را داشت، آمدند و در مقابل عراقی‌ها در شرق رودخانه کرخه مواضع مستحکمی ایجاد کردند و عراقی‌ها دیگر توانایی عبور از کرخه را پیدا نکردند (همان: ۸۵).

۵. خدمات هوانیروز در دوران دفاع مقدس از منظر امیر سرتیپ کیومرث احدی،

فرمانده اسبق هوانیروز

مجموعه هوانیروز از همان روزهای اول پیروزی انقلاب وارد کارزار نبرد و انجام مأموریت شد، به این صورت که با آغاز تحركات‌های عناصر ضدانقلاب در مناطق غرب ایران، هوانیروز به عنوان یکی از یگان‌های آماده برای مقابله با ضدانقلاب به این مناطق اعزام شد. در دوران دفاع مقدس، هوانیروز یکی از یگان‌های قدرتمند، پرتحرک و کارآمد نیروی زمینی به حساب می‌آمد که در روزهای ابتدایی جنگ هم با توجه به وقوع درگیری در منطقه شمال غرب، محدوده عملیاتی خود را در مناطق غرب، جنوب غرب و تا حدی شمال غرب کشور گسترش داد. در آن زمان، هوانیروز در بسیاری از نقاط کشور مستقر شد و توانست پایگاه‌های مختلف عملیاتی را برای پشتیبانی و عملیات در منطقه ایجاد کند. بیش از چهار هزار ساعت پرواز عملیاتی حاصل عملکرد هوانیروز در سال اول جنگ است. یکی از ویژگی‌های هوانیروز در سال اول جنگ، تحرک بالا بود. به همین علت، توانست تا حد زیادی مانع پیشروی دشمن در سراسر مرزهای غرب و جنوب شود و در حقیقت، تثبیت و زمین‌گیر شدن دشمن در شرایط جنگی یکی از ویژگی‌های عملیات‌های هوانیروز در زمان دفاع مقدس به حساب می‌آید. البته تعدادی زیادی از عملیات‌های هوانیروز هم در آن زمان مربوط به پشتیبانی از یگان‌های عملیاتی، از جمله انتقال نیرو و تجهیزات به منطقه و خارج کردن زخمی‌ها و مجروحان عملیات از منطقه جنگی بود. در مجموع، هوانیروز در بیش از ۱۰۵ عملیات دوران دفاع مقدس نقش آفرینی داشته است و بیش

از ۲۳۰ شهید از بهترین نیروهای متخصص و زبده خود را تقدیم انقلاب کرده است. این شهدا باعث سرفرازی، عزت و افتخار همه ما هستند (عزیزی، ۱۳۸۷: ۹).

۶. شرح بخشی از فعالیت‌های هوانیروز به روایت خلبانان و فرماندهان

سرهنگ خلبان بهرام کاظمی، خلبان بالگرد شنوک می‌گوید:

در روز سوم مهرماه ۱۳۵۹، تعدادی از مسئولین نظامی و غیرنظامی را با بالگرد شنوک از اصفهان به اهواز بردم. در آن شرایط، آسمان اهواز جولانگاه هواپیماهای عراقی بود. بعد از پیاده کردن مسافری، به اصفهان بازگشتم. در ساعت ۹ شب، با بارگیری مهمات بالگردهای کبرا که راکت و موشک تاو بود، مجدداً به سمت اهواز پرواز کردم. نه فرودگاه معلوم بود و نه ساختمان‌های شهر؛ کوچکترین روشنایی باعث می‌شد همان نقطه آماج حملات هوایی قرار گیرد. چاره‌ای نداشتم جز اینکه در همان تاریکی بگردم و باند فرودگاه را پیدا کنم. وقتی داخل فرودگاه روی زمین قرار گرفتم، از تعداد زیاد شهدا و زخمی‌ها نتوانستم روی پا بایستم.

سرهنگ خلبان جانباز حسین گلستانی‌باغی در بخشی از خاطرات خود می‌گوید:

در کمتر از نیم ساعت، مهماتی را که آورده بودند، از اهواز با بالگرد شنوک کنار رودخانه بهم‌نشیر خالی کردیم. محوطه بازی بود که بالگردها آنجا می‌نشستند. مهمات زیادی بود که بیشتر آنها را بالگردها آورده بودند. روز چهارم مهرماه سه فروند از بالگردهای شنوک ضمن آوردن موشک‌های ضدتانک (تاو) از اصفهان به اهواز، تعدادی نیرو و مهمات و تجهیزات لازم برای رزمندگان خرمشهر به آبادان حمل می‌نمایند و در برگشت، تعداد زیادی از مجروحین و آوارگان منطقه را که بیشتر آنان زن و کودک بودند، به اهواز می‌آوردند (رشیدی، ۱۳۹۱: ۱۵).

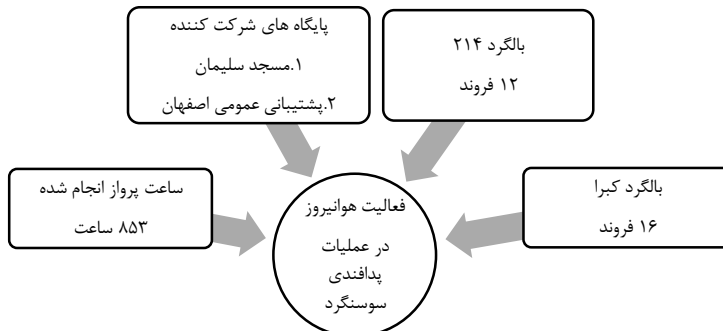
۷. حضور سرلشکر شهید خلبان منصور وطن‌پور و فعالیت‌های وی در اهواز

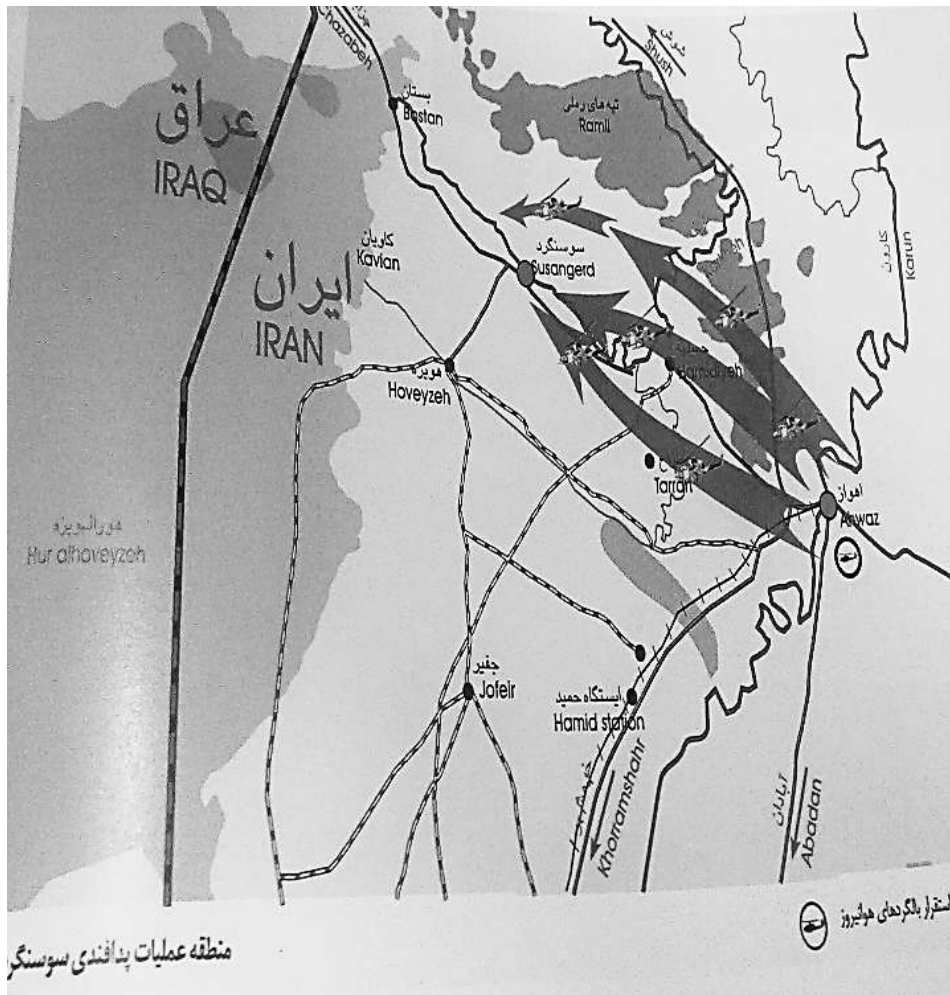
قبل از حضور سرهنگ منصور وطن‌پور به اهواز، بی‌نظمی خاصی در نحوه ابلاغ مأموریت‌ها و همچنین انجام پروازها در بین خلبانان و درخواست‌کنندگان پرواز حاکم بوده و ما نمی‌توانستیم از پروازهای انجام‌شده و فعالیت‌های خود بهره‌مطلوب را ببریم. اوضاع آنچنان آشفته و درهم بود که حتی بعضی از گروه‌ها و دسته‌جات سیاسی که بیشتر برای خودنمایی و

کسب شهرت به جبهه‌ها آمده بودند، درخواست تیم آتش و یا بالگرد برای جابجایی نیرو برای منطقه‌ای خاص می‌کردند. وضعیت بدین گونه ادامه داشت تا آنکه سرهنگ خلبان منصور وطن‌پور به عنوان سرپرست گروه هوانیروز به اصفهان آمدند. اولین اقدامی که کردند، برگرداندن نظم و انضباط به گروه بود، گرچه هنوز هم در بعضی از قسمت‌ها و رده‌ها هماهنگی ضعیف بود، اما در گروه هوانیروز اهواز، مأموریت‌ها را بر اساس قوانین پروازی سازماندهی نمودند. با توجه به محور نفوذی دشمن در سه محور اصلی بستان - سوسنگرد، کوشک - طلائییه و نیز خرمشهر - اهواز، بالگردها به تیم‌های آتش دسته‌بندی گردیدند و وظیفه هر تیم آتش با تعیین لیدر پروازی مشخص گردید. تعدادی بالگرد ۲۱۴ و شنوک نیز جهت تخلیه مجروحین و جابجایی نیروها و امدادسانی به آوارگان در دسته‌های پروازی تعیین شدند (حسینیا، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

۸. نقش هوانیروز در عملیات پدافندی سوسنگرد (۱۳۵۹/۶/۳۱ الی ۱۳۵۹/۷/۱۰)

نیروهای عراقی پس از عبور از مرز در منطقه غرب سوسنگرد و بستان به منظور تصرف سوسنگرد و دسترسی به جاده اهواز، به پیشروی خود ادامه دادند. به گروه هوانیروز مستقر در اهواز مأموریت داده شد که در پشتیبانی از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی که مسئولیت پدافند از سوسنگرد را به عهده داشت، وارد عمل شود. در این عملیات که به مدت هشت روز به طول انجامید، تیم‌های آتش بالگردهای شکاری کبرا طی ده‌ها سورتی پرواز و انهدام تعداد زیادی از ادوات زرهی و مکانیزه دشمن، تلفات زیادی به آنها وارد نمود و با تداوم پرواز بر روی صحنه نبرد و شکار تانک‌ها و نفرات پیاده دشمن و تخلیه مجروحین و تدارکات تجهیزات، نقش مؤثری ایفا نمودند (به نقشه شماره ۱ مراجعه شود).





سرهنگ خلبان عباس ندایی، خلبان بالگرد ترابری ۲۱۴ در خاطرات خود از اولین روزهای جنگ می‌گوید:

همراه با ستونیار خلبان ذبیح‌الله ایزدی با یک فروند بالگرد ۲۱۴ از پایگاه اصفهان به اهواز رفتم. سرپرست گروه هوانیروز اهواز سرهنگ منصور وطن‌پور بود. افسری بسیار لایق و شجاع، مدیری که توانسته بود در کمترین مدت، گروه هوانیروز اهواز را سر و سامان بدهد. نقش ما در این مأموریت انجام پرواز بالگرد نجات (رسکیو) بود که در کنار آن مصدومین و مجروحین را هم به اهواز می‌رساندیم. ترابری نیروهای تازه‌نفس و جابجایی آنها، همچنین حمل مهمات و آذوقه

را هم در این مأموریت‌ها به عهده داشتیم، که می‌توان گفت با انجام یک پرواز چندین مأموریت صورت می‌گرفت (کریم‌زاده، ۱۳۸۸: ۹).

۹. نقش هوانیروز در عملیات پدافندی کرخه - شوش (۱۳۵۹/۶/۳۱)

قبل از آغاز هجوم سراسری ارتش عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱، تعداد معدودی از بالگردهای شکاری کبرا، ۲۱۴، شنوک و ۲۰۶ از روزهای قبل از شروع جنگ تحمیلی به منظور انهدام دشمن و کند کردن حرکت آنها در محورهای منطقه دشت عباس و غرب شوش، در پایگاه نیروی هوایی دزفول مستقر شده بودند و با انجام ده‌ها سورتی پرواز در مدت هفت روز عملیات تأخیری در محور عین‌خوش - پل کرخه و با اجرای آتش‌های مستقیم و پشتیبانی از تیپ ۲ دزفول، بخش عمده‌ای از نیروهای دشمن را به هلاکت رسانیده و تعداد زیادی از تانک‌ها و خودروهای آنها را نیز منهدم نمودند و سرانجام با مقاومت و رشادت نیروهای خودی، عراقی‌ها در غرب پل کرخه در مواضع پدافندی قرار گرفتند (همان: ۲۴).

(نقشه شماره ۲)

انواع بالگردهای هوانیروز در عملیات	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد شنوک	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۱۸	۲۰	۸	۴
پایگاه های شرکت کننده	پایگاه پشتیبانی عمومی اصفهان			
ساعت پرواز انجام شده	۶۰۰ ساعت		پایگاه مسجد سلیمان	
	تعداد مجروحین تخلیه شده ۳۵۲			

۱۰. هوانیروز در عملیات پدافندی شمال آبادان (ایستگاه حسینیّه)

دفاع از خرمشهر و محور شمالی آن در منطقه حسینیّه توسط نیروهای خودی مهم‌ترین موضوعی بود که فکر فرماندهان نظامی وقت را قبل از پیروزی انقلاب به خود مشغول کرده و بر این اساس، تأسیسات مرزی به نام دژ، از پاسگاه شملچه تا طلائیّه به طول ۹۰ کیلومتر تا سال ۱۳۵۳ احداث گردید؛ ولی به دلیل از بین رفتن سازمان و تجهیزات گردان ۱۵۱ دژ خرمشهر، با شروع تجاوز عراق، اقدام عملی در استفاده از دژهای ساخته شده برای متوقف نمودن دشمن میسر نگردید. لذا، بر اساس طرح از پیش تعیین‌شده ابوذر، جهت گرفتن زمان کافی عملیات تأخیری انجام گردید و به علت مقاومت گردان‌های ۱۵۱ دژ، گردان ۱۶۵ مکانیزه و گردان ۲۳۲ تانک، دانشجویان دانشکده افسری، یگان‌های ژاندارمری خوزستان و نیروهای مردمی در محور خرمشهر، عراق مجبور شد تلاش دیگری را در این راستا در ایستگاه حسینیّه به طرف اهواز انجام دهد. لذا، عراقی‌ها ظرف سه روز توانستند ۲۰ کیلومتر پیشروی کرده و خود را به جاده اهواز - خرمشهر برسانند و خرمشهر را از سمت شمال مورد تهدید قرار دهند. بالگردهای هوانیروز که از ابتدای جنگ تحمیلی در شمال شهرستان ماهشهر مستقر گردیده بودند، در این عملیات با به‌کارگیری بالگردهای کبرای خود و هماهنگ با نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به پرواز درآمده و تلفات و ضایعات زیادی به دشمن وارد آوردند و تعداد زیادی از یگان‌های پیاده و مکانیزه و تانک‌های عراقی را منهدم کردند و مجروحین عملیات را به بیمارستان‌های اهواز و ماهشهر ترابری نمودند. با توجه به کمبودهای نیروی زمینی در سد کردن پیشروی نیروهای عراقی، بالگردهای کبرای هوانیروز از اولین ساعات آغاز جنگ تحمیلی به موضع و تانک‌های ارتش عراق یورش برده و با شجاعت و دل‌ورمردی خلبانان هوانیروز ضربات مهلک و جبران‌ناپذیری به پیکره ارتش متجاوز وارد آمد. با تأسف، به رغم پروازهای زیاد و انهدام تانک‌های بی‌شمار، عراقی‌ها توانستند به سمت ایستگاه حسینیّه پیشروی کرده و از سمت شمال، خرمشهر را مورد تهدید قرار دهند. با وجود این، در سه روز نخست، یعنی اول تا سوم مهر، به دلیل فعالیت‌های پروازی هوانیروز و شکار تانک‌ها و دیگر ادوات زرهی دشمن توسط بالگردهای کبرا، ارتش بعثی نتوانست به اهداف مورد نظر خود دست یابد. به هر حال، پس از ۵ روز نبرد، عراقی‌ها در ۱۵ کیلومتری اهواز در دب حردان مجبور شدند مواضع

نقش هوانیروز در سال اول جنگ تحمیلی... ۱۳۹/

پدافندی بگیرند و بخشی دیگر از نیروهای عراقی که جهت تصرف کامل آبادان به حرکت درآمده بودند، با سرسختی نیروهای زمینی و هوانیروز قهرمان مجبور به عقب‌نشینی شده و در شمال آبادان در مواضع پدافندی مستقر گردیدند (همان: ۲۶). (نقشه شماره ۳)

بر اثر رشادت رزمندگان و دلیرمردان هوانیروز و سربازان رزمنده توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در آبادان، مواضع دشمن متجاوز در جبهه جاده ماهشهر - آبادان در هم کوبیده شد. یک مقام فرمانداری آبادان ضمن اظهار این مطلب یادآور شد که شعله‌های دود و آتش از تانک‌های منهدم‌شده دشمن تا آن لحظه دیده می‌شده است. بنا به این گزارش، پریروز هلی‌کوپترهای هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران دوباره مواضع دشمن را در هم کوبیدند (روزنامه جمهوری: ۵۹/۸/۲۰).

آمار بالگردهای شرکت‌کننده در عملیات

انواع بالگردهای هوانیروز در عملیات	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد شنوک	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت‌کننده	۲۱	۱۶	۴	۶
پایگاه‌های شرکت‌کننده	پایگاه پشتیبانی عمومی اصفهان		پایگاه کرمان	پایگاه مسجد سلیمان
ساعت پرواز انجام شده	۶۰۰ ساعت			

۱۱. نقش هوانیروز در عملیات پدافندی پای پل کرخه (۵۹/۸/۹)

در این روز، نیروهای عراقی قصد پیشروی و عبور از پل نادری را داشتند، که علاوه بر مقاومت رزمندگان دلیر نیروی زمینی ارتش، این بار نیز متحمل تلفات و ضایعات سنگینی از آتش پرحجم بالگردهای شکاری کبرا هوانیروز شدند. بالگردهای هوانیروز که هم‌زمان با هواپیماهای شکاری نیروی هوایی از پایگاه وحدتی دزفول به پرواز درمی‌آمدند، با شلیک موشک و راکت و توپ ۲۰ میلی‌متری در پشتیبانی از یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه که مسئولیت پدافند از پل نادری را به عهده داشتند، جهنمی از آتش بر روی نیروهای عراقی فرود آوردند، تا سرانجام دشمن همانند روزهای قبل به پدافند در مواضع اجباری قناعت نماید.

انواع بالگرد	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۶ فروند	۴ فروند	۲ فروند
تعداد بالگردهای شرکت کننده در عملیات پدافندی پای پل کرخه	در مجموع ۱۲ فروند		
پایگاه‌های شرکت کننده	پایگاه پشتیبانی عمومی اصفهان	پایگاه هوانیروز مسجد سلیمان	
ساعت پرواز انجام شده	۵۰ ساعت		
تعداد مجروحین حمل شده	۶۰ نفر		

۱۲. نقش هوانیروز در عملیات آفندی نصر (۵۹/۱۰/۱۵)، منطقه جنوب غربی اهواز - دب حردان

در این عملیات، بالگردهای هوانیروز مستقر در فرودگاه اهواز مسئول پشتیبانی از یگان‌های رزمنده خودی بودند که توانستند با اجرای آتش بالگردهای کبرا در پیشروی نیروهای زمینی نقش مؤثری ایفا نمایند و در ادامه عملیات، در تاریخ‌های ۱۷ و ۱۸ دی‌ماه، که عراقی‌ها با برداشت نیرو از سایر محورها اقدام به پاتک‌های سنگین علیه نیروهای ایرانی نمودند، با انجام پروازهای مستمر بر روی صحنه نبرد و انهدام یگان‌های زرهی دشمن خلاء ناشی از کمبود نیرو را جبران کردند و همچنین تعدادی از نیروهای تازه‌نفس را به منطقه عملیات هلی‌برن کرده و مقدار زیادی مهمات و تجهیزات را به دست رزمندگان خودی رساندند (همان: ۳۴).

(نقشه شماره ۴)

انواع بالگرد	بالگرد ۲۱۴	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۸ فروند	۱ فروند
تعداد بالگردهای شرکت کننده در عملیات آفندی نصر	در مجموع ۱۵ فروند	
پایگاه‌های شرکت کننده	پایگاه هوانیروز مسجد سلیمان	
تعداد نیروی ترابری شده در قالب هلی برن	۲۰۰ نفر	
ساعت پرواز انجام شده	۱۸۵ ساعت	
مقدار بار (مهمات و تدارکات) مورد نیاز حمل شده	۷ تن	
تعداد مجروحین حمل شده	۱۷۰ نفر	

۱۳. عملیات آفندی توکل در منطقه عملیات جاده آبادان - ماهشهر (۵۹/۱۰/۲۰)

در این عملیات که زمین‌های آن هموار و بیشتر تحرکات نیروهای عراقی توسط یگان‌های زرهی و پیاده مکانیزه انجام می‌گرفت، هدف‌های مناسبی برای بالگردهای موشک‌انداز کبرا بودند. به همین دلیل، در این روز چندین دستگاه از تانک‌های دشمن توسط بالگردهای هوانیروز منهدم گردید و همچنین تعدادی از نیروهای پیاده آنها نیز به هلاکت رسیدند. مجروحین عملیات هم توسط بالگردهای ترابری ۲۱۴ و شنوک به بیمارستان‌های اهواز و ماهشهر تخلیه گردیدند. در این عملیات، تلاش دشمن برای ورود به جزیره آبادان از سمت‌های شمال و جنوب بود، لذا فرماندهی اروند دستور داد گردان ۱۵۳ پیاده لشکر ۷۷ پیروز خراسان هرچه سریع‌تر و با هر وسیله مقدور، به آبادان تغییر مکان داده شود. بدین ترتیب، گردان ۱۵۳ پیاده به وسیله بالگرد و هواناو از ماهشهر به جزیره آبادان تغییر مکان داده شد (معین‌وزیری، ۱۳۸۲: ۱۵۲).

انواع بالگرد	بالگرد شنوک	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۱ فروند	۶ فروند	۴ فروند	۲ فروند
تعداد بالگرد های شرکت کننده در عملیات آفندی توکل	در مجموع ۱۳ فروند			
پایگاه‌های شرکت کننده	پایگاه پشتیبانی عمومی اصفهان	پایگاه هوانیروز کرمان		
ساعت پرواز انجام شده	۶۵ ساعت			
تعداد مجروحین حمل شده	۶۰ نفر			

در روز هشتم مهر ۱۳۵۹، وقتی دشمن آبادان را محاصره کرده بود، محور مواصلاتی ماهشهر - آبادان که تنها محور آزاد مانده برای رساندن وسایل تدارکاتی و پشتیبانی به جزیره آبادان بود، در کنترل نیروهای دشمن قرار گرفته بود و ارسال هرگونه وسایل و تجهیزات و یگان به آبادان از طریق رودخانه بهمنشیر به وسیله هواناو و یا به وسیله بالگرد انجام می‌گرفت (حسینی، جوادی‌پور، ۱۳۷۳: ۱۷۰).



۱۴. حضور هوانیروز در منطقه عمومی میشداغ

گروهی از بالگردهای هوانیروز که از ابتدای جنگ در پایگاه نیروی هوایی دزفول مستقر بودند، در این عملیات با هلی‌برن یک گروهان از تکاوران تیپ ۵۵ هواورد به صحنه نبرد، شرایطی را بر دشمن تحمیل نمودند که هرگز تصور آن را نداشت. در این عملیات که به مدت شش روز به طول انجامید، بالگردهای شکاری کبرا با پشتیبانی آتش از یگان‌های خودی و انهدام نیروهای دشمن که زرهی و پیاده مکانیزه بودند، نقش بسزایی در پیشروی نیروهای زمینی ارتش و تثبیت مواضع آنها ایفا نمودند. در منطقه جنوب‌غربی پل کرخه و در عملیات آفندی کانال هندلی، بالگردهای هوانیروز که در پایگاه نیروی هوایی دزفول مستقر بودند، مسئولیت پشتیبانی از این عملیات را به عهده داشتند و در همان ساعات اولیه نبرد وارد عمل گردیدند.

بالگردهای شکاری کبرا با انهدام تعدادی از تانک‌ها و ادوات مکانیزه دشمن از هرگونه تحرک جدی آنها جلوگیری به عمل آوردند و مجروحین عملیات نیز توسط بالگردهای ترابری ۲۱۴ به بیمارستان‌های دزفول تخلیه شدند. همچنین در عملیات آفندی تپه چشمه ۱ در تاریخ ۱۳۶۰/۱/۱۵ در منطقه عملیات تپه چشمه در غرب پل کرخه (پل نادری)، هوانیروز افتخارآفرینی کرد.

نیروهای عراقی که با تک نیروهای تیپ ۲ لشکر ۲۱ پیاده حمزه، بخشی از ارتفاعات تپه چشمه را از دست داده بودند، به منظور بازپس‌گیری آن مبادرت به تک نمودند که یگان‌های خودی با آتش بالگردهای شکاری کبرا که با دو تیم آتش آنها را پشتیبانی می‌کردند، توانستند مواضع متصرفی را حفظ و تحکیم نمایند. بالگردهای هوانیروز که از پایگاه هوایی دزفول به پرواز درمی‌آمدند، ضمن کشته و مجروح نمودن تعداد زیادی از نیروهای دشمن، مجروحین عملیات را نیز به بیمارستان‌های دزفول تخلیه می‌کردند.

انواع بالگرد	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۴ فروند	۴ فروند	۱ فروند
تعداد بالگرد های شرکت کننده در عملیات آفندی تپه چشمه ۱	در مجموع ۹ فروند		
پایگاه‌های شرکت کننده	پایگاه پشتیبانی عمومی اصفهان		
ساعت پرواز انجام شده	۴۰ ساعت		
تعداد مجروحین حمل شده	۲۰ نفر		

۱۵. عملیات آفندی تپه‌های الله اکبر در شمال غرب سوسنگرد (۱۳۶۰/۱/۳۱)

در این عملیات، هوانیروز به منظور پشتیبانی از یگان‌های تک‌ور، بالگردهای خود را در فرودگاه اهواز مستقر نمود تا بتواند در کوتاه‌ترین زمان خود را به صحنه نبرد برساند. تیم‌های آتش مستقر در اهواز از همان ساعات اولیه عملیات، با حضور در منطقه نبرد و انهدام تانک‌های دشمن مقاومت آنها را در هم شکسته و حرکت یگان‌های زمینی را آسان‌تر نمودند.

در مدت شش روز که این عملیات ادامه پیدا کرد، خلبانان بالگرد کبرا حتی یک لحظه رزمندگان زمینی را که با مقاومت دشمن درگیر بودند، تنها نگذاشتند و تمام حرکات و پاتک‌های دشمن را زیر نظر داشته و به طور مؤثری فعالیت‌های آنها را در رسیدن به مواضع از دست رفته ناکام گذاشتند. بالگردهای ترابری ۲۱۴ و شنوک نیز در تخلیه مجروحین و جابجایی نیروها و فرماندهان به نحو چشمگیری عملیات را پشتیبانی نمودند. فعالیت هوانیروز در این عملیات به شرح جدول ذیل است: (حسینی، بختیاری، لطفی، ۱۳۷۳: ۱۳۸)

انواع بالگرد	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد ۲۰۶	بالگرد شنوک
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۹ فروند	۱۱ فروند	۲ فروند	۲ فروند
ساعت پرواز انجام شده	۲۴۰ ساعت			
تعداد مجروحین حمل شده	۳۱۵ نفر			
مقدار بار (مهمات و تدارکات) مورد نیاز حمل شده	۱۱ تن			

۱۶. حضور هوانیروز در عملیات آفندی تپه‌های انگوش، زعن در غرب شوش (۱۳۶۰/۲/۳۱)

بالگردهای شکاری کبرای هوانیروز مستقر در منطقه که در پشتیبانی از نیروهای خودی آمادگی کامل داشتند، در این عملیات به نیروهای عراقی که قصد تصرف مواضع از دست داده شده خود را داشتند، یورش برده و تلفات زیادی به آنها وارد کردند و تا پایان عملیات و تثبیت مواضع نیروهای خودی نیز با اجرای آتش سنگین موشک و راکت از هرگونه عکس‌العمل جدی دشمن جلوگیری به عمل آوردند (جوادی پور، نیکفرد، حسینی، ۱۳۷۳: ۱۵۲).

انواع بالگرد	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۴ فروند	۴ فروند	۱ فروند
تعداد بالگرد های شرکت کننده در عملیات آفندی تپه های انگوش		در مجموع ۹ فروند	
پایگاه های شرکت کننده		پایگاه پشتیبانی عمومی اصفهان	
ساعت پرواز انجام شده		۴۰ ساعت	
تعداد مجروحین حمل شده		۲۰ نفر	

۱۷. عملیات آفندی زغن در منطقه عملیاتی غرب شوش (۱۳۶۰/۲/۳۱)

در این عملیات، بالگردهای هوانیروز به منظور پشتیبانی از یگان های خودی از پایگاه هوایی دزفول به پرواز درآمدند و توانستند با انجام پروازهای مؤثر و اجرای آتش های پر حجم بر روی نیروهای دشمن، ضمن وارد آوردن تلفات زیادی به آنها، سبب حفظ روحیه رزمندگان اسلام نیز گردند، به گونه ای که نیروهای عراقی به منظور اجتناب از تلفات زیاد به مواضع اجباری عقب نشینی کردند (همان: ۱۵۳).

انواع بالگرد	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۶ فروند	۴ فروند	۲ فروند
تعداد بالگرد های شرکت کننده در عملیات آفندی زغن		در مجموع ۱۲ فروند	
پایگاه های شرکت کننده		پایگاه پشتیبانی عمومی اصفهان	
ساعت پرواز انجام شده		۵۰ ساعت	
تعداد مجروحین حمل شده		۲۰ نفر	

۱۸. عملیات آفندی فرمانده کل قوا خمینی روح خدا در منطقه شرق کارون، منطقه بین دارخوین و سلیمانیه (۶۰/۳/۲۱)

در این عملیات، بالگردهای هوانیروز مستقر در منطقه، در اولین ساعات روز حمله رزمندگان خودی وارد عمل شدند و توانستند با اجرای آتش پرحجم موشک و راکت و پروازهای متناوب در چندین نوبت، یگان‌های خودی را به نحو مطلوبی پشتیبانی نموده و همچنین مجروحین را به بیمارستان‌های ماهشهر و اهواز تخلیه نمایند (حسینی، جوادی‌پور، ۱۳۷۳: ۲۲۹).

انواع بالگرد	بالگرد کبرا	بالگرد ۲۱۴	بالگرد ۲۰۶
تعداد بالگردهای شرکت کننده	۶ فروند	۸ فروند	۳ فروند
تعداد بالگردهای شرکت کننده در عملیات آفندی فرمانده کل قوا خمینی روح خدا	در مجموع ۱۷ فروند		
پایگاه‌های شرکت کننده	پایگاه پشتیبانی عمومی اصفهان		
ساعت پرواز انجام شده	۸۰ ساعت		
تعداد مجروحین حمل شده	۳۰ نفر		

۱۹. عملیات آفندی جاده ماهشهر - آبادان

با روشن شدن هوا و حرکت تانک‌های عراقی در اولین ساعات حمله نیروهای ایرانی، هوانیروز مستقر در منطقه ماهشهر با بالگردهای جنگنده کبرا برای خود به سوی نیروهای دشمن هجوم برده و در طی پنج سورتی پرواز و وارد آوردن خسارات زیادی به آنها، توانست پیشروی تانک‌های عراقی در جاده آبادان - ماهشهر را متوقف و در پشت خاکریزهای خود زمین‌گیر نماید، تا نتوانند اقدام مؤثری علیه نیروهای ایرانی به عمل آورند. مجروحین نیز توسط بالگردهای ترابری ۲۱۴ به اهواز تخلیه شدند (همان: ۱۷۷).

۲۰. عملیات آفندی طراح در منطقه عمومی کرخه کور (۶۰/۵/۵)

در این عملیات، مسئولیت پشتیبانی از یگان‌های خودی به گروه هوانیروز مستقر در فرودگاه اهواز داده شد. در اولین ساعات حمله رزمندگان اسلام به مواضع نیروهای عراقی، بالگردهای شکاری کبرا از اهواز به طرف منطقه نبرد به پرواز درآمدند و با اجرای آتش پشتیبانی و مستقیم توانستند با انجام ده‌ها سورتی پرواز، تلفات زیادی به یگان‌های دشمن وارد

نقش هوانیروز در سال اول جنگ تحمیلی... /۱۴۷

نمایند. همچنین، بالگردهای شناسایی و ترابری نیز در جابجایی فرماندهان و رسانیدن تدارکات به مناطق مورد نیاز نقش بسزایی در پشتیبانی نیروهای خودی ایفا نمودند (کریمزاده، ۱۳۸۸: ۲۴).

(نقشه شماره ۴)

ردیف	نام و نشان	درجه	تاریخ شهادت	محل شهادت
۱	منصور وطن پور	سرهنگ ۲ خلبان	۵۹/۷/۹	اهواز
۲	عنایت ا...منصوری	ستوان ۲ خلبان	۵۹/۸/۲۰	ماهشهر
۳	محمد اربیل	ستوان	۶۰/۸/۹	آبدانان
۴	سعد آقابالازاده	ستوانیار	۵۹/۸/۵	ماهشهر
۵	عباس آقایی راد	همافر ۱ فنی	۵۹/۸/۳۰	آبادان
۶	عباس جاهدی زاده	ستوان ۲ خلبان	۵۹/۲/۱۱	دزفول
۷	رسول جمشیدی	ستوانیار ۳	۶۰/۸/۹	آبدانان
۸	غلامرضا چاغروند	ستوان ۲ خلبان	۵۹/۷/۱۲	دهلران
۹	منوچهر سلیمی	همافر ۲	۵۹/۸/۳	ماهشهر
۱۰	سید احمد شاهرخ آذین	سروان خلبان	۵۹/۸/۲۵	اهواز
۱۱	علی اکبر شعراف زاده	گروهبان ۱ فنی	۵۹/۸/۳	ماهشهر
۱۲	ابراهیم شهریاری	*	۵۹/۱۲/۴	سوسنگرد
۱۳	حسن برجسته	*	۶۰/۵/۵	کرخه کور
۱۴	محمد رضا بوربور	*	۵۹/۸/۲	خرمشهر
۱۵	صفدر صفدری	ستوان ۱ خلبان	۵۹/۸/۲۰	ماهشهر
۱۶	محمد رضا عقیلی	ستوان ۳ خلبان	۵۹/۹/۲۳	خرمشهر
۱۷	میر حسن سجادی	سروان خلبان	۶۰/۵/۵	پل کرخه
۱۸	سلطان علی صلاح لو	ستوان ۲ خلبان	۵۹/۷/۲۴	دزفول
۱۹	نورا... مطلبی	گروهبان ۲ بهداری	۵۹/۷/۲۸	دزفول
۲۰	برات نمایان	ستوانیار ۱ خلبان	۵۹/۷/۲۴	دزفول
۲۱	محمد رضا هاشمی	ستوانیار ۱ خلبان	۵۹/۷/۱۳	جنوب
۲۲	علی نصیری	ستوانیار ۲ خلبان	۵۹/۸/۲۵	سوسنگرد
۲۳	سیروس یزانی نیا	گروهبان ۲ فنی	۵۹/۸/۲	خرمشهر

۲۱. یافته‌های تحقیق

با بررسی و واکاوی در اسناد و مدارک هشت سال دفاع مقدس، پی می‌بریم که از آغاز تهاجم نیروهای عراقی در زمین، نیروی زمینی به فرمایش فرماندهی معظم کل قوا، در نوک پیکان حملات دشمن بوده است. شرایط حاکم در آن روز و مدیریت ضعیف بنی صدر موجب گردید که تهدیدات قبل از جنگ جدی گرفته نشود و به همین علت، در منطقه جنوب کشور، یگان‌های سرزمینی فقط حضور داشتند و صدام از این فرصت استفاده کرده و تهاجم سراسری خود را آغاز نمود. یگان‌های خودی با داشتن استعداد پایین، توانایی اجرای پدافند سازمان‌یافته را نداشتند، ولی با اجرای عملیات تأخیری، توانستند سرعت پیشروی نیروهای متجاوز را کاهش داده و زمان لازم را برای رسیدن عمده قوای نیروی زمینی ارتش و نیروهای مردمی به منطقه فراهم کنند. بنابراین، متجاوز پیشروی خود را تا نزدیکی‌های اهواز از مناطق متعدد انجام داد. در این لحظه حساس و سرنوشت‌ساز، یگان‌های پروازی و دیگر عناصر فنی هوانیروز به یاری یگان‌های زمینی شتافتند و با موشک‌های ماوریک و تاو عقاب‌های تیزپرواز ارتش غیور جمهوری اسلامی ایران، تانک‌های دشمن را منهدم و پیشروی ماشین جنگی عراق در مناطق شمال آبادان و منطقه کرخه-شوش و نزدیکی‌های سوسنگرد را کند و متوقف نمودند. خاطرات و مصاحبه‌های خلبانان هوانیروز که در صحنه عملیات حضور داشتند، مؤید این نکته است که بالگردهای تهاجمی کبرا در انهدام تجهیزات دشمن و ادوات زرهی آن نقش خود را به بهترین شکل ممکن ایفا کرده‌اند. اقدام دیگر هوانیروز در سال اول جنگ، مخصوصاً در روزهای آغازین تهاجم بعثی‌ها در منطقه عملیاتی جنوب کشور، کند کردن و متوقف ساختن ماشین جنگی عراق بود که با سرعت چشمگیری به طرف اهواز و سوسنگرد در حال پیشروی بود. در این تحقیق، از مباحث نظری نکات ارزنده‌ای حاصل گردید. آموزش و آمادگی خلبانان و همچنین جان بر کف بودن آنها و شجاعت و روحیه جنگجویی بالای آنان تحسین‌برانگیز و مثال‌زدنی است. به نظر محقق، هوانیروز در سال اول جنگ، سهم زیادی در حفظ خوزستان دارد. اقدامات تاکتیکی و عملیاتی برجسته در زمان درگیری‌ها و لحظات بحرانی را در گفتار فرماندهان وقت، مثل امیر آذین و کیومرث احدی و غیره به وضوح می‌توان دید. بی تردید یگان تخصصی هوایی نزاچا (هوانیروز) از همان روزهای آغازین که شیپور جنگ نواخته شد، با آمادگی کامل با

نقش هوانیروز در سال اول جنگ تحمیلی... /۱۴۹

خلبانان و کارکنان آموزش دیده، شجاع و مخلص خود در مناطق غرب و جنوب، دفاع جانانه خود را از مرز و بوم الهی به نمایش گذاشتند. آمار بالگردهای شرکت کننده در زمان دفاع مقدس، به ویژه در سال اول جنگ در صحنه عملیات جنوب بر این مورد تأکید دارد:

نوع بالگرد	شکاری کبرا	۲۱۴	جت رنجر	شنوک	ساعات پرواز	تخلیه مجروح
تعداد	۱۱۲	۱۰۲	۲۶	۱۵	۵۳۸۳	۱۳۷۷

با بررسی شهدای هوانیروز هم می بینیم که تعدادی از فرماندهان آن، مانند سرهنگ شهید وطن پور، در روزهای اول جنگ به درجه رفیع شهادت نائل گردیده اند: تعداد ۹ نفر خلبان اسیر و ۲۵ نفر شهید در روزهای اول و شهدای زیاد در سال اول جنگ تحمیلی، آن هم فقط در منطقه جنوب (خوزستان) تأمل برانگیز است. این امر بیانگر آن است که این خلبانان بی باک و شجاع همیشه به عنوان فرمانده در خطوط مقدم جبهه بودند. در این راستا، مراجعه به آمار شهدا در جدول ارائه شده، می تواند مؤید این گفته ها باشد. در نتیجه، هوانیروز با قدرت رزمی و توانمندی بالا توانست در پشتیبانی از نیروهای زمینی، تجهیزات و ادوات مکانیزه و زرهی دشمن را منهدم نماید و حرکت دشمن در حال پیشروی را کند و نهایتاً متوقف سازد. بنابراین، با در نظر گرفتن حضور جدی و تأثیرگذار هوانیروز در عملیات های آفندی و پدافندی سال اول جنگ در جنوب کشور، درمی یابیم که اهداف اصلی و فرعی موضوع مورد مطالعه که نقش هوانیروز در سال اول جنگ در جنوب کشور بوده، حاصل گردیده است.

۲۲. نتیجه گیری

هوانیروز یکی از کارآمدترین و مؤثرترین یگان های تخصصی نزاچا بوده که با حضور مقتدرانه خود در صحنه های مختلف نبرد و امداد رسانی، کارنامه درخشانی را در بین یگان های نظامی ارتش به خود اختصاص داده است. این یگان در آغاز جنگ تحمیلی، بالگردهای خود را در انواع مختلف کبرا، شنوک، ۲۱۴، جت رنجر، ۲۰۵، به مناطق عملیاتی غرب و جنوب کشور اعزام داشت و از مورخه ۱۳۵۹/۶/۳۱، با دشمن بعثی وارد نبرد گردید. این یگان ارزشمند

توانست با تحرک و عکس‌العمل سریع و استفاده از امکانات موجود خود، در اسرع وقت از پایگاه‌های مربوطه پرواز و در مناطق جنگی حضور پیدا نماید. به تعدادی از اقدامات مؤثر و تعیین‌کننده هوانیروز در طی دفاع مقدس می‌توان به شرح زیر اشاره کرد:

۱- هوانیروز توانست با استفاده از بالگردهای ترابری سنگین شنوک و نیمه‌سنگین ۲۱۴، کلیه نیازمندی‌های خود جهت زیست اولیه و همچنین مهمات مصرفی بالگردهای کبرا را در مدت چند ساعت در مناطق عملیاتی پای کار بیاورد.

۲- جابجایی سریع که از قابلیت‌های مهم هوانیروز می‌باشد، باعث گردید که این یگان پس از بمباران فرودگاه‌های کشور در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ توسط هواپیماهای عراقی و شروع جنگ تحمیلی، تقریباً اولین یگان منظم عمل‌کننده باشد که در منطقه عملیاتی جنوب کشور مستقر گشته و از روز دوم جنگ، پروازهای عملیاتی خود را شروع نماید.

۳- با شروع جنگ تحمیلی، با توجه به هجوم سراسری نیروهای عراقی به سه منطقه جنوب، غرب و شمال‌غرب کشور، هوانیروز بر حسب ضرورت و نیاز عملیاتی، مسئولیت پشتیبانی از منطقه خوزستان را به عهده گرفت. هوانیروز با عملکرد خوب خود و شرکت در کلیه عملیات‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران با تسریع و تسهیل هدایت عملیات‌ها، به ویژه در سال اول جنگ تحمیلی، کارنامه درخشانی از خود به جا گذاشت.

۴- هوانیروز از ابتدای دفاع مقدس در مناطق و صحنه عملیات حضور جدی داشت و نقش مؤثری در توقف عملیات دشمن و پشتیبانی نیروهای خودی، به ویژه در شمال آبادان، غرب دزفول، سوسنگرد و کرخه - شوش داشته است.

۵- این یگان با قابلیت مانور و تحرک بالا، تسهیل فرماندهی و کنترل، مخابرات و دیده‌بانی و شناسایی برای فرماندهان وقت، در میدان نبرد مزیت و برتری چشمگیری را فراهم نمود.

۶- تیزپروازان قهرمان هوانیروز، طبق فرمایش فرماندهی معظم کل قوا، در این جنگ پر از گنج، با اخلاص، فداکاری و شجاعت مثال‌زدنی کمک شایانی را به انهدام

تجهیزات و ادوات زرهی و مکانیزه‌های دشمن و تثبیت متجاوز در طول دفاع مقدس نمودند.

۷- با بررسی و مطالعه دقیق اسناد و مدارک دفاع مقدس و حماسه‌های هوانیروز درمی‌یابیم که اگر حضور معنادار و اثربخش خلبانان تیزپرواز هوانیروز در دفاع مقدس، مخصوصاً در منطقه خوزستان نبود، احتمالاً سرنوشت جنگ به کلی تغییر می‌کرد و همه می‌دانیم در آن شرایط، اگر پیشروی دشمن به کمک نیروهای زمینی، هوایی و هوانیروز سد و متوقف نمی‌شد، با دشمن در حال حرکت، آن هم با استعداد تقریباً سه برابر، احتمالاً تاکتیک‌ها جوابگو نبود و می‌رفت که اهواز نیز همانند خرمشهر عزیز به دست نیروهای عراقی بیفتد، که در این صورت بازپس‌گیری چنین شهر استراتژیک که هدف عمده صدام بود، کاری بس دشوار و شاید غیرممکن می‌شد.

۸- فرماندهان در شرایط بسیار بحرانی آغاز جنگ، از توانمندی این یگان در کلیه زمینه‌ها اعم از آتش‌های پشتیبانی، فرماندهی و کنترل و هدایت عملیات‌ها و نیز انجام شناسایی‌های مورد نیاز، حداکثر بهره‌برداری را به عمل آوردند، که خود از نقش مؤثر و تعیین‌کننده این یگان در جنگ حکایت دارد.

۲۳. منابع

۱. ایزدی، پیروز (۱۳۸۱)؛ *نیروی زمینی و جنگ*، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، معاونت تحقیق و پژوهش.
۲. آراسته، ناصر (۱۳۹۱)؛ *چرا و چگونه*، تهران، ایران سبز.
۳. جعفری، مجتبی (۱۳۸۴)؛ *اطلس نبردهای ماندگار نزاجا*، انتشارات نیروی زمینی اجا.
۴. جوادپور، محمد؛ نیکفرد، علی؛ حسینی، سید یعقوب (۱۳۷۳)؛ *ارتش ج.ا.ا در هشت سال دفاع مقدس، نبردهای غرب دزفول*، جلد اول، سازمان عقیدتی سیاسی اجا، انتشارات ارتش.
۵. حسینی، احمد (۱۳۹۱)؛ *ناگفته‌هایی از روزهای اول جنگ* یا *یادی از حماسه مقاومت خرمشهر*، تهران، سازمان آثار دفاع مقدس اجا.

۶. حسینی، سید یعقوب؛ بختیاری، مسعود؛ لطفی، محمدحسن (۱۳۷۳)؛ *ارتش ج.ا.ا در هشت سال دفاع مقدس، نبردهای غرب اهواز و سوسنگرد*، جلد دوم، سازمان عقیدتی سیاسی آجا.
۷. حسینی، سید یعقوب؛ جوادی پور، محمد (۱۳۷۳)؛ *ارتش ج.ا.ا در هشت سال دفاع مقدس، اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان*، جلد سوم، سازمان عقیدتی سیاسی آجا.
۸. رشیدی، مهدی (۱۳۹۱)؛ *فعالیت‌های هوانیروز در ۸ سال دفاع مقدس*، معارف جنگ هوانیروز.
۹. کریمزاده، اردشیر (۱۳۸۸)؛ *حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس*، تهران، نودید طراحان.
۱۰. کیانی، سورنا، *شمشیر پیروزی*، تهران، سازمان آثار دفاع مقدس ارتش ج.ا.ا، ۱۳۸۳.
۱۱. گروه پژوهش و نگارش انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی (۱۳۷۲)؛ *نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس*، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
۱۲. معین وزیری، نصرت الله (۱۳۸۲)؛ *تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ*، تهران، سازمان آثار دفاع مقدس آجا.
۱۳. *خبرگزاری ایسنا*، ۱ مهرماه ۹۳.
۱۴. *خبرگزاری ایرنا*، ۹۳/۷/۱.
۱۵. *روزنامه جمهوری اسلامی ایران* ۸/۲۰ ۱۳۵۹.
۱۶. *مجله صف*، ماهنامه ارتش جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۹۶.
17. <http://isna.ir/fa/news/93070100196/>
18. <http://maarefjang.ir/amaliatha/2012-11-18-12-14-49>
19. <http://rasekhoon.net/news/show/217702/>
20. <http://socialreporter.persianblog.ir/post/252/>
21. <http://www.aja.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=9c23030c-6a3a-477f-923f-fd3a1094d8f6>
22. <http://www1.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=100936020617>

بررسی آثار و پیامدهای شکست حصر سوسنگرد در زمینه دور کردن تهدیدات دشمن از اهواز در نتیجه حفظ سرزمین خوزستان و نقش نماینده حضرت امام(ره) در سال اول جنگ تحمیلی

جواد رفیعی‌راد^۱، امیرحسین قادری^۲

چکیده

با تغییرات ژئوپلیتیک حاصل از انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران که مستقل از شرق و غرب ایجاد گردید، منافع عمده غرب و امریکا و سپس شرق در منطقه مورد تهدید جدی قرار گرفت؛ لذا استکبار به فکر مهار این انقلاب، محبوس کردن، به سازش کشیدن، از محتوی تهی کردن و در نهایت ساقط کردن آن افتاد و اقدامات زیادی انجام داد که جنگ در سال ۱۳۵۹ توسط صدام و ارتش عراق و هجوم سراسری به کشور ایران در پایان شهریورماه همان سال با هدف شکست سریع انقلاب اسلامی و با زمینه‌سازی‌های فراوان نظامی و سیاسی از جمله اصلی‌ترین این اقدامات بود. اهداف جنگ از نظر صدام لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، جدائی قسمت‌هایی از ایران و در نهایت سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بود (ناصر آراسته، ۱۳۸۸: ۴۱). باورهای ناصواب هدایت‌کنندگان آشکار و پنهان یکی از طولانی‌ترین نبردهای معاصر، آنان را به این نتیجه سراسر اشتباه رسانده بود که در فرصتی اندک به اهداف سیاسی نظامی خود دست می‌یابند. ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرفراز از حضور در آغوش مردم به عنوان پایه و ستون اصلی میدان نبرد، با حمایت حضرت امام (ره) و پشتیبانی ملت فداکار در قالب یگان‌های منظم و همراهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یگان‌های مردمی بسیج مستضعفین در فرصتی اندک در تمام خطوط نبرد زمینی و در هوا و دریا به مقابله با دشمن پرداختند و در نبرد هشت ساله دفاع مقدس، تمامیت ارضی و استقلال کشور الهی ایران را حفظ کرده و تاریخ ارزشمندی را برای آیندگان به یادگار گذاشتند.

۱. سرهنگ جواد رفیعی راد: دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی دافوس آجا.

۲. ستوان امیرحسین قادری: دانشجوی کارشناسی ارشد برق و الکترونیک.

متعاقب شلیک یک گلوله توپ در ساعت ۱۱۰۰ روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ توسط صدام حسین به سوی مرزهای ایران و به دنبال حملات هوایی به شهرهای داخلی و مرزی جمهوری اسلامی، تلاش همه‌جانبه نیروی زمینی عراق آغاز شد و مواضع نظامی و تأسیسات غیرنظامی ایران در نزدیک مرز، زیر آتش قرار گرفت. در ساعت ۱۸۰۰، پس از اجرای آتش سنگین در مناطق مرزی، حرکت عناصر جلودار لشکرهای عراقی به طرف مرز آغاز شد. تهاجم گسترده عراق به ایران در استان خوزستان در سه محور عمده انجام گرفت. در جبهه غرب دزفول و شوش، رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران توانستند دشمن را در غرب رودخانه کرخه زمین‌گیر کرده و از قطع جاده اهواز - اندیمشک جلوگیری نموده و حتی سرپلی را نیز در غرب رودخانه در پای پل کرخه، حفظ نمایند. در جبهه اهواز - خرمشهر و آبادان، قسمتی از خرمشهر اشغال گردید و آبادان به شکل ناقص به محاصره درآمد. ولی در جبهه بستان - سوسنگرد و هویزه، مقاومت سرسختانه نیروهای ایرانی که انسجام کاملی هم نداشتند، باعث گردید تا عراق بارها سمت حملات خود را تغییر دهد، ولی هیچ‌گاه نتوانست موفقیتی در این زمینه به دست آورد؛ لذا جهت حفظ روحیه نیروهای متجاوز خود برای بار اول به تصرف شهر سوسنگرد در مورخه ۵۹/۷/۶ اکتفاء نمود تا بتواند با تغییر نام آن به خفاجیه، زمینه تبلیغاتی محدودی را فراهم آورد. این اقدام مجدداً در ۵۹/۸/۲۵ تکرار شد و ارتش عراق با محاصره سوسنگرد قصد اشغال مجدد این شهر را داشت که لشکر ۹۲ زرهی خوزستان با حماسه‌آفرینی‌های تیپ ۲ زرهی دزفول، یگان‌های جنگ نامنظم شهید چمران و نقش محوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بلافاصله با هماهنگی یگان‌ها و رزمندگان موجود در منطقه، اقدام به شکست محاصره و بازپس‌گیری سوسنگرد نمود و این عملیات در ساعت ۰۶۳۰ مورخه ۵۹/۸/۲۶ آغاز شد. محور اصلی حمله در مسیر حمیدیه به سوسنگرد در جنوب رودخانه کرخه انتخاب شد و در شمال رودخانه نیز به طرف روستای سبحانیه و سوسنگرد حمله دیگری هم‌زمان اجرا گردید. نتیجه این عملیات بدین گونه بود که شهر سوسنگرد آزاد و مواضع پدافندی نیروهای عراق به رودخانه مالکیه متمایل گردید. جاده حمیدیه - سوسنگرد آزاد و نیروهای متجاوز تا رودخانه کرخه کور عقب‌نشینی کرده و اهواز از محور تهدید دشمن خارج گردید. این مقاله به تشریح چگونگی نبرد بزرگ و غرورآفرین عملیات آزادسازی سوسنگرد و نقش محوری مقام معظم رهبری در هدایت آن پرداخته است.

واژگان کلیدی: تیپ ۱ زرهی دزفول، سوسنگرد، عملیات آفندی، نقش محوری مقام معظم رهبری

مقدمه

منطقه‌ای که امروزه عراق نامیده می‌شود، قبل از قرن پانزدهم میلادی و تأسیس امپراطوری عثمانی، بخشی از قلمرو ایران بوده و خانواده آق‌قویونلو بر آن حکمرانی داشت. این منطقه توسط سلطان مراد چهارم در سال ۱۶۳۸ از خاک ایران جدا شد و بعدها تحت نام بین‌النهرین بخشی از امپراطوری عثمانی محسوب گردید. اختلافات دو کشور ایران و عراق ریشه‌ای عمیق در تاریخ گذشته دارد و در واقع، باید اختلافات بین ایران و عثمانی از زمان جنگ چالدران به بعد را سنگ بنا و میراثی به شمار آورد که روابط دولت بعدی حاکم بر بین‌النهرین با همسایه شرقی خود را شکل داده و هدایت کرده است. این اختلافات باعث شده است که طی دوره‌ای ۴۲۰ ساله، ۱۶ قرارداد رفع اختلاف مرزی بین ایران و عثمانی و ایران و عراق منعقد گردد که آخرین آنها قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر می‌باشد. با انعقاد این قرارداد، به نظر می‌رسید که به همه منازعات و اختلافات خاتمه داده شده است، لیکن در عمل چنین نشد. نکته قابل توجه در زمینه بررسی اختلافات، نقش مداخله‌جویانه و تحریکات قدرت‌های خارجی در دامن زدن به این اختلافات است که با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام (ره) و به هم خوردن ساختار قدرت امنیتی در منطقه و به خطر افتادن منافع نامشروع امریکا در ایران و خلیج فارس، عملاً این تحریکات و توطئه‌ها ابعاد گسترده‌ای یافت و کشورهای عربی منطقه و در رأس آنها عراق، که تحت تأثیر تبلیغات منفی استکبار جهانی قرار گرفته بودند، بدون آگاهی واقعی از اهداف جمهوری اسلامی، ایران را سرچشمه تهدید علیه خود دانسته و با حمایت همه جانبه امریکا و کشورهای مرتجع منطقه زمینه برای تهاجم عراق به ایران فراهم گشت (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۴۰۳).

دولت عراق و صدام حسین برای دستیابی به اهداف جاه‌طلبانه و توسعه‌طلبانه خود و اسلافش و با این تصور که می‌تواند خلاء قدرت ناشی از سقوط شاه در منطقه خلیج فارس را پر نموده و نقش رهبری اعراب را به بهانه دفاع و گسترش آرمان‌های ناسیونالیسم عرب و حزب بعث احراز کند، ضمن انجام صحنه‌سازی‌های دیپلماتیک به منظور لطمه‌زدن به روابط دو جانبه خود با ایران و ایجاد زمینه برای اقدامات بعدی، مبادرت به ایداء و اخراج و مصادره

اموال منقول و غیرمنقول حدود ۵۰ هزار نفر از اتباع شیعه عراق به اتهام ایرانی‌الاصل بودن آنها، مزاحمت برای اعضاء سفارت جمهوری اسلامی ایران در عراق، پناه دادن به بسیاری از ضدانقلابیون فراری و وابستگان رژیم گذشته ایران، چاپ نقشه‌های جعلی استان خوزستان و تغییر اسامی شهرهای منطقه، اعزام عده‌ای از خرابکاران آموزش دیده عراقی به داخل خاک ایران به منظور خرابکاری در مراکز حیاتی، احداث پاسگاه‌های جدید مرزی و تقویت پاسگاه‌های قدیمی، فراخوانی نیروهای ذخیره ارتش عراق، بجز افراد ایرانی‌الاصل و صدها توطئه دیگر، عملاً عمق کینه‌توزی و شرارت خود را نشان داده و با پشتیبانی کشورهای بلوک شرق (سابق) و غرب و عقد قراردادهای نظامی و تسلیحاتی با کشورهای مختلف جهان و تجهیز ارتش خود به مدرن‌ترین سلاح‌های روز، خود را برای تهاجم گسترده به ایران آماده می‌نمود.

به تدریج، نیروهای عراقی در حوالی مرز گسترش یافته و درگیری‌های پراکنده مرزی در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ آغاز گردید و در نیمه اول سال ۱۳۵۹ ابعاد گسترده‌تری یافت و این در شرایطی بود که نیمی از توان ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه شمال غرب درگیر نبرد با ضدانقلاب و گروه‌های مختلف بودند و از نظر توان رزمی، با توجه به حوادث انقلاب و تسویه‌های مختلف و کاستن از خدمت سربازی و عوامل متعدد دیگر، عملاً قدرت دفاعی ما کاهش پیدا کرده بود. بجز اقدامات فوق، عراق قبل از شروع تجاوز ناجوانمردانه خود بارها ادعاهای مربوط به استرداد جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی به اعراب و حاکمیت کامل بر اروندرود (شط‌العرب) و پس گرفتن زمین‌های به اصطلاح متعلق به عراق که در کنترل ایران می‌باشد را تکرار کرد و خواستار اعمال حاکمیت کامل بر تمامی سرزمین‌های متعلق به آن کشور و به زعم حاکمان عراق، شط‌العرب گردید و سرانجام، صدام حسین در سخنرانی ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ خود در مجلس ملی عراق، قرارداد الجزایر را به طور یک‌جانبه ملغی اعلام نمود. بدین‌سان و با توجه به تحریکات و اقدامات تجاوزکارانه در مرزها، صدام حسین عملاً به کشور ما اعلان جنگ داد و جنگی خانمان‌سوز، ویرانگر و مخرب منابع مالی و انسانی و بسیار طولانی را به میهن ما تحمیل کرد، نبردی که خسارات بسیار سنگین در پی داشت، اما عراق هرگز به اهداف شوم خود نرسید (پورداراب، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

انگیزه‌های ژئوپلیتیک عراق برای جنگ

- ✓ عراق در خلیج فارس ۵۸ کیلومتر و ایران ۱۲۵۰ کیلومتر ساحل دارد و عراق به دنبال گسترش این ساحل بود.
- ✓ عراق می‌خواست نفت کویت یا ایران و در مجموع بیش از ۳۰ درصد نفت خاورمیانه را در اختیار داشته باشد.
- ✓ صدام نگران سرایت تفکر انقلاب اسلامی به شیعیان عراق که اکثریت جمعیت این کشور را شامل می‌شوند، بود و ضروری می‌دید انقلاب را محبوس یا نابود نماید (ناصر آراسته، ۱۳۸۸: ۴۵).
- ✓ استرداد جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی.
- ✓ تجزیه خوزستان (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۸: ۲۶).

اشتباهات محاسباتی ارتش عراق در تحمیل جنگ به جمهوری اسلامی ایران

- ✓ اشتباه در محاسبه مؤلفه‌های قدرت ملی ایران توسط غرب و صدام بر اساس مبانی اطلاعات راهبردی آن از جمهوری اسلامی ایران.
- ✓ محاسبه قدرت ملی از دیدگاه میلیتاریستی.
- ✓ آمادگی ارتش عراق و کسب آمادگی برتر در چهار سال (۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹) (صرف ۳۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی، اختصاص بیش از ۸۰ درصد درآمد متوسط ۳۴ میلیارد دلاری سالانه نفت به امر تجهیز ارتش).
- ✓ پیش‌بینی حمایت مستقیم و غیرمستقیم مادی و معنوی کشورهای غربی و عربی از اقدام او.
- ✓ رهبری جهان عرب (آراسته، ۱۳۸۸: ۴۷).

۲. ادبیات نظری

۱-۲. آفند

این اقدام در برگیرنده فعالیت‌هایی است که در فرهنگ عمومی تاریخ جنگ تحت عنوان «عملیات» شناخته شده و عموماً شامل حرکت نیروهای خودی به طرف دشمن جهت تصرف

اهداف و مواضع جدید می‌باشد و عمده‌ترین بخش تاریخ جنگ را، به ویژه در ستون نوشتاری، به خود اختصاص داده و عموماً به عنوان تنها رویداد جنگ ثبت، معرفی و شناخته شده است (مجتبی جعفری، ۱۳۸۸: ۱۶).

اقدام آفندی مؤثرترین و قطعی‌ترین عمل برای دستیابی به هدف و کسب و حفظ ابتکار عمل و بهره‌برداری از آن می‌باشد. اصل آفند در ابعاد راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی اجرایی بوده و سبب کسب ابتکار عمل گردیده و دشمن را در وضعیت انفعالی قرار می‌دهد (نصرت‌الله معین‌وزیری، یاسینی، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

۲-۲. عملیات آفندی

هدف از عملیات آفندی انهدام و از بین بردن میل جنگجویی دشمن و تحمیل اراده و خواست خودی بر دشمن است، به نحوی که از ادامه مبارزه دست کشیده و تسلیم خواسته‌های ما گردد (همان: ۱۶۹).

۲-۲-۱: منظور از اجرای عملیات آفندی

- ✓ انهدام نیروهای دشمن و از بین بردن روحیه و میل جنگجویی او
- ✓ تأمین یک عارضه یا زمین حساس
- ✓ محروم کردن دشمن از منابع مورد نیاز
- ✓ کسب اخبار و توسعه اطلاعات
- ✓ منحرف ساختن و فریب دادن دشمن
- ✓ تثبیت دشمن در مواضع خود و جلوگیری از مداخله آنها در مانور نیروهای خودی
- ✓ کسب ابتکار عمل و یا سلب آن از دشمن
- ✓ پیشگیری از تک دشمن
- ✓ جستجو برای دستیابی به موقعیت زمانی و مکانی مناسب جهت وارد آوردن ضربه قطعی بر دشمن و انهدام نیروهای او و شکست کامل دشمن در قالب تسلیم و تمکین وی (همان: ۱۷۲).

۲-۲-۲. ملاحظات اساسی عملیات آفندی

- ✓ درک صحیح مأموریت محوله و نیت رده بالاتر

- ✓ شناخت دقیق جو، زمین و دشمن
- ✓ طرح ریزی مشروح، متکی بر مشاوره و هماهنگی با رده‌های اجرایی، توأم با تجسم جمیع حوادث احتمالی
- ✓ حفظ اسرار عملیات و فریب دشمن نسبت به محتوای طرح‌های عملیات و تمرکزات خودی
- ✓ تمرکز توان رزمی تعیین‌کننده در راستای طرح عملیات مصوبه و طرح فریب
- ✓ خاموش کردن آتش‌های پدافندی دشمن و خنثی کردن موانع
- ✓ زدن ضربه ناگهانی، سریع و مهلک به دشمن، با درگیر نمودن هم‌زمان او در جلو، جناحین، عقب و فضا
- ✓ حفظ دور تک و ابتکار عمل و هدایت تک به سوی عمق منطقه دشمن
- ✓ انعطاف‌پذیری و آمادگی در مقابل وضعیت‌های غیرمترقبه
- ✓ پیش‌بینی پشتیبانی متحرک و مداوم (همان: ۱۷۷).

۳-۲. سوسنگرد

این شهر در ابتدا روستایی به نام خفاجیه بوده که بعدها در زمان حکومت پهلوی به سوسنگرد تغییر نام یافت. شهر سوسنگرد مرکز شهرستان دشت آزادگان (واقع در استان خوزستان) و مهم‌ترین شهر آن است. فاصله شهر سوسنگرد تا اهواز ۵۵ کیلومتر و تا بستان ۲۸ کیلومتر است، رودخانه کرخه از شمال آن می‌گذرد و شعبه‌ای از کرخه نیز از داخل شهر عبور کرده و در غرب و جنوب‌غربی شهر دو رودخانه سابله و مالکیه از آن منشعب می‌شوند (ولدانی، ۱۳۸۷: ۴۳).

۳-۲-۱. تاریخچه عملیات

با پیروزی انقلاب اسلامی، رژیم بعث عراق کوشید با فعال کردن دستگاه تبلیغاتی و القای افکار «پان عربیسم» و فرستادن پول و سلاح و همچنین انجام عملیات‌های مین‌گذاری و انفجار پل‌ها و مراکز شهری و با استفاده از نارسایی‌های موجود در منطقه، وضعیت نامطلوب امنیتی و

سیاسی برای نظام اسلامی مان ایجاد کند که با درایت و مقاومت مردم ولایت‌مدار و انقلابی منطقه دشت آزادگان ناکام ماند.

در زمان جنگ، ارتش عراق سه بار برای تصرف سوسنگرد تلاش کرد که با مقاومت شدید مردم مواجه گردید، ولی در حمله سوم، شهر در محاصره ارتش عراق قرار گرفت. با حمله عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عناصر تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ اهواز، مستقر در پاسگاه صفریه و سوبله، نتوانستند حملات یک لشکر عراق را دفع کنند و به ناچار با اجرای عملیات تأخیری عقب نشستند. لذا لشکر ۹ مکانیزه عراق کم‌کم به محور سوبله، تنگه چزابه و ارتفاعات الله‌اکبر رسید. عراقی‌ها موفق شدند روی رودخانه کرخه و رمیم پل شناور نصب کنند. به این ترتیب، بستان به طور کامل سقوط کرد و عراقی‌ها از شمال و غرب وارد شهر شدند. آنها با پیشروی در محور بستان - سوسنگرد این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دادند. علاوه بر این، عراقی‌ها در جنوب کرخه و از محور نشوه، کوشک، طلائییه و جفیر وارد ایران شده و در این محور رو به شمال پیشروی کرده و به کرانه جنوبی کرخه کور رسیده بودند. آنها با عبور از کرخه کور، به قصد تصرف حمیدیه و سوسنگرد در دو ستون پیشروی کرده و به حاشیه جنوبی حمیدیه و سوسنگرد رسیدند. عراقی‌ها پس از شکستن مقاومت مدافعان اندک آن، در روز ششم مهر، سوسنگرد را اشغال کردند. فرماندهان عراقی، اداره شهر اشغال‌شده را به گروه «جبهه التحرير» سپردند. پیشروی عراقی‌ها به سوی اهواز ادامه یافت تا اینکه رزمندگان جان برکف، چهار روز بعد، یعنی شب هنگام ۱۳۵۹/۷/۹، با شبیخون به عراقی‌ها قوای ارتش عراق را مجبور به عقب‌نشینی کردند و تعقیب عراقی‌ها ادامه یافت و در ۱۳۵۹/۷/۱۰، رزمندگانی از سپاه اهواز به فرماندهی علی غیوراصلی (درجه‌دار انقلابی ارتش) شهر را آزاد کردند و جبهه التحرير را بیرون راندند (گزارش سپاه خوزستان از عملیات سوسنگرد، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند ۱۷۵۲).

عراق حملات مجدد خود را از ۱۳۵۹/۷/۱۷ آغاز نمود و در ۱۳۵۹/۷/۲۱ بستان را اشغال و در ۱۳۵۹/۸/۲۴ سوسنگرد را از سه طرف محاصره کرد و وارد آن شد؛ لیکن رزمندگان اندک مدافع شهر با مقاومت خود مانع سقوط شهر شدند. دو روز بعد در ۱۳۵۹/۸/۲۶، رزمندگان ارتش و ستاد جنگ‌های نامنظم (گروه شهید چمران) به کمک محاصره‌شدگان آمدند و بار دیگر شهر را آزاد کردند. از افرادی که در این شهر باقی مانده بودند، رزمنده‌های

آذربایجان‌ی بودند که به خاطر همین، در شهر سوسنگرد بوستانی به همین اسم، نامگذاری شده است (سند شماره ۲۱۴۷۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش پاسداران اعزامی از تبریز به منطقه سوسنگرد).

۲-۳-۲. جغرافیا

شهرستان مرزی دشت آزادگان شامل بخش‌های هویزه و بستان با مرکزیت شهر سوسنگرد است. این شهرستان در ۵۵ کیلومتری غرب اهواز واقع گردیده، تا بستان ۳۰ کیلومتر و تا مرز چاباه ۵۵ کیلومتر فاصله دارد. رودخانه کرخه از شمال آن می‌گذرد و «نهر نیسان» که از این رودخانه جدا می‌شود، از درون سوسنگرد عبور کرده و شهر را به دو قسمت تقسیم می‌کند (رزاق‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

۲-۳-۳. جمعیت

جمعیت سوسنگرد در دهه ۱۳۸۰ شمسی به ۹۵ هزار نفر رسیده و در نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ به ۹۹۸۳۱ نفر رسیده است (درگاه رسمی آمار ایران)، ولی در زمان اشغال کمتر از این آمار بوده است.

۲-۳-۴. مردم

مردم این شهر عرب‌زبان هستند و پیشه عمده آنان کشاورزی است. از جمله طوایف ساکن در شهر، می‌توان از بنی طرف (طایفه‌ای بزرگ)، آلبویلال (جلالی)، بنی ساله، دحیمی، حمودی، بیت داغر، حریزات (حریزایی)، نیس (مدحج)، مرض، ابوعبید، سواری، سادات، زبیدات، ابوچلده، سواعد، بیت‌حردان و بیت‌مه‌اوی نام برد (شبکه اطلاع‌رسانی ساختمان ایران، ۱۳۹۱).

۲-۴. تیپ ۲ زرهی دزفول

۲-۴-۱. تاریخچه تیپ قبل از انقلاب

تیپ ۲ زرهی دزفول در تاریخ ۱۳۴۲/۸/۱، با اعزام گردان‌های ۱۰۵ پیاده از شیراز و گردان ۸۴ تانک از کرمانشاه به نام تیپ آذربرزین در قالب لشکر ۸ اهواز در پادگان دزفول تشکیل گردید. در سال ۱۳۴۵، گردان ۸۴ تانک، به تانک ام ۶۰ مجهز گردید و به گردان ۲۱۷ تغییر نام داد و گردان ۱۰۵ پیاده نیز به نفربر مجهز شد و ترکیب آن پیاده مکانیزه گردید. در سال ۱۳۴۸، یک گردان تانک ام ۶۰ به نام ۲۱۵ به تیپ واگذار شد که از همان زمان دارای دو

گردان تانک و یک گردان پیاده مکانیزه گردید. این روند ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۵۴، دو گردان تانک چیفتن به نام‌های ۲۰۷ و ۲۵۶ در تیپ تشکیل شد و پس از تکمیل سازماندهی و آموزش‌های مربوطه در سال ۱۳۵۵، گردان‌های ۲۱۵ و ۲۱۷ تانک به لشکر کرمانشاه منتقل گردیدند و تیپ با همین سازماندهی وارد دوران انقلاب و جنگ تحمیلی گردید (اسناد و مدارک تیپ ۲ لشکر ۹۲ در حال حاضر).

۲-۴-۲. تاریخچه تیپ بعد از انقلاب

تیپ ۲ دزفول با توجه به مشکلات بوجود آمده بعد از انقلاب (عوض شدن فرماندهان، شیطنت منافقین مبنی بر انحلال ارتش)، طبق فرمان قاطع حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) که فرمودند ارتش باید بماند، ماند و به بازسازی، آموزش و تعمیر و نگهداری مشغول بود تا اینکه بر اساس فرمان تاریخی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، از اواخر خرداد ۱۳۵۹ به منطقه اعزام گردید. بنابراین، با توجه به آغاز رسمی جنگ در ۵۹/۶/۳۱، این تیپ در ماه‌های قبل از شروع رسمی جنگ، در مناطق مرزی حضور داشته است، همچنان که مقام معظم رهبری در میدان صبحگاه لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در اسفندماه سال ۱۳۷۹ از تیپ ۲ دزفول چنین یاد می‌کنند: «همین منطقه خوزستان بود که یک تیپ از لشکر ۹۲ در جنوب خوزستان و تیپ ۲ زرهی دزفول در شمال خوزستان هر کدام توانستند جلوی چند لشکر مجهز بعثی عراق که توانسته بودند مرز را بشکنند، بایستند و ایستادگی کنند» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای).

در طول هشت سال دفاع مقدس، این تیپ تعداد زیادی از کارکنان پایور و وظیفه ایثارگر وفادار خود را در جهت حراست از این آب و خاک تقدیم انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نموده است. شایان ذکر است تیپ ۲ در بیش از ۱۵ عملیات غرورآفرین در دوران دفاع مقدس حضور داشته است که از جمله می‌توان عملیات پدافندی کرخه - شوش، عملیات آفندی پای پل کرخه، عملیات پدافندی پای پل کرخه، عملیات غرورآفرین آزادسازی سوسنگرد، عملیات پدافندی سوسنگرد، عملیات آفندی الله‌اکبر (خیر)، عملیات طریق‌القدس، عملیات فتح‌المبین، عملیات بیت‌المقدس، عملیات رمضان و غیره را نام برد که در این عملیات‌های غرورآفرین تعداد ۴۱۸ شهید، ۷۱ جانباز و ۱۵ آزاده را تقدیم این انقلاب و آب و خاک نموده است. فرماندهان

بررسی آثار و پیامدهای شکست حصر سوسنگرد... ۱۶۳/

تیپ از سال ۱۳۵۷ تا پایان جنگ تحمیلی عبارتند از: سرهنگ فتاحی (۱۳۵۷/۱۱/۲۳ تا ۱۳۵۸/۵/۱۵)، سرهنگ باوندپور (۱۳۵۸/۵/۱۵ تا ۱۳۵۹/۶/۲۸)، سرهنگ امرالله شهبازی (۱۳۵۹/۶/۲۸ تا ۱۳۶۰/۶/۳۰)، سرهنگ سرانجام (۱۳۶۰/۷/۱ تا ۱۳۶۱/۱/۵)، سرهنگ سید مجتبی تهامی (۱۳۶۱/۱/۶ تا ۱۳۶۲/۲/۳۰)، سرهنگ مرزبان (۱۳۶۲/۲/۳۰ تا ۱۳۶۵/۵/۲۰)، سرتیپ ۲ مرزبان (۱۳۶۵/۵/۲۰ تا ۱۳۶۸/۴/۶).

تیپ ۲ زرهی دزفول در تاریخ ۹۰/۳/۳، هم‌زمان با سالروز ولادت دخت پیامبر اسلام(ص) و سالروز تولد حضرت امام خمینی(ره)، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران و سالروز آزادسازی خرمشهر به نام تیپ ۲۹۲ مستقل زرهی شهید سرلشکر غلامرضا آزادی نامگذاری گردید (اسناد و مدارک تیپ ۲۹۲ زرهی).

۳. هجوم عراق به خوزستان

هجوم و تجاوز نیروهای عراق به خوزستان در جبهه‌ای عریض، که سراسر مرزهای این استان را با عراق شامل می‌شد (یعنی از موسیان در شمال تا شلمچه در جنوب)، تقریباً با استفاده از تمامی معابر و محورهای وصولی موجود در منطقه مرزی صورت گرفت.

پس از ماه‌ها درگیری‌های بزرگ و کوچک بین طرفین در مناطق پاسگاه‌های مرزی، که اکثراً به صورت تبادل آتش‌های سنگین و سبک و گاهی همراه با تجاوز زمینی نیروهای عراقی در خوزستان و استان‌های ایلام و باختران بود، سرانجام در بعدازظهر روز سه شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰)، آفند عمومی عراق به ایران که برابر شواهد و قرائن عملیات نظامی چندان هم بر خلاف انتظار و غیرقابل پیش‌بینی نبود، آغاز شد.

نیروهای رزمی پیاده، مکانیزه و زرهی مجهز عراق که از مدت‌ها پیش خود را برای این هجوم آماده کرده بودند، در خطوط مرزی مشترک و در یک عرض تقریبی حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مرز را پشت سر نهاده و از گستردگی جبهه و درگیری بخش بزرگی از یگان‌های نیروی زمینی ارتش در کردستان و سایر مناطق آشوب‌زده، استفاده برده و از مناطق مرزی استان‌های خوزستان و کرمانشاه و ایلام، سرزمین جمهوری اسلامی ایران را مورد تهاجم قرارداده و در بخشی از مناطق موفق شدند پیشروی نمایند.

محور چزابه - بستان - سوسنگرد - حمیدیه به اهواز از مهم‌ترین محورهای تجاوز دشمن بعثی برای تصرف اهواز و سپس اشغال خوزستان بود و به همین دلیل، صدام مأموریت اشغال سوسنگرد و تصرف اهواز را به لشکر ۹ زرهی (به همراه لشکر پنج عراق از محور طلائیة - پادگان حمید) واگذار کرد.

با نگاهی به هدف‌گذاری عراق، گویا از مهم‌ترین اهداف عراق در جنگ، اشغال خوزستان و در اشغال خوزستان نیز مهم‌ترین هدف عراق اشغال اهواز بوده است؛ بنابراین، تلاش عراق در جبهه میانی (مناطق بستان و سوسنگرد) از مهم‌ترین و اصلی‌ترین تلاش است که در صورت موفقیت، برای تحقق همه اهداف خود تا حد بسیاری امیدوار می‌گردید و اگر شکست می‌خورد، در تحقق کل هدف ناکام و ناامید می‌شد.

بدون تردید استان خوزستان هدف اصلی و اساسی نیروهای دشمن در این تجاوز بود. نیروهای متجاوز به رغم دارا بودن توان رزمی برتر و تحرک عالی، به دلیل همان مقاومت‌های پراکنده ولی شدید نیروهای ایرانی با سرعتی نه چندان زیاد، خود را تا رودخانه‌های کارون و کرخه رسانیده و توانستند مناطق وسیعی را در غرب و جنوب‌غرب خوزستان که به بیش از ۱۳۰۰۰ کیلومترمربع بالغ می‌شد، اشغال و شهرهای موسیان، بستان، هویزه، خرمشهر و صدها روستای بزرگ و کوچک را تصرف نمایند. رسیدن نیروهای متجاوز به چند کیلومتری دزفول و اندیمشک و منطقه دوکوهه، که در واقع گلوگاه حیاتی و راهبردی خوزستان به شمار می‌آید، و همچنین نزدیک شدن دشمن تا دب حردان در حوالی اهواز، مرکز خوزستان، این استان را در معرض تهدید جدی قرار داد و کشور و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را با وضعیت بسیار خطیری مواجه نمود (بختیاری، ۱۳۸۰: ۳۰).

نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران به رغم وجود آشفتگی‌های فراوان در سازمان رزمی خود و نابسامانی‌های بی‌شمار موجود در سامانه فرماندهی و کنترل آن پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، که ناشی از تجدید سازمان و تطبیق و همسو شدن با شرایط نوین کشور و انقلاب بود، توانستند با مقاومتی دلیرانه و با استفاده از نقاط ضعف عملیاتی ارتش متجاوز، سرانجام هجوم دشمن را مهار و از پیشروی بیشتر متجاوز به عمق بیشتر جلوگیری نمایند و ارتش دشمن را ناگزیر به اتخاذ وضعیت پدافندی و تثبیت در مواضع خود نمایند.

بلافاصله پس از این مرحله عملیات، نیروهای خودی در صدد سازماندهی مجدد و رفع نقایص و افزایش سطح آمادگی رزمی برآمدند و با برخورداری از حمایت بی‌دریغ مردم، که هم به صورت پشتیبانی‌های تدارکاتی پشت جبهه و هم حضور عملی و ایثارگرانه در جبهه‌ها (به صورت رزمندگان داوطلب) بود، بر آن شدند تا کسب آمادگی کامل برای هجوم متقابل به دشمن و آزادسازی تمام مناطق اشغالی و سرکوب قاطعانه متجاوز، حداکثر فرسایش را چه با اجرای آتش بر روی مواضع آنها و چه به صورت تک‌های محدود و محلی بر متجاوز وارد نموده و ضمن اینکه مانع از آسودگی دشمن در مناطق اشغالی می‌شوند، به کسب تجارب عملیاتی پرداخته و روحیه آفندی خود را افزایش دهند و هم تلاش نمایند تا مواضع پدافندی خود را توسعه داده و به این ترتیب مواضع مناسب‌تری را برای تسهیل عملیات آفندی آتی خود به دست آورند و در این راستا، اطلاعات مورد نیاز را از وضعیت دشمن حاصل نمودند (همان: ۳۱).

پس از متوقف کردن هجوم دشمن که می‌توان گفت در همان یک ماه اول صورت پذیرفت، در طول اولین سال جنگ، نیروهای ما با اتخاذ مشی کلی پدافندی در مقابل دشمن، به ترمیم نقایص و رفع کمبودهای بوجودآمده در سازمان و تجهیزات خود، در حد مقدرات پرداخته و در سراسر جبهه‌های جنگ هر زمان که ممکن می‌گردید، تک‌های محدودی را علیه دشمن سازمان داده و به متجاوز هجوم آورده و طعم پیروزی بر دشمن را هر چند کوچک، می‌چشیدند (همان: ۳۲).

مقاومت‌هایی که از طرف دلیرمردان ارتش و نیروهای مردمی در آغاز جنگ در مناطق مرزی صورت گرفت، در برخی جبهه‌ها منجر به کندسازی حرکت، در بخش‌هایی به توقف و در بعضی از مناطق منتهی به تثبیت دشمن گردید. در محور سوسنگرد، مقاومت‌ها از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز گردید و با طرح‌های عملیاتی و تدابیر اتخاذشده فرماندهان، مراحل تثبیت و بیرون راندن متجاوز اجرا شد و آزادسازی آن در آذرماه صورت پذیرفت.

با این تدبیر و در این مدت، در جبهه‌های خوزستان، نیروهای ما در حد نسبتاً خوبی موفق به توسعه مناطق پدافندی خود و به دست آوردن مواضع شده بودند و درست یک سال پس از آغاز تجاوز عراق، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران متشکل از ارتش و نیروهای بسیج

مردمی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با به دست آوردن آمادگی نسبتاً مطلوبی، عملیات آفندی بزرگ خود را برای بیرون راندن متجاوز از سرزمین‌های اشغالی آغاز کردند، که با اجرای چهار حمله بزرگ یکی پس از دیگری موفق گردیدند در کمتر از نه ماه، تقریباً خطه زرخیز و حیاتی خوزستان را از لوٹ وجود دشمن پاک نموده و ضرباتی سنگین و مهلک بر متجاوز فرود آوردند، به نحوی که ناگزیر گردد از بیم انهدام بیشتر، سایر مناطق اشغالی در ایران را هم در حد بسیار وسیعی تخلیه نماید و به مواضع مطمئن‌تری در حوالی مرزهای خود عقب‌نشینی نموده و آتش‌بس را درخواست نماید (همان: ۳۲).

به طور کلی، برای تشریح عملیات انجام‌شده در جنوب غربی کشور می‌توان صحنه عملیاتی خوزستان را از نظر شکل زمین و هدف‌های راهبردی نیروهای مسلح ما برای آزاد نمودن مناطق اشغالی به جبهه‌های شمال، میانی و جنوبی تقسیم کرد.

✓ جبهه شمالی استان خوزستان، مناطق غرب رودخانه کرخه در حد فاصل ارتفاعات میشداغ در جنوب تا مناطق شمالی محور موسیان، عین‌خوش و پای پل نادری را شامل می‌شد.

✓ جبهه میانی حد فاصل دامنه‌های جنوبی میشداغ تا کرانه‌های جنوبی رودخانه کرخه کور بود که مناطق شمالی و جنوبی رودخانه کرخه از حمیدیه تا غرب بستان را در بر می‌گرفت.

✓ جبهه جنوبی شامل مناطق غرب رودخانه کارون در محدوده کرانه جنوبی رودخانه کرخه کور در شمال تا رودخانه اروند در جنوب بود (همان: ۳۲).

موقعیت جبهه میانی از نظر جغرافیای طبیعی

منطقه میانی خوزستان به طور کلی شامل منطقه عمومی دشت آزادگان می‌گردد که از بخشداری حمیدیه، واقع در ۲۵ کیلومتری شمال غربی اهواز، شروع می‌شود و به سمت غرب تا مرداب هورالعظیم و مرز ایران و عراق امتداد می‌یابد. منطقه مزبور از شمال به زمین‌ها و تپه ماهورهای رملی و ارتفاعات میشداغ و از جنوب به کرانه‌های جنوبی رودخانه کرخه کور محدود می‌شود و حدوداً عرضی برابر ۳۰ کیلومتر و عمقی نزدیک ۸۰ کیلومتر دارد.

در این منطقه، شهرستان سوسنگرد مرکز فرمانداری دشت آزادگان و شهرهای بستان و هویزه و حمیدیه قرار گرفته‌اند. منطقه پرآب و حاصلخیز بوده و اشتغال عمده اهالی آن کشاورزی است. مردم آن عرب‌زبان، مسلمان، ایرانی و ایران‌دوست هستند، اگرچه دارای پاره‌ای آداب و سنن متداول اعراب می‌باشند.

نهرهای متعددی در این منطقه جاری است که از رودخانه اصلی، یعنی رودخانه کرخه، منشعب گردیده و همگی با یک مسیر شرقی - غربی به مرداب هورالعظیم منتهی می‌شوند. این نهرها شامل کرخه کور، مالکیه، عبید، رمیم و آل‌عباس می‌باشند. رودخانه کرخه در بخش شمال خوزستان دارای یک جهت کلی شمال به جنوب می‌باشد، ولی پس از رسیدن به حمیدیه، تغییر سمت ۹۰ درجه‌ای داده و در مسیر شرقی - غربی، منطقه دشت آزادگان را می‌پیماید و به هورالعظیم می‌ریزد (همان: ۳۴).

زمین منطقه در امتداد مسیر رودخانه کرخه به دو قسمت تقسیم می‌شود که از لحاظ شکل طبیعی کاملاً متفاوت هستند. قسمت جنوبی، دشتی است باز و مسطح و بدون هرگونه برجستگی که عوارض طبیعی آن نهرهای سابقه، مالکیه، نیسان و کرخه کور هستند. در صورتی که زمین واقع در شمال رودخانه کرخه تپه ماهوری است و دو رشته تپه تقریباً موازی از شمال بستان تا حمیدیه وجود دارند که بین آنها دشت کم‌عرضی قرار گرفته است. این دشت و تپه‌های شمالی آن و ادامه آن به سمت غرب تا مرز، زمینی پوشیده از ماسه رملی بوده که حرکات خودرویی و پیاده نظام را بسیار مشکل و در مواردی غیرممکن می‌سازد. رشته تپه‌های جنوبی که بلندترین و مهم‌ترین آن تپه‌های الله اکبر هستند (به ارتفاع ۲۰۰ متر) سخت و محکم می‌باشند (همان: ۳۶).

مشخص‌ترین و عمده‌ترین ارتفاعات در شمال کرخه، بلندی‌های میشداغ هستند که از مناطق شمال‌غربی سوسنگرد شروع می‌شود و با عبور از شمال بستان، تقریباً موازی با مرز ایران و عراق و با فاصله‌ای در حدود ۱۵ کیلومتر از آن تا تپه‌های رقابیه در جنوب‌شرقی فکه امتداد می‌یابد. بلندی میشداغ اگرچه از ۲۴۶ متر تجاوز نمی‌کند، ولی با این حال، بلندترین ارتفاع منطقه است که به صورت مانعی طبیعی می‌تواند به نحو مؤثر در پدافند مورد استفاده قرار

گیرد. دامنه‌های مناطق شمال بستان از تپه ماهورهای رملی پوشیده شده و دو معبر (تنگه) در این ارتفاعات وجود دارند که یکی از آنها به نام تنگه میشداغ (صعده) در شمال غربی بستان بوده و دشت رقابیه (چهپلا) را در دامنه شمالی میشداغ به تپه ماهورهای رملی دامنه جنوبی متصل می‌کند و دیگری تنگه زلیجان است که ده‌ها کیلومتر بالاتر از این تنگه قرار داشته و دشت چهپلا را با دشت‌های شرقی فکه مرتبط می‌سازد (رزاق‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۲).

بررسی منطقه جبهه میانی از جبهه‌های نظامی

بارزترین ارزش نظامی جبهه میانی در این منطقه، وجود محور حلفائیه، چزآبه، سوسنگرد، حمیدیه و اهواز می‌باشد. در یک سر این معبر، اهواز (مرکز خوزستان) به فاصله ۹۰ کیلومتر از مرز قرار دارد و با استفاده از این محور، عراق می‌تواند این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دهد؛ متقابلاً حلفائیه مرکز استان عماره عراق در آن سمت این معبر و در فاصله ۴۰ کیلومتری از مرز ایران قرار دارد و دستیابی ایران به حلفائیه موجب قطع محور بغداد، عماره، بصره می‌شود که از دیدگاه‌های تاکتیکی و راهبردی، عراق را دچار مشکلات شدید و خطرناکی می‌نماید.

اگر مبداء محور یادشده حلفائیه گرفته شود، پس از ۴۰ کیلومتر به پاسگاه مرزی شیب عراق رسیده که در مقابل آن پاسگاه مرزی ایران به نام سوبله قرار دارد و پس از طی ۱۵ کیلومتر از این پاسگاه، محور مزبور به شمال بستان می‌رسد. در فاصله میان بین سوبله تا شهر بستان، به علت وجود تپه ماهورهای رملی در شمال و سواحل مردابی هورالعظیم در جنوب، عرض معبر تنگ شده که این نقطه به نام تنگه چزآبه معروف است. عرض تنگه چزآبه در فصول مختلف به سبب پرابی یا کم‌آبی هورالعظیم بین دو کیلومتر تا کمتر از یک کیلومتر متغیر می‌باشد. محور یادشده پس از رسیدن به شمال بستان به دو شاخه تقسیم می‌شود که یک شاخه در امتداد کرانه شمالی کرخه و دیگری (از طریق پل بستان روی کرخه) در کناره جنوبی رودخانه امتداد می‌یابد. هر دو محور شمالی و جنوبی در حمیدیه به هم متصل شده و به صورت یک محور واحد تا اهواز ادامه دارد. در امتداد محور شمالی، هیچ شهر بزرگ یا کوچکی وجود ندارد، ولی دهکده‌های متعددی در کنار رودخانه قرار گرفته‌اند. در این معبر و به فاصله حدود ۲۰ کیلومتری شرق بستان، تپه‌های الله اکبر (با ارتفاعی نزدیک ۲۰۰ متر) که دارای دید و تیر عالی روی محور شمالی و حتی قسمتی از محور جنوبی هستند و قابلیت‌های لازم برای یک

موضع پدافندی عالی را دارا می‌باشند، قرار دارند. پس از تپه‌های الله‌اکبر تا پادگان دشت آزادگان چندین تپه دیگر با ارتفاع نزدیک به ۷۰ متر وجود دارند که می‌توانند به عنوان مواضع تأخیری مورد استفاده قرار گیرند (بختیاری، ۱۳۸۰: صص ۳۷ و ۳۸).

محور شمال کرخه در انتهای مسیر خود با استفاده از یک پل فلزی، که روی رودخانه کرخه در مقابل پادگان دشت آزادگان قرار گرفته است، با حمیدیه ارتباط پیدا می‌کند. در محور جنوبی، شهرهای بستان، سوسنگرد و حمیدیه قرار گرفته‌اند. در ادبیات نظامی در مباحث تاکتیکی، شهرها برای حرکت نیروها (حداقل تا رده لشکر) مانع محسوب می‌شوند، زیرا باعث کندی حرکت و تجزیه نیروهای مانوری می‌گردند، اما از دیدگاه عملیاتی و راهبردی، تصرف شهرها می‌تواند امتیازات سیاسی، نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی زیادی را برای نیروهای فاتح به وجود آورد، به خصوص اگر شهر دارای ویژگی‌هایی خاص هم باشد، مثلاً مراکز صنعتی یا بندری یا مراکز استان‌ها و غیره ارزش بدست‌آمده را بالا می‌برند. خلاصه آنکه اگرچه شهرها در مانور تاکتیکی نیروهای تک‌کننده مانع محسوب می‌شوند، اما در طرح کلی یک عملیات، ممکن است عارضه‌ای حساس باشند. مثلاً در منطقه دشت آزادگان، شهر بستان و به خصوص شهر سوسنگرد که مرکز فرمانداری دشت آزادگان محسوب می‌گردد، با آن ادعای وحدت قومیت عرب که صدام حسین به راه انداخته بود و با توجه به عرب‌زبان بودن مردم این منطقه و پاره‌ای آداب و سنن عربی که دارند، تصرف این شهرها می‌توانست از سوی رژیم بغداد به عنوان آزادسازی یک منطقه عربی و بازگرداندن آن به دامن مادر عرب تبلیغ گردد. از آن گذشته، افکار عمومی مردم کشورهای درگیر در جنگ، چندان آشنایی به عوارض حساس و کلیدی زمین در مناطق عملیاتی مانند ارتفاعات یا تنگه‌ها و غیره نداشته و نه ارزش آنها را در درگیری‌های عملیاتی می‌دانند و نه غالباً نامی از آنها به گوششان خورده است، ولی در عوض با نام شهرها آشنایی دارند و فتح یک شهر یا از دست دادن آن در نظر آنان حکم پیروزی یا شکست نیروهای نظامی را داشته و آن را عامل تعیین‌کننده سرنوشت جنگ می‌دانند، لذا حکومت‌ها و گردانندگان جنگ به این مسئله توجه خاصی دارند. علاوه بر آن، ممکن است شهری از نظر ویژگی‌های خاص خود و امتیازات نظامی، سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی که برای

نیروهای فاتح به وجود می‌آورد، واقعاً برگ برنده‌ای در دست دیپلمات‌ها در میز مذاکرات و چانه‌زنی‌های سیاسی برای کسب امتیازات به حساب آید، لذا یک عارضه حساس، به زبان نظامی تعریف شود. با توجه به آنچه گذشت، شهرهای بستان، حمیدیه و به ویژه شهر مهم سوسنگرد عوارض حساس محور جنوبی و تپه‌های الله‌اکبر عارضه حساس محور شمالی محسوب می‌شوند، تنگ چزابه و پل‌های روی رودخانه کرخه در بستان، سوسنگرد، حمیدیه نیز عارضه حساس محسوب می‌شوند. موانع منطقه شامل رودخانه کرخه و انشعابات آن، مرداب هورالعظیم و مناطق رملی شمال کرخه و دامنه میشداغ هستند (رزاق‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

چگونگی تجاوز نیروهای عراقی به دشت آزادگان

در اوایل دهه ۱۳۴۰، در بررسی مسائل نظامی و تهدیدات احتمالی عراق در منطقه خوزستان، امکان تهدید اهواز از غرب یعنی از طریق معبر حلفائیه، سوبله، حمیدیه، اهواز مورد توجه قرار گرفت، لذا برای مقابله اولیه با تهدیدات احتمالی دشمن در معابر دشت آزادگان، در برآوردها، پیش‌بینی‌ها و طرح‌های عملیاتی تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در نظر گرفته شد و به همین منظور نیز، پادگان این تیپ در ۱۰ کیلومتری شمال حمیدیه احداث گردید تا در صورت هرگونه تجاوز ناگهانی دشمن به این منطقه، بتوان پیشروی دشمن را روی معابر منطقه با اتکا به نقاط حساسی مانند تنگه چزابه و ارتفاعات الله‌اکبر سد نموده و همچنین با پدافند در کرانه شمالی کرخه کور، مانع از پیشروی جنوبی - شمالی دشمن از محور کوشک، طلائیه، جفیر و کرخه کور، به سمت سوسنگرد و حمیدیه گردد. پس از شدت گرفتن اختلافات ایران و عراق و به ویژه درگیری‌های مرزی در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ و افزایش احتمال آفند عراق به ایران، در خردادماه ۱۳۵۹، نیروی زمینی یک طرح عملیاتی پدافندی به نام طرح ابوذر تهیه نمود. برابر این طرح (که ریشه در طرح‌های پدافندی و عملیاتی قبلی نیروی زمینی داشت)، لشکر ۹۲ زرهی خوزستان می‌بایستی در منطقه مسئولیت خود از حوالی دهلران در شمال، تا دهانه فاو در جنوب خوزستان اقدام به پدافند در مقابل حمله دشمن کرده و هجوم متجاوز را سد نماید، تا لشکرهای ۱۶ زرهی و ۲۱ پیاده به خوزستان وارد شوند و آنگاه آفند متقابل به متجاوز آغاز گردد. به هر حال، لشکر ۹۲ زرهی بر مبنای طرح ابوذر، یک طرح پدافندی به نام حرّ تهیه کرد که بر اساس آن، تیپ ۲ زرهی دزفول در منطقه شمالی، تیپ ۳ در منطقه میانی و

تیپ ۱ در منطقه جنوبی استان خوزستان در مقابل حمله احتمالی عراق پدافند می نمودند و همان طور که در بالا اشاره شد، این تقریباً تکرار همان طرح‌های تهیه شده قدیمی بود، البته در شرایطی که کاملاً تغییر کرده بودند.

بر اساس این طرح، تیپ ۳ زرهی بایستی با استفاده از ارتفاعات الله اکبر در خطرناک‌ترین معبر منطقه و همچنین در کرانه شمالی کرخه کور پدافند نماید. در این زمان، تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی مانند سایر یگان‌های ارتش، به علت شرایط خاص زمانی و اوضاع و احوال حاکم بر ارتش دارای مشکلات بسیاری بود و کارایی رزمی آن به دلایل تقلیل مدت خدمت وظیفه و رهایی و نقل و انتقالات نادرست کارکنان (که موجب عدم کفایت آموزشی و آمادگی وسایل و تجهیزات گردیده بود)، تنزل یافته و به ویژه به علت انتصابات نامناسب و دخالت‌های غیرمسئولانه پاره‌ای از افراد ناآگاه به مسائل نظامی و فرماندهی، از فرماندهی و کنترل ضعیفی برخوردار بود. در چنین وضعیتی، به هر حال عناصر تیپ ۳ زرهی در ۲۱ شهریور ۱۳۵۹، از پادگان حرکت کرده و فردای آن روز استقرار خود را در مواضع پدافندی تپه‌های الله اکبر پایان داده و یک گروهان تقویت شده را نیز با مأموریت نیروی پوششی و مراقبتی در کناره شمالی کرخه کور گسترش داد (بختیاری، ۱۳۸۰: صص ۴۰ و ۴۱).

شایان ذکر است با توجه به استعداد موجود، تیپ ۳ زرهی حداکثر توان خود را در خطرناک‌ترین معبر به کار گرفته بود که از نظر پدافندی امری منطقی و بجا بود، اما با شدت یافتن درگیری در پاسگاه‌های مرزی سوبله و صفریه، یگان‌های تیپ ۳ زرهی بنا به تقاضای ژاندارمری و دستورات ابلاغی، به ناچار مناطق مناسب پدافندی تنگه چزآبه و ارتفاعات الله اکبر را رها کرده و به صورت تجزیه شده و گروهانی در تقویت پاسگاه‌های مرزی سوبله و صفریه وارد عمل شدند و بین دو پاسگاه یادشده، یعنی در عرض تقریباً ۱۱ کیلومتر، گسترش یافتند.

معنی نظامی این اقدام، این بود که یگان‌های تیپ ۳ زرهی به صورت یک نیروی تأمینی و پوششی در خط مرز درآمدند. در حالی که در پشت و عقب آنها هیچ نیرویی در مواضع اصلی پدافندی، یعنی ارتفاعات الله اکبر و تنگه چزآبه، وجود نداشت. گزارش‌های موجود حاکی است

که از روز ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ که عناصر تیپ ۳ زرهی در خط مرز و بین پاسگاه‌های سوبله و صفریه گسترش یافته بودند، با دشمن درگیر شدند (رزاق‌زاده، ۱۳۹۱: صص ۴۱ و ۴۲).

عصر روز ۳۱ شهریور فشار دشمن شدیدتر شد و عناصر تیپ ۳ زرهی در پاسگاه‌های صفریه و سوبله که یک منطقه کاملاً مسطح و باز است، به رغم تلاش، فداکاری و پایداری سرسختانه، نتوانستند حملات دشمن را دفع نمایند و بر اثر فشار لشکر ۹ مکانیزه دشمن، به عقب رانده شدند. متجاوز پس از به تصرف درآوردن مناطق پاسگاه‌های مرزی، به سوی تنگه چزآبه و ارتفاعات الله‌اکبر پیشروی نمود. تیپ ۳ زرهی بر اثر فشار دشمن، به رغم ابراز رشادت، به علت دارا نبودن نیروی لازم و گسترش اولیه در زمین نامناسب پدافندی، نتوانست از تنگه چزآبه برای متوقف کردن دشمن به نحو مؤثری استفاده نماید و با تحمل تلفات تا ارتفاعات الله‌اکبر عقب زده شد. دشمن پس از عبور از تنگه چزآبه و پیشروی در محور شمالی کرخه، بر فشار خود برای دستیابی به ارتفاعات الله‌اکبر افزود. فعالیت چشمگیر و مؤثر یگان‌های توپخانه و هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پشتیبانی از عناصر تیپ ۳ زرهی، مانع از دستیابی سریع و راحت دشمن به ارتفاعات الله‌اکبر شده و تلاش‌های او را خنثی می‌نمود.

روشن بود که تیپ ۳ زرهی با توان رزمی موجود خود قادر به نگهداری قطعی این ارتفاعات نیست، ولی به هر حال، با آنچه در توان داشت مقاومت می‌نمود. تلاش و فعالیت دشمن در محور شمالی کرخه برای تصرف ارتفاعات الله‌اکبر، روزها و بدون نتیجه به درازا کشید و رزمندگان میهن اسلامی با پشتیبانی شدید آتش توپخانه و هوانیروز و نیروی هوایی در مقابل دشمن مقاومت کردند. در روز ۱۸ مهر، دشمن تلاش نمود وارد بستان شود و در واقع، از محور جنوب کرخه هم استفاده نماید. عناصر ژاندارمری و تعدادی از نیروهای مردمی مستقر در بستان که برای جلوگیری از ورود دشمن به شهر در همان روزهای اولیه حمله عراق اقدام به تخریب پل بستان روی کرخه نموده بودند، بر مقاومت خود و جلوگیری از سقوط شهر افزودند، ولی متجاوز با نصب پل‌های شناور روی رودخانه‌های کرخه و رمیم از شمال و غرب وارد شهر گردید و روز ۱۹ مهر، بستان به طور کامل سقوط کرد و به اشغال دشمن درآمد. با پیشروی متجاوز در محور بستان - سوسنگرد، این شهر از غرب مورد تهدید قرار گرفت. از سوی نیروهای دیگری از دشمن که از محورهای کوشک - طلائییه وارد ایران شده بودند و رو به جفیر و اهواز به

سمت شمال پیشروی می نمودند، به رودخانه کرخه کور رسیدند و با عبور از آن، به قصد تصرف حمیدیه و سوسنگرد در دو سمت، یکی به سمت حمیدیه و دیگری به سمت سوسنگرد پیشروی نمودند که روز هشتم مهر، به حاشیه جنوبی شهرهای حمیدیه و سوسنگرد رسیدند و ضمن قطع جاده حمیدیه - سوسنگرد، حتی عناصری از نیروهای دشمن وارد این شهر شدند، ولی نیروهای مردمی و نیروهای نامنظم شهید دکتر چمران و عناصر ژاندرمری با رشادت غیرقابل تصویری با سلاحهای سبک به دشمن حمله ور شده و ضمن وارد آوردن تلفات و خساراتی به دشمن، عناصر متجاوز را چند کیلومتری ناگزیر به عقب نشینی کردند. با ورود نیروهای تازه نفس و تقویت لشکر ۹ زرهی عراق، فشار دشمن برای تصرف ارتفاعات الله اکبر افزوده شد و بالأخره روز ۲۷ مهر، دشمن ارتفاعات الله اکبر و شحیطیه را به طور کامل تصرف نموده و عناصر تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی تا هشت الی نه کیلومتری شرق الله اکبر عقب رانده شدند و پادگان دشت آزادگان در خطر سقوط قرار گرفت، ولی تیپ ۳ زرهی به رغم استعداد رزمی قلیل و فرسودگی بیش از حد، با عناصر باقیمانده و پشتیبانی شدید توپخانه، هوانیروز و نیروی هوایی، توانست پیشروی دشمن را در این قسمت از دشت آزادگان سد نموده و مانع از سقوط پادگان و دستیابی دشمن به حمیدیه گردد و متجاوز هم دیگر نتوانست بیش از این پیشروی نماید (بختیاری، ۱۳۸۰: صص ۴۳ و ۴۴).

در جنوب کرخه، نیروهای دشمن تلاش مجددی را برای تصرف سوسنگرد آغاز کردند و موفق شدند در تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۵۹، سوسنگرد را از چهار سمت به طور کامل محاصره نمایند، بدین نحو که نیرویی از دشمن از تپه های الله اکبر به روستای سبحانی وارد شده و از شمال، سوسنگرد را تهدید نمود. ستون دیگری که از بستان تا دهلاویه پیشروی کرده بود، خود را به غرب این شهر نزدیک کرد. نیرویی از متجاوز که از سمت کرخه کور رو به شمال حرکت کرده بود، به حاشیه جنوبی شهر رسید و بالأخره ستون دیگری هم از همین سمت کرخه کور به روستای ابوحمیظه در شرق سوسنگرد رسید و ضمن تکمیل محاصره شهر از سمت شرق، جاده حمیدیه - سوسنگرد را هم قطع کرد (معین وزیری، ۱۳۸۴: ۶۷).

عملیات غرور آفرین آزادسازی سوسنگرد

این گونه سخن بگوئیم که انهدام نیروی خودی یعنی پیروزی قطعی دشمن، اما حفظ تمامیت نیرو در مقابل هجوم دشمن، به منزله پیروزی دشمن نیست. یکی از افتخارات مارشال رومل در جنگ جهانی دوم در نبرد العلمین که سبب اشتهاوی نیز گردید، هدایت یک حرکات به عقب زیرکانه در مقابل هجوم مونتگمری و حفظ تمامیت نیروهایش در آن شرایط دشوار بوده است (جمالی، رستمی، ۱۳۸۱: ۱۲۴). حضرت امیرالمومنین علی(ع) در نهج البلاغه فرموده است: «گریزی که در پی آن بازگشت و شکستی که بعد از آن هجوم و تک به دشمن است، بر شما ناگوار نباشد.»

تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی در دهه اول آبان ۱۳۵۹ موفق شد با تعمیر تعدادی از وسایل و تجهیزات باقیمانده خود در پادگان دشت آزادگان و سازماندهی مجدد نیروها، جانی تازه بگیرد و برای اجرای مأموریت‌های محوله اعتماد به نفس پیدا کند. تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی، گروه رزمی ۳۷ زرهی شیراز و گردان ۲۸۳ سوارزرهی در ۱۷ آبان ۱۳۵۹، از منطقه دزفول به منطقه اهواز تغییر مکان داده و در اختیار لشکر ۹۲ زرهی قرار گرفتند. سپاه ۳ عراق در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۵۹، به لشکر ۹ زرهی تقویت شده دستور داد با زیر امر گرفتن تیپ ۱۲ لشکر ۳ زرهی، در ساعت ۰۰:۴۰ روز ۲۳ آبان، تک کند و سوسنگرد را تصرف و تأمین نماید. تک نیروهای عراقی به منطقه سوسنگرد از ساعت ۰۴:۳۰ روز ۲۳ آبان با پشتیبانی همه‌جانبه یگان‌های توپخانه و بالگرد از چهار محور زیر آغاز گردید:

الف) محور بستان - سوسنگرد

ب) الله اکبر به طرف شمال شرقی سوسنگرد

پ) محور جنوب شرقی هویزه - ابوحمیظه و شرق سوسنگرد

ت) محور سعدون حمودی - کوت سیدنعمیم

نیروهای عراقی موفق شدند در روز ۲۳ آبان، در غرب سوسنگرد تا دهلاویه و در شرق آن تا ابوحمیظه پیشروی کنند و در شمال کرخه نیز به نزدیک این شهر برسند و حتی در روزهای

۲۴ و ۲۵ آبان، عناصری از یگان‌های دشمن موفق شدند از سمت جنوب وارد شهر گردیده و یکی دو خیابان را اشغال نمایند، اما مدافعین قلیل شهر که بیشتر از نیروهای ژاندارمری سوسنگرد بودند، به سختی پایداری نموده و مانع از سقوط کامل شهر شدند و به رغم بحرانی بودن اوضاع، توانستند ضمن وارد آوردن تلفات به دشمن، ۱۳ نفر از آنان را به اسارت خود درآورند (معین‌وزیری، ۱۳۸۴: ۴۱).

در چنین وضعیتی، قرارگاه نیروی زمینی در جنوب، طرح عملیاتی خیلی سریعی را تهیه کرد که بر مبنای آن تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان به فرماندهی سرهنگ امرالله شهبازی، نیروهای جنگ‌های نامنظم دکتر چمران به فرماندهی شهید نامبرده و گروه رزمی ۱۴۸ پیاده از لشکر ۷۷ خراسان، که با مأموریت عزیمت به منطقه عملیاتی آبادان در این موقع در ایستگاه راه‌آهن اهواز از قطار پیاده شده بود، به منظور الحاق با مدافعین شهر و برقراری ارتباط زمینی حمیدیه - سوسنگرد اقدام به تک علیه دشمن نمایند.

بالآخره در ساعت ۰۶۰۰ روز ۲۶ آبان، آفند متقابل رزمندگان ایرانی برای درهم شکستن محاصره سوسنگرد آغاز گردید. گروه دکتر چمران در پیشاپیش یگان‌ها، تحت حمایت تانک‌های تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و هوانیروز در امتداد محور ابوحمیظه - سوسنگرد عمل می‌کردند. تیپ ۳ لشکر ۹۲ در شمال کرخه به سمت آبادی سبحانی حرکت کرد. گروه رزمی ۱۴۸ پیاده مأموریت تأمین جناح جنوبی تیپ را بر عهده داشت. پس از دو روز مقاومت، سرانجام در نتیجه حملات رزمندگان اسلام، ابتدا محاصره جنوب و شرق شهر شکسته شد و سپس رزمندگان وارد شهر شدند و اشغالگران را تا پشت دیوارهای غربی شهر بیرون رانده و آنها را تعقیب نموده و حدود ساعت ۱۱۰۰ اولین دسته از تانک‌های عراقی به سمت جنوب گریختند و در محور سبحانیه نیز رزمندگان توانستند دشمن را به عقب برانند (رزاق‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۴).

حدود ساعت ۱۲۰۰ مقاومت نیروهای دشمن در هم شکسته شد و حلقه محاصره سوسنگرد از سمت شرق باز گردید، عناصر متجاوز از داخل شهر بیرون رانده شدند و دشمن تا رود کرخه کور عقب نشست. تک ۲۳ آبان ۱۳۵۹ آخرین تک گسترده متجاوز در صحنه عملیات

خوزستان بود و بعد از این شکست، نیروهای عراقی در این قسمت از جبهه نیز در لاک دفاعی فرو رفتند (مجتبی جعفری، ۱۳۸۸: ۳۰).

بر آورد هدف تاکتیکی و راهبردی عراق از تجاوز به منطقه دشت آزادگان

متجاوز در پی اهداف تاکتیکی و راهبردی خود، تمام مناطق غربی خوزستان را از شمال تا جنوب و در عمق زیاد مورد هجوم قرار داد. برآورد می‌شود به احتمال قوی، عراق در تجاوز به منطقه دشت آزادگان تمامی یا تعدادی از اهداف زیرین را دنبال می‌نموده است:

✓ پیوستگی جبهه شمالی و جنوبی خود در خوزستان از نقطه نظرهای تأمینی، همچنین ربط این دو جبهه از نظر تسهیل و تسریع جابجایی یگان‌های نظامی شمالی به جنوبی و بالعکس و کوتاه نمودن مسیرهای تدارکاتی و آمادی بدون دور زدن مرداب هورالعظیم در داخل عراق.

✓ تهدید اهواز (مرکز خوزستان) از سمت غرب و از محور بستان، سوسنگرد، حمیدیه، اهواز و محور کرخه کور - حمیدیه، اهواز.

✓ تصرف شهرهای عرب‌زبان بستان، سوسنگرد و حمیدیه با تصور استقبال مردم این منطقه از انضمام به عراق.

✓ دور نگهداشتن شهر حلفائیه و استان عماره عراق از دسترس نیروهای مسلح ایران در یک حمله متقابل (این منظور با تصرف زمین‌ها و مناطق مناسب پدافندی در داخل خاک ایران مانند تنگ چزآبه و ارتفاعات الله‌اکبر امکان پذیر می‌گردید) (بختیاری، ۱۳۸۰: ۴۶).

نقش محوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در عملیات آزادسازی سوسنگرد

عملیات آزادسازی سوسنگرد نقطه شکوهمند و غرورآفرین و در عین حال مظلومانه دفاع مقدس و مقاومت مردمی است. ۲۶ آبان سالروز حماسه آزادسازی سوسنگرد در سال ۱۳۵۹ است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نماینده وقت امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع، نقش برجسته‌ای در این زمینه داشتند و در شرایطی که بنی صدر با کارشکنی‌ها و خیانت‌هایش ساز مخالف می‌زد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با همراهی جمعی از فرماندهان ارتش و شهید چمران، این حماسه بزرگ را هدایت کردند. این در حالی بود که اگر سوسنگرد آزاد نمی‌شد، شرایط جنگ قطعاً به مراتب سخت‌تر می‌شد (رزاق‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

سرلشکر فیروزآبادی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، در خصوص نقش آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نماینده حضرت امام خمینی(ره) در شورای عالی دفاع می‌گوید: «همت مضاعف آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نماینده حضرت امام در شورای عالی دفاع در انجام عملیات آزادسازی سوسنگرد و خنثی کردن نقش کارشکنانه بنی صدر (رئیس جمهور وقت) و حاکم کردن فرمان امام خمینی(ره) که به حفظ اهواز و جلوگیری از سقوط حتمی آن انجامید، راه را برای طراحی و اجرای عملیات‌های پیروزمندانه فتح‌المبین، طریق‌القدس و آزادی سرزمین‌های اشغال‌شده و بیت‌المقدس هموار ساخت (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱).



حماسه‌های دشت آزادگان و به ویژه حماسه سوسنگرد پیام‌ها، درس‌ها و عبرت‌های بزرگی دارد. این حماسه‌ها در ۴۵ روز آغاز دفاع مقدس اتفاق افتاد. با رسیدن خبر تهاجم دشمن به جبهه‌ها، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به جبهه‌ها شتافتند و ضمن بررسی اوضاع با عشق و شوق به جهاد، با لباس رزم و سلاح در دست به همراه رزمندگان، در رزم و شناسایی شبانه از روز سوم و چهارم جنگ شرکت کردند. ساماندهی ستاد جنگ‌های نامنظم در همین روزها اتفاق افتاد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه تهران در آن زمان فراخوان عمومی دادند و عاشقان اسلام و قرآن و امام و میهن را از سراسر کشور به حضور در جبهه‌ها و دفاع در برابر دشمنانی که در پی ریشه‌کن کردن انقلاب نوپای ملت ایران بودند، دعوت کردند و خود دوباره به جبهه و

میان رزمندگان و خطوط مقاومت شتافته و داوطلبان عاشق را سازماندهی کردند. آن روزها در منطقه جنوب و اهواز وضعیت مناسبی وجود نداشت. حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آن منطقه همه را دور ایشان جمع کرد و با نظارت و هدایت میدانی، هسته‌های اولیه مقاومت را در جبهه‌ها تشکیل داده و رزمندگان را نیز با تعیین داوطلبان ارتشی به عنوان فرمانده انسجام بخشیدند؛ مثلاً برای رزمندگانی که در شهر سوسنگرد در برابر دشمن مقاومت می‌کردند، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یک افسر ارتشی را فرمانده آنها قرار دادند، شورای عالی دفاع را در متن مسائل جنگ قرار دادند، این عضو شورای عالی دفاع که در متن جبهه‌ها و در بین رزمندگان حضور فعال داشت، بهترین تصویر را از جنگ برای شورای عالی دفاع می‌آوردند و چشم و دست امام در جهاد مقدس ملت قهرمان شدند و با رساندن اطلاعات به امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح، زمینه اجرای فرامین و تدابیر ایشان در جبهه‌ها را فراهم کردند. مطالعه و بررسی روند عملیات آزادسازی سوسنگرد در ۲۶ آبان ۱۳۵۹، بیانگر نقش مهم و محوری رهبر معظم انقلاب بود. به گونه‌ای که حضور معظم له در آن ایام در منطقه، از الطاف خاصه الهی به ملت ایران محسوب می‌شود. در ۲۳ آبان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تهران در شورای عالی دفاع که بنی صدر رئیس آن بود، نگرانی خود را از جان حدود ۵۰۰ جوان که در سوسنگرد در برابر عراق دفاع می‌کردند، ابراز فرمودند و این جلسه را وادار به تصویب مصوبه‌ای کردند که بنی صدر را موظف می‌ساخت برای آزادسازی سوسنگرد اقدام کند. اولین خیانت بنی صدر در همین جلسه ظاهر شد. او با زرنگی و ترفند، فرافکنی کرد و گفت: من دارم مسئله سوسنگرد را حل می‌کنم. جلسه شورای عالی دفاع تعطیل شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از جلسه بیرون آمدند و راهی جبهه شدند. روز یکشنبه به جبهه رسیدند و با استاندار، فرماندهان ارتش و سپاه و شهید چمران، جلسه تشکیل دادند و طرح عملیاتی آزادسازی سوسنگرد را تهیه کردند. عراق به تجاوز خود ادامه می‌داد و خود را به سوسنگرد نزدیک می‌کرد و حلقه محاصره این شهر را تنگ می‌کرد. رزمندگان هم مردانه مقاومت می‌کردند، طوری که روحیه این همه تیپ و لشکر زرهی و مکانیزه عراق را تضعیف و حرکت آنها را کند کرده بودند (سند ۱۷۰۹، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، استانداری خوزستان).

۴. عملیات آزادسازی سوسنگرد به نقل از مقام معظم رهبری (مدظله)

«شب عملیات جزو شب‌های خاطره‌انگیز من است. شب عجیبی بود. من بودم با چمران و سرهنگ سلیمی و جوان دیگری به نام اکبر که از محافظان شهید چمران بود. یک پسر شجاع، خوش روحیه، متدین و جوان برازنده‌ای که فردای همان روز کنار چمران شهید شد. تا ساعت ۱۲ - ۱۱ صحبت‌ها را کردیم و بعد رفتیم بخوابیم و آماده شویم برای حرکت. تازه خوابم برده بود که چمران آمد پشت در اتاق و محکم در می‌زد که فلانی بلند شو! گفتم: چه شده؟ گفت: طرح به هم خورد. از دزفول خبر دادند که تیپ ۲ لشکر ۹۲ را نیاز داریم و نمی‌توانیم بدهیم. یعنی نیروی حمله‌ور اصلی! من خیلی برآشفته شدم که چرا این کار را می‌کنند. این به جز اذیت کردن و ضربه زدن کار دیگری نیست. تلفن کردم به فرمانده نیروهای دزفول. تیمسار ظهیرنژاد آنجا بود. گفتم: چرا این دستور را دادید؟ گفت: دستور آقای بنی صدر است و علت هم این است که این تیپ را برای کار دیگری به اهواز آوردیم و اگر بیاید آنجا منهدم می‌شود. این تیپ خوبی است و ما از ترس انهدام آن نمی‌خواهیم آن را وارد عملیات کنیم، مگر به امر. «مگر به امر» یعنی اینکه دستور ویژه‌ای از طرف فرماندهی بیاید که برو. من گفتم این نمی‌شود. اول اینکه چرا منهدم شود، کما اینکه فردا لشکر آمد و منهدم نشد. بعد هم اینکه چه کاری مهم‌تر از سوسنگرد؟ و اگر این تیپ نیاید، یعنی تعطیل شدن این عملیات و باید بیاید. قرص و محکم گفتم: شما به آقای بنی صدر هم بگویید که باید بیاید و دستور را لغو کنید. مرحوم چمران اصرار داشت با خود بنی صدر صحبت شود. راستش من ابا داشتم از اینکه با بنی صدر به مناقشه لفظی بیفتم. چون سرش نمی‌شد و بی‌خودی پشت سر هم چیزی می‌گفت. گفتم شما خودت صحبت کن! چمران تماس گرفت و عین همین صحبت‌ها که باید تیپ ۲ لشکر ۹۲ بیاید را به بنی صدر گفتم. بنی صدر هم قولکی داد، قول داد که دستور دهد تیپ بیاید.»

«چیزی که خیلی به کمک ما آمد، پیغام مرحوم اشراقی بود. سر شب مرحوم اشراقی، داماد امام، از تهران با من تماس گرفت و خبرها را پرسید. من گفتم قرار بر این است که عملیات انجام شود و ظاهراً من اظهار تردید کرده بودم که دغدغه دارم و ممکن است عملیات انجام نشود، مگر اینکه امام دستور دهد. ایشان رفت با امام تماس گرفت، پیغام داد امام دستور

دادند تا فردا سوسنگرد باید آزاد شود و تیمسار فلاحی هم باید مباشر عملیات باشد. من این را نگفته بودم چون دیر وقت بود. شاید هم فکر می‌کردم که صبح بگویم. وقتی که این مسئله پیش آمد گفتم حالا وقتش است که این پیغام را بدهم. نشستم دو نامه نوشتم. یکی ساعت یک و نیم بعد از نصف شب و یکی ساعت ۲. اولی خطاب به آقای سرهنگ قاسمی فرمانده لشکر ۹۲ بود.» (ستوده، ۱۳۷۳: صص ۱۹۸ و ۱۹۹)

۵. ماجرای نامه رهبر معظم انقلاب به فرماندهان ارتش

«ساعت یک و نیم به سرهنگ قاسمی، فرمانده لشکر ۹۲ نوشتم که داماد حضرت امام، از قول امام، پیغام دادند که فردا باید حصر سوسنگرد شکسته شود و اگر تیپ ۲ نباشد، این کار انجام نمی‌شود. به تیمسار ظهیرنژاد گفتم و ایشان هم قول داده که با بنی صدر صحبت کند، تیپ بیاید و شما هم آماده باشید که تیپ را به کار بگیرید. مبادا به خاطر پیغامی که سر شب آمده، تیپ را از دور خارج کنید. نامه را دادم به دست یکی از برادرها و گفتم این نامه را می‌بری و اگر سرهنگ قاسمی خواب هم بود از خواب بیدارش می‌کنی و نامه را به دستش می‌دهی. یک نامه هم ساعت ۲ برای سرتیپ فلاحی با همین مضمون نوشتم، با این اضافه که امام گفتند سرتیپ فلاحی هم باید در جریان عملیات باشند و نظارت کنند. این ماجرا را هم نوشتم که می‌خواستند تیپ را از ما بگیرند و گفتیم که باید تیپ باشد و شما مسئول هستید که این را بگیرید و کار کنید. هر دو نامه را به شهید چمران دادم و گفتم شما هم بنویس که نظر هردویمان باشد. شهید چمران نیز در زیر نامه متنی را اضافه می‌کند با این مضمون که اگر تیپ فردا عمل نکند، ۵۰۰ نفر از مدافعان فردا به شهادت می‌رسند و اگر من زنده باشم، با مسئول متخلف برخورد خواهم کرد (منظور بنی صدر می‌باشد). شرح شهید چمران را که دیدم، گفتم هرکس بخواند دلش می‌سوزد. ساعت ۲ هم نامه دوم را برای سرتیپ فلاحی فرستادم. خیالم راحت بود که کار انجام می‌شود، اما باز هم دغدغه داشتیم. بارها شده بود که کار تا لحظات آخر رسیده بود و به دلیلی تعطیل شده بود. صبح زود که از خواب برای نماز بلند شدم، دیدم اوضاع خوب است. ساعت ۵ صبح، تیپ ۲ از خط عبور کرده بود. همان زمان که نامه را دریافت کردند، مشغول شدند و بعد از دریافت نامه حرکت کرده بودند. چنانچه بنا بر این بود که "به امر" کار

کنند، تا آن آقا از خواب بلند شود و به او بگویند و "به امری" منتهی شود، دستور ساعت ۹ صادر می‌شد و ساعت ۱۱ عملیات ناموفقی انجام می‌شد که قطعاً شکست می‌خوردیم. چمران هم بلند شد و رفت. من هم چند ملاقات داشتیم که انجام دادم و رفتم به طرف جبهه و عملیات. البته وقتی رفتم، دیدم شهید فلاحی هم رفته است. صبح زود هم چمران و فلاحی رفته و هم آقای غرضی رفته بودند و اینها در خطوط مقدم و صحنه درگیری حضور داشتند. ما که رفتیم، جنگ دور گرفته بود و نیروهای ما پیش رفته بودند و حدود ساعت ۱۰:۳۰ بود که ظهیرنژاد هم آمدند و رفتند جلو. ما می‌رفتیم و در واحدهای عقبه و درگیر پیاده می‌شدیم و با آنها صحبت می‌کردیم. احوالشان را می‌پرسیدیم، خبر می‌گرفتیم. دائماً می‌گفتند که خبرها خوب است و پیش‌بینی می‌شد ساعت ۲:۳۰ ما وارد سوسنگرد شویم. حدود ساعت یک به اهواز برگشتم و می‌خواستم بیایم تهران. اهواز که رسیدم خبر دادند که چمران مجروح شده و خیلی نگران شدم، چمران را آوردند. قضیه از این قرار بود که چمران و دو محافظش مشغول جنگیدن بودند که تنها می‌مانند و عراقی‌ها آنها را به رگبار می‌بندند. چمران بعداً گفت که من آن روز مثل ماهی می‌غلتیدم که رگبارها به من نخورد. آدمی قوی بود، در جنگ انفرادی قوی بود. یکی از محافظان جای امنی پیدا کرده بود که رگبارها به او نخورد، اما اکبر جایی پیدا نکرده بود و شهید شده بود. پای چمران هم زخمی شده بود. یک کامیون عراقی از آنجا رد می‌شود و چمران هم می‌بیند که چیز خوبی است و کامیون را به رگبار می‌بندد. شوfer عراقی تیر می‌خورد و چمران به کمک محافظش وارد کامیون می‌شود و می‌افتد عقب کامیون. چمران مجروح را با یک کامیون عراقی از جنگ می‌آورند اهواز. ساعت ۲ بود که رفتم بیمارستان دیدم که حالش خوب است، اما جراحی رانش نسبتاً کاری است و ۴۰ - ۳۰ روزی هم او را انداخت. او را از اتاق عمل بیرون آوردند و تمام سفارشش این بود که نگذارید حمله از دور بیفتد و هی به من و سرهنگ سلیمی التماس می‌کرد که نگذارید حمله از دور بیفتد. نیروهای متجاوز عراقی که محاصره سوسنگرد را تنگ کرده بودند، وقتی با این هجمه نیروهای شهادت‌طلب و مصمم ایرانی مواجه شدند و ضربات مهلکی بر پیکر آنها وارد شد، شروع به عقب‌نشینی از شرق سوسنگرد به طرف جنوب نمودند و ساعت ۱۲ یگان‌های مقدم رزمندگان اسلام وارد سوسنگرد شدند و

سوسنگرد آزاد شد، اما آن روز ارتش انصافاً فداکاری و دلاوری کرد، همین تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان با حماسه‌آفرینی‌های خود نقش بسیار مهمی در به ثمر رسیدن عملیات و آزادسازی سوسنگرد ایفاء نمود. البته رزمندگان سپاه نیز در دل واحدهای ارتشی انجام وظیفه می نمودند.» (فرمایش مقام معظم رهبری)

با آزادسازی سوسنگرد، اهواز از تهدید عراق خارج شد و پایه امید برای پیروزی‌های بعدی در عملیات شکست حصر آبادن، فتح‌المبین، طریق‌القدس و بیت‌المقدس ریخته شد (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای).



سرهنگ قاسمی فرمانده لشکر ۹۲ زرهی و شهید دکتر چمران فرمانده گروه جنگ‌های نامنظم در عملیات آزادسازی سوسنگرد

این عملیات با فرماندهی مستقیم مقام معظم رهبری، حضور مقتدرانه یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران و گروه جنگ‌های نامنظم شهید چمران، با همکاری و مقاومت مردم دلیر سوسنگرد با موفقیت به پایان می‌رسد و سوسنگرد برای همیشه آزاد می‌گردد. مناطق مرزی بستان و چزابه در اشغال دشمن باقی می‌ماند، تا اینکه عملیات طریق‌القدس در ۳۰:۰۰ نیمه شب هشتم آذرماه ۱۳۶۰، به فرماندهی شهید سپهبد علی صیاد شیرازی به اجرا درآمد و ۶۵۰ کیلومتر مربع از سرزمین‌های جمهوری اسلامی ایران و مناطق بستان و چزابه آزاد گردید و برای اولین بار نیروهای جمهوری اسلامی ایران به مرزهای بین‌المللی رسیدند.

در مورد نقش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و حضور و نقش تعیین‌کننده ایشان در مسند نمایندگی حضرت امام و سپس رئیس شورای عالی دفاع در دفاع مقدس و در هنگام ریاست جمهوری به چند محور می‌توان اشاره کرد:

- ۱- حضور بسیجی‌وار در روزهای حساس جنگ به عنوان چشم و دست حضرت امام(ره) و ایجاد معنویت و پشتگرمی رزمندگان.
- ۲- فراخوان و سازماندهی هسته‌های اولیه نیروهای مردمی و بسیجیان حاضر در جبهه‌ها.
- ۳- هدایت جنگ‌های نامنظم و چریکی در اوایل جنگ تحمیلی.
- ۴- سرپرستی و هماهنگ کردن نیروهای ارتش، سپاه و مردمی در عملیات مقاومت و مقابله با دشمن.
- ۵- نقش‌آفرینی در عملیات‌های بزرگ با نظارت عالی و انسجام‌بخشی به فرماندهان ارتش و سپاه.
- ۶- حضور فعال در طراحی و فرماندهی عملیات‌ها و تمشیت امور نیروهای مسلح.
- ۷- تلاش پیوسته و دائمی در رفع مشکلات رزمی و پشتیبانی جبهه‌ها در سراسر کشور در ارتباط با ائمه محترم جمعه، استانداران و مسئولین.
- ۸- مقابله با سیاست‌های ناموفق بنی صدر در اداره جنگ و رویارویی با اندیشه لیبرالی امریکایی حاکم بر نحوه مصاف با دشمن که گاه بوی خیانت و جرم از آن استشمام می‌شد.

- ۹- بازدید و سرکشی از جبهه‌های جنوب و غرب کشور و ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با رزمندگان خطوط مقدم و مردم مقاوم و شجاع و برجای ایستاده برای حفظ شهر و آبادی‌های خود.
- ۱۰- تبیین ابعاد سیاسی جنگ تحمیلی و انتقال پیام حماسه دفاع مقدس ملت ایران از راه سخنرانی در مجامع بین‌المللی و مصاحبه با رسانه‌های جهانی و خنثی کردن عملیات روانی دشمن.
- ۱۱- تقویت نقش مردم در جنگ و دفاع مقدس از طریق ایراد خطبه و حضور در تجمع رزمندگان و حضور مؤثر در جبهه‌ها و تبلیغ جهاد و معنویت و ابلاغ سلام امام به رزمندگان به عنوان بهترین هدیه جان‌بخش.
- ۱۲- حمایت و پشتیبانی از گروه‌های معارضین مسلمان عراقی برای سازماندهی و تحرک و تشدید عملیات علیه رژیم بعثی صدام و ظرفیت‌سازی برای آینده جامعه اسلامی عراق.

۶. برکات عملیات سوسنگرد در چند محور خلاصه شده است

- ۱- نشان دادن مقاومت مردمی و رزمندگان برای دفاع از سرزمین ایران و عقب راندن اشغالگران بعثی.
- ۲- افشای سیاست‌های ناموفق بنی صدر و دستور وی در عدم اعزام بموقع یگان‌ها از سوی ارتش برای آزادسازی سوسنگرد.
- ۳- هوشمندی و درایت مقام معظم رهبری و نقش راهبردی معظم‌له در عرصه دفاع مقدس، به ویژه در حوزه مدیریت، طراحی و اجرای عملیات آزادسازی سوسنگرد و همت مضاعف ایشان در اجرای امر امام (ره).
- ۴- ضرورت توجه همه‌جانبه به حوادث و رخدادها و مقاصد سرنوشت‌ساز و تاریخی دفاع مقدس، به خصوص آزادسازی خرمشهر.
- ۵- حقانیت رهبری و ضرورت برجسته‌سازی نقش‌آفرینی‌های معظم‌له در هشت سال دفاع مقدس برای نسل جوان.

- ۶- ایمان به خدا، بینش و بصیرت و ولایتمداری نیروهای مسلح.
- ۷- کاربرد مؤثر عوامل غیرفیزیکی توان رزمی، شامل رهبری، سازمان، آموزش، ایمان، انضباط، روحیه و انگیزه.

۷. نیروی هوایی در عملیات آزادسازی سوسنگرد

در عملیات آزادسازی سوسنگرد که در ۲۶ آبان ۱۳۵۹ به شکست حصر سوسنگرد منجر شد، ۲۴ خلبان نیروی هوایی شرکت داشتند که از این تعداد «هوشنگ کیان آرا»، «سید محمدتقی حسینی»، «محمد کام بخش ضیایی»، «نعمت‌الله اکبری سامانی»، «یونس خوش‌بین» و «ابراهیم امیدبخش» به شهادت رسیدند. همچنین «استوار دوم شهید حسین سلمان‌زاده»، «گروه‌بان یکم شهید ابراهیم قهوه‌چی‌زاده»، «استوار دوم شهید غلامعلی حلاج‌قدوی»، «سروان فنی شهید عبدالله عیسی‌پور»، «ستوان دوم شهید سید علی‌اکبر حیدری» نیز از دیگر شهدای نیروی هوایی در جریان عملیات آزادسازی سوسنگرد می‌باشند که به طور داوطلب در یگان‌های نیروی زمینی حضور یافته بودند. لیست خلبانان هواپیمای اف - ۵ شرکت‌کننده در عملیات آزادسازی سوسنگرد به شرح زیر اعلام گردید: «داود صادقی»، «محمود نعیمی»، «شیرافکن همتی»، «جلال آرام»، «پرویز نصری»، «بهنام غنامیان»، «احمد مهرنیا»، «سید اسماعیل موسوی»، «سیاوش مشیری»، «حبیب‌الله بقایی»، «داوود سلمان»، «قاسم محمدامینی»، «ایرج عصاره»، «اکبر توانگریان». همچنین خلبانان «محمد مسبوق»، «رضا رضانی»، «فضل‌الله جاویدنیا» و «داوود عسگری» با هواپیمای اف ۱۴ در جریان عملیات آزادسازی سوسنگرد شرکت داشتند.

۸. تجزیه و تحلیل

از بدو حمله عراق به دشت آزادگان در سال اول جنگ، پنج عملیات آفندی با دامنه نسبتاً محدود توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به منظور عقب راندن، انهدام نیرو و فرسایش دشمن، آزادسازی مناطق اشغالی و جلوگیری از حالت رکود در جبهه‌ها و خارج شدن از لاک دفاعی اجرا شد، که یکی از این عملیات‌ها آزادسازی سوسنگرد است. در این منطقه،

دشمن موفق شده بود تا اواخر آبان ماه شهر سوسنگرد را از چهار سمت شمال، جنوب، شرق و غرب مورد تهدید قرار داده و آن را محاصره نماید و حتی در روزهای بیست و چهارم و بیست و پنجم وارد شهر شوند. در این شرایط، قرارگاه نیروی زمینی در جنوب، طرح عملیاتی سریعی تهیه کرد و با به کارگیری یگان‌های تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی، گروه رزمی ۱۴۸ پیاده از لشکر ۷۷ و نیروهای جنگ‌های نامنظم شهید چمران، اقدام به تک علیه دشمن نموده و حلقه محاصره سوسنگرد را شکسته و عناصر متجاوز را از داخل شهر بیرون کردند.

در ادبیات نظامی و در مباحث تاکتیکی، شهرها برای حرکت نیروها مانع محسوب می‌شوند، زیرا باعث کندی حرکت و تجزیه نیروهای مانوری می‌گردند، اما از دیدگاه عملیاتی و راهبردی، تصرف شهرها می‌تواند امتیازات سیاسی، نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی زیادی را برای نیروهای فاتح به وجود آورد. بنابراین، اگرچه شهرها در برابر مانور تاکتیکی نیروهای تک‌کننده یک مانع محسوب می‌شوند، اما در طرح کلی یک عملیات، ممکن است به عنوان عارضه حساس در نظر گرفته شوند. مثلاً در منطقه دشت آزادگان، شهر بستان و به خصوص شهر سوسنگرد که مرکز فرمانداری دشت آزادگان محسوب می‌گردد، با آن ادعای وحدت قومیت عرب که صدام حسین به راه انداخته بود و با توجه به عرب‌زبان بودن مردم این منطقه و پاره‌ای آداب و سنن عربی که دارند، تصرف این شهرها می‌توانست از سوی رژیم بغداد به عنوان آزادسازی یک منطقه عربی و بازگرداندن آن به دامن مادر عرب تبلیغ گردد. از آن گذشته، افکار عمومی مردم کشورهای درگیر در جنگ، چندان آشنایی به عوارض حساس و کلیدی زمین در مناطق عملیاتی مانند ارتفاعات یا تنگه‌ها و غیره نداشته، نه ارزش آنها را در درگیری‌های عملیاتی می‌دانند و نه غالباً نامی از آنها به گوششان خورده است، ولی در عوض با نام شهرها آشنایی دارند و فتح یک شهر یا از دست دادن آن در نظر آنان حکم پیروزی یا شکست نیروهای نظامی را داشته و آن را عامل تعیین‌کننده سرنوشت جنگ می‌دانند. به همین دلیل، حکومت‌ها و گردانندگان جنگ به این مسئله توجه خاصی دارند. علاوه بر آن، ممکن است شهری از نظر ویژگی‌های خاص خود و امتیازاتی که برای نیروهای فاتح به وجود می‌آورد، واقعاً برگ برنده‌ای در دست دیپلمات‌ها در میز مذاکرات و چانه‌زنی‌های سیاسی برای کسب امتیازات به حساب

آمده و لذا یک عارضه حساس به زبان نظامی تعریف شود. البته این وضعیت یک بار دیگر ثابت می‌کند که عملیات نظامی می‌بایست فقط بر اساس منطق نظامی طرح‌ریزی و اجرا شود و هرگاه این منطق فدای اهداف و اغراض سیاسی، اقتصادی و یا سایر موارد شود، شانس موفقیت به میزان بسیار زیادی کاهش می‌یابد.

عملیات غرورآفرین آزادسازی سوسنگرد در ۲۶ آبان ۱۳۵۹، علاوه بر ایجاد برتری برای جمهوری اسلامی ایران، از لحاظ سیاسی و نظامی و خارج شدن اهواز، مرکز خوزستان، از محور تهدید عراق، باعث ایجاد اعتماد به نفس و امید به پیروزی‌های بعدی در عملیات‌های شکست حصر آبادان، فتح‌المبین، طریق‌القدس و بیت‌المقدس گردید.

۹. نتیجه‌گیری

اهداف تجاوزکارانه رژیم عراق، تنها به حاکمیت مطلق بر اروندرود و استرداد جزایر سه‌گانه خلاصه نمی‌شد، بلکه دولت عراق نسبت به استان خوزستان نیز چشم طمع داشت و هرگاه دولت عراق اختلافاتش با دولت ایران تشدید می‌شد، در کنار سایر مسائل ادعائی، موضوع عربی بودن خوزستان را مطرح می‌نمود و آن را جزء جدانشدنی کشور عراق می‌دانست و حتی به طور رسمی به تغییر اسامی در نقشه‌ها مبادرت می‌کرد، تا این خواست توسعه‌طلبانه را منعکس کند. ارتش رژیم عراق با اهداف از پیش تعیین‌شده، سرانجام تهاجم سراسری خود را علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، از زمین، هوا و دریا آغاز نمود. این تجاوز اگرچه قابل پیش‌بینی بود، اما با این حجم و گستردگی، غافلگیرانه و خارج از تصور بود. این تهاجم گسترده در استان خوزستان در سه محور عمده انجام گرفت. در محور میانی، جهت تصرف اهواز مقاومت سرسختانه نیروهای ایرانی که انسجام کاملی هم نداشتند، باعث گردید تا عراق بارها سمت حملات خود را تغییر دهد، ولی هیچ‌گاه نتوانست موفقیتی در این زمینه به دست آورد. لذا جهت حفظ روحیه نیروهای متجاوز خود، به تصرف شهر سوسنگرد اکتفا نمود تا بتواند با تغییر نام آن به خفاجیه، زمینه تبلیغاتی محدودی را فراهم آورد. این اقدام در ۵۹/۸/۲۵ به نتیجه رسید. لشکر ۹۲ زرهی خوزستان، به ویژه تیپ ۲ زرهی این لشکر، بلافاصله با هماهنگی یگان‌ها و رزمندگان موجود در

بررسی آثار و پیامدهای شکست حصر سوسنگرد... ۱۸۹/

منطقه، اقدام به بازپس‌گیری سوسنگرد نمود و در ساعت ۶/۳۰ مورخه ۵۹/۸/۲۶ حمله خود را به طرف سوسنگرد آغاز کرد.

محور اصلی حمله در مسیر حمیدیه به سوسنگرد در جنوب رودخانه کرخه انتخاب شد و در شمال رودخانه نیز به طرف روستای سبحانیه و سوسنگرد حمله دیگری هم‌زمان اجرا گردید که نتایج زیر را در بر داشت:

- ✓ شکل‌گیری مقاومت خودجوش مردم در راستای خط مشی دفاعی حضرت امام(ره).
- ✓ تغییر شکل فرآیند دفاع و در پیش گرفتن مشی تهاجمی توسط رزمندگان.
- ✓ اهمیت قبول خطر حساب شده.
- ✓ شکست سیاسی صدام در تحمیل مقاصد خود به ایران و بروز توان بالقوه رزمندگان به عنوان دغدغه جدی متجاوز.
- ✓ آزاد شدن شهر سوسنگرد و متمایل گشتن مواضع پدافندی نیروهای عراق به رودخانه مالکیه.
- ✓ آزاد شدن جاده حمیدیه - سوسنگرد و عقب‌نشینی ۱۵ کیلومتری دشمن.
- ✓ کشته و مجروح شدن ۷۵۰ نفر از عراقی‌ها.
- ✓ سرنگونی یک فروند هواپیما و یک فروند بالگرد، انهدام ۴۰ دستگاه تانک و نفربر، چند قبضه توپ و مقادیر زیادی تجهیزات عراق و به غنیمت گرفتن تعدادی تانک و نفربر و مقادیر زیادی تجهیزات و وسایل مخابراتی.
- ✓ امتیاز سیاسی، نظامی و تبلیغاتی برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران.

۱۰. منابع

- ۱- کتاب شریف نهج‌البلاغه مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب علیه‌السلام
- ۲- آراسته، ناصر (۱۳۸۸)؛ *کلیاتی از جنگ و مواردی از دفاع مقدس*، تهران، ایران سبز
- ۳- بختیاری، مسعود (۱۳۸۰)؛ *عملیات طریق‌القدس و آزادسازی شهر بستان*، تهران، ایران سبز.
- ۴- پارسادوست، منوچهر (۱۳۶۹)؛ *ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق*، چاپ چهارم، تهران،

شرکت سهامی انتشار

- ۵- پورداراب، سعید (۱۳۸۰)؛ *عملیات بیت المقدس (کربلا ۳)*، تهران، انتشارات ایران سبز.
- ۶- جعفری، مجتبی (۱۳۸۸)؛ *اطلس نبردهای ماندگار*، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مرکز پژوهش های دفاع مقدس.
- ۷- جعفری، مجتبی و غفوری، علی (۱۳۹۰)؛ *آخرین نبرد*، تهران، انتشارات سوره سبز.
- ۸- جمالی، علی اصغر و رستمی، محمود (۱۳۸۱)؛ *تاریخ نظامی جهان و هنر جنگ*، تهران انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع)
- ۹- رزاق زاده، امیر (۱۳۹۱)؛ *نبرد طریق القدس*، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد دفاع مقدس
- ۱۰- ستوده، امیر رضا (۱۳۷۳)، *پا به پای آفتاب*، جلد دوم، تهران، انتشارات پنجره
- ۱۱- *سند شماره ۱۷۵۲*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : گزارش سپاه خوزستان از عملیات سوسنگرد، ۱۳۵۹/۸/۳۰
- ۱۲- *سند شماره ۱۷۰۹*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : دفتر سیاسی انتظامی استانداری خوزستان، ۱۳۵۹/۸/۲۶
- ۱۳- *سند شماره ۱۷۰۶*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : بولتن خبری ۲۴ ساعته « واحد اطلاعات سپاه خوزستان، شماره ۴۸، ۱۳۵۹/۸/۲۶
- ۱۴- *سند شماره ۲۱۴۷۶*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : گزارش پاسداران اعزامی از تبریز به منطقه سوسنگرد، ۱۳۵۹/۸/۳۰
- ۱۵- *سند شماره ۱۷۰۷*، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ : طرح عملیاتی شماره ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز، ۱۳۵۹/۸/۲۵ ۱۸-۲۰ شبکه اطلاع رسانی ساختمان ایران، ۲ مهر ۱۳۸۸، بازبینی شده در ۸ شهریور ۱۳۹۱
- ۱۶- *کلیپ تصویری عملیات آزادسازی سوسنگرد* (گروه تلویزیونی ارتش).
- ۱۷- *گزارش خبرگزاری کتاب ایران* (ایبنا)، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۱
- ۱۸- *گزارشات و مستندات خبرگزاری فارس*، ۱۳۹۱، www.farsnews.ir
- ۱۹- معین وزیری، نصرالله؛ یاسینی، حسین (۱۳۷۹)؛ *آیین نامه عملیات (۲/۰۱-۳ م)*، جلد یکم، تهران، انتشارات ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۰- معین وزیری، نصرالله (۱۳۸۴)؛ *تحلیلی بر وقایع صحنه عملیات خوزستان در سال اول جنگ*، تهران، سازمان حفظ آثار آجا.
- ۲۱- منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۸۸، *آشنائی دفاع مقدس*، تهران، انتشارات خادم الرضا(ع)

بررسی آثار و پیامدهای شکست حصر سوسنگرد... / ۱۹۱

۲۲- ولدانی، جعفر، ۱۳۸۷، ریشه های تاریخی اختلافات ایران و عراق.

۲۳- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای.

www.khamenei.ir

۲۴- پایگاه تخصصی و اطلاع رسانی دفاع مقدس fatehan.ir

۲۵- درگاه رسمی آمار ایران amar.org.ir

تحلیل اثربخشی مأموریت‌های نیروی هوایی ارتش ج.ا.ا در شکست حصر

سوسنگرد

نیک‌بخش حبیبی^۱، مجید یوسفی^۲

چکیده

بسیاری از نتایج عملکرد عملیاتی نه‌جا در صحنه‌های مختلف جنگ تحمیلی مغفول مانده است. هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل اثربخشی مأموریت‌های نیروی هوایی در شکست حصر سوسنگرد می‌باشد. این تحقیق از نوع کاربردی با روش توصیفی تحلیل محتوی است. نتایج حاصل این تحقیق نشان می‌دهد که مأموریت‌های رزمی نیروی هوایی علیه نیروی هوایی دشمن مجزا کردن منطقه نبرد، پشتیبانی نزدیک هوایی، شناسایی هوایی و تحرک هوایی در آزادسازی سوسنگرد بسیار مؤثر بوده است. نیروی هوایی با کسب برتری هوایی توانسته است ضمن ممانعت از تهاجم مؤثر هواپیماهای دشمن علیه اهداف راهبردی خودی، پوشش هوایی لازم را در حمایت از عملیات نیروهای سطحی فراهم نماید. این نیرو با بمباران مراکز نفتی، پالایشگاه‌ها، پل‌ها، قرارگاه‌های عملیاتی و قطع خطوط مواصلاتی توانسته است ماشین جنگی دشمن را متوقف نموده و او را از دسترسی به اهداف خود محروم سازد. شناسایی راهبردی هوایی کمک شایانی به آگاهی یافتن از گسترش و تحرکات نیروهای دشمن در منطقه نبرد کرده است. در تحرک هوایی (ترابری هوایی) این نیرو توانسته است با جابجایی عظیم نیروها، تجهیزات و اقلام آمادی به خط مقدم، زمینه تجهیز و پشتیبانی بموقع نیروهای خودی را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: مأموریت‌های نیروی هوایی، عملیات علیه نیروی هوایی دشمن، عملیات

مجزا کردن منطقه نبرد، عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی، شکست حصر سوسنگرد

۱. سرتیپ ۲ نیک‌بخش حبیبی: استادیار دانشگاه هوایی شهید ستاری، رئیس مرکز مطالعات راهبردی نه‌جا.

۲. مجید یوسفی: دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی، مدیر پژوهش مرکز مطالعات راهبردی نه‌جا.

۱. مقدمه

رژیم صدام به تقلید از راهبرد رژیم صهیونیستی در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، حمله برق‌آسایی را به قصد غافلگیری نیروی هوایی ایران در روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز کرد. در این حمله، نیروی هوایی عراق با ۱۹۲ فروند جنگنده و بمبافکن، پایگاه‌های هوایی، فرودگاه‌ها و اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران را نشانه گرفت. اما به علت فقدان توانمندی اطلاعات عملیاتی لازم جهت ارزیابی عینی کارآیی خود در برابر زمان حمله و میزان مقاومت نیروهای کشورمان دچار ضعف بود و نتوانست از حمله غافلگیرانه به اهداف مورد نظر برسد.

در پاسخ به حملات هوایی عراق، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران فقط دو ساعت بعد از حمله دشمن، با انجام عملیاتی به نام «اولین پاسخ» در قالب دو گروه پروازی «البرز» و «آلفا رد» پاسخ محکمی در همان ساعات آغازین جنگ به نیروهای عراقی داد.

فردای آن روز، یعنی در آستانه طلوع صبحگاه سه‌شنبه اول مهر ۱۳۵۹، خلبانان نیروی هوایی ارتش ج.ا.ا هم‌زمان با ابلاغ رمز «کمان ۹۹» عملیاتی به نام «انتقام» با ۱۴۲ فروند هواپیمای جنگنده بمبافکن و با پشتیبانی ۱۲۶ فروند هواپیمای شکاری مسلح، ۱۶ سورتی پشتیبانی نزدیک هوایی، ۳ سورتی شناسایی هوایی و ۳۴ سورتی ترابری هوایی، مجموعاً با ۳۲۱ سورتی پروازی در یک روز (حبیبی، ۱۳۹۲: ۳۱۴) حملات ویران‌کننده خود را علیه اهداف حیاتی دشمن آغاز کردند.

در این عملیات، تمامی پایگاه‌ها و مراکز مهم عراق، به استثنای پایگاه الولید در نزدیکی مرز اردن، مورد هدف قرار گرفتند. در پی این عملیات برق‌آسا، نیروی هوایی عراق برای مدت طولانی نیمی از توان عملیاتی خود را از دست داد.

با انجام این عملیات غرورآفرین، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی موفق شد برتری هوایی^۱ را کسب کند و بر آسمان صحنه جنگ تسلط یافته و ابتکار عمل را در دست گیرد. این نیرو سپس موج حملات خود را متوجه یگان‌های زرهی، پیاده، مکانیزه، توپخانه، قرارگاه‌های

۱. برتری هوایی آن درجه از تسلط بر جنگ هوایی یک کشور علیه کشور دیگر است که انجام عملیات هوایی، زمینی و دریایی را در یک زمان و مکان مشخص، بدون دخالت مؤثر و بازدارنده دشمن ممکن می‌نماید.

تاکتیکی، قرارگاه‌های آمادی، ستون‌های نظامی و همچنین محورهای مواصلاتی نیروهای پیاده دشمن کرد.

سرلشکر عراقی و فیک السامرایی در مورد اثربخشی حملات اولیه نیروی هوایی ایران، چنین گفته است: «به دنبال حمله‌های هوایی ایران در روز دوم جنگ علیه بغداد و دیگر شهرها، آن هم به صورت قدرتمندانه، روحیه فرماندهان عالی‌رتبه نظامی ما متزلزل شد و گزافه‌گویی مسئولان در مورد نتایج عملیات دفاع هوایی نیز به تزلزل روحیه آنها افزود.» (السامرایی، ۱۳۸۸: ۶۹)

با تداوم حملات بی‌وقفه نیروی هوایی به عقبه دشمن، تأسیسات نفتی، باندهای پروازی، خطوط تدارکاتی، سوخت و آذوقه دشمن به شدت بمباران شدند و به همین دلیل، از شتاب اولیه ماشین جنگی دشمن کاسته شد. در صحنه‌های عملیاتی زمینی جبهه‌های نبرد نیز، نیروی هوایی به کمک هوانیروز هر روز و بی‌وقفه به ستون‌های در حال پیشروی یگان‌های دشمن یورش می‌بردند و موفق شدند تلفات سنگینی را بر آنها وارد کرده و نوک حملات پیکان مهاجمان را کند کنند و ۱۵ روز طلایی و حیاتی را عراقی‌ها بگیرند.

سرلشکر و فیک السامرایی در کتاب «ویرانی دروازه شرقی» در مورد روزهای اول جنگ چنین اظهار داشته است:

«نیروی هوایی (ایران) در روزهای آغاز جنگ با انجام پروازهای متعدد و دلیرانه و هدف قراردادن یگان‌های در حال پیشروی عراقی با حمله به مواضع پدافندی خسارات و ضایعات سنگینی به آن وارد آورد و کلید فتح باب نابودی راهبرد جنگ برق‌آسای عراق بودند.» (همان: ۴۶)

در ادامه جنگ و از نیمه دوم آبان ۱۳۵۹، حرکت یگان‌های زمینی متجاوز عراقی در اکثر جبهه‌های جنگ در برابر ارتش ایران متوقف شد و دشمن به اهداف عملیاتی خود که اشغال سه روزه خوزستان بود، نرسید. رئیس کل استخبارات عراق در این باره می‌نویسد: اهداف عملیاتی ما در خاک ایران عبارت بودند از: به‌کارگیری تلاش اصلی در منطقه خوزستان به منظور اشغال استان خوزستان، پیشروی سریع در منطقه میانی تا ارتفاعات دربرگیرنده پاتاق، گیلان‌غرب و صالح‌آباد و تثبیت نیروهای ایرانی در منطقه شمال‌غرب (ذاکری، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

باید آخرین تک گسترده متجاوز عراق در صحنه عملیات خوزستان را در ۲۳ آبان در منطقه سوسنگرد دانست (معین وزیری، ۱۳۹۲: ۵۴) که تا تاریخ ۲۶ آبان ادامه پیدا کرد. در این عملیات، نقش عملیات نیروی هوایی در آزادسازی سوسنگرد بسیار چشمگیر بوده است، تا آنجا که حتی تعدادی از کارکنان پایور داوطلب نیروی هوایی در جبهه‌های زمینی در دفاع از سوسنگرد جانفشانی کردند و به شهادت رسیدند. لذا سوال اصلی تحقیق این است که اثربخشی مأموریت‌های عملیاتی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در انهدام و نابودی دشمن در شکست حصر سوسنگرد چگونه بوده است؟

۲. وضعیت نیروهای سطحی در منطقه عملیاتی سوسنگرد

هم‌زمان با حملات هوایی، نیروهای زمینی ارتش عراق نیز در سه صحنه عملیاتی مستقل از شمال قصرشیرین تا خرمشهر تجاوز سراسری خود را آغاز کردند. در صحنه عملیاتی جنوب (استان خوزستان) سپاه ۳ عراق شامل پنج لشکر (سه لشکر زرهی و دو لشکر مکانیزه) با هدف تصرف خرمشهر - آبادان، بستان - سوسنگرد - اهواز - دزفول و اندیمشک حملات خود را آغاز کردند. در صحنه عملیاتی میانی (استان ایلام و کرمانشاهان) سپاه ۲ عراق با پنج لشکر (دو لشکر زرهی، یک لشکر پیاده و دو لشکر مکانیزه) با هدف تصرف سومار - نفت‌شهر، گیلان‌غرب، قصرشیرین و سرپل ذهاب تجاوز خود را آغاز نمودند. در صحنه عملیاتی شمال (استان کردستان، آذربایجان غربی) لشکر ۲ پیاده با هدف کمک به تجزیه کردستان و تصرف پاره‌ای ارتفاعات در آذربایجان غربی اقدام به تک نمود (نیازمند، ۱۳۹۲: ۴۰).

در محور میانی خوزستان، مقاومت سرسختانه نیروهای ایرانی مانع از تصرف اهواز به دست دشمن گردید. این مقاومت باعث شد تا عراق بارها سمت حملات خود را تغییر دهد، ولی هیچ‌گاه نتوانست موفقیتی در این زمینه به دست آورد. لذا جهت حفظ روحیه نیروهای متجاوز خود تصرف سوسنگرد را در دستور کار خود قرار داد تا بتواند با تغییر نام آن به خفاجیه زمینه تبلیغاتی محدودی را فراهم آورد (دادوند، ۱۳۹۲: ۲۱۶).

سوسنگرد طبق تقسیمات کشوری مرکز دشت آزادگان است و در شمال غربی اهواز به فاصله ۵۵ کیلومتری این شهر قرار گرفته و هویزه در جنوب غربی و بستان در شمال غربی آن قرار دارند (علی اکبری، صباحی، عینی نرگسه، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

اشغال شهر سوسنگرد به مفهوم اشغال شهر اهواز نیز بود، چرا که در صورت الحاق لشکر ۹ زرهی عراق با لشکر ۵ زرهی در حمیدیه، آنها می‌توانستند عملیات مشترک انجام دهند و در این صورت امکان پدافند در مقابل این دو لشکر در اطراف شهر اهواز میسر نبود (ذاکری، ۱۳۹۲: ۹۶).

سپاه ۳ عراق در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۵۹، به لشکر ۹ زرهی تقویت شده دستور داد با زیر امر گرفتن تیپ ۱۲ زرهی لشکر ۳ زرهی (ابن الولید) در ساعت ۰۴۰۰ روز ۲۳ آبان، به سوسنگرد تک نموده و این شهر را تصرف نماید (معین وزیری، ۱۳۹۲: ۵۰).

تک نیروهای عراقی به منطقه سوسنگرد با پشتیبانی همه‌جانبه توپخانه و بالگردها از چهار محور آغاز گردید و در اثر فشار دشمن، تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲ به دشت آزادگان عقب‌نشینی کرد (دافوس آجا، ۱۳۹۰: ۷۲).

بدین ترتیب نیروهای عراقی موفق شدند در روز ۲۳ آبان، در غرب سوسنگرد تا دهلاویه و در شرق آن تا ابوحمیظه پیشروی کنند و در شمال کرخه نیز به نزدیک این شهر برسند (معین وزیری، ۱۳۹۲: ۵۰).

شهر سوسنگرد از سه جهت (جنوب، غرب، شرق) در محاصره قرار گرفت (دافوس، ۱۳۹۰: ۷۲). در مقابل نیروهای متجاوز، نیروهای خودی با ترکیبی از تیپ ۲ زرهی لشکر ۹۲ با گروه‌های رزمی ۱۴۸ پیاده و ۳۷ زرهی و تیپ ۳ زرهی لشکر ۹۲، نیروهای نامنظم دکتر چمران به استعداد تقریبی ۱۵۰ نفر و نیروهای سپاه پاسداران و مردمی منطقه حمیدیه به استعداد حداکثر ۲۰۰ نفر ادغام شده در گردان‌های در خط تیپ ۲ زرهی دزفول، صف‌آرایی کرده بودند (تراپ ذاکری، ۱۳۹۲: صص ۴۶-۴۹).

در روز ۲۴ آبان، دشمن حلقه محاصره سوسنگرد را تنگ‌تر کرد و فشار خود را بر مدافعین شهر افزایش داد. در بعد از ظهر روز ۲۵ آبان، افراد پیاده دشمن وارد شهر سوسنگرد شدند و حاشیه شرقی و جنوبی آن را اشغال کردند (معین وزیری، ۱۳۹۲: ۵۰). در رابطه با شرایط سخت آن روزهای حصر سوسنگرد، مقام معظم رهبری در بیان خاطرات خود این‌گونه می‌فرمایند:

«داخل سوسنگرد تقریباً کسی را نداشتیم. به مردم گفته بودیم تخلیه کنید، نیروهای ارتش و سپاه هم کم بودند. یک سرگرد نیروی هوایی را فرمانده نیروهای مستقر در سوسنگرد کرده بودیم. یعنی هم ارتش و هم سپاه و نیروهای نامنظم که تحت فرماندهی شهید چمران بود، تحت فرماندهی او بودند. البته تعدادی از بچه‌های افسر نیروی هوایی که با میل و رغبت داوطلب جنگ شده بودند، آنجا بودند. ۱۲-۱۳ افسر که یکی‌شان هم شهید شد. مدافعین شهر سوسنگرد همین عده قلیل بودند. گمان نمی‌کنم تعداد نیروها به ۲۰۰ نفر هم می‌رسید. یقین داشتیم اگر عراقی‌ها سوسنگرد را بگیرند، همه بچه‌ها قتل عام خواهند شد (دافوس آجا، ۱۳۹۰: ۷۲). بالأخره در ساعت ۰۶۳۰ روز ۲۶ آبان، آفند متقابل رزمندگان ما برای درهم شکستن محاصره سوسنگرد آغاز گردید. حدود ساعت ۱۲ مقاومت نیروهای دشمن در هم شکسته شد و آنها مجبور به عقب‌نشینی گردیدند.» (معین‌وزیری، ۱۳۹۲: ۵۰).

۳. عملیات شناسایی رزمی و پشتیبانی هوایی

نیروی هوایی به دلیل نوع و ویژگی تجهیزات و جنگ‌افزارها، به خصوص سیالی که از آن استفاده می‌کند (هوا)، دارای ماهیتی است که می‌تواند بسیار سریع‌تر از دیگر نیروها وارد عمل شود و در هنگام نیاز، مأموریت خود را با سرعتی بالا، در فاصله‌ای دور از پایگاه و در اسرع وقت به مرحله اجراء بگذارد. برد مناسب، تحرک، واکنش سریع و قابلیت انعطاف در شرایط تاکتیکی، از مشخصات اصلی قدرت هوایی به شمار می‌روند (حبیبی، ۱۳۹۲: ۲۳۱).

براساس این ویژگی، مأموریت‌های نیروی هوایی به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند که عبارتند از: (۱) مأموریت‌های رزمی (۲) مأموریت‌های پشتیبانی رزمی (حسینی، ۱۳۸۲: ۳۳۴).

الف) مأموریت‌های رزمی نیروی هوایی عبارتند از:

- ۱- عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن^۱
- ۲- عملیات مجزا کردن منطقه نبرد^۲
- ۳- عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک^۳

1 . Counter Air Operations
2 . Interdiction Battle field Air
3 . Close Air Support

۴- عملیات شناسایی هوایی^۱

۵- عملیات ترابری هوایی تاکتیکی^۲ (تحرک هوایی)

مأموریت عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

عملیات علیه نیروی هوایی دشمن عبارتست از تلاش هوایی برای انهدام و خنثی نمودن قدرت هوایی دشمن به منظور کسب برتری هوایی توسط هواپیماهای شکاری و شکاری بمب‌افکن از طریق انهدام هواپیماهای دشمن، انهدام سامانه دفاع هوایی و کلیه منابعی که عملیات هوایی دشمن را پشتیبانی می‌نمایند.

مأموریت عملیات مجزا کردن منطقه نبرد

عملیات مجزا کردن منطقه نبرد عبارت است از تلاش هوایی به منظور انهدام، خنثی کردن، و یا تأخیر در عملیات نیروهای سطحی دشمن، به وسیله گسیختن حرکت نیروها به داخل و یا در فواصل و یا خارج از منطقه نبرد. این عملیات معمولاً در ماوراء لبه‌های جلوی منطقه نبرد (لجمن) و خارج از حداکثر برد جنگ‌افزارهای نیروی زمینی (خط هماهنگی آتش) انجام خواهد شد.

مأموریت پشتیبانی نزدیک هوایی

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی (CAS) عبارت است از تک علیه هدف‌هایی از دشمن که در نزدیکی نیروهای خودی واقع شده‌اند.

عملیات شناسایی هوایی

شناسایی هوایی تاکتیکی مهم‌ترین منبع فراهم نمودن اطلاعات است و در عملیات مشترک نقش اصلی را بر عهده دارد. با استفاده از شناسایی هوایی، اطلاعات اولیه در ارتباط با حرکات نظامی دشمن و مقاصد آن از قبیل تهیه تدارکات جنگی، گسترش نیروها، فعالیت‌های هوایی و تهدیدات ضدهوایی توپخانه و موشکی در دسترس قرار می‌گیرد.

1 . Tactical Air Reconnaissance Operations
2 . Tactical Air Lift Operations

عملیات ترابری هوایی تاکتیکی (تحرك هوایی)

الف) تحرك هوایی

تحرك هوایی عبارت است از ترابری هوایی یگان‌ها، کارکنان، تدارکات و تجهیزات به وسیله پرتاب یا نشستن هواپیماهای ترابری.

ب) مأموریت‌های پشتیبانی رزمی نیروی هوایی

این مأموریت‌ها عبارتند از:

✓ عملیات جنگ الکترونیک (جنگال)

✓ عملیات سوخت‌رسانی هوایی

✓ عملیات تجسس و نجات

۶. عملیات‌های نه‌اجا در راستای شکست حصر سوسنگرد در تاریخ ۲۲ و ۲۳ آبان ۵۹

عملیات شناسایی هوایی

پایگاه یکم شکاری تعداد دو سورتی پرواز شناسایی (عکس‌برداری هوایی) از جبهه‌های جنوب و منطقه عملیاتی سوسنگرد را جهت کسب آگاهی از تحركات دشمن به انجام رساند.

عملیات ترابری هوایی تاکتیکی

✓ تعداد هشت سورتی پرواز هواپیمای سی ۱۳۰، تعداد شش سورتی پرواز هواپیمای ترابری اف ۲۷، نیرو، مجروح و اقلام پشتیبانی و مورد نیاز مناطق عملیاتی را جابجا نمودند. همچنین تعداد دو سورتی پرواز هواپیماهای جت استار و تعداد یک سورتی پرواز هواپیمای جت فالکون جهت جابجایی فرماندهان و مسئولین سیاسی و نظامی انجام گردید.

✓ تعداد سه سورتی پرواز هواپیمای ۷۴۷ و تعداد پنج سورتی پرواز هواپیمای بوئینگ ۷۰۷، جهت سوخت‌رسانی به هواپیماهای شکاری صورت پذیرفت.

✓ تعداد هشت سورتی پرواز هواپیمای سی ۱۳۰ و دو سورتی پرواز هواپیمای ترابری اف ۲۷ نیروها، مجروحین و اقلام پشتیبانی و مورد نیاز مناطق عملیاتی را جابجا کردند، همچنین تعداد دو سورتی پرواز هواپیماهای جت استار و تعداد یک سورتی پرواز هواپیمای جت فالکان فرماندهان، مسئولین سیاسی و نظامی را جابجا نمودند.

✓ تعداد سه سورتی پرواز هواپیمای ۷۴۷ و تعداد پنج سورتی پرواز هواپیمای بوئینگ ۷۰۷، جهت سوخت رسانی به هواپیماهای شکاری انجام گرفت.

عملیات هوایی نیروی هوایی دشمن

✓ پایگاه سوم شکاری همدان (شهید نوژه) با انجام شش سورتی پرواز گشت و مراقبت مسلحانه هوایی جهت تأمین دفاع هوایی، منطقه نبرد را به صورت گشت و مراقبت هوایی مسلحانه بر فراز یگان‌های خودی در منطقه غرب و جنوب (سوسنگرد) به انجام رساند.

✓ پایگاه چهارم شکاری تعداد ۱۸ سورتی پرواز مراقبت هوایی مسلحانه برای تأمین دفاع هوایی منطقه نبرد بر فراز یگان‌های خودی در سوسنگرد انجام داد (مرکز مطالعات راهبردی نه‌اجا ج ۲، ۱۳۹۳: ۴۷۸).

✓ پایگاه هشتم شکاری در اصفهان نیز تعداد ۲۲ سورتی پرواز مراقبت مسلحانه هوایی با احتساب سوخت‌گیری در هوا بر فراز مناطق عملیاتی قرارگاه لشکر ۶۴ ارومیه در آذربایجان غربی تا لشکر ۸۱ زرهی در گیلان‌غرب و کرمانشاه و لشکرهای ۹۲ و ۱۶ زرهی در مرکز استان خوزستان با هواپیماهای اف ۱۴ به انجام رسانید (همان: ۴۷۹).

✓ پایگاه سوم شکاری (شهید نوژه) همدان ضمن انجام تعداد چهار سورتی پرواز گشت و مراقبت مسلحانه هوایی، مناطق و هدف‌های حساس و مهم پرواز صحنه عملیات را تحت پوشش قرار دادند و تک هوایی دشمن را دفع کردند.

✓ پایگاه چهارم شکاری دزفول ضمن انجام تعداد ۱۶ سورتی پرواز، مراقبت مسلحانه هوایی مناطق و هدف‌های حساس و مهم پرواز صحنه عملیات سوسنگرد را تحت پوشش قرار دادند و تک‌های هوایی دشمن را دفع کردند.

عملیات مجزا کردن منطقه نبرد

✓ تعداد دو فروند هواپیمای فانتوم اف ۱۴ی تأسیسات نفتی حلفائیه را در استان العماره در هم کوبیدند تا دشمن را در تأمین سوخت و انرژی در منطقه عملیاتی سوسنگرد دچار مشکل سازند (مرکز مطالعات راهبردی نه‌اجا ج ۳، ۱۳۹۳: ۵۲۷).

- ✓ دو فروند هواپیمای اف۱۴ ای پایگاه سوم شکاری همدان یک دهانه پل و یک پل ارتباطی در جنوب کرکوک در منطقه «توزخرماتو» و اطراف سوسنگرد را بمباران کردند و پیروزی‌هایی را به واسطه حملات سنگین هوایی به دست آوردند (همان: ۵۲۸).
- ✓ در ساعت ۰۹۵۵، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف۱۵ ای جهت انهدام نیروهای دشمن در شمال غرب ایستگاه حمید، اعزام گردیدند.
- ✓ در ساعت ۱۰۰۳، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف۴ دی مأمور از پایگاه یکم شکاری به یگان بر روی جاده بستان و سوبله، چند خودرو و ادوات زرهی و سنگرهای دشمن در منطقه بستان را منهدم کردند.
- ✓ در ساعت ۱۶۱۵ مورخه فوق، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف۱۵ ای جهت انهدام نیروهای دشمن در منطقه شمال غرب سوسنگرد به پرواز درآمدند.

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

- ✓ پایگاه چهارم شکاری با مأموریت‌های رزمی خود در چهار دسته پروازی مجزا به نیروهای دشمن مستقر در شمال شرقی حلفائیه و هویزه حمله بردند، که در نتیجه موجب انهدام نفرات و ادوات دشمن گردیدند.
- ✓ در ساعت ۱۱۰۵، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف۱۵ ای جهت انهدام نیروهای دشمن در شمال شرقی حلفائیه به پرواز درآمدند.
- ✓ در ساعت ۱۳۱۵، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف۴ دی مأمور به یگان جهت انهدام نیروهای دشمن در سمت هویزه به پرواز درآمدند.
- ✓ در ساعت ۱۵۳۲، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف۴ دی مأمور به یگان جهت انهدام نیروهای دشمن در سمت هویزه اعزام گردیدند.
- ✓ پایگاه چهارم شکاری مأموریت‌های رزمی خود را در سه دسته پروازی مجزا به نیروهای دشمن مستقر در شمال غرب سوسنگرد، حمیدیه و غرب بستان به نیروهای دشمن حمله بردند که در نتیجه موجب انهدام و تخریب ادوات دشمن گردید (همان: ۵۲۹).
- ✓ پایگاه هشتم شکاری در اصفهان نیز ۱۸ سورتی پرواز مراقبت مسلحانه هوایی بر فراز استان‌های خوزستان، آذربایجان کردستان و کرمانشاه و اصفهان انجام داد (همان: ۵۳۰).

مهمات مصرفی

✓ در مجموع عملیات‌های رزمی، مقدار ۱۰۸ هزار و ۳۳۲ پوند از انواع بمب‌های MK-82 و

۱۳ هزار و ۴۰۰ تیر فشنگ بیست میلی‌متری HEI

✓ ۱۳۰ هزار و ۴۴۰ پوند بمب از انواع بمب‌های MK-82 و ۱۶ هزار و ۴۶۰ تیر فشنگ بیست

میلی‌متری HEI

خسارات خودی

✓ یک فروند هواپیمای اف ۵ به شماره ۷۱۲۲ در ساعت ۱۰:۴۵ در شمال شرق تأسیسات

نفتی موصل به وسیله آتشبارهای ضد هوایی دشمن مورد هدف قرار گرفت و در خاک عراق سقوط کرد و خلبان آن ستوان یکم پرویز ذبیحی به شهادت رسید.

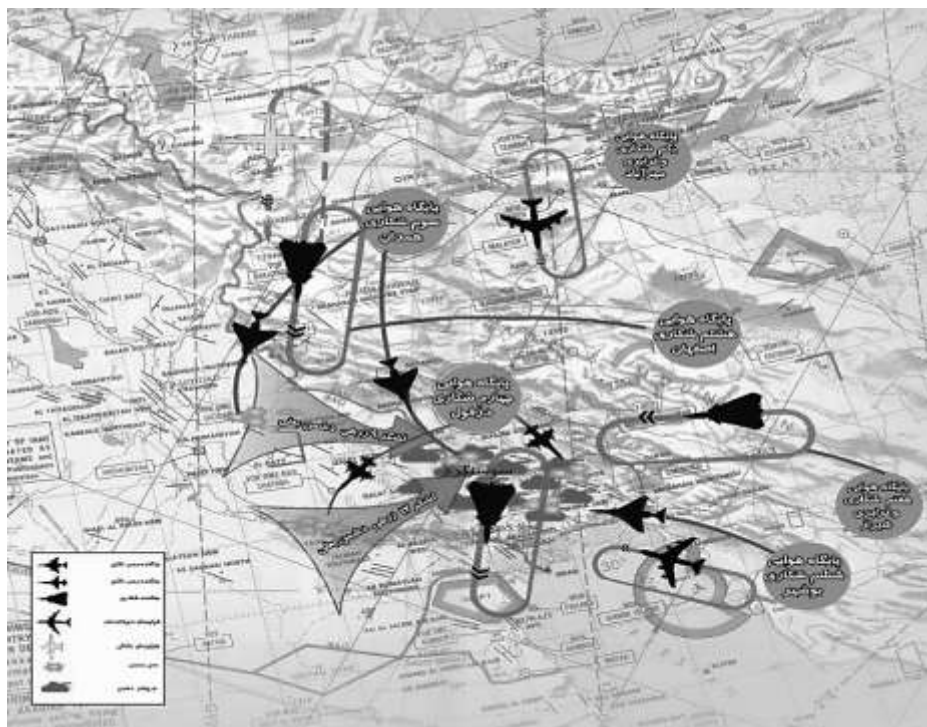
✓ روزنامه جمهوری اسلامی ایران در این روز (۵۹/۸/۲۲) می‌نویسد که دشمن ۱۵ کیلومتر

در سوسنگرد عقب‌نشینی کرده و ۱۰۰ دستگاه تانک و خودرو و نفربر زرهی دشمن منهدم شده و ۷۵۰ نفر از نیروهای دشمن به هلاکت رسیدند، که این خبر در پی حملات هوایی پایگاه چهارم شکاری به اطراف سوسنگرد و هویزه بازتاب فراوانی داشته است (مرکز مطالعات راهبردی نهجا ج ۲، ۱۳۹۳: ۴۸۴).

✓ در عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی در منطقه غرب سوسنگرد، یک فروند هواپیمای

اف ۴ دی فانتوم به شماره ۶۶۸۸ به فرماندهی سروان خلبان هوشنگ کیان‌آرا و کمک خلبانی ستوان یکم خلبان علی‌اکبر سامانی در منطقه بستان مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و سقوط کرد. خلبانان آن به شهادت رسیدند.

تصویر زیر نمای کلی عملکرد عملیات‌های نه‌جا را در آزادسازی سوسنگرد نشان داده است.



عملیات شناسایی هوایی

- ✓ پایگاه یکم شکاری با دو سورتی مأموریت شناسایی از مناطق عملیاتی جنوب را با موفقیت به پایان رساند.
- ✓ پایگاه چهارم با انجام دو سورتی پرواز هواپیماهای اف ۵ عکسبرداری هوایی مورد درخواست لشکر ۹۲ را جهت شناسایی حرکات نظامی و مقاصد دشمن، از قبیل تهیه تدارکات جنگی، گسترش نیروها، فعالیت‌های هوایی و تهدیدات ضد هوایی توپخانه و موشکی انجام داد.

انهدام تعدادی از پل‌های راهبردی عراق در این روز (۵۹/۷/۲۳)

هرچند عملیات انهدام پل‌های راهبردی در داخل خاک عراق از روز دوم مهر ۱۳۵۹ آغاز شده بود، ولی آخرین تلاش منسجم جهت انهدام پل‌های راهبردی عراق در این روز صورت گرفت.

انهدام پل‌ها در منطقه نفوذ و عمق خاک عراق

پل العماره در استان میسان که اکنون این استان عماره خوانده می‌شود (بر روی رود دجله به نام سید عباس)، پل سابله بر روی رودخانه کرخه، پل راه‌آهن زاخو، پل‌های الحلفائیه، پل توزخرماتو، پل تنومه بر روی شط‌العرب (اروند) واقع در شرق بصره.

نتایج حاصله عملیات انهدام پل‌ها

در جبهه جنوب، به ویژه در محور الحلفائیه به فکه، موسیان، بستان و مناطق تحت اشغال ارتش عراق در خوزستان، مجموع این سلسله عملیات هوایی و عملیات دیگر هوایی حرکت رو به جلو دشمن را با محدودیت‌های چشمگیری روبه‌رو نمود و حرکت‌های لجستیکی دشمن شامل قابلیت تحرک عمومی، مهمات‌رسانی به نیروها، جابجایی سربازان، تدارک گروه‌های رزمی، تعمیر و نگهداری سلاح‌ها و برخی امتیازات دیگر را از نیروهای سپاه سوم ارتش عراق سلب نمود (حبیبی، سلکی، ۱۳۹۲: ۵۰۴).

۷. صدور دستور ایجاد دسک هوایی در سطح لشکرها و قرارگاه‌های نیروی زمینی (در

۵۹/۸/۲۳)

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اندک اندک با لشکرها و یگان‌های نیروی زمینی ارتش نوعی همکاری کلاسیک حرفه‌ای و عملی را سامان داد. تا این تاریخ، نیروهای هوایی و زمینی بدون آگاهی کامل از عملیات یکدیگر تقریباً غیرهماهنگ عمل می‌کردند. سرهنگ خلبان جواد فکوری به قرارگاه تاکتیکی هوایی در پایگاه هوایی دزفول دستور داد که دسک‌های^۱ فعال و عملیاتی را در سطح لشکرها و قرارگاه‌های نیروی زمینی ارتش راه‌اندازی نماید.^۲ این دسک‌ها یکی در لشکر ۲۱ حمزه با نام دسک کرخه و دیگری در لشکر ۹۲ زرهی با نام دسک اهواز بود (همان: ۵۱۲ و ۵۱۳).

۱. واژه "DASC" از اختصار واژگان "DIRECT AIR SUPPORT CENTER" تشکیل شده است.

۲. دسک سازمان تاکتیکی هوایی است، که مدیریت حملات هوایی و دفاع هوایی را از منطقه عملیات یک لشکر بر عهده می‌گیرد. این سازمان در کنار ستاد فرمانده لشکر و زیر امر او تشکیل می‌گردد و در عملیات مشترک نقش مشاور تخصصی فرمانده لشکر را ایفا می‌کند.

۸. عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن در تاریخ ۵۹/۸/۲۴

پایگاه سوم شکاری (شهید نوژه) همدان ضمن انجام تعداد چهار سورتی پرواز گشت و مراقبت مسلحانه هوایی مناطق و هدف‌های حساس و مهم پرواز، صحنه عملیات را تحت پوشش قرار دادند و تک هوایی دشمن را دفع کردند (مرکز مطالعات راهبردی نه‌اج ج ۱، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

عملیات مجزا کردن منطقه نبرد

پایگاه سوم شکاری در همدان با تعداد هشت فروند هواپیمای اف۴ای به پادگان نظامی در ۲۰ مایلی شمال غرب شهر العماره و یک اردوگاه نظامی در نزدیکی شهر علی شرقی غرب منطقه عملیاتی سوسنگرد، حمله هوایی نمودند و ۳۲ دستگاه کامیون، خودرو و نفربر زرهی، دستگاه‌های مخابراتی، یک پاسگاه فرماندهی دشمن در شمال غرب العماره و تعدادی خودرو حامل مهمات و مواد سوختی در فاصله ۲۰ مایلی غرب شهر العماره نزدیک به شهر علی شرقی را مورد هدف بمباران قرار دادند.

عملیات شناسایی هوایی: پایگاه چهارم شکاری

دو سورتی پرواز عکسبرداری هوایی با هواپیماهای اف۵ بنا به درخواست لشکر ۹۲ برنامه‌ریزی نمود.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه چهارم شکاری دزفول تعداد ۱۶ سورتی پرواز گشت و مراقبت مسلحانه هوایی مناطق و هدف‌های حساس و مهم پرواز صحنه عملیات را تحت پوشش قرار دادند و تک هوایی دشمن را دفع کردند (حبیبی، سلکی، ۱۳۹۲: ۵۳۵).

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

پایگاه چهارم شکاری در ساعت ۰۷:۴۵، با اعزام یک دسته دو فروندی هواپیمای اف۵ای جهت انهدام نیروهای دشمن در شمال سوسنگرد و انهدام هدف در جنوب بستان حمله هوایی نمود و موجب انهدام و تخریب ادوات دشمن گردیدند.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه هشتم شکاری در اصفهان، تعداد ۱۸ سورتی پرواز گشت و مراقبت مسلحانه هوایی با هواپیمای اف۱۴ را در غرب و جنوب کشور و به ویژه منطقه عملیاتی سوسنگرد انجام داد (همان: ۵۳۷).

تحرک هوایی (ترابری هوایی)

تعداد هشت سورتی پرواز هواپیمای سی ۱۳۰ و تعداد ۱۰ سورتی پرواز هواپیمای ترابری اف ۲۷ نیرو، مجروحین و اقلام پشتیبانی و مورد نیاز مناطق عملیاتی را جابجا کردند. تعداد شش سورتی پرواز هواپیماهای جت استار و تعداد دو سورتی پرواز هواپیمای جت فالکان فرماندهان و مسئولین سیاسی و نظامی را جابجا نمودند.

سوخت‌رسانی

تعداد سه سورتی پرواز هواپیمای ۷۴۷ و تعداد پنج سورتی پرواز هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ سوخت‌رسانی به هواپیماهای شکاری را به پایان رساندند.

مهمات مصرفی

۸۹ هزار و ۳۸۰ پوند از انواع بمب‌های MK-82 و ۹ هزار و ۹۶۰ تیر فشنگ ۲۰ مم HEI

تلفات و خسارات خودی

در ساعت ۰۷۴۰، یک فروند هواپیمای اف ۵ به شماره ۷۰۱۷، به خلبانی سرگرد شهاب‌الدین سلطانی، در منطقه عملیاتی سوسنگرد مورد اصابت گلوله‌های ضد هوایی دشمن واقع گردید و سقوط کرد و خلبان آن به درجه رفیع شهادت رسید. او از هنرآموزگاران خلبان قدیمی در پرواز هواپیمای اف ۵ بود.

۹. عملیات شناسایی هوایی در تاریخ ۵۹/۸/۲۵

پایگاه یکم شکاری بر اساس درخواست و دستور قرارگاه عملیات هوایی دزفول، اقدام به یک سورتی پرواز شناسایی عکس‌برداری هوایی از منطقه عملیاتی سوسنگرد نمود (همان: ۵۴۰).

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه سوم شکاری همدان تعداد هفت سورتی پرواز گشت و مراقبت مسلحانه هوایی بر فراز قرارگاه تیپ ۳ ازشکر ۸۱ زرهی در غرب و سرپل ذهاب و سوسنگرد انجام داد (همان: ۵۴۳).

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

پایگاه سوم شکاری همدان تعداد دو سورتی پرواز بمباران بر اساس تهیه آتش پشتیبانی نزدیک هوایی علیه یگان‌های دشمن در داخل خاک خودی در منطقه جنوب و سوسنگرد به انجام رساند.

عملیات مجزا کردن منطقه نبرد

پایگاه سوم شکاری همدان یک سورتی پرواز بمباران هوایی علیه هدفی در داخل خاک عراق به انجام رسانید.

عملیات شناسایی هوایی

انجام دو سورتی پرواز عکسبرداری هوایی با هواپیماهای اف ۵ مورد درخواست لشکر ۹۲ برنامه‌ریزی و ابلاغ گردید.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه چهارم شکاری ۱۶ سورتی پرواز مراقبت مسلحانه هوایی زیر نظر رادار دزفول در دفاع هوایی متوسط از استان خوزستان را انجام داد.

عملیات مجزا کردن منطقه نبرد

پایگاه چهارم شکاری شش سورتی پرواز بمباران هوایی علیه اهدافی در داخل خاک عراق و وارد نمودن ضرباتی بر عقبه لشکر ۹ زرهی عراق در محور حلفائیه به فکه و محور کویته به حلفائیه و در غرب سوسنگرد برای کند کردن روند حرکات لشکر ۹ زرهی، به ویژه تیپ ۱۲ زرهی که برای تصرف سوسنگرد مأموریت یافته بود، انجام داد. مأموریت‌های رزمی این پایگاه در سه دسته پروازی مجزای دو فروندی به شرح زیر انجام گردید:

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

✓ در ساعت ۱۲۰۲، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف ۵ ای جهت انهدام نیروهای دشمن در محور حلفائیه - فکه به پرواز درآمدند.

✓ در ساعت ۱۲۱۲، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف ۵ ای جهت انهدام نیروهای دشمن در محور کویته اعزام گردیدند.

✓ در ساعت ۱۴۱۴، دو فروند هواپیمای اف ۴ دی جهت انهدام نیروهای دشمن در محور سوسنگرد به پرواز درآمدند.

تحلیل اثربخشی مأموریت‌های نیروی هوایی ج.ا. در ... / ۲۰۹

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه هفتم شکاری در شیراز تعداد ۹ سورتی پرواز برای مراقبت مسلحانه هوایی از بخش جنوب غربی کشور انجام داد.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه هشتم شکاری در اصفهان تعداد ۱۴ سورتی پرواز مراقبت مسلحانه هوایی در غرب و شمال غرب کشور به انجام رسانید (مرکز مطالعات راهبردی نهجا ج ۴، ۱۳۹۳: ۵۴۳ الی ۵۴۵).

تحرك هوایی (ترابری هوایی)

تعداد ۲۷ سورتی پرواز هواپیمای سی ۱۳۰ و تعداد دو سورتی پرواز هواپیمای ترابری اف ۲۷ نیروها، مجروحین و اقلام پشتیبانی و مورد نیاز مناطق عملیاتی را جابجا نمودند. تعداد سه سورتی پرواز هواپیماهای جت استار و تعداد شش سورتی پرواز هواپیمای جت فالکان فرماندهان و مسئولین سیاسی و نظامی را جابجا نمودند.

سوخت‌رسانی

تعداد دو سورتی پرواز هواپیمای ۷۴۷ و تعداد هفت سورتی پرواز هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ جهت سوخت‌رسانی به هواپیماهای شکاری انجام پذیرفت.

مهمات مصرفی

۶۴ هزار و ۹۳۰ پوند از انواع بمب‌های MK-82 و ۱۱ هزار و ۷۶۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری HEI.

خسارات وارده بر نیروی خودی

یک فروند هواپیمای اف ۱۵ ای به شماره ۷۱۵۳، جمعی پایگاه چهارم شکاری دزفول مورد اصابت جنگ‌افزارهای ضد هوایی دشمن در منطقه قرار گرفت و هواپیما سقوط کرد و خلبان آن به شهادت رسید. خلبان آن به نام ستوان یکم خلبان کامبخش ضیایی فرصت بیرون پریدن از هواپیمای آسیب‌دیده را پیدا نکرد و در خاک عراق شهید شد (همان).

۱۰. عملیات شناسایی هوایی در تاریخ ۵۹/۸/۲۶

پایگاه یکم شکاری مهرآباد سورتی پرواز عکس‌برداری شناسایی هوایی از مناطق عملیاتی خوزستان انجام داد (حبیبی، ۱۳۹۳: ۵۴۹).

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه سوم شکاری شهید نوژه همدان تعداد چهار سورتی پرواز گشت و مراقبت مسلحانه هوایی در منطقه غرب و استان همدان انجام داد (همان).

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

در پایگاه سوم شکاری، تعداد چهار سورتی پرواز اف ۴ در راستای پشتیبانی نزدیک هوایی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز برنامه‌ریزی گردید.

عملیات شناسایی هوایی

در پایگاه چهارم شکاری، انجام دو سورتی پرواز عکسبرداری هوایی با هواپیماهای اف ۵ مورد درخواست لشکر ۹۲ برنامه‌ریزی گردید.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه چهارم شکاری تعداد ۱۶ سورتی پرواز گشت و مراقبت مسلحانه هوایی در مناطق تعیین شده انجام داد (همان).

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

مأموریت‌های رزمی پایگاه چهارم شکاری ۴ سورتی در دو دسته پروازی مجزا دو فروندی به شرح زیر انجام گردید (حبیبی، سلکی، ۱۳۹۳: ۵۵۰):

✓ در ساعت ۰۷۵۰، یک دسته دو فروندی هواپیمای اف ۵ ای جهت انهدام نیرو و ادوات دشمن در محور هویزه - سوسنگرد به پرواز درآمدند.

✓ در ساعت ۱۴۱۲، دو فروند هواپیمای اف ۴ دی جهت انهدام نیرو و ادوات دشمن در حوالی سوسنگرد اعزام گردیدند.

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

تعداد هشت سورتی پرواز اف ۴ از پایگاه ششم شکاری در راستای پشتیبانی نزدیک هوایی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز برنامه‌ریزی گردید.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

خلبانان پایگاه هشتم شکاری در اصفهان نیز تعداد ۱۷ سورتی پرواز با هواپیماهای اف ۱ به عنوان مراقبت مسلحانه هوایی از ارومیه تا دزفول را پوشش دادند (مرکز مطالعات راهبردی نهاجا ج ۲، ۱۳۹۳: ۵۵۳).

تحرک هوایی

تعداد ۱۲ سورتی پرواز هواپیمای سی ۱۳۰ و دو سورتی پرواز هواپیمای ترابری اف ۲۷ نیروها و مجروحین و اقلام پشتیبانی و مورد نیاز مناطق عملیاتی را جابجا نمودند. تعداد یک سورتی پرواز هواپیماهای جت استار و تعداد دو سورتی پرواز هواپیمای جت فالکن فرماندهان، مسئولین سیاسی و نظامی را جابجا نمودند.

سوخت رسانی

یک سورتی پرواز هواپیمای ۷۴۷ و تعداد شش سورتی پرواز هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ جهت سوخت‌رسانی به هواپیماهای شکاری انجام پذیرفت.

مهمات مصرفی

۶۳ هزار و ۷۲ پوند از انواع بمب‌های MK-82 و ۹ هزار تیر فشنگ ۲۰ میلی‌متری HEI.

۱۱. عملیات شناسایی هوایی در تاریخ ۵۹/۸/۲۷

پایگاه یکم شکاری یک سورتی شناسایی عکس‌برداری هوایی از مناطق ارتش عراق در استان خوزستان انجام داد (همان: ۵۵۶).

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

پایگاه سوم شکاری تعداد چهار سورتی پرواز اف ۴ در راستای پشتیبانی نزدیک هوایی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز برنامه‌ریزی کرد.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه چهارم شکاری دزفول در این روز تعداد ۱۸ سورتی پرواز گشت هوایی و مراقبت مسلحانه هوایی، زیر نظر ایستگاه رادار دزفول انجام دادند، زیرا در سوسنگرد دشمن فعال شده بود و هواپیماهای شکاری بمب‌افکن و شکاری رهگیر او فعال‌تر از گذشته در عملیات پشتیبانی از نیروهای زمینی ارتش عراق شرکت می‌کردند (همان: ۵۵۷).

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

تعداد دو فروند هواپیمای اف ۱۵ ای از پایگاه چهارم شکاری دزفول در ساعت ۱۱۰۰، جهت بمباران هوایی علیه یگان‌های لشکر ۹ زرهی در غرب سوسنگرد در داخل خاک عراق و در جوار مرز مشترک دو کشور پرواز نمودند.

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

تعداد هشت سورتی پرواز اف ۴ از پایگاه ششم شکاری در راستای پشتیبانی نزدیک هوایی از لشکر ۹۲ زرهی اهواز برنامه‌ریزی گردید.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه هفتم شکاری در شیراز، تعداد هفت سورتی پرواز هواپیماهای اف ۱۴ بر فراز شمال غرب خلیج فارس و جزیره خارک و استان بوشهر و در کنار دزفول انجام داد.

عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن

پایگاه هشتم شکاری در اصفهان نیز، تعداد ۱۵ سورتی پرواز هواپیماهای اف ۱۴ به منظور پدافند هوایی از آسمان ارومیه تا دزفول در سراسر مرز مشترک با عراق به انجام رسانید (همان: ۵۵۹).

تحرک هوایی (ترابری هوایی)

تعداد ۱۵ سورتی پرواز هواپیمای سی ۱۳۰ و تعداد چهار سورتی پرواز هواپیمای ترابری اف ۲۷ نیروها و مجروحین و اقلام پشتیبانی و مورد نیاز مناطق عملیاتی را جابجا نمودند. تعداد یک سورتی پرواز هواپیماهای جت استار و تعداد یک سورتی پرواز هواپیمای جت فالکان فرماندهان و مسئولین سیاسی و نظامی را جابجا کردند.

سوخت رسانی

تعداد دو سورتی پرواز هواپیمای ۷۴۷ و تعداد شش سورتی پرواز هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ سوخت‌رسانی به هواپیماهای شکاری را به انجام رساندند.

مهمات مصرفی

۶۱ هزار و ۴۱۸ پوند از انواع بمب‌های MK-82 و شش هزار و ۷۲۰ تیر فشنگ ۲۰ مم HEI.

خسارات وارده بر نیروهای خودی

۱) در ساعت ۱۱۰۰، یک فروند هواپیمای اف ۵ به شماره ۷۰۳۷، متعلق به سرگرد خوشبین در حین انجام مأموریت، مورد اصابت پدافند دشمن قرار گرفت و در حوالی سوسنگرد هواپیما را ترک کرد، ولی متأسفانه به علت فرود در رودخانه کرخه موفق به نجات خود نگردید و به درجه رفیع شهادت نائل آمد. (مرکز مطالعات راهبردی نهجا ج ۱، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

۲) یک فروند هواپیمای اف ۱۴ ای به شماره ۶۶۴۴ به خلبانی ستوان یکم خلبان ابراهیم امیدبخش و ستوان دوم خلبان سید محمدتقی حسینی در مأموریتی که برای بمباران تأسیسات نظامی جاده فاو - بصره اعزام شده بودند، دچار سانحه شد. این دو خلبان تا مدت‌ها مفقودالثر بودند و کسی از شهادت آنان خبری نداشت (مرکز مطالعات راهبردی نهجا ج ۲، ۱۳۹۳: ۵۶ و ۵۶۱).

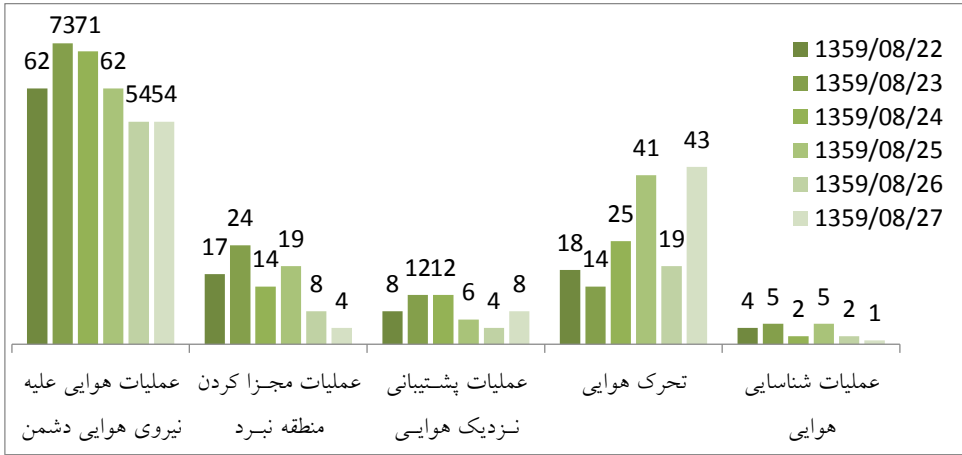
همچنین در جریان آزادسازی سوسنگرد، تعدادی از کارکنان غیور نیروی هوایی که به دفاع از شهر پرداخته بودند، در این عملیات به شهادت رسیدند. اسامی آنها عبارت است از:
 (۱) کریم زاهد (۲) حسین سلمانزاده (۳) ابراهیم قهوه‌چی‌زاده (۴) غلام‌علی حلاج‌فدوی (۵) عبدالله عیسی‌پور (۶) سید علی‌اکبر حیدری.

۱۲. تحلیل عملیات‌های هوایی انجام‌شده نهجا از ۲۲ تا ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۵۷

جدول (۱) سورتی پروازهای انجام‌شده نهجا از ۲۲ تا ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۵۷

تاریخ	عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد	عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی	عملیات شناسایی هوایی	تحرك هوایی
۲۲	۶۲	۱۷	۸	۴	۱۸
۲۳	۷۳	۲۴	۱۲	۵	۱۴
۲۴	۷۱	۱۴	۱۲	۲	۲۵
۲۵	۶۲	۱۹	۶	۵	۴۱
۲۶	۵۴	۸	۴	۲	۱۹
۲۷	۵۴	۴	۸	۱	۴۳

نمودار (۱): سورتی‌های پروازی انجام‌شده نه‌جا از ۲۲ تا ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۵۷



۱۳. یافته‌های تحقیق

۱- برای انجام عملیات علیه نیروی هوایی دشمن، بیشتر هواپیماهای اف ۱۴ پایگاه هشتم نقش اصلی را داشته، سپس پایگاه چهارم شکاری، هفتم شکاری، سوم شکاری در انجام این عملیات فعالیت داشته‌اند. تعداد بالای سورتی پروازی هواپیماهای گشت مسلح نشان می‌دهد که نیروی هوایی ۲۴ ساعته و در چند منطقه از آسمان کشور در حال دفاع هوایی بوده و به دنبال رهگیری و شکار پرنده‌های دشمن بوده است.

۲- در انجام عملیات مجزا کردن منطقه نبرد، هواپیماهای اف ۴ پایگاه سوم شکاری نقش اصلی را داشته و هواپیماهای پایگاه چهارم شکاری و ششم شکاری نیز در انجام این عملیات بسیار مؤثر بوده‌اند. سورتی‌های پشتیبانی هوایی و مجزا کردن منطقه نبرد نشان می‌دهد که مأموریت انهدام مواضع دشمن در صحنه عملیاتی و در عقبه دشمن به شدت ادامه داشته است.

۳- در انجام مأموریت شناسایی هوایی، پایگاه یکم شکاری مهرآباد نقش اصلی را داشته و پایگاه چهارم و دوم نیز ایفاء نقش نموده‌اند. سورتی بالای پروازی هواپیماهای شناسایی نشان از تحرک بالای دشمن در مناطق عملیاتی داشته و نیروهای سطحی برای رصد گسترش و تحرکات دشمن، نیازمند دریافت اطلاعات فوری از مناطق درگیری بوده‌اند.

۴- در عملیات ترابری هوایی، پایگاه یکم مهرآباد نقش اصلی را بر عهده داشته است و پایگاه هفتم شکاری نیز در انجام این عملیات بسیار مؤثر بوده است. تعداد سورتی بالای هواپیماهای تحرک هوایی نشان از جابجایی گسترده نیروهای خودی برای رساندن نفرات و تجهیزات به منطقه عملیاتی و خروج مجروحین جنگی از این مناطق داشته‌اند.

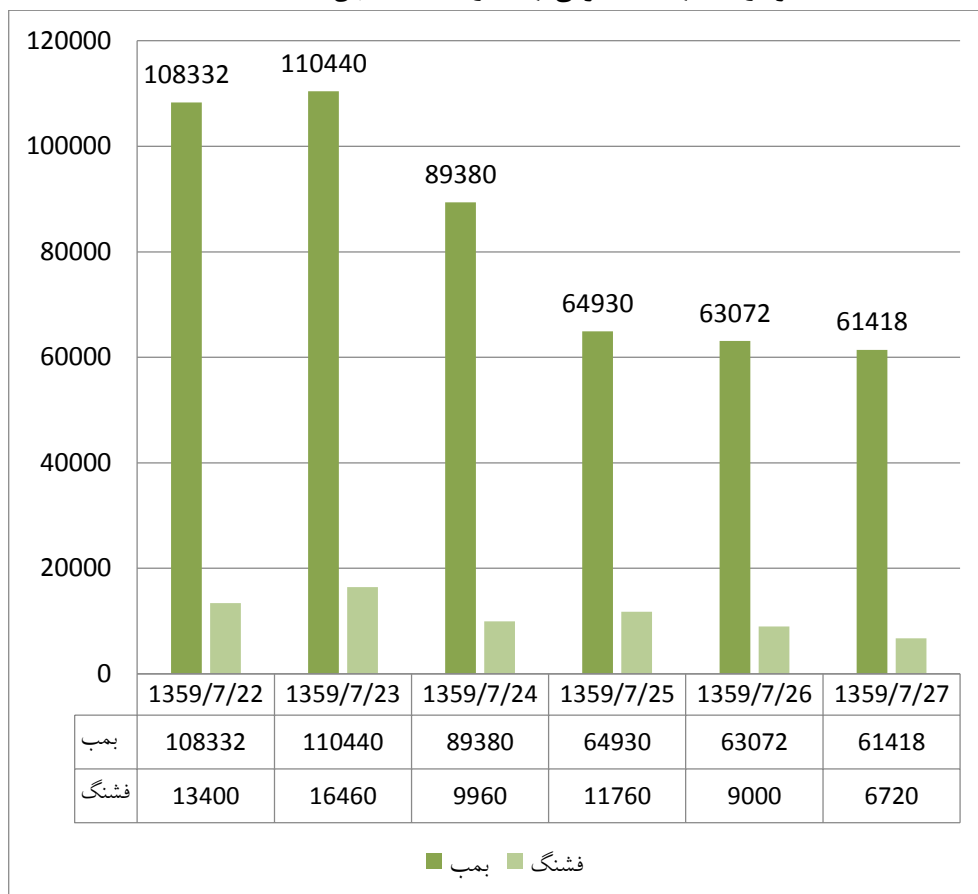
۱۴. تحلیل مهمات مصرفی نه‌جا از ۲۲ تا ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۷

جدول (۲) مهمات مصرفی نه‌جا از ۲۲ تا ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۷

نام پایگاه	۵۹-۸-۲۲	۵۹-۸-۲۳	۵۹-۸-۲۴	۵۹-۸-۲۵	۵۹-۸-۲۶	۵۹-۸-۲۷
دوم	۳۳۵۸۰ پوند از انواع بمب‌های ۵۰۰ پوندی MK-82 به اضافه ۳۰۰۰ تیر گلوله ۲۰ میلی‌متری به وزن ۱۸۰۰ پوند	۴۲۴۰۰ پوند بمب و تعداد ۶۰۰۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی‌متری به وزن ۳۶۰۰ پوند	۲۳۰۰۰ پوند مهمات شامل بمب‌های MK-82 گلوله‌های توپ‌های ۲۰ میلی‌متری هواپیما	۲۴ تیر بمب‌های MK-82 ریتارد به وزن ۱۲۰۰۰ پوند و تعداد ۳۰۰۰ تیر فشنگ HEI ۲۰ میلی‌متری به وزن ۱۸۰۰ پوند	۲۴ تیر بمب‌های MK-82 ریتارد به وزن ۱۲۰۰۰ پوند و تعداد ۳۰۰۰ تیر فشنگ HEI ۲۰ میلی‌متری به وزن ۱۸۰۰ پوند	۲۴ تیر بمب MK-82 به وزن ۱۵۷۲۰ تیر ۲۵۶۰ گلوله‌های ۲۰ میلی‌متری HEI به وزن ۱۵۳۶ پوند
سوم	۳۸۸۸۰ پوند بمب و تعداد ۵۱۲۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی‌متری به وزن ۳۰۷۲ پوند	۳۸۸۸۰ پوند بمب به اضافه تعداد ۵۱۲۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی‌متری به وزن ۳۰۷۲ پوند	۳۸۸۸۰ پوند به اضافه ۵۱۲۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی‌متری به وزن ۳۰۰۰ پوند	تعداد ۱۸ تیر بمب از انواع BL-755 و CBU-58 به وزن ۱۵۴۹۰ پوند به اضافه ۲۵۶۰ تیر فشنگ HEI ۲۰ میلی‌متری به وزن ۱۱۵۰ پوند	۲۴ تیر بمب‌های MK-82 ریتارد به وزن ۱۲۰۰۰ پوند و تعداد ۳۰۰۰ تیر فشنگ HEI ۲۰ میلی‌متری به وزن ۱۸۰۰ پوند	تعداد ۱۸ تیر بمب از انواع بمب به وزن ۱۵۴۹۰ پوند به اضافه ۲۵۶۰ تیر فشنگ HEI ۲۰ میلی‌متری به وزن ۱۱۵۰ پوند
چهارم	۱۶۰۰۰ پوند بمب از نوع MK-82 پانصد پوندی	۱۶ بمب HD و ۲۴ بمب‌های MK-82	۸ تیر بمب MK-82 به وزن ۴۰۰۰ پوند و تعداد	۲۴ تیر بمب MK-82 به وزن ۱۲۰۰۰ پوند	۱۲ تیر بمب ۵۰۰ پوندی به وزن	تعداد ۸ تیر بمب ۵۰۰ پوندی MK-82

به وزن ۴۰۰۰ پوند و تعداد ۱۰۰۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری HEI به وزن ۶۰۰ پوند	و تعداد ۱۲۰۰۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری HEI به وزن ۹۰۰ پوند	۳۰۰۰ تیر فشنگ HEI ۲۰ میلی متری به وزن ۱۸۰۰ پوند	۱۰۰۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری به وزن ۵۶۶ پوند	به وزن ۲۰۰۰۰ پوند تعداد ۱۵۰۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری	و ۴۰۰۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری به وزن ۲۴۰۰ پوند	
از بمب‌های نوع BL-755 و تعداد ۲۵۶۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری HEI به وزن ۱۵۳۶ پوند	۲۷۰۷۲ پوند مهمات جنگی	تعداد ۶ تیر موشک ماوریک (وزن هر یک ۴۷۳ پوند و با متعلقات آن معادل ۵۰۰ پوند)، تعداد ۲۴ MK-82 و تعداد ۳۸۴۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری به وزن ۲۳۰۰ پوند، جمع وزن ۲۵۴۴۰ پوند	۳۶ تیر بمب از انواع MK-82 به وزن ۲۳۵۰۰ پوند و ۳۸۴۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری به وزن ۲۳۰۰ پوند	۲۹۱۶۰ پوند بمب‌های MK-82 به اضافه ۳۸۴۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری به وزن ۲۳۰۰ پوند از نوع HEI که هر یک حدود ۰/۵۶۶ پوند وزن داشتند.	۱۹۸۷۲ پوند به اضافه ۱۲۸۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری به وزن ۷۶۸ پوند	ششم
۶۱۴۱۸ پوند بمب و ۶۷۲۰ تیر فشنگ	۶۳۰۷۲ پوند بمب و ۹۰۰۰ تیر فشنگ	۶۴۹۳۰ پوند بمب و ۱۱۷۶۰ تیر فشنگ	۸۹۳۸۰ پوند بمب و ۹۹۶۰ تیر فشنگ	۱۳۰۴۴۰ پوند بمب و ۱۶۴۶۰ تیر فشنگ	۱۰۸۳۳۲ پوند بمب و ۱۳۴۰۰ تیر فشنگ	مصرف روزانه
مجموع وزن انواع بمب‌های MK-82 : ۵۱۷۵۷۲ پوند و ۶۷۳۰۰ تیر فشنگ ۲۰ میلی متری HEI					کل مهمات مصرفی	

نمودار (۲) مهمات مصرفی نه‌جا از ۲۲ تا ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۵۷



۱۵. یافته‌های مهمات مصرف‌شده در منطقه عملیاتی سوسنگرد

- ۱- وزن بالای بمب‌های مصرفی که بیش از ۵۰۰ هزار پوند می‌باشد، نشان می‌دهد که در این روزها، نبرد سختی در مناطق عملیاتی وجود داشته و نیروی خودی بمباران بسیار گسترده‌ای را علیه مواضع دشمن به کار برده‌اند.
- ۲- تعداد زیاد تیرهای مصرفی که بالغ بر ۶۷ هزار تیرگلوله بوده است، نشان می‌دهد که هواپیماهای نیروی هوایی در ارتفاع بسیار پایینی در حال شکار تانک‌ها و نفرات دشمن بوده‌اند، چرا که در نبردهای متعارف کنونی معمولاً شرایط استفاده از شلیک مسلسل بسیار اندک است.

جدول (۳) تحلیل هواپیماهای سقوط کرده و شهادت خلبانان آنها

ردیف	تاریخ	نوع هواپیما	شماره هواپیما	خلبان	کمک خلبان	مکان سانحه هواپیما
۱	۵۹/۸/۲۳	اف ۴	۶۶۸۸	سروان خلبان شهید ناصر کیان آرا	سروان خلبان شهید شهید اکبر سامانی	غرب دزفول
۲	۵۹/۸/۲۴	اف ۵	۷۰۱۷	سرگرد خلبان شهید شهاب‌الدین سلطانی طباطبایی	-	حوالی اهواز
۳	۵۹/۸/۲۵	اف ۵	۷۱۵۳	ستوان یکم خلبان شهید کامبخش ضیایی	-	غرب سوسنگرد
۴	۵۹/۸/۲۷	اف ۵	۷۰۳۷	سرگرد خلبان شهید یونس خوش‌بین	-	سوسنگرد
۵	۵۹/۸/۲۷	اف ۴	۶۶۴۴	ستوان یکم خلبان شهید ابراهیم امیدبخش	سروان خلبان شهید سید محمدتقی حسینی	جاده فاو - بصره

۱۶. یافته‌های سقوط هواپیماها در عملیات آزادسازی سوسنگرد

در این عملیات، تعداد سه فروند هواپیمای اف ۵ و تعداد دو فروند فانتوم اف ۴ در حین انجام مأموریت مورد اصابت پدافند دشمن قرار می‌گیرند و سقوط می‌کنند. در این پنج سانحه هوایی، همه خلبانان به شهادت می‌رسند. این جدول نشان می‌دهد که هواپیماهای خودی در ارتفاع پایین در هنگام پشتیبانی نزدیک هوایی از نیروی خودی مورد هدف قرار گرفته‌اند. هرچند هواپیماهای شکاری بمب‌افکن باید در مأموریت‌های راهبردی به کار گرفته شوند و اهداف راهبردی را مورد هدف قرار دهند، ولی به علت وضعیت خاص و شکننده نیروهای سطحی، آنها مجبور بوده‌اند که در عملیات‌های تاکتیکی جهت انهدام اهداف تاکتیکی (تانک، نفربر، خودرو، نفرات و...) نیز حضور فعال داشته باشند و بدین سبب تلفات سنگینی را نیز پذیرفته‌اند.

۱۷. بحث و نتیجه‌گیری

عملیات علیه نیروی هوایی دشمن

نتایج این تحقیق بیانگر این است که مأموریت‌های آفندی نه‌اجا، که در اوایل منجر به برتری هوایی گردید، همچنان اجازه فعالیت مؤثر را به هواپیماهای دشمن جهت ورود به صحنه عملیات نداده است و بر این اساس، کسب برتری هوایی اوایل جنگ در پیروزی و موفقیت این عملیات نیز مؤثر بوده است. چارلز. ا. هورنر از فرماندهان هوایی نیروهای متحدین در جنگ خلیج در این رابطه اظهار داشته است که «اگر شما برتری هوایی داشته باشید، هر چیزی ممکن است و اگر آن را از دست بدهید چیزهای کمی می‌توانید به دست بیاورید.» (Charles A. Horner: ۱۹۹۱، ۲۳)

حجم عظیم پروازهای گشت مسلح نشان می‌دهد که این هواپیماها شرایط مناسبی را برای هواپیماهای بمبافکن خودی ایجاد نموده‌اند، تا بتوانند تحت حمایت و پوشش این هواپیماها مأموریت‌های محوله را به خوبی به ثمر برسانند. از طرفی، این تعداد زیاد نوبت پروازها نشان از این دارد که این هواپیماها به طور بسیار فعالی در مقابله با هواپیماهای مهاجم دشمن فعال بوده و فضای مناسبی را به آنها جهت تک به نیروهای سطحی خودی نداده‌اند. چون نیروهای سطحی دشمن از پوشش هوایی لازم برخوردار نبوده‌اند، به درستی توان مناسب را برای رزم مقابل نیروهای خودی نداشته‌اند و تلفات سنگینی را متحمل شده‌اند و بدین سبب، این عامل باعث کاهش مانور و توان نیروهای سطحی دشمن گردیده است. از طرفی، پوشش هوایی مناسب منطقه نبرد زمینه مناسب‌تری را برای عملیات هوانیروز ایجاد کرده است. از طرف دیگر، بمباران‌های مراکز نفتی، تلمبه‌خانه‌ها، پالایشگاه‌ها و سامانه‌های حمل و نقل فرآورده‌های نفتی موجب کاهش تولید سوخت و انواع روغن‌های موتور و هیدرولیک گردیده و ماشین جنگی عراق را در تهیه سوخت و پتانسیل حرکتی با مشکل روبرو ساخته است.

در مجموع، کسب برتری هوایی و به دنبال آن زمین‌گیر شدن هواپیماهای دشمن، فرصت‌های مناسبی را برای نیروهای خودی در اوایل جنگ تحمیلی ایجاد کرد که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱- فرصت لازم جهت سازماندهی نیروهای پراکنده سطحی و انجام طرح‌ریزی‌های اولیه پدافندی.

۲- ایجاد فرصت لازم، تا نیروهای سطحی از پشت جبهه به مناطق عملیاتی انتقال یابند.

۳- کاهش ظرفیت جنگی دشمن در دست زدن به حملات احتمالی هوایی به نقاط حساس کشور.

۴- کاهش توان رزمی هوایی دشمن باعث کاهش پوشش‌های هوایی آنها گردید.

عملیات مجزا کردن منطقه نبرد

بمباران عقبه نیروهای دشمن از جمله انهدام تعداد زیادی از پل‌ها در ۲۳ آبان و همچنین قطع خطوط مواصلاتی و قرارگاه‌های عملیاتی، باعث کاهش تدارکات و پشتیبانی از ارتش بعث از طرف استان میسان گردیده و قدرت مانور و جابجایی آنها را به شدت کاهش داده و لبه تیز تحرک سریع قوای عراقی را کند کرده است.

عملیات پشتیبانی نزدیک هوایی

حجم عظیم مهمات مصرفی و تعداد بسیار زیاد فشنگ مسلسل‌ها نشان می‌دهد که هواپیماهای خودی در حمایت از نیروهای سطحی، در ارتفاع بسیار پایینی پرواز کرده و در پشتیبانی نزدیک هوایی نیروهای خودی فعال بوده‌اند و از طرفی، سقوط تعداد زیاد هواپیماهای خودی نشان می‌دهد که خلبانان این هواپیماها فداکارانه در ارتفاع پست، به دنبال یورش به نفرات و ادوات دشمن بوده‌اند و مورد اصابت گلوله‌های پدافندی حاضر در صحنه عملیات قرار گرفته‌اند.

عملیات شناسایی هوایی

تعداد نوبت زیاد عکسبرداری هوایی بیانگر این است که دشمن در منطقه به شدت فعال بوده و نیروهای سطحی درخواست‌های متعددی جهت شناسایی وضعیت دشمن داشته‌اند. شناسایی گسترش دشمن در منطقه جهت دفاع و حمله هدفمند در این عملیات نقش بسیار مؤثری داشته است.

عملیات تحرک هوایی

تعداد زیاد نوبت‌های پروازی ترابری هوایی نشان می‌دهد که تحرک هوایی به علت نیازهای عملیاتی، بسیار زیاد بوده و در جهت جابجایی نیروها و مجروحین منطقه عملیات فعال بوده‌اند و در امر انتقال تجهیزات و اقلام آمادی، از تحرک بالایی برخوردار بوده‌اند. نقل و انتقال هوایی یکی از بهترین شیوه‌های انتقال نیروهای عملیاتی در مقیاس وسیع برای مناطق جنگی است، چرا که برتری‌های غیرقابل قیاسی را نسبت به سایر جابجایی‌ها دارد، که سایر شیوه‌های حمل و نقل از آن بی‌بهره‌اند. این برتری‌ها عبارتند از:

- ۱) سرعت بسیار زیاد: هواپیماهای مدرن قادرند در هر شرایطی، ۸۰۰ تا ۹۰۰ کیلومتر را در یک ساعت طی کنند، که ۱۰ برابر سرعت نقل و انتقال زمینی است. چون هواپیماهای ویژه حمل و نقل معمولاً در مسیر مستقیم پرواز می‌کنند، لذا نقل و انتقال هوایی سریع‌ترین راه است.
- ۲) هواپیماهای ویژه حمل و نقل می‌توانند فاصله‌های طولانی را طی کنند. هواپیماهای استراتژیک مدرن قادرند هزاران مایل پرواز کنند و به علاوه نقل و انتقال هوایی از قابلیت مانور بالایی برخوردار است و به ندرت توسط شرایط جغرافیایی محدود می‌شود.
- ۳) نقل و انتقال هوایی حجم عظیمی از نفرات و بار را می‌تواند در زمان کوتاهی جابجا کند.

عملیات پشتیبانی رزمی سوخت‌رسانی

تعداد میانگین روزانه هشت سورتی سوخت‌گیری هوایی نشان می‌دهد که هواپیماهای شکاری به طور ۲۴ ساعته با هوشیاری بالا، از آسمان کشور در مقابل هجوم هواپیماهای دشمن صیانت کرده و همچنین نشان از این دارد که بمب‌افکن‌های نیروی هوایی برای نفوذ در عمق خاک دشمن، از سوخت‌گیری هوایی بهره لازم را برده‌اند.

وجود تعدادی شهدای غیرپروازی در این عملیات، نشان از روحیه ایثار و فداکاری و شهادت در بین کارکنان این نیرو دارد و از طرفی، نشان‌دهنده آن است که نیروی هوایی تمام‌قد در مقابل دشمن متجاوز به دفاع پرداخته و در آزادسازی سوسنگرد نقش بسزایی داشته است.

نتایج حاصل از تحلیل مأموریت‌های رزمی هوایی علیه نیروی هوایی دشمن، مجزا کردن منطقه نبرد، پشتیبانی نزدیک هوایی، شناسایی هوایی و تحرک هوایی نشان می‌دهد که نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی با داشتن برتری هوایی، توانسته است ضمن ممانعت از تهاجم مؤثر هواپیماهای دشمن، پوشش هوایی لازم را در حمایت از عملیات نیروهای سطحی فراهم نماید. این نیرو با بمباران مراکز نفتی، پالایشگاه‌ها، پل‌ها، قرارگاه‌های عملیاتی و قطع خطوط مواصلاتی، توانسته است ماشین جنگی دشمن را متوقف نماید و او را در دسترسی به اهداف خود محروم سازد. شناسایی راهبردی هوایی کمک شایانی به آگاهی یافتن از گسترش و تحرکات نیروهای دشمن در منطقه کرده است. در تحرک هوایی (ترابری هوایی) با جابجایی عظیم نیروها، تجهیزات و اقلام آمادی به خط مقدم زمینه تجهیز و پشتیبانی بموقع نیروهای خودی را فراهم کرده است.

نتیجه نهایی که می‌توان از این مقاله دریافت کرد این است که با توجه به تأثیرگذاری قدرت هوایی در ابعاد مختلف صحنه‌های نبرد، در آزادسازی سوسنگرد، باید به نقش و اهمیت این قدرت با دقت نظر بیشتر توجه شود. چرا که قدرت هوایی پتانسیل، توانمندی تأثیرگذاری و ایجاد تغییر در صحنه نبرد را دارد و می‌تواند اراده یک ملت را از طریق هوا به دشمن تحمیل کند.

سخن آخر اینکه آنچه ما از نبرد شکست حصر سوسنگرد آموختیم آن بود که دانستیم فراتر از نقش پشتیبانی از نیروهای سطحی، قدرت تهاجمی هوایی در انهدام قدرت تهاجم زمینی دشمن در نقشی است که قدرت هوایی کشور می‌تواند در جنگ و دفاع عهده‌دار گردد.

۱۸. منابع

- ۱- بختیاری، مسعود (۱۳۸۹) *پژوهش دفاع مقدس*، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس
- ۲- پولاک، کنت مایکل (۱۳۸۹) *آنچه گذشت*، مترجم مهدی خسروی نژاد، تهران: هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد صیاد شیرازی
- ۳- حبیبی، نیک بخش؛ سلکی، سعید (۱۳۹۲)؛ *تحلیل مدل عملکرد عملیاتی نیروی هوایی ا.ج.ا در فرآیند آزادسازی سوسنگرد*، همایش عملیات آزادسازی سوسنگرد، دافوس آجا.

- ۴- حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۹۱)؛ *ماهیت قدرت هوایی*، تهران: مرکز انتشارات راهبردی نهجا
- ۵- حسینی، یداله (۱۳۸۲)؛ *دانستنیهای عمومی هوایی*، نیروی هوایی تاکتیکی، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد آجا.
- ۶- دادوند، حسین (۱۳۹۲)؛ *بررسی عملیات غرور آفرین آزادسازی سوسنگرد*، همایش عملیات آزاد سازی سوسنگرد، دافوس آجا.
- ۷- ذاکری، تراب (۱۳۹۲)؛ *نقش رهبر معظم انقلاب و فرماندهی کل قوا در عملیات‌های غرب اهواز و آزادسازی سوسنگرد*، همایش عملیات آزادسازی سوسنگرد، دافوس آجا.
- ۸- السامرای، وفیق (۱۳۸۸)؛ *ویرانی دروازه شرقی*، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، چاپ سوم.
- ۹- شاهین‌راد، فرض‌الله (۱۳۹۲)؛ *بررسی عملیات غرور آفرین آزادسازی سوسنگرد*، همایش عملیات آزادسازی سوسنگرد، دافوس آجا.
- ۱۰- علی‌اکبری، احسان؛ صباحی، محمد، عینی‌نرگسه، رحیم (۱۳۹۲)؛ *نقش هوانیروز در عملیات آزادسازی سوسنگرد*، همایش عملیات آزادسازی سوسنگرد، دافوس آجا.
- ۱۱- دافوس آجا (۱۳۹۰)؛ *کتابچه عملیات آزادسازی سوسنگرد*، معاونت پژوهش و تولید علم.
- ۱۲- معین‌وزیری، نصرت‌الله (۱۳۹۲)؛ *نقش ارتش ج.ا.ا در متوقف کردن و تثبیت متجاوز و ناکام نمودن ارتش بعث عراق در وصول به اهداف پیش‌بینی شده‌اش*، همایش عملیات آزادسازی سوسنگرد، دافوس آجا.
- ۱۳- نمکی، علیرضا (۱۳۸۹)؛ *نیروی هوایی در دفاع مقدس*، تهران، ایران سبز.
- ۱۴- نیازمند، امیر (۱۳۹۲)؛ *شیوه‌ها و تدابیر مدیریتی امام خمینی (ره) با توجه به شرایط موجود نیروهای مسلح در سال‌های اول جنگ تحمیلی*، همایش عملیات آزادسازی سوسنگرد، دافوس آجا.
- ۱۵- مرکز مطالعات راهبردی نهجا (۱۳۹۳)؛ *تاریخ نبردهای هوایی*، تهران، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی نهجا، جلد اول.
- ۱۶- مرکز مطالعات راهبردی نهجا (۱۳۹۳)؛ *تاریخ نبردهای هوایی*، تهران، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی نهجا، جلد دوم.

۱۷- مرکز مطالعات راهبردی نهجا (۱۳۹۳)؛ تاریخ نبردهای هوایی، تهران، انتشارات مرکز

مطالعات راهبردی نهجا، جلد سوم.

۱۸- مرکز مطالعات راهبردی نهجا (۱۳۹۳)؛ تاریخ نبردهای هوایی، تهران، انتشارات مرکز

مطالعات راهبردی نهجا، جلد چهارم.

19- Lt Gen Charles A. Horner, commander, Ninth Air Force, briefing, subject: Reflections on Desert Storm: The Air Campaign, May 1991.

20- George Bush. "remarks at the united states airforce academy commencement

21- ceremony in colorado springs, colorado, 29 may 1991". Weekly compilation of

22- presidential documents 27, no 22 (3 june 1991): 685.

مطالعه تطبیقی نقش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات آزادسازی سوسنگرد با عناصر قدرت هوایی

شهریار سیم‌چی^۱، کاظم بختیاری‌نژاد^۲، مهدی دباغ^۳

چکیده

یکی از کم‌سابقه‌ترین عملیات‌های مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در شرایطی که کمتر از دو ماه از آغاز جنگ تحمیلی می‌گذشت و تأثیر انکارناپذیر در تثبیت دشمن و ممانعت از موفقیت او در اشغال شهرهای دزفول و اهواز، که به عنوان کلید فتح استان خوزستان تلقی می‌شد، داشت، عملیات آزادسازی سوسنگرد بود، که در پی فرمان تاریخی و سرنوشت‌ساز بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران^۴ و پرچمداری غیورمردانی همچون مقام معظم رهبری، شهید دکتر چمران و شهید فلاحی به اجرا درآمد. از مطالعه تاریخ دفاع مقدس و مقاومت‌های دلیرانه کلیه نیروهای مسلح گرفته تا نیروهای مردمی که در آن زمان هنوز انسجام کافی را پیدا نکرده بودند و در شرایطی که روز به روز و حتی ساعت به ساعت شرایط جنگ تغییر می‌نمود و خبرهای جدیدی برای طرفین درگیر می‌رسید، همچنین در پی عدم موفقیت دشمن بعثی در دسترسی به اهداف تعیین‌شده در ابتدای جنگ^۵ و با گذشت حدود ۵۴ روز از شروع رسمی تجاوز و اینکه آنها هنوز موفق به در اختیار گرفتن خیلی از شهرها و از جمله اهواز و دزفول نشده بودند، چنین استنباط می‌گردد که دشمن علاوه بر اجرای کلیه طرح‌های عملیاتی پیش‌بینی‌شده در اشغال خاک جمهوری اسلامی ایران، تمامی طرح‌های جایگزین، که بر اساس اطلاعات روزانه واصله از سامانه‌های اطلاعاتی خود و وابسته به استکبار جهانی مبنی بر تحرکات

۱. سرهنگ شهریار سیم‌چی: عضو هیئت علمی نظام مدرسین ارتش جمهوری اسلامی ایران، مدرس و محقق دافوس اجا.

۲. سرهنگ کاظم بختیاری‌نژاد: عضو هیئت علمی نظام مدرسین ارتش جمهوری اسلامی ایران، مدرس و محقق دافوس اجا.

۳. سرهنگ مهدی دباغ: مدرس و محقق دافوس اجا.

۴. سوسنگرد تا فردا باید آزاد شود. امام خمینی(ره).

۵. بنا به ادعای صدام حسین قرار بود در روز هفتم جنگ، رژه یگان‌های نظامی عراق در تهران برگزار گردد و الآن نزدیک به ۲ ماه از شروع جنگ می‌گذشت.

نیروهای جمهوری اسلامی ایران را نیز به کار گرفته بود، ولیکن مقاومت دلیرانه و هوشمندانه نیروها و بالأخص ارتش جمهوری اسلامی ایران با تیپ ۲ و ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز و گروه‌های رزمی و نیروهای ملحق شده از سایر واحدها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و برخی نیروهای مردمی در پاسداری از مناطق حساس و حیاتی و اجرای عملیات آزادسازی سوسنگرد، تمام نقشه‌های آنها را نقش بر آب کرده است.

نقد و بررسی عملیات آزادسازی سوسنگرد و نقش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در اجرای این عملیات، در گستره یک مقاله بیان‌شده نبوده و اساساً برای مطالعه این موضوع، لازم است تا حرکت‌ها و سناریوهای تحرک نیروهای دشمن را در مدتی قبل و بعد از این عملیات مورد نقد و بررسی قرار داد، اما به جهت شرایط مکانی و زمانی وقوع این عملیات که تقریباً در اواخر دومین ماه شروع جنگ تحمیلی بوده، همچنین به جهت محدود کردن دوره زمانی تحقیق و کاستن از تأثیر سایر متغیرهای اثرگذار در موضوع این مقاله، که با عنوان مطالعه تطبیقی و بررسی علمی مطرح گردیده است، این موضوع در بازه زمانی ۲۳ تا ۲۸ آبان ۱۳۵۹، یعنی سه روز قبل و دو روز بعد از آزادسازی سوسنگرد مد نظر قرار گرفته است. در این مقاله، محققین سعی نموده‌اند تا تأثیر عملیات‌های رزمی و پشتیبانی رزمی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را در موفقیت این عملیات غرورآفرین، از ابعاد مطالعه و مقایسه تطبیقی با عناصر قدرت هوایی به تصویر بکشند.

واژگان کلیدی: نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، مطالعه تطبیقی، عملیات‌های

رزمی و پشتیبانی رزمی، عناصر قدرت هوایی، عملیات آزادسازی سوسنگرد

۱. مقدمه

نیروی هوایی بر اساس مأموریت ذاتی خود، یکی از ارکان ثابت و تغییرناپذیر تمامی عملیات‌های نظامی در زمین و دریا بوده و تاریخ نبردهای قرن اخیر عملیاتی را بدون حضور مستقیم و یا غیرمستقیم این نیرو سراغ ندارد و تقریباً تمامی راهبردهای مطرح‌شده در حوزه‌های نظامی، جای نیروی هوایی را در مجموعه‌های خود پیش‌بینی نموده‌اند و حتی کشورهایی که اصول نظامی آنها بر مبنای راهبرد دریایی مطرح‌شده از سوی آلفرد ماهان بنا شده است، شرط تسلط بر دریاها را بدون حضور نیروی هوایی ناممکن می‌دانند و حضور چشمگیر ناوهای هواپیمابر در این بین شاهدی حاضر بر این مدعاست.

این موضوع بدون تردید به سبب مشخصات ذاتی و جدایی‌ناپذیر این نیروست و به همین دلیل است که در شروع تمامی جنگ‌های قرن حاضر، اولین اقدام در ابتدای نبرد، تلاش در جهت فلج نمودن و زمین‌گیر کردن نیروی هوایی طرف مقابل با از بین بردن پایگاه‌های هوایی، باندهای پروازی و هواپیماهای شکاری و ترابری پارک شده در رمپ‌ها و آشیانه‌های پروازی است. رژیم بعثی عراق نیز با همین راهبرد جنگ را شروع نمود و در لحظات آغازین تجاوز به ۱۵ فرودگاه و پایگاه هوایی ما حمله کرد (قدیمی، ۱۳۸۹: ۶۴). در عملیات‌های به وقوع پیوسته از سوی ارتش ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو طی دو دهه اخیر در منطقه خاورمیانه و کشورهای حوزه بالکان نیز، از همین راهبرد استفاده گردید و از نمونه‌های بارز دیگر آن، حمله سال ۱۹۶۷ نیروی هوایی رژیم اشغالگر قدس به مصر و سایر کشورهای عربی همجوار و به زانو درآوردن جمال عبدالناصر، یکی از اسطوره‌های ناسیونالیست عربی، را می‌توان برشمرد.

اجرای بیش از ۸۰۰ سورتی پرواز رزمی و پشتیبانی رزمی در بازه زمانی شش روزه ۲۳ تا ۲۸ آبان‌ماه و استفاده بالغ بر ۴۵ تن مهمات هوایی در سه روز ۲۵، ۲۶ و ۲۷ آبان‌ماه^۱ یکی از ارزشمندترین اقدامات ثبت‌شده در تاریخ دفاع مقدس و در عملیات آزادسازی سوسنگرد که در ۲۶ آبان‌ماه به وقوع پیوست، بوده است.

در این مقاله، محققین سعی نموده‌اند تا در مطالعه‌ای تطبیقی، عملیات‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در آزادسازی سوسنگرد را در مقایسه با آموخته‌های تئوریک

۱. تحلیل مدل عملکرد عملیاتی نهجا در فرآیند آزادسازی سوسنگرد. نیک‌بخت حبیبی، سعید سلکی.

عناصر قدرت هوایی مورد بررسی قرار داده و در نهایت، به این نتیجه‌گیری نائل آیند که علاوه بر تأثیر بی‌نظیر نقش نیروی هوایی در به ثمر رسیدن تلاش‌های سایر رزمندگان ارتش اسلام در این عملیات سرنوشت‌ساز، کلیه طرح‌ریزی‌های آن منطبق با آموزه‌های یادشده بوده است.

۲. بیان مسئله

در اجرای اوامر فرماندهی معظم کل قوا، مبنی بر ضرورت کنکاش و بررسی علمی توسط محققان و اساتید مراکز عالی نظامی کشور، در مورد تحلیل همه‌جانبه جنگ تحمیلی از زوایای مختلف و تبیین دلاورمردی‌های رزمندگان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به ویژه نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در متوقف کردن تهاجم رژیم بعث عراق که در لابه‌لای حوادث مغفول مانده و در هاله‌ای از ابهام و سوال قرار گرفته، محققین در این مقاله بر آن شده‌اند تا نقش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در یکی از بی‌نظیرترین عملیات‌های حساس و کلیدی ابتدای جنگ، از نقطه نظر مقایسه و تطبیق با عناصر قدرت هوایی را به تصویر بکشند و بر این اساس، «مطالعه تطبیقی نقش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات آزادسازی سوسنگرد با عناصر قدرت هوایی» موضوعی است که محققین در این مقاله به دنبال تبیین آن می‌باشند.

۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

همانگونه که می‌دانیم، قدرت هوایی و ماهیت و عناصر آن سال‌هاست که در دانشکده‌ها و آکادمی‌های فرماندهی و ستاد سراسر جهان تدریس می‌گردد و با توجه به موقعیت جغرافیایی کشورهای مختلف، در مورد آنها عمدتاً مثال‌هایی از جنگ‌های به وقوع پیوسته منطقه‌ای مطرح می‌گردد، ولی آنچه که به نظر می‌رسد به فرموده مقام معظم رهبری از دیده‌های ما پنهان و یا مغفول مانده باشد، این گنج تمام نشدنی تجارب هشت سال دفاع مقدس خودمان است که هر چقدر بیشتر در آن تعمق می‌کنیم، به حقایق و آموزه‌های بیشتری دست پیدا می‌کنیم. از طرف دیگر، از مسائلی که اهمیت و ضرورت تحقیق حاضر می‌باشد این است که برخی از نقادان و تحلیل‌گران به دلیل عدم آشنایی تخصصی و یا عدم دسترسی به اطلاعات، با غرض‌ورزی و یا بدون غرض به مطرح نمودن مسائل ابهام‌برانگیزی همچون از هم‌پاشیدگی چهارچوب و بدنه ارتش جمهوری اسلامی ایران در ابتدای جنگ می‌پردازند که این امر بجز ایجاد اختلاف و تضعیف

پایه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ریختن آب در آسیاب دشمن تأثیر دیگری ندارد. بر این مبنا، محققین در نظر دارند تا در این مقاله، ضمن بیان مختصری از قدرت هوایی و عناصر آن، نقش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات آزادسازی سوسنگرد، به عنوان یک مثال عینی و واقعی از هشت سال دفاع مقدس را در مقایسه با عناصر قدرت هوایی به تصویر کشیده و در نهایت، به این نتیجه‌گیری نائل آیند که گرچه طرح‌ریزی استکبار جهانی و دشمن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در جهت تضعیف نیروهای مسلح و به ویژه نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نیروی فناوری محور، با خروج مستشاران نظامی، توطئه انحلال ارتش، طرح‌ریزی کودتای نقاب و جدا نمودن برخی از خبرگان سست‌عنصر از بدنه نهاجا و... بوده است، ولیکن در سایه توجهات حضرت ولی عصر (عج) و رهبری داهیان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، پشتیبانی‌های بی‌دریغ مقام معظم رهبری که تمشیت امور ارتش را به عهده داشتند و رشادت‌های خلبانان و کارکنان مخلص و جان بر کف این نیروی الهی، نه تنها خللی در اجرای مأموریت‌های محوله سازمانی پیش نیامد، بلکه کلیه عملیات‌های به اجرا گذاشته شده، منطبق با اصول جنگ و عناصر قدرت هوایی و در مواردی همچون عملیات راهبردی حمله به الولید (H-3) فراتر از قدرت هوایی در اختیار بوده است.

۴. اهداف تحقیق

(۱) قدرت هوایی

بر اساس مفهوم‌شناسی قدرت هوایی، آقای ندالکف^۱ (۲۰۰۴) آن را توانایی ملی برای بهره‌برداری کردن از حریم هوایی جهت دستیابی به اهداف سیاسی، تجاری، نظامی و سایر اهداف تعریف کرده است. در تعریفی دیگر، توانایی بهره‌گیری از بعد سوم (ارتفاع)، به منظور تأثیرگذاری بر یک موقعیت یا دشمن، قدرت هوایی نامیده شده است. در حقیقت، قدرت هوایی به عنوان توان کلی کشور برای پرواز، علاوه بر تهاجم و انهدام، دفاع از قلمرو هوایی، پشتیبانی و اسکورت رزمی و همچنین حمل و نقل هوایی در دوران جنگ و صلح را شامل می‌شود و این اصل اول قدرت هوایی است.

بنابراین، اصل اول قدرت هوایی توان کلی یک ملت برای پرواز است. اصل دوم قدرت هوایی تقسیم‌ناپذیری آن است، یعنی عناصر بنیادین قدرت ملی، نیروی هوایی نظامی و هوانوردی کشوری را مورد پوشش قرار می‌دهد و اصل سوم قدرت هوایی توان فیزیکی پرواز برای اعمال حق سیاسی، حاکمیت پرواز و تسلط بر فضای هوایی موجود می‌باشد و در نهایت، اصل چهارم قدرت هوایی خوداتکایی لازم در تأمین سامانه‌ها و تجهیزات است (حبیبی، ۱۳۹۱: ۸۴).

۲) عناصر قدرت هوایی

دورنمای اساسی آنچه که در مورد قدرت هوایی و نیروی هوایی مطرح گردید، هنگامی که با محدودیت‌هایی مقایسه می‌شود که نیروهای زمینی و دریایی به خاطر برخورد چندبعدی ذاتی محیط‌های جغرافیایی خاص خود متحمل می‌شوند، افقی روشن و حتی نامحدود را در عملیات‌ها به نمایش می‌گذارند. اما عناصر قدرت هوایی مجموعه‌ای است از دست کم ۲۰ عنصر مختلف مادی و غیرمادی به شرح ذیل که اهمیت نسبی آنها گرچه ممکن است متفاوت باشند، اما فقدان هر یک از آنها تسلط هوایی را در معرض خطر قرار می‌دهد (همان: ۶۲).



شکل (۱) عناصر قدرت هوایی

۳) نیروی هوایی راهبردی و راه‌کنشی (تاکتیکی)

در تعریف سنتی، نیروی هوایی راهبردی به آن بخش از نیروی هوایی گفته می‌شود که دارای سلاح‌های اتمی، هواپیما و تسلیحات با برد بین قاره‌ای بود و می‌توانست با گسترش به پایگاه‌هایی در خارج از کشور، یعنی در سایر کشورهای هم‌پیمان، جزایر دورافتاده و روی ناوهای هواپیمابر، در هر نقطه از گیتی و بنا به نیاز، عملیات انجام داده یا نقشی به شدت بازدارنده ایفا کند. البته دارندگان چنین نیرویی از چند کشور قدرتمند تجاوز نمی‌کرد. لیکن امروزه کیفیت فناوری در نیروی هوایی راه‌کنشی به حدی رسیده است که در صحنه‌های نبرد دارای اثرات راهبردی است. به عبارتی، امروزه نیروی هوایی مدرن و قدرتمند هم‌زمان از دو ویژگی راه‌کنشی و راهبردی برخوردار می‌باشد. یک «جنگ هوایی راهبردی» شامل عملیات رزمی و پشتیبانی‌کننده هوایی است که با اجرای منظم آن، با حمله به یک سلسله اهداف حیاتی، توأم با انهدام مستمر و متلاشی نمودن ظرفیت جنگی دشمن سبب گردد که او بیش از آن قادر به ادامه جنگ نباشد (ایزدی، ۱۳۸۶: ۲۳).

اما نیروی هوایی راه‌کنشی مجموعه‌ای از قدرت هوایی است که توانایی انجام عملیات‌های مختلف هوایی راه‌کنشی را به تنهایی و یا با هماهنگی نیروهای زمینی و دریایی داشته باشد و از مشخصات اصلی و کلیدی آن می‌توان به برد مناسب، تحرک، واکنش سریع و قابلیت انهدام در شرایط راه‌کنشی اشاره نمود.

با نگرش به تعاریف مطرح‌شده، می‌توان چنین استنباط نمود که نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر اساس ساختار سازمانی و تسلیحات و تجهیزاتی که قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی در اختیار او قرار گرفته بود، یک نیروی هوایی راه‌کنشی بوده و این نیرو با توجه به مأموریت واگذاری، قادر به اجرای دو مأموریت عمده رزمی و پشتیبانی رزمی به شرح زیر بوده است که از تشریح جزئیات آنها به دلیل پرداختن به اصل موضوع صرف‌نظر می‌گردد. مأموریت‌های رزمی و پشتیبانی رزمی نیروی هوایی راه‌کنشی به شرح ذیل می‌باشند:

مأموریت های رزمی نیروی هوایی راه کنشی (تاکتیکی)		
Counter Air Operations	عملیات هوایی علیه نیروی هوایی دشمن	۱
Operations Interdiction Battle Field Air	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد	۲
Close Air Support Operations	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک	۳
Tactical Air Reconnaissance Operations	عملیات شناسایی هوایی راه کنشی	۴
Tactical Air Lift Operations	عملیات ترابری هوایی راه کنشی	۵
مأموریت های پشتیبانی رزمی نیروی هوایی راه کنشی (تاکتیکی)		
Electronic warfare Operations	عملیات جنگ الکترونیک	۱
Air Refueling Operations	عملیات سوخت رسانی هوایی	۲
Search and rescue Operations	عملیات تجسس و نجات	۳

۴) آغاز جنگ تحمیلی و آمادگی رزمی نیروی هوایی

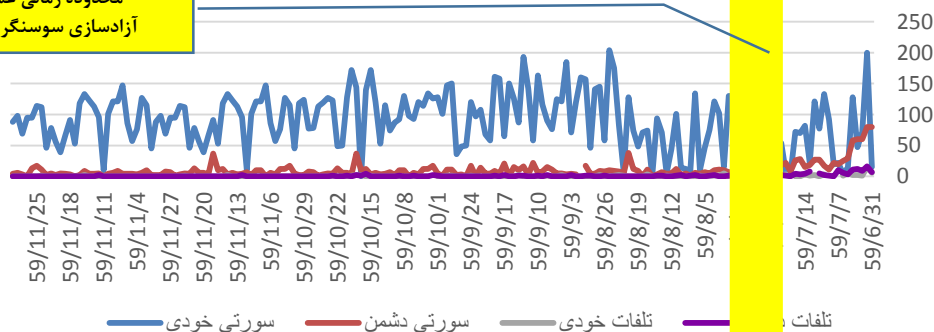
بر اساس یک تفکر و دکترین نظامی، آغاز عملیات علیه نیروی هوایی دشمن به منظور فلج کردن و از کار انداختن قدرت هوایی او در ابتدا و یا انتهای ساعت کاری و خدمت کارکنان به وقوع می پیوندد. حمله هوایی رژیم اشغالگر قدس به مصر در سال ۱۹۶۷، حدود ۲۰ دقیقه قبل از ساعت رسمی شروع خدمت بود که باعث از بین رفتن بیش از ۸۰٪ قدرت هوایی مصر در روی زمین گردید. رژیم بعثی عراق نیز تقریباً از همین ایده در آغاز تجاوز به کشور اسلامی مان استفاده نمود و دقایقی پس از ساعت ۱۴۰۰ روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ به وقت تهران، ۱۵ پایگاه هوایی و فرودگاه را مورد حمله هوایی خود قرار داد. دشمن بعثی در رویای نابودسازی توان عملیاتی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، که می دانست آمادگی پاسخ گویی قاطع و سنگین را دارد و تنها نیرویی است که می تواند بسیار سریع خود را به عقبه دشمن رسانده و پاسخ تجاوز را بدهد (قدیمی، ۱۳۸۹: ۳۴)، یا از پیشروی یگان های زمینی و دریایی ممانعت به عمل آورد، حملات هوایی روز اول تجاوز رسمی خود را به پایگاه های هوایی مهرآباد، اصفهان، شیراز، تبریز، همدان، امیدیه، دزفول و بوشهر معطوف نمود و این امید را داشت که این حملات غافلگیرکننده، همانند حمله هوایی رژیم اشغالگر قدس به مصر در سال ۱۹۶۷، توان عملیاتی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را که به تازگی از توطئه هدایت شده کودتای نقاب

در پایگاه هوایی شهید نوژه همدان و به زعم او از دست دادن خلبانان ورزیده رهایی یافته بود، به زانو درآورد. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در کمتر از دو ساعت از شروع تجاوز، با اعزام هشت فروند هواپیمای اف۴، پایگاه‌های هوایی و برخی تأسیسات نظامی در شهرهای کوت و شعیبیه عراق را در هم کوبید و در کمتر از ۲۴ ساعت از شروع تجاوز، با اجرای عملیات غرورآفرین کمان ۹۹ و حضور ۱۴۰ فروند از عقابان تیزپرواز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بر فراز آسمان کشور متجاوز و بمباران نقاط حساس و حیاتی آن، بهت و حیرت کارشناسان و طراحان نظامی عراق و کشورهای حامی آن را برانگیخت. نگاهی هرچند گذرا به نمودار پروازهای انجام‌گرفته در پنج ماه اول شروع جنگ تحمیلی و روزهای آغازین دفاع مقدس به گواهی آمار و ارقام نسبی و در دسترس، مؤید این مطلب است که نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با حفظ برتری هوایی یکی از تأثیرگذارترین و محوری‌ترین نیروها در پشتیبانی از نیروهای زمینی ارتش و سپاه پاسداران و اجرای سایر مأموریت‌های ذاتی خود بوده است.

نمودار فعالیتهای خودی و دشمن در ۵ ماه اول جنگ

تحمیلی

محدوده زمانی عملیات
آزادسازی سوسنگرد



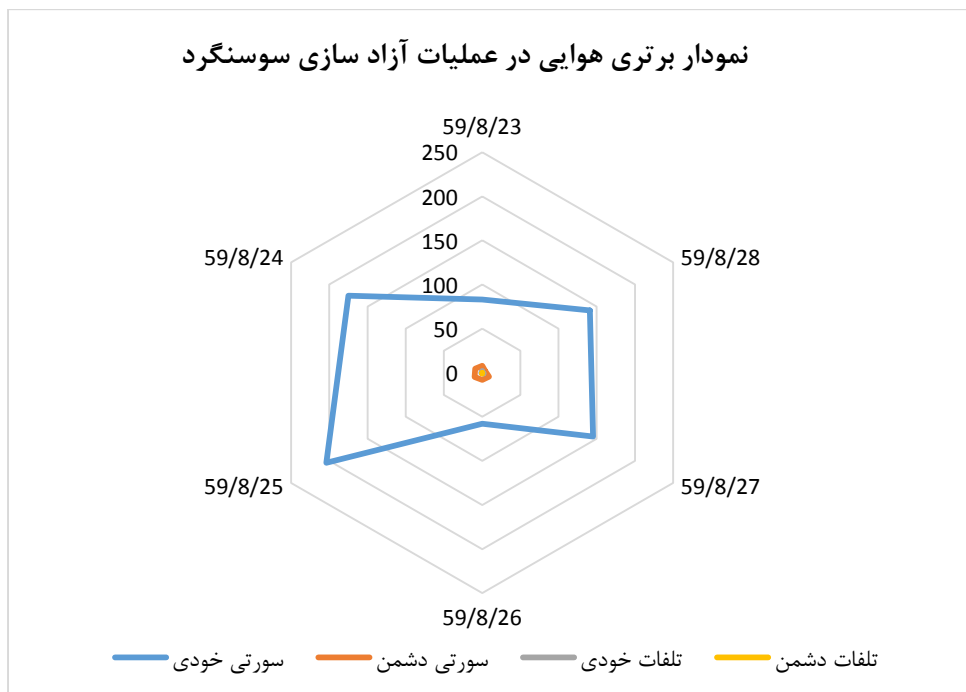
۵. عملیات آزادسازی سوسنگرد

همان‌گونه که در چکیده این تحقیق نیز بدان اشاره گردید، نقد و بررسی عملیات آزادسازی سوسنگرد و نقش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در اجرای این عملیات، قابل طرح در گستره یک مقاله نبوده و اساساً برای مطالعه این موضوع، لازم است تا حرکت‌ها و سناریوهای تحرک نیروهای دشمن را در مدتی قبل و بعد از این عملیات مورد نقد و بررسی قرار داد؛ اما به جهت شرایط مکانی و زمانی وقوع این عملیات که تقریباً در اواخر دومین ماه شروع جنگ تحمیلی بوده، همچنین به جهت محدود کردن دوره زمانی تحقیق و کاستن از تأثیر سایر متغیرهای اثرگذار در موضوع این مقاله، که با عنوان مطالعه تطبیقی و بررسی علمی مطرح گردیده است، این موضوع در بازه زمانی ۲۳ تا ۲۸ آبان ۱۳۵۹، یعنی سه روز قبل و دو روز بعد از آزادسازی سوسنگرد مد نظر قرار گرفته است. آمار و ارقام استخراج‌شده از برخی منابع آزاد و همچنین از تعدادی از کتاب‌های تقویم تاریخ دفاع مقدس که فاصله چندان زیادی با آمار واقعی و بالأخص در سال اول جنگ ندارند، نشان می‌دهد بازه زمانی شش روزه حوالی عملیات آزادسازی سوسنگرد، یکی از پرتحرک‌ترین محدوده‌های زمانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ دفاع مقدس بوده است. این موضوع در نمودار فعالیت‌های هوایی ارائه شده در بخش قبل کاملاً مشهود بوده و اگر بخواهیم به صورت دقیق‌تر به آن نگاه کنیم، به صورت زیر خواهد بود:

ردیف	تاریخ	سورتی خودی	نوع هواپیما				نوع مأموریت			سورتی دشمن	تلفات دشمن	
			F-14	C-130	F-5	F-4	غیره	ترابری هوایی	رزمی			شناسایی و گشتی
۱	۵۹/۸/۲۳	۸۳	*	*	*	*		۸	*	۷۳	۰	۲
۲	۵۹/۸/۲۴	۱۷۵	*	*	*	*		۷۷	*	*	۰	۱
۳	۵۹/۸/۲۵	۲۰۴	*	*	*	*		۱۰۱	۴۰	۶۳	۰	۱
۴	۵۹/۸/۲۶	۵۸	*	*	*	*		۷	*	*	۱	۰
۵	۵۹/۸/۲۷	۱۴۵	*	*	*	*		۷۴	*	*	۰	۲
۶	۵۹/۸/۲۸	۱۴۱	*	*	*	*		۸۱	۵	۵۵	۰	۰

✓ عدم درج آمار تفکیکی سورتی‌ها در برخی از روزها به دلیل فقط در دسترس بودن آمار سورتی کل بوده است.

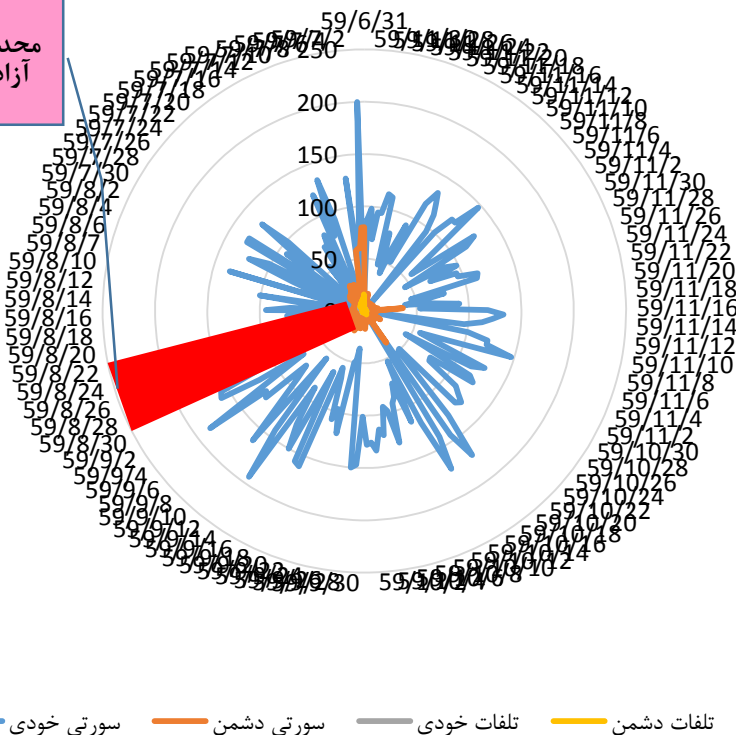
در صورتی که بخواهیم این آمار را در قالب نمودار رادارگونه برتری هوایی ببینیم، شکل زیر حاصل خواهد شد که با وضوح کامل، برتری هوایی را با بیش از ۸۰۰ سورتی پرواز رزمی و پشتیبانی رزمی به نمایش می‌گذارد.



چنانچه این آمار و ارقام را در قالب نمودار سورتی‌های پروازی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در پنج ماه آغازین دفاع مقدس تطبیق داده و منطبق نماییم، با عمق بیشتری این واقعیت بزرگ آشکارتر می‌شود که نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با چه ظرفیتی در این عملیات ایفای نقش نموده و این موضوع یکی از همان دلایلی است که معادلات جنگی رژیم بعثی را به هم ریخته و از گسترش عملیات‌ها و دستیابی به کلید فتح استان زرخیز خوزستان، یعنی شهرهای اهواز و دزفول ممانعت به عمل آورده است.

نمودار تطبیقی فعالیت‌های هوایی خودی و دشمن در ۵ ماه اول جنگ تحمیلی

محدوده زمانی عملیات آزادسازی سوسنگرد



۶. مهمات هوایی استفاده‌شده در عملیات آزادسازی سوسنگرد

به دلیل محدودیت‌های دسترسی به آمار و ارقام مهماتی، اطلاعات دقیق از وزن مهمات هوایی مصرفی در دسترس نبود؛ ولیکن بر اساس آنچه که در مقالات و کتب تاریخ دفاع مقدس درج گردیده، فقط طی روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ آبان ۱۳۵۹، یعنی یک روز قبل و بعد از عملیات آزادسازی سوسنگرد، بالغ بر ۴۵ تن مهمات هوایی، اعم از انواع بمب، موشک، راکت و گلوله مسلسل هوایی مصرف گردیده که در نوع خود کم‌نظیر و قابل توجه می‌باشد.

این مهمات عمدتاً از انواع بمب‌های MK-82، CBU-58، BLU-755، بمب‌های ریتارد از نوع MK-81 تا MK-84، راکت‌های ۲.۷۵ اینچی، موشک‌های ماوریک از نوع AGM-65 و انواع گلوله توپ‌های هوایی ۲۰ میلی‌متری HEI بوده است.



شکل (۵)

۷. تجزیه و تحلیل محیط تحقیق

بر اساس آمار درج شده در جدول شماره (۲)، نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۲۳ تا ۲۸ آبان ۱۳۵۹، بالغ بر ۸۰۰ سورتی پرواز اعم از مأموریت‌های رزمی و پشتیبانی رزمی را به ثبت رسانیده است، که مراتب آن بر مبنای آنچه که در مراجع دفاع مقدس درج گردیده، به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول (۳)

ردیف	تاریخ	عملیات	نوع مأموریت
۱	۵۹/۸/۲۳	بمباران تأسیسات پادگان چومان	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد
		بمباران تعدادی خودرو و ستون دشمن در پنجوین و بویان	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
		بمباران تأسیسات نفتی موصل و انهدام ۹۰۰ هزار بشکه سوخت	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد
		بمباران یک پادگان در جنوب کرکوکو یک پل در خانا	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد
		بمباران یک ستون نظامی در جنوب سلیمانیه	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
		انهدام یک تانک و نفر بر زرهی در جنوب شرقی بستان	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
		بمباران تأسیسات و ادوات دشمن در اطراف بستان	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد
۲	۵۹/۸/۲۴	بمباران نیروهای زرهی و توپخانه دشمن در اطراف آبادان	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
		بمباران تأسیسات پادگان حاج عمران در شمال شرقی اربیل	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد
		بمباران کارخانه برق در شهر سیدکان عراق	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد
		انهدام ۲۰ دستگاه کامیون و ۱۲ دستگاه جیپ و ۵۰ باب چادر و تعدادی خودرو حامل مهمات و مواد سوختی در شمال و غرب عماره	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
		انهدام قسمتی از نیرو های زرهی دشمن در هفت مایلی سهراب بهمنشیر	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
		انهدام قسمتی از یک کارخانه صنعتی در شرق صفوان و جنوب بصره	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد
		انهدام قسمتی از توپخانه دشمن در محور بصره فاو و انهدام تعدادی از نیروها و تجهیزات عراقی در نخلستان های غرب اروندرود	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
		انهدام دو کشتی دشمن در بندر ام القصر و یک کشتی باربری در بندر خرمشهر	عملیات مجزا کردن منطقه نبرد
		انهدام ۷ دستگاه کامیون دشمن در اطراف سوسنگرد	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
		انهدام تعدادی از خودروهای زرهی و توپخانه دشمن در جنوب غربی سومار	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک
انهدام توپخانه و تعدادی از نفرات دشمن در غرب آبادان	عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک		

انهدام کامل یکدستگاه رادار و یک دکل تلوزیونی در منطقه چومان در شمال شرق عراق	۵۹/۸/۲۵	۳
عملیات مجزا کردن منطقه نبرد		
انهدام ۱۲ تا ۱۷ دستگاه تانک و ۲ دستگاه خودرو و چند عراده توپ ضد هوایی	۵۹/۸/۲۶	۴
عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک		
بمباران مواضع دشمن در اطراف سوسنگرد		
عملیات پشتیبانی هوایی نزدیک		
بمباران مواضع دشمن در اطراف سوسنگرد		
بمباران و انهدام تعدادی ساختمان در نخلستان‌های کنار جاده فاو بصره	۵۹/۸/۲۷	۵
عملیات مجزا کردن منطقه نبرد		
بمباران شهر فاو و انهدام ساختمان حزب بعث در فاو		

علاوه بر موارد و مأموریت‌های مندرج در جدول فوق، بالغ بر ۱۹۰ سورتی پرواز ترابری هوایی راه‌کنشی، ۱۴۰ سورتی گشت و مراقبت مسلحانه هوایی به انضمام شناسایی هوایی راه‌کنشی، ۱۶ سورتی عملیات سوخت‌رسانی هوایی و سه سورتی پرواز ترابری خاص مسئولین و فرماندهان عالی‌رتبه لشکری و کشوری و از جمله مقام معظم رهبری در بازه زمانی مذکور، توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است (حبیبی، ۱۳۹۲: ۳۱).

۸. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه که در شرح جداول ۲ و ۳ و همچنین نمودارهای شکل‌های ۲ و ۳ در مورد نقش و فعالیت‌های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات آزادسازی سوسنگرد گذشت و همچنین مطالعه سایر منابع و وقایع مرتبط با این عملیات و در تطبیق و مطابقت آنها با عناصر قدرت هوایی و مأموریت‌های نیروی هوایی راه‌کنشی، موارد ذیل به سهولت قابل استنباط و نتیجه‌گیری می‌باشد:

الف) نظر به سرمایه‌گذاری و تلاش وصف‌ناپذیر ارتش رژیم بعثی عراق در محاصره و اشغال سوسنگرد، می‌توان این شهر را کلید فتح اهواز و دزفول، که از آنها به عنوان شاه‌کلیدهای اصلی تسلط بر استان خوزستان یاد می‌شود، نام برد.

ب) بینش صحیح و بالای مقام معظم رهبری و شهید چمران از اهمیت حساس و حیاتی منطقه سوسنگرد و ارائه اطلاعات به موقع به امام خمینی(ره) و صدور فرمان تاریخی حضرت امام مبنی بر آزادسازی سوسنگرد تا فردا و در پی آن هماهنگی و ولایت‌محور بودن نیروهای مخلص و جان بر کف لشکر ۹۲ زرهی و نیروهای زیر امر، به رغم مخالفت بنی صدر، از نتایج بسیار ارزنده وقت‌شناسی، موقعیت‌سنجی و همچنین ولایت‌مداری ارتش قهرمان در این عملیات غرورآفرین بوده است.

ج) کلیه مأموریت‌های انجام‌شده از سوی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منطبق با اصول چهارگانه قدرت هوایی بوده که خلاصه آن در جدول زیر ارائه می‌گردد:

جدول (۴)

اصول چهارگانه قدرت هوایی				عنوان	ردیف
اصل چهارم خوداتکایی	اصل سوم تسلط بر فضای هوایی موجود	اصل دوم تفکیک ناپذیری	اصل اول توان یک ملت برای پرواز		
✓	✓	✓	✓	تعداد سورتی‌ها	۱
✓	✓	✓	-	تنوع مأموریت‌های انجام شده	۲
✓	✓	✓	✓	تنوع هوایماهای استفاده‌شده	۳
-	✓	-	-	سورتی‌های دشمن	۴
✓	✓	-	✓	اهداف مورد اصابت قرارگرفته	۵

د) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با درک صحیح از موقعیت حساس منطقه نبرد، از بالاترین ظرفیت و توان فنی و راه‌کنشی خود بر اساس مأموریت‌های واگذاری، در قالب بهره‌برداری کامل از عناصر قدرت هوایی و مأموریت‌های نیروی هوایی راه‌کنشی استفاده نموده

است. خلاصه این تطبیق در جدول ارائه شده زیر به تصویر کشیده شده است. به عنوان مثال، در ستون اول از تعداد سورتی‌ها که بر اساس متن، بیش از ۸۰۰ سورتی بوده است، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که ما پایگاه‌ها و فرودگاه‌های عملیاتی داشتیم، وضعیت هواپیماهایمان مطلوب بوده، از سامانه ارتباطی و لجستیک مناسب برخوردار بوده‌ایم و...

جدول (۵)

اهداف	سورتی‌های دشمن	تنوع مأموریت‌ها	تعداد سورتی‌ها	فعالیت‌های نیروی هوایی		ردیف
				عناصر قدرت هوایی		
-	-	-	✓	عناصر مادی قدرت هوایی	پایگاه‌ها و فرودگاه‌های عملیاتی	۱
✓	-	✓	✓		هواپیماها	
-	-	-	✓		ارتباطات و الکترونیک	
✓	-	✓	✓		لجستیک و زنجیره تأمین	
-	-	-	✓		خدمات مهندسی پرواز	
-	✓	-	✓		رادارهای کشف و شناسایی	
✓	-	-	-		موشک‌های هوشمند	
✓	-	✓	✓		امکانات و تجهیزات فنی	
✓	-	✓	✓		نیروهای انسانی کیفی	
✓	-	✓	✓	آموزش		
✓	✓	✓	-	پایداری در رزم		
✓	✓	✓	✓	اطلاعات		
-	-	-	✓	دکترین		
-	-	-	✓	سیاست		
✓	✓	✓	✓	تاکتیک		

ه) و با استناد به این فعالیت‌های مخلصانه، صادقانه و جان برکف، این چنین نیروی الهی در کنار سایر برادران و نیروهای نظامی بود که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خودشان مورخه ۷۷/۱۱/۱۹، این چنین فرمودند:

«در طول هشت سال (دفاع مقدس)، هیچ زبان انتقادگر و ذهن وسوسه‌گری نتوانست نیروی هوایی را مورد اعتراض قرار بدهد و به کار او انتقاد و اعتراضی نکند، چرا؟ چون نیروی هوایی در طول این دوران دشوار و پرحماسه و در عین حال خون‌بار، در جلوترین میدان‌ها حاضر بود. در طول جنگ، نیروی هوایی یکی از بهترین امتحان‌ها را داد.»

۹. منابع

۱. ایزدی، رضا (۱۳۸۶): *قدرت هوایی آفند*، دافوس آجا.
۲. جعفری، مجتبی (۱۳۸۵): *اطلس نبردهای ماندگار*، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس نزا.جا.
۳. حبیبی، نیک‌بخش (۱۳۹۱): *ماهیت قدرت هوایی*، تهران، مرکز انتشارات راهبردی نهجا.
۴. دافوس آجا (۱۳۹۲): *تحلیل عملیات آزاد سازی سوسنگرد*، جلد اول و دوم، نشر دافوس آجا.
۵. قدیمی، فرشید (۱۳۸۹): *اولین پاسخ بر اساس عملیات تک هوایی انتقام*
۶. مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس (۱۳۸۴): *تقویم تاریخ دفاع مقدس، آخرین روزهای صلح*، جلد اول، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس (۱۳۸۴): *تقویم تاریخ دفاع مقدس، غرّش توپ‌ها*، جلد دوم، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس (۱۳۸۴): *تقویم تاریخ دفاع مقدس، پل‌های تسخیر ناپذیر*، جلد سوم، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس (۱۳۸۴): *تقویم تاریخ دفاع مقدس، تثبیت متجاوز*، جلد چهارم، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس (۱۳۸۶): *تقویم تاریخ دفاع مقدس، گام‌های نخستین*، جلد پنجم، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس (۱۳۸۶): *تقویم تاریخ دفاع مقدس، گام بر بام میمک*، جلد ششم، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

تحلیل مرحله یکم عملیات بازی دراز از دیدگاه اصول جنگ و عملیات آفندی

سورنا کیانی^۱

چکیده

«ارتفاعات بازی دراز» از عوارض حساس موجود در منطقه سرپل ذهاب - قصرشیرین می‌باشد، که در آغاز جنگ تحمیلی به تصرف نیروهای عراقی درآمد. بلندترین قله ارتفاعات بازی دراز در ناحیه شرقی آن واقعند. هرچه از سمت شرق به سوی غرب پیش رویم، به تدریج شیب ارتفاعات مذکور ملایم‌تر می‌شود. دامنه شمالی ارتفاعات بازی دراز بر شهرهای قصرشیرین و سرپل ذهاب، محور مواصلاتی بین شهرهای مذکور، دشت ذهاب و منطقه ریخک دارای میدان دید و تیر می‌باشد. ناحیه غربی و دامنه‌های جنوبی ارتفاعات بازی دراز بر محور قصرشیرین - گیلانغرب، شهر قصرشیرین، دشت دیره و مناطق هم‌جوار آن دارای دید و تیر است. ناحیه شرقی ارتفاعات بازی دراز بر سهرای سراب‌گرم، دشت قلعه شاهین، سهرای کل داود و محورهای مواصلاتی موجود در آن منطقه، دید و تیر دارد. قبل از شروع جنگ تحمیلی، بازی دراز ارتفاعی غیرقابل عبور (مانع) محسوب می‌شد. لیکن، عراقی‌ها جهت دستیابی به قله ۱۱۵۰، ۱۱۰۰، ۱۰۵۰ بازی دراز و بهره‌برداری از مزایای دید و تیر آنها بر مناطق هم‌جوار، از سمت جنوب غربی ارتفاع مذکور، اقدام به احداث یک جاده آسفالتی بر روی آن نمودند و ارتفاع مذکور را به عارضه‌ای حساس در منطقه مبدل ساختند. اگرچه جاده احداثی بر روی بازی دراز دارای شیب بسیار تندی است، اما امکان تردد از دامنه تا قله ارتفاعات مذکور را میسر می‌سازد. نیروهای متجاوز بعضی بر روی ارتفاع بازی دراز دیدگاهی را ساخته بودند که به علت بازدید صدام حسین از آن، به «دیدگاه صدام» معروف شده بود. اهداف تهیه این مقاله عبارت از تبیین نحوه به‌کارگیری اصول عملیات آفندی و همچنین اصول نه‌گانه جنگ در مرحله یکم عملیات بازی دراز می‌باشد. در مقاله مذکور، محقق به دنبال آن است که به چگونگی نحوه به‌کارگیری اصول عملیات آفندی و اصول نه‌گانه جنگ در عملیات یادشده پاسخ گوید.

۱. سرهنگ سورنا کیانی: عضو هیئت علمی دافوس اجا (مدرس ممتاز پایه ۱۱).

آدرس پست الکترونیک: kiani.Sorena@yahoo.com

نتایج مرحله یکم عملیات بازی دراز علی‌رغم عدم توانایی رزمندگان در ثبت اهداف متفرقه عبارتند از: وارد آمدن تلفات و خسارات انسانی نسبتاً زیاد به نیروهای دشمن، اسارت تعداد ۴۵۸ نفر از نیروهای دشمن، سرنگونی دو فروند از هواپیماهای سوخو و دو فروند از بالگردهای عراقی و انهدام چندین دستگاه خودرو شنیدار (تانک و نفربر) دشمن.

واژگان کلیدی: بازی دراز، اصول جنگ، اصول عملیات آفندی

۱. مقدمه

مرحله یکم عملیات آفندی بازی دراز به مدت هفت روز (۱۳۶۰/۲/۲ الی ۱۳۶۰/۲/۹) توسط یگان‌های لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه (گردان‌های مالک اشتر و ۸۱۱ پیاده امید، ۱۴۳ و ۱۸۴ مکانیزه، ۲۱۱ و ۲۱۵ تانک، ۲۶۵ سوار زرهی)، یک گردان از تیپ ۵۵ هوایر شیراز، دو گردان از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی (گروه‌های ضربت احمد بن موسی و عشایر ایل کلهر) در منطقه عمومی سرپل ذهاب تحت پشتیبانی هوانیروز و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به مرحله اجرا درآمد (کیانی، ۱۳۸۸: ۷۶).

اهداف عملیات بازی دراز عبارت بودند از: کاستن از مزایای دید و تیر دشمن بر مناطق عملیاتی سرپل ذهاب، قصرشیرین، گیلانغرب و محورهای مواصلاتی موجود در مناطق مذکور، کسب برتری مزیت دید و تیر بر مناطق عملیاتی سرپل ذهاب، قصرشیرین، گیلانغرب و محورهای مواصلاتی موجود در آن مناطق توسط نیروهای خودی، فراهم آوردن شرایط لازم جهت آزادسازی شهر قصرشیرین و ادامه تک به عمق خاک دشمن (کیانی، ۱۳۹۰: ۲۶۳ و ۲۶۴).

۲. اهداف تحقیق

- ۱) تبیین نحوه به‌کارگیری اصول عملیات آفندی در مرحله یکم عملیات بازی دراز.
- ۲) تبیین نحوه به‌کارگیری اصول نه‌گانه جنگ در مرحله یکم عملیات بازی دراز.

۳. اهداف اجرای عملیات بازی دراز

ارتفاعات بازی دراز در مناطق عملیاتی سرپل ذهاب، قصر شیرین و گیلانغرب از چنان اهمیتی برخوردار است که عراقی‌ها در آغازین روزهای تجاوز خود به منظور بهره‌برداری از مزایای دید و تیر ارتفاعات مذکور بر مناطق یادشده، با انجام فعالیت‌های مهندسی شبانه‌روزی نسبت به احداث جاده‌ای که بتواند امکان تردد آنها را تا قله‌های بازی دراز فراهم نماید، اقدام نمودند. همچنین رزمندگان ایرانی نیز پس از مرحله تثبیت دشمن و تشکیل خطوط پدافندی در شش ماهه نخست جنگ تحمیلی، جهت آزادسازی ارتفاعات مذکور اقدام به طرح‌ریزی عملیات بازی دراز نمودند. اهداف طرح‌ریزی و اجرای عملیات فوق‌الذکر به شرح زیر است:

- (۱) کاستن از مزایای دید و تیر دشمن بر مناطق عملیاتی سرپل ذهاب، قصر شیرین، گیلانغرب و محورهای مواصلاتی موجود در مناطق مذکور.
 - (۲) توفیق نیروهای خودی در کسب برتری دید و تیر بر مناطق عملیاتی سرپل ذهاب، قصر شیرین، گیلانغرب و محورهای مواصلاتی موجود در آن مناطق.
 - (۳) فراهم آوردن شرایط لازم جهت آزادسازی شهر قصر شیرین.
 - (۴) فراهم آوردن شرایط مناسب به منظور ادامه تک به عمق خاک دشمن.
- در راستای تحقق اهداف فوق‌الذکر، عملیات بازی دراز طی دو مرحله به اجرا درآمد که در ادامه بحث، به تشریح تک تک مراحل آن خواهیم پرداخت (همان: ۲۶۴).

۴. گسترش یگان‌های دشمن در منطقه عملیاتی سرپل ذهاب، قصر شیرین و گیلانغرب

- (۱) تیپ ۲۳ لشکر ۸ پیاده مستقر در منطقه باویسی، تپه‌رش و کوره‌موش.
- (۲) تیپ ۲۵ لشکر ۶ زرهی مستقر در سرقلز، ارتفاعات قراویز، جنوب غربی داربلوط (اطراف محور سرپل ذهاب - قصر شیرین).
- (۳) تیپ ۳ لشکر ۸ پیاده کوهستانی مستقر در ارتفاعات بازی دراز.
- (۴) تیپ ۵ لشکر ۴ پیاده مستقر در منطقه غرب قصر شیرین تا خسروی.
- (۵) تیپ ۲ لشکر ۸ پیاده کوهستانی مستقر در منطقه بانسیران و زله‌زرد.
- (۶) تیپ ۲۲ پیاده کوهستانی مستقر در منطقه چم امام حسن.

- (۷) تیپ ۱۸ لشکر ۴ پیاده مستقر در منطقه مرجان تا گورسفید گیلانغرب.
- (۸) یک گردان ضدهوایی و یک آتشبار موشکی سام ۶ مستقر در منطقه زین‌الکش.
- (۹) قرارگاه لشکر ۶ و تیپ ۱۶ زرهی همان لشکر مستقر در منطقه قصرشیرین.
- (۱۰) قرارگاه لشکر ۷ زرهی مستقر در منطقه منزریه. (همان: ۲۶۴)

۵. گسترش یگان‌های خودی در منطقه عملیاتی سرپل ذهاب، قصرشیرین و گیلانغرب

(۱) یگان‌های تابعه تیپ ۳ زرهی لشکر ۸۱ زرهی و گردان‌های نور و امید آن لشکر، واحدهایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج مردمی و عشایری مستقر در منطقه سرپل ذهاب و قصرشیرین.

(۲) تیپ ۳ لشکر ۷۷ خراسان مستقر در منطقه گیلانغرب. (همان: ۲۶۵)

مأموریت یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات

تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی در ساعت ۰۵:۰۰ روز دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۰، با استفاده از گروه‌های رزمی به منظور تصرف قلعه‌های ۱۱۰۰، ۱۰۵۰ و ۱۱۵۰ ارتفاعات بازی‌دراز مبادرت به تک محدود نموده، نیروهای متجاوز بعثی را منهدم می‌نماید و سپس آماده می‌شود تک را جهت تصرف ارتفاع ۱۰۲۰ ادامه دهد (باوندپور، ۱۳۶۰: ۲۴).

۶. نقش پایگاه هوانیروز کرمانشاه در عملیات بازی‌دراز

بر اساس اسناد و مدارک موجود، پایگاه هوانیروز کرمانشاه در جریان مراحل ۱ و ۲ عملیات بازی‌دراز با ۲۳ فروند از انواع بالگردها (۸ فروند کبرا، ۱۲ فروند ۲۱۴ و ۳ فروند ۲۰۶) در مجموع ۲۹۰ ساعت مأموریت پشتیبانی از رزمندگان اسلام را در کارنامه درخشان خود ثبت نموده است (کریم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۷).

۷. شرح اجمالی طرح عملیاتی محسن

بر اساس طرح عملیاتی محسن، یگان‌های تابعه و تحت کنترل تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی علاوه بر اجرای عملیات پدافندی در منطقه مسئولیت خود^۱، بایستی در ارتفاعات بازی دراز اقدام به تک نمایند (به نقشه صفحه آخر مراجعه شود). برابر طرح مذکور، منطقه هدف در عملیات بازی دراز به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم گردید. قله‌های ۱۱۰۰ شمالی و ۱۱۵۰ بازی دراز قسمت شمالی اهداف عملیات، و قله ۱۱۰۰ جنوبی، ارتفاع ۱۰۵۰ و تپه‌های ۷۹۵-۷۷۰-۷۰۵-۶۷۵-۷۳۰-۷۰۰ واقع در جنوب شرقی ارتفاعات بازی دراز، قسمت جنوبی اهداف عملیات را تشکیل می‌دادند. البته ارتفاع ۱۱۵۰ که بلندترین قله بازی دراز است و تمام منطقه نبرد را تحت کنترل خود دارد، به عنوان هدف تلاش اصلی تعیین گردید. ضمناً گروه‌های رزمی اژدر، بیر و پلنگ مأموریت تلاش اصلی و گروه رزمی شیر وظیفه اجرای تک پشتیبان را عهده‌دار شدند. سه گروه رزمی که مأموریت تلاش اصلی را به عهده داشتند بایستی با پیشروی در مسیرهای سبز، آبی و زرد، ابتدا ارتفاعات ۱۱۰۰ شمالی و جنوبی بازی دراز را پاک‌سازی کرده و سپس تک خود را جهت تصرف و تأمین هدف اصلی (قله ۱۱۵۰) عملیات ادامه می‌دادند. گروه رزمی شیر نیز با پیشروی از سمت جنوب شرقی به طرف جنوب غربی ارتفاعات بازی دراز، تپه‌های ۷۹۵-۷۷۰-۷۰۵-۶۷۵-۷۳۰-۷۰۰ را تصرف نمود و با این اقدام خود، ضمن تأمین جناح جنوبی نیروهای تلاش اصلی، از پیشروی احتمالی دشمن (از سمت معبر کاظم‌آباد - چم امام حسن - بازی دراز) جلوگیری می‌نمود. وسعت منطقه عملیات بازی دراز بالغ بر ۳۰ کیلومترمربع است. با نگرش به آنکه هدف اصلی (ارتفاع ۱۱۵۰) در قسمت جنوبی ارتفاعات بازی دراز واقع شده بود، لذا برخی از یگان‌های تابعه تیپ ۳ زرهی در خطرناک‌ترین معابر نفوذی دشمن که از شمال و غرب منطقه به شهر سرپل ذهاب منتهی می‌شدند، ملزم به استحکام مواضع پدافندی خود گردیدند تا از نفوذ احتمالی نیروهای عراقی به داخل منطقه نبرد و اشغال احتمالی شهر مذکور ممانعت نمایند. بنابراین، یگان‌های تابعه و تحت کنترل تیپ ۳ زرهی الزاماً در مناطق شمالی و غربی ارتفاعات بازی دراز مبادرت به اجرای عملیات

۱. منطقه مسئولیت تیپ ۳ زرهی از روستاهای کلینه و سید صادق در شمال شهر سرپل ذهاب شروع و به سوی روستاهای داربلوط (غرب ارتفاعات بازی دراز) و ریخک (شرق ارتفاعات بازی دراز) تا مقابل تنگ کورک امتداد می‌یافت و قوسی به طول ۲۵ کیلومتر را در بر می‌گرفت.

پدافندی و در جبهه جنوبی ارتفاعات مذکور نسبت به انجام تک علیه دشمن متجاوز اقدام نمودند (کیانی، ۱۳۹۰: ۲۷۴ و ۲۷۵).

آنچه در اولین مرحله عملیات بازی دراز گذشت (سعید پورداراب، ۱۳۸۴: صص ۴۷۰ الی ۴۷۶):

اهم رویدادهای نخستین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۲)

۱- رزمندگان ایرانی در ساعت ۰۵:۰۰ روز دوم اردیبهشت ۱۳۶۰، تک خود را علیه مواضع دشمن (جنوب غربی ارتفاعات بازی دراز) آغاز نمودند.

۲- فرمانده تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی جهت فریب دادن دشمن از محل تلاش اصلی و درگیر نگه داشتن او (به منظور ممانعت از وارد عمل نمودن احتیاط خود در ارتفاعات بازی دراز) با صدور دستور اجرای آتش تهیه (از ساعت ۰۶:۰۰ الی ۰۶:۳۰) در قسمت غربی، شمالی و جنوب شرقی منطقه نبرد، نسبت به هدایت تک‌های فریبنده گروه رزمی ۱۸۴ مکانیزه (به سمت ارتفاعات کوره موش) و همچنین گردان ۲۶۵ سوار زرهی (به طرف تنگه‌های کورک و قاسم‌آباد) اقدام نمود.

۳- با آشکار شدن قراین تک نیروهای خودی، هواپیماهای عراقی در منطقه ظاهر و یگان‌های زمینی‌شان نیز از طرف ارتفاعات فراویز و داربلوط (غرب منطقه عملیات) وارد عمل شدند.

۴- محل استقرار گردان ۲۱۱ تانک (احتیاط تیپ) به وسیله دو فروند از هواپیماهای متجاوز عراقی بمباران شد، لیکن تلفات و خساراتی به گردان مذکور وارد نیامد.

۵- سرهنگ ستاد محمود بدری (فرمانده تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی) جهت ایجاد پوشش هوایی و سلب ابتکار عمل از پرنده‌های دشمن، درخواست حضور هواپیماهای اف ۱۴ در آسمان منطقه عملیات را نمود.

۶- یک گردان تانک عراقی پاتک خود را از سمت کلانتر آغاز (ساعت ۱۳:۰۰) و تا حوالی روستای سیدخانم و شیرین آب پیشروی نمود، لیکن در اثر تیراندازی تانک‌های گردان ۲۱۵، اجرای آتش شدید توپخانه و حمله بالگردهای کبرا، مجبور به عقب‌نشینی گردید.

تحلیل مرحله یکم عملیات بازی دراز از دیدگاه ... / ۲۴۹

۷- فرمانده تیپ ۳ زرهی جهت خنثی‌سازی تک یگان‌های زرهی و مکانیزه دشمن، مأموریت حمله به نیروهای عراقی در غرب داربلوط را به تیم هجومی هوانیروز واگذار نمود. در آن هجوم هوایی مؤثر، خلبان علی‌اکبر قربان شیروودی نقش برجسته‌ای را ایفاء نمود و ضربات سختی را به نیروهای متجاوز وارد آورد.

۸- یک فروند بالگرد ۲۱۴ در ارتفاعات بازی‌دراز (ساعت ۱۴:۴۵) مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت و سقوط نمود، لیکن خلبانان آن سالم ماندند.

۹- از رویدادهای تأسفات‌انگیز عملیات بازی‌دراز، شهادت سروان حسین ادیبیان^۱ بود.

۱۰- ستوان محمدرضا نانکلی پس از شهادت سروان حسین ادیبیان، از ارتفاعات بازی‌دراز عقب‌نشینی نمود.

۱۱- نیروهای عراقی از سمت ارتفاعات قراویز (ساعت ۲۱:۰۰) مبادرت به اجرای پاتک نمودند، که پیشروی آنان در اثر آتش خمپاره‌اندازهای یگان مالک‌اشتر سد گردید. اگرچه در اولین روز نبرد، موفقیت‌های نسبی نصیب رزمندگان ایرانی شد، لیکن به علت کوهستانی بودن منطقه، تشابه قله بازی‌دراز با یکدیگر و گسترش بیش از حد نیروهای خودی، توفیق چندانی در راستای اجرای کامل مأموریت واگذاری (تصرف ارتفاعات ۱۱۰۰ شمالی و جنوبی، ۱۱۵۰ و ۱۰۲۰) حاصل نشد.

اهم رویدادهای دومین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۳)

۱- نیروهای عراقی از سمت ارتفاعات قراویز (ساعت ۰۱:۰۰) مبادرت به اجرای پاتک نمودند، که البته در اثر آتش خمپاره‌اندازهای یگان مالک‌اشتر، پیشروی آنان سد گردید.

۲- گروه رزمی ۱۸۴ مکانیزه در ساعت ۰۶:۰۰، تعدادی از سنگرهای اجتماعی دشمن را در گل‌خاطر و بنه‌دستک منهدم نمود.

۱. سروان حسین ادیبیان یکی از افسران شجاع، متدین و وطن‌دوست بود که در ایجاد آرامش در کردستان ایران (بحران سقز در سال ۱۳۵۸)، نقش بسزایی را ایفاء نمود. وی پس از رشادت فراوان در صحنه‌های مختلف جنگ تحمیلی در غرب کشور، سرانجام با پذیرش یک مأموریت شهادت‌طلبانه در ارتفاعات بازی‌دراز (ساعت ۱۷:۳۰ مورخه ۱۳۶۰/۲/۲) به فوز عظیم شهادت نایل شد.

۳- روز سوم اردیبهشت با بروز مشکلات فراوانی برای نیروهای خودی همراه بود. در آن روز، دشمن به دلیل آگاهی از چگونگی عملکرد رزمندگان ایرانی، عکس‌العمل شدیدی (از سمت مناطق شمالی و غربی ارتفاعات بازی‌دراز) نشان داد و با به‌کارگیری یگان‌های زرهی خود، موجب ایجاد تغییراتی در طرح عملیاتی تیپ ۳ زرهی گردید. بر اساس طرح عملیاتی محسن، مقرر شده بود که در صورت موفقیت نیروهای خودی در قسمت شمالی ارتفاعات بازی‌دراز، نیروهای هواپرد با اجرای عملیات هلی‌برن (در آن منطقه) به انجام مأموریت یگان‌های مانوری خودی که از سمت شمال‌غربی به سوی جنوب‌شرقی ارتفاعات مذکور در حال پیشروی بودند (به منظور تصرف ارتفاعات ۱۱۰۰ و ۱۱۵۰) کمک کنند، لیکن فعالیت دشمن در شرق ارتفاعات قراویز، موجب شد که نیروهای خودی در منطقه مذکور هلی‌برن نمایند و ضمن تحمل تلفات، مجبور به عقب‌نشینی شوند.

۴- از نیروهای خودی ۳ نفر شهید و ۵۶ نفر مجروح شدند.

در دومین روز نبرد، تلاش رزمندگان اسلام در قسمت شمالی ارتفاعات بازی‌دراز بی‌نتیجه بود، لیکن در مناطق میانی و جنوبی ارتفاعات مذکور، بیشتر اهداف (به استثناء ارتفاع ۱۱۵۰) به تصرف درآمدند. از این رو، فرمانده قرارگاه مقدم نزاچا در غرب کشور پیام تبریکی را به فرمانده تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه ارسال نمود.

اهم رویدادهای سومین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۴)

۱- در سومین روز نبرد، قراین و شواهد موجود حکایت از آمادگی نیروهای عراقی جهت اجرای پاتک از سمت شمال، غرب و جنوب منطقه عملیات علیه نیروهای خودی را داشتند. بنابراین، فرمانده لشکر ۸۱ زرهی به منظور منحرف نمودن ذهن دشمن از منطقه عملیاتی سرپل‌ذهاب (بازی‌دراز) به یگان‌های تابعه لشکر (در دیگر مناطق عملیاتی) دستور اجرای آتش تهیه بر روی مواضع دشمن (ساعت ۰۵:۱۵) و تظاهر به تک‌را ابلاغ نمود.

۲- نیروهای ایرانی ضمن تشدید فعالیت‌های مراقبتی در مواضع پدافندی خود، سعی داشتند که منطقه اهداف واگذاری را از لوٹ وجود دشمن پاک نموده و به سمت ارتفاع ۱۰۲۰ در شمال‌غربی بازی‌دراز پیشروی کنند.

تحلیل مرحله یکم عملیات بازی دراز از دیدگاه ... ۲۵۱/

۳- در اوایل روز چهارم اردیبهشت، که پاتک دشمن در قسمت جنوبی قله ۱۱۵۰ در حال اجرا بود، یگان‌های تانک عراقی نیز هجوم خود را در کوره موش، سید صادق و شیرین‌آب (علیه نیروهای ایرانی) آغاز کردند.

۴- اجرای آتش شدید توپخانه، تیراندازی تانک‌های گردان ۲۱۵ و گروهان تانک چیفتن لشکر ۲۱ حمزه بر روی نیروهای دشمن و همچنین حضور ۱۲ فروند بالگرد کبرای هوانیروز در فضای منطقه عملیات، موجب دفع پاتک عراق و وارد شدن تلفات و خسارات به نیروهای متجاوز گردید.

۵- تلاش رزمندگان ایرانی جهت تسخیر اهداف از پیش تعیین شده ادامه داشت. نیروهای خودی موفق به فتح قله ۱۱۰۰ شمالی بازی‌دراز (ساعت ۱۵:۰۸) گردیده و به ارتفاع ۱۱۵۰ نزدیک‌تر شدند.

۶- در روز چهارم اردیبهشت (ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۸:۲۰)، فعالیت توپخانه و پاتک دشمن در منطقه سرپل‌ذهاب (تپه کوره موش در شمال و ارتفاع ریخک در جنوب محور سرپل‌ذهاب - قصرشیرین) به شدت ادامه داشت.

۷- در آن روز، یک واحد زرهی عراق از سمت ارتفاعات قراویز و بنه‌دستک به سمت شهر سرپل‌ذهاب پیشروی نمود، لیکن حملات مؤثر بالگردهای کبرای هوانیروز و آتش سلاح‌های ضدتانک نیروهای خودی، پاتک دشمن را در هم شکست و متجاوزان را وادار به عقب‌نشینی کرد.

۸- از نیروهای خودی ۹ نفر شهید و ۵۴ نفر مجروح شدند.

اگرچه در سومین روز نبرد موفقیت نسبی با رزمندگان ایرانی بود (حدود ۳۰۰ نفر از نیروهای دشمن به اسارت گرفته شدند)، لیکن باز هم تمامی اهداف تعیین‌شده به تصرف نیروهای خودی درنیامدند.

اهم رویدادهای چهارمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۵)

۱- در روز پنجم اردیبهشت، نبرد سرسختانه رزمندگان اسلام با دشمن متجاوز (به منظور بازپس‌گیری ارتفاعات بازی‌دراز) ادامه داشت.

۲- نیروهای عراقی ضمن مقاومت در قتل بازی‌دراز، از اوایل روز چهارم نسبت به اجرای پاتک در غرب منطقه سرپل‌ذهاب (از سمت ارتفاعات فراویز که محل گسترش گردان ۲۱۵ تانک بود) اقدام نمودند و به سوی شهرک مهدی (در آن شهرک، گروهان تکاور مالک‌اشتر لشکر ۸۱ زرهی و یگانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استقرار داشتند) پیشروی کردند.

۳- نیروهای متجاوز عراقی در ساعت ۰۵:۰۰ روز ۱۳۶۰/۲/۵، چنان به مواضع نیروهای خودی نزدیک شده بودند که فرمانده تیپ ۳ زرهی به منظور خنثی نمودن تلاش‌های دشمن، از فرمانده گردان ۸۱۲ پیاده لشکر ۸۱ زرهی (مستقر در ارتفاعات کلینه و سیدصادق) خواست تا سریعاً نسبت به اعزام یک گروهان به شهرک مهدی اقدام نماید. لیکن، حضور آن یگان نیز در توقف پیشروی دشمن تأثیری نداشت. از این رو، نیروی احتیاط تیپ (گروه رزمی ۲۱۱ تانک) وارد عمل گردید.

۴- در چهارمین روز نبرد، فعالیت عملیاتی تیپ ۳ زرهی در دو جبهه بازی‌دراز و غرب سرپل‌ذهاب به شدت ادامه یافت. گردان ۱۴۳ مکانیزه و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سعی در پاک‌سازی ارتفاعات ۱۵۰ و ۱۱۰۰ و ۱۰۵۰ بازی‌دراز (از لوث وجود دشمن) داشتند. در غرب سرپل‌ذهاب نیز مقاومت و پایداری رزمندگان ایرانی، موجب دفع پاتک دشمن گردید.

۵- هجوم جنگنده‌های نیروی هوایی (ساعت ۱۰:۳۰) به دشمن متجاوز (در غرب شهر سرپل‌ذهاب) موجب وارد آمدن تلفات شدید به عراقی‌ها و ارتقاء روحیه رزمندگان اسلام شد.

۶- به گروه ضربت احمد بن موسی (تحت فرماندهی سرهنگ ۲ هوشنگ زنوزی) دستور حرکت به سمت قله ۱۱۵۰ بازی‌دراز داده شد.

۷- یک فرزند هواپیمای سوخوی عراقی در اطراف قله ۱۱۵۰ سرنگون گردید.

۸- یک فرزند هواپیمای سوخوی عراقی توسط گروهان ۱ گردان ۲۵۰ تانک لشکر ۲۱ حمزه (حدود ساعت ۱۲:۰۰) در حوالی کوره موش سرنگون گردید.

۹- تلفات انسانی نیروهای خودی در چهارمین روز نبرد به قرار زیر بود:

الف) ۱۷ نفر شهید (۵ نفر ارتشی، ۱۲ نفر پاسدار و بسیجی)

ب) ۴۴ نفر مجروح (۲۵ نفر ارتشی، ۱۹ نفر پاسدار و بسیجی)

چهار شبانه‌روز نبرد مداوم و نبود نیروی تازه‌نفس به منظور ادامه عملیات، موجب بروز آثار خستگی در بین نیروهای خودی شده بود. قرائن و شواهد موجود در منطقه عملیات حکایت از وقوع شدیدترین درگیری‌ها در چهارمین روز عملیات را داشتند.

اهم رویدادهای پنجمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۶)

۱- در روز ششم اردیبهشت، نیروهای متجاوز عراقی جهت منصرف نمودن رزمندگان اسلام از ادامه عملیات بازی‌دراز بیشترین تلاش عملیاتی خود را متوجه غرب شهرسرپل‌ذهاب و شهرک مهدی نمودند.

۲- حدود ۱۰۰ نفر از رزمندگان اسلام (نیروهای ارتش و سپاه پاسداران) به منظور برقراری تأمین شهرک مهدی و همچنین شمال محور سرپل‌ذهاب - قصرشیرین در شهرک مذکور، مستقر شدند.

۳- عراقی‌ها از جهات شمال و جنوب محور سرپل‌ذهاب - قصرشیرین پیشروی خود را (تحت پشتیبانی هواپیماها و بالگردهای جنگی) به سمت شرق آغاز نمودند و مواضع نیروهای ایرانی را (در غرب روستاهای شیرین آب، داربلوط، جگرو محمدعلی) مورد تهدید قرار دادند.

۴- در ساعات اولیه پنجمین روز نبرد، وضعیت نیروهای ایرانی به وخامت گرایید. از این رو، فرمانده تیپ از توان تیم‌های هجومی هوانیروز بهره جست و با استفاده از بالگردهای کبر، خسارات سنگینی را به تانک‌های دشمن (مستقر در شیرین‌آب) وارد نمود.

۵- یک فروند بالگرد دشمن (ساعت ۱۱:۲۰) درحوالی روستای شیرین‌آب سرنگون گردید.

۶- دو فروند از هواپیماهای دشمن به منطقه گردان ۲۱۵ تانک حمله کردند (ساعت ۱۲:۳۰)؛ لیکن، به اشتباه سه دستگاه از نفربرهای عراقی را منهدم نمودند. ضمناً یک فروند از هواپیماهای مذکور در اثر تیراندازی تیربارهای ضدهوایی گردان ۲۱۵ تانک سرنگون گردید.

۷- فرمانده تیپ ۳ زرهی به منظور خنثی نمودن فعالیت‌های دشمن در غرب سرپل‌ذهاب، به یگان هوابرد دستور داد که از جنوب محور قصرشیرین - سرپل‌ذهاب تا دامنه شمال شرقی ارتفاعات بازی‌دراز را تأمین نماید.

۸- رشادت و از خودگذشتگی نیروهای خودی موجب شد تا در پنجمین روز عملیات، کلیه پاتک‌های دشمن دفع گردد و موفقیت‌های چشمگیری نصیب رزمندگان اسلام شود. بخشی از متن گزارش فرمانده تیپ ۳ زرهی به سلسله مراتب فرماندهی (در پایان روز ششم اردیبهشت) به شرح زیر است:

«یگان‌های دلاور ارتش و سپاه پاسداران تحت پشتیبانی آتش توپخانه، نیروی هوایی و هوانیروز تاکنون ارتفاعات ۱۰۵۰ و ۱۱۰۰ جنوبی و حد فاصل ارتفاعات ۱۱۰۰ جنوبی و ۱۱۵۰ را پاک‌سازی و از دست نیروهای دشمن خارج ساخته‌اند. فعالیت همه‌جانبه جهت تصرف ارتفاع ۱۱۵۰ کماکان ادامه دارد.»

۹- در پایان پنجمین روز نبرد، حدود ۸۰ درصد از اهداف عملیات بازی‌دراز محقق گردیده بود.

۱۰- در پنجمین روز عملیات، تلفات نیروهای خودی ۵ نفر شهید و ۱۷ نفر مجروح بود.

اهم رویدادهای ششمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۷)

۱- سرانجام پس از پنج روز نبرد مداوم، قله ۱۱۵۰ بازی‌دراز (در ساعت ۰۷:۳۰ روز هفتم اردیبهشت) به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

۲- تعدادی از نیروهای متجاوز عراقی کشته و زخمی شدند و عده‌ای نیز به اسارت رزمندگان ایرانی درآمدند.

۳- حملات هوایی دشمن به عقبه نیروهای خودی شدت یافت و در ساعت ۱۴۳۰ پادگان تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی (پادگان ابودر) بمباران گردید.

۴- با تاریکی هوا، نیروهای دشمن سراسر منطقه مسئولیت تیپ ۳ زرهی (از ارتفاعات بازی‌دراز در شمال تا تپه کوره موش در جنوب منطقه مذکور) را مورد تهدید قرار دادند. عراقی‌ها به منظور ایجاد و توسعه شکاف در خطوط پدافندی نیروهای خودی، تجزیه توان رزمی یگان‌های تابعه تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی و فراهم آوردن شرایط لازم جهت اجرای پاتک در نواحی شمالی و جنوبی محور سرپل‌ذهاب - قصرشیرین، شهرک مهدی (پادگان فعلی شهید عبدالحسین پاکزاد) را که در قلب مواضع خودی واقع شده بود، هدف تهاجم سنگین خود قرار دادند.

فرمانده تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی، یک دسته از گروهان چهارم گردان ۸۱۱ امید (مستقر در مواضع سدکننده ریخک) را به منظور کمک به مدافعان (گروهان مالک اشتر) شهرک مهدی، به مکان مذکور اعزام نمود. یگان‌های توپخانه خودی نیز آتش شدید و مؤثری را بر روی نیروهای مهاجم عراقی اجرا نمودند و مانع از پیشروی سریع دشمن به سمت مواضع رزمندگان اسلام شدند.

اهم رویدادهای هفتمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۸)

- ۱- هفتمین روز نبرد با پاتک نیروهای عراقی به مواضع رزمندگان اسلام آغاز شد.
- ۲- با روشنایی هوا (ساعت ۰۶:۱۵) سه فروند از بالگردهای کبرای هوانیروز (مستقر در پادگان ابوذر) به پرواز درآمدند و ضربات مهلکی را به پیکر نیروهای متجاوز عراقی وارد ساختند، لیکن موجب دفع پاتک آنان نشدند.
- ۳- در ساعت ۰۷:۰۰ روز هشتم اردیبهشت، بالگرد خلبان علی‌اکبر قربان شیروودی مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت و منجر به شهادت وی گردید. شهادت شیروودی آثار منفی خود را در روحیه دیگر خلبانان هوانیروز بر جای گذاشت و وقفه چند ساعته‌ای را در روند اجرای مأموریت‌های واگذاری به تیم هجومی هوانیروز به وجود آورد.
- ۴- فشار پاتک‌های مستمر دشمن بر خطوط پدافندی یگان‌های تابعه تیپ ۳ زرهی (در قوس ۲۵ کیلومتر) لحظه به لحظه افزایش می‌یافت و سلسله مراتب فرماندهی هم هیچ‌گونه امکاناتی را جهت پشتیبانی از نیروهای مدافع خودی و مقابله با دشمن در اختیار نداشتند.
- ۵- بر اساس گزارش‌های ارسالی یگان‌های تابعه تیپ ۳ زرهی به سرهنگ بدری، عراقی‌ها از سه جبهه شمال، غرب و جنوب منطقه عملیاتی (یک تیپ زرهی دشمن از کوره موش به سمت جنوب و یگان دیگری از ارتفاع بیشگان به سوی ارتفاعات بنه دستک و قراویز پیشروی می‌کردند) شهر سرپل‌ذهاب را مورد تهدید قرار داده بودند. به همین دلیل فرمانده تیپ ۳ با ارسال گزارشی به لشکر ۸۱ زرهی، وضعیت منطقه عملیات را به شرح زیر توصیف نمود:

«دشمن به تلاش همه‌جانبه خود جهت تصرف شهر سرپل‌ذهاب ادامه می‌دهد و با استفاده از هواپیماهایش نیروهای خودی را بمباران می‌نماید. چنانچه وضعیت بدین منوال پیش رود، این تیپ جوابگوی فشار سنگین دشمن که استعداد آن در حدود یک لشکر تخمین زده می‌شود، نخواهد بود. تیم هوانیروز به علت سقوط یک فروند از بالگردهایش با

مشکل روبروست و اگر یگان‌های در خط به وسیله آنان پشتیبانی نشوند، متحمل ضربات جبران‌ناپذیری خواهند شد که مسئولیت آن به عهده تیم هوانیروز است. کمبود نیروی پیاده، عملیات تیپ را فلج کرده است. دشمن در حال محاصره روستاهای داربلوط، جگرلو محمدعلی و دور زدن کوره موش می‌باشد. همچنین قله ۱۱۵۰ بازی‌دراز نیز در حال سقوط است.»

۶- شدت فشار دشمن بر نیروهای خودی دائماً افزایش می‌یافت و شهر سرپل‌ذهاب در آستانه سقوط قرار گرفته بود.

۷- لشکر ۸۱ زرهی پس از دریافت پیام مذکور، به دیگر تیپ‌های لشکر دستور داد تا با اجرای آتش توپخانه و تظاهر به تک، توجه بخشی از نیروهای دشمن را به خود جلب نموده و حتی‌المقدور فشار وارده به یگان‌های تابعه تیپ ۳ زرهی را کاهش دهند. ضمناً از فرمانده تیپ ۱ زرهی خواسته شد تا نسبت به اعزام تیم هجومی هوانیروز (مستقر در منطقه عملیاتی میمک) به منطقه سرپل‌ذهاب اقدام نماید.

۸- وضعیت بحرانی منطقه سرپل‌ذهاب موجب گردید که فرمانده نیروی زمینی (سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد) با ارسال پیام ویژه‌ای، از خلبانان تیم‌های هجومی هوانیروز مستقر در پادگان ابوذر که در اثر شهادت شیروودی روحیه خود را از دست داده بودند، یاری بخواهد. متن پیام مذکور به شرح زیر بود:

«هم‌اکنون که شهر سرپل‌ذهاب در حال سقوط است از پرسنل قهرمان هوانیروز و فرزندان شجاع خودم می‌خواهم کما فی السابق در اجرای مأموریت واگذاری، پیش‌قدم باشند تا چون گذشته، پیروزی از آن ارتش شجاع و از جان گذشته اسلام گردد.»

۹- هوایم‌های عراقی (در ساعت ۱۴۳۰) شهر سرپل‌ذهاب را به شدت بمباران نمودند و با این اقدام موجب سقوط روحیه نیروهای خودی گردید.

۱۰- هوایم‌های جنگی نیروی هوایی نیز در ساعت ۱۴۳۰ نیروهای دشمن را در ارتفاعات قراویز و روستای کلانتر مورد حملات شدید خود قرار دادند.

۱۱- رشادت و پایداری مدافعان سرسخت تیپ ۳ زرهی در بعدازظهر روز هشتم اردیبهشت به ثمر نشست و آثار ضعف در نیروهای دشمن را جلوه‌گر ساخت. بدین ترتیب، نیروهای مهاجم

تحلیل مرحله یکم عملیات بازی دراز از دیدگاه ... ۲۵۷/

عراقی که با مقاومت شدید رزمندگان ایرانی مواجه شده بودند با تحمل تلفات و خسارات فراوان مجبور به عقب‌نشینی شدند.

۱۲- فرمانده تیپ ۳ زرهی اولین پیام مسرت‌بخش خود را در ساعت ۱۷۳۰ روز هشتم اردیبهشت به لشکر ۸۱ زرهی ارسال داشت. متن پیام به شرح زیر است:

«سرانجام تلاش همه‌جانبه نیروهای ارتش، سپاه پاسداران، هوانیروز و نیروی هوایی موجب وارد آمدن تلفات و خسارات فراوانی به دشمن متجاوز، که استعداد آن در حدود یک لشکر تخمین زده می‌شود، گردید. در حال حاضر نیروهای خودی در شهرک مهدی، ریخک، ارتفاع ۱۱۵۰، کوره موش، سیدصادق و کلیه مستقر هستند و بر منطقه تسلط کامل دارند.»

۱۳- مقاومت دلیرانه رزمندگان ایرانی در منطقه عملیاتی بازی‌دراز باعث گردید که دشمن به اخذ آرایش پدافندی (در شمال و غرب سرپل‌ذهاب) پردازد و موفقیت‌های نیروهای خودی تثبیت شود.

۱۴- بر اساس گزارش یگان‌های خودی، تعدادی از انواع خودروهای شنی‌دار و چرخدار دشمن منهدم شدند.

۱۵- تلفات انسانی نیروهای خودی در هفتمین روز نبرد به قرار زیر بود:

الف- ۱۴ نفر شهید (۶ نفر ارتشی، ۵ نفر پاسدار و ۳ نفر بسیجی)

ب- ۱۰۲ نفر مجروح (۴۵ نفر ارتشی، ۳۵ نفر پاسدار و ۲۲ نفر بسیجی)

پ- ۱۱ نفر مفقودالاطر که همگی سرباز بودند.

اهم رویدادهای هشتمین روز نبرد (۱۳۶۰/۲/۹)

۱- هواپیماهای خودی در ساعت ۰۸۱۵، مواضع نیروهای دشمن را در حوالی بنه‌دستک، بیشگان و کلانتر بمباران نمودند.

۲- یک تیپ تازه‌نفس عراقی با اجرای پاتک به ارتفاعات بازی‌دراز، لحظه به لحظه فشار خود را به نیروهای ایرانی مستقر در قتل ۱۱۰۰ شمالی و ۱۱۵۰ افزایش می‌داد، به گونه‌ای که تاب مقاومت از رزمندگان اسلام (گروه رزمی ببر و یگان ضربت احمد بن موسی) سلب گردید و آنان را وادار به عقب‌نشینی نمود.

۳- یک فروند بالگرد عراقی در ساعت ۱۳۱۵ در حوالی داربلوط سرنگون گردید.

۴- تیپ ۳ لشکر ۷۷ خراسان (مستقر در منطقه گیلانغرب) به منظور برداشتن فشار نیروهای عراقی از روی یگان‌های خودی (در ارتفاعات بازی‌دراز) تظاهر به تک نمود، لیکن آن اقدام فریبنده تاکتیکی، مثرمتر واقع نشد.

۵- قتل ۱۱۰۰ شمالی و ۱۱۵۰ بازی‌دراز (هدف اصلی عملیات مذکور) مجدداً به تصرف نیروهای دشمن درآمدند.

۶- تلفات نیروهای خودی ۱۱ نفر شهید و ۵۳ نفر مجروح بود.

۷- ۱۳ دستگاه از تانک‌های گردان ۲۱۵ تانک آسیب دیدند.

اسامی فرماندهان یگان‌های شرکت‌کننده در مرحله ۱ عملیات بازی‌دراز

ردیف	نام یگان	اسامی فرماندهان
۱	تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی	سرهنگ ستاد محمود بدری
۲	گردان ۱۴۳ مکانیزه	سرهنگ ۲ کریم نصر
۳	گردان ۱۸۴ مکانیزه	سرهنگ ۲ مومنی
۴	گروه رزمی ۱۸۴ مکانیزه	سرهنگ ۲ غلامرضا مظفری
۵	گردان ۲۱۱ تانک	سروان جلیل نیازی
۶	گردان ۲۱۵ تانک	سرگرد افشین
۷	گردان ۲۶۵ سوار زرهی	سرگرد باقری
۸	گردان ۳۴۰ توپخانه	سروان آذرخش
۹	گروه رزمی اژدر	سروان حسین یار
۱۰	گروه رزمی ببر	برادر پاسدار حاجی‌بابا بنوقی
۱۱	گروه رزمی پلنگ	برادر پاسدار شفیعی
۱۲	گروه رزمی شیر	سرهنگ ۲ کریم نصر
۱۳	گروه هوانیروز	سروان خلبان اشترايه
۱۴	گروه ۴۴ توپخانه	سرهنگ ۲ ویدافر
۱۵	یگان مالک اشتر	سروان حسین ادبیان
۱۶	گردان ۸۱۱ امید	سرگرد فتح‌الهی
۱۷	گردان ۸۱۲ مهدی	سرگرد فتح ا... پورمظفری
۱۸	یگان ضربت احمد ابن موسی	سرهنگ ستاد هوشنگ زنوزی
۱۹	یگان بسیج عشایری کلهر	سروان منفردزاده
۲۰	یگان سپاه پاسداران	برادر پاسدار غلامعلی پیچک

۸. درک صحیح مأموریت و نیت رده بالاتر از اجرای عملیات

در مرحله یکم عملیات بازی دراز، برخی از یگان‌های مانوری از مأموریت و اهداف واگذاری شناخت کافی نداشتند. جهت اثبات این ادعا می‌توان به مشکلات نیروهای خودی در نخستین روز عملیات، که همانا اشتباه در تشخیص اهداف واگذاری بود، اشاره کرد. تشابه قلیل بازی دراز با یکدیگر و گسترش وسیع نیروهای خودی موجب شد که در اولین روز نبرد، توفیق چندانی در راستای اجرای کامل مأموریت واگذاری (تصرف ارتفاعات ۱۱۰۰ شمالی و جنوبی، ۱۱۵۰ و ۱۰۲۰) حاصل نگردد. البته ریشه این نقص از دو منظر زیرین قابل بررسی است و نمی‌توان تأثیر هیچ‌یک را بر دیگری نادیده گرفت:

الف) ضعف طراحان عملیاتی در تفهیم مأموریت به مجریان آن.

ب) ضعف آموزش یگان‌های اجرایی در درک صحیح از مأموریت واگذاری و نیت رده بالاتر. شناخت دقیق جو، زمین و دشمن: در مرحله یکم عملیات بازی دراز، از وضعیت زمین و دشمن شناسایی لازم به عمل نیامده بود. ریشه این ضعف را می‌توان در صعب‌العبور بودن ارتفاعات مذکور دانست. وجود مشکل یادشده، از میزان فعالیت عوامل شناسایی در کسب اطلاعات از وضعیت زمین منطقه عملیات (ارتفاعات بازی دراز) و همچنین نحوه استقرار، استعداد و چگونگی آرایش مواضع پدافندی دشمن به شدت کاسته بود. از این رو، در روند اجرای عملیات، نیروهای خودی با واکنش‌های غیرقابل پیش‌بینی (از سوی دشمن) مواجه شدند.

طرح‌ریزی‌ها بایستی به صورت مشروح و با اتکا بر مشاوره و هماهنگی رده‌های اجرایی و همچنین تجسم و پیش‌بینی چگونگی عکس‌العمل در برابر جمیع حوادث و رخدادهای احتمالی (در طول مدت عملیات) انجام گیرند: در مراحل تهیه طرح عملیاتی محسن و فراهم گردیدن شرایط مناسب جهت اجرای عملیات بازی دراز، مشاوره و هماهنگی‌های لازم بین فرماندهان و مسئولین یگان‌های اجرایی (یگان‌های تیپ ۳ زرهی، سپاه پاسداران، هوانیروز، نیروی هوایی، نیروهای پاسدار، بسیجی و عشایری و...) انجام گرفته بود، لیکن واکنش‌های شدید و غیرقابل انتظار عراقی‌ها در طول اجرای عملیات، موجب شکنندگی توافقات به‌عمل‌آمده گردید. فعالیت ناکافی نیروی هوایی در صحنه نبرد، عقب‌نشینی بدون مجوز ستوان محمدرضا نانکلی از

ارتفاعات بازی دراز (اولین روز عملیات)، وقفه عملیات هوانیروز در اجرای مأموریت‌های واگذاری (در روز شهادت شهید شیرودی)، انجام برخی از اقدامات سلیقه‌ای توسط نیروهای پاسدار و بسیجی و... همگی نشان از عدم توجه کافی به مفاد این بند از اصول عملیات آفندی را دارند.

حفظ اسرار عملیات و فریب دشمن از چگونگی اجرای آن: در اولین مرحله عملیات بازی دراز، حفظ اسرار و فریب دشمن از محل دقیق اجرای عملیات به نحو مؤثری انجام گرفت. فرمانده تیپ جهت فریب دشمن از محل تلاش اصلی و درگیر نگه داشتن او به منظور ممانعت از وارد عمل نمودن احتیاط خود در ارتفاعات بازی دراز، با صدور دستور اجرای آتش تهیه (از ساعت ۰۶۰۰ الی ۰۶۳۰) در قسمت غربی، شمالی و جنوب شرقی منطقه نبرد، نسبت به هدایت تک‌های فریبنده گروه رزمی ۱۸۴ مکانیزه به سمت ارتفاعات کوره موش و همچنین گردان ۲۶۵ سوارزهی به طرف تنگه‌های کورک و قاسم‌آباد اقدام نمود. این در حالی بود که تلاش اصلی توسط گروه رزمی ۲ سپاه پاسداران و گردان ۱۴۳ مکانیزه در سمت ارتفاعات ۱۰۵۰ و ۱۱۵۰ بازی دراز انجام می‌گرفت و لذا دشمن سر در گم مانده بود.

در نظر گرفتن توان رزمی طرفین (محاسبه دقیق توان رزمی طرفین): از مقایسه تعداد یگان‌های مانوری دشمن با خودی (با توجه به سازمان رزم طرفین) درمی‌یابیم که در آغاز عملیات، طرفین از نظر توان رزمی تقریباً با یکدیگر برابر بودند. بنابراین، در مرحله یکم عملیات بازی دراز، هیچ‌گونه برتری توان رزمی فیزیکی برای نیروهای آفندکننده (نیروی خودی) نسبت به پدافندکننده (نیروی دشمن) وجود نداشت (در صورتیکه توان رزمی مهاجم حداقل بایستی دو برابر مدافع باشد تا در عملیات امیدی به موفقیت وجود داشته باشد). ضمناً در ادامه نبرد، دشمن حدود یک لشکر را در منطقه عملیاتی سرپل ذهاب و قصر شیرین وارد نمود، در حالی که نیروهای خودی امکان به‌کارگیری هیچ‌گونه یگان تقویتی را نداشتند.

خاموش کردن آتش پدافندی دشمن و از بین بردن موانع ایذایی: پیشروی نیروهای خودی در ارتفاعات بازی دراز، فعالیت یگان‌های توپخانه، حضور تیم هجومی هوانیروز و هواپیماهای نیروی هوایی در صحنه نبرد، نشان از این واقعیت دارند که در مرحله نخست عملیات بازی دراز، اقدامات لازم جهت خاموش کردن آتش‌های پدافندی متجاوزان عراقی انجام گرفت، لیکن به اندازه کافی نبود. ضمناً با توجه به آنکه ارتفاعات بازی دراز بسیار صعب‌العبور

می‌باشند (ماهیتاً مانع ایذایی به شمار می‌آیند) دشمن فعالیت چندانی در راستای ایجاد موانع به عمل نیاورده بود که نیروهای خودی را مجبور به از بین بردن آنها نماید.

وارد آوردن ضربه ناگهانی، سریع و مهلک به دشمن و درگیر نمودن هم‌زمان او در جلو، جناحین، عقب و فضا: صعب‌العبور بودن منطقه عملیات، واگذاری هم‌زمان مأموریت‌های پدافندی (پدافند یگان‌های تابعه تیپ ۳ در قوس ۲۵ کیلومتر، یعنی از ارتفاعات کلینه و سیدصادق تا تنگ کورک) و آفندی (تک به ارتفاعات بازی‌دراز) به یگان‌های تابعه تیپ ۳ زرهی و همچنین ناکافی بودن نیروهای خودی در عملیات مذکور، جملگی دال بر عدم وجود امکانات لازم در مرحله نخست عملیات بازی‌دراز جهت وارد آوردن ضربه ناگهانی، سریع و مهلک به دشمن متجاوز محسوب می‌شوند. ضمناً انجام تک‌های فریبنده (توسط گردان‌های ۱۸۴ مکانیزه و ۲۱۵ تانک) در ارتفاعات کوره موش، بنه‌دستک و قراویز و همچنین حملات بالگردها و هواپیماها به دشمن بعثی، نشان از تلاش نیروهای خودی در درگیر نمودن هم‌زمان عراقی‌ها در جلو، جناحین و فضای (آسمان) منطقه عملیات بازی‌دراز دارد.

۹. حفظ دور تک، در دست داشتن ابتکار عملیات و هدایت تک به عمق منطقه دشمن

در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز، سعی نیروهای خودی در هدایت تک به عمق منطقه دشمن بود که البته موفقیت‌هایی نیز حاصل شد؛ لیکن مقاومت سرسختانه نیروهای عراقی و پاتک‌های مستمر آنان به مواضع رزمندگان اسلام از یک سو و عدم وجود نیروی احتیاط متعادل و یگان‌های تقویتی جهت افزایش قابلیت انعطاف نیروهای خودی در مقابله با پاتک‌های بی‌امان دشمن از سوی دیگر، موجب ضعف در حفظ دور تک، از دست رفتن ابتکار عملیات و همچنین موفقیت‌های کسب شده گردید.

۱۰. انعطاف‌پذیری و حفظ آمادگی لازم جهت واکنش به موقع و مناسب در برابر وضعیت‌های غیرمترقبه

عواملی که توان انعطاف‌پذیری در برابر واکنش‌های غیرمترقبه دشمن را برای یک فرمانده به وجود می‌آورند، عبارت از نیروی احتیاط و آتش‌های پشتیبانی هستند. در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز، از یگان احتیاط تیپ ۳ زرهمی (گردان ۲۱۱ تانک) جهت دفع پاتک‌های دشمن استفاده لازم به عمل آمد. ضمناً واحدهای توپخانه، بالگردهای هوانیروز و هواپیماهای نیروی هوایی آتش پشتیبانی را در قسمت‌های مختلف منطقه عملیاتی بر روی نیروهای دشمن اجرا نمودند، لیکن میزان آمادگی رزمی و انعطاف‌پذیری به گونه‌ای نبود که به تثبیت اهداف متصرفه و حفظ موفقیت‌های کسب‌شده در طول عملیات بیانجامد.

۱۱. پیش‌بینی پشتیبانی متحرک و مداوم

در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز، یگان‌های پشتیبانی و پشتیبانی خدمات رزمی در حد توان نسبت به انجام وظایف خود اقدام نمودند، لیکن امکانات موجود جوابگوی نیازهای یگان‌های عملیاتی نبود.

۱۲. نحوه به‌کارگیری اصول نه‌گانه جنگ در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز چگونه است؟

به رغم آنکه اصول نه‌گانه جنگ (اصل هدف، اصل آفند، اصل تمرکز قوا، اصل صرفه‌جویی در قوا، اصل مانور، اصل وحدت فرماندهی، اصل تأمین، اصل غافلگیری و اصل سادگی) مکمل و وابسته به یکدیگر هستند، لیکن میزان به‌کارگیری آنها در عملیات‌های مختلف بستگی به وضعیت و شرایط موجود دارد. به عبارت دیگر، احتمال دارد که در روند اجرایی یک عملیات نظامی، رعایت تمامی اصول نه‌گانه جنگ میسر نباشد و فرمانده آن دسته از اصول مذکور را به کار گیرد که او را در راستای دستیابی به اهداف مورد نظرش هدایت و یاری نمایند. در طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های نظامی هرچه تعداد و میزان رعایت اصول به‌کارگرفته شده بیشتر باشند، درصد موفقیت آن عملیات نیز بالاتر خواهد بود. در جریان عملیات بازی‌دراز، میزان رعایت اصول نه‌گانه جنگ به شرح زیر بود:

اصل هدف

اهمیت فوق‌العاده ارتفاعات بازی‌دراز (از نقطه نظر دید و تیر و کنترل معابر وصولی در منطقه قصرشیرین، سرپل‌ذهاب و گیلانغرب) کاملاً واضح و مسلم است. لیکن وجود قتل مشابه در ارتفاعات مذکور، صعب‌العبور بودن زمین منطقه عملیات، کم‌توجهی به محاسبه توان رزمی طرفین درگیر، غیرقابل دسترس بودن قتل بازی‌دراز و... موجب شد که اهداف واگذاری به یگان‌های مانوری خودی (در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز) در خور مقدرات آنان نباشد. در نتیجه، اگرچه بیشتر اهداف فوق‌الذکر به تصرف نیروهای خودی درآمدند، اما تثبیت و نگهداری آنان مقدور نگردید. بنابراین، اصل هدف به صورت ضعیف رعایت گردید.

اصل وحدت فرماندهی

نوع یگان‌های شرکت‌کننده در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز (یگان‌های ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای بسیج مردمی، عشایر ایل کلهر، نورآباد، ممسنی و...) که از نقطه نظر آموزش، تفکرات نظامی و نحوه عملکرد اختلافات فاحشی با هم داشتند، رعایت اصل وحدت فرماندهی را در مراحل مختلف عملیات با ضعف مواجه ساخته بود.

اصل صرفه‌جویی در قوا

شرایط آن دوران از جنگ به گونه‌ای بود که رعایت اصل صرفه‌جویی در قوا را خواسته و یا ناخواسته به فرماندهان تحمیل کرده بود. گسترش یگان‌های تابعه لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه در منطقه پدافندی به طول ۵۰۰ کیلومتر و اجرای هم‌زمان دو عملیات آفندی و پدافندی توسط تیپ ۳ زرهی (تک به مواضع متجاوزان بعثی در ارتفاعات بازی‌دراز و پدافند از منطقه مسئولیت) دال بر رعایت اصل مذکور است. در جریان عملیات بازی‌دراز، اصل صرفه‌جویی در قوا به گونه‌ای به مرحله اجرا درآمد که حتی یگان‌های مانوری نیز از نیروی احتیاط کافی جهت به‌کارگیری در شرایط سخت عملیاتی برخوردار نبودند و در دفع پاتک‌های دشمن با سختی مواجه شدند و از عهده نگهداری اهداف متصرفه نیز برنیامدند. از این رو، می‌توان گفت که اصل صرفه‌جویی در قوا در حد ضعیف رعایت گردید.

اصل تمرکز قوا

در جریان عملیات بازی‌دراز، اصل تمرکز قوا (گردآوری و بهره‌برداری از امکانات یگان‌های نیروی زمینی، هوانپروز، نیروی هوایی، سپاه پاسداران، نیروهای بسیجی، عشایر و...) در حد توان

رعایت گردید، لیکن وسعت منطقه پدافندی لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه (از پاسگاه هانی گرمه نوسود تا چنگوله که بالغ بر ۵۰۰ کیلومتر می‌باشد) فرماندهان یگان‌های تابعه آن لشکر را چنان تحت فشار قرار داده بود که به ناچار، پدافند به روش نقطه اتکاء را به مرحله اجرا گذاردند. در آن زمان، خطوط پدافندی نیروهای خودی بسیار شکننده بود و امکان برداشت نیرو از یک قسمت و به‌کارگیری آن در ناحیه دیگر (اجرای اصل تمرکز قوا) را بسیار سخت می‌نمود. بنابراین، با نگرش به وضعیت ارتفاعات بازی‌دراز و واگذاری مسئولیت تلاش اصلی به عهده چند گروه رزمی (برابر متون طرح‌های عملیاتی محسن)، عملاً طراحان عملیات در واگذاری بیشترین توان رزمی و بهترین معبر وصولی (خودی - دشمن) به یک یگان که مأموریت تلاش اصلی را به عهده داشته باشد، با مشکل مواجه بودند (به عبارت دیگر امکان تمرکز قوا در بهترین معبر وصولی و واگذاری بیشترین توان رزمی به یگان تلاش اصلی وجود نداشت). از این رو، می‌توان گفت که اصل مذکور در سطح متوسط رعایت گردید.

اصل آفند

با اجرای اصل آفند، فرمانده می‌تواند ابتکار عملیات و آزادی عمل را به دست آورد و اراده خود را بر دشمن تحمیل نماید. عملیات‌های آفندی معمولاً زمانی با موفقیت توأم خواهند بود که یگان تک‌کننده با بهره‌مندی از توان رزمی کافی (توان رزمی آن حداقل دو برابر نیروی مدافع باشد) و استفاده بهینه از اطلاعات، وسایل ارتباطی، آتش سلاح‌های پشتیبانی، امکانات لجستیکی و... به انجام مأموریت واگذاری بپردازد. بنابراین، نیروهای خودی که اجباراً (به علت کمبود نیرو) به اجرای توأمان عملیات آفندی (در سه جبهه شمالی، غربی و جنوبی منطقه سرپل‌دهاب) و همچنین انجام پدافند در منطقه واگذاری می‌پرداختند، در به ثمر رسانیدن مأموریت آفندی خود با مشکل مواجه گردیدند. برتری دشمن از نقطه نظر توان رزمی، در اختیار داشتن مواضع پدافندی و زمین مناسب و همچنین توان انجام پاتک‌های پیاپی در منطقه عملیاتی سرپل‌دهاب و قصرشیرین، ابتکار و آزادی عمل را از کف رزمندگان ایرانی ربوده بود. از این رو، می‌توان گفت که در جریان عملیات بازی‌دراز، اصل آفند در سطح متوسط به کار گرفته شد.

اصل مانور

وجود مشکلاتی که در مبحث اصل تمرکز قوا به آنها اشاره گردید، موجب شدند که در جریان عملیات بازی دراز، به کارگیری عده‌ها و آتش‌ها در برابر پاتک‌ها و واکنش‌های شدید و غیرمترقبه دشمن متجاوز (در منطقه سرپل ذهاب و قصرشیرین) در حد متوسط رعایت گردد.

اصل غافلگیری

در مرحله یکم عملیات، عدم تصور دشمن متجاوز از امکان اجرای عملیات آفندی توسط نیروهای ایرانی در ارتفاعات صعب‌العبور بازی دراز از یک سو و تک فریبنده گردان ۱۸۴ مکانیزه در منطقه سیدصادق، کوره موش و بنه‌دستک (به طور هم‌زمان با تک اصلی در بازی دراز انجام گرفت) از سوی دیگر، موجب غافل‌گیری عراقی‌ها از محل تلاش اصلی شد. لیکن، وضعیت ارتفاعات بازی دراز و کندی سرعت پیشروی نیروهای تک‌ور خودی به سمت اهداف تعیین‌شده، مانع از وارد آمدن ضربه قطعی و کارساز به نیروهای متجاوز بعثی گردید.

اصل تأمین

در جریان عملیات بازی دراز، اصل تأمین که در برگیرنده مواردی چون شناسایی از وضعیت گسترش و استعداد دشمن، زمین منطقه عملیات و رعایت نکات مهمی چون اختفاء و پوشش در برابر دید و تیر نیروهای متجاوز عراقی، مخفی نگه‌داشتن طرح‌ها و دستورات، برقراری ارتباط مناسب و پراکندگی می‌باشد، در حد متوسط به کار گرفته شد.

اصل سادگی

تنوع یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات بازی دراز (یگان‌های ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای بسیج مردمی، عشایر ایل کلهر، نورآباد و ممسنی) که از نقطه نظر آموزش و تفکرات نظامی اختلافات فاحشی با هم داشتند، رعایت سادگی در سازمان رزم، قابلیت انعطاف و هماهنگی در آتش و حرکت را با مشکل مواجه ساخته بودند. ضمناً برخی از یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات مذکور از مأموریت و اهداف واگذاری به خود درک و شناخت کافی نداشتند. با نگرش به آنکه در جریان عملیات بازی دراز، نسبت به تعیین سازمان رزم مناسب برای یگان‌های عمل‌کننده و همچنین اهداف واگذاری به آنها (از بعد توانایی یگان‌ها در تصرف و نگهداری اهداف) جهت اجرای مأموریت کم‌توجهی شده بود، بنابراین، اجرای طرح عملیاتی

محسن با مشکل مواجه گردید و همین غفلت رعایت اصل سادگی در جریان عملیات مذکور را ضعیف و دشوار ساخت.

۱۳. نتیجه‌گیری

- ۱- نیروهای خودی موفق به آزادسازی بخشی از قتل بازی‌دراز شدند، لیکن نتوانستند به تثبیت اهداف متصرفه بپردازند.
- ۲- رزمندگان ایرانی مواضع قبلی خود را در شمال و غرب منطقه عملیاتی حفظ نموده و عراقی‌ها نیز در خطوط پدافندی‌شان باقی ماندند.
- ۳- تلفات انسانی نیروهای خودی در عملیات بازی‌دراز به قرار زیر بود:
الف- نیروهای ارتشی: ۸۵ نفر شهید، ۲۹۷ نفر مجروح، ۱۷ نفر مفقودالاثر و ۲۶ نفر اسیر.
ب- نیروهای سپاه پاسداران: ۲۲ نفر شهید و ۱۵۷ نفر مجروح.
پ- نیروهای بسیجی: ۱۸ نفر شهید، ۶۸ نفر مجروح و ۱ نفر مفقودالاثر.
- ۴- یک فروند از بالگردهای کبرا و یک فروند از هلی‌کوپترهای ۲۱۴ پایگاه هوانیروز کرمانشاه سقوط نمودند.
- ۵- تلفات و خسارات انسانی نسبتاً زیادی به نیروهای دشمن وارد آمد.
- ۶- تعداد ۴۵۸ نفر از نیروهای دشمن به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند.
- ۷- دو فروند از هواپیماهای سوخو و دو فروند از بالگردهای دشمن سرنگون شدند.
- ۸- چندین دستگاه خودرو شنیدار (تانک و نفربر) عراقی منهدم گردید.
- ۹- نقش تیم عملیاتی پایگاه هوانیروز کرمانشاه در اجرای مرحله یکم عملیات بازی‌دراز بسیار خوب بود.
- ۱۰- به طور کلی، نحوه به‌کارگیری اصول عملیات آفندی در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز در حد متوسط بود.
- ۱۱- نتیجه‌گیری کلی از کاربرد اصول جنگ در مرحله یکم عملیات بازی‌دراز به شرح جدول زیر است:

بسیار خوب	مطلوب	متوسط	ضعیف	به کار گرفته نشد	میزان به کارگیری
					اصول نه گانه جنگ
			*		هدف
			*		وحدت فرماندهی
		*			آفند
		*			تمرکز قوا
			*		صرفه جویی در قوا
		*			تأمین
		*			مانور
		*			غافل گیری
			*		سادگی

۱۴. منابع

اسناد و مدارک موجود در لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه.

باوندپور، ابراهیم (۱۳۶۰)؛ گنجینه اسناد دفاع مقدس (عملیات بازی دراز)، جلد ۱۸ و ۱۹، تهران، دافوس آجا.

پورداراب، سعید (۱۳۸۴)؛ تقویم تاریخ دفاع مقدس (ضربه های پی در پی)، جلد ۹، تهران، مرکز پژوهش های دفاع مقدس نزاا.

حسینی، سید یعقوب، جوادی پور، محمد (۱۳۷۳)؛ ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس (نبردهای غرب کشور ۱۳۵۹-۱۳۶۱)، جلد پنجم، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.

کریم زاده، اردشیر (۱۳۸۸)؛ اطلس نبردهای ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس، تهران، انتشارات فرارنگ آریا.

کیانی، سورنا (۱۳۹۰)؛ فرمان آتش در کوهستان های باختر، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا.

کیانی، سورنا (۱۳۸۸)؛ حماسه سرزمین خورشید، تهران، انتشارات دافوس آجا.

نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت ملی و ثبات داخلی، به ویژه در کردستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

محسن شجاعی^۱

چکیده

تاریخ پرفراز و نشیب جمهوری اسلامی ایران عزیزمان همواره خاطراتی زیبا از روحیه سلحشوری و ایثار غیرتمندان ارتش سرافراز را داراست، که ما را سربلند و راست‌قامت نگه می‌دارد.

یکی از جلوه‌های درخشان تاریخ سرزمین‌مان، حضور مردان غیور، از خودگذشته و شهادت‌طلب ارتش قهرمان در شهرهای کردنشین، به ویژه استان کردستان، جهت سرکوب گروه‌های معاند، عمال و دست‌نشانده برخی دول خارجی است که با ایجاد فتنه و آشوب و با سوءاستفاده از استضعاف فرهنگی مردم غیور مناطق کردنشین، در زمانی که چند روزی از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگذشته بود و ارتش بر اثر التهابات ناشی از انقلاب در نابسامانی به سر می‌برد، به بهانه کسب خودمختاری و دست‌یابی به اهداف شوم خود به مراکز انتظامی و نظامی هجوم برده و انواع جنگ‌افزارها و مهمات را به یغما بردند. در این دوران بسیار حساس و بحرانی، ارتشیان دلیر ایران اسلامی به مناطق یادشده وارد شدند و با رشادتی بی‌نظیر، سینه خود را سپری پولادین برای میهن و ملت و دفاع از مردم وطن‌دوست و مظلوم گرد قرار دادند و با شهادت خود، پیشانی به خاک میهن ساییدند تا امنیت را به هم‌میهنان خود تقدیم دارند. باشد که با مرور برهه‌ای از تاریخ، به شهدای گرانقدر و رزمندگان فداکار و حماسه‌ساز ارتش قهرمان در خطه دلاورخیز کردستان ادای دین کرده باشیم.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، ثبات داخلی،

کردستان، گروه‌های ضدانقلاب

۱. سرهنگ محسن شجاعی.

۱. مقدمه

پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴ میلادی) و شکست امپراطوری عثمانی، از تجزیه آن سرزمین پهناور، کشورهای ترکیه، عراق، عربستان سعودی، لیبی، الجزایر، لبنان، سوریه، بوسنی هرزگوین و... که اکثر نژادهای ترک، عرب، اسلاو و... (به استثناء نژاد کرد) در آن سرزمین زندگی می‌کردند، موفق به تشکیل کشورهای مستقل گردیدند. پیشرفت و تشکیل دولت توسط نژادهای مختلف، سران سیاسی و البته وابسته به بیگانگان، گرد را بر آن داشت تا در راستای یکپارچه‌سازی مناطق کردنشین در کشورهای ترکیه، عراق، سوریه و ایران که از نظر جغرافیایی به یکدیگر متصل هستند، گام برداشته و نسبت به تشکیل کشور کردستان اقدام نمایند، که البته این نقشه با تحریک دول بیگانه پیروز در جنگ جهانی اول صورت می‌گرفت و لذا با واکنش حکومت‌های کشورهای مذکور مواجه و خنثی شد و در مواردی نیز با اقدامات نابخردانه و بیگانه‌گرایی سران احزاب وابسته و یا قبایل کرد و بعد از انقلاب هم همراه با شرارت‌های جنون‌آمیز گروهک‌های ضدخلقی، موجبات نفاق، آشوب، کشتار و خونریزی و مظلومیت و خسارت‌های مردم غیور کرد را که از ایرانیان اصل و مرزداران دلاور ایران اسلامی می‌باشند، فراهم آورد.

آنچه در این مجمل از اهمیت بیشتری برخوردار است، بررسی چگونگی بروز بحران و آشوب در استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و برخی از شهرهای استان کرمانشاه، مانند پاره در دوران حکومت پهلوی و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد.

تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که در شرایط حساس و بحرانی، یعنی زمان تغییر و تحول قدرت مرکزی و روی کار آمدن حکومت جدید، ضعف حکومت مرکزی و یا اشغال کشور توسط اجانب (در جریان جنگ جهانی دوم بخش‌هایی از ایران توسط قوای روس و انگلیس اشغال شده بود)، موضع‌گیری و نوع ایفای نقش اقوام ایرانی در برابر وقایع گوناگون کشور، ارتباطی تنگاتنگ با نحوه تفکر و چگونگی عملکرد سران و سرکردگان اقوام در قبال آن وقایع داشته است.

هر زمان که رهبران و بزرگان قومی، چون رئیس علی دلواری، ثقة‌السلام تبریزی، ستارخان، باقرخان، یارمحمدخان کرمانشاهی، میرزا کوچک‌خان جنگلی و... که از روحیات و تفکرات استعمارستیزی و عزت و استقلال‌خواهی برای میهن برخوردار بوده‌اند، حماسه‌هایی ماندگار در

تاریخ این مرز و بوم خلق شده و هر زمان که سکان هدایت قومی در دستان افراد خودخواه و فرصت‌طلبی، همچون شیخ خزعل، جعفر پیشه‌وری، قاضی محمد و... بوده، مصالح کشور را فدای سراب آمال خود کرده و با ریختن آب به آسیاب بیگانگان، ندای شوم تجزیه‌طلبی سر داده‌اند (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۸).

از زمان به قدرت رسیدن رضاخان در ایران (حد فاصل بین جنگ‌های جهانی اول و دوم)، که برهه‌ای حساس و سرشار از بروز تحولات و رویدادهای شگرف در سطح ایران و جهان می‌باشد، کشمکش‌های موجود در کردستان ایران که ریشه در کم‌توجهی دولتمردان در طول قرن گذشته نسبت به اجرای برنامه‌های توسعه داشت، اقدامات رهبران کُرد در راستای احقاق حقوق شهروندی مردم کرد و با خودمختاری ساخته تفکر بیگانگان برای کردستان ایران موجب برانگیختن حساسیت رضاخان و اجرای سیاست‌های سرکوب‌گرانه، تبعیدهای دسته‌جمعی، اعمال مجازات‌های سخت و تنبیهات خشن علیه کردان معارض گردید و در نتیجه استضعاف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای قوم کرد رقم زده شد و کردستان را به منطقه‌ای محروم مبدل ساخت و ادامه این سیاست در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی باعث شد بار دیگر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران احزاب سیاسی و گروهک‌های فعال در کردستان، با بهره‌برداری از آزادی بی‌حد و حصر ناشی از فروپاشی نظام سیاسی سابق و ارکان قدرت و احساس ضعف در حکومت مرکزی، با بهره‌برداری از وضعیت موجود و سوءاستفاده از افراد ساده‌لوح و ترفندهای گوناگون، از جمله تطمیع و تهدید و برانگیختن احساسات استقلال‌طلبانه کُردان که طی سالیان متمادی خود را فراموش شده و مورد بی‌مهری حکومت پیشین می‌پنداشتند، ندای خودمختاری سردهند و با انجام اقدامات شتاب‌زده و اجرای عملیات مسلحانه، آن خطه خرم و زیبا را به کام هیولای جنگ‌های داخلی کشانند و در نتیجه بسیاری از حقوق قانونی و قابل وصول قوم کُرد را پایمال و تباه نموده و بالاجبار توجه مسئولین کشور، اعم از سیاسیون و فرماندهان ارتش را جهت ایجاد ثبات، آرامش و امنیت در آن منطقه به منظور توسعه همه‌جانبه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای مردم سلحشور کُرد که غالباً از جان و دل به میهن خود عشق می‌ورزند و خواهان جدایی از خاک ایران نمی‌باشند، معطوف داشت تا مرهمی شفاف‌بخش بر آلام دیرینه مردم غیور کردستان باشد.

۲. تعاریف

آشنایی با کردستان

اگرچه قسمت‌هایی از استان‌های آذربایجان غربی و کرمانشاه جزء مناطق کردنشین محسوب می‌گردند، لیکن به دلیل سکونت اکثریت هم‌وطنان کردمان در استان کردستان، به منظور درک هرچه بهتر وضعیت، ضروری است به ذکر توضیحات مختصر و مفیدی در رابطه با جغرافیای طبیعی، اقتصادی و سیاسی آن استان بپردازیم.

استان کردستان با مساحتی بالغ بر ۲۸ هزار و ۲۰۳ کیلومترمربع در دامنه سلسله جبال آرارات و زاگرس واقع شده و در همسایگی استان‌های آذربایجان غربی، زنجان، همدان و کرمانشاه می‌باشد. این استان حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد و شهرهای سنندج، سقز، بانه، بیجار، قروه، دیواندره، سروآباد، مریوان و کامیاران از شهرهای مهم آن هستند (همان: ۳۰).

وجود ناهمواری‌ها و کوه‌های بلند و دره‌های عمیق باعث آب و هوای سرد و بارش نزولات آسمانی، به ویژه برف‌های سنگین، که در بعضی از گردنه‌های بخش شمالی کردستان میزان بارش برف تا ارتفاع شش متر هم می‌رسد، می‌باشد. به لحاظ همین بارش‌ها، در نواحی وسیع جلگه‌ای، باغ‌های وسیع با خاک حاصلخیز و جنگل‌های طبیعی بلوط (به خصوص در نوار مرزی) وجود دارد.

محیط انسانی منطقه کردستان با توجه به خصوصیات طوایف و قبایل، بافت عشیره‌ای خاص خود را دارد، به گونه‌ای که هر طایفه و قبیله از فرهنگ و آداب و رسوم ویژه‌ای تبعیت می‌کند. به طور کلی، مردم کردستان از نظر خصوصیات رفتاری، مردمی خونگرم، مهمان‌نواز، شجاع و سلحشورند. ایلات و تیره‌های عمده عشایر منطقه عبارت از اردلان، گلباغی، منمدی، جاف، احمد زینل، هراز و روته یالوته می‌باشند.

نژاد قوم اصیل، غیور و سرافراز کرد یکی از شاخه‌های نژاد آریایی (شاخه مادها) می‌باشد که دارای صفات ویژه‌ای از جمله ایثار، فداکاری و از خودگذشتگی در راه حفظ میهن هستند. زبان مردم کردستان زبان کردی است و به گویش‌های گوران، کرمانج و سورانی تکلم می‌کنند و مذهب اکثریت مردم کردستان سنی و از شاخه شافعی می‌باشد.

وضعیت اقتصادی استان کردستان تحت تأثیر دو عامل قرار دارد:

الف- کشاورزی و دامداری: اوضاع اقتصادی این استان متأثر از وضعیت جغرافیایی و عوارض طبیعی آن است و یکی از قطب‌های کشاورزی و عمدتاً دامداری کشور به شمار می‌رود.

ب- صنعت: بنا به دلایل سیاسی و جغرافیایی، از دیرباز نسبت به احداث و توسعه صنایع سنگین در این استان کوتاهی به عمل آمده است و در حال حاضر، صنایعی از قبیل بافندگی، کفش، گچ و شیر فعالیت دارند و صنایع دستی مانند فرش و گلیم از رونق دیرینه برخوردارند (همان: ۳۷).

احزاب و گروه‌های مسلح فعال در کردستان

احزاب و گروه‌های مسلح فعال در کردستان که بعد از سال ۱۳۵۷ فعالیت خود را شدت بخشیدند، عبارتند از:

الف- حزب دمکرات: دارای دو شاخه نظامی و سیاسی، که شاخه نظامی آن به رهبری قاسملو و جناح سیاسی آن به رهبری غنی بلوریان و به دنبال گرفتن امتیاز و ایجاد پایگاه کمونیسم در ایران بوده است (این حزب تحت حمایت شوروی سابق قرار داشت).

ب- گروهک کومله (سازمان انقلابی زحمتکشان): که در مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

پ- چریک‌های فدایی خلق ایران: که بعد از حزب توده، دومین گروهک فعالی بود که دارای سابقه طولانی و فعالیت بیشتری نسبت به بقیه گروهک‌ها در ایام قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود. از سال ۱۳۵۶، با وجود اختلاف نظر و خط مشی بین اعضاء آن انشعابات در آن ایجاد شد که عبارتند از: سازمان انقلابی حزب توده، اشرف دهقان، چریک‌های فدائی خلق (اکثریت)، ارتش رهایی‌بخش ایران، جناح نگهدار، جناح کشتگر (گروه نویسندگان، ۱۳۹۳: ۶۸).

ت- گروهک‌های فعال دیگر: که عبارتند از: گروه پیشمرگان زحمت‌کشان منشعب از کومله، سازمان پیکار منشعب از سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، سپاه رزگاری (این گروه تحت حمایت عراق قرار داشت)، گروهک خباط، گروهک علی مریوانی (همان: ۸۴).

در مقابل گروه‌های معاند که اسامی آنها به اختصار ذکر شد، گروهی از هموطنان کُرد طرفدار انقلاب اسلامی تحت عنوان پیشمرگان مسلمان کُرد همکاری نزدیکی با نیروهای دولتی داشتند و در حوادث مناطق کردنشین با رشادت و سلحشوری خدمات شایسته‌ای از خود به جا گذاشتند.

۳. تحولات ارتش در بدو پیروزی انقلاب اسلامی و مأموریت‌های آن در کردستان

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، تقریباً ارتش از هم پاشیده و ساختار سازمانی آن فرو ریخته بود و تعدادی از فرماندهان رده‌های بالا به خاطر عملکرد ضدمردمی که داشتند دستگیر و عده‌ای متواری شدند و به طور کلی، چهارچوب سازمانی ارتش از هم پاشیده و اکثر پادگان‌ها به تعطیلی کشیده و اغلب بسته شدند. شرایط به گونه‌ای بود که تعداد انگشت‌شماری از نظامیان در بعضی از پادگان‌ها حاضر و مشغول حفاظت فیزیکی از اموال، تجهیزات و جنگ‌افزارها بودند. این روزها را از جهتی می‌توان سخت‌ترین روزهای ارتش و فرماندهان دانست (عزیزی، ۱۳۸۶: ۲۱۲).

البته بلافاصله در تاریخ ۲۳ بهمن ۱۳۵۷، با انتصاب سرلشکر محمدولی قرنی به سمت ریاست کل ستاد ارتش، کار سازماندهی ارتش آغاز گردید؛ لیکن به دلیل عدم وجود فرمانده در رأس نیروها، لشکرها و یگان‌های عمده، وجود گروه‌های تصفیه در ارتش به منظور پاک‌سازی افراد ناباب و خطاکار، نابسامانی و از هم پاشیدگی کاملاً حاکم شده بود. در همین ایام، که از حساس‌ترین دوران انقلاب و شکل‌گیری ارتش جمهوری اسلامی ایران بود، گروه‌های ضدانقلاب و گروه‌های چپ (حزب توده، فدائیان خلق و مجاهدین خلق) که ارتش را مانع اجرای مقاصد خود می‌دانستند، در بدنه ارتش رسوخ کرده و هر روز در گوشه و کنار توطئه جدیدی را خلق می‌نمودند و گاهی اوقات شعار انحلال ارتش و یا شعار ارتش بی‌طبقه توحیدی سر می‌دادند و در بعضی از پادگان‌ها، شوراهایی تشکیل شده بود و فرماندهان ارتش را بدون حساب و کتاب و بی‌رویه و گاه منطبق با امیال مغرضانه تعویض و یا منصوب می‌کردند.

با توجه به سابقه‌ای که از تشکیل و یا فعال شدن گروهک‌های ضدانقلاب در کردستان بیان شد، در همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی مسابقه عجیبی بین گروهک‌ها و احزاب

در گسترش تشکیلات و نفوذ در ادارات و جمع‌آوری سلاح و مهمات آغاز گردید، به طوریکه در بازارهای بعضی از شهرها بساط فروش سلاح و مهمات رواج پیدا کرده بود.

ضدانقلاب (حزب دمکرات و کومله) در آخرین روزهای بهمن ۱۳۵۷، پس از خلع سلاح پاسگاه‌ها و همچنین هنگ ژاندارمری مهاباد در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۵۷، به تیپ ۳ لشکر ۶۴ واقع در مهاباد حمله برده و آن تیپ را به طور کامل خلع سلاح کرد و انواع سلاح و مهمات، اعم از کوچک و بزرگ، سبک و سنگین، حتی تانک و توپ، به همراه انواع خودروهای سبک و سنگین مانند جیب و کامیون‌ها را به یغما بردند و پادگان کاملاً سقوط کرد. سپس در اواخر اسفند به سمت پادگان‌های سقز، مریوان و سنندج حمله برده و این پادگان‌ها را در محاصره قرار دادند که در آن مقطع با قاطعیت شهید قرنی، رئیس ستاد ارتش، و تقویت پادگان‌ها با نیروی اعزامی از مرکز و مقاومت ارتش مواجه شدند (گروه نویسندگان، ۱۳۹۳: ۸۴).

به منظور آشنایی با شرایط آن زمان، قسمتی از خاطرات سرگرد حسین حسینی سعدی (امیر سرلشکر حسین حسینی سعدی فعلی) را مرور می‌کنیم:

«روز بعد به پادگان رفتم و بازدیدی از گردان کردم و شنیدم فرمانده لشکر فرماندهان گردان را احضار کرده است. به دفتر فرمانده لشکر رفتیم. گفتند فرمانده نیروی زمینی آمده و داخل اتاق فرمانده لشکر است. ما هم وارد اتاق شدیم و دیدیم که تیمسار فلاحی، فرمانده نیروی زمینی، در آنجا حضور دارد. من ایشان را نمی‌شناختم. دیدم یک فرد نظامی بدون درجه است که یک دست لباس کار سربازی تنش بود. سلام علیکی کردم. ایشان با آن تن صدا و بیان نافذش مطالبی به این مضمون گفت: آقایان از سرنوشت پادگان مهاباد که خبر دارند! چند روز پیش سقوط کرد و ضدانقلاب به طور کامل پادگان را به یغما برد. الآن هم خبر داده‌اند که به طرف پادگان سنندج حرکت کرده‌اند و می‌خواهند این پادگان را هم به سرنوشت پادگان مهاباد دچار کنند. اگر پادگان سنندج سقوط کند، کردستان از پیکر ایران اسلامی جدا می‌شود. به هر ترتیب که شده، باید آن را حفظ کنیم. امروز که روز ۲۸ اسفند است، من دستم به هیچ‌جا نرسید، دیدم نزدیک‌ترین و منسجم‌ترین پادگان شما هستید. آمدم اینجا از شما استمداد بطلبم که به هر ترتیب برایتان مقدور است پادگان سنندج را حفظ کنید. دوستان همه لبیک گفتند، مرد و مردانه. یادم است از گردان من حدود صد نفر، که همه کادر بودند، افسر و درجه‌دار، انبارها و اسلحه‌خانه‌ها را باز کردیم، هرکسی کیسه

خواب و اسلحه تحویل گرفت و فردا صبح حرکت کردیم و رفتیم به کرمانشاه و صبح اول فروردین ۱۳۵۸، با بالگرد شینوک به سنندج وارد شدیم...»

(عزیزی، ۱۳۸۶: ۲۱۳)

از فعالیت‌های بعدی ضدانقلاب در آن روزها، حوادث مربوط به شهرستان گنبد بود، که کلیه عناصر مخالف با هم متحد شده، ابتدا به پاسگاه‌های ژاندارمری حمله برده و پس از خلع سلاح ژاندارمری و تصرف شهر گنبد، اقدام به غارت و به یغما بردن اموال مردم نمودند، که در اینجا نقش ارتش، به خصوص لشکر ۷۷ خراسان در سرکوبی این غائله و ایجاد امنیت و ثبات بسیار مؤثر بوده است (گروه نویسندگان، ۱۳۹۳: ۸۵).

هم‌زمان با فشار و شعارهای گوناگون علیه ارتش که مبنی بر انحلال آن بود، حضرت امام خمینی(ره) برای تقویت و انسجام ارتش و مقابله با توطئه‌ها، روز ۲۹ فروردین سال ۱۳۵۸ را روز ارتش اعلام فرمودند و دستور دادند که ارتش در سراسر کشور در این روز در خیابان‌ها رژه برود و مردم حمایت خودشان را از ارتش اعلام نمایند و فرمودند تضعیف ارتش تضعیف اسلام و حرام است. امام با صدور این فرمان، نهایت اعتماد و علاقه خود را به ارتش و ارتشیان نشان دادند و امید دشمنان را به یأس و ناامیدی مبدل ساختند.

با فرمان تاریخی حضرت امام(ره) ارتش جان تازه‌ای به خود گرفت. سازماندهی یگان‌های ارتش شروع شد و با تقویت انجمن‌های اسلامی در پادگان‌ها و تصفیه ارتش از افراد ناصالح و وابسته به رژیم سابق (گرچه این تصفیه و پاک‌سازی گه‌گاه نارسا و دچار مشکلاتی بود) روی هم رفته وضعیت مناسبی را به وجود آورد.

۴. بحران در سنندج

در این قسمت، به تشریح وقایع سنندج، علت محاصره پادگان و نحوه مقاومت مدافعان پادگان در مقابل مهاجمان، چگونگی عملکرد و مذاکرات هیئت اعزامی دولتی با سران احزاب سیاسی در کردستان بر سر موضوع چگونگی پایان بخشیدن به اغتشاشات می‌پردازیم.

در شهر سنندج - مرکز استان کردستان - اکثر احزاب و گروه‌های سیاسی فعال در منطقه کردستان با تأسیس دفتر به ترویج افکار خود در بین مردم مبادرت می‌نمودند و با استفاده از

هواداران مسلح‌شان به نمایش قدرت می‌پرداختند. با خلع سلاح کلانتری‌ها و ژاندارمری، وظیفه امنیت در شهر به عهده کمیته محول گردیده بود و می‌توان گفت که دولت حاکمیت و نفوذ چندانی در اداره امور شهر نداشت. سران احزاب سیاسی با تشکیل جلساتی در ۲۵ و ۲۶ اسفند ۱۳۵۷، به بررسی اوضاع و احوال حاکم بر شهر سنندج پرداخته و شرایط موجود را بهترین فرصت برای خلع سلاح پادگان تشخیص دادند و در بعدازظهر ۱۳۵۷/۱۲/۲۷، چریک‌های مسلح ضمن حمله به پادگان سنندج، ستاد لشکر و باشگاه افسران که در آن زمان در داخل شهر قرار داشت، موفق به دستگیری فرمانده وقت لشکر (مستقر در ستاد لشکر، داخل شهر) شدند.

مهاجمان پس از تصرف پادگان ژاندارمری که در جنوب‌شرقی پادگان سنندج واقع شده بود، مبادرت به بریدن سیم‌های خاردار نموده و حرکت خود را به سوی ورودی پادگان ارتش آغاز کردند و چون با مقاومت سرسختانه نظامیان حاضر در پادگان مواجه شدند، فرمانده لشکر (سرهنگ ماشاءالله صفری) را تحت فشار قرار داده و وادار به صدور و ابلاغ دستور ترک مقاومت به نیروهای نظامی تحت امرش ساختند (کیانی، ۱۳۸۶: ۸۱).

از طرفی، احزاب سیاسی با صدور پیام‌های متوالی از طریق رادیو و تلویزیون سنندج که تحت کنترل خود درآورده بودند، اهالی شهر را به ماجراجویی فراخواندند و شهر سنندج را از ساعت ۱۷۰۰ مورخه ۱۳۵۷/۱۲/۲۷ به عرصه تاخت و تاز و صحنه جنگ داخلی تبدیل و مردم غیور آن شهر را از یک سو و نظامیان خدوم به ملت را از سوی دیگر درگیر مبارزه‌ای ناخواسته نمودند.

در آن روزهای پر التهاب، خیابان‌های شهر سنندج سنگربندی شده بود و تمامی راه‌های ورودی و خروجی شهر در کنترل چریک‌های مسلح قرار داشت و امکان خدمات‌رسانی به مردم و پشتیبانی از نیروهای نظامی (تحت محاصره در پادگان) از راه زمین میسر نبود. غرش گلوله و صدای انفجارهای پی در پی و دود و آتش، فضای شهر را فراگرفته و اهالی شهر در خانه‌های خود پناه گرفته بودند و برای تهیه نیازمندی‌های ضروری و دارویی شدیداً در مضیقه قرار داشتند. تنها جنگ بود و صدای غرش گلوله و آژیر آمبولانس‌های حامل مجروحان که سکوت مرگبار شهر را در هم می‌شکست.

در پی ایجاد اغتشاش در شهر سنندج و هجوم عناصر ضدانقلاب مسلح به پادگان‌های ژاندارمری و ارتش، حضرت امام (ره) در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۸، به منظور روشن نمودن تکلیف تمامی افراد و گروه‌هایی که درگیر جنگ داخلی شده بودند، مبادرت به صدور اعلامیه‌ای به شرح ذیل نمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

به اهالی محترم مسلمان کردستان،

شنیده شده که عده‌ای وضع کردستان عزیز را مغشوش کرده‌اند و نمی‌خواهند بگذارند مسلمانان آسایش داشته باشند و بر خلاف اسلام عمل می‌کنند. این عده به ارتش، که اکنون به سوی ملت مسلمان برگشته و از آن تبعیت می‌کنند، حمله می‌برند و آنها را مورد توهین قرار می‌دهند. این قبیل کارها بر خلاف اسلام و مصالح مردم مسلمان است و مردم کردستان و سایر نقاط باید بدانند که هرگونه حمله به ارتش و ژاندارمری از نظر ما مردود است و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم. همه اهل ملت واحد و قرآن واحد هستیم. ارتش و ژاندارمری و پلیس نیز باید بدانند که از این به بعد آنها حافظ مصالح و استقلال مردم مسلمانند و اگر کسی به آنها حمله کند، از مردم مسلمان نیست و از عمال اجانب است و باید نیروهای مسلح با قدرت از منافع و مصالح ملت مسلمان دفاع کنند و هرگونه حمله را به خود و به نوامیس مردم با قدرت دفع نمایند.

روح الله الموسوی الخمینی

(روزنامه کیهان، ۱۳۵۷/۱۲/۲۹: ۷)

با صدور فرمان حضرت امام (ره) و تماس تلفنی سرلشکر محمدولی قرنی با معاون وقت لشکر (سرهنگ محمدسلطان اسحاق) مبنی بر مقاومت و حفاظت از پادگان سنندج تا آخرین قطره خون، نظامیان را همچون روزهای قبل بر آن داشت که به هر نحو ممکن پادگان را از خطر سقوط نجات بخشند و سرلشکر قرنی قول حمایت همه‌جانبه و اعزام نیروی کمکی به پادگان سنندج را داد. در آن لحظات سخت و بحرانی، که پادگان در محاصره کامل عناصر مسلح قرار داشت و بیشترین تهدید از سمت پادگان ژاندارمری، که به اشغال مهاجمان درآمده بود، احساس می‌شد، تنها مسیر تدارکاتی پادگان از راه هوا بود و کمک‌رسانی توسط بالگردهای هوانیروز کرمانشاه انجام می‌گرفت. مشکلاتی نظیر کمبود شدید نیروی انسانی، عدم کفاف مواد

غذایی و دارویی از یک سو و ناامنی که توسط عده‌ای انگشت‌شمار از کارکنان بومی فریب‌خورده (تعداد ۱۶ نفر از کارکنان وظیفه و ۲ نفر از کارکنان کادر که مشغول دفاع از پادگان بودند توسط عده‌ای از نظامیان بومی که هوادار احزاب و گروهک‌ها بودند، مورد اصابت گلوله قرار گرفته و تعداد ۷ نفر آنان به شهادت رسیدند) در داخل پادگان به وجود آمده بود از سوی دیگر، اوضاع را بیش از پیش وخیم نموده بود؛ لذا مسئول وقت لشکر (سرهنگ اسحاق سلطان) را بر آن داشت که به منظور حفظ پادگان ارتش نسبت به حذف لوٹ وجود مهاجمان از پادگان ژاندارمری با اتخاذ تدابیر مقتضی اقدام نماید. بنابراین، به یکی از افسران شجاع، مدیر و مؤمن لشکر مأموریت داد که به هر نحو ممکن خود را به فرمانده نیروهای اشغالگر در پادگان ژاندارمری رسانده و ضمن ابلاغ خبر بمباران هوایی آن پادگان، هشدار لازم نسبت به تخلیه مکان مذکور و تبعات آن را به وی بدهد. خوشبختانه این تدبیر کارساز موجب عقب‌نشینی آنها از پادگان ژاندارمری گردید و بدین ترتیب جنوب‌شرقی پادگان سنندج که خطرناک‌ترین محل برای نفوذ به داخل پادگان ارتش به شمار می‌رفت، از امنیت نسبی برخوردار شد (کیانی، ۱۳۸۶: ۸۶).

مانور و غرش رعدآسای هواپیماهای جنگنده نیروی هوایی ارتش در ساعت ۰۶۳۰ روز بعد بر فراز شهر سنندج، باعث ایجاد ترس و وحشت در بین عناصر مسلح مهاجم و ارتقاء روحیه مدافعان پادگان گردید. این نمایش قدرت چنان مؤثر واقع شد، که شیخ عزالدین حسینی (مدعی رهبر مذهبی و ملی خلق‌گرد) طی تماس تلفنی با ریاست ستاد ارتش تقاضای آتش‌بس و تشکیل یک جلسه اضطراری نمود. سرلشکر قرنی شرایط پذیرش آتش‌بس را منوط به تخلیه ستاد لشکر، عقب‌نشینی عناصر مسلح ضدانقلاب از اطراف پادگان و آزادی فرمانده لشکر و تخلیه اداره رادیو و تلویزیون آن شهر نمود. شیخ عزالدین حسینی در جریان مکالمه تلفنی قول همکاری در راستای تحقق خواسته‌های مطرح شده را داد، اما از آنجایی که اقدام مؤثری به عمل نیاورد، اجرای آتش‌بس هم میسر نشد (همان: ۸۶).

۵. ورود نیروهای کمکی به پادگان سنندج

در حالی که تبادل آتش بین طرفین درگیر ادامه داشت، بالگردهای شینوک هوانیروز در مورخ ۱۳۵۸/۱/۱، که حامل ۲۰۰ نفر از نیروهای ورزیده لشکر ۲۱ حمزه و تعدادی از داوطلبین

لشکر ۸۱ کرمانشاه و همچنین عده‌ای از پاسداران انقلاب اسلامی شهر کرمانشاه بودند، در پادگان سنندج به زمین نشستند. حضور تکاوران و نیروهای کمکی در پادگان موجب ارتقاء روحیه مدافعان و به ویژه کارکنان یگان ضربت لشکر گردید.

سر لشکر ولی فلاحی، فرمانده وقت نیروی زمینی، که در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۸، به وسیله بالگرد وارد پادگان سنندج شده بود، ضمن به عهده گرفتن هدایت عملیات، دوشادوش سایر سربازان، درجه‌داران و افسران به دفاع از پادگان و مقابله با عناصر مسلح مهاجم پرداخت و سرانجام با قاطعیت سرلشکر قرنی و ایثار، پایداری و مقاومت بیادماندنی مدافعان پادگان سنندج، که حدود پنج روز (۵۷/۱۲/۲۷ الی ۵۸/۱/۲) به طول انجامید، موجب شکسته شدن حلقه محاصره و جلوگیری از سقوط پادگان گردید.

۶. ورود هیئت مذاکره‌کننده دولتی به شهر سنندج

بروز جنگ‌های داخلی در کردستان، به ویژه شهر سنندج، مسئولین مملکت را بر آن داشت تا جهت پایان بخشیدن به اوضاع آشفته شهر، به اتخاذ تصمیمات و اجرای تدابیر لازم مبادرت نمایند. ترکیب هیئت عبارت بودند از: آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله شهید بهشتی، حجت‌الاسلام رفسنجانی، بنی صدر و احمد صدر، حاج سید جوادی، که عصر یکم فروردین ۱۳۵۸ وارد شهر سنندج شدند و پس از سه روز مذاکره با نمایندگان و سران احزاب سیاسی کردستان، یک گروه پنج نفره انتخاب و مأمور شد که ظرف دو هفته نسبت به برگزاری انتخابات شورای شهر سنندج جهت برقراری امنیت و اداره امور شهر سنندج اقدام نمایند (همان: ۸۶).

در این مقطع، اگرچه ظاهراً گروهک‌های ضدانقلاب دست از مبارزه کشیده و به مقرها و سازمان‌های خود برگشتند و به ظاهر خود را مطیع حکومت مرکزی نشان دادند، لیکن سران آنها خواستار مذاکره با دولت، جهت گرفتن یک سری امتیازات شدند، که متأسفانه با ورود نمایندگان دولت موقت به کردستان (در مقاطع زمانی مختلف)، و با هر عقب‌نشینی و امتیازی که دولت موقت به گروهک‌ها داد، آنها یک قدم جلوتر گذاشته و این منطقه از میهن اسلامی مجدداً میدان تاخت و تاز عناصر ضدانقلاب قرار گرفت، تا جایی که خروج برادران سپاهی از شهرهای کردستان و عدم مداخله ارتش در مسائل شهری مطرح گردید و همچنین اداره امور

شهر به دست عناصر ضدانقلاب قرار گرفت و کم‌کم اداره استان و شهرها از کنترل حکومت مرکزی خارج گردید، به طوری که حتی در شهر سنندج و شهرهای دیگر استان، گروهک‌ها مقرهای کنترل دژبانی برقرار کرده بودند و از پرسنل نظامی هنگام ورود و خروج به شهر برگه مرخصی طلب می‌نمودند و با این شکل، ورود و خروج افراد نظامی را تحت کنترل داشتند. از طرفی هم، از مرکز دستور رسیده بود که ارتش هیچ حرکتی انجام ندهد، چون دستور از جانب رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا، که به عهده بنی صدر بود، صادر گشته است (گروه نویسندگان، ۱۳۹۳: ۸۷).

کلیه حرکات و جابجایی‌ها و آمادگانی بین پادگان‌های ارتش از طریق هوا و توسط بالگردهای هوانیروز انجام می‌گرفت. در چنین اوضاع و احوال نگران‌کننده‌ای بود که سرگرد علی صیادشیرازی و تعدادی از دوستانش طرحی را به نام طرح بستن مرزهای غرب کشور به منظور کنترل مرز در مقابله با تجاوزات اشرار با حمایت عراق و ورود بی‌رویه سلاح و مهمات به داخل کشور تهیه نموده و در اواخر فروردین ۱۳۵۹، با فرمانده نیروی زمینی، شهید فلاحی، در میان می‌گذارند. شهید فلاحی ایده ابتدایی و موضوع طرح را تأیید می‌نماید، لیکن اظهار می‌دارد اجرای این طرح چون ضرورت جابجایی یگان‌های در سطح تیپ به بالا را دارد، بایستی به رئیس‌جمهور، که فرمانده کل قوا می‌باشد، ارائه گردد (همان: ۸۹).

سرگرد علی صیادشیرازی (شهید سپهبد علی صیادشیرازی) از شهید فلاحی می‌خواهد که زمینه ارتباط با رئیس‌جمهور را برای ایشان فراهم نماید و شهید فلاحی قول مساعد می‌دهد و برای ساعت ۱۱۰۰ صبح مورخه ۱۳۵۹/۲/۳ وقت ملاقات با بنی صدر تعیین می‌گردد. در تاریخ یادشده، جمعی از برادران ارتش و سپاه به سرپرستی سرگرد علی صیادشیرازی (سروان سید حسام هاشمی، سروان محمد کوششی، حجت‌الاسلام احمد سالک و برادر رحیم صفوی) طرح کنترل مرزها را به رئیس‌جمهور ارائه می‌نماید. بنی صدر با دقت سخنان نامبرده را گوش داده و ضمن تشریح وضعیت مسائل روز، به خصوص اتفاقات اخیر سنندج، (در فروردین ۱۳۵۹، هنگام عزیمت یک ستون نظامی مرکب از گردان ۱۶۹ پیاده از لشکر ۲ مرکز و گردان ۱۳۵ پیاده از تیپ ۵۵ هوارد به منظور کمک و امدادگسانی از مسیر کرمانشاه - سنندج عازم سقز بودند، که

به هنگام عبور از شهر سنندج، گروهک‌های کومله و دمکرات با قرار دادن دانش‌آموزان مانع عبور آنها از داخل شهر شدند. فرمانده تیپ ۱ لشکر ۲۸ به منظور جلوگیری از خونریزی، با استفاده از جاده کمربندی، قصد هدایت ستون به سقز را داشت که ستون به کمین ضدانقلاب برخورد و با به شهادت رساندن فرمانده تیپ ۱، سرهنگ نصرت‌زاد، و تعدادی از عناصر تیپ، تعداد چشمگیری از سلاح، تجهیزات، خودرو و... به دست ضدانقلاب افتاد (همان: ۸۸). بنی صدر می‌گوید: کردستان از دستمان رفته است. شما اگر خیلی مدعی هستید به کردستان بروید و مسائل آنجا را حل کنید. سرگرد علی صیادشیرازی بدون لحظه‌ای درنگ گفتند آماده هستیم. به شرطی که به ما اختیار بدهید و از جانب جنابعالی حمایت شویم. بنی صدر می‌گوید از همین لحظه شما نماینده من در این امر باشید و تلفنی به شهید فلاحی دستور می‌دهد که جناب سرگرد صیادشیرازی نماینده در مسائل کردستان می‌باشند، با ایشان همکاری‌های لازم را بنمائید (همان: ۸۹).

جلسه در ساعت یک بعدازظهر پایان یافت و در همان مکان (اتاق دیگری که مربوط به مشاور نظامی رئیس جمهور بود) جلسه مقدماتی تشکیل گردید و قرار شد برادر رحیم صفوی و حجت الاسلام احمد سالک با هواپیما به اصفهان بروند و تعداد ۱۰۰ نفر از برادران سپاهی را برای حرکت فردای آن روز به سنندج آماده نمایند.

ضمن هماهنگی سرگرد علی صیادشیرازی با شهید فلاحی، یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ در حوالی ظهر ۱۳۵۹/۲/۳ از فرودگاه هوانیروز اصفهان به همراه تعدادی از برادران ارتشی و ۹۰ نفر از برادران سپاهی، با تجهیزات کافی به سمت سنندج پرواز نمود. ورود این هواپیما و این جمع فصل نویینی را در تاریخ مبارزه با ضدانقلاب ایجاد نمود.

در اینجا گوشه‌ای از خاطرات سروان سید حسام هاشمی (سرتیپ سید حسام هاشمی فعلی) را در مورد پرواز و فرود هواپیمای سی ۱۳۰ در فرودگاه سنندج مرور می‌کنیم: «چون ما هیچ اطلاعی از وضع فرودگاه سنندج نداشتیم، قرار گذاشتیم به محض اینکه از هواپیما پیاده شدیم، یک دسته تأمین هواپیما را برقرار و یک دسته ضربت هم در صورت درگیری وارد عمل و بقیه هم وسایل، سلاح و مهمات را تخلیه نمایند و چون با برج مراقبت فرودگاه ارتباطی نبود، خلبان در حوالی همدان و سنندج، چندین بار در هوا دور زد و اظهار داشت به علت ابری بودن

هوا، تشخیص باند فرودگاه میسر نیست. برادرمان صیادشیرازی شخصاً به کابین رفته و خلبان را متقاعد نمود، چون از طرف کرمانشاه به سنندج تأمین برقرار است، شما از طرف کرمانشاه ارتفاع کم کنید و با رؤیت مسیر جاده کرمانشاه به سنندج، در فرودگاه بنشینید که سرانجام همین طور شد.» (صادقی گویا، ۱۳۹۳: ۴۰)

۷. وضعیت شهر سنندج و نیروی نظامی در آن ایام

- ۱- کلیه امکانات شهری، به جز رادیو و تلویزیون و دیدگاه و فرودگاه، در دست ضدانقلاب بود.
- ۲- پادگان لشکر ۲۸ پیاده در قسمت غربی شهر و باشگاه افسران در مرکز شهر در محاصره کامل ضدانقلاب بود و ارتباط پادگان با فرودگاه و صدا و سیما به وسیله بالگرد انجام می‌گرفت.
- ۳- فرودگاه سنندج در قسمت شرقی شهر توسط یک گروهان به فرماندهی سروان متولی حفظ می‌شد (این افسر بعدها در عملیات پاک‌سازی به شهادت رسید).
- ۴- ساختمان رادیو و تلویزیون و دیدگاه مجاور آن توسط یک دسته به فرماندهی ستوان مرادی حفظ می‌شد.
- ۵- باشگاه افسران در وسط شهر، روبه‌روی استانداری، که توسط یک دسته نظامی حفاظت می‌شد، محاصره کامل بود و تدارک این عزیزان (حتی آب) از راه هوا با بارریزی توسط بالگرد انجام می‌شد، که این اواخر با مشکل جدی روبه‌رو بود.
- ۶- در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۱، یک گردان از سپاه تهران حدود ۱۰۰ نفر به فرماندهی احمد اسلیمی، از مسیر کرمانشاه خود را به فرودگاه سنندج رسانده بودند.
- ۷- لشکر ۲۸ بعد از شهادت فرمانده تیپ ۱، تعدادی از نیروهای خود را در قسمت غرب و شمال غرب پادگان به منظور تأمین گسترش داده بود.
- ۸- شهید محمد بروجردی، فرمانده سپاه غرب، با تعدادی از برادران داوطلب سپاه با بالگرد وارد پادگان سنندج شده بودند و این شهید با نیروی‌های داوطلب ارتش به طور ادغامی، چندین عملیات برای باز کردن مسیر پادگان به باشگاه افسران داشت که متأسفانه به علت تسلط ضدانقلاب بر جاده از روی ساختمان‌ها، با وجود تقدیم شهدای بسیار، توفیق زیادی حاصل نشده بود (گروه نویسندگان، ۱۳۹۳: ۹۰).

با حضور سرگرد علی صیادشیرازی و برادر رحیم صفوی در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۳ در منطقه و ارتباط بین فرماندهی پادگان با فرماندهی نیروهای متمرکز در فرودگاه و شرق شهر سنج، چندین عملیات نیمه‌موفق انجام گردید. سرانجام، همه نیروهای موجود طرح سرگرد علی صیادشیرازی مبنی بر محاصره شهر توسط نیروهای موجود و همچنین به‌کارگیری تیپ ۳ همدان و برادران سپاه همدان را پذیرفتند. فرماندهی و کنترل و هماهنگی کار را عملاً شهید صیادشیرازی به عهده گرفته و مسئولیت هماهنگی آتش و ارتباط داخلی به عهده سروان حسام هاشمی واگذار گردید و سرانجام، پس از ۲۰ شبانه‌روز تلاش مداوم و اجرای عملیات متعدد، در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۲۳ شهر در تصرف نیروی نظامی قرار گرفت و شور و شغف خاص بین مردم و نیروها ایجاد و از روز ۱۳۵۹/۲/۲۵، پس از پاک‌سازی شهر، رفت و آمد مردم در شهر آغاز گردید. پس از انجام این عملیات موفق، شهید صیادشیرازی و برادر صفوی با حضور تعداد بیشتری از افسران و برادران سپاهی در ساختمان ستاد جدید لشکر ۲۸ اولین قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه را پی‌ریزی نمودند و با همکاری ارتش و سپاه، اقدامات بعدی را برنامه‌ریزی و به‌مورد اجرا گذاردند. اهم سیاست عملیاتی قرارگاه در مبارزه با ضدانقلاب در کردستان عبارت بود از:

- ✓ آزادسازی شهر با محاصره کامل و تأمین شهرها پس از آزادسازی توسط سپاه.
- ✓ بازگشایی محورها و تأمین آنها با استقرار نیروهای ثابت اعم از ارتش، ژاندارمری و سپاه.
- ✓ تجزیه مناطق بین شهرها و انجام عملیات مشترک محدود و گسترده جهت پاک‌سازی مناطق.
- ✓ بستن مرزها و انجام عملیات برون مرزی علیه عراق و ضد انقلاب. (همان: ۹۳)

۸. تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب در کرمانشاه به فرماندهی سرهنگ علی صیادشیرازی

به منظور بیان علت تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب، در اینجا عین مطالبی که شهید صیادشیرازی بیان نموده‌اند، ارائه می‌گردد:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

سیر عملیات در کردستان از زمان شروع پاکسازی شهر سنندج و گرفتن سنندج از دست ضدانقلاب در محدوده فرماندهی من دو مرحله داشت. یک مرحله کاملاً بی نام و نشان و معرفی رسمی و بسیجی وار بود که در همین مرحله شهر سنندج آزاد شده بود، ستون‌کشی به سمت مریوان انجام گرفته بود و در هیچ کدام از اینها فرماندهی رسمی نداشتیم و همین طور سازمان می دادیم و همه کمک می کردند و می رفتند جلو، بعد محور دیواندره پاکسازی شد، از دیواندره به طرف سقز یک تیپ از لشکر ۱۶ زرهی مستقر شده بود و شهر سقز نیز آزاد شده بود. ستون‌کشی از سقز به طرف بانه هم انجام گرفته و شهر از محاصره درآمده و بانه آزاد شده بود و نتیجه پاکسازی‌ها طی گزارشی به رئیس جمهور وقت (بنی صدر) داده شد، بنی صدر تازه باور کرده بود که می شود عملیات انجام داد، چون قبلاً اقداماتی که انجام شده، مربوط به هیئت حسن نیت بود که سرپرست آن دکتر فروهر بود و شهید چمران هم قبل از آن، یک نبردی کرده بود و وضعیت موقتی را در پاوه و نوسود و طرف دزلی و مریوان و سردشت به صورت یک نوار باریک در کردستان به وجود آورده بود. پس از گزارش، پیشنهاد دادیم و گفتیم برای تکمیل کار باید یک قرارگاه تشکیل شود و همه نیروها با انسجام بیشتر رسماً همکاری بکنند. گفت خوب تشکیل بدهید. بعد من گفتم چنین قرارگاهی باید در کردستان تشکیل شود و کل منطقه از جوارنود و پاوه و نوسود گرفته، تا خود بانه و سردشت و... را به عهده بگیرد. گفت طرح تصویب است؟ گفتم نه، فرمانده نیرو باید بپذیرد که کلیه یگان‌های منطقه شامل لشکر ۲۱، تیپ ۲۳ نوه، لشکر ۱۶ زرهی و لشکر ۸۱ زرهی بودند و ژاندارمری و سپاه و همه به کنترل این قرارگاه درآیند. باز بنی صدر گفت خوب باشد. فرمانده نیروی زمینی وقت آمد داخل دفتر و بحث شد. بنی صدر گفت که خوب این قرارگاه را تشکیل بدهید. گفت خوب فرمانده قرارگاه چه کسی باشد؟ بنی صدر گفت «صیادشیرازی». فرمانده نیرو گفت این که سرگرد است، نمی شود که لشکرها را در کنترل او قرار دهیم. گفت چه درجه‌ای باید به او بدهیم تا بتواند فرمانده شود؟ گفت باید دو درجه به او بدهیم. بنی صدر گفت خوب دو تا درجه به او بدهید. فرمانده نیرو دیگر چیزی نگفت. بلافاصله حکم صادر شد و دو درجه به ما دادند و ما هم رفتیم قرارگاه را در کرمانشاه در پادگان پشتیبانی منطقه یکم تشکیل دادیم و طرح ما این بود که با قرارگاه فرعی، منطقه‌ها را خودکفا کنیم برای عملیات‌هایی که اطراف

خودشان انجام می‌دهند. یک قرارگاه در سنندج برای کردستان، بعد در هر شهری مثل مریوان، دیواندره، سقز، بانه و سردشت یک قرارگاه کوچکی دایر کنیم و کنار هر قرارگاه یک تیم عملیاتی از تیپ ۲۳ نوهده^۱ قرار دادیم و یک قرارگاه هم در کرمانشاه برای پاوه، نوسود و...» (همان: ۹۳).

۹. عملیات عمده انجام شده در مرحله دوم

- ۱) تشکیل قرارگاه عملیاتی غرب کشور در کرمانشاه و قرارگاه‌های تابعه در سنندج، مریوان، سقز و بانه.
- ۲) عملیات بازگشایی مرحله دوم محور سنندج - مریوان، به منظور تأمین محور و آمادرسانی شهر مریوان.
- ۳) عملیات بازگشایی محور بانه و سردشت به منظور تأمین شهر سردشت.
- ۴) استقرار دانشجویان دانشکده افسری در مارنج و موچش و شرکت دانشجویان در آموزش‌های چریکی و پاک‌سازی. (همان: ۹۴)

۱۰. بحران در پاوه

در این قسمت، به تشریح چگونگی آغاز غائله پاوه و نقش ارزنده فرمان تاریخی امام(ره)، شهید فلاحی و شهید دکتر چمران در حل آن می‌پردازیم.

چگونگی آغاز غائله پاوه

«در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۰، عده‌ای از چپ‌گرایان و طرفداران حزب دمکرات در قریه (قوری قلعه) متحصن شدند و قطعنامه‌ای در ۱۲ ماده، مشتمل بر تشکیل شورای شهرستان پاوه، تصفیه سپاه پاسداران پاوه، حق خودمختاری کردستان و ۹ ماده دیگر که همه بدون استثناء علیه جمهوری اسلامی بودند، انتشار دادند.

فردای روز تحصن میان دو نفر از اهالی منطقه، که یکی از آنها ساکن پاوه و نفر دوم از عشایر «باینگان» بود، مشاجره‌ای در گرفت. انعکاس آن مشاجره همراه با عداوت‌ها و رقابتی که

۱. نیروهای ویژه هواپرد.

از گذشته در بین عشایر و مردم پاوه وجود داشت، منجر به هراس مردم پاوه شد و تعدادی از آنها به فرمانداری پناه بردند و خواستار تأمین امنیت شهر توسط ارتش و سپاه پاسداران شدند. آنها شهر را تعطیل کردند و برای پشتیبانی از انقلاب اسلامی و طرفداری از رهبر انقلاب دست به تظاهرات زدند.

از آن طرف، عشایر مسلح مخالف دولت نیز به تحریک حزب دمکرات، تمام راه‌های اصلی و فرعی را به تصرف خود درآورده و در نهایت، شهر پاوه را محاصره کردند. اقدام بعدی آنها تصرف و غارت چند کامیون خواربار بود که از کرمانشاه به پاوه می‌رفت.

در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۴، این حملات در نیمه شب به اوج خود رسید. تعدادی از نیروهای سپاه پاسداران شهید و مجروح شدند و ارتفاعات اطراف شهر نیز به دست مهاجمان افتاد. نیروهای پاسدار هم مجبور شدند به خانه خود در وسط شهر عقب‌نشینی کنند. دفاع جانانه پاسداران در اطراف خانه خود در روز ۱۳۵۸/۵/۲۵، به حدی شدت یافت که فرمانده سپاه پاسداران پاوه با بی‌سیم به مقامات کرمانشاه خبر داد اگر نیروهای کمکی نرسند، شهر تا یک ساعت دیگر سقوط می‌کند و به تصرف مهاجمان در خواهد آمد (قضات، ۱۳۸۹: ۳۱۸ و ۳۱۹).

اهمیت شهر پاوه از دیدگاه شهید بزرگوار فلاحی

برای آشنایی هرچه بیشتر با سطح دانش و بینش سیاسی و نظامی شهید فلاحی، میزان اهمیت پاوه و سرنوشت‌ساز بودن سقوط آن حتی برای انقلاب و کشور را از زبان ایشان مرور می‌کنیم.

شهید فلاحی طی سخنانی به مناسبت چهلمین روز شهادت شهید دکتر مصطفی چمران در این باره می‌گوید: «کردستان لابراتوار توطئه‌گران ضدانقلاب بود. سرنوشت انقلاب را به محک امتحان گذاشته بودند. اگر در آنجا امپریالیسم و طاغوت و عمال داخلی آنها پیروز می‌شدند، مسلماً نظیر همان برنامه شوم را در خوزستان، گنبد، آذربایجان و بلوچستان و... پیاده می‌کردند تا انقلاب اسلامی ما را نابود کنند.

پاوه شهر حساس و مهمی بود، چون درست میان کردستان و کرمانشاه قرار داشت و افراد ضدانقلاب و عراقی‌ها می‌خواستند یک کاری کنند که اگر فعالیتی در کردستان و آذربایجان غربی

آغاز شود، حتماً گستردگی وسیعی پیدا کند و به یک ناآرامی محدود در منطقه محدود نشود. جایی که می‌توانست منطقه کرمانشاه را به کردستان وصل کند پناه بود، چون پناه از یک طرف به کامیاران می‌خورد و از طرف دیگر کرمانشاه و از طرفی به جوانرود و قصرشیرین و جاهای دیگر، یعنی از نظر راهبردی منطقه مهمی محسوب می‌شد و از نظر تاکتیکی هم جای مناسبی برای آنها بود. چرا؟ چون مرزها در آنجا حالت فرورفتگی دارد. شروع درگیری کردستان و شمال غرب، پناه نقطه آغازی در جنگ ایران و عراق بود. یعنی باز پناه هسته مرکزی هر دو حادثه بود، به طوری که حتی به خود شهر هم خمپاره می‌زدند.» (همان: ۳۴۱ و ۳۴۲)

ورود شهید فلاحی به صحنه درگیری

شهید دکتر مصطفی چمران یک سال پس از غائله پناه، که به همت شهید فلاحی و خودش خاتمه یافته بود، طی مراسمی در تهران در سالگرد بزرگداشت شهدای این غائله سخنرانی کرده و پس از تشریح وضعیت پناه و شرح دلآوری‌ها و فداکاری‌های رزمندگان اسلام می‌گوید: «در چنین شرایط سخت و خطرناکی از طرف دولت آقای بازرگان مأمور شدم که برای نجات پناه حرکت کنم و من نیز همراه با سه نفر از گارد نخست‌وزیری و تیمسار فلاحی که همیشه در کردستان پایه‌پای ما می‌آمد و بزرگ‌ترین فداکاری‌ها را از خود نشان می‌داد، به کمک یک هلی‌کوپتر عازم پناه شدیم.» (حسینیا، ۱۳۸۸: ۵۲)

شهید فلاحی، فرمانده نیروی زمینی، هرگز به نشستن در ستاد و صدور دستورات اکتفا نمی‌کرد، بلکه با درک عمیق از وضعیت بسیار بحرانی و خطرناک کردستان و نیز وضعیت نابسامان کشور و حتی نیروهای مسلح، شخصاً در تمامی صحنه‌های خطرناک حضور می‌یافت تا اثربخشی خود را به عنوان فرمانده در آن شرایط ناگوار و بحرانی چند برابر کند، تا جایی که چندین بار تا مرز شهادت پیش می‌رود، اما هر بار دست تقدیر شهادتش را به زمان دیگری موکول می‌کند.

به منظور شناخت بیشتر شهید فلاحی، اظهارات سرتیپ دوم بازنشسته غضنفر آذرفر، یکی از فرماندهان لشکر ۲۸ کردستان در مورد عملکرد ایشان به هنگام درگیری‌ها در کردستان را مرور می‌کنیم. ایشان می‌گویند: «تیمسار فلاحی از پیشگامان حفظ وحدت و استقامت نیروی زمینی بود. در واقع، نخستین شکوفایی امداد غیبی - به عقیده من - در شرایطی که ارتش سر و

سامان نداشت و ضدانقلاب کردستان را به آشوب و تشنج کشانده بود، وجود هم‌رزم بزرگوار، تیمسار فلاحی بود. او بسیار کوشید که حتی‌المقدور افسران و درجه‌دارانی را در کردستان به خدمت بکشاند که استقامت داشته باشند.

بزرگ‌ترین حقی که شهید تیمسار فلاحی به گردن همه ملت و به ویژه نیروی زمینی دارد حفظ یکپارچگی، وحدت و آرام کردن درون نیروی زمینی و آماده کردن این نیرو برای مقابله با هرگونه تعرض از جانب دشمنان است. آرامش، مقاومت، دلسوزی و غمخواری تیمسار فلاحی موجب شد که ما یگان‌های عمده نیروی زمینی را به حالت رزمی درآوریم.» (همان: ۶۹)

شهید فلاحی درباره نحوه ورود خود و شهید چمران به شهر پاوه می‌گوید:

«درحادثه پاوه، همراه ایشان [شهید چمران] بودم. شهر در محاصره افراد مسلح بود و هیچ راهی برای نفوذ به شهر وجود نداشت، مگر از راه هوا. به اتفاق هم با بالگرد وارد شهر پاوه شدیم، آن هم زیر باران گلوله. سرانجام، خودمان را به پاسگاه ژاندارمری رساندیم. ظرف دو روز محاصره، هرچه پیام فرستادیم جواب و کمکی نیامد. در نتیجه، با دکتر توافق کردیم و قرار شد یکی از ما دو نفر از پاوه خارج شویم و کمک بیاوریم. دکتر به من گفت: اگر من از پاوه خارج شوم، روی نیروی زمینی و نیروی هوایی فرماندهی ندارم، اما تو اگر بروی فرماندهی داری، ضمن اینکه من اینجا با عملیات نامنظم آشنایی دارم. پس بهتر است تو بروی.»

شهید فلاحی به رغم اینکه از واقعیت گفته‌های شهید چمران آگاه است، اما با روح بزرگی که دارد، واقعیت دیگری را نیز کتمان نمی‌کند و می‌افزاید:

«البته این پیشنهاد او یک فداکاری بود، چون اگر بالگرد بلند می‌شد و از شهر می‌رفت، زنده می‌ماندم. اما حضور در شهر هیچ امیدی به همراه نداشت. دو فروند بالگرد آمدند مرا ببرند که اولی هدف قرار گرفت و سقوط کرد و فروند دوم که من در آن بودم، چند گلوله خورد و سرانجام از زمین بلند شد و به کرمانشاه برگشتیم.»

نیمه‌های شب آخرین پیام شهید [چمران] را دریافت نمودم. هنوز آن را با خود دارم که چنین است: «تیمسار فلاحی خداحافظ، خداحافظ، خداحافظ.»

شهید فلاحی به محض رسیدن به کرمانشاه اقدامات لازم را برای کمک به شهید چمران و نیروهای محاصره شده در شهر به عمل می آورد و با اعزام بالگردهای رزمی سعی می کند فشار بر مدافعان شهر را کاهش دهد. او در تشریح این وضعیت می گوید:

«قبل از رسیدن پیام /پیام دکتر چمران، خلبان شهید کشوری - با آنکه غروب بود - رفت و یک مقدار مواضع مهاجمان را درهم کوبید و کمی از فشار بر روی شهر کاسته شد. پاسداران عموماً شهید شده بودند و مردم محلی نیز که مسلح بودند، عموماً به شهادت رسیده بودند.

حلقه محاصره تنگ تر شده و مهاجمان حتی وارد بخشی از شهر پاره و بیمارستان شهر شده بودند و پزشکان و حتی بیماران را سر بریدند و مهاجمان سر یک پاسدار را با موزائیک از گردنش جدا کردند. خلاصه شهر در آستانه سقوط بود. صبح روز بعد خدا یاری کرد و کلاه سبزه را از راه هوا وارد پاره کردیم و سپس خودم با یک ستون زرهی از کرمانشاه حرکت کردیم و حدود ظهر وارد پاره شدیم و شهید چمران در دروازه شهر از ستون زرهی و من استقبال کرد و بار دیگر یکدیگر را در آغوش گرفتیم.»

(حسینیا، ۱۳۸۸: ۵۶)

شهید چمران نیز در مورد اقدامات شهید فلاحی پس از خروج پاره می گوید:

«حدود ساعت ۴ بعد از ظهر، تیمسار فلاحی، از کرمانشاه پیام فرستاد که نیروهای زیادی در کرمانشاه آماده حرکتند و همه ملت به حرکت درآمده و امکانات فراوانی وجود دارد، فقط باید فرودگاه پاره آزاد شود تا بالگردها بتوانند به زمین بنشینند.»

شهید چمران سپس چگونگی آزادسازی فرودگاه و ورود نیروهای کماندویی تیپ ۲۳ نوه (کلاه سبزه) نیروی زمینی ارتش و سایر نیروهای رزمی داوطلب و نحوه به کارگیری آنها را شرح می دهد و در پایان می گوید:

«... ساعت ۱۲ ظهر بنا به فرمان تاریخی امام نیروی ارتشی با تانک و توپ و تجهیزات

کامل به فرماندهی تیمسار فلاحی وارد پاره شد و در مواضع استراتژیک شهر قرار گرفت و

(همان: ۵۴ و ۵۵)

خطر به کلی منتفی شد.»

عملیات کوبنده رزمندگان اسلام علیه ضدانقلاب تا اواخر شهریورماه سال ۱۳۵۹ به

فرماندهی شهید صیادشیرازی تا رسیدن به سردشت و آزادسازی شهرهای عمده کردستان

می‌رفت که بساط ضدانقلاب در کردستان را برچیند، که متأسفانه کارشکنی از طرف لیبرال‌ها و سعایت تعدادی از کوتاه‌فکران و مشاوران نظامی بنی صدر و مخالفین رشد سپاه پاسداران موجب گردید که رئیس‌جمهور وقت دو حکم به فاصله کمتر از یک ماه صادر نموده و شهید صیادشیرازی را از کلیه سمت‌ها برکنار و با تنزیل درجه از سرهنگی به سرگردی، به ستاد مشترک منتسب شود و عملاً عملیات فعالیت مشترک قرارگاه غرب و قرارگاه‌های تابعه آن تعطیل گردد.

هم‌زمان با این حوادث و اتفاقات و درگیر بودن یگان‌های عمده‌ای از نیروی زمینی ارتش، مانند لشکر ۲۸ کردستان، لشکر ۶۴ ارومیه، لشکر ۸۱ کرمانشاه و تیپ ۲۳ نوهده به طور دائم و لشکر ۱۶ قزوین، لشکر ۷۷ خراسان، لشکر ۲۱ حمزه (ع)، تیپ ۵۵ هواپرد و تیپ ۳۰ گرگان و بخش‌های عمده‌ای از هوانیروز، که به عنوان تقویت درگیر مبارزه با عناصر ضدانقلاب بودند و بالطبع دچار صدمات و نواقص بسیاری گردیدند، باعث شد رژیم بعثی حاکم بر عراق با توجه به اوضاع و احوال ایران در شرایط ناشی از انقلاب، ادعای تحمیلی بودن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را بهانه‌ای برای حمله به ایران قرار داده و با حمایت استکبار شرق و غرب که منافع خود را با نظام جمهوری اسلامی ایران در تعارض می‌دیدند، در روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹، حمله خود را از زمین و هوا به مناطق غربی، جنوب‌غربی و شمال‌غربی خاک ایران آغاز نماید و بیش از ۱۵ هزار کیلومترمربع از این مناطق را به اشغال خود درآورد.

هجوم عراق به جمهوری اسلامی ایران با این فرض طرح‌ریزی شده بود که ارتش ایران فاقد توان لازم برای مقابله است (درگیر بودن یگان‌های عمده‌ای از نیروی زمینی با ضدانقلاب و عدم حضور جدی سپاه، بسیج و... در یک سال اول جنگ) و بررسی مراحل اولیه جنگ نشان می‌دهد که ارتش جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم عدم برابری توان رزمی (از نظر کمی) با دشمن، موفق گردید تهاجم عمومی ارتش عراق را ظرف هفته اول جنگ متوقف نماید و برگ زرینی بر فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های ارتش قهرمان بیافزاید، به نحوی که صدام حسین، رهبر رژیم عراق، تقاضای آتش‌بس فوری نمود، که البته به علت حضور نیروهای عراقی در مناطق اشغالی، مورد قبول قرار نگرفت و به ناچار توجه همه مسئولین کشور متوجه جبهه‌های غرب و جنوب

معطوف گردید و همه توان رزمی کشور جهت اجرای عملیات متقابل و آزادسازی مناطق اشغالی به کار گرفته شد.

همزمان با یورش وحشیانه عراق، ضدانقلاب با تصرف کامل شهرهای اشنویه و بوکان در آذربایجان غربی درصدد تقویت نیروهای خود و عضوگیری و آموزش اعضای خود در تهیه و تدارک عملیات جهت تصرف مجدد سایر شهرها بود، که با عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و رأی مجلس بر بی‌کفایتی وی از ریاست جمهوری و فرار مفتضحانه او با رجوی (سرکرده منافقین) به فرانسه و با انتخاب شهید رجایی به ریاست جمهوری، با شناختی که قبلاً از شهید صیادشیرازی داشت، دستور داد طی حکمی شهید صیادشیرازی ضمن ارتقاء به درجه سرهنگی به سمت فرماندهی قرارگاه منصوب شدند (گروه نویسندگان، ۱۳۹۳: ۹۶).

ایشان با توجه به سابقه کار در کردستان و همراهی و همکاری بی‌نظیر ارتش، ژاندارمری، سپاه و مسئولین و نیروهای بومی قرارگاه عملیاتی مشترک به نام قرارگاه حمزه سیدالشهداء با در اختیار گرفتن لشکرهای ۶۴، ۲۸، تیپ ۲۳ و تیپ ۳۰ گرگان و نیروهای موجود در ارومیه را فعال و با انجام دو عملیات موفق، شهرهای اشنویه و بوکان را آزاد نمود و تا زمان انتصاب به فرماندهی نیروی زمینی فصل نوینی را در منطقه شمال غرب به وجود آورد (همان: ۹۸).

۱۱. نتایج و یافته‌ها

اهم نتایج حاصل از مطالب مطرح شده عبارتند از:

الف- کم‌توجهی حکومت پهلوی نسبت به اجرای برنامه توسعه در کردستان مهم‌ترین عامل در تشکیل جمعیت آسیب‌پذیر، وجود رهبران وابسته به بیگانه که تحت لوای کسب خودمختاری برای کردستان از بروز تشنج و خونریزی در بین هم‌وطنان خود هراسی نداشتند، از بروز ناآرامی و وقوع جنگ داخلی در کردستان به شمار می‌آید.

ب- نقش دول خارجی در وقایع جنگ جهانی دوم و صدام حسین و حامیانش پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پشتیبانی از رهبران احزاب سیاسی و تجهیز هواداران آنان در ایجاد آشوب در مناطق کردنشین انکارناپذیر است.

ب- دیدگاه‌های منفی پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه نیروهای نظامی و انتظامی و به تبع آن فرصت‌طلبی عناصر مخالف انقلاب اسلامی نسبت به نابسامانی ایجادشده در ارتش و نیروهای انتظامی نیز از عوامل بروز تشنج در کردستان به حساب می‌آیند.

ت- عدم واکنش قاطع دولت موقت به اقدامات، آشوب‌طلبان مسلح را چنان بی‌پروا کرده بود که کلانتری و پاسگاه‌های ژاندارمری را خلع سلاح نموده و عملاً در راستای اشغال پادگان‌های ارتش گام برمی‌داشتند.

ث- علی‌رغم تمام عملیات روانی، تبلیغات عوام‌فریبانه و عملیات مسلحانه علیه نظام، مسئولین دولتی و یگان‌های نظامی و انتظامی در مناطق کردنشین، به ویژه کردستان، پیام‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در خصوص وقایع کردستان، مانند پاره، سنندج و به ویژه روز ارتش، عامل مهمی در تهییج احساسات ملی و مذهبی اقشار مردم ایران و دلگرمی ارتشیان دلاور نسبت به حل مسئله کردستان گردید و با وجود تمامی مشکلاتی که در مقاطع زمانی یادشده پیکره ارتش را فراگرفته بود، نقش ارزنده نیروی زمینی قهرمان ارتش، هوانیروز و نیروی هوایی که با فداکاری، ایثار، مقاومت دلیرانه و تقدیم شهدا و جانبازان بسیار در راه حفظ یکپارچگی میهن و ایجاد امنیت در کردستان صلابت و پایداری خود را به منصفانه ظهور رسانیدند، برای همیشه در تاریخ جاودان خواهد ماند.

امید است که جوانان و آیندگان این مرز و بوم با مرور این سطور، با چگونگی رشد نهال نوپای انقلاب اسلامی ایران و مردان و زنان ایران‌زمین که با اتکال به قدرت لایزال الهی و با وحدت و همکاری یکدیگر و با اهدای شهدا، جانبازان و ایثارگران بسیار این امانت را به آنان می‌سپارند آشنا شده، باشد که با تلاش و کوشش مضاعف خود در سایه امنیت بدست‌آمده باعث سرفرازی جمهوری اسلامی ایران سربلند باشند.

سیاس‌گذاری

با تشکر فراوان از جناب سرهنگ علی سجادی که در تدوین این مقاله بنده را راهنمایی فرمودند.

۱۲. منابع

۱. حسینی، احمد (۱۳۸۸)؛ *امیر خستگی ناپذیر*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. سری شمارگان *روزنامه کیهان*، اسفند ۱۳۵۷ ش.
۳. صادقی گویا، نجاتعلی (۱۳۹۳)؛ *عملیات آزاد سازی سنندج*، چاپ دوم، تهران، ایران سبز.
۴. عزیزی، حشمت‌الله (۱۳۸۶)؛ *تاریخ شفاهی ارتش در انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. قضا، رحمان (۱۳۸۹)؛ *آنها خودی نبودند*، تهران، نشر اطلاعات.
۶. کیانی، سورنا (۱۳۸۶)؛ *بر بلندی سرزمینم*، تهران، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش.
۷. گروه نویسندگان - جمعی از اعضاء هیئت علمی و پیشکسوتان دفاع مقدس - (۱۳۹۳)؛ *معارف جنگ*، تهران، ایران سبز.

راهبردها و محورهای عملیات روانی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس

محمد مسعود بهمنی^۱

چکیده

در سال ۱۳۵۹، ارتش رژیم بعث عراق با هدف زمینه‌سازی برای شکست نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران به کشور ما حمله کرد. لیکن درایت و قدرت رهبری امام خمینی(ره) با تقویت ایمان و افزایش روحیه شهادت‌طلبی و از جان‌گذشتگی در رزمندگان نیروهای مسلح اعم از ارتش، سپاه، بسیج و همه آحاد ملت بزرگ ایران، مانع از تحقق این هدف دشمن شد. بدون شک، ابعاد روانی این جنگ مانند سایر ابعاد آن حائز اهمیت است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله، راهبردها و محورهای عملیات روانی در دفاع مقدس مورد بررسی قرار گرفته و اهداف اصلی این نوع عملیات و همچنین محورهای عملیات روانی جمهوری اسلامی ایران و محورهایی که عراق در عملیات روانی بر ضد ایران به کار برده، مورد کنکاش قرار گرفته است. از جمله محورها و راهبردهای ایران در دوران دفاع مقدس، می‌توان به ماهیت جنگ توسط حضرت امام(ره) که جنگ را جنگ حق و باطل تعریف کردند و به آن ماهیت عقیدتی - سیاسی و مقدس دادند، نام برد که همه احساس می‌کردند از باورها و اعتقادات خود که همانا دین مبین اسلام است، دفاع می‌کنند. از دیگر راهبردهای عملیات روانی ایران علیه عراق این بود که جنگ را بخشی از تهدید استکبار جهانی بر ضد جمهوری اسلامی تعریف کرد و صدام را در کنار امریکا و رژیم صهیونیستی قرار داد. این دیدگاه کلان باعث شد که اولاً در سطوح مختلف کشور، انسجام کامل در برابر تهدید ایجاد شود و ثانیاً اراده مشترک مقاومت در بین مردم شکل گیرد.

۱. سرتیپ ۲ ستاد محمد مسعود بهمنی: کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی، مدیر سابق عملیات روانی نزاجا، عضو هیئت علمی دانشگاه علمی کاربردی شهید صیادشیرازی.

راهبرد دفاع همه‌جانبه، کوچک و حقیر شمردن دشمن، بهره‌گیری از ایمان دینی و مذهبی مردم، استفاده از نمادهای اسلامی و حماسی، بهره‌گیری از سیره اهل بیت(ع) به ویژه سیدالشهداء(ع) در جبهه‌های جنگ، اعتماد به نصرت الهی در مردم و رزمندگان و تأکید بر فرهنگ شهادت در جبهه و در شهرها از جمله این راهبردها و محورهای عملیات روانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: عملیات روانی، راهبردها، اعلامیه‌ها، دفاع مقدس

۱. مقدمه

«...والذین جاهدوا فینا لندینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین» (عنکبوت، ۶۹)
و آنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند، محققاً آنها را به راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا با نیکوکاران است.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از رویدادهای مهم قرن حاضر می‌باشد، که مدت هشت سال به طول انجامید. طرفین جنگ سعی می‌کردند به نحوی روحیه مردم و نظامیان کشور دیگر را تضعیف نمایند و ایران و عراق به نحو وسیعی از عملیات روانی^۱ بهره می‌بردند. این مفهوم در موضع‌گیری‌ها، بیانیه‌ها، خطابه‌ها و سخنرانی‌ها مشاهده می‌شود. در ایران عملیات روانی به صورت سازمان‌یافته پس از سال ۱۳۶۱ آغاز شد.^۲

در جنگ تحمیلی، مسئله مهمی که سازمان تبلیغاتی کشور مدنظر داشت، یک نظام تبلیغاتی با تأکید ویژه به برانگیختگی مخاطب ایرانی بود.

این نظام تبلیغاتی روشنگری اطلاع‌رسانی مستقیم، پاسخ به شبهات در مورد جنگ و ایجاد تحرک در نیروهای خودی و برانگیختن عواطف را از جمله اهداف خود قرار داده بود. جهت‌گیری‌ها و راهبردهای نظام جمهوری اسلامی، به ویژه مواضع حضرت امام(ره) از ابتدای جنگ کاملاً با مفاهیم روانی آمیخته بود.

به تدریج در سطح قرارگاه‌ها و پس از آن در سطح لشکرها، این مفهوم تبیین گردید و با تعریف آن روش‌های مختلفی به کار گرفته شد. در ستاد تبلیغات جنگ هم که اعضای آن

1. Psychological operation

۲. آئین‌نامه عملیات روانی دافوس آجا ۱۳۸۷، تهران، انتشارات دافوس، ص ۳۹۴.

نمایندگان نیروهای مسلح و نهادهای فرهنگی کشور بودند، کمیته راهبردی عملیات روانی با هدف سیاست‌گذاری، کنترل اخبار مربوط به جنگ و تعیین محورهای تبلیغی تشکیل شد. نبود تعامل مناسب ارتباطی با سایر نیروها از دیگر مشکلات مدیران عملیات روانی بود. فقدان نگرش همه‌جانبه در مدیریت جنگ، باعث شد که مدیریت عملیات روانی به شکل کارآمد و مؤثر از جایگاه مناسب در ساختار نیروهای مسلح برخوردار نباشد.

در طول دفاع مقدس، نیروهای بانگیزه عملیات روانی طرح‌ها و برنامه‌هایی ارائه دادند، اما میزان اثربخشی این راهبردها، محورها، برنامه‌ها و تولیدات مختلف به علت نداشتن تشکیلات منسجم و ساختار مناسب و آموزش‌های تخصصی عملیات روانی و... از کارایی کمی برخوردار بود. البته سال‌ها پس از خاتمه جنگ و در سال ۱۳۸۳، با تشخیص این ضرورت، مدیریت عملیات روانی نزاجا در معاونت عملیات آن نیرو تشکیل گردید و پس از آن، اداره عملیات روانی در معاونت عملیات آجا تشکیل و در سایر نیروها نیز سازماندهی شد، که با درس گرفتن از گذشته و رفع نواقص و کاستی‌ها، این ساختارهای منسجم می‌توانند در به‌کارگیری عملیات روانی تاکتیکی و تحکیمی^۱ مثمرتر باشند.

۲. تعاریف

عملیات روانی

استفاده اصولی از تبلیغات و فعالیت‌های ارتباطی توسط هر دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها به منظور تأثیرگذاری بر نظرات، احساسات، موضع‌گیری و رفتار گروه‌های دوست، دشمن و یا بی‌طرف در راستای تحقق سیاست‌های دولت یا دولت‌های مزبور و اهداف آنها را عملیات روانی گویند (جعفری، ۱۳۸۸: ۳۲).

۱. عملیات روانی تحکیمی به اقداماتی اطلاق می‌شود که در ادامه عملیات روانی راهبردی و تاکتیکی به منظور حفظ و تضمین پیروزی‌های بدست‌آمده و برقراری نظم و آرامش در منطقه اشغالی تحت کنترل و یا منطقه‌ای که بحران در آن فروکش کرده به اجرا گذاشته می‌شود.

قدرت نرم

قدرت اثرگذاری بر طرف مقابل بدون استفاده از زور است. از قدرت نرم گاهی به جنگ نرم هم یاد می‌شود.^۱

تبلیغات

تبلیغات عبارت است از انتشار هرگونه اظهار نظر، ایده و خبر و یا ارتباط طرح‌ریزی شده برای نفوذ در عقاید، احساسات، تمایلات و اخلاق و یا تغییر افکار افراد گروه‌های هدف جهت تأمین منافع اجراکننده به طور مستقیم و یا غیرمستقیم.^۲

۳. اهداف عملیات روانی در دفاع مقدس

دفاع مقدس سرمایه گرانقدر ملت ایران است که باید به آن افتخار کرد و از آن درس گرفت. ائتلاف بزرگی که علیه انقلاب اسلامی شکل گرفت، همه سلاح‌های غیرقانونی و نامتعارف را در طول جنگ بر ضد ملت ایران مورد آزمایش قرار دارد. در بیشتر تحقیقات، ابعاد مختلف سیاسی - نظامی این جنگ مورد بررسی قرار گرفته، اما با تأسف به ابعاد روانی آن کمتر پرداخته شده است. بدون شک، ابعاد روانی این جنگ اهمیت درخور توجهی دارد و ممکن است در شرایط کنونی برای ما اولویت بیشتری هم داشته باشد.

عملیات روانی در شرایط جنگ، بخشی از فرآیند مدیریت جنگ است که برای تأثیرگذاری بر افکار، احساسات، عواطف و رفتار شکل داده می‌شود. هدف‌های اصلی عملیات روانی در دفاع مقدس را می‌توان به این ترتیب مطرح کرد:

- (۱) ایجاد انگیزه در رزمندگان برای ادامه نبرد.
- (۲) ایجاد انگیزه در مردم برای پشتیبانی از جنگ.
- (۳) پیشگیری و پدافند در مقابل عملیات روانی دشمن.
- (۴) انجام عملیات آفندی علیه دشمن.

۱. آیین نامه عملیات روانی تهران دافوس آجا، ص ۲۰.

۲. آیین نامه عملیات روانی تهران دافوس آجا، ص ۲۰.

با آغاز جنگ تحمیلی و پیش از آن، مفهوم عملیات روانی را در دو جبهه خودی و دشمن تقریباً به صورت کلی می‌توان بررسی کرد. این مفهوم در موضع‌گیری‌ها، بیانیه‌ها، خطابه‌ها و سخنرانی‌ها مشاهده می‌شود، اما عملیات روانی به صورت سازمان‌یافته پس از سال ۱۳۶۱ آغاز شد. سازمان‌های عملیات روانی در رژیم پهلوی در اختیار ساواک و در ساختار تشکیلات پدافندی ارتش بود. هم‌زمان با دفاع مقدس، در جبهه‌ها، سازمان و تشکیلات نظامی برای مقابله با تهاجم نظامی دشمن به وجود آمد، اما در حوزه قدرت نرم به لحاظ پیچیدگی موضوع، با تأخیر بیشتر، این تشکیلات شکل گرفت.

رویکردها و راهبردهای نظام جمهوری اسلامی، به ویژه حضرت امام (ره) از ابتدای جنگ کاملاً با مفاهیم عملیات روانی آمیخته بود. به تدریج در سطح قرارگاه‌ها و پس از آن در سطح لشکرها، این مفهوم تبیین شد و با تعریف آن روش‌های مختلفی به کار گرفته شد. از جمله در سال ۱۳۶۲ تعدادی اعلامیه توسط لشکر ۱۶ زرهی قزوین به یگان‌های در خط مقدم ارسال گردید و مقرر شد که گروه‌های گشتی خودی این اعلامیه‌ها را، که به زبان عربی نوشته شده بود، در نزدیک مواضع دشمن بعضی پخش نمایند. با توجه به اینکه اعلامیه‌ها به عنوان یکی از ابزارهای عمده تبلیغات در عملیات روانی راهبردی، تاکتیکی و تحکیمی به شمار می‌روند، (بهمنی، ۱۳۹۱: ۲۴) از جمله اقدامات عملیات روانی ایران علیه عراق بود و به دفعات این نوع اعلامیه‌ها توسط هواپیماها و توپخانه‌های ایران بر روی مواضع و مردم عراق در طول جنگ ریخته شد. در مقابل، توسط هواپیماهای عراقی نیز بارها اعلامیه‌هایی بر روی مواضع ایرانی ریخته شد که در آنها نیروهای ایران را تشویق به تسلیم و عدم مقاومت در مقابل نیروهای عراق می‌کرد^۱ (نمونه اعلامیه‌ها: به پیوست مقاله مراجعه شود).

۴. سطوح عملیات روانی در دفاع مقدس

عملیات روانی دوران دفاع مقدس را از نظر سطح می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. تجربیات محقق در زمان جنگ تحمیلی.

۱) سطح راهبردی و ملی که دارای دو حوزه داخلی و خارجی است که بیشتر مربوط است به مواضع و سخنرانی‌های حضرت امام، مواضع وزارت خارجه، بیانیه‌های ستاد تبلیغات جنگ، بیانیه‌های قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص)، خطبه‌های نماز جمعه و جهت‌گیری‌های تبلیغاتی و رسانه‌ها (صدا و سیما و مطبوعات).

۲) سطح عملیات که در دو محیط خودی و دشمن با هدف تأثیرگذاری بر روی روحیه و اراده دو طرف درگیر جنگ انجام می‌شد. این رویکرد تقریباً از سال ۱۳۶۱ به صورت گسترده (تا سطح گردان‌های تاکتیکی) توسعه پیدا کرد (همان، ۳۹۶).

۵. ابزارهای عملیات روانی در دفاع مقدس

ابزارهای عملیات روانی متعددی بودند. خبرگزاری‌های بین‌المللی، روزنامه‌ها و مجلات بین‌المللی، رادیو و تلویزیون‌های داخلی، خبرگزاری‌های داخلی، مطبوعات داخلی، شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ها از جمله این ابزارها هستند (ولی‌وند زمانی، نیازی، ۱۳۹۱: ۶۲).

استفاده از ابزارهای صوتی نخستین ابزار عملیات روانی در دفاع مقدس بود که در خطوط مقدم برای انتقال پیام کاربرد داشت. این پیام‌ها معمولاً به کوشش روحانیون عرب‌زبان که از سوی تبلیغات قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) به یگان‌های نظامی اعزام می‌گردیدند، تهیه می‌شد.

ابزارهای صوتی در اطراف سنگرهای کمین نیروهای خودی نصب می‌شدند و نیروهای دشمن را پوشش می‌دادند. تولید پیام‌های صوتی متمرکز توسط قرارگاه‌ها تهیه می‌شد و در اختیار یگان‌های تاکتیکی قرار می‌گرفت.

دومین ابزار عملیات روانی در جنگ تحمیلی، چاپ اعلامیه و کاریکاتور بود که در چند نوبت به طور متمرکز در قرارگاه‌ها تهیه و از طریق هواپیماهای کوچک یا توپخانه به سوی دشمن پرتاب شد.

محور سوم راه‌اندازی فرستنده‌های سیار رادیویی در سطح قرارگاه‌ها و در خط مقدم با همکاری صدا و سیما در اهواز، کرمانشاه، ایلام و کردستان بود. برنامه ویژه رادیو با فرستنده‌های ثابت و تعدادی فرستنده سیار در هنگام عملیات‌های نظامی توسط قرارگاه‌ها در جبهه‌های نبرد

تهیه و به کار برده می‌شد. به طور معمول، فرآیند تولید و پخش برنامه این فرستنده‌ها در همان منطقه عملیات بود.

محور چهارم پوشش مؤثر اخبار و گزارش‌های مربوط به جنگ بود که به موقع و تقریباً به روش‌های مناسبی انجام می‌گرفت. عراق نیز برنامه‌های رادیویی با هدف تضعیف روحیه رزمندگان و بی‌اعتمادسازی نسبت به مسئولین نظام جمهوری اسلامی تدارک دیده بود، که در بین برنامه‌های خود از موسیقی‌های خوانندگان زمان طاغوت به نحو وسیعی استفاده می‌کرد، تا بدین وسیله مخاطب ایرانی را جذب نموده و با ارسال پیام‌های مخرب، عملیات روانی را علیه رزمندگان اجرا نماید. نیروهای عراقی نیز بارها از بلندگو برای تسلیم شدن نیروهای خودی و ناسزا گفتن به مسئولین رده بالای نظام استفاده می‌کردند، از جمله در منطقه شرفانی در ۱۸ فروردین ۱۳۶۵ به نحو وسیعی از بلندگو به زبان فارسی علیه نیروهای لشکر ۱۶ زرهی قزوین استفاده کردند.

۶. محورهای عملیات روانی جمهوری اسلامی در دفاع مقدس

محورها و راهبردهای عملیات روانی جمهوری اسلامی در دفاع مقدس عبارتند از:

- ۱- معرفی ماهیت جنگ نخستین راهبردی بود که در عملیات روانی از سوی حضرت امام(ره) ارائه شد. امام(ره) جنگ را جنگ حق و باطل تعریف کردند، یعنی به جنگ ماهیتی عقیدتی و مقدس دادند. در این چهارچوب، همه احساس می‌کردند که از اسلام دفاع می‌کنند. با این دیدگاه، هدف راهبردی در تمام سطوح کشور شکل گرفت و اهداف عملیاتی و تاکتیکی جنگ هویدا شد و ضمن مستحکم شدن وضعیت نیروهای خودی، شخص صدام حسین به عنوان فردی کافر معرفی گردید. همچنین دیدگاه مزبور مدیریت و تفکر لیبرالی را در کشور، در عرصه سیاسی و جنگ به چالش کشید.
- ۲- راهبرد بعدی عملیات روانی، جنگ را بخشی از تهدید استکبار جهانی بر ضد جمهوری اسلامی تعریف کرد و صدام را به عنوان عامل سرسپرده امریکا و رژیم صهیونیستی معرفی کرد. این دیدگاه راهبردی و کلان باعث شد که اولاً در سطوح مختلف کشور انسجام کامل در برابر تهدید ایجاد شود و ثانیاً اراده مشترک مقاومت در بین مردم در سطح بالایی شکل گیرد.

- ۳- راهبرد بعدی در عملیات روانی، راهبرد دفاع همه‌جانبه بود. حضرت امام(ره)، بالاترین مقام مسئول جنگ، دفاع مردمی همه‌جانبه را شکل داد.
- ۴- افزایش اعتماد به نفس در مردم و تحقیر دشمن محور دیگری بود که حضرت امام(ره) با آن، روحیه امیدواری و قوت قلب را در مردم به جریان انداخت. امام(ره) از همان آغاز جنگ، اقدام نظامی عراق در بمباران فرودگاه و تأسیسات مهم کشور را انداختن سنگی توسط یک دزد در خانه تشبیه کرد و نتیجه جنگ را با وعده پیروزی به جامعه القاء نمود. این اقدام سراسر کشور و جبهه‌های جنگ را سرشار از امید و اعتماد کرد.
- ۵- بهره‌گیری از ایمان دینی و مذهبی مردم محور بعدی بود که جوهر اصلی مبارزه با استکبار را تشکیل می‌داد. ایمان به خدا عامل نیرومند در ایجاد روحیه بود. این فضا را حضرت امام(ره)، مدیر عالی جنگ، به کشور حاکم کرد. مسلمان هرگاه حضور در جنگ را تکلیفی الهی بداند، خود را پیروز میدان جنگ خواهد دانست و به تعبیر حضرت امام(ره) و بر اساس آموزه‌های قرآنی، مسلمان چه کشته شود و چه بکشد، پیروز است.
- ۶- فرماندهان لایق و دلاور ارتش و سپاه در کلیه رده‌ها، با تهییج نیروها و با به حرکت درآوردن قوای روانی نیروهایشان نقش بسیار مؤثری ایفا نمودند. همچنین وجود رابطه عاطفی جدی بین رهبری، مردم و رزمندگان نیز محرک بسیار بالایی در به حرکت درآوردن رزمندگان به شمار می‌رفت. فرماندهانی همچون شهید فلاحی، شهید صیادشیرازی، شهید اقارب‌پرست، شهید منفرد نیامی، شهید آبشناسان و... همگی از دلاورمردان ارتش اسلام بودند که نقش مهمی در فرماندهی دوران دفاع مقدس داشتند.
- ۷- استفاده از نمادهای اسلامی و حماسی که به وفور در ستاد تبلیغات جنگ تولید می‌شدند، از محورهای بعدی عملیات روانی در دوران دفاع مقدس است. به جدّ می‌توان ادعان کرد که سربندها، بازوندها، چفیه‌ها و انواع تولیدات دیگر تبلیغاتی، که عمدتاً حاوی نمادهای مذهبی و حماسی بودند و روح حماسه و ایثار شهادت را تبلیغ می‌کردند، در فضاسازی و تحریک احساسات پاک حاکم بر نبرد و شکستن روحیه دشمن بسیار مؤثر بودند.
- ۸- بهره‌گیری از سیره اهل بیت(سلام الله علیهم)، به ویژه سیدالشهدا(علیه السلام) به جبهه جنگ عمق می‌بخشید. پیوند بین حوادث صدر اسلام، به خصوص حادثه کربلا و میدان

راهبردها و محورهای عملیات روانی ج.ا.ا در دوران دفاع مقدس ۳۰۳/

جنگ، عامل بسیار مهمی در انگیزش رزمندگان مسلمان ایرانی بود. نوحه خوانی، به ویژه توسط برادر آهنگران، قبل از عملیات‌های ایران، استفاده از نام ائمه اطهار (سلام‌الله علیهم) و مراسم سینه‌زنی قبل از عملیات نقش بسزایی در تهییج نیروها داشت.

۹- راهبرد تهاجمی در جنگ، فضای تهاجم را بر سراسر جبهه‌ها حاکم کرد. این راهبرد پیام‌های تبلیغاتی را حماسی کرد و جهت‌گیری ویژه‌ای به تبلیغات جنگ داد. استفاده مناسب از مارش نظامی، سرود، شعر و تابلوهای تبلیغاتی نمونه‌هایی از آن است.

۱۰- وجود اعتماد به نصرت الهی در مردم و رزمندگان محور دیگری بود که اعتماد به نفس را افزایش داد.

۱۱- تأکید بر فرهنگ شهادت در جبهه‌ها و شهرها، ضمن ایجاد انگیزش، بسیاری از کمبودها و مشکلات پشتیبانی جنگ را حل کرد.

۱۲- هماهنگی بین نیروهای مختلف ارتش، سپاه، نیروهای مردمی، هماهنگی جبهه و پشت جبهه، هماهنگی و کنترل رسانه تبلیغاتی و مطبوعات از سوی حضرت امام(ره) بسیار مؤثر بود.

۱۳- استفاده مؤثر از ظرفیت‌های تبلیغاتی در سطح کشور (تربیون نماز جمعه، صدا و سیما...).

۱۴- تبیین جنگ‌طلبی و آتش‌افروزی صدام در منطقه.

۱۵- پخش تصاویر مناسب از آسیب‌پذیری‌های عراقی‌ها (اسرا، کشته‌ها، غنائم و مناطق آزاد شده) (همان: ۴۰۱).

۷. محورهای عملیات روانی عراق علیه ایران

عملیات روانی در سازمان ارتش عراق فرآیند پیچیده‌ای داشت. این کشور با بهره‌گیری از تشکیلات سازماندهی شده حزب بعث از سازمان کارآمدی برای عملیات بهره‌مند بود. حزب بعث در همه سطوح تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی حضور داشت. افزون بر اینکه وزارت فرهنگ و اطلاعات عراق به مدیریت و تحلیل عملیات روانی می‌پرداخت، در ارتش نیز تشکیلات و

شبکه‌ای به نام توجیه سیاسی وجود داشت. تشکیلات توجیه سیاسی در همه واحدها و قرارگاه‌های نظامی ارتش عراق حضور داشت و تمام نیروهای مسلح عراق را پشتیبانی می‌کرد. در مورد تأثیر عملیات روانی، باید اشاره کرد که عراقی‌ها درک درستی از شرایط ایران نداشتند. همچنین، تحلیل جامعه‌شناسی و روان‌شناختی درستی از مردم و نوع باورها و نگرش‌ها و عواطف نیروهای رزمنده و مردم پشت جبهه نداشتند، یعنی مبتنی بر تحلیل نادرستی که به تهاجم نظامی منجر شد، به طراحی و تولید محصولات عملیات روانی و تبلیغات پرداختند. عراقی‌ها در پیام‌های تبلیغاتی خود به فحاشی، دروغ آشکار و برخورد خصمانه با جمهوری اسلامی مبادرت می‌ورزیدند و رزمندگان ایران اسلامی را به عدم انجام عملیات و ترساندن آنان به کشته شدن و همچنین تشویق به ترک منطقه عملیات و فرار از جنگ و رفتن به نزد خانواده تشویق می‌کردند (نمونه اعلامیه عراق علیه ایران در پیوست مقاله). محورهایی که عراق در عملیات روانی بر ضد جمهوری اسلامی پیگیری می‌کرد، عبارت بودند از:

- ۱- تحریک احساسات مذهبی و قومی عشایر و مردم عراق و کشورهای عربی.
- ۲- ترسیم چهره منفی و وحشتناک از جمهوری اسلامی در منطقه.
- ۳- پیوند پیامدهای جنگ با سرنوشت ملت ایران.
- ۴- بی‌نتیجه نشان دادن مقاومت و دفاع ملت و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به ویژه مناطق عرب‌زبان.
- ۵- تظاهر به دلسوزی و ترحم برای مردم خوزستان و ساکنان نقاط مرزی جمهوری اسلامی، به ویژه مناطق عرب‌زبان.
- ۶- انعکاس چهره نامناسب از جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی.
- ۷- ایجاد رعب و وحشت در بین نیروهای نظامی عراق در تسلیم و پناهندگی به رزمندگان ایران اسلامی.
- ۸- پشتیبانی و تحریک گروه‌های معارض جمهوری اسلامی.
- ۹- تهدید و فشار بر ضد کشورهای همسایه.
- ۱۰- مانور روی سلاح‌های ویژه مرگبار.
- ۱۱- بزرگنمایی ضعف‌های احتمالی جمهوری اسلامی در نزد مخاطبان.

- ۱۲- کم‌اهمیت نشان دادن نقش ارتش جمهوری اسلامی در جنگ، با هدف تضعیف روحیه ارتشیان.
- ۱۳- منطقه‌ای کردن جنگ.
- ۱۴- استفاده از مجامع بین‌المللی در راستای اهداف و منافع ملی خود.
- ۱۵- ترور شخصیت امام(ره) به عنوان فرمانده کل قوا.
- ۱۶- متهم کردن جمهوری اسلامی به سوءاستفاده از دین در جنگ تحمیلی.
- ۱۷- ایجاد تردید در برخورداری نظام اسلامی از راهبران با کفایت.
- ۱۸- شایعه اختلاف و تفرقه بین مسئولان نظام.
- ۱۹- بی‌توجه نشان دادن ایران به قوانین بین‌المللی.
- ۲۰- ترسیم چهره مثبت از عراق (افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

۸. راه‌کارهای ایران به منظور رویارویی با عملیات رسانه‌ای غرب

- ۱- گسترش رسانه ملی و تقویت خبرگزاری در عرصه خارجی.
- ۲- ایجاد ستاد تبلیغات جنگ: در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۰، ستاد تبلیغات شورای عالی دفاع تشکیل شد که یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های آن تدوین شیوه‌های تبلیغاتی جنگ روانی علیه دشمن بود. این روش‌ها عبارت بودند از: چاپ پوستر، بروشور، برجسب، کتاب و انتشار آن در سراسر جهان، برپایی نمایشگاه عکس در خارج از کشور، تهیه فیلم و تکثیر آن برای نمایش جهانی، دعوت از خبرنگاران خارجی و برپایی کنفرانس مطبوعاتی، اعزام مبلغین به همراه هیئت‌های اعزام مجروح به خارج از کشور.
- ۳- تحرکات سیاسی وزارت خارجه.
- ۴- دیپلماسی بازدید (دعوت از کارشناسان و هیئت‌های صلح به منظور بازدید از مناطق خسارت‌دیده). (افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۰۶)

۹. نتیجه‌گیری

در دوران هشت سال دفاع مقدس، طرفین منازعه با استفاده از عملیات روانی درصدد بودند که بر روی احساسات، عواطف و تفکر طرف مقابل اثر بگذارند. از جمله اهداف طرفین در جنگ تحمیلی این بود که احساس یأس و ناامیدی را در نیروهای نظامی و مردم دو کشور به وجود آورند و آنان را نسبت به رهبران و مسئولین کشورشان بی‌اعتماد ساخته و در جامعه هدف ایجاد شکاف و دودستگی و چند دستگی نمایند. طرفین منازعه با استفاده از ابزارهای عملیات روانی از جمله رسانه‌ها و اعلامیه‌ها و تریبون‌های نماز جمعه و سخنرانی، درصدد تضعیف نیروهای رزمنده دو کشور و مردم آنان بودند. ابزارهای گوناگون تبلیغات جهانی در اختیار دستگاه‌های تبلیغاتی عراق بود و ایران اسلامی نمی‌توانست پیام و صدای بر حق خود را به گوش و وجدان بیدار ملت‌ها برساند، که به گفته رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام (ره)، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت کرده‌ایم. گرچه ایران اسلامی در جبهه داخلی با ابزار تبلیغات سنتی و مدرن تا حدی به خوبی عمل کرد (از سال ۱۳۶۲ به بعد)، ولی در مقابله با جبهه تبلیغاتی رژیم بعث عراق و هم‌پیمانان غربی موفقیت چندانی نداشتیم، گرچه تبلیغات سوء عراق اثری بر ملت و رزمندگان غیور ایران اسلامی نداشت. افزون بر اینکه، نبودن سیاست مدون تبلیغاتی خارجی بر دیگر مشکلات می‌افزود. در مقابل، دشمن بعثی با بهره‌گیری لازم از رسانه که به منزله عمل مکمل تسلیحات نظامی است، سود می‌برد. لذا با درس گرفتن از عملیات روانی در جنگ تحمیلی می‌توان آمادگی لازم را بر مقابله با دشمنان به وجود آورد و با ساختار مناسب و تجهیزات کافی و آموزش‌های تخصصی این نقص و عیب را بهبود بخشید.

۱۰. منابع

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)؛ *مطالعات موردی در عملیات روانی*، جلد چهارم، معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح، چاپ یکم.
۲. بهمنی، محمد مسعود (۱۳۹۱)؛ *طرح ریزی و عملیات روانی*، تهران، مرکز آموزش و پژوهشی شهید صیاد شیرازی تهران، چاپ یکم.

راهبردها و محورهای عملیات روانی ج.ا.ا در دوران دفاع مقدس / ۳۰۷

۳. جعفری محمد حسین (۱۳۸۸)؛ *مطالعات موردی در عملیات روانی*، جلد دوم، معاونت فرهنگی و تبلیغات دفاعی ستاد کل نیروهای مسلح، چاپ یکم.

۴. ولی‌وند زمانی، حسین؛ نیازی، علی (۱۳۹۱)؛ *عملیات روانی*، تهران، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، چاپ یکم.

پیوست ١: نمونه اعلامیه‌های استفاده شده ایران علیه عراق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایها الجيش العراقي الشریف

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ارایتم کیف ابتکر صدام العفلقی لعبة جديدة؟ انه یرید بواسطتها ان یخدع مراتب الجيش العراقي وجنوده الاعزاء فبعد ان رای المجرم العمیل صدام التحول الكبير عند الاخوة الاسرى العراقيین الذين ینزلون ضیوفا اعزاء عندالجمهورية الاسلامية فی ایران جن جنونه وامتلاحقدا فهو لا یستطیع ان یرصد السراية التي تقدمها جمهوریتنا الاسلامية لهؤلاء الاسرى الضیوف ولا یتحمل ان یرى التفریر الابجائى الذى طرا على الاخوة الاسرى باتجاه اسلامهم العظیم و اخلاق وفضائل دینهم العنیف وهو لا یتحمل تفاعل هؤلاء الاخوة مع الحقیقة ورفضهم الصریح لنظام حکم العمیل الجائم على رقاب الشعب العراقي الشقیق .

ومن اجل هذا وذاك استعان المجرم الدجال صدام العفلقی بالفقینین الغریبین فمئلوا فلما خبیثا کاذبا ادعوا فیه ان الجمهورية الاسلامية تعتدی على حیاة الضیوف الاسرى وتسیء الیهم .

ایها الجيش العراقي العزیز :

ان هذا الفلم الكاذب وامثاله من ادعاءات المجرم العمیل والاعیبه و اعلامه المضلل یرید بواسطته متعمک عن تسلیم انفسکم لآخوانکم جيش الجمهورية الاسلامية وان صدام المجرم یرید من وراء ذلك ان تیقوا وقودا لقادسیة السودان .

اننا على یقین ان وعیکم وادراککم للامور ولحقیقة الطاقوت المجرم سیفشل اهدافه والامیبه الرعناء .

فیلموا الى اخوانکم معزیزین مکرمین رافقین للظلم والمظالم والطاقوت والاجرام .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اخوانکم
جيش الجمهورية الاسلامية فی ایران





بسم الله الرحمن الرحيم

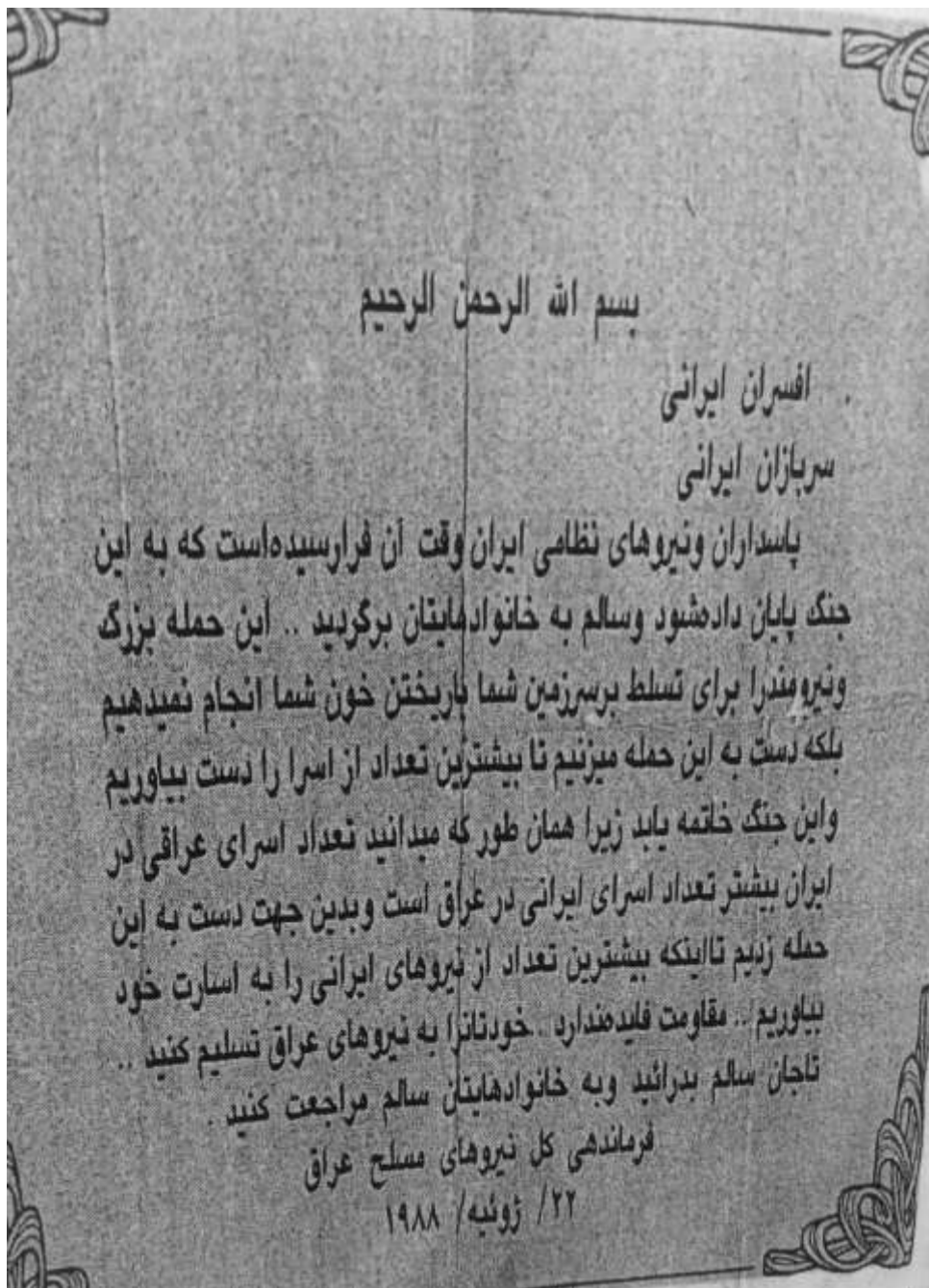
يا ابناء الجيش العراقى

ان نظام صدام المتهربىء الذى يتشدد بشعارات القومية العربية وينادى زوراً وبهتاناً بدعم القضية الفلسطينية، يمد يدا الصداقة والمودة الى الكيان الصهيونى. وما تطمينات الكيان الصهيونى لصدام بعدم قصف انبوب النفط المزمع انشاؤه بين العراق والاردن والذى سينتهى الى ميناء العقبة الا دليل على زيف شعارات النظام العراقى.

وقد اعترف صدام فى خطابه الاخير بضرورة التعاون مع شاه حسين الاردنى الذى لطخ يده بدماء الفلسطينيين فى ايلول الاسود فى هذا المجال. ان صدام يعاول الآن وبشتى السبل اطالة امد حياته بالتعاون مع الكيان الصهيونى وامريكا وهو يسير الان فى الطريق الذى سلكه السادات الخائن. ومثلما قام الجيش المصرى بتصفية السادات، فان الجيش العراقى مدعو الآن بعدم السماح لصدام بارتكاب هذه الغيابة الكبرى، وعليه ان يعجل فى ضربته القاضية من اجل تحرير العراق من دنس النظام البعثى.

جيش الجمهورية الاسلامية

پیوست ۲: نمونه اعلامیه‌های استفاده‌شده عراق علیه ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام

ای سربازان ایرانی

هرگونه تجاوزی

و به هر حجمی و هر

طبیعتی

خواهد داشت ؛

نتیجه آن

نابودی شدن ده ها

هزار از شماست به يك

دفعه ، خواهد بود .

بنابراین هرکس

آرزوی نابودی خود را

دارد ؛ پس اکنون به

خانواده اش بگوید :-

خدا حافظ !

نیروهای مسلح عراق

الگوی فرماندهی شهید سپهبد علی صیادشیرازی در دفاع مقدس

جواد رفیعی‌راد^۱

چکیده

امروزه برتری صنایع و سازمان‌ها در مدیریت بهینه سرمایه، فناوری و امکانات نیست، بلکه در مدیریت بهینه و مناسب نیروی انسانی است. امروزه سرمایه اصلی صنایع و سازمان‌ها نیروی انسانی آنهاست، نه دستگاه و ماشین‌آلات و یا تأسیسات. بنابراین، نقش مدیریت و از آن مهم‌تر رهبری نیروی انسانی نقش کلیدی و سرنوشت‌ساز برای جامعه و سازمان به حساب می‌آید. در تفاوت رهبری و مدیریت می‌توان به این مقدار بسنده کرد که مدیریت، در واقع، با منشاء قانونی مشروعیت می‌گیرد و با قانون می‌تواند افراد زیرمجموعه را هدایت کند، اما رهبری در قالب قانون نمی‌گنجد، بلکه با روح و قلب نیروی انسانی مرتبط است و رهبر حتی بدون مشروعیت قانونی و اعمال قانون می‌تواند زیردستان را هدایت کند. در یک جمله، مدیریت به قانون متکی است و رهبری با اخلاق متجلی می‌شود و فرماندهی ترکیبی از مدیریت و رهبری است.

برای آنکه فرد در موقعیتی به گونه‌ای مؤثر پاسخ دهد لازم است که مشخصه‌های مهم موقعیت مورد نظر را بشناسد. اگر او صرفاً نفع شخصی خویش را در نظر بگیرد و به محدودیت‌های موجود توجه نکند، مشکلاتی برای خود و دیگران به وجود می‌آورد. هر فردی ناگزیر است از نگرش سایرین به مسائل آگاه باشد، زیرا انتخاب‌های وی از نیازها، حقوق و مسئولیت‌های سایرین متأثر است. زمانی که فرد از سایرین، به ویژه از نزدیکان و همکاران خود، بازخورد دریافت می‌کند، بهتر می‌تواند بفهمد که دیگران در مورد موضوعات مختلف چگونه می‌اندیشند. در نتیجه، توانایی انعطاف‌پذیری‌اش بیشتر می‌شود و درمی‌یابد که ممکن است معیارها و انتظارات در موقعیت‌های مختلف تغییر کنند. در این تحقیق، خصوصیات یک مدیر موفق و منش فرماندهی او در شرایط بحرانی مورد بررسی قرار گرفته و برخی مصادیق آن در مدیریت و فرماندهی شهید صیادشیرازی طی جنگ تحمیلی ذکر می‌گردد.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی دانشگاه فرماندهی و ستاد اجا.

واژگان کلیدی: دفاع مقدس، شهید صیادشیرازی، مدیریت، منش فرماندهی

۱. مقدمه

مدیریت نوعی علم محسوب می‌شود و استفاده از علوم بسیار پسندیده است؛ اما به این خاطر که این علوم جزو دسته علوم انسانی هستند، بومی‌سازی آنها تنها راه موفقیت در آنها است. با همه این تفاسیر، مشخص است که تنها راه خروج صنایع و سازمان‌های ایرانی از این حالت حرکت بسیار آهسته به سوی جلو و یا حتی حرکت به سمت عقب، پیاده‌سازی الگوی موفق ایرانی - اسلامی، مدیریت و رهبری در آنها می‌باشد. به همین دلایل، در نظر داریم که یک نمونه موفق معاصر ایرانی (امیرسپهبد شهید علی صیادشیرازی) در امر فرماندهی، یعنی رهبری و مدیریت را مورد بررسی قرار دهیم. امید است که بتوان با الگوهای بومی، که آزمون خود را پس داده و توانسته‌اند در کشور موفق باشند، جهش بزرگی به سوی موفقیت‌های سازمانی داشته باشیم. در این مقاله، مدیریت و فرماندهی و شجاعت‌های شهید صیادشیرازی در دوران زندگی و نبرد حق علیه باطل مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی ایشان که باعث شکوفایی استعداد مدیریت و فرماندهی و توفیقات او در عملیات‌ها گردید، تشریح خواهد شد. لازم به ذکر است که فرماندهی ایشان در شرایط خاص و بحرانی جنگ تحمیلی بر صحنه دفاع مقدس صورت گرفته و باعث پیروزی‌های چشمگیری برای امت اسلام شده است، لذا به همین دلیل در این نوشته، مدیریت و رهبری نظامی او، یعنی فرماندهی ایشان در شرایط جنگ و بحران مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. منش فرماندهی

منش یا charactor واژه‌ای کلی بوده و به خصوصیات رفتاری فرد اطلاق می‌شود. از آن جایی که انسان باید با محیط، چه محیط طبیعی و چه سایر افراد، تعامل داشته باشد، منش او مجموعه رفتارهایی است که با محیط و افراد جامعه دارد؛ یا به عبارت دیگر، منش قالبی است که در آن انرژی انسان در روند همسانی (با طبیعت) و اجتماعی شدن با سایر انسان‌ها کانالیزه

می‌شود. حال این منش یا انرژی می‌تواند موجب ساخت جامعه باشد که به آن منش بارور می‌گویند و یا در جهت تخریب آن، که به آن منش مخرب می‌گویند (فرزانگان، ۱۳۹۰).

انسان دارای خوی و سرشت و نیز طبیعتی ثانویه می‌باشد و وقتی این طبیعت ثانویه در تسلسل اوصاف یا عادات قرار گیرد، تبدیل به منش می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی صفت خاصی توسط شخصی تکرار می‌شود، در واقع این صفت در وی نهادینه و ملکه شده و جزئی از رفتار، منش و خلیقات انسان محسوب می‌گردد. در حوزه نظامی، فرماندهی محور اصلی قدرت نظامی می‌باشد و به مجموعه اختیاراتی گفته می‌شود که به طور قانونی به فرد داده شده تا در مسندی قرار گیرد و مأموریت سازمانیش را تحقق بخشد. بنابراین، فرمانده متناسب با آن اختیارات، مسئولیت دارد و پاسخگو نیز می‌باشد. معمولاً در حوزه فرماندهی، موضوعی تحت عنوان منش فرماندهی مورد توجه قرار می‌گیرد که بیشتر به شخصیت، عادات و خلیقات شخص فرمانده توجه دارد. در اینجا توضیح این مطلب ضروری است که فرماندهی را می‌توان به دو بخش مدیریت و رهبری تقسیم کرد. رهبری توانایی نفوذ در افراد و گروه‌ها برای رسیدن به هدف یا هدف‌های خاص است. از سوی دیگر، رهبری کمال مدیران و فرماندهان است. به این معنا که عنصر رهبری جاذبه‌ای ایجاد می‌نماید که شخص مدیر یا فرمانده به صورت الگو مورد توجه و عنایت زبردست و بالادست قرار می‌گیرد. بنابراین، شایسته آن است که فرماندهان رهبری کنند و اگر در حوزه رهبری، فرمانده انسان هدایت‌گری باشد می‌توان گفت فرمانده دارای منش رهبری است. در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز به این مطلب اشاره شده است: «فرماندهی جوهره‌ای از رهبری را دربردارد و به عبارتی، محور اساسی و گوهر فرماندهی رهبری است».

بخش دوم وظیفه فرماندهی مدیریت است. مدیریت علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی است. مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول به اهداف سازمانی است (رشیدزاده، ۱۳۸۷).

فرماندهی یا مدیریت امری مستمر و شبانه‌روزی و همه‌مکانی و همه‌زمانی است. منش فرماندهی یعنی اینکه چه اخلاقی در حوزه مدیریت و رهبری مورد نیاز فرمانده می‌باشد و

بدین‌گونه، منش فرماندهی به دو دسته منش مدیریتی و منش رهبری تقسیم می‌شود. برای دوری از انحطاط در اخلاق و رفتار در منش‌های عالی‌ه فرماندهی نباید به افراد عادی توجه شود، بلکه باید رفتارهای فرماندهی را با الگوهای برحق تطبیق داد، الگوهای حقی که معصوم می‌باشند. ائمه اطهار تابلوی نمایان حق هستند. الگوهای واقعی ائمه اطهار می‌باشند. منابع برای استخراج منش‌های راستین قرآن کریم، سیره و سنت ائمه اطهار و رسول اکرم(ص) می‌باشد (علی محمد اقتداری، ۱۳۷۵).

شهید صیاد شیرازی از منش فرماندهی چندین تعریف ارائه می‌داد، اما تعریفی که بیشتر به آن پایبند بود و براساس آن اقدام می‌کرد چنین بود: «آن قسمت از اخلاق اسلامی که برای فرماندهان در دوران مسئولیت فرماندهی و متناسب با سطوح فرماندهی آنان، عمل به آن پسندیده و گاه ضروری است». بر این اساس، این شهید بزرگوار به علمای اخلاق و بزرگان متخلق به اخلاق اسلامی و منابع متقن و معتبر، به ویژه احادیث مربوط به سیره زندگی پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین علیهم السلام، به ویژه در خصوص آن بخش از زندگی آنان که به امور نظامی مربوط می‌شد، مراجعه می‌کرد (احمد حسینی، ۱۳۸۵).

ایشان در محضر بزرگانی چون حضرات آیات عظام بهاء‌الدینی، مشکینی، صدوقی، دستغیب و حضرت امام خمینی(ره) حاضر می‌شد و در زمینه اخلاق اسلامی درس می‌گرفت. با عنایت به تعاریف داده شده، منش و شخصیت شهید صیادشیرازی به نوعی است که او را فردی منضبط، با برنامه، هدفمند، پرکار، دارای شئونات اخلاقی، متین، متقی و معتقد به قیود اسلامی معرفی می‌کند. شیوه زندگی این فرمانده بر اساس یادداشت‌های شخصی و آثار بجای‌مانده از وی تقریباً قابل بازسازی است. این یادداشت‌ها گویای پرکاری این فرمانده دوران دفاع مقدس نیز می‌باشد، به نحوی که به گواهی یاران نزدیک وی، در زمان جنگ اغلب اوقات استراحت او در خودرو یا هواپیما بوده و بقیه وقت او صرف جلسات، طراحی عملیات‌ها، هماهنگی، بازدیدها، پیگیری امور، هدایت و کنترل نیروها و غیره می‌شده است. برای ترسیم اینکه شهید صیادشیرازی از نظر انضباطی چگونه شخصیت و منشی داشته است، مطالب بسیاری وجود دارد، ولی ذکر چند نکته می‌تواند گویای ادعای پیش‌گفته باشد. اول اینکه او فردی شیک‌پوش بود و آراستگی وضع ظاهر را در همه شرایط رعایت می‌کرد. دیگری وقت شناسی، به موقع و به

هنگام بودن وی که هر دو از ویژگی‌های بارز شخصیت نظامی او بوده است. سوم اینکه وی مطابق آئین‌نامه انضباطی، فردی مطیع دستورات مافوق بوده و حتی در شرایطی که خود نظر مخالف داشته، ولی دستورات صادره از رده‌های مافوق را با طیب خاطر اجرا کرده و مهم‌تر اینکه اطاعت از ولایت فقیه را برای خود تکلیف شرعی می‌پنداشت. ایشان ذوب‌شده در ولایت فقیه بودند و افتخارشان بودن در رکاب مقام معظم رهبری و شهادت در این راه بود (انبارداران، ۱۳۸۱).

۳. تصمیم‌گیری

یکی از وظایف عمده مدیران تصمیم‌گیری است. طبق نظر برخی کارشناسان علم مدیریت، چنانچه تصمیم‌گیری را از مدیریت جدا کنیم، مدیریت مفهومی ندارد. در عین حال، ماهیت تصمیم‌گیری در رده‌های پایینی، میانی و عالی سازمان‌ها متفاوت است. در رده‌های پایین سازمان، تصمیمات معمولاً از پیش تعیین شده هستند و در یک چهارچوب مقرراتی مثل آئین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها برای اجرا به آنان ابلاغ می‌شود، اما در رده عالی، تصمیمات از قبل تعیین شده نیستند و تصمیم‌گیری بسیار مشکل است و نیاز به اطلاعات، تجربه و هم‌فکری دارد (امجدی، ۱۳۸۴).

در شرایط بحرانی و جنگ، تصمیم‌گیری برای رده‌های عالی جنگ بسیار مشکل‌تر است، چرا که در شرایط بحران، محدودیت زمان، کمبود اطلاعات، محدودیت منابع و تهدیدات دشمن تنگناهای سختی را ایجاد می‌کند. ملاحظه دیگر در امر تصمیم‌گیری که بسیار مهم و تعیین‌کننده است، نقش ارزش‌های فردی مدیر و فرمانده یا رهبر است. انسان موجودی است که در تمامی فرایندهای تصمیم‌گیری محور اصلی به شمار می‌آید و تابع اعتقادات، باورها، طرز تلقی‌ها و ارزش‌هایی است که محرک وی و شکل‌دهنده اندیشه و رفتار او می‌باشند. ارزش‌های فرد واقعیت‌های ملموس و قابل اثباتی هستند، زیرا اثرات و پیامدهای آنها را می‌توان به سادگی در رفتارهای فرد مشاهده کرد. در مورد مدیران و فرماندهان این مسئله به وفور صدق می‌کند. شایان ذکر است انسان‌ها ارزش‌های خود را از مذهب، خانواده، اجتماع، فرهنگ و محیطی که در آن زندگی می‌کنند اخذ می‌نمایند. البته ارزش‌ها در طول زندگی شکل گرفته و تغییر و تحول می‌یابند (الوانی، ۱۳۸۰).

یک فرمانده یا مدیر ممکن است به روش‌های مختلف به تصمیم‌گیری برسد:

- ✓ تصمیم‌گیری بر اساس فکر و رأی خود (روش مستبدانه)
- ✓ تصمیم‌گیری به روش شورایی
- ✓ تصمیم‌گیری به روش تلفیقی از خودرأیی و شورا (صیادشیرازی، ۱۳۷۵).

در اینجا، آنچه که شخصیت شهید صیادشیرازی را بارزتر می‌کند، شناخت او از شرایط اشغال بخشی از کشور توسط دشمن، روحیات مردم و مسئولین در آن شرایط خاص، امکانات و توانایی‌های خودی و نهایتاً اقدامات و تصمیم‌گیری‌های او در شرایط جنگ تحمیلی است. وی در این شرایط، تصمیماتی اتخاذ و اجرا کرده است که تعیین‌کننده و در نوع خود کم‌نظیر بوده است. برای مثال می‌توان از تدابیر و تصمیماتی که او پس از انتصاب به فرماندهی نیروی زمینی اتخاذ کرده و باعث شده جنگ از حالت رکود خارج شده و راهبرد آفندی اتخاذ شود، نام برد. وی با این اقدامات، حالت تهاجمی به نیروهای مسلح و نیروهای تحت امر خود داده است. آنچه تاریخ جنگ و دفاع مقدس شاهد آن است، این است که با اتخاذ حالت جدید، در طول مدت کوتاهی (حداکثر هشت ماه) با انجام عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس بیش از ۹۰٪ از مناطق اشغالی خوزستان توسط رزمندگان اسلام آزاد گردید، که شاخص‌ترین این تصمیمات ایجاد ساز و کاری برای همکاری بین ارتش و سپاه و در اختیار گذاشتن امکانات ارتش برای آموزش، سازمان‌دهی و وارد کردن نیروهای مردمی در قالب بسیج و تحت فرماندهی سپاه پاسداران در جنگ و تهیه طرح‌های عملیاتی توسط افسران ستاد و مشورت با صاحب‌نظران نظامی و استادان طراح عملیات بود. لذا باید گفت از ویژگی‌های دیگر شخصیتی وی این بود که در فرایند تصمیم‌گیری، به ویژه در شرایط بحران، هرگز بدون مشورت با فرماندهان، کارشناسان و مشاورین خود تصمیمی نمی‌گرفت. از ویژگی‌های دیگر ایشان مدیریت بحران، فرماندهی بر صحنه‌های جنگ و ریسک‌پذیری او در فرایند تصمیم‌گیری است. با عنایت به شخصیت شهید صیاد و ارزش‌های فردی وی، می‌توان گفت به هنگام تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری این فرمانده دوران دفاع مقدس همواره مبتنی بر تخصص، تعهد، دانش، سجایای اخلاقی، مشورت با خبرگان و سپس عزم راسخ و ایستادگی در اجرای تصمیم با اعتماد به نفس و اتکال بر خداوند بوده است (علی اکبری، ۱۳۸۶).

۴. طراحی و برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی یا طرح‌ریزی یعنی اندیشیدن از پیش. متخصصین از زوایای متعدد برای برنامه‌ریزی تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند، که برخی از آنها از این قرار است:

- ✓ تعیین هدف، یافتن و ساختن راه وصول به آن.
- ✓ تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه کارهایی باید انجام گیرد.
- ✓ تجسم و طراحی وضعیت مطلوب در آینده و یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم کند.
- ✓ طراحی عملیاتی که شیئی یا موضوعی را بر مبنای شیوه‌ای که از پیش تعریف شده، تغییر بدهد (رضاییان، ۱۳۸۱).

برنامه‌ریزی عبارت است از تفکر در کلیات و جزئیات برنامه و یا به عبارت دیگر، تعیین و اتخاذ شیوه و روش‌هایی که ما را به بهترین نتیجه مطلوب برساند. برنامه نشان می‌دهد که هدف‌ها چگونه باید تحقق یابند. بدون برنامه‌ریزی هرگز نباید و نمی‌توان وارد مرحله عمل شد (میرشفیعی، الوانی، ۱۳۸۶).

شهید صیادشیرازی مدیر موفق را فردی می‌دانستند که از قدرت برنامه‌ریزی بهره کافی داشته باشد. او اعتقاد داشت برنامه‌ریزی گاه به صورت کوتاه‌مدت و گاه درازمدت و گاه هر دو انجام می‌گیرد و مهم‌تر اینکه بدون برنامه‌ریزی هرگز نباید وارد مرحله عمل شد. شهید صیاد شرایط برنامه‌ریزی را بدین گونه ترسیم می‌نماید:

- ۱- برنامه باید دقیق و از نظر کمی و کیفی کاملاً روشن باشد.
- ۲- برنامه باید از هرگونه ابهام و کلی‌گویی خالی بوده، تماماً جنبه عملی و عینی داشته باشد.
- ۳- در برنامه‌ریزی بایستی برآورد نیروی انسانی، هزینه‌ها، ابزار، وسائل و سایر منابع مورد نیاز دقیقاً محاسبه شود.
- ۴- در برنامه‌ریزی باید همیشه محلی برای حوادث پیش‌بینی نشده در نظر گرفته شود.

یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های باقیمانده از شهید صیاد از برنامه‌ریزی‌های روزانه او برای زندگی فردی و سازمانی حکایت می‌کند. شایسته است گفته شود که این مدل برنامه‌ریزی که

بسیار دقیق بوده و دقیقه‌های زندگی روزانه را در کنترل خود دارد، کاملاً منطبق با آموزش‌های نظامی فراگرفته شده در دانشکده افسری (برنامه سین) است، که تا پایان عمر شهید استمرار داشته است. مهم‌تر اینکه یادداشتهای فوق نشان می‌دهد وی برای ورود به هر برنامه‌ای قبلاً فکر کرده و سناریوهایی را در ذهن خود مرور کرده است. ایشان برای ۲۴ ساعت شبانه‌روز برنامه داشتند. در زمان جنگ، این مسئله نمود پیدا می‌کرد، به صورتی که ایشان ساعات روز را تقسیم‌بندی کرده بود، مثلاً برای نماز، تعقیبات نماز، دعا، ورزش، صبحانه، تماس با افراد، تجلیل از افراد، تذکر به افراد و سایر امور برنامه داشتند و ساعات مشخصی را تعیین کرده بودند (علی صیادشیرازی، ۱۳۷۵).

۵. سازماندهی

سازماندهی شامل وظایفی است که باید اجرا شود، تشخیص کسانی است که باید اجرا کنند، چگونگی گروه‌بندی وظایف و تعیین کسانی است که باید گزارش دهند یا گزارش بگیرند. با توجه به تعریف فوق، این فرآیند شامل سه مرحله زیر است:

- ✓ طراحی و تعریف کارها و فعالیت‌های ضروری.
- ✓ دسته‌بندی فعالیت‌ها بر حسب مشاغل و منصب‌های سازمانی تعریف شده.
- ✓ برقراری رابطه میان مشاغل و منصب‌های سازمانی، برای کسب اهداف مشترک (علیرضا رضائیان، ۱۳۸۱).

پس از تعیین هدف و یا اهداف اجرایی و تهیه برنامه و نقشه کار، مدیر به دنیای عمل گام می‌گذارد و در این مرحله، سازماندهی نیروها و امکانات جهت تحقق برنامه لازم و ضروری است. سازماندهی مستلزم آن است که منابع به مؤثرترین شیوه برای حصول هدف‌ها فراهم شود (غلامرضا ویسی، سوادی، ۱۳۸۵).

شهید صیادشیرازی هدف از سازماندهی را تقسیم کار در یک مجموعه به گونه‌ای می‌دانستند که:

- ۱- هیچ کاری بدون مسئول نماند و در عین حال، از تداخل و تضاد مسئولیت‌ها جلوگیری به عمل آید.

- ۲- هر کاری به افرادی که دقیقاً از عهده آن برمی‌آیند سپرده شود.
 - ۳- کل افراد به صورت یک مجموعه کاملاً منسجم عمل کنند، به طوری که کار هر یک مکمل دیگری باشد.
 - ۴- سلسله مراتب در تقسیم کار باید مدّ نظر قرار گرفته و رعایت شود.
 - ۵- تمام افراد از طریق سلسله مراتب با مدیریت یا فرماندهی در ارتباط باشند.
- و در نهایت، بیان می‌داشت برای سازماندهی باید به لیاقت‌ها، استعدادها، تخصص‌ها و تقوا فوق‌العاده اهمیت داد و از تمام عناصر شایسته نه تنها استفاده کرد، بلکه باید آنها را به معنی واقعه صید نمود.

این فرمانده شجاع دفاع مقدس نیروی متناسب با هر مأموریتی را در جای خود قرار می‌داد و برای هر مأموریتی یک سازمان تعریف می‌کرد. وی بعد از اینکه در ۱۰ مهر سال ۱۳۶۰ به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد، یکی از اولین کارهایی که انجام داد این بود که افراد را متناسب با هدفی که دنبال می‌کردند، در مناصب گوناگون قرار داد و همواره اشاره می‌کرد در یک سازماندهی دقیق، باید هیچ موضوع پیش‌بینی نشده از نظر تشکیلات و سازمان در آن نباشد، بلکه برای هر اقدامی، عادی یا غیر عادی، مسئول یا مسئولانی تعیین شوند و متخصصین در هر رشته و رشته‌ای را برای واگذاری مسئولیت‌ها از بین افراد متعهد، متقی، شجاع و صادق برمی‌گزید.

۶. هماهنگی و وحدت

یکی از وظایف مهم فرمانده یا مدیر ایجاد هماهنگی است. هر قدر یک سازمان گسترده‌تر و پیچیده‌تر باشد، مسئله هماهنگی در آن حساس‌تر می‌شود. ارتباط فرماندهان یا مدیران با افراد تحت فرماندهی یا مدیریت آنان هرگز نباید به شکل استبدادی درآید، که جرئت اظهار نظر نداشته باشند. اما این سخن بدان معنا نیست که حفظ اصول انضباط و سلسله مراتب و قاطعیت به فراموشی سپرده شود، بلکه جمع بین انضباط و برادری از کارهای بسیار ظریفی است که تنها استعداد و ابتکار فرمانده یا مدیر و آموزش مستمر فرهنگی نفرات می‌تواند آن را تضمین کند. هر قدر سازمانی گسترده‌تر و پیچیده‌تر شود، مسئله هماهنگی در آن حساس‌تر می‌شود، تا آنجا

که گاه انسان با وسایل عادی نمی‌تواند آن را تأمین کند و به‌ناچار از وسایل دقیق صنعتی (مانند کامپیوتر) کمک می‌گیرد (صیادشیرازی، ۱۳۷۵).

بخش اعظم وقت و توان شهید صیادشیرازی صرف هماهنگی بین ارتش و سپاه می‌شد. چون راهبرد ایشان وحدت عملیاتی بین نیروهای ارتش و سپاه بود. وی نقش میانجی و به عبارت بهتر، نقش هماهنگ‌کننده میان سپاه و ارتش را داشت. این کار یکی از کارهای مشکل و در عین حال، نهایت هنر ایشان در فرماندهی بود.

دو گروه فوق نقش مهمی در جنگ داشتند. لیکن از نظر شخصیتی کاملاً با هم متفاوت بودند. گروه اول عبارت بودند از افراد ارتشی که افراد تحصیل‌کرده، متخصص و متعهد بودند. بنابراین، همه کارهایشان نیز بر مبنای آموخته‌ها و فرهنگ سازمانی ارتش بود. اما گروه دومی که شهید صیادشیرازی بر آنها فرماندهی می‌کرد، افراد سپاهی و نیروهای بسیجی بودند. این افراد نیروهای پرشور و انقلابی بودند که در مواردی نظرات گروه ارتشیان را نمی‌پذیرفتند و آنها را محافظه‌کار می‌دانستند و شور شهادت داشتند. اما با توجه به روحیات مذهبی و انقلابی شهید صیادشیرازی، نظریات او را قبول داشتند. چون ایشان خود چهره‌ای انقلابی بود و در جریان پیروزی انقلاب حضور فعالی داشت. وی انسان متواضعی بود که بر دل‌های افراد حکومت می‌کرد و به عبارتی صیاد دل‌ها بود و بسیجیان و کارکنان سپاه به خاطر این خصوصیات او را قبول داشتند و به فرامین او عمل می‌کردند. این شهید بزرگوار با زیر دستانش امین، صریح و با صداقت بود (اعوانی، ۱۳۸۶).

ایشان در تصمیمات، با هر دو گروه مشورت می‌کرد و به گونه‌ای بین شور و شوق و جسارت جوانی و علم و تخصص افراد با تجربه توازن برقرار می‌کرد و برای امت اسلام در نبردها افتخار کسب می‌نمود. ایشان شخص صابری بود و به پیروزی حق علیه باطل معتقد بود. به راه خود، که راه حق بود، ایمان داشت و برای خدا می‌جنگید. فرماندهی صیادشیرازی تلفیقی از شخصیت مذهبی ایشان و اجرای تعاریف دقیق نظامی بود. این فرمانده دلاور عقیده داشت که هرگاه با توکل بر خدا بجنگیم و دشمنان را سرکوب کنیم، کاملاً امیدوارکننده است و نباید دچار آفت غرور شد (دهقان، ۱۳۷۸).

۷. کنترل و نظارت

از وظایف اصلی یک مدیر، که به نحوی کامل‌کننده سایر وظایف وی می‌باشد، بحث نظارت و کنترل است، که این امر متضمن ایجاد کارایی و اثربخشی و به تبع آن بهره‌وری در سازمان‌هاست. مدیران به وسیله کنترل و نظارت نسبت به نحوه تحقق هدف‌ها و انجام عملیات آگاهی می‌یابند و قدرت پیگیری پیدا خواهند کرد، تا در صورت وجود هرگونه انحراف از اهداف و برنامه‌ها و تخطی از انجام عملیات، توان اصلاح آنها را پیدا کنند. هیچ سازمانی بدون داشتن یک سیستم دقیق و جامع نظارت و کنترل نمی‌تواند از منابع و امکانات خود به درستی استفاده کند و در تحقق هدف‌های خود موفق باشد (محمدی آذری، ۱۳۹۰).

کنترل عبارت است از توجه به نتایج کار و پیگیری برای مقایسه فعالیت‌های انجام‌شده با برنامه‌ها و اعمال اصلاحات مقتضی در مواردی که تصور می‌شود از اهداف، انحرافی صورت گرفته است. شهید صیادشیرازی به بازرسی و کنترل عقیده داشت و همواره افراد متعهد و مورد وثوقی را برای انجام این کار منصوب می‌کرد. اما بازرسی و کنترل ایشان برای گرفتن خطاهای افراد نبود و مقصود و هدف او پیشبرد کارها به صورت دقیق بود و صورت و جنبه مثبت بازرسی و کنترل را در نظر می‌گرفت. وی در این زمینه می‌گفت: «تعهد را در چهره خدمت، توکل را در خطرپذیری، شایستگی را در مسئولیت‌پذیری و ایثار را در عمل بباید.» (شکیبا، ۱۳۸۸)

۸. نتیجه‌گیری

یک فرمانده یا مدیر در حیطه فرماندهی و مدیریت خود بایستی با خوش‌روئی ایجاد جاذبه نماید، از بدخوئی بپرهیزد که موجب دافعه می‌گردد، یا به عبارت دیگر، جاذبه را در حد کمال و دافعه را در حد ضرورت ایجاد نماید، گذشت داشته باشد و به آن ظرفیتی برسد که قادر به فوق گذشت (ایثار) باشد، با صفت پسندیده اخلاقی «مشورت» آمیخته باشد، لیکن با رعایت این موارد آنگاه به تصمیم می‌رسد و باید حال و روحیه‌ای داشته باشد که با توکل به خدا، بتواند صدور دستور نماید. شهید صیادشیرازی نمونه‌ای از یک فرمانده موفق و مکتبی و ولایتمدار است. ایشان در مسئولیت‌هایش، به مفاهیم خوش‌خویی، مهربانی، گذشت، مشاوره در تصمیم‌گیری و تلاش در جهت خشنودی و اعتماد به خدا عمل کرد و تربیت قرآنی را در زندگی پیشه خود

ساخته بود. در واقع، او آیه ۱۵۹ سوره آل عمران (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) را به عنوان منش و روش خود برگزیده بود. شجاعت، تهجد، تعبد، ایمان و اخلاص او را به مرتبه‌ای رسانده بود که در تصمیم‌گیری‌ها مقررات، معادلات و فرمول‌هایی که به عنوان نظریه‌های علمی و نظامی جنگ مطرح بودند را با بنیان «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» به کار می‌گرفت و از ورود به صحنه‌های خطرناک تصمیم‌گیری درنگ نمی‌کرد. گویی تعهد و تقوی و ایمان به غیب به مصداق آیه شریفه «ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا» به او معرفتی شهودی بخشیده بود. شاید همین تفاوت و تمایز او با دیگر فرماندهان و کارشناسان نظامی باعث بعضی اختلاف نظرها می‌شد. البته انضباط و دیسیپلین نظامی و عمل دقیق به آموخته‌های نظامی و احترام و تکریم علما و متخصصین نظامی و اینکه هیچ کاری را بدون بررسی دقیق علمی انجام نمی‌داد و اعتقاد عمیق به آیه شریفه «و لا تقف ما ليس لك به علم» همیشه این شکاف را پر می‌کرد و مانع از بی‌انضباطی و عدم اجرای فرامین می‌شد. چه بسا اگر روح ایمانی آن شهید عزیز نبود، سرنوشت جنگ به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. مگر نه اینست که خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»^۱ او به آیات قرآن و احادیث و روایات رسیده از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام با تمام وجود اعتقاد داشت و به نزول ملائکه در شرایط مقاومت یقین داشت و همیشه در بیانات و استدلال‌های عملیاتی، به آیات الهی تمسک می‌جست و به آنها استناد می‌کرد، به نوعی که گویا از آنها تغذیه می‌کند و نشاط روحی و حیات می‌گیرد. ایشان معتقد بودند که هیچ کلامی در اسلام بی‌حکمت نیست. وی ضمن احترام به رعایت اصول علمی در کارها، یک فرمانده تکلیف‌محور بود و می‌گفت: «من یک سرباز کوچک اسلام هستم.»

۹. منابع

۱. اسدی، هیبت الله (۱۳۸۴)؛ هر چند دیر، تهران، ایران سبز.
۲. اقتداری، علی محمد (۱۳۷۵)؛ *سازمان و مدیریت*، انتشارات مولوی.
۳. اعوانی، علی (۱۳۸۶)؛ *سخن آشنا*، تهران، نشر اجا.
۴. اکبری، علی اکبری (۱۳۸۶)؛ *صیاد شیرازی*، نشر یازدها سلام الله علیها.
۵. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۰)؛ *تصمیم گیری و تعیین خط مشی دولتی*، انتشارات سمت.
۶. انبارداران، امیرحسین (۱۳۸۱)؛ *امیر دلاور*، نشر شاهد.
۷. امجدی، عبدالحکیم (۱۳۸۴)؛ *تئوری تصمیم گیری*، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
۸. حسینی، احمد (۱۳۸۶)؛ *جلوه یار*، تهران، ایران سبز.
۹. حسینی، احمد (۱۳۸۸)؛ *صیاد دلها*، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. دهقان، احمد (۱۳۷۸)؛ *ناگفته های جنگ*، انتشارات اسوه.
۱۱. رشیدزاده، فتح الله (۱۳۸۷)؛ *منش و رفتار فرماندهی*، جلد ۱، انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
۱۲. رضائیان، علیرضا (۱۳۸۱)؛ *اصول مدیریت*، انتشارات پیام نور.
۱۳. شکیبا، حمید (۱۳۸۸)؛ *نردبان طنابی*، تهران، ایران سبز.
۱۴. صادقی گویا، علی (۱۳۷۹)؛ *عملیات شیندرا*، تهران، ایران سبز.
۱۵. صیادشیرازی، علی (۱۳۸۱)؛ *یادداشت های ویژه شهید سپهبد علی صیاد شیرازی*، تهران، ایران سبز.
۱۶. صیادشیرازی، علی (۱۳۷۵)؛ *طرح پژوهشی - آموزشی معارف جنگ*، دانشگاه افسری امام علی.
۱۷. کبیری، قاسم، ۱۳۸۶، *مبانی رفتار سازمانی، استیفنز رابینز*، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۸. محمدی آذری، فواد (۱۳۹۰)؛ *تئوری های مدیریت*
۱۹. معراجی پور، محبوبه (۱۳۸۵)؛ *عاشق ترین صیاد*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)؛ *مدیریت و فرماندهی در اسلام*، انتشارات هدف.
۲۱. مومنی، محسن (۱۳۸۲)؛ *در کمین گل سرخ*، تهران، سوره مهر.
۲۲. میرشفیعی، نصرالله و الوانی، مهدی (۱۳۶۸)؛ *مدیریت تولید*، آستان قدس رضوی.
۲۳. نبوی، محمد حسن (۱۳۸۶)؛ *مدیریت اسلامی*، موسسه بوستان کتاب.
۲۴. نوروزی فرسنگی، احمد (۱۳۸۵)؛ *منش فرماندهی*، تهران انتشارات عرشان.
۲۵. ویسی، غلامرضا؛ سواد، محمد علی (۱۳۸۵)؛ *رفتار سازمانی در نگاه مدیریت اسلامی*، زمزم هدایت.

